وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الآخرة والاولی والصلوة
ستایش مر خدایرا که گردانید عبادت را سبب برای رسیدن بنیکی در آخرت و اینجهان و درود
علی سید الوری محمد و عترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد
بر آقای همه آفریده شده محمد و عترت او که پیشوایان راه دین اند
تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح
صافیه برادران ایمانی و اخلاء روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی
تعالی شانه برای هدایت گمگشتگان بوادی جهالت و ضلالت طریق صوم
و صلوة و دعا و عبادات که اشرف طاعات و اقرب طرق نیل سعادات است
مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین
ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحونست از آنها و اینجانب در اخبار
ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد
نموده ام و اکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه و غیرها تحصیل آنها و
عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضایل ایام و لیالی شریفه و
اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق
از برکات آنها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعا و مغفرت یاد نمایند و مسمی
گردانیدم آنرا بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا و ایاهم الی سبیل الرشاد و

اتمام

اتمام این رساله و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت آثار و اوان سلطنت
سعادت آثار اعلی حضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران شیرازه اوراق
ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و
چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم و خاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که
تیغ آبدارش برای سرهای کفار تیره بخت بوی دار بوار و رمح خاراشکافش برای خرمن
حیات مخالفان و معاندان صد و عقرب نسل علیکما شواظ من نار دستهای اعیان مرید
و بغض شادروان رفیع البنیانش باکف الخضیب همیشه ناوخروش صوفیان صافی نشان
بزمزمه دعای خلود دولت ابد توامان با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که
تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون سایه بر خود بلرزید و هر که چهار آیینه نفاق در
برکشید صورت عزل خود را دران دید گره جبین قهرش عقده گشای گرههای کار
بستگان گشاده کف دریانوالش سحاب مزارع املهای بی ثمر دهقان مؤسس قواعد ملت
و دین مروج شریعت آبای طاهرین حیاض ساحت درگاه خلافت پناهش از تقبیل
شفاه سلاطین زمان لبریز و خواقین دوران در صرح ممرد عزت و جلالش ترنم ساز
نیداء قد مسنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ماحی
الاکاسرة و ملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء
السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی
الصفوی بهادرخان لا زالت رایات دولته مرفوعة و هامات اعدائه مقموعة تیسر
گردید تحفه ابنای کاخ خلافت بنواب امیدگاه گردانیده امید که مقبول طبع اشرف گردد و از
اعلی حضرت از فواید آن منتفع گردد بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق والمعین و آن مشتمل
است بر چهارده باب و خاتمه باب اول در فضایل و اعمال ماه رجب است و آن مشتمل بر پنج
فصلست فصل اول در بیان فضایل این ماه و عبادات است بدانکه این ماه و ماه شعبان و رمضان
بهترین ماههای سال اند و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت
ماه رجب و شعبان را بدارد و وصل نماید روزه این دو ماه را بروزه ماه مبارک رمضان این
ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حقتعالی و در روز قیامت منادی از افق
اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و رمضان چگونه بود عمل این بنده در شما و طاعت

بسم الله الرحمن الرحیم
حدثنا السید
الاجل نجم الدین
بهاء الشرف ابو
الحسن محمد بن الحسن
بن احمد بن علی بن
محمد بن عمر بن یحیی
العلوی الحسینی
رحمه الله قال اخبرنا
الشیخ السعید ابو
عبدالله محمد بن
احمد بن شهریار
الخازن
مولانا امیر المؤمنین
علی بن ابی طالب

فوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الاخرة والاولی والصلوة
ستایش مر خدایرا که گردانید عبادت را سبب برای رسیدن به نیکی در آخرت و اینجهان و درود
علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد
بر آقای همه آفریده شده محمد و عترت او که پیشوایان راه هدایتند تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح
صافیه برادران ایمانی واخلاء روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی
تعالی شانه برای هدایت گمگشتگان بوادی جهالت و ضلالت طریق صوم
و صلوة و دعا و عبادات که اشرف طاعات و اقرب طرق نیل سعادات است
مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین
ادعیه و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحون است از آنها و اینخادم اخبار
ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد
نموده ام و اکثر خلق را باعث اشتغال بانواع اشغال دنیویه وغیرها تحصیل آنها و
عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضایل ایام و لیالی شریفه و
اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق
از برکات آنها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بدعا مغفرت یاد نمایند و یسمیه
گردانیدم از ابراد المعاد عسی الله ان یهدینا و ایاهم الی سبیل الرشاد و

بسم الله الرحمن الرحیم حدثنا السید الاجل نجم الدین علاء الشرف ابو الحسن محمد بن الحسن بن احمد بن علی بن محمد بن عمر بن یحیی العلوی الحسینی رحمه الله تعالی قال اخبرنا الشیخ الشهید ابو عبد الله محمد بن احمد بن شهریار الخازن [illegible] مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

اتمام اینرساله و آغاز و انجام این عجاله در زمان دولت عدالت عنوان سلطنت
سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان و سرور خواقین دوران شیرازه اوراق
ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ گلستان مصطفوی چشم و
چراغ دودمان مرتضوی سلطان بجم خدم و خاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که
تیغ ابدارش برای سرهای کفار تهریب بسوی دار بوار روحها اقتدارش برای خرمن
حیات مخالفان و معاندان صدوقی برسل علیکما شواظ من نار دستهای اعیان مزید
رفعتش ادولتش ارفیع البنیانش باکف الخضیب مهندسان و خروش صوفیان صفوی نشان
بر زمزمه دعای خلود دولت ابد توامان باعندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که
تیغ خلاف از نیام کین برکشید چون سایه بر خود بلرزید و هر که چهار اینه نفاق در
برکشید صورت عرکش خود را در آن دید که جبین قهرش عقده کشای گرههای کار
بستگان گشادگی کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای پژمردگان موسس قواعد ملت
و دین مروج شریعت ابای طاهرین حیاض ساحت درگاه خلایق پناهش از تقبیل
شفاه سلاطین زمان لبریز و خواقین دوران در صحن حرم درگاه جلالش نیاز
نیای قد مسنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم مالک
الاکاسرة و ملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء
السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی
الصفوی بهادر خان لا زالت رایات دولته مرفوعة و هامات اعدائه مقموعة تیسر
گردید تحفه ابنای کاخ اخلاق نوامیدگاه گردانیده امید که مقبول طبع اشرف گردد و آن
اعلیحضرت از فواید آن منتفع گردد بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق والمعین و آن مشتمل
است بر چهارده باب و خاتمه باب اول در فضایل و اعمال ماه رجبست و آن مشتمل بر پنج
فصلست فصل اول در بیان فضایل این ماه و عبادات آنست بدانکه این ماه و ماه شعبان و رمضان
بهترین ماههای سالند و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که حرمت
ماه رجب و شعبان را بدارد و وصل نماید روزه این دو ماه را بروزه ماه مبارک رمضان این
ماهها مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حقتعالی و در آن روز منادی از افق
اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و رمضان چگونه بود عمل این بنده در شما و طاعت

وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السعادة فی الاخرة والاولی والصلوة
ستایش مر خدا را که گردانید عبادت را سبب برای رسیدن بنیکی در آخرت و اینجهان ودرود
علی سید الوری محمد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد
بر آقای همه آفریده شده محمد و عترت او که پیشوایان راه‌اند
تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح روان
صافیه برادران ایمانی واخلاء روحانی مینگارد که چون جناب مقدس ایزدی
تعالی شانه برای هدایت گم گشتگان بوادی جهالت وضلالت طریق صوم
وصلوة ودعا وعبادات که اشرف طاعات واقرب طرق نیل سعادات است
مقرر گردانیده واز حضرت رسول خدا وائمه هدی صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین
ادعیه واعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحون است از آنها وانجام خیر
ائمه اطهار علیهم صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد
نموده‌ام واکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشتغالات دنیویه وغیرها تحصیل آنها و
عمل بجمیع آنها میسر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال وفضائل ایام ولیالی شریفه و
اعمال آنها که باسانید صحیحه ومعتبره وارد شده است در این رساله ایراد نمایم که عامه خلق
از برکات آنها محروم نباشند وشاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و مسمی
گردانیدم آنرا بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا وایاهم الی سبیل الرشاد و

اتمام این رساله واغاز وانجام این عجاله در زمان دولت عدالت عنوان سلطنت
سعادت آثار اعلیحضرت سید سلاطین زمان وسرور خواقین دوران شیرازه اوراق
ملت ودین نقاوه احفاد سید المرسلین آب ورنگ گلستان مصطفوی چشم و
چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم وخاقان فرشته حشم شجاعت نژادی که
تیغ ابدارش برای سرهای کفار نهر زیبت جوی دار بوار وحسام اقتدارش برای خرمن
حیات مخالفان ومعاندان صد وقد یرسل علیکما شواظ من نار دستبهاد اعیان مزید
رفعتشان در استان رفیع البنیانش باکف الخضیب مهندسان وخروش صوفیان صفوف نشان
بزمزمه دعای خلود دولت ابد توامان با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی همداستان هر که
تیغ خلافش از نیام کین برکشید چون سایه بر خود بلرزید وهر که چهار ابنیه نفاق در
برکشید صورت عمر خود را در ان دید گره جبین قهرش عقده گشای گرههای کار
بستگان گشادگی کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای بر ثمر دهقان مؤسس قواعد ملت
ودین مروج شریعت بابای طاهرین حیاض ساحت درگاه خلافت پناهش از تقبیل
شفاه سلاطین زمان لبریز وخواقین دوران در صرح ممرد عزت وجلالتش ترزبان
بندای قد مسنا الضر ایها العزیز اعنی السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم ماجد
الاکاسرة وملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء ومشید قواعد الملة البیضاء
السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی
الصفوی بهادرخان لازالت رایات دولته مرفوعة وهامات اعدائه مقموعة تیسیر
گردید تحفه ابنا کاخ خلافت توامید که گردانیده امید که مقبول طبع اشرف گردد وان
اعلیحضرت از فوائد ان منتفع گردد بمحمد واله الطاهرین والله الموفق والمعین وان مشتمل
است بر چهارده باب وخاتمه باب اول در فضایل واعمال ماه رجبست وان مشتمل بر پنج
فصلست فصل اول در بیان فضایل این ماه وعبادات است بدانکه این ماه وماه شعبان ورمضان
بهترین ماههای سال اند واز حضرت رسالت پناه صلی الله علیه واله منقولست که هر که حرمت
ماه رجب وشعبان را بدارد ووصل نماید روزه این دو ماه را بروزه ماه مبارک رمضان این
ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد حقتعالی وندا کند منادی از افق
اعلی که کجایند کسانی که رجب وشعبان ورمضان چگونه بوده اشتغال ایشان در شبها وطاعت

بسم الله الرحمن الرحیم حدثنا السید الاجل نجم الدین ابو القاسم ... نا احمد بن علی بن ... محمد بن عمر بن ... العلوی ... عبد الله ... الشیخ السعید ابو عبد الله محمد بن احمد ... مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی طالب

او از برای خدا همه اینها میگویند که این بنده نوشته گرفت در ماهها برای طاعت تو
استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد و تا توانست اهتمام
در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملائکه که موکلند بر اینماهها که ما نیافتیم این بنده
را مکر طلب کننده طاعت و خوشنودی تو و امیدوار رحمت و امرزش تو و انچه را نهی کرده
بودی ترک کرد و انچه از او طلب کرده بودی بسوی انها مساعت نمود و روزه کامل از برای تو داشت
و شکم و فرج و چشم و گوش و سایر جوارح او از انچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد و روزها
را بتشنگی بسر رسانید و در شبها خود را بتعب افکند برای بندگی تو و تصدق و نفقه بفقرا و مساکین
بسیار کرد و احسان نسبت بایشان بسیار نمود و با اینماهها مصاحبت نیکو کرد و چون از اینها جدا
شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن اینها پیرامون محرمات تو نگردید و نیکو بنده بود این بنده
پس حقتعالی فرماید که ببرید این بنده را بسوی بهشت و استقبال کنند او را ملائکه خدا بتحفها
و کرامتها و او را بر شتران از نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتیکه هرگز زوال ندارد
و خانه که فانی نمیشود و سرائی که جوانانش پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی ان زوال ندارد
و هرگز ایشان را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن گردند و مشقت حساب بر ایشان نیست و ایضا از
انحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خدا است و هیچ ماهی بحرمت و فضیلت بان نمیرسد و قتال
با کافران در اینماه حرامست و رجب ماه خدا است و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست
کسیکه یکروز از ماه رجب را روزه دارد مستوجب خوشنودی بزرگ خدا گردد و غضب
الهی از او دور گردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد و بسند معتبر از حضرت
موسی بن جعفر علیهما السلام منقولست که هر که یکروز از ماه رجب را روزه دارد اتش جهنم
یکساله راه از او دور گردد و هر که سه روز از انرا روزه دارد بهشت از برای او واجب
گردد و ایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر هر که
یکروز از ماه رجب را روزه دارد البته از ان نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود که ماه رجب ماه استغفار
امت منست پس بسیار در اینماه طلب امرزش کنید که خدا امرزنده و مهربانست و رجب را
اصب میگویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بسیار بگوئید
استغفر الله و اسئله التوبة و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول

فی نعیم مقیم
الاول من حسنات
ستة عشر من حسنات
الی ان قال علیه
اسمع قال سمعت
علی الشیخ الصدوق
وابو منصور محمد بن
احمد بن عبد العزیز
العکبری العدل
رحمه الله قال حدثنا ابو
الفضل محمد بن
عبد الله بن المطلب
الشیبانی قال
حدثنا الشریف
ابو عبد الله

است که هر که سه روز از ماه رجب روزه بدارد بهر روزی ثواب یکسال برای او بنویسند
و هر که هفت روز از ان روزه بدارد هفت در جهنم بر روی او بسته گردد و هر که
هشت روز از ان روزه دارد هشت در بهشت بر روی او گشاده شود و هر که پانزده
روز از ان روزه بدارد خدا حساب او را اسان بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه
بدارد حق تعالی خوشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خوشنودی خود را برای
او بنویسد هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه ره بسند معتبر از سالم روایت کرده
است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اخر ماه رجب که چند روز از
ان مانده بود چون نظر مبارک انحضرت بر من افتاد پرسید که ایا روزه گرفته در اینماه
گفتم نه والله ای فرزند رسول خدا فرمود که انقدر ثواب از تو فوت شده است که قدر
انرا بغیر از خدا کسی نمیداند بدرستیکه اینماهیست که خدا انرا بر ماههای دیگر فضیلت داده است
و حرمت انرا عظیم گردانیده است و برای روزه داران ان گرامیداشتن را بر خود واجب گردانیده
است پس گفتم یا ابن رسول الله اگر در باقی مانده اینماه روزه بدارم ایا ببعضی از ثواب روزه
داران ان فایز میگردم فرمود که ای سالم هر که یکروز از اخر اینماه روزه بدارد خدا او را
ایمن گرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که دو روز از اخر
اینماه را روزه بدارد بر صراط باسانی بگذرد و هر که سه روز از اخر اینماه را روزه بدارد ایمن گردد
از ترس بزرگ روز قیامت و از شدتها و هولهای انروز و برات بیزاری از اتش جهنم باو عطا کنند
و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که هر که یکروز از اول ماه رجب یا از وسط
ان یا از اخر انرا روزه بدارد گناهان گذشته اش امرزیده شود و هر که سه روز از اول
یا میان یا اخر ماه رجب را روزه بدارد گناهان گذشته و اینده اش امرزیده شود و هر که
یکشب از اینماه را احیا کند حق تعالی او را از اتش جهنم ازاد گرداند و قبول کند شفاعت
او را در حق هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدقی از برای خدا بکند خدا و نعمتها
در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی
خطور نکرده باشد و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که چون روز
قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور روهای
ایشان جمیع محشر را روشن کرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد

جعفر بن
محمد بن جعفر بن محمد بن
جعفر بن الحسن بن الحسن
ابن امیر المؤمنین علی
بن ابی طالب علیهم السلام
قال حدثنا عبد الله
بن عمر بن خطاب الزیات
سنة خمس وستین و
مأتین قال حدثنی علی بن
علی بن النعمان الاعلم
قال حدثنی عثمان بن عمر
الشیخ البلخی عن ابیه
متوکل بن هرون
قال الشیخ یحیی بن زید

بمروارید و یاقوت و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از
جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا گرامیهای حق تعالی ای بنده خدا پس خداوند
رحمن ندا کند ایشانرا که ای بندگان و کنیزان من بعزت و جلال خود سوگند یاد میکنم که
شما را در ماوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت
غرفها که در زیر آنها نهرها جاری باشد و همیشه در آن غرفها باشید و نیکو مزدیست مزد
کارکنان از برای من زیرا که بر شما واجب کرده بودم روزه داشتن را از برای من در ماهی که حرمت
آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل
بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسیست که چیزی از ماه مبارک رجب
را روزه دارد اگرچه یکروز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از حضرت
امام رضا روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد بجهت خدا در قیامت از او
خوشنود باشد و هر که دو روز را روزه دارد حق تعالی بعتاب از او خوشنود و راضی گردد
و او را خوشنود گرداند و هر که سه روز از روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد
و خصمان او را از او راضی گرداند در قیامت و هر که هفت روز از روزه بدارد چون بمیرد
درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هر که هشت روز از را
روزه بدارد در هشت در بهشت برای او گشوده شود و هر که پانزده روز از روزه بدارد هر
حاجت که از حق تعالی بطلبد بر آورد مگر آنکه سؤال وی برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم
باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده
باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و احادیث
در این باب بسیار است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد فصل دویم در بیان
اعمالیست که کسیکه از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد بعوض آن بعمل آورد و در بعض
از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه مستحب یکدرهم تصدق کند که موافق تحریرها
این زمان تقریباً هفتاد دینار بوده باشد و بروایتی دیگر عوض روزه یکمد گندم یا جو وارد
شده است و احوط در تصدق درم شاهیست و ظاهر آنکه درم کهنه کافی باشد
و در روایتی در خصوص روزه ماه مبارک رجب یک گرده نان نیز وارد شده است اگر
قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه پریشان باشد و قادر بر درهم و مد

نباشد و ایضاً در خصوص روزه ماه رجب از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد
شده است که بعوض روزه اگر قادر بر آن نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیح را
بخوانند تا ثواب سُبحانَ الاِلهِ الجَلیلِ سُبحانَ مَن لا یَنبَغی التَّسبیحُ الّا
روزه را بیابد — پاک است خدای بزرگوار پاک است آنکه سزاوار نیست پاکی را مگر
لَهُ سُبحانَ الاَعَزِّ الاَکرَمِ سُبحانَ مَن لَبِسَ العِزَّ وَ هُوَ لَهُ اَهلٌ و در روایات
برای او پاکا آنکه غالب تر و گرامی تر پاک است آنکه پوشیده لباس عزت را و او مر او را سزاوار است معتبره وارد
شده است که هر که بمنزل برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او
طعام حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد
برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است و زن را روزه
سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر
و مهمان را بی رخصت میهماندار و میهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست
و مشهور میان علما آنستکه روزه سنت مملوک بدون اذن مالک باطلست و همچنین روزه
سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنستکه روزه سنت فرزند
بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند بی رخصت پدر باطلست و
احوط آنستکه بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون
رخصت میهماندار نیز خلافست و احوط آنستکه مهمان و میهماندار هیچیک بی رخصت دیگری
روزه مستحب ندارند اگرچه اظهر آنستکه مکروه است فصل سیم در بیان اعمال هر شب
و هر روز است بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در روز اول ماه رجب
این دعا را میخواندند و علما ذکر کرده اند یا مَن یَملِکُ حَوائِجَ السّائِلینَ وَ یَعلَمُ ضَمیرَ
که در هر روز سنت است خواندن — ای آنکه مالک است حاجتهای خواهشمندان را و میداند نهانی
الصّامِتینَ لِکُلِّ مَسئَلَةٍ مِنکَ سَمعٌ حاضِرٌ وَ جَوابٌ عَتیدٌ اللّهُمَّ وَ مَواعیدُکَ
روزه داران مر هر سؤالی از تو شنوائی حاضر و جوابی آماده خداوندا وعدهای تو
الصّادِقَةُ وَ اَیادیکَ الفاضِلَةُ وَ رَحمَتُکَ الواسِعَةُ فَاَسئَلُکَ اَن تُصَلّیَ عَلی
راست است و نعمتهای تو زیاد است و رحمت تو گشاده است پس درخواست میکنم ترا که رحمت فرستی بر
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تَقضِیَ حَوائِجی لِلدُّنیا وَ الآخِرَةِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ و بسند
محمد و آل محمد و اینکه بر آوری حاجتهای مرا در دنیا و آخرت بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی معتبر

منقولست که حضرت صادق در هر خاب الوافدون علی غیرک وخسر المتعرضون
روز ماه رجب این دعا میخواندند ناامید شدند واردان بر غیر تو و زیان کردند متوجه شدگان
الا لک وضاع الملمون الا بک واجدب المنتجعون الا من انتجع فضلک
مگر ترا و ناچیز شدند بندگان مگر بتو و قحطی یافتند طالبان مگر آنکه طلب کرد بخشش ترا
بابک مفتوح للراغبین وخیرک مبذول للطالبین وفضلک مباح للسائلین
درگاه تو گشاده است مرخواهشمندان را و خیر تو بخشیده شده برای طلبکاران و بخشش تو حلالست مرخواهندگان
ونیلک متاح للآملین ورزقک مبسوط لمن عصاک وحلمک معترض لمن
وعطای تو مقدر شده برای امیدمندان و روزی تو پهن شده مرآنکه نافرمانی کرد ترا و بردباری تو فرا پیش آمده مرآنکه
ناواک عادتک الاحسان الی المسیئین وسبیلک الابقاء علی المعتدین
دشمنی کرد ترا شیوه تو نیکی است بسوی بدکاران و طریقه تو مدارا و رحمت بر ستمکاران
اللهم اهدنی هدی المهتدین وارزقنی اجتهاد المجتهدین ولا تجعلنی من الغافلین
خداوندا هدایت کن مرا هدایت راه یافتگان و روزی کن مرا سعی کردن سعی کنندگان و مگردان مرا از بیخبران
المبعدین واغفر لی یوم الدین وایضا بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت
دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا حضرت صادق عرض کرد که فدای تو شوم این ماه
رجبست مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز از ماه رجب در
صبح و پسین و بعد از همه نمازها در شب و روز این دعا را بخوان
یا من ارجوه لکل خیر وآمن سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر
ای آنکه امیدوارم او را برای هر نیکی و ایمن باشم از خشم او نزد هر بدی ای آنکه عطا کند بسیار را
بالقلیل یا من یعطی من سأله یا من یعطی من لم یسأله ومن لم یعرفه تحننا
باندک ای آنکه عطا کند هر که سؤال کند او را ای آنکه عطا کند هر که سؤال نکند او را و نشناسد او را مهربانی
منه ورحمة اعطنی بمسألتی ایاک جمیع خیر الدنیا وجمیع خیر الآخرة واصرف
از او و رحمتی عطا کن مرا بسؤال من ترا همه خیر دنیا و همه خیر آخرت و بگردان
عنی بمسألتی ایاک جمیع شر الدنیا وشر الآخرة فانه غیر منقوص ما اعطیت
از من بسؤال من ترا همه بدی دنیا و بدی آخرت پس بدرستیکه کم نگشته آنچه عطا کنی
وزدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت
و بیفزا مرا از فضل خود ای بزرگوار سبابه دست راست خود را بجانب راست و چپ حرکت میدادند
و این دعا را یا ذا الجلال والاکرام یا ذا النعماء والجود یا ذا المن والطول حرم شیبتی
میخواندند ای خداوند بزرگوار و گرامی ای صاحب عطا و جود ای صاحب عطا و احسان حرام کن

علی النار و دست بر نداشتند تا از ریش مبارک اش ترشح شد و شیخ طوسی بسند معتبر
بر آتش روایت کرده است که حضرت صادق بمعلی بن خنیس گفتند که در ماه
رجب این دعا را بخوان اللهم انی اسئلک صبر الشاکرین لک وعمل الخائفین منک ویقین
خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا صبر شکرکنندگان مر ترا و عمل ترسندگان از تو و یقین
العابدین لک اللهم انت العلی العظیم وانا عبدک البائس الفقیر وانت
پرستندگان مر ترا خداوندا توئی بلند مرتبه بزرگ و منم بنده تو بدحال محتاج و توئی
الغنی الحمید وانا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد وآله وامنن بغناک
بی نیاز ستوده و منم بنده خوار خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و منت گذار به بی نیازی خود
علی فقری وبحلمک علی جهلی وبقوتک علی ضعفی یا قوی یا عزیز اللهم صل
بر فقر من و بردباری بر نادانی من و بتوانائی تو بر ضعف من ای توانا ای غالب خدایا رحمت فرست
علی محمد وآله الاوصیاء المرضیین واکفنی ما اهمنی من امر الدنیا والآخرة
بر محمد و آل او وصیهای پسندیدگان و دفع کن از من آنچه غمگین ساخته مرا از امر دنیا و آخرت
یا ارحم الراحمین واز روایت سید بن طاوس ظاهر میشود که این دعا جامع ترین
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان دعاهاست و در همه اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و
سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر روایت کرده اند اللهم انی اسئلک
که سنتست در هر روز از روزهای ماه مبارک رجب این دعا را بخوانند خدایا بدرستیکه سؤال میکنم ترا
بالمولودین فی رجب محمد بن علی الثانی وابنه علی بن محمد المنتجب وأتقرب
بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد پسر علی دویم و پسر او علی پسر محمد برگزیده و نزدیکی میجویم
بهما الیک خیر القرب یا من الیه المعروف طلب وفیما لدیه رغب اسئلک
بآن دو بدرگاه تو بهترین نزدیکیها ای آنکه بسوی او احسان طلب کرده و در آنچه نزد او است رغبت کرده میخواهم از تو
سؤال مقترف مذنب قد اوبقته ذنوبه واوثقته عیوبه فطال علی الخطایا
خواستن عاجز گنهکاری و بسته باشد او را گناهان او و بسته باشد او را عیبهای او پس طول بکشید بر گناهان
دؤوبه ومن الرزایا خطوبه یسئلک التوبة وحسن الاوبة والنزوع عن
کوشش او و از مصیبتها امور عظیمه درخواهد از تو توبه و نیکی رجوع و ایستادن از
الحوبة ومن النار فکاک رقبته والعفو عما فی ربقته فانت یا مولای
گناهان و از آتش آزادی گردن او و درگذشتن از آنچه در گردن او پس تو ای آقای من
اعظم امله وثقته اللهم واسئلک بمسائلک الشریفة ووسائلک المنیفة
بزرگترین آرزوی او و اعتماد او خدایا و سؤال میکنم بسؤالهای شریف و وسیلهای بلند تو

اَن تَنعَمَّدَنی فی هذَا الشَّهرِ بِرَحمَةٍ مِنکَ واسِعَةٍ وَنِعمَةٍ وازِعَةٍ وَنَفسٍ بِمارَزَقتَها
اینکه بپوشانی مرا در این ماه برحمت از تو فراخ و نعمتی که بازدارنده باشد و نفسی بانچه روزی داده او را
قانِعَةٍ اِلی نُزُولِ الحافِرَةِ وَمَحَلِّ الآخِرَةِ وَما هِیَ اِلَیها صائِرَةٌ و از حضرت رسول
قانع تا فرود آورده در قبر و محل آخرت و آنچه بسوی او بر میگردد
صَلَّی اللهُ عَلَیه
واله منقولست که در جمیع ماه رجب اَستَغفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیهِ پس دستها را بعد
بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید آمرزش میطلبم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او اسمان بردارد و بگوید
اَللّهُمَّ اغفِرلی وَتُب عَلَیَّ و این استغفار در جمیع ایام سال سنتست و هزار مرتبه
خداوندا بیامرز مرا و بپذیر برگشتن
سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در
ان وارد شده است اگر خواهد در یکروز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند
کردن تمام هزار مرتبه خوانده باشد و ایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله الا
الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی در بهشت شهری
از برای او بنا کند و در هر شب از شبها این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است
و صد مرتبه این استغفار نیز منقولست در جمیع ماه اگر چهارصد مرتبه بخواند فضیلت
بسیار اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَتُوبُ اِلَیهِ
دارد طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست خدائی مگر او یگانه نیست شریکی مر او را و بازگشت میکنم بسوی او
و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله فرمود که
هر که در هر شب و هر روز ماه رجب و شعبان و رمضان سه مرتبه سوره حمد و آیة الکرسی
و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب
الناس و سه سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ وَلا حَولَ وَ
مرتبه بگوید ستایش مر خدا را و حمد مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگترست و نیست حول و
لا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ و سه مرتبه اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
نه قوتی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ بگوید خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
و سه مرتبه اَللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ و چهارصد استغفر الله واتوب
بگوید خداوندا بیامرز مردان گرونده و زنان گرونده
مرتبه بگوید آمرزش میخواهم از خدا و بازگشت
الیه گناهانش را خدا بیامرزد اگرچه بعدد قطرهای باران و برگ درختان و کف

قلت نعم قال اولیت بالخوص البکر وجوههما من العلم وانی خبرته دعا املاه علی ابی عبد الله علیه السلام وحدثنی انا اباه محمد بن علی علیهما السلام املاه علیه وجده امر عن قرائنه علی بن الحسین علیهما السلام نعم قال الکامل الصحیفة بیحیی فنظر فیه فقال الی الاخرة فقال له اتاذن لی فی نسخه فقلت

دریاها باشد و در روز عید حق تعالی او را ندا کند که براستی تو دوست منی و
بهر حرفی ترا شفاعتی میدهم در حق برادران و خواهران مؤمن تو و حضرت فرمود
که اگر در عمری یکبار این را بعمل آورد حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو عطا
کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد و هفتصد حاجت او را در
وقت مردن و هفتصد حاجت او را در قبر و هفتصد حاجت او را در وقت بیرون
آمدن از قبر و مثل آن را در وقت پرواز کردن نامهای اعمال و نزد سنجیدن اعمال
در میزان و نزد صراط برآورد و او را در سایه عرش خود جا دهد و حساب او را آسان کند
حساب آسان و هفتاد هزار ملک او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود و باو عطا
کند آنچه هیچ چشمی ندیده باشد و هیچ گوشی نشنیده باشد فصل چهارم
در بیان فضایل و اعمال شب و روز اول است تا روز پانزدهم در شب اول ماه غسل
سنتست و منقولست که در شب اول ماه رجب و شب پانزدهم و شب آخر آن غسل
کند از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و در وقت دیدن
ماه نو دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است و هفت مرتبه سوره حمد را
بخواند تا از درد چشم ایمن گردد و در هر ماهی این سنتست و منقولست که چون ماه رجب
را ببیند اَللّهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَینا بِالاَمنِ وَالاِیمانِ وَالسَّلامَةِ وَالاِسلامِ رَبّی وَ
ببیند بگوید خدایا طالع گردان بر ما باسودگی و ایمان و سلامتی و اسلام پروردگار و
رَبُّکَ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ و در شب اول و روز اول زیارت حضرت امام حسین فضیلت بسیار
پروردگار خداست عز و جل
دارد و در حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند بهشت
او را واجب شود البته و احیای شب اول سنتست و از حضرت صادق منقولست که تا توانی
محافظت نما بر احیای شب عید ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب
اول رجب و شب نیمه شعبان و در این شبها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاَنَّکَ مَلیکٌ
که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخوان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو باینکه تو پادشاهی
وَاَنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ مُقتَدِرٌ وَاَنَّکَ ما تَشاءُ مِن اَمرٍ یَکُونُ اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیکَ
و اینکه تو بر هر چیزی توانائی و آنکه تو آنچه خواهی از هر امری میشود خداوندا بدرستیکه من رو آوردم بسوی تو

یا بن رسول الله اتشاذن فیما هو عنکم فقال ما الاخر الیک مضیفه من النعماء الکامل حفظها ابی من ابیه وان ابیا اوصانا بصونها ومنعها عن غیر اهلها قال عمیر فقال ابی قمت الیه فقبلت راسه وقلت له والله یا بن رسول الله انی لا دین الله بحبکم وطاعتکم وانی لارجو ان یسعدنی الله فی حیاتی و مماتی بولایتکم

بنبيك محمد نبي الرحمة صلواتك عليه وآله يا محمد يا رسول الله اني اتوجه بك الى الله
بپیغمبر تو محمد پیغمبر رحمت رحمتهای تو براو و آل او ای محمد ای فرستاده خدا بدرستیکه من روی آوردم بسوی خدا

ربي وربك لينجح بك طلبتي اللهم بنبيك محمد صلى الله عليه وآله وبالائمة
پروردگار من و پروردگار تو تا برآورده شود حاجت مرا خداوندا بحق پیغمبر تو محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و پیشوایان

من اهل بيته انجح طلبتي پس حاجات خود را طلب نماید و بیست رکعت نماز نیز
از خانواده او برآور حاجت مرا

وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و یکمرتبه سوره قل هو الله احد بخواند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ می شدند این دعا را در سجده میخواندند اللهم لك المحمدة ان اطعتك ولك الحجة ان عصيتك
خداوندا مر تراست حمد اگر فرمان برداری کنم ترا و تراست حجت اگر نافرمانی کنم

لا صنع لي ولا لغيري في احسان الا بك يا كائنا قبل كل شيء ويا مكون كل شيء
نیست کرداری مرا و نه غیر مرا در نیکی مگر بتو ای موجود پیش از هر چیزی و ای پدید آرنده هر چیز

انك على كل شيء قدير اللهم اني اعوذ بك من العديلة عند الموت ومن شر
بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از عدیله نزد مرگ و از بدی

المرجع في القبور ومن الندامة يوم الآزفة فاسئلك ان تصلي على محمد
بازگشت در قبر و از پشیمانی روز رستخیز پس میخواهم از تو آنکه رحمت فرستی بر محمد

وآله وان تجعل عيشي عيشة نقية وميتتي ميتة سوية ومنقلبي منقلبا كريما
و آل او و اگر بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست و بازگشت مرا بازگشت گرامی

غير مخز ولا فاضح اللهم صل على محمد وآله الائمة ينابيع الحكمة واولي النعمة
که نباشد خوار کننده و نه رسوا نماینده خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل و پیشوایان چشمهای حکمت و صاحبان نعمت

ومعادن العصمة واعصمني بهم من كل سوء ولا تاخذني على غرة وعلى
و معدنهای عصمت و نگاهدار مرا بایشان از هر بدی و مگیر مرا بر فریفتگی و بر

غفلة ولا تجعل عواقب اعمالي حسرة وارض عني فان مغفرتك للظالمين وانا من
بیخبری و مگردان آخر کردار مرا افسوس و خشنود شو از من پس بدرستیکه آمرزش تو برای ستمکاران و منم از

الظالمين اللهم اغفر لي ما لا يضرك واعطني ما لا ينقصك فانك الواسع رحمته
ستمکاران خداوندا بیامرز مرا آنچه ضرر بتو نرساند و عطا کن مرا آنچه کم نکند ترا پس بدرستیکه تو فراخ است رحمت او

البديع حكمته واعطني السعة والدعة والامن والصحة والنجوع والقنوع
پدید آورنده است حکمت او و بده مرا فراخی و رفاهیت و ایمنی و صحت و فربهی و قناعت

والشكر والمعافاة والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى اوليائك
و سپاس گذاری و عافیت و پرهیزکاری و شکیبائی و راستی بر تو و بر دوستان تو

واليسر والشكر واعمم بذلك يا رب اهلي وولدي واخواني فيك ومن احببت
و آسانی و شکرگذاری و فرو گیر ای پروردگار اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو و آنکه دوست داشتم

واحبني وولدت وولدني من المسلمين والمسلمات والمؤمنين والمؤمنات يا رب
و دوست دارد مرا و آنکه زائیدم و زائید مرا از مردان مسلم و زنان مسلم و مردان گروند و زنان گرونده ای پروردگار

العالمين وايضا بسند معتبر منقولست که مستحبست که بعد از الحمد لله الذي لا
جهانیان

سلام گفتن نماز و تر چنانکه نشسته است این دعا بخواند سپاس مر خدا را که

تنفد خزائنه ولا يخاف منه رب ان تكتب المعاصي فذلك ثقة بكرمك انك
پایان نپذیرد خزینهای او و نترسد امان یافته او پروردگارا اگر بجا آورم معاصی را پس این اعتماد است بکرم تو بدرستیکه تو

تقبل التوبة عن عبادك وتعفو عن سيئاتهم وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك
می پذیری توبه را از بندگانت و میگذری از بدیهای ایشان و می آمرزی لغزشها را پس بدرستیکه تو جواب دهنده خواننده

ومنه قريب فانا تائب اليك من الخطايا وراغب اليك في توفر حظي من العطايا
و از او نزدیکی پس من بازگشت کننده ام بسوی تو از خطاها و رغبت کننده ام بسوی تو در وافر گردانیدن بهره من از بخششها

يا خالق البرايا يا منقذي من كل شديدة يا مجيري من كل محذور وفر علي السرور
ای پدید آورنده خلایق ای رهاننده من از هر سختی ای پناه من از هر محذور زیاد کن بر من شادی را

واكفني شر عواقب الامور فانت الله على نعمائك وجزيل عطائك مشكور
و کفایت کن از من بدی عاقبت کارها را پس بدرستیکه تو خدائی بر نعمتهای خود و وافری عطای خود شکر کرده شده

ولكل خير مذخور وايضا از حضرت امام علي نقي عليه السلام منقولست که بعد از نماز وتر این دعا بخوانند يا نور النور يا مدبر الامور
و برای هر نیکی ذخیره شده ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها

يا مجري البحور يا باعث من في القبور يا كهفي حين تعييني المذاهب وكنزي حين
ای جاری سازنده دریاها ای برانگیزاننده آنانکه در قبرهایند ای پناه من هنگام ماندن من از راهها و گنج من هنگام

تعجزني المكاسب ومونسي حين تجفوني الا باعد وتملني الاقارب ومنزهي بمجالسة
عاجز کنند مرا کسبها و مونس من هنگامیکه ستم کنند مرا دوران و تمکین سازند مرا نزدیکان و پاک کننده به همنشینی

اوليائه ومرافقة احبائه في رياضه وساقيا بمؤانسته من نهر حياضه و
دوستان خود و رفاقت احبای خود در بوستانها و ای آب دهنده با انس خود از آبهای گوارای حوضهای خود و

زافعي بمجاوزته من ورطة الذنوب الى ربوة التقريب في منازل اوليائه عزة العطايا
بلند کن مرا بهمسایگی خود از نشیب گودالهای گناهان بسوی پشته نزدیک و بدل کننده من بدوستی از ارجمندی عطاها

مِن ذِلَّةِ الخَطایا اَسئَلُكَ یا مَولایَ بِالفَجرِ وَاللَّیالِی العَشرِ وَالشَّفعِ وَالوَترِ

از خاری خطاها سؤال میکنم ترا ای مولای من بحق صبح و شبها دوگانه و تکرار و طاق

اللَّیلِ اِذا یَسرِ وَبِما جَرِیٰ بِهِ قَلَمُ الاَقلامِ بِغَیرِ کَفٍّ وَلا اِبهامٍ وَبِاَسمائِكَ العِظامِ

شب چون درگذرد و بحق آنچه روان شد بآن قلم قلمهای بی کف و بی انگشت و بحق نامهای تو که بزرگوارند

وَبِحُجَجِكَ عَلیٰ جَمیعِ الاَنامِ عَلَیهِم مِنكَ اَفضَلُ السَّلامِ وَبِمَا استَحفَظتَهُم مِن

و بحجتهای تو بر همه نامهای ایشان از تو بهتر درود و بآنچه امر بحفظ نمودی ایشان از

اَسمائِكَ الکِرامِ اَن تُصَلِّیَ عَلَیهِم وَتَرحَمَنا فِی شَهرِنا هٰذا وَما بَعدَهُ مِنَ الشُّهُورِ

نامهای تو بزرگوار اینکه رحمت فرستی بر ایشان و رحم کنی ما را در شهر ما این ماه و آنچه بعد از آنست از ماهها

وَالاَیّامِ وَاَن تُبَلِّغَنا شَهرَ الصِّیامِ فِی عامِنا هٰذا وَفِی کُلِّ عامٍ یا ذَا الجَلالِ وَالاِکرامِ

و در روزها و اینکه برسانی ما را ماه روزه از این سال و در هر سال ای خداوند بزرگوار گرامی

وَالمِنَنِ الجِسامِ وَعَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِنّا اَفضَلُ السَّلامِ واعمال و ادعیهٔ این

و منتهای بزرگ و بر محمد و آل او از ما بهترین درود شب بسیاراست و روزه

روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز اول ماه

رجب نوح بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند روزه

بدارند و هر که آنروز را روزه بدارد آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و از

حضرت امام رضا منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه رجب را از برای رغبت

در ثواب خدا بهشت از برای او واجب شود و هر که یکروز از وسط اینماه روزه بدارد حق

تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله عظیمند از

قبایل عرب و هر که یکروز از آخر اینماه روزه بدارد حقتعالی او را از پادشاهان

بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر

و خواهر و عمو و عمه و خالو و خالهٔ او و جمیع همسایگان و آشنایان و هر چند همه

مستوجب جهنم شده باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رضی الله عنه

روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالتپناه صلی الله

علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن یا زن

مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه سورهٔ حمد

سه مرتبه قل هو الله احد و سه مرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخواند البته

سبحان خالق ... ان یقع مثل هذا العلم الی غیر اهله فکتموه ... فانفضها ... فقضی الله من امره ... ما عرفنا ... ابن الحسن ... فانهما القائمان

حقتعالی محو کند از نامهٔ عمل او هر گناهی را که در کوچکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا

کند باو ثواب کسی را که تمام اینماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده حقتعالی او را

از عذاب نگاه دارد و فرشتگان بنویسند و در هر روز اینماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر

برای او و باسمان ببرند و بهر روز که در اینماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامهٔ

عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه

بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل

اینماز را برای من آورد و گفت یا محمد اینعلامتیست میان شما و میان منافقان زیرا که اینماز را

منافقان نمیکنند گفتم یا رسول الله چگونه اینماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود

که در روز اول ماه ده رکعت بجا میآوری یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت

یکمرتبه سورهٔ حمد و سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون

میخوانی و بعد از هر سلام دست لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ لَهُ المُلكُ

نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را مر او راست پادشاهی

بسوی آسمان بلند کن و بگو

وَلَهُ الحَمدُ یُحیی وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الخَیرُ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ

و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده ایست که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست خداوندا

لا مانِعَ لِما اَعطَیتَ وَلا مُعطِیَ لِما مَنَعتَ وَلا یَنفَعُ ذَا الجَدِّ مِنكَ الجَدُّ پس دستها را

نیست بازدارنده مر آنچه را که بخشش کنی و نه بخشنده مر آنچه را که بازداری و نه سود میدهد خداوند غنی را از تو غنی بروی خود

میکشی و در روز وسط یعنی پانزدهم ماه ده رکعت بهمان نحو بجا میآوری و بعد از هر سلام

دستها بسوی آسمان بر لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ لَهُ المُلكُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیی

میداری و میگوئی نیست خدائی مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند

وَیُمیتُ وَهُوَ حَیٌّ لا یَمُوتُ بِیَدِهِ الخَیرُ وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدِیرٌ اِلٰهاً واحِداً اَحَداً فَرداً

و میمیراند و او زنده ایست که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر هر چیزی تواناست خدای یگانه یکتای تنها

صَمَداً لَم یَتَّخِذ صاحِبَةً وَلا وَلَداً پس دستها بروی خود میکشی و در روز آخر ماه باز ده رکعت

بی نیاز است نگرفته زنی و نه فرزندی

بهمان نحو میکنی و بعد از هر سلام دست بر میداری

و میگوئی لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَرِیكَ لَهُ لَهُ المُلكُ وَلَهُ الحَمدُ یُحیی وَیُمیتُ وَهُوَ

نیست خدائی مگر خدای یگانه که شریک ندارد مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند و او

فی هذا الامر ... قال المتوکل ... فنصب علی الخشبة ... فلما قتل یحیی بن زید صرت الی المدینة فلقیت ابا عبد الله ... علیه السلام ... الحدیث عن یحیی ... فبکی واشتد وجده ... یرحم الله ... ابن عمی ... بآبائه واجداده ... منعنی ... الذی ...

حتی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین
زنده است که نمیمیرد بدست اوست نیکی و او بر همه چیزی تواناست و درود و رحمت خدا بر محمد و آل او که پاکیزه اند
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس دستها را بر روی خود بمالد و حاجت خود
و نیست حولی و نه توانائی مگر بخدا بلند مرتبه بزرگ
را طلب کند البته بر آورده است و حق
تعالی میان او و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین آسمان و
زمین بوده باشد و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل او مینویسند
و برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط برای او مینویسند و منقولست که هر که در
روز جمعه ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی در قیامت او را نوری
عطا کند که او را بنور داخل بهشت کند و در حدیث معتبر وارد شده است که حضرت امام محمد باقر در
روز جمعه اول ماه رجب متولد شده است و جمعی زیاده بر شیخ ابن بابویه کرده اند و در روایتی
وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی در روز دوم ماه رجب واقع شده و بروایت
دیگر در روز سیم ماه رجب واقع شد و بروایت ابراهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سیم
واقع شد است و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در پنجم این ماه واقع شده است و
ولادت امام محمد تقی در دهم این ماه واقع شده است و در بعضی از روایات فضیلت روز
دهم این ماه واقع شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره وارد شده
است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی از امتهای گذشته نداده
است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر
نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است
که مثل آنها بامتهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره
قل هو الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع کرده
خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این
سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از سوره حمد این سه سوره
را بخواند و در شب چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت
بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام

و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع
گناهانش آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را
روزه دارد حق تعالی بهر روزی عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در
قیامت او را در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که
ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب
بود دوازده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و علی بن
ابرهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی نیز در روز سیزدهم ماه رجب بود در
سال دویست و چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است
و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهیکه در دیوان اعمال مؤمنان
باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم
رجب را روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه
نصوح و بهر روزیکه روزه داشته هفتاد گناه کبیره او آمرزیده شود و هفتاد حاجت
او بر آورده شود در وقتیکه از قبر بیرون میاید و نزد میزان و نزد صراط و چنان
باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کنند
در هفتاد نفر از اهل بیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشد و حق تعالی بنا کند از
برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در
هر قصری هفتاد هزار حور بهشتی باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی
رحمه الله بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در شب نصف
رجب دوازده رکعت نماز بجا میاوری یعنی بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی و چون
فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو
الله احد و آیة الکرسی را چهار سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر
پاکست خدا و ستایش مر خدا را و نیست خدائی مگر خدا و خدا بزرگ
مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگوئی
پس الله الله ربی لا اشرک به شیئا و ما شاء الله لا قوة الا بالله و در
میگوئی خدا خدا پروردگار منست شریک نمی آورم باو چیزی را و آنچه خواهد خدا نیست قوتی مگر بخدا و شب

وروز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت موکد است و بسند صحیح از ابن ابی نصر منقول
است که از حضرت امام رضا سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین در کدام وقت
بهتر است فرمود که در نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید
کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که حضرت امیر المؤمنین ع
در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود و این دعا را خواند پس فرمود
که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد این دعا را بخواند البته فرج و شدت او زایل گردد و
این چهار رکعت را بدو سلام میکند و هر سوره که خواهد بعد از حمد بخواند و دعا
این است اَللّٰهُمَّ یا مُذِلَّ کُلِّ جَبّارٍ وَیا مُعِزَّ الْمُؤْمِنینَ اَنْتَ کَهْفی حینَ تُعْیینِی الْمَذاهِبُ
خداوندا ای خوار کننده هر متکبر و ای عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامیکه عاجز کند راهها
وَاَنْتَ بارِئُ خَلْقی رَحْمَةً بی وَقَدْ کُنْتَ عَنْ خَلْقی غَنِیّاً وَلَوْلا رَحْمَتُکَ لَکُنْتُ مِنَ
و تو بدیدار آورنده خلقت مرا بمهربانی بر من و بتحقیق بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه میبودم از
الْهالِکینَ وَاَنْتَ مُؤَیِّدی بِالنَّصْرِ عَلی اَعْدائی وَلَوْلا نَصْرُکَ اِیّایَ لَکُنْتُ مِنَ
هلاک شدگان و تو قوت دهنده مرا بیاری بر دشمنانم و اگر نبود یاری تو مرا هر آینه میبودم از
الْمَفْضُوحینَ یا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعادِنِها وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ مِنْ مَواضِعِها یا
رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و فرستنده برکت از جاهای آن ای
مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِیاؤُهُ بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ
آنکه مخصوص است ببزرگی و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیزترند ای آنکه گذاشتند برای او پادشاهان
نیرَ الْمَذَلَّةِ عَلی اَعْناقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَواتِهِ خائِفُونَ اَسْئَلُکَ بِکَیْنُونِیَّتِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَها
نیر خواری بر گردنهای شان پس ایشان از غضبهای او ترسانند سؤال میکنم ترا بوجود تو که بیرون آوردی
مِنْ کِبْرِیائِکَ وَاَسْئَلُکَ بِکِبْرِیائِکَ الَّتِی اشْتَقَقْتَها مِنْ عِزَّتِکَ وَاَسْئَلُکَ بِعِزَّتِکَ الَّتِی
از بزرگواری خود و سؤال میکنم ترا ببزرگواری تو که بیرون آوردی آنرا از عزت خود و سؤال میکنم ترا بعزت تو
اسْتَوَیْتَ بِها عَلی عَرْشِکَ فَخَلَقْتَ بِها جَمیعَ خَلْقِکَ فَهُمْ لَکَ مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّیَ
که استیلا دادی بآن بر عرش تو پس آفریدی بآن همه خلق خود را پس ایشان مر ترا خاضعند اینکه رحمت فرستی
عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ پس حاجات خود را از حقتعالی طلب نماید و بدانکه عمده اعمال نصف
رجب دعای ام داود است که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید بن طاوس رضی الله عنهم بسندهای
معتبر روایت کرده اند و برای برآمدن حاجات و کشف کربات و دفع ظلم ظالمان

فادعهما الیها فلما فضمت للقاضیة فاقال لی مکانک فقو حضر الی محمد وابراهیم بحابا فقال هذا مبارات ابن عمک یحیی بن ابن عبد الله الحسن دوننا خوف نحن مثنی طوون علیه فیه شرط افقال لا وجعل الله فل تقولان القبول فقال لا نخرج جابلا الصفیح ثم الله نبه فالا ان لم شیء ذلک قال لی ابن عمک قال لا انا خاف علیها حین علم ابن نفیل فقال

مجرب و مجمل روایاتش آنستکه فاطمه مادر داود بن الحسن پسر زاده امام حسن مجتبی ع
دایه حضرت امام جعفر صادق ع بود و بشیر داود آنحضرت را شیر داده بود و چون محمد بن
عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرده بود و منصور دوانقی لشکر فرستاد و او را کشتند
و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن و جمعی از سادات حسینی را با غل
و زنجیر از مدینه بعراق بردند و او نیز در میان آنها بود ام داود گفت چون مدتی
از حبس فرزندم گذشت و از او خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا
و نیکان و برادران مؤمن استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت
نمییافتم و گاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم او در زیر
عمارت زنده گذاشتند و روز بروز مصیبت من عظیمتر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از
غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید گردیدم تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق علیه السلام
عارض شده بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال گرفتم و دعا کردم خواستم برگردم حضرت فرمود
که از داود چه خبر داری و من شیر داود را بآنحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و
گفتم فدای تو شوم داود کجاست او در عراق محبوس است و من از ملاقات او قطع امید کردم
و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید که او برادر رضاعی شماست حضرت فرمود چرا غافلی از
دعای استفتاح و آن دعائیست که درهای آسمان برای او گشوده میشود و ملائکه
استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و آن دعائیست که از
مجیب الدعوات محجوب نمیگردد و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند
طاهرین و راستگویان چگونه است آن دعا حضرت فرمود ای ام داود نزدیک است ماه محرم یعنی ماه
رجب و داخل شده است و آن ماهیست مبارک و حرمتش عظیم است و دعاها در آن مستجابست
چون آن ماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آنرا که ایام البیض اند روزه بدار پس حضرت
کیفیت العمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهمه کس تعلیم مکن که میترسم بدست
کسی افتد که برای امر باطلی و نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریفست
و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته حاجت او بر آورده میشود و اگر درهای
آسمان و زمین همه بسته شود یا دریاها حایل باشند میان تو و حاجت تو چون این دعا
را بخوانی البته حقتعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا بر می

ابو عبد الله ع واتیها فلما ان تامت فوالله ان لاع علی اتیک بخیر ان جاء خرج وستقبل اونی کما قیل فقالوا ولد یقولون لا اخال ولا قوة الا بالله العلی العظیم فلما خرجا قال لی ابو عبد الله علیک السلام یا ام داود کیف قال لک الربیع ان عفی عن محمد بن علی وانبعث جعفر ادعوا الناس الی النجوة ونحن ندعونا منهم الی الکون والمتعلت اصلحک الله ابن فعلت قال لی ابن علی بحیی

اورده هر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میکرداند خواه مرد و خواه زن و اگر جن و انس
همه دشمن فرزند تو باشند خداوند قادر کفایت شر ایشان میکند و زبان ایشان را می
بندد و ایشان را منقاد فرزند تو میکرداند ام داود گفت که حضرت این دعا را برای
من نوشت و بخانه برکشتم چون ماه رجب داخل شد این عمل که حضرت فرموده بود بعمل آوردم
و در شب پانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار نمودم و قدری عبادت
کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عباد که من بر ایشان
صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرا خطاب فرمود که ای مادر
داود بشارت باد ترا که این جماعت که می‌بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تواند و از
برای تو طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا بانکه حاجت تو بر آورده است پس
بشارت باد ترا بآمرزش خدا و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای خیر دهد و شاد باش که
حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند و بتو بر میکرداند ان شاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب
بیدار شدم و بعد از آن باندک زمانی که سوار تندروی از عراق بمدینه آید داود
بنزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم
و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای
زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردی چند بودند
که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند
پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت و کمان
کردم که حضرت رسالت پناه جد من است خطاب کرد بمن که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزه صالحه
که حق تعالی دعا مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار شدم رسولان منصور دوانیقی بدر
زندان رسیدند بطلب من آمده بودند در همان شب مرا بنزد او بردند پس امر کرد تا زنجیرها را
برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و
فرمود که مرا بر شتر رهواری سوار کنند و بسرعت تمام بمدینه بیاورند ام داود گفت که
من داود را بخدمت حضرت صادق علیه السلام بردم حضرت فرمود که سبب خلاص تو آن بود که
منصور حضرت امیر المؤمنین ع را در خواب دید که باو فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا
در این آتش می اندازم چون نظر کرد دریای آتش در زیر پای خود دید پس از وحشت بیدار

ذلک الفضال
بن جهم عن الهیثم
ابن حمزة عن ابی عبد
عن عبد الله عن علی علیه
السلام ان رسول
الله صلی الله علیه
و آله وسلم اخذته
نعسة و هو علی منبره
فرأی فی منامه
رجالا ینزون علی
منبره نزو القردة
یردون الناس علی
اعقابهم القهقری
فاستوی رسول الله
جالسا والحزن
یعرف فی وجهه فاتاه
جبرئیل علیه السلام
بهذه الآیة و ما
جعلنا الرؤیا التی
اریناک

شد و از کرده خود پشیمان کردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که
حضرت صادق فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و
در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایتی نزدیک بزوال غسل بکن و چون
زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن
که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول کرداند و با تو سخن بکوید و هشت رکعت نافله زوال
را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر ده رکعت
نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بکو یا قاضی حوائج الطالبین
و هشت رکعت نافله عصر را با آداب بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده
است که در هر رکعت از نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه قل هو الله احد و یک مرتبه
سوره انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی
وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه
سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را یکمرتبه
بخوان سوره انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمن و یس و والصافات و حم سجده و حمعسق
و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن والقلم و اذا السماء
انشقت تا آخر قرآن و اگر نتوانی این سورها را از روی مصحف درست بخوانی بعوض هر
هزار مرتبه قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید رحمه الله گفته است که اگر ندانی یا نتوانی
این سورهای مخصوص را بخوانی صد مرتبه سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه قل
هو الله احد بخوان و این احوط است و در روایتی دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد
مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و بعد از آیة الکرسی
بکوید *پاک است خدا و ستایش مر خدا راست و خدائی نیست مگر خدا و خدای بزرگ* صد مرتبه بکوید
اللهم صل علی محمد و آل محمد و اگر آیة الکرسی را نیز درست نتواند بخواند صد مرتبه سوره
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد حمد و هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند پس دعا را بخواند و
آیة الکرسی بهتر آنست که تا هم فیها خالدون بخواند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم
صدق الله العظیم الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام الرحمن
راست گفت خدای بزرگ که نیست خدائی مگر او زنده توانا صاحب بخشش و کرم بخشنده

الا فتنة
للناس والشجرة
الملعونة فی القرآن
و نخوفهم فما یزیدهم
الا طغیانا کبیرا یعنی
بنی امیة قال یا جبرئیل
اعلی عهدی یکونون
و فی زمنی قال لا
و لکن تدور رحی الاسلام
من مهاجرک فتلبث
بذلک عشرا ثم تدور
رحی الاسلام علی
راس خمس و ثلثین من
مهاجرک فتلبث بذلک
خمسا ثم لا بد من
رحی ضلالة هی قائمة
علی قطبها ثم ملک
الفراعنة قال و

الرحيم الحليم الكريم الذي ليس كمثله شيء وهو السميع البصير العليم الخبير شهد

الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو

العزيز الحكيم وبلغت رسله الكرام وانا على ذلك من الشاهدين اللهم لك الحمد ولك

المجد ولك العز ولك الفخر ولك القهر ولك النعمة ولك العظمة ولك الرحمة

ولك المهابة ولك السلطان ولك البهاء ولك الامتنان ولك التسبيح ولك

التقديس ولك التهليل ولك التكبير ولك ما يرى ولك ما لا يرى ولك ما فوق

السموات العلى ولك ما تحت الثرى ولك الارضون السفلى ولك الآخرة والاولى

ولك ما ترضى به من الثناء والحمد والشكر والنعماء اللهم صل على جبرئيل امينك

على وحيك والقوي على امرك والمطاع في سمواتك ومحال كراماتك المتحمل

لكلماتك الناصر لانبيائك المدمر لاعدائك اللهم صل على ميكائيل ملك رحمتك

والمخلوق لرافتك والمستغفر المعين لاهل طاعتك اللهم صل على اسرافيل

حامل عرشك وصاحب الصور المنتظر لامرك والوجل المشفق من خيفتك اللهم صل

على عزرائيل ملك الموت الموكل على عبيدك وامنائك المطيع في ارضك وسمائك

قابض ارواح جميع خلقك اللهم صل على حملة العرش الطاهرين وعلى

ملائكة الذكر اهل التامين على دعاء المؤمنين وعلى السفرة الكرام البررة

الطيبين وعلى ملائكتك الكرام الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران

وملك الموت والاعوان يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع

فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك واَبحته جنتك اللهم صل على امنا

حواء المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين

محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح

وابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب و

ايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس والياس واليسع

وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا وشعيا ويحيى وتورخ ومتى

وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين

والاتباع وخالد وحنظلة ولقمن اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا

وآل محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم

وآل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء و

ائمة الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد

وَاَهْلِ الْجِدِّ وَالْاِجْتِهَادِ وَاخْصُصْ مُحَمَّدًا وَاَهْلَ بَيْتِهِ بِاَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ
و اهل سعی و کوشش و مخصوص کن محمد و اهل بیت او را بهترین رحمتهای خود

وَاَجْزَلِ كَرَامَاتِكَ وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَزِدْهُ فَضْلًا
و افضل تر نوازشهای تو برسان روح او را و هیکل او را از من درود و سلام و افزون کن او را بخشش

وَشَرَفًا وَكَرَمًا حَتّٰى تُبَلِّغَهُ اَعْلٰى دَرَجَاتِ اَهْلِ الشَّرَفِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ
و شرف و بزرگواری تا برسانی او را برلندتر درجهای اهل شرف از پیغمبران و فرستادگان

وَالْاَفَاضِلِ الْمُقَرَّبِينَ اَللّٰهُمَّ وَصَلِّ عَلٰى مَنْ سَمَّيْتُ وَمَنْ لَمْ اُسَمِّ مِنْ مَلٰٓئِكَتِكَ
و فاضلترین مقربان خداوندا رحمت فرست بر آنکه نام بردم و آنکه نام نبردم از ملائکه تو

وَاَنْبِيَآئِكَ وَرُسُلِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ وَاَوْصِلْ صَلَوَاتِي اِلَيْهِمْ وَاِلٰى اَرْوَاحِهِمْ
و پیغمبران و فرستادگان و اهل فرمانبرداری تو و برسان درودهای مرا بسوی ایشان و بسوی ارواح

وَاجْعَلْهُمْ اِخْوَانِي فِيكَ وَاَعْوَانِي عَلٰى دُعَآئِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَيْكَ
و بگردان ایشان را برادرم در راه تو و یاورانم بر خواندن تو خداوندا البته شفاعت جویم بتو بسوی تو

وَبِكَرَمِكَ اِلٰى كَرَمِكَ وَبِجُودِكَ اِلٰى جُودِكَ وَبِرَحْمَتِكَ اِلٰى رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ
و بکرم تو بسوی کرم تو و بجود تو بسوی جود تو و برحمت تو بسوی رحمت تو و باهل

طَاعَتِكَ اِلَيْكَ وَاَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِكُلِّ مَا سَئَلَكَ بِهِ اَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ
فرمانبردار تو بسوی تو و میخواهم از تو خداوندا هرچه درخواسته تو را بآن یکی از ایشان از سؤال

شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِمَا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجَابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يَا اَللّٰهُ يَا
بزرگی که بر نگردد و بآنچه بر نگردد ترا بآن از خواندن قبول شده و محروم نشده ای خدا ای

رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا مُنِيلُ يَا جَمِيلُ يَا كَفِيلُ يَا وَكِيلُ
بخشنده ای مهربان بردبار ای گرامی ای بزرگ ای باجلال ای رساننده ای نیکو ای ضامن ای وکیل

يَا مُقِيلُ يَا مُجِيرُ يَا خَبِيرُ يَا مُنِيرُ يَا مُبِيرُ يَا مَنِيعُ يَا مُدِيلُ يَا مُحِيلُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا بَصِيرُ
ای درگذرنده ای پناه ای آگاه ای روشن کننده ای هلاک کننده ای دولت ده ای بزرگوار ای توانا ای بینا

يَا شَكُورُ يَا بَرُّ يَا طُهْرُ يَا طَاهِرُ يَا قَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا سَاتِرُ يَا مُحِيطُ يَا مُقْتَدِرُ
ای جزا دهنده ای نیکو ای پاک کننده ای باقهر ای هویدا ای پنهان ای پوشنده ای فراگیرنده ای مقتدر

يَا حَفِيظُ يَا مُتَجَبِّرُ يَا قَرِيبُ يَا وَدُودُ يَا حَمِيدُ يَا مَجِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا شَهِيدُ
ای نگاه دارنده ای بزرگوار ای نزدیک ای دوست ای ستوده ای بزرگوار ای پدید آرنده ای بازگرداننده ای گواه

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا قَابِضُ يَا بَاسِطُ يَا هَادِي يَا مُرْسِلُ يَا
ای نیکوکار ای نیکوکن ای نعمت ده ای بخشنده ای گسترانده ای راهنما ای فرستنده ای

يَا مُرْشِدُ يَا مُسَدِّدُ يَا مُعْطِي يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا بَاقِي يَا وَاقِي يَا خَلَّاقُ يَا وَهَّابُ
ای راهنما ای کمک کننده ای بخشنده ای بازدارنده ای دفع کننده ای بی زوال ای نگاه دارنده ای بخشنده

يَا تَوَّابُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَاحُ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا نَفَّاعُ يَا رَؤُوفُ يَا عَطُوفُ
ای پذیرنده ای گشاینده ای سودرساننده ای آنکه بدست اوست هر کلید ای سودبخش ای مهربان ای مهربان

يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي يَا مُكَافِي يَا وَفِيُّ يَا مُهَيْمِنُ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا سَلَامُ
ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای عافیت ده ای جزا ده ای وفا کننده ای ارجمند ای غالب ای کار فرما ای بزرگوار ای امان

يَا مُؤْمِنُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا نُورُ يَا مُدَبِّرُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ يَا قُدُّوسُ يَا نَاصِرُ يَا مُونِسُ
ای امان ده ای یگانه ای بی نیاز ای هویدا ای تدبیر کننده ای یکتا ای بیهمتا ای منزه ای یاری ده ای انیس

يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا عَالِمُ يَا حَاكِمُ يَا بَادِي يَا مُتَعَالِي يَا مُصَوِّرُ يَا مُسَلِّمُ يَا مُتَحَبِّبُ يَا
ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا ای حکم کننده ای پدیدارنده ای بلند ای صورت ده ای سلامتی ده ای دوستی کننده

قَآئِمُ يَا دَآئِمُ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا جَوَادُ يَا بَارِئُ يَا بَارُّ يَا سَارُّ يَا عَدْلُ يَا فَاصِلُ يَا دَيَّانُ
پاینده ای همیشه ای دانا ای درست کار ای بخشنده ای آفریدگار ای نیکوکار ای با انصاف ای جدا کننده

يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا سَمِيعُ يَا بَدِيعُ يَا خَفِيرُ يَا مُعِينُ يَا نَاشِرُ يَا غَافِرُ يَا قَدِيمُ يَا مُسَهِّلُ
ای بسیار مهربان ای بخشنده ای شنونده ای پدید آورنده ای پناه دهنده ای یاری کننده ای آمرزنده ای دیرینه ای هموار کننده

يَا مُيَسِّرُ يَا مُمِيتُ يَا مُحْيِي يَا نَافِعُ يَا رَازِقُ يَا مُقْتَدِرُ يَا مُسَبِّبُ يَا مُغِيثُ يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي
ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده ای سود دهنده ای روزی ده ای اندازه کننده ای سبب سازنده ای فریادرس ای بی نیاز کننده ای

يَا خَالِقُ يَا رَاصِدُ يَا وَاحِدُ يَا حَاضِرُ يَا جَابِرُ يَا حَافِظُ يَا شَدِيدُ يَا غِيَاثُ يَا عَآئِدُ
ای آفریدگار ای نگهبان ای یگانه ای پیدا ای خداوند قهر ای نگاهدار ای توانا ای فریادرس ای نفع رسان

يَا قَابِضُ يَا مُنِيبُ يَا مُبِينُ يَا طَاهِرُ يَا ظَاهِرُ يَا مُجِيبُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا مُسْتَجِيبُ يَا عَادِلُ يَا
و ای گیرنده ای پذیرنده ای طاهر ای آشکار ای پذیرنده ای بخشنده ای قبول کننده ای دادخواه

بَصِيرُ يَا مُؤَمَّلُ يَا مُسَدِّي يَا اَوَّابُ يَا وَافِي يَا رَاشِدُ يَا مَلِكُ يَا رَبُّ يَا مُذِلُّ يَا مُعِزُّ يَا
بینا ای امید دهنده خیرات ای بخشنده ای با وقار ای صاحب رشد ای پادشاه ای پروردگار ای خوار کننده ای ارجمند

مَاجِدُ يَا رَازِقُ يَا وَلِيُّ يَا فَاضِلُ يَا سُبْحَانُ يَا مَنْ عَلَا فَاسْتَعْلٰى فَكَانَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰى
سازنده ای روزی دهنده ای یاور ای فاضل ای پاک ای آنکه بلند است پس بلند است پس هست در دید بلند

يَا مَنْ قَرُبَ فَدَنٰى وَبَعُدَ فَنَاٰى وَعَلِمَ السِّرَّ وَاَخْفٰى يَا مَنْ اِلَيْهِ التَّدْبِيرُ وَلَهُ الْمَقَادِيرُ
ای آنکه نزدیکست پس نزدیک و دور پس دور ماند آشکار و پنهان ای آنکه بسوی اوست تدبیر و مر اوست اندازه

يَا مَنِ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَيَا مَنْ هُوَ عَلٰى مَا يَشَآءُ قَدِيرٌ يَا مُرْسِلَ الرِّيَاحِ
ای آنکه هر دشواری بر او آسان است و ای آنکه او بر آنچه میخواهد توانا است ای فرستنده بادها

يا فالق الإصباح يا باعث الأرواح يا ذا الجود والسماح يا رادّ ما قد فات
ای شکافنده صبحها ای برانگیزاننده روحها ای خداوند جود و کرم ای برگرداننده آنچه فوت شد

يا ناشر الأموات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل ما
ای زنده سازنده مردها ای فراهم آورنده پراکنده ای روزی دهنده هرکه را خواهد بی شمار و ای کننده آنچه

يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والإكرام يا حيّ يا قيّوم يا حيّ حين لا حيّ يا
خواهد هر طور که خواهد ای خداوند بزرگوار و کرامی ای زنده ای توانا ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای

حيّ يا محيي الموتى يا حيّ لا إله إلّا أنت بديع السموات والأرض يا إلهي وسيّدي
زنده ای زنده کننده مردها ای زنده نیست خدائی مگر تو پدید آرنده آسمانها و زمین ای خدای من و آقای من

صلّ على محمّد وآل محمّد وارحم محمّداً وآل محمّد وبارك على محمّد وآل محمّد
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم کن بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

كما صلّيت وباركت وترحّمت على إبرهيم وآل إبرهيم إنّك حميد مجيد وارحم
چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده و بزرگواری و بخشش

ذلّي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك واعتمادي عليك
خواری مرا و شکستگی مرا و احتیاج مرا و انفراد و تنهائی مرا و بی کسی مرا و فروتنی مرا در پیش تو و اعتماد مرا بر تو

وتضرّعي إليك أدعوك دعاء الخاضع الذليل الخاشع الخائف المشفق
و زاری من بسوی تو است میخوانم ترا خواندن فروتنی کننده خوار گردیده زاری کننده ترسان بیمناک

البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ المستجير المقرّ بذنبه المستغفر
محتاج خفیف حقیر گرسنه محتاج پناه برنده زنهار جوینده اقرار کننده بگناه آمرزش خواهنده

منه المستكين لربّه دعاء من أسلمته ثقته ورفضته أحبّته وعظمت
از گناه فروتنی کننده مر پروردگار دعائی که خوار گذاشته او را معتمد او و ترک نموده او را دوستان او و بزرگ باشد

فجيعته دعاء حرق حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهمّ وأسألك
مصیبت او خواندن سوخته غمگین ناتوان خوار محتاج تضرع کننده باشد بتو پناه برنده خداوندا سؤال میکنم

بأنّك مليك وأنّك ما تشاء من أمر يكون وأنّك على ما تشاء قدير وأسألك
بآنکه تو پادشاهی و بدرستیکه تو آنچه خواهی از امری میشود و بدرستیکه تو بر آنچه میخواهی توانائی و میخواهم از تو

بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن والمقام و
بحرمت این ماه حرام و خانه محرم و شهر حرام و رکن و مقام و

المشاعر العظام وبحقّ نبيّك محمّد عليه وآله السلام يا من وهب لآدم شيثاً
جای عبادت بزرگ و بحق پیغمبر تو محمد بر او و آل او باد سلام ای آنکه بخشید مر آدم را شیث

حدثنا عبد الله بن عمر بن خطاب الزيات قال حدثني خالي علي بن النعمان الاعلم قال حدثني عمير بن متوكل الثقفي البلخي عن ابيه متوكل بن هرون قال املى علي سيدي الصادق ابو عبد الله جعفر بن محمد قال املى جدي علي بن الحسين على ابي محمد بن علي عليهم اجمعين السلام بمشهد مني وكان من دعائه عليه السلام اذا ابتدأ بالدعاء بدأ بالتحميد لله عز وجل والثناء عليه فقال الحمد لله الاول بلا اول كان قبله

ولإبرهيم إسمعيل وإسحق ويا من ردّ يوسف على يعقوب ويا من كشف
و مر ابراهیم را اسمعیل و اسحق و ای آنکه برگردانید یوسف را بر یعقوب و ای آنکه زایل کرد

بعد البلاء ضرّ أيّوب يا رادّ موسى على أمّه ويا زائد الخضر في علمه و
پس از امتحان بدحالی ایوب ای بازگرداننده موسی را بر مادر او و ای افزاینده خضر در دانش او و

يا من وهب لداود سليمان ولزكريّا يحيى ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب
ای آنکه بخشید مر داود را سلیمان و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر شعیب

ويا كافل ولد أمّ موسى أسألك أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن تغفر لي
و ای کارگذار نده فرزند مادر موسی درخواهم از تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی

ذنوبي كلّها وتجيرني من عذابك وتوجب لي رضوانك وأمانك وإحسانك
گناه مرا همه آنرا و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم کنی برای من خشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را

وغفرانك وجنانك وأسألك أن تفكّ عنّي كلّ حلقة بيني وبين
و آمرزش خود را و بهشت خود را و سؤال میکنم ترا اینکه باز داری از من هر حلقه که میان من و میان

من يؤذيني وتفتح لي كلّ باب وتلين لي كلّ صعب وتسهّل لي كلّ عسير وتخرس عنّي
آنکه ایذا کند مرا و بگشائی برای من هر دری را و نرم کنی برای من هر دشوار را و آسان کنی برای من هر مشکل را و گنگ سازی برای من

كلّ ناطق بشرّ وتكفّ عنّي كلّ باغ وتكبت لي كلّ عدوّ لي وحاسد وتمنع منّي كلّ
هر سخنگوی بدی و باز داری از من هر تجاوز کننده و خوار سازی برای من هر دشمن مرا و حاسد مرا و منع کنی از من هر

ظالم وتكفيني كلّ عائق يحول بيني وبين حاجتي ويحاول أن يفرّق بيني وبين طاعتك
ستمگر را و کفایت کنی مرا از هر مانعی که حایل شود میان من و فرزند من و قصد کند آنکه جدائی افکند میان من و میان طاعت تو

ويثبّطني عن عبادتك يا من ألجم الجنّ المتمرّدين وقهر عتاة الشياطين و
و مشغول سازد مرا از بندگی تو ای آنکه لجام کرد همه دیو سرکشان و غلبه کردی تجاوز کننده دیوان را

أذلّ رقاب المتجبّرين وردّ كيد المتسلّطين عن المستضعفين أسألك بقدرتك
و خواری گردنهای متکبران و برگرداننده کید مسلطان را از ناتوانان درخواهم از تو بتوانائی تو

على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء أن تجعل قضاء حاجتي فيما
بر آنچه خواهی و آسان گردانیدن تو مر آنچه خواهی هر طور که خواهی اینکه بگردانی برآوردن حاجت مرا در آنچه

تشاء ثمّ يسجد بروو پهلوروي اللهمّ لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلّي وفاقتي و
خواهی خود را بر خاک بگذار و بگو خداوندا مر ترا سجده کردم و بتو گرویدم پس رحم کن خواری مرا و شکستگی مرا و

اجتهادي وتضرّعي ومسكنتي وفقري إليك يا ربّ ثمّ حضر فرمود که سعی کن که آب
و جهد مرا و زاری مرا و درویشی مرا و احتیاج مرا بسوی تو ای پروردگار از دیده ات بیرون بیاید اگرچه قلیل

قال والآخر بلا آخر يكون بعده الذي يقصر عن رؤيته ابصار الناظرين ويعجز عن نعته اوهام الواصفين ابتدع بقدرته الخلق ابتداعا واخترعهم على مشيته اختراعا ثم سلك بهم طريق ارادته وبعثهم في سبيل محبته لا يملكون تأخيرا عما قدمهم اليه ولا يستطيعون تقدما الى ما اخرهم عنه وجعل لكل روح منهم قوتا معلوما مقسوما من رزقه لا ينقص

سر یکی بوده باشد که انفعالات جانبین عاشق و در دعا اللهم لک سجدت وبک آمنت
روایتی دیگر وارد شده است که در سجده این دعا را بخوانند خداوندا از برای تو سجده کردم و بتو گرویدم
فارحم ذلی وخضوعی بین یدیک وفقری وفاقتی الیک وارحم انفرادی
پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا پیش روی تو احتیاج مرا و شکستگی مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا
وخشوعی واجتهادی بین یدیک وتوکلی علیک اللهم بک استفتح وبک
و زاری مرا و کوشش مرا در پیش روی تو و توکل من بسوی تو است خداوندا بتو گشایش میجویم و بتو
استنجح وبمحمد عبدک ورسولک واله اتوجه الیک اللهم سهل لی کل حزونة
کامیابی میجویم و بمحمد بنده تو و فرستاده تو و آل او روی آوریم بسوی تو خداوندا آسان کن برای من هر ناهمواری
وذلل لی کل صعوبة واعطنی من الخیر اکثر مما ارجو وعافنی من الشر
و خوار کن برای من هر دشواری را و بده مرا از نیکی بیشتر از آنچه امید دارم و عافیت ده مرا از بدی
واصرف عنی السوء وبروایتی یکصد مرتبه در سجده بگوید یا قاضی حوائج الطالبین اقض
و بگردان از من بدی را ای برآورنده حاجتهای حاجتمندان برآور
حاجتی بلطفک یا خفی الالطاف ودر روایت معتبر وارد شده است که
حاجت مرا بلطف خود آنکه پنهان است الطاف تو
داود بحضرت عرض کرد ای سید و آقای
من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند
و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را
امرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنماه را روزه بدارد و در روز پانزدهم این
دعا را بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش برآورده میشود و در روایتی دیگر وارد است
که حضرت فرمود در روز عرفه و هر روزیکه این دعا را بخواند حاجات او برآورده میشود
مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آنرا
یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا
آورد بمطلوب فایز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سایر ایام
متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بجا آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرم که ذی القعده
و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة
شهر الحرام و هذا نیفزاید بهتر باشد فصل پنجم در بیان فضایل و اعمال
نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در روز هجدهم آنماه ابراهیم

پسر رسول خدا از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که در این مصیبت شماتت کرده اند
مناسب است خصوصا و ابن عیاش که یکی از محدثان شیعه است گفته است که
حضرت فاطمه صلوات الله علیها در بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه
خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و اله ثواب دارد و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسب بنحویکه مذکور
خواهد شد انشاء الله تعالی و شیخ مفید ره گفته است که در بیست و دوم اینماه معویه
علیه اللعنه بجهنم واصل شده است و مستحب است که این روز را روزه دارند بشکر
این نعمت و در روز بیست و سیم اینماه خارجیان خنجر زهر آلود بر ران مبارک حضرت امام
حسن مجتبی زدند زیارت آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسب است و در
روز بیست و چهارم اینماه فتح خیبر بدست معجز نمای علی بن ابی طالب شد و مرحب
یهودی بدست آنحضرت کشته شد و گفته اند روزه این روز بشکر این نعمت و زیارت
آنحضرت مناسب است و شیخ ره ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
در روز بیست و پنجم ماه رجب واقع شده است اما احادیث بسیار در فضیلت این
روز و ثواب روزه اش وارد شده است و روایتی نقل کرده اند از ابن بابویه و غیر
او که حضرت رسول در روز بیست و پنجم ماه رجب مبعوث برسالت شد و این خلاف مشهور و
احادیث بسیار است که بعد از این مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه اش شکی
نیست چنانچه از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که روزه اش کفاره دویست سال گناه
است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا ع روایت که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را
روزه بدارد حقتعالی روزه او را کفاره هفتاد سال گناه گرداند و ایضا از آنحضرت
منقولست که هر که روز بیست و ششم ماه رجب را روزه دارد حقتعالی روزه او را کفاره
هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست و هفتم اینماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزیست
که حضرت رسول ص در آن روز برسالت بر امت مبعوث گردید و جبرئیل بر پیغمبری بر آنحضرت
نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکیست و بسند معتبر از حضرت امام
محمد تقی ع منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای مردم از آنچه آفتاب بر
آن میتابد و آن شب بیست و هفتم اینماه است و در صبح آنشب حضرت رسول برسالت مبعوث

نشد و کسیکه عبادت کند اینشب را مثل چهل سال عبادت خدا با او عطا میفرماید
پرسیدند که عمل اینشب چیست فرمود که چون نماز خفتن کردی بخواب و هر وقت از شب
که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیز و دوازده رکعت نماز
بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره از سورهای
کوچک بعد از یس را بخوان و چون از همه فارغ شوی چنانکه نشسته سوره حمد و قل
اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و
انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یکرا هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان
الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من
الذل و کبره تکبیرا اللهم انی اسئلک بمعاقد عزک علی ارکان عرشک
و منتهی الرحمة من کتابک و باسمک الاعظم الاعظم الاعظم و ذکرک الاعلی
الاعلی و بکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی
ما انت اهله پس هر حاجت که خواهی بطلب که هر چه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه
حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان طلب کنی و روز شنبه را
روزه بدار که از برای تو حساب میشود بروزهٔ یکسال و بسند معتبر دیگر از حضرت
موسی بن جعفر منقولست که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت شب که باشد دوازده رکعت
نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ
برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شود در همان مکان
چهار لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و لا حول و لا قوة الا
مرتبه بگو
بالله العلی العظیم پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید که بهر یک از این دو
روایت که عمل کند خوبست و اگر هر دو را بکند بهتر است

و اگر نماز شب نصف رجب را که بسند صحیح مذکور شد در این شب بجا آورد خوبست و
در این روایت وارد شده است که در اینشب نیز بجا آورند و شیخ طوسی رحمه الله گفته است
که غسل در اینشب مستحبست و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام در اینشب مناسبست و این دعا نیز وارد شده است که
در اینشب بخوانند اللهم انی اسئلک بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم
و المرسل المکرم ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تغفر لنا ما انت به منا اعلم
یا من یعلم و لا یعلم اللهم بارک لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف الرسالة فضلتها
و بکرامتک اجللتها و بالمحل الشریف احللتها اللهم فانا نسئلک بالمبعث الشریف
و السید اللطیف و العنصر العفیف ان تصلی علی محمد و آله و ان تجعل اعمالنا
فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی مقبولة و ذنوبنا مغفورة و حسناتنا مشکورة
و سیئاتنا مستورة و قلوبنا بحسن القول مسرورة و ارزاقنا من لدنک
بالیسر مدرورة اللهم انک تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی و ان الیک
الرجعی و المنتهی و ان لک الممات و المحیا و ان لک الآخرة و الاولی اللهم انا
نعوذ بک ان نذل و نخزی و ان نأتی ما عنه تنهی اللهم انا نسئلک الجنة
برحمتک و نستعیذ بک من النار فاعذنا منها بقدرتک و نسئلک من الحور
العین فارزقنا بعزتک و اجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سننا و احسن

اعمالنا عند اقتراب آجالنا واطل في طاعتك وما يقرّب اليك ويحظي
کردارهای ما را نزدیک شدن اجلهای ما و دراز کن در طاعت خود و آنچه نزدیک میکند بسوی تو و بهره مند سازد
عندك ويزلف لديك اعمارنا واحسن في جميع احوالنا وامورنا معرفتنا
نزد تو و نزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را و نیکو کن در همه احوال و کارهای ما شناختن
ولا تكلنا الى احد من خلقك فيمنّ علينا وتفضّل علينا بجميع حوائجنا للدنيا
و وامگذار ما را بسوی هیچیک از آفریده خود پس منت بر ما و بخشش بر ما بهمه حاجتهای ما بر دنیا
والآخرة وابدأ بآبائنا وامهاتنا وابنائنا وجميع اخواننا المؤمنين في
و آخرت و ابتدا کن بپدران ما و مادران ما و پسران ما و همه برادران ما گروندگان در
جميع ما سألناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا نسألك باسمك
همه آنچه خواستیم از تو برای خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه میخواهیم از تو بنام تو
العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لنا الذنب
که بزرگست و پادشاهی تو دیرینه اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناهان
العظيم انه لا يغفر العظيم الا العظيم اللهم وهذا رجب المكرّم الذي
بزرگ ما را پس بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب است گرامی داشته که
اكرمتنا به اول اشهر الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود
گرامی داشتی ما را بآن اول ماههای حرام گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها پس مر تراست ستایش ای خداوند بخشش
والكرم فاسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم
و کرم پس میخواهم از تو باو و بنام تو که بزرگتر بزرگتر بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر
الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي على
که آفریدی او را پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو اینکه رحمت فرستی بر
محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين فيه بطاعتك
محمد و خانواده او که پاکانند و اینکه بگردانی ما را از کارکنندگان در آن بطاعت تو
والآملين فيه لشفاعتك اللهم اهدنا الى سواء السبيل واجعل مقيلنا
و امیدواران در آن بشفاعت خود خداوندا هدایت کن ما را بسوی راه راست و بگردان بازگشت ما را
عندك خير مقيل في ظل ظليل وملك جزيل فانك حسبنا ونعم الوكيل اللهم
نزد خود بهتر بازگشتی در سایه ابدی و پادشاهی دلنواز پس بدرستیکه توئی بس ما و نیکو کارساز خداوندا
اقلبنا مفلحين منجحين غير مغضوب علينا ولا ضالين برحمتك يا ارحم الراحمين
بگردان ما را رستگاران و فیروزی یافتگان نه غضب کرده شده بر ما و نه گمراهان برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان

اللهم اني اسألك بعزائم مغفرتك وبواجب رحمتك السلامة من كل
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بوسیلههای آمرزش تو و واجب رحمت تو سلامتی از هر
اثم والغنيمة من كل برّ والفوز بالجنة والنجاة من النار اللهم دعاك
گناه و غنیمت از هر نیکی و فیروزی بهشت و رستگاری از آتش خداوندا خواندند ترا
الداعون ودعوتك وسألك السائلون وسألتك وطلب اليك
خوانندگان و خواندم ترا و سؤال کردند ترا سؤال کنندگان و سؤال کردم ترا و رغبت نمودند بسوی تو
الطالبون وطلبت اليك اللهم انت الثقة والرجاء واليك منتهى
راغبان و رغبت نمودم بسوی تو خداوندا توئی معتمد و امیدگاهی و بسوی تو نهایت
الرغبة والدعاء اللهم فصل على محمد وآله واجعل اليقين في قلبي والنور
رغبتها و خواندن باز خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان یقین را در دل من و نور
في بصري والنصيحة في صدري وذكرك في الليل والنهار على لساني ورزقاً
در دیده من و پند را در سینه من و یاد تو در شبها و روزها بر زبان من و روزی
واسعاً غير ممنون ولا محظور فارزقني وبارك لي فيما رزقتني واجعل
فراخی که نباشد مقطوع و نه حرام پس روزی ده مرا و برکت ده برای من در آنچه روزی دادی مرا و بگردان
غناي في نفسي ورغبتي فيما عندك برحمتك يا ارحم الراحمين پس بسجده رو و بگو
بی نیازی مرا در نفس من و خواهش مرا در آنچه نزد تست برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان
الحمد لله الذي هدانا لمعرفته وخصّنا بولايته ووفقنا لطاعته پس بگو
ستایش مر خدا را که راه نمود ما را برای شناختن خود و مخصوص گردانید ما را بدوستی خود و یاری داد ما را بطاعت خود
شكراً شكراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اللهم اني قصدتك بحاجتي واعتمدت
سپاس گزاریم سپاس گزاریم خداوندا بدرستیکه من قصد کردم ترا بحاجت خود و تکیه کردم
عليك بمسألتي وتوجهت اليك بائمتي وسادتي اللهم انفعنا بحبهم
بر تو بخواهش خود و رو آوردم بسوی تو به پیشوایان خود بار خدایا سود ده ما را بدوستی ایشان
واوردنا موردهم وارزقنا مرافقتهم وادخلنا الجنة في زمرتهم برحمتك
و فرود آر ما را بفرودگاه ایشان و روزی کن ما را رفاقت ایشان و در آور ما را در بهشت در زمره ایشان برحمت تو
يا ارحم الراحمين
ای بخشنده ترین بخشندگان

ودر روز بیست و هفتم غسل سنتست و روزه اش فضیلت بسیار دارد و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال و ایضا منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سؤال کرد که آیا غیر عیدها مشهود

عیدی هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضل تر همه روز نیست که حضرت رسول بر سالت
مبعوث گردیده است و آن بیست و هفتم ماه رجبست باید که روزه بداری و صلوات بر محمد
و آل محمد بسیار بفرستی و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام در این روز منقولست و نماز این روز بطرق مختلفه وارد
شده است و اکثر گفته اند پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث ظاهر میشود
که در هر وقت روز که بکند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقول
که چون حضرت امام محمد تقی ع ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز
بیست و هفتم روزه داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این
دو روز را روزه بدارند و در هر یک دوازده رکعت نماز بگذارند یعنی هر دو رکعت
بیک سلام و هر رکعت الحمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از همه فارغ شوند سوره
حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه
بخوانند پس چهار لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و
مرتبه بگویند نیست خدائی مگر خدا و خدای بزرگ و پاکست خدا و ستایش مر خدا راو نیست قوت و
لا قوة الا بالله العلی العظیم پس چهار الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس
نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ مرتبه بگویند خدا خدا پروردگار من نیست شریکی با او چیزی
مرتبه لا اشرک بربی احدا و بسند معتبر دیگر از حضرت صاحب الامر ع چهار
بگوید نیست شریکی پروردگارم بجا منقولست که در این روز دوازده رکعت نماز
بجا میآورد و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود میخواند و بعد از هر دو رکعت سلام میگوید و بعد از نماز میخواند الحمد لله الذی لم یتخذ
ستایش مر خدا راکه فرا نگرفت فرزندی
ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل و کبره تکبیرا
فرزندی را و نباشد مراو را شریکی در پادشاهی و نبیاشد مراو را دوستی از خواری و یاد کن او را یاد کردنی
یا عدتی فی مدتی یا صاحبی فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا
ای ذخیره من در مدت عمر من ای رفیق من در سختی من ای یاور من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای
نجاحی فی حاجتی یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت
فیروزی من در حاجت من ای نگاهدار من در تنهائی من ای پناه من در تنهائی من ای انس من در رمیدن من تو
الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد و انت المنعش صرعتی
پوشاننده عورت مرا پس مر تراست ستایش و توئی درگذرنده از لغزش من پس مر تراست ستایش و توئی بهوش آورنده من از احوالی

فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد و استر عورتی و آمن روعتی و اقلنی
پس مر تراست ستایش درود بر محمد و آل محمد بپوشان عورت مرا و ایمن دار ترس مرا و درگذر
عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق
از لغزش من و درگذر از گناه من و بگذر از گناهان من در حالتی که باشم از یاران بهشت وعده راستی
الذی کانوا یوعدون و چون از نماز و دعا فارغ شوی سوره حمد و قل هو الله
که بودند وعده داده شده احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا
ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان
الکرسی هر یک را هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میگوئی نیست معبودی مگر خدا و خدای بزرگ و پاکست
الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله پس هفت الله الله ربی و لا اشرک
خدا و ستایش مر خدا راو نیست حولی و نه توانائی مگر بخدا مرتبه میگوئی خدا خدا پروردگار من و نیست شریک
به شیئا پس آنچه خواهی از خدا طلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر
با او چیزی علیه السلام منقولست که سنتست این دعا را در روز مبعث بخوانند
یا من امر بالعفو و التجاوز و ضمن نفسه العفو و التجاوز یا من عفی و تجاوز
ای آنکه امر کرده بعفو و درگذشتن و ضامن کرده خود را بعفو و درگذشتن ای آنکه عفو نمود و گذشت
اعف عنی و تجاوز یا کریم اللهم و قد اکدی الطلب و اعیت الحیلة و المذهب
عفو کن از من و درگذر ای بزرگوار خداوندا و بتحقیق که مشکل شده طلب و عاجز گردیده چاره و راه کسب
و درست الآمال و انقطع الرجاء الا منک وحدک لا شریک لک اللهم
و کهنه شده آرزوها و بریده شده امید مگر از تو و یگانه تو نیست شریکی مر ترا خداوندا
انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة و مناهل الرجاء لدیک مترعة و
بدرستیکه من مییابم راه طلبها را بسوی تو گشاده و آبخوارهای امید هر آینه نزد تو لبریز و
ابواب الدعاء لمن دعاک مفتحة و الاستعانة لمن استعان بک مباحة
درهای خواندن برای آنکه بخواند ترا گشاده و یاری جستن برای آنکه یاری جست بتو مباح
و اعلم انک لداعیک بموضع اجابة و للصارخ الیک بمرصد اغاثة
و میدانم آنکه تو مر خواندن ترا بجایگاه اجابتی و برای استغاثه بسوی تو در انتظار فریادرسی
و ان فی اللهف الی جودک و الضمان بعدتک عوضا من منع الباخلین
و بدرستیکه در استغاثه بسوی بخشش تو و ضامن شدن بوعدهٔ تو عوض بزرگ از منع بخیلان
و مندوحة عما فی ایدی المستاثرین و انک لا تحتجب عن خلقک الا
و بینیازی از آنچه در دستهای توانگرانست و بدرستیکه تو پنهان نمیشوی از خلق خود مگر

أَنْ يَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ
آنکه حائل شود ایشانرا کردار در نزد تو و بتحقیق که میدانم بدرستیکه بهترین زاد کوچ بسوی تو اراده ثابت

إِرَادَةٍ وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي فَأَسْئَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا
اراده و بتحقیق که راز گفت ترا باراده ثابت دل من پس سؤال میکنم ترا بهر دعائیکه خواند ترا بآن

رَاجٍ بَلَّغْتَهُ أَمَلَهُ أَوْ صَارِخٌ إِلَيْكَ أَغَثْتَ صَرْخَتَهُ أَوْ مَلْهُوفٌ
امیدوار که رسانیده باشی او را بآرزوی او یا فریاد کننده بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او یا در مانده

مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ أَوْ مُذْنِبٌ خَاطِئٌ غَفَرْتَ لَهُ أَوْ مُعَافًا أَتْمَمْتَ
غمگینی که کشف نموده در دل او یا گناهکار خطاکار که آمرزنده باشی او را یا عافیت بخشیده که تمام کرده

نِعْمَتَكَ عَلَيْهِ أَوْ فَقِيرٌ أَهْدَيْتَ غِنَاكَ إِلَيْهِ وَلِتِلْكَ الدَّعْوَةِ عَلَيْكَ
نعمت خود را براو یا محتاجی که تحفه فرستادی بی نیازی را بسوی او و برای آن دعوت بر تست

حَقٌّ وَعِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ إِلَّا صَلَّيْتَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَقَضَيْتَ حَوَائِجَ حَوَائِجِي
حق و نزد تو منزلتی گرانبها رحمت فرستی بر محمد و آل او و برآوری حاجتهای حاجتهای مرا

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهٰذَا رَجَبُ الْمُرَجَّبُ الْمُكَرَّمُ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ
دنیا و آخرت و این ماه رجب بدرگردانیده کرامت که گرامی داشتی ما را باو اول ماههای

الْحُرُمِ وَأَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَأَسْئَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ
حرام و گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها ای خداوند بزرگوار گرامی پس سؤال میکنم ترا بآن و بنام تو

الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا
که بزرگترست بزرگتر بزرگتر بزرگوار گرامی تر که پدید آوردی او را پس قرار گرفت در سایه تو پس

تَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَتَجْعَلَنَا
بیرون نرود از تو بسوی غیر تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او پاکان و بگردانی ما را

مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَاهْدِنَا
از آنانکه عمل کنند در آن بطاعت تو و امید واران در آن مر شفاعت تو خداوندا برسان ما را

إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا
بسوی راه راست و بگردان بازگشت ما را نزد تو بهتر بازگشتگاه در سایه دائمی پس بدرستیکه تو بسی ما را

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الْمُصْطَفَيْنَ وَصَلَوَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
و نیکو کارگذاری و سلام بر بندگان تو که برگزیده کانند و رحمتهای او بر ایشان همه

اَللّٰهُمَّ وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَبِكَرَامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَبِالْمَنْزِلِ
خداوندا برکت ده برای ما در روز ما امروز که زیادتی دادی و در کرامت تو بزرگ گردانیده او را و بمنزل

الْعَظِيمِ مِنْكَ أَنْزَلْتَهُ وَصَلِّ عَلَى مَنْ فِيهِ إِلَى عِبَادِكَ أَرْسَلْتَهُ وَبِالْمَحَلِّ
بزرگ از خود که فرود آوردی او را و رحمت فرست برآنکه در این روز بسوی بندگان خود فرستادی او را و بجایگاه

الْكَرِيمِ أَحْلَلْتَهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلَوٰةً دَائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَلَنَا
گرامی که فرود آوردی او را خداوندا رحمت فرست براو رحمتی همیشه که بوده باشد مر ترا شکر و برای ما

ذُخْرًا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ إِلَى مُنْتَهَى آجَالِنَا وَ
ذخیره و بگردان برای ما از کار ما آسانی و ختم کن برای ما بنیکبختی تا بآخر اجلهای ما و

قَدْ قَبِلْتَ الْيَسِيرَ مِنْ أَعْمَالِنَا وَبَلِّغْنَا بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ آمَالِنَا إِنَّكَ عَلَى
بتحقیق پذیرفته اندک ما را از کردار ما و برسان ما را برحمت خود بهترین آرزوهای ما بدرستیکه تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وبسند معتبر از حضرت
هر چیز توانائی و رحمت خدا بر آقای ما محمد و آل او و درود فرستد امام رضا علیه السلام

منقولست که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب را روزه بدارد کفاره نود سال
گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه او باشد
و هر که روز سی ام اینماه را روزه بدارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد
و در روز آخر اینماه نماز سلمان سنتست بنحویکه در اول مذکور شد و اگر احتمال
نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم نیز احتیاطا بکند و در کتب دعوات برای
هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون سند معتبری بنظر نرسیده نخواستم
ایراد نمایم و چون بسیار مشهور است ایراد مینمایم بر سبیل اجمال و اگر کسی بقصد
آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد نیست شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد
از حمد سه مرتبه سوره جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه سوره توحید
یعنی قل هو الله احد دویم ده رکعت با حمد و جحد سیم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه
سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت چهارم صد رکعت در هر دو رکعت در اول
بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دویم بعد از حمد قل اعوذ برب الناس پنجم
شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید ششم دو رکعت در
هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی هفتم چهار رکعت در هر رکعت بعد از
حمد توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه
تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه

نهم دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با
حمد و سه مرتبه توحید یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی
دوازدهم دو رکعت با حمد و آیهٔ آمن الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در هر دو رکعت
در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ والعادیات در رکعت دوم الهیکم التکاثر چهاردهم
سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ توحید و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم تا آخر
سوره پانزدهم و شانزدهم و هفدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید در
هر رکعت هجدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ توحید و معوذتین هر
یک ده مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید
و آیة الکرسی بیستم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه سورهٔ انا انزلناه بیست
و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر و ده مرتبه
توحید بیست و دوم هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه قل یا
ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه
استغفار بیست و سیم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه سورهٔ والضحی
بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ
توحید یک مرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد
و آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ توحید یک مرتبه بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت
بعد از حمد چهل مرتبه سورهٔ توحید بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دو
رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ اعلی و ده مرتبه انا انزلناه و بعد
از اتمام رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و صد مرتبه استغفار سی ام
ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ توحید و در هر یک از این نمازها ثواب
بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافل که مذکور شد
هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارد در میان نماز شام و خفتن واقع شد
است و باید بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود کرد تا خلل اشکال نیست لهذا نماز
شهر و شب و غایب را در این رساله ایراد ننمودم با آنکه از طریق عامه نقل شده است
معتبر نیست باب دوم در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آن است

و در آن پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه است و ثواب روزهٔ آن
بدانکه فضل ماه شعبان زیاده از ماه رجب است و منسوب است بحضرت سید انبیا چنانچه منقول است
از حضرت صادق ع که چون حضرت رسول ص ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود منادی
کننده را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسول ام از جانب رسول خدا
بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه
من پس حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت را شنیدم روزهٔ شعبان را
ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد و فرمود که روزه ماه شعبان و رمضان توبه ایست از جانب خدا بر جمیع کلما
و ایضا منقول است از ام سلمه که حضرت رسول ص هیچ ماه را تمام روزه نداشت مگر ماه شعبان که آنرا وصل میکرد
بماه رمضان و ایضا منقول است که از آنحضرت سوال کردند که کدام روزه از روزها بهتر است
افضل است فرمود که روزهٔ شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر ع
منقول است که حضرت رسول ص ماه شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان
و میفرمود که هر دو ماه خدا است و روزهٔ هر دو کفارهٔ گناهان گذشته و آینده است
و ایضا از حضرت باقر ع منقول است که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را پاک گرداند از
هر لغزشی از قسمهای معصیت و ستمها در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه ص منقول است
که ماه شعبان ماهی است شریف و آن ماه من است و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند
و حق و حرمت آنرا میشناسند و آن ماهی است که زیاد میشود در آن روزیها بندگان
از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کرده اند برای آنکه
متشعب و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در این ماه مضاعف میگردد
هفتاد برابر و گناه در آن ریخته میگردد و امرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول
میگردد و خدا و ند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان این ماه
پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزهٔ هر روز این
ماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که روزهٔ شعبان ذخیرهٔ بنده است از برای روز قیامت و هر بنده که در شعبان
روزه بگیرد البته خوب شود امر معیشت او را با صلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان
او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی از شعبان میدهند آنست که بهشت را برای او واجب

میکرد و بسندهای معتبر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول فرمود که ماه شعبان ماه
من است و رمضان ماه خدا است پس هر که یک روز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم
در قیامت و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد
و هر که سه روز از ماه من روزه بدارد او را گویند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه ندارد
و بسند عالی از حضرت امام رضا منقولست که هر که یک روز از شعبان را از برای خدا روزه بدارد
داخل بهشت گردد و هر که در دیگر روز شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمرهٔ
حضرت رسول محشور شود و گرامی داشتن خدا او را واجب گردد و هر که در شعبان تصدق
بکند اگر چه بنصف دانهٔ خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام گرداند و هر که
سه روز آخر شعبان روزه بدارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزهٔ
دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت کرده است که از اسامه پرسیدند که
کدام ماه آنحضرت رسول زیاده از ماههای دیگر روزه میگرفت گفت ماه شعبان را و میفرمود
که مردم از آن غافلند و آن ماهیست که در آن ماه عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست میدارم
که عمل من بالا رود در وقتیکه روزه باشم و ایضا روایت کرده است که از آن حضرت
پرسیدند از روزهٔ رجب فرمود که چرا غافلید از روزهٔ شعبان یعنی افضل است از
آن و ایضا روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر البشر که فرمود شعبان ماه منست
هر که از ماه من یک روز روزه بدارد بهشت او را واجب گردد و هر که دو روز روزه
بدارد در دنیا از رفیقان پیغمبران و صدیقان باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد
و پیوند کند بماه رمضان توبهٔ او باشد از هر گناه کوچک و بزرگی هر چند داخل خون
حرام شده باشد که او را نفع میدهد و بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده
است که هر که سه روز از ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا
شفیع او باشد در قیامت و ایضا بسند بسیار معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که
چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود که ای
گروه اصحاب من میدانید اینچه ماهیست این ماه شعبان است و حضرت رسول میفرمود شعبان
ماه من است پس روزه بدارید در این ماه از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی
پروردگار خود بحق آنخداوندی که جان علی بن الحسین بدست قدرت اوست سوگند یاد میکنم

که شنیدم از پدرم حسین بن علی که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین ع که هر که
روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد
و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت را از برای او واجب گرداند
و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه
من است و رمضان ماه خدا است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در
روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گردد در وحشت قبر و او را
تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامهٔ عمل او را بدست
راستش بدهند و نامهٔ مخلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را نزد
عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی او را ندا کند که ای بندهٔ من او میگوید لبیک ای خداوند
من پس خدا فرماید که روزه داشتی از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل
ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بندهٔ مرا و ببرید نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد
من من باو میگویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی من میگویم باو که من امروز شفاعت تو
میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بندهٔ خود بخشیدم اما حقوق خلق من
هر که از او عفو کند من آنقدر باو بدهم که او راضی شود پس دست او را بگیرم و بیاورم
نزد صراط پس بینم که صراط لغزنده است و میلرزد و پای گناهکاران بر آن بند نمیشود
پس دست او را بگیرم و بیاورم و ملکی که موکلست بر صراط گوید کیست این میگویم این
فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه گرفته است طلب میکند شفاعت من و
ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب وعدهٔ خدا پس او را از صراط بگذرانم
بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت رسانم پس رضوان گوید که امروز روزیست که در را
برای امت تو میگشایم و او را داخل بهشت کنم پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید
ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در روز قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا
بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دویم** در بیان اعمال هر روز ماه شعبان
بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار
کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستارهای آسمان باشد و در کتاب حسین
ابن سعید از حضرت صادق منقولست که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است

پس دراین ماه بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند
زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسیرا که دراینماه صلوات بر او و بر آل او بفرستد
و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هر که
در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد
هزار مرتبه استغفار کرده باشد دیگری پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ
التَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید
اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد حقتعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را
از صراط و داخل بهشت گرداند او را و بسندهای معتبر منقولست که هر که در هر روز ماه شعبان
هفتاد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَاَتُوبُ
بکوید

اِلَیْهِ حقتعالی روح او را در افق مبین جا دهد و انفضا وسیعیست در پیش عرش
و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرها هست بعدد ستارهای آسمان
و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند
معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در
شب نیمه آن این اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ
صلوات را میخواندند
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جایگاه رسالت
وَمُخْتَلَفِ الْمَلٰئِکَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَیْتِ الْوَحْیِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
و محل آمد شد فرشتگان و قرارگاه دانش و اهل خانه وادی وحی خداوندا درود فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْکِ الْجَارِیَةِ فِی اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ یَأْمَنُ مَنْ رَکِبَهَا وَیَغْرَقُ مَنْ تَرَکَهَا
و آل محمد کشتیهای روان در دریای فرو پوشیده ایمن شد آنکه سوار باشد آنرا و غرق میشود کسیکه واگذارد آنرا
الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
پیش گیرنده مر ایشانرا مرتدست و عقب افتاده ایشانرا نابود و ملازم مر ایشانرا ملحق است خداوندا رحمت فرست
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْکَهْفِ الْحَصِینِ وَغِیَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَکِینِ وَمَلْجَإِ الْهَارِبِینَ وَ
بر محمد و آل محمد پناهگاه محکم و فریادرس درمانده بیچاره و پناه گریختگان و
مَنْجَا الْخَائِفِینَ وَعِصْمَةِ الْمُعْتَصِمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً کَثِیرَةً طَیِّبَةً
و رستگاه ترسناکان و نگاه دارنده چنگ در زنندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمتی بسیار پاکیزه

علی ملائکتک الغیب والروح الذی هو من امرک اللهم فصل علیهم وعلی الملائکة الذین من دونهم من سکان سماواتک و اهل الامانة علی رسالاتک والذین لا تدخلهم سأمة من دؤوب ولا اعیاء من لغوب ولا فتور ولا تشغلهم عن تسبیحک الشهوات ولا یقطعهم عن تعظیمک سهو الغفلات الخشع الابصار فلا یرومون النظر الیک النواکس الاذقان الذین قد طالت رغبتهم

تَکُونُ لَهُمْ رِضًی وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْکَ وَقُوَّةٍ یَا رَبَّ
که باشد مر ایشانرا خشنودی و در حق محمد و آل محمد ادا و بجا آوردن بقدرت از تو و توانائی ای پروردگار
الْعَالَمِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبِینَ الْاَبْرَارِ الْاَخْیَارِ الَّذِینَ
جهانیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پاکان نیکوکار نیکان آنانکه
اَوْجَبْتَ حُقُوقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوِلَایَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ
واجب گردی بر ایشان حقوق ایشانرا و لازم گردانیدی فرمانبرداری ایشانرا و دوستی ایشانرا خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِی بِطَاعَتِکَ وَلَا تُخْزِنِی بِمَعْصِیَتِکَ وَارْزُقْنِی مُوَاسَاةَ مَنْ
محمد و آباد کن دل مرا بطاعت خود و رسوا مساز مرا بنافرمانی خود و روزی کن مرا همراهی کسیکه تنگ گرفته بر
قَتَّرْتَ عَلَیْهِ مِنْ رِزْقِکَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَنَشَرْتَ عَلَیَّ مِنْ عَدْلِکَ
که تنگ کرده بر او از روزی تو بآنچه گشاده بر من از فضل تو و پهن گردی بر من از عدالت خود
وَاَحْیَیْتَنِی تَحْتَ ظِلِّکَ وَهٰذَا شَهْرُ نَبِیِّکَ سَیِّدِ رُسُلِکَ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ
و زنده داشتی مرا در زیر سایه خود و این ماه پیغمبر تو است بزرگ فرستادگان تو رحمتهای تو براو
وَآلِهِ شَعْبَانُ الَّذِی حَفَفْتَهُ مِنْکَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِی کَانَ رَسُولُ
و آل او شعبانست که فرو گرفته اوی از تو برحمت و خشنودی که باشد فرستاده
اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ یَدْاَبُ فِی صِیَامِهِ وَقِیَامِهِ فِی لَیَالِیهِ وَاَیَّامِهِ
خدا رحمت خدا براو و آل او و کوشش مینمود در روزه او و ایستادن در شبهای او و روزهای او
بُخُوعًا لَکَ فِی اِکْرَامِهِ وَاِعْظَامِهِ اِلٰی مَحَلِّ حِمَامِهِ اَللّٰهُمَّ فَاَعِنَّا عَلَی الْاِسْتِنَانِ
فروتنی مر ترا در گرامی داشتن او و بزرگ شمردن او تا جایگاه فرود آمدن و خداوندا پس یاری کن ما را بر جاری شدن
بِسُنَّتِهِ فِیهِ وَنَیْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَیْهِ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِی شَفِیعًا مُشَفَّعًا وَطَرِیقًا
بطریقه او در اینماه و رسیدن شفاعت نزد او خداوندا پس بگردان برای من شفاعت کننده و راهی
اِلَیْکَ مَهْیَعًا وَاجْعَلْنِی لَهُ مُتَّبِعًا حَتّٰی اَلْقَاکَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ عَنِّی رَاضِیًا وَعَنْ
بسوی تو راه وسیع و بگردان مرا برای او پیرو تا ملاقات ترا روز قیامت که از من خشنود باشی و از
ذُنُوبِی غَاضِیًا قَدْ اَوْجَبْتَ لِی مِنْکَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَاَنْزَلْتَنِی دَارَ الْقَرَارِ
گناهان من درگذرنده بتحقیق واجب کرده برمن از خود رحمت و خشنودی و فرود آوردی مرا خانه آرامگاه
وَمَحَلَّ الْاَخْیَارِ و سید بن طاوس رحمه الله بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده
و جایگاه نیکان
است که این مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان
اوست که در ماه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِی اِذَا دَعَوْتُکَ وَ
شعبان میخواندند خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بشنو خواندن مرا هرگاه بخوانم ترا و

فیما لدیک المستهترون بذکر آلائک والمتواضعون دون عظمتک وجلال کبریائک والذین یقولون اذا نظروا الی جهنم تزفر الی اهل معصیتک سبحانک ما عبدناک حق عبادتک فصل علیهم وعلی الروحانیین من ملائکتک واهل الزلفة عندک وحمال الغیب الی رسلک والمؤتمنین علی وحیک وقبائل الملائکة الذین اختصصتهم لنفسک واغنیتهم

واسمع ندائي إذا ناديتك وأقبل علي إذا ناجيتك فقد هربت إليك ووقفت
بين يديك مستكينا لك متضرعا إليك راجيا لما لديك ثوابي وتعلم ما في
نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى عليك أمر منقلبي ومثواي وما
أريد أن أبدئ به من منطقي وأتفوه به من طلبتي وأرجوه لعاقبتي وقد جرت
مقاديرك علي يا سيدي فيما يكون مني إلى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي
وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري إلهي إن حرمتني فمن
ذا الذي يرزقني وإن خذلتني فمن ذا الذي ينصرني إلهي أعوذ بك من غضبك
وحلول سخطك إلهي إن كنت غير مستأهل لرحمتك فأنت أهل أن تجود
علي بفضل سعتك إلهي كأني بنفسي واقفة بين يديك وقد أظلها حسن
توكلي عليك فقلت ما أنت أهله وتغمدتني بعفوك إلهي إن عفوت فمن أولى
منك بذلك وإن كان قد دنا أجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الإقرار
بالذنب إليك وسيلتي إلهي قد جرت على نفسي في النظر لها فلها الويل إن لم تغفر
لها إلهي لم يزل برك علي أيام حياتي فلا تقطع برك عني في مماتي إلهي كيف آيس من
حسن نظرك لي بعد مماتي وأنت لم تولني إلا الجميل في حياتي إلهي تول من أمري ما أنت

أهله وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله إلهي قد سترت علي ذنوبا في
الدنيا وأنا أحوج إلى سترها علي منك في الأخرى إلهي قد أحسنت إلي
إذ لم تظهرها لأحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيمة على
رؤس الأشهاد إلهي جودك بسط أملي وعفوك أفضل من عملي إلهي فسرني
بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك إلهي اعتذاري إليك اعتذار من لم
يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا أكرم من اعتذر إليه المسيئون إلهي
لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي وأملي إلهي لو أردت
هواني لم تهدني ولو أردت فضيحتي لم تعافني إلهي ما أظنك تردني في حاجة
قد أفنيت عمري في طلبها منك إلهي فلك الحمد أبدا أبدا دائما سرمدا يزيد
ولا يبيد كما تحب وترضى إلهي إن أخذتني بجرمي أخذتك بعفوك وإن أخذتني
بذنوبي أخذتك بمغفرتك وإن أدخلتني النار أعلمت أهلها أني أحبك
إلهي وإن كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك أملي إلهي كيف
أنقلب من عندك بالخيبة محروما وقد كان حسن ظني بجودك أن تقلبني
بالنجاة مرحوما إلهي وقد أفنيت عمري في شرة السهو عنك وأبليت شبابي

فی سکرة التباعد منك الهی فلم استیقظ ایام اغتراری بك ورکونی الی سبیل
در مستی دوری از تو خدا این پس بیدار نشدم روزگار فریفتگی من بتو و مایل بودم بسوی راه

سخطك الهی وانا عبدك وابن عبدیك قائم بین یدیك متوسل بکرمك
خشم تو خدایا من و من بنده توام و پسر دو بنده تو ایستاده در پیش روی تو توسل جوینده بکرم تو

الیك الهی انا عبد اتنصل الیك مما کنت اواجهك به من قلة استحیائی
بسوی تو خدا این منم بنده عذرخواه بسوی تو از آنچه بودم که مواجهه نمودم باو از کم بودن حیاء خود

من نظرك واطلب العفو منك اذ العفو نعت لکرمك الهی لم یکن لی حول
از دیدن تو و طلب میکنم گذشت را از تو چون گذشت صفت است مر کرامت ترا خدا این نباشد مرا حول

فانتقل به عن معصیتك الا فی وقت ایقظتنی لمحبتك وکما اردت ان اکون
پس برگردم بآن از نافرمانی تو مگر در هنگامیکه بیدار کنی مرا برای دوستی خود و همچنین میخواهی که باشم

کنت فشکرتك بادخالی فی کرمك ولتطهیر قلبی من اوساخ الغفلة عنك
باشم پس شکر کنم ترا بدر آوردن من در کرم تو و پاک گردن دل من از چرکهای بیخبری از تو

الهی انظر الی نظر من نادیته فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك یا
خدا این نظر کن بسوی من نظر کردن آنکه ندا کردی او را پس اجابت کرد ترا و بکار داشته او را بیاری خود پس فرمانبردار کرد

قریبا لا یبعد عن المغتر به ویا جوادا لا یبخل عمن رجا ثوابه الهی هب لی قلبا
نزدیکی که دور نمیگردد از فریفته بجود وای بخشنده که بخل نمیکنی از آنکه امید دارد ثواب ترا خدا این ببخش مرا دلی

یدنیه منك شوقه ولسانا یرفع الیك صدقه ونظرا یقربه منك حقه
که نزدیک کند او را از تو آرزومندی او و زبانی که بالا برده شود بسوی تو راستی او و نظری که نزدیک کند او را از تو حق او

الهی ان من تعرف بك غیر مجهول ومن لاذ بك غیر مخذول ومن اقبلت علیه
خدا این هر که شناخته گشت بتو نیست مجهول و هر که پناه برد بتو نیست خوار کرده شده و آنکه رو کرد تو براو

غیر مملوك الهی ان من انتهج بك لمستنیر وان من اعتصم بك لمستجیر وقد
نیست مغلوب الهی این هر که راه یافته بتو هر آینه روشن است و بدرستیکه هر که چنگ زند بتو هر آینه زنهار جوینده است و بتحقیق

لذت بك یا الهی فلا تخیب ظنی من رحمتك ولا تحجبنی عن رأفتك الهی اقمنی
که پناه بودم بتو ای خدا این پس ناامید مکن مرا از رحمت خود و منع مکن مرا از مهربانی خود الهی این بدار مرا

فی اهل ولایتك مقام من رجا الزیادة فی محبتك الهی والهمنی ولها بذکرك
در اهل دوستان خود جایگاه کسی امید داشته زیادتی در محبت تو خدا این بدل انداز مرا اشتیاق بیاد تو

الی ذکرك واجعل همتی الی روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهی بك
بسوی یاد تو و بگردان آهنگ مرا بسوی راحت فیروزی نامهای تو و جاهای قدس تو خدا این بتو

علیك الا الحقتنی بمحل اهل طاعتك والمثوی الصالح من مرضاتك فانی
بر تو برسان مرا بجایگاه اهل فرمانبرداری تو و آرامگاه شایسته از خوشنودی تو پس بدرستیکه

لا اقدر لنفسی دفعا ولا املك لها نفعا الهی انا عبدك الضعیف المذنب
توانا نه ندارم برای خود دفع را و مالک نیستم مر او را سودی الهی این منم بنده تو ناتوان گنهکار

ومملوکك المنیب المعیب فلا تجعلنی ممن صرفت عنه وجهك وحجبه
و بنده تو رجوع کننده و ناپسند پس مگردان مرا از آنکه گردانید از آن روی خود را و منع نمودی او را

سهوه عن عفوك الهی هب لی کمال الانقطاع الیك وانر ابصار قلوبنا
غفلت او از عفو تو الهی ببخش مرا کمال بریدن بسوی تو و روشن کن دیده‌های دلهای ما را

بضیاء نظرها الیك حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن
بروشنی نگریستن آن بسوی تو تا آنکه دیده‌های دلهای حجابهای نور پس برسد بسوی کان

العظمة وتصیر ارواحنا معلقة بعز قدسك الهی واجعلنی ممن نادیته
بزرگی و بگردد نفوس ما در آویخته بعزت پاکی تو خدا این و بگردان مرا از آنکه خواندی او را

فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجیته سرا وعمل لك جهرا الهی لم
پس اجابت کرد ترا و نگریستی او را پس بیهوش شد به بزرگواری تو پس راز گفتی او را پنهان و کردار مر ترا آشکارا الهی اگر

اسلط علی حسن ظنی قنوط الایاس ولا انقطع رجائی من جمیل کرمك الهی
مسلط گردان بر نیکی گمان من اعتقاد شده نومیدی را و بریده نشود امید من از نیکی کرم تو الهی

ان کانت الخطایا قد اسقطتنی لدیك فاصفح عنی بحسن توکلی علیك الهی
اگر باشد خطاها بتحقیق انداخت مرا نزد تو پس درگذر از من به نیکی توکل من بر تو الهی

ان حطتنی الذنوب من مکارم لطفك فقد نبهنی الیقین الی کرم عطفك
اگر پست کرده مرا گناهان از بزرگی مهربانی تو پس بتحقیق که آگاه کرد مرا یقین بسوی کرم از لطف تو

الهی ان انامتنی الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد نبهتنی المعرفة
خدایا اگر خوابانید مرا بیخبری از آماده شدن بر ملاقات تو پس بتحقیق آگاه کرد مرا شناختن

بکرم آلائك الهی ان دعانی الی النار عظیم عقابك فقد دعانی الی الجنة
بزرگی نعمتهای تو الهی اگر بخواند مرا بسوی آتش بزرگی عقاب تو پس بتحقیق میخواند مرا بسوی بهشت

جزیل ثوابك الهی فلك اسئل والیك ابتهل وارغب واسئلك ان تصلی علی محمد
بسیاری ثواب تو خدای من پس از تو سؤال میکنم و بسوی تو تضرع میکنم و خواهش میکنم و میخواهم رحمت فرستی بر محمد

وآل محمد وان تجعلنی ممن یدیم ذکرك ولا ینقض عهدك ولا یغفل عن شکرك ولا
و آل محمد و آنکه بگردانی مرا از آنکه همیشه یاد کند ترا و نشکند عهد ترا و بیخبر نباشد از شکر تو و

يستخفنا مرك الهى والحقنى بنور عزك الابهج فاكون لك عارفا وعن
سواك منحرفا ومنك خائفا مراقبا يا ذا الجلال والاكرام وصلى الله
على محمد رسوله واله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا واين از مناجاتهاى جليل
غاليه مشتملست و در همه اوقات كه حضور قلبى باشد خواندن مناسبست و
از حضرت رسول منقولست كه هر كه در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگويد
لا اله الا الله ولا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره المشركون
حقتعالى عبادت هزار ساله در نامه عمل او بنويسد و گناه هزار ساله از او محو كند
و از قبر بيرون آيد با روى نورانى مانند شب چهارده و او را صديق بنويسند و بسند
معتبر منقولست كه از حضرت صادق سؤال كردند از فضيلت روزه رجب حضرت
فرمود كه چرا غافليد از روزه روز شعبان راوى گفت يا بن رسول الله چه ثواب دارد
كسيكه يكروز شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت ثواب اوست گفتم يا بن رسول
الله بهترين عملها در اينماه چيست فرمود تصدق كردن و طلب آمرزش نمودن هر كه
در اينماه تصدقى بكند حقتعالى آنرا تربيت ميكند چنانچه يكى از شما شتر بچه خود را
تربيت ميكند تا آنكه در قيامت مانند كوه احد بصاحبش برسد فصل سيم در بعضى
اعمال مخصوصه اول ماه هشتم ايام البيض بسند كالمعتبر از حضرت صادق منقول
است كه هر كه روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از
حضرت امام رضا منقولست استحباب روزه سه روز اول ماه و سه روز ميان ماه
و سه روز آخر و از حضرت امير المؤمنين منقولست كه حضرت رسول فرمود كه در هر پنج
شنبه ماه شعبان زينت ميكنند آسمانها را پس ملائكه ميگويند خداوندا بيامرز
روزه داران اين روز را و دعاى ايشان را مستجاب گردان و روز سيم ماه شعبان روز بسيار
مباركيست و موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسين عليه السلام است و از
حضرت صاحب الامر فرمانى بيرون آمد كه روز سيم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسين است

پس روزه بداريد اللهم انى اسئلك بحق المولود فى هذا اليوم الموعود
واين دعا را بخوانيد
بشهادته قبل استهلاله وولادته بكته السماء ومن فيها والارض
ومن عليها ولما يطأ لابتيها قتيل العبرة وسيد الاسرة الممدود بالنصرة
يوم الكرة المعوض من قتله ان الائمة من نسله والشفاء فى تربته
والفوز معه فى اوبته والاوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته حتى
يدركوا الاوتار ويثأروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير انصار صلى
الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك اتوسل و
اسئل سؤال مقترف معترف مسيئ الى نفسه مما فرط فى يومه وامسه
يسئلك العصمة الى محل رمسه اللهم صل على محمد وعترته واحشرنا فى
زمرته وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما اكرمتنا بمعرفته
فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته واجعلنا ممن يسلم لامره
ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى جميع اوصيائه واهل اصطفائه
الممدودين منك بالعدد الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر
اللهم وهب لنا فى هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين

المحمّد جدّه وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته
از محمّد جدّ او و پناه گرفت فطرس بمهد او پس ما پناه برنده ایم بقبر او از بعد او می بینیم مدفن او را
وننتظر اوبته امین ربّ العالمین و زیارت آنحضرت و غسل زیارت در این
و انتظار داریم بازگشت و را بپذیر ای پروردگار جهانیان
روز مستحبّست و کیفیت زیارت بعد از
این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و شیخ طوسی ره روایتی نقل کرده است که
حضرت امام حسین ع در روز پنجم اینماه متولد شده است اگر احتیاطا هر دو روز را
حرمت بدارند و اعمال را در این دو روز نیز بعمل آورند خصوصا زیارت را بهتر است و
ایضا شیخ بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین ع
در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگر چه خلاف مشهور است چنانچه در
ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر
را در این روز بعمل آورند مناسبست **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه
شعبان است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم که در اعمال ماه رجب مذکور شد
سنّتست که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم چهار رکعت و در شب پانزدهم
شش رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ یس و تبارک الذی بیده الملک
و قل هو الله احد بخوانند و در نماز سنّتی سورها اگر از حفظ نتوانند خواند از روی قرآن
میتوان خواند و روزهٔ هر سه روز سنّتست و فضایل و اعمال شب پانزدهم زیاده
از آنست که در این رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بآنچه صحیح تر است از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که چون نصف شب شعبان شود شب
را بعبادت بایستید و روز را روزه بدارید بدرستیکه از اول تا آخر اینشب از جانب
حقتعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که از ما طلب آمرزش کند از گناهان خود
و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند و ما روزی او را فراخ
گردانیم و غسل در اینشب سنّتست و از حضرت صادق ع منقولست که روزه بدارید ماه
شعبانرا و در شب نیمه آن غسل کنید که باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی
شما را دریابد و از جملهٔ اعمال اینشب زیارت حضرت امام حسین علیه السّلام است
و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که هر که خواهد با او مصافحه کنند روح صد و

بیست و چهار هزار پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین ع را در شب نصف شعبان زیرا
که ملائکه و پیغمبران در اینشب از خدا رخصت می طلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و
رخصت مییابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله
ایشانند پنج پیغمبر اولوا العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمّد ص که مبعوث گردیده اند
بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق ع منقولست که در شب نیمه شعبان
میامرزند جمیع گناهان کبیره اگر زیارت آنحضرت کند در آنشب و اقلّ زیارت آنحضرت
آنست که بر بامی یا بصحرای کشاده در آید و بجانب راست و بجانب چپ و ببالای سر
نظر کند پس بانگشت اشاره السّلام علیک یا ابا عبد الله السّلام علیک
کند بجانب راست قبله و بگوید
درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو
یا بن رسول الله السّلام علیک و رحمة الله و برکاته و اگر یکی از زیارات
ای پسر فرستاده خدا درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او
مبسوطه را بعمل آورد
بهتر است و از جمله السّلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السّلام علیک یا
آنها اینست
درود بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا درود بر تو ای
وارث نوح نبیّ الله السّلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله السّلام
میراث برنده نوح نبی خدا درود بر تو ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا درود
علیک یا وارث موسی کلیم الله السّلام علیک یا وارث عیسی روح الله
بر تو ای وارث موسی هم سخن خدا درود بر تو ای وارث عیسی روح خدا
السّلام علیک یا وارث محمّد حبیب الله السّلام علیک یا وارث امیر
درود بر تو ای وارث محمد دوست خدا درود بر تو ای وارث امیر
المؤمنین ولیّ الله السّلام علیک یا بن محمّد المصطفی السّلام علیک
گروندگان دوست خدا درود بر تو ای پسر محمد مصطفی درود بر تو
یا بن علیّ المرتضی السّلام علیک یا بن فاطمة الزّهراء السّلام علیک یا بن
ای پسر علی پسندیده درود بر تو ای پسر فاطمه زهرا درود بر تو ای پسر
خدیجة الکبری السّلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره و الوتر الموتور
خدیجه کبری درود بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا و ای خون ریخته شده
اشهد انّک قد اقمت الصّلوة و آتیت الزّکوة و امرت بالمعروف و نهیت
گواهی میدهم بدرستیکه تو بر پا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر کردی تو به نیکی و نهی کردی

عن المنكر واطعت الله ورسوله حتى اتاك اليقين فلعن الله امة قتلتك
از زشتی و فرمانبرداری نمودی خدا و فرستاده او را تا آنکه در رسید ترا موت پس لعن خدا گروهی را که کشتند
ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به يا مولاى
ولعنت خدا گروهی را که ستم کردند ترا ولعنت خدا گروهی را که شنیدند این واقعه را پس خشنود شدند بآن ای آقای من
يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة
ای اباعبد الله گواهی میدهم که تو بودی نور در صلبهای بزرگوار و در رحمهای پاکیزه
لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد
نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانید ترا از جامهای تیره خود و گواهی میدهم
انك من دعائم الدين واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي
که تو از ستونهای دین و رکنهای گروندگانی و شهادت میدهم که تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار
الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى
پسندیده پاک رهنمای راه یافته و گواهی میدهم که پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری
واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد الله و
و نشانهای هدایت و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواه میگیرم خدا و
ملائكته وانبياءه ورسله اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني
فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او که من بشما گرونده ام و برجعت شما بایقینم در شرایع دین خود
وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع صلوات الله عليكم و
و آخر کردار خود و دل من بر دل شما سالم است و امر من مر امر شما را پیروی کننده درودهای خدا بر شما و
على ارواحكم وعلى اجسادكم وعلى اجسامكم وعلى شاهدكم وعلى غائبكم
بر جانهای شما و بر جسدهای شما و بر جسمهای شما و بر حاضر شما و بر غائب شما
وعلى ظاهركم وعلى باطنكم پس دو ركعت نماز زيارت ميكند واگر اينماز را پيش
و بر ظاهر شما و بر باطن شما
از زيارت بكند نيز خوبست واگر از دور زيارت كند
پس قصد زيارت علي بن الحسين شهيد كند و بگويد السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك
درود بر تو ای پسر فرستاده خدا درود بر تو
يا ابن نبي الله السلام عليك يا ابن امير المؤمنين السلام عليك يا ابن الحسين
ای پسر پیغمبر خدا درود بر تو ای پسر امیر گروندگان درود بر تو ای پسر حسین
الشهيد السلام عليك ايها الشهيد السلام عليك ايها المظلوم وابن
شهید درود بر تو ای شهید درود بر تو ای مظلوم و پسر

المظلوم لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت
ستمدیده لعنت خدا گروهی را که کشتند ولعنت خدا گروهی را که ستم کردند ترا ولعنت خدا گروهی را که شنیدند
بذلك فرضيت به پس قصد زيارت ساير شهدا رضي الله عنه بكند و بگويد السلام عليكم يا اولياء
این را پس خشنود شدند بآن درود بر تو ای یاوران
الله واحباءه السلام عليكم يا اصفياء الله واوداءه السلام عليكم يا انصار
خدا و دوستان خدا درود بر شما ای برگزیدگان خدا و دوستان او درود بر شما ای یاوران
دين الله السلام عليكم يا انصار رسول الله السلام عليكم يا انصار امير
دین خدا درود بر شما ای یاوران فرستاده خدا درود بر شما ای یاوران امیر
المؤمنين السلام عليكم يا انصار فاطمة سيدة نساء العالمين السلام عليكم
گروندگان درود بر شما ای یاران فاطمه بزرگ زنان جهانیان درود بر شما
يا انصار ابي محمد الحسن بن علي الزكي الناصح السلام عليكم يا انصار ابي
ای یاران ابی محمد حسن پسر علی پاکیزه نصیحت کننده درود بر شما ای یاران ابی
عبد الله بابي انتم وامي طبتم وطابت الارض التي فيها دفنتم وفزتم فوزا
عبد الله پدرم فدای شما و مادرم که پاکیزه اید و پاکست زمینی که در آن مدفون شده اید و رستگار شدید رستگاری
عظيما فيا ليتني كنت معكم فافوز معكم ودر شب اول و پانزدهم ماه رجب و در
بزرگ پس کاشکی میبودم با شما پس رستگار شدم با شما
سيم و پنجم ماه شعبان و شبهاي ماه مبارك
رمضان و شبهاي عيد و ساير اياميكه زيارت آنحضرت مستحبست بهمين طريق زيارت مي
توان كرد و زيارت مبسوطه و مخصوصه را در كتاب تحفة الزائر ذكر كرده ام هر كه
خواهد بانكتاب رجوع نمايد و از جمله بركات اينشب اينست كه ولادت وافر السعادة
حضرت صاحب الامر در اينشب واقع شده و باين سبب سنتست كه اين دعا را در اينشب
بخوانند كه بمنزلهٔ زيارت آنحضرتست اللهم بحق ليلتنا هذه ومولودها وحجتك وموعودها
خداوندا بحق همین شب و آنکسیکه زائیده شده در آن و حجت تو و وعده شده
التي قرنتها الى فضلها فضلا فتمت كلمتك صدقا وعدلا لا مبدل لكلماتك
که رساندی بسوی فضل آن زیادتی پس تمام شد کلمه تو براستی و عدالت نیست تبدیل کننده مر کلمات ترا
ولا معقب لاياتك نورك المتالق وضياؤك المشرق والعلم النور في طخياء
و نه بازپس مانده مر نشانهای ترا نور تو که سفید است و روشنائی تو که درخشانست و نشانه روشنی در شب
الديجور الغائب المستور جل مولده وكرم محتده والملائكة شهده والله
تیره تار از خلایق پنهانست بزرگست مولود او و کریم است و فرشتگان حاضران اویند و خدا

ناصره ومؤيّده إذا آن ميعاده والملائكة أمداده سيف الله الذي لا ينبو
یاور او است و معین او چون نزدیک شود ظهور آن و فرشتگان مددکنند شمشیر خدائی که کهنه نشود
ونوره الذي لا يخبو وذو الحلم الذي لا يصبو مدار الدهر ونواميس العصر
و نور خدائیکه ساکن نگردد و خداوند بردباری که امید نکند بجهل و بر دور و صاحبان عصر
وولاة الأمر والمنزل عليهم الذكر وما ينزل في ليلة القدر وأصحاب
و صاحبان فرمان و فرستاده شد بر ایشان پند و آنچه فرود میاید در شب قدر و یاران زنده کردن
الحشر والنشر تراجمة وحيه وولاة أمره ونهيه اللهم فصلّ على خاتمهم
و برانگیختن و بیان کنندگان وحی او و والیان امر او و نهی او خداوندا پس رحمت کن بر آخر ایشان
وقائمهم المستور عن عوالمهم وأدرك بنا أيامه وظهوره وقيامه واجعلنا
و قائم ایشان که نهانست از عالمهای ایشان و برسان ما را بروزگار دولت و ظهور او و ایستادن او و بگردان ما را
من أنصاره واقرن ثارنا بثاره واكتبنا في أعوانه وخلصائه وأحينا
از یاوران او و ختم کن خون ما را بخون او و بنویس ما را در زمره مددکنندگان و خالصان او و زنده دار ما را
في دولته ناعمين وبصحبته غانمين وبحقه قائمين ومن السوء سالمين
در دولت او مرفه دارندگان و صحبت او را غنیمت گیرند و حق او را بر پا دارندگان و از بدیها سالم
يا أرحم الراحمين والحمد لله ربّ العالمين وصلّى الله على محمد خاتم النبيين
ای رحیمتر رحیمان و ستایش مر خدا را که پروردگار جهانیانست و رحمت خدا بر محمد که آخر پیغمبران
والمرسلين وعلى أهل بيته الصادقين وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين
و فرستادگان و بر اهل بیت او که راستگویانند و عترت او که سخن گویانند و لعنت کن همه ستمکاران
واحكم بيننا وبينهم يا أحكم الحاكمين و زيد شهيد روايت كرده كه پدرم امام زين
و حکم کن میان ما و میان ایشان ای حکیم‌تر از حکمان
العابدين ع ما ها همه را در نيمه شعبان نزد
خود جمع ميكرد و شب را سه حصه ميكرد در ثلث اول نماز ميكرد و در ثلث دويم دعا
ميكرد و ما آمين ميگفتيم بر دعاء او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش ميكرد و ما نيز استغفار
ميكرديم تا صبح داخل ميشد يعني بعد از نماز شب و نمازهاي اين شب بسيار است و از جمله آنها
چهار ركعت هر دو ركعت بيكسلام و سيفر از اصحاب حضرت صادق ع اين نماز را از آنحضرت
روايت كرده اند و در هر ركعت بعد از حمد صد اللهم إني إليك فقير ومن عذابك
مرتبه قل هو الله احد بخوانند و بعد از نماز اين دعا بخوانند خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو
خائف وبك مستجير ربّ لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي ربّ لا تجهد بلائي ربّ
ترسانم و بتو زنهار جوینده پروردگارا تبدیل مکن اسم مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا بغایت مرسان بلای مرا پروردگارا

لا تشمت بي أعدائي أعوذ بعفوك من عذابك وأعوذ برضاك من سخطك
شماتت مکن با من دشمنان مرا پناه میبرم بعفو تو از عذاب تو و پناه میبرم بخشنودی تو از خشم تو
وأعوذ بك منك جلّ ثناؤك أنت كما أثنيت على نفسك وفوق ما يقول
و پناه میبرم بتو از تو بزرگست ثنای تو تو چنانکه ستوده بر خود و بر زبر آنچه گویند
القائلون فيك و بروايت ديگر باز چهار ركعت بدو سلام و در هر ركعت بعد
گویندگان در تو
از حمد دويست و پنجاه مرتبه قل هو الله احد يا صد مرتبه يا پنجاه مرتبه
بخوانند و بعد از نماز اللهم إني إليك فقير وإني من عذابك خائف وبك
اين دعا را بخوانند خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و بدرستیکه از عذاب تو ترسانم و بتو
مستجير ربّ لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي ربّ لا تجهد بلائي اللهم إني أعوذ
زنهار جوینده ام پروردگارا تبدیل مکن اسم مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا کوشش مکن ببلا مرا خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم
بعفوك من عقوبتك وأعوذ برضاك من سخطك وأعوذ برحمتك من
بعفو تو از عقوبت تو و پناه میبرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم برحمت تو از
عذابك وأعوذ بك منك لا إله إلا أنت جلّ ثناؤك ولا أحصي مدحتك
عذاب تو و پناه میبرم بتو از تو نیست خدائی مگر تو بزرگست ثنای تو و نشمرده شمردن ستودن تو
ولا الثناء عليك أنت كما أثنيت على نفسك وفوق ما يقول القائلون
و نه ستودن بر تو تو چنانکه ستوده بر خود و بالای آنچه گویند گویندگان
ربّ صلّ على محمد وآل محمد وافعل بي كذا وكذا وبجا وافعل بي كذا وكذا حاجات
پروردگارا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن بمن چنین و چنان خود را ياد كند و اگر اين نماز را با
پنجاه مرتبه قل هو الله احد بعمل آورد موافق ميشود با نماز حضرت امير المؤمنين ع و در
فضيلت اين احاديث بسيار است و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست كه شب نيمه
شعبان بهترين شبهاست بعد از شب قدر و حقتعالى فضل خود را در اينشب به بندگان عطا مينمايد
و باحسان گناهان ايشان را ميامرزد پس سعي كنيد در عبادت اينشب كه اين شبيست كه حقتعالى بذات
مقدس خود سوگند ياد كرده است كه سائلي را از درگاه خود رد نكند مگر معصيتي از خدا
طلب نمايد و اينشب را خدا براي ما اهل بيت قرار داده است بازاي شب قدر كه از براي پيغمبر ما قرار
داده است پس اهتمام نمائيد در اينشب در دعا و ثنا كردن بر خدا بدرستيكه هر كه در اينشب
صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اكبر و صد مرتبه لا اله الا الله
بگويد حقتعالى گناهان گذشته او را بيامرزد و حاجتهاي دنيا و آخرت او را برآورد خواه طلب

نماید و خواه نماید راوی پرسید که بهتر بن دعا در این شب کدام است فرمود که بعد
از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا ایها الکافرون
و در رکعت دویم سورهٔ قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان
الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر و اگر بترتیب تسبیح فاطمه را
بخواند ظاهرا خوب یا من الیه ملجأ العباد فی المهمات و الیه یفزع الخلق
باشد پس این دعا بخوان
فی الملمات یا عالم الجهر و الخفیات یا من لا یخفی علیه خواطر الاوهام
و تصرف الخطرات یا رب الخلائق و البریات یا من بیده ملکوت الارضین
و السموات انت الله لا اله الا انت امت الیک بلا اله الا انت فیا لا
اله الا انت اجعلنی فی هذه اللیلة ممن نظرت الیه فرحمته و سمعت دعاءه
فاجبته و علمت استقالته فاقلته و تجاوزت عن سالف خطیئته و عظیم
جریرته فقد استجرت بک من ذنوبی و لجات الیک فی ستر عیوبی اللهم فجد علی
بکرمک و فضلک و احطط خطایای بحلمک و عفوک و تغمدنی فی هذه اللیلة
بسابغ کرامتک و اجعلنی فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم لطاعتک و اخترتهم
لعبادتک و جعلتهم خالصتک و صفوتک اللهم اجعلنی ممن سعد جده و توفر
من الخیرات حظه و اجعلنی ممن سلم فنعم و فاز فغنم و اکفنی شر ما اسلفت و اعصمنی
من الازدیاد فی معصیتک و حبب الی طاعتک و ما یقربنی منک و یزلفنی عندک

سیدی الیک ملجأ الهارب و منک ملتمس الطالب و علی کرمک یعول المستقیل
التائب ادبت عبادک بالتکرم و انت اکرم الاکرمین و امرت بالعفو عبادک
و انت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی ما رجوت من کرمک و لا تؤیسنی من سابغ
نعمک و لا تخیبنی من جزیل قسمک فی هذه اللیلة لاهل طاعتک و اجعلنی
فی جنة من شرار بریتک رب ان لم اکن من اهل ذلک فانت اهل الکرم و
العفو و المغفرة و جد علی بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظنی بک
و تحقق رجائی لک و علقت نفسی بکرمک و انت ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین
اللهم و اخصصنی من کرمک بجزیل قسمک و اعوذ بعفوک من عقوبتک و اغفر لی
الذنب الذی یحبس علی الخلق و یضیق علی الرزق حتی اقوم بصالح رضاک
و انعم بجزیل عطائک و اسعد بسابغ نعمائک فقد لذت بحرمک و تعرضت
لکرمک و استعذت بعفوک من عقوبتک و بحلمک من غضبک فجد بما سألتک
و انل ما التمست منک اسألک بک لا بشیء اعظم منک پس بسجده میروی
و میگوئی
یا رب بیست و یا الله هفت لا حول و لا قوة الا بالله هفت ما شاء الله لا
حول و لا قوة الا بالله ده لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد
بفرست آنچه خواهی حاجت خود را

از خدا بطلب و بجا اسو کند که اگر بعدد قطرات باران حاجت بطلبی حقتعالی تو را بانها
میرساند بکرم و فضل خود و بروایتی دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگوید یا رب
محمد و شیخ گفته الهی تعرض لک فی هذا اللیل المتعرضون وقصدک القاصدون
است پس بگو الهی این توجه کرده مرترا در این شب توجه کنندگان و قصد کرده اند ترا حاجت کنندگان
واَمّل فضلک ومعروفک الطالبون ولک فی هذا اللیل نفحات وجوائز
و آرزو دارند فضل ترا و احسان ترا طالبان و مرترا در این شب نسیمها و صلهها
وعطایا ومواهب تمنّ بها علی من تشاء من عبادک وتمنعها من لم تسبق له
و عطاها و بخششها که منت می‌نهی بر هر که خواهی از بندگان خود و باز داری او را که سبقت نکرده او را
العنایة منک وها انا ذا عبیدک الفقیر الیک المؤمل فضلک ومعروفک
عنایت از تو و اینک منم بنده کوچک تو محتاجم بسوی تو امیدوارم فضل ترا و احسان ترا
فان کنت یا مولای تفضلت فی هذه اللیلة علی احد من خلقک وعدت علیه بعائدة
پس اگر بوده باشی ای آقای من تفضل کننده مرا در این شب بر یکی از خلق خود و نفع رساننده باشی بر او تفضل
من عطفک فصل علی محمد وآل محمد الطیبین الطاهرین الخیرین الفاضلین
از مهربانی تو پس رحمت بر محمد و آل محمد که پاکان پاکیزگانند نیکان زیادتی یافتگان
وجد علی بطولک ومعروفک یا رب العالمین وصل علی محمد خاتم النبیین
و بخشش کن بر من بانعام خود و احسان خود ای پروردگار عالمیان و رحمت فرست بر محمد آخر پیغمبران
واله الطاهرین وسلم تسلیما ان الله حمید مجید اللهم انی ادعوک کما امرت
و آل او که پاکانند و درود فرست درود بسیار بدرستیکه خدا ستوده بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده
فاستجب لی کما وعدت انک لا تخلف المیعاد مؤلف گوید که این دعا بسیار خوب
پس مستجاب گردان از برای من چنانچه وعده کرده بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را
و از دعاهای اینشب است ظاهرا
جزو اعمال سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی روایت کرده است که جبرئیل
بر حضرت رسول نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده
رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده الله
مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند بار خدایا
لک سجد سوادی وخیالی وبیاضی یا عظیم کل عظیم اغفر لی ذنبی العظیم
مر ترا سجده کرده است سیاهی من و خیال من و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگی بیامرز برای من گناه بزرگ مرا
فانه لا یغفره غیرک یا عظیم پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حقتعالی از او
پس بدرستیکه نمی آمرزد گناهان را غیر تو ای بزرگ
هفتاد و دو هزار گناه را و مثل آن حسنه در نامهٔ

عمل او بنویسند و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نماز بیست که
عامه و خاصه از حضرت رسول روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در
خواب بودم جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در اینشب گفتم این چه
شب است گفت نیمه شعبان است پس برخیز اینجا و برد بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند
کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبی است که درهای آسمان در اینشب گشوده میشود
یعنی درهای رحمت و درهای خوشنودی خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل
و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می‌آمرزد حقتعالی از
بندگان در اینشب بعدد موهای چهار پایان و نیمهای ایشان ای محمد هر که احیا کند اینشب را
بگفتن الله اکبر و سبحان الله و لا اله الا الله و الحمد لله و نماز کردن و قرآن خواندن و
طلب آمرزش کردن و استغفار نمودن بهشت در آخر منزل جای او باشد و گناهان گذشته
و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که در اینشب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و چون از همه فارغ شود
ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حقتعالی
صد گناه کبیره هلاک کننده او را بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو
عطا کند و شفاعت او را قبول کند در صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و شریک کند
او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران اینماه و عبادت کنندگان اینماه را باو عطا کند
بی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود پس احیا کن اینشب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند
آنرا و تقرب جویند بسوی خدا بعبادات بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد من چون
نزد تو آمدم جمیع ملائکه آسمانها بپای خود را جفت کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند
و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع و بعضی در سجود بودند و بعضی مشغول بودند
بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه حقتعالی در این
شب نظر رحمت بسوی بندگان بیافکند و بیامرزد هر مؤمن را اگر بنماز ایستاده باشد یا نشسته
مشغول تسبیح باشد یا در رکوع و سجود یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است که هر که
دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که سوال کند باو عطا کرده میشود و هر که استغفار
کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد و محروم کسی است که از خیر

اینشب محروم گردد و از حضرت امیرالمؤمنین منقولست که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت
نماز بکند با هزار مرتبه قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او
در روزی که دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را به بیند که او را ایمن کردانند
از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر انها باشند که دور دنیا او را از
شر شیطان نگاه میداشتند و سی نفر انها باشند که در شب و روز برای او استغفار میکردند
در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند از شر دشمنان و منقولست که حضرت
رسول در اینشب این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْیَتِکَ ما یَحُولُ بَیْنَنا وَبَیْنَ مَعْصِیَتِکَ
خداوندا قسمت کن مرا از ترس خود آنچه حایل شود میان ما و میان نافرمانی تو
وَمِنْ طاعَتِکَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَکَ وَمِنَ الْیَقِینِ ما یَهُونُ عَلَیْنا بِهِ مُصِیباتُ
و از طاعت تو آنچه برسانند ما را بآن خشنودی تو و از یقین آنچه آسان شود بر ما بسبب مصیبتهای
الدُّنْیا اَللّٰهُمَّ اَمْتِعْنا بِاَسْماعِنا وَاَبْصارِنا وَقُوَّتِنا ما اَحْیَیْتَنا وَاجْعَلْهُ الْوارِثَ
دنیا خداوندا بهره ورگردان ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و توانائی ما مادام که زنده داری ما را و بگردان آنرا وارث
مِنّا وَاجْعَلْ ثارَنا عَلی مَنْ ظَلَمَنا وَانْصُرْنا عَلی مَنْ عادانا وَلا تَجْعَلْ مُصِیبَتَنا فِی دِینِنا
از ما و بگردان خون ما را بر آنکه ستم کرد بر ما و یاری کن ما را بر آنکه دشمنی کرد با ما و مگردان مصیبت ما را در دین ما
وَلا تَجْعَلِ الدُّنْیا اَکْبَرَ هَمِّنا وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَیْنا مَنْ لا یَرْحَمُنا بِرَحْمَتِکَ
و مگردان دنیا را بزرگترین اندوه ما و نه رسیده دانش ما و مسلط مکن بر ما آنکه رحم نکند بر ما برحمت خود
یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ و این دعای جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرتست و چون
ای بخشنده ترین بخشندگان
دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب امیرالمؤمنین است بهترین دعاها
و از دعاهای این شبست و در او قات دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در این جا ایراد مینمائیم که در
وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فائده اش تمامتر و ثوابش عظیم تر باشد بدانکه
سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است که کمیل بن زیاد گفت روزی با
مولای خود حضرت امیرالمؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد
حضرت فرمود که هر بنده که اینشب را بعبادت احیا کند و دعای حضرت خضر را در این
شب بخواند البته دعای او مستجاب گردد چون حضرت بمنزل خود مراجعت نمود شب
بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید بچه کار آمدی ای کمیل گفتم یا امیرالمؤمنین بطلب

دعای خضر آمده ام فرمود بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه
یا در هر ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان
از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت
و خدمت تو موجب شد که ترا باین نعمت و کرامت ممتاز و سرافراز کردانم پس گفت
بنویس و دعا را تلقین من نمود و اینست دعاء کمیل بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِکَ الَّتِی قَهَرْتَ بِها
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا برحمت تو که فراگرفته همه چیز را و بتوانائی تو که غلبه کرده بآن
کُلَّ شَیْءٍ وَخَضَعَ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَذَلَّ لَها کُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوتِکَ الَّتِی غَلَبْتَ بِها کُلَّ شَیْءٍ
هر چیزی و خاضع شده مر او را هر چیزی و خوار شده مر او را هر چیزی و ببزرگواری تو که غلبه کرده بآن هر چیزی
وَبِعِزَّتِکَ الَّتِی لا یَقُومُ لَها شَیْءٌ وَبِعَظَمَتِکَ الَّتِی مَلَأَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَبِسُلْطانِکَ الَّذِی
و بعزت تو که برابر نمی ایستد مر او را چیزی و بعظمت تو که پر کرده هر چیزی و بپادشاهی تو که
عَلا کُلَّ شَیْءٍ وَبِوَجْهِکَ الْباقِی بَعْدَ فَناءِ کُلِّ شَیْءٍ وَبِاَسْمائِکَ الَّتِی مَلَأَتْ اَرْکانَ
برتر است هر چیزی و بذات تو که باقیست بعد از فانی بودن هر چیزی و بنامهای تو که پر کرده رکنهای
کُلِّ شَیْءٍ وَبِعِلْمِکَ الَّذِی اَحاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی اَضاءَ لَهُ کُلُّ شَیْءٍ یا
هر چیزی و بدانائی تو که فرا گرفته هر چیزی و بروشنائی تو که روشن کرده مر او را هر چیزی ای
نُورُ یا قُدُّوسُ یا اَوَّلَ الْاَوَّلِینَ وَیا آخِرَ الْآخِرِینَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی
هویدا ای منزه ای پیشتر از پیشینیان و ای پس تر از پسینیان خداوندا بیامرز از برای من گناهانیکه می
تَهْتِکُ الْعِصَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تُنْزِلُ النِّقَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ
درد پرده عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهانیکه فرود میآورد عذاب را خداوندا بیامرز برای من گناهانیکه
الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَمَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَحْبِسُ الدُّعاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ
تغییر میدهد نعمتها را خداوندا بیامرز برای من گناهانیکه حبس میکند دعا ما را خداوندا بیامرز برای من
الذُّنُوبَ الَّتِی تُنْزِلُ الْبَلاءَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی تَقْطَعُ الرَّجاءَ اَللّٰهُمَّ
گناهانی را که فرود می آورد بلا را خداوندا بیامرز برای من گناهانی را که میبرد امید ما را خداوندا
اغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَکُلَّ خَطِیئَةٍ اَخْطَأْتُها اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ
بیامرز مرا هر گناهیکه کردم آنرا و هر خطائی که بنادانی بجا آوردم آنرا خداوندا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بتو
بِذِکْرِکَ وَاَسْتَشْفِعُ بِکَ اِلی نَفْسِکَ وَاَسْئَلُکَ بِجُودِکَ اَنْ تُدْنِیَنِی مِنْ قُرْبِکَ
بیاد تو و شفاعت میجویم بسوی تو بسوی نفس تو و درخواست میکنم بجشش تو که نزدیک کنی مرا از قرب خود

وأن توزعني شكرك وأن تلهمني ذكرك اللهم إني أسئلك سؤال خاضع
متذلل خاشع أن تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي جميع
الأحوال متواضعا اللهم وأسئلك سؤال من اشتدت فاقته وأنزل بك
عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللهم عظم سلطانك و
علا مكانك وخفي مكرك وظهر أمرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا
يمكن الفرار من حكومتك اللهم لا أجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا
ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا إله إلا أنت سبحانك وبحمدك
ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي وسكنت إلى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم
مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء أقلته وكم من عثار و
قيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست أهلا له نشرته
اللهم عظم بلائي وأفرط بي سوء حالي وقصرت بي أعمالي وقعدت بي
أغلالي وحبسني عن نفعي بعد أملي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي
بجنايتها ومطالي يا سيدي فأسئلك بعزتك أن لا يحجب عنك دعائي سوء
عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا تعاجلني بالعقوبة

على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي وإسائتي ودوام تفريطي وجهالتي
وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم بعزتك لي في الأحوال كلها رؤفا وعلي
في جميع الأمور عطوفا إلهي وربي من لي غيرك أسئله كشف ضري والنظر في
أمري إلهي ومولاي أجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم أحترس فيه
من تزيين عدوي فغرني بما أهوى وأسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما
جرى علي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض أوامرك فلك الحمد علي
في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك وألزمني فيه حكمك
وبلاؤك وقد أتيتك يا إلهي بعد تقصيري وإسرافي على نفسي معتذرا نادما
منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا أجد مفرا مما كان
مني ولا مفزعا أتوجه إليه في أمري غير قبولك عذري وإدخالك إياي في
سعة من رحمتك اللهم فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي
يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدء خلقي وذكري و
تربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي يا إلهي وسيدي و
ربي أتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك

وَلَهِجَ بِهِ لِسانی مِنْ ذِکْرِکَ وَاعْتَقَدَهُ ضَمیری مِنْ حُبِّکَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرافی
و گویا شده است بان زبان مرا از یاد تو و محکم کرده است دل مرا از دوستی تو و بعد از راستی اعتراف من

وَدُعائی خاضِعاً لِرُبُوبِیَّتِکَ هَیْهاتَ اَنْتَ اَکْرَمُ مِنْ اَنْ تُضَیِّعَ مَنْ رَبَّیْتَهُ اَوْ
و دعای من از روی خضوع مر پروردگاری تو دور است تو کریمتری از اینکه ضایع کنی او را که تربیت کرده یا

تُبْعِدَ مَنْ اَدْنَیْتَهُ اَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَیْتَهُ اَوْ تُسَلِّمَ اِلَی الْبَلاءِ مَنْ کَفَیْتَهُ وَرَحِمْتَهُ
دور کنی او را که نزدیک کرده او را یا برانی او را که نزدیک کرده او را یا بگذاری بسوی بلا او کسی را که دفع شر کرده او را و رحم کرده

وَلَیْتَ شِعْری یا سَیِّدی وَاِلهی وَمَوْلایَ اَتُسَلِّطُ النّارَ عَلی وُجُوهٍ خَرَّتْ لِعَظَمَتِکَ
و کاش میدانستم ای آقای من و ای خدای من و مولای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر روها که افتادند نزد عظمت تو

ساجِدَةً وَعَلی اَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحیدِکَ صادِقَةً وَبِشُکْرِکَ مادِحَةً وَعَلی قُلُوبٍ
سجده کننده و بر زبانها که گویا شدند بیگانگی تو راستگویان و بشکر تو مدح گویان و بر دلهای

اعْتَرَفَتْ بِاِلهِیَّتِکَ مُحَقِّقَةً وَعَلی ضَمائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِکَ حَتّی صارَتْ خاشِعَةً
که اعتراف کردند بخدائی تو از روی تحقیق و بر خواطرها که محو کردند از دانستن تو تا گردید با خضوع

وَعَلی جَوارِحَ سَعَتْ اِلی اَوْطانِ تَعَبُّدِکَ طائِعَةً وَاَشارَتْ بِاسْتِغْفارِکَ مُذْعِنَةً
و بر عضوهای چند که سعی کردند بسوی مسکنهای عبادت خود از روی طوع و اشاره کردند با مرزش تو از روی اعتقاد

ما هکَذَا الظَّنُّ بِکَ وَلا اُخْبِرْنا بِفَضْلِکَ عَنْکَ یا کَریمُ یا رَبِّ وَاَنْتَ تَعْلَمُ
نیست چنین گمان بتو و خبر نداده ما را بفضل تو از تو ای بزرگوار ای پروردگار و تو میدانی

ضَعْفی عَنْ قَلیلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْیا وَعُقُوباتِها وَما یَجْری فیها مِنَ الْمَکارِهِ عَلی
ناتوانی مرا از اندکی از بلای دنیا و عقوبات تو و آنچه جاری شود در آن از بدیها بر

اَهْلِها عَلی اَنَّ ذلِکَ بَلاءٌ وَمَکْرُوهٌ قَلیلٌ مَکْثُهُ یَسیرٌ بَقاؤُهُ قَصیرٌ مُدَّتُهُ
اهل او بر آنکه این بلا و ناخوشی است که اندک است ماندن آن و کم است بقای آن کوتاه است زمان

فَکَیْفَ احْتِمالی لِبَلاءِ الاْخِرَةِ وَجَلیلِ وُقُوعِ الْمَکارِهِ فیها وَهُوَ بَلاءٌ تَطُولُ
پس چگونه تاب آورم بلای آخرت را و بزرگ واقع شدن مکروهات در آنها و او طولانی است

مُدَّتُهُ وَیَدُومُ مَقامُهُ وَلا یُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ لاَنَّهُ لا یَکُونُ اِلّا عَنْ غَضَبِکَ
مدت او و دائمی است اقامت او و سبک نمیشود از اهل آن بجهت آنکه نمیباشد مگر از غضب تو

وَانْتِقامِکَ وَسَخَطِکَ وَهذا ما لا تَقُومُ لَهُ السَّمواتُ وَالاَرْضُ یا سَیِّدی
و انتقام تو و خشم تو و این چیزیست که در برابر آن نایستد مر او آسمانها و زمین ای آقای من

فَکَیْفَ بی وَاَنَا عَبْدُکَ الضَّعیفُ الذَّلیلُ الْحَقیرُ الْمِسْکینُ الْمُسْتَکینُ یا اِلهی
پس چگونه تاب آورم و منم بنده تو ضعیف خوار بیمقدار فقیر شکسته ای خدای من

وَرَبّی وَسَیِّدی وَمَوْلایَ لاَیِّ الاُمُورِ اِلَیْکَ اَشْکُو وَلِما مِنْها اَضِجُّ وَاَبْکی
و پروردگار من و آقای من و سید من برای کدام امور بسوی تو شکوه کنم و برای کدام از آنها بخروشم و گریه کنم

لاَلیمِ الْعَذابِ وَشِدَّتِهِ اَوْ لِطُولِ الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَیَّرْتَنی فِی الْعُقُوباتِ
بدردناکی عذاب و شدت او یا مرو درازی بلا و مدت او پس اگر بگردانی مرا در عقوبات

مَعَ اَعْدائِکَ وَجَمَعْتَ بَیْنی وَبَیْنَ اَهْلِ بَلائِکَ وَفَرَّقْتَ بَیْنی وَبَیْنَ اَحِبّائِکَ وَ
با دشمنان تو و فراهم آوری میان من و میان اهل بلای خود و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و

اَوْلِیائِکَ فَهَبْنی یا اِلهی وَسَیِّدی وَمَوْلایَ وَرَبّی صَبَرْتُ عَلی عَذابِکَ فَکَیْفَ
دوستان تو پس بخش مرا ای خدای من و سید من و آقای من و پروردگار من صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه

اَصْبِرُ عَلی فِراقِکَ وَهَبْنی صَبَرْتُ عَلی حَرِّ نارِکَ فَکَیْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ اِلی کَرامَتِکَ
صبر کنم بر فرقت تو و بخش مرا صبر کردم بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم از نگریستن بسوی کرامت تو

اَمْ کَیْفَ اَسْکُنُ فِی النّارِ وَرَجائی عَفْوُکَ فَبِعِزَّتِکَ یا سَیِّدی وَمَوْلایَ اُقْسِمُ
آیا چگونه ساکن شوم در آتش و امید من عفو تست پس بعزت تو ای سید من و مولای من قسم میخورم

صادِقاً لَئِنْ تَرَکْتَنی ناطِقاً لاَضِجَّنَّ اِلَیْکَ بَیْنَ اَهْلِها ضَجیجَ الآمِلینَ وَلاَصْرُخَنَّ
براستی هر آینه اگر واگذاری مرا گویا هر آینه بخروشم بسوی تو میان اهل او خروش امیدواران و هر آینه ناله کنم

اِلَیْکَ صُراخَ الْمُسْتَصْرِخینَ وَلاَبْکِیَنَّ عَلَیْکَ بُکاءَ الْفاقِدینَ وَلاُنادِیَنَّکَ
بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و هر آینه بگریم بر تو گریه آنانکه دوست خود را گم کرده و هر آینه ندا کنم ترا

اَیْنَ کُنْتَ یا وَلِیَّ الْمُؤْمِنینَ یا غایَةَ آمالِ الْعارِفینَ یا غِیاثَ الْمُسْتَغیثینَ یا حَبیبَ
کجا بودی تو ای دوست گروندگان ای منتهای آرزوی عارفان ای دادرس دادخواهان ای دوست

قُلُوبِ الصّادِقینَ وَیا اِلهَ الْعالَمینَ اَفَتُراکَ سُبْحانَکَ یا اِلهی وَبِحَمْدِکَ تَسْمَعُ
دلهای راستگویان و ای خدای جهانیان آیا می بینی خود را تنزیه میکنم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم که بشنوی

فیها صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فیها بِمُخالَفَتِهِ وَذاقَ طَعْمَ عَذابِها بِمَعْصِیَتِهِ
در آن صدای بنده مسلمانی که در زندان مانده باشد در آن بمخالفت او و بچشد مزه عذاب آنرا بنافرمانی او

وَحُبِسَ بَیْنَ اَطْباقِها بِجُرْمِهِ وَجَریرَتِهِ وَهُوَ یَضِجُّ اِلَیْکَ ضَجیجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِکَ وَ
و محبوس گردد میان طبقات آن بجرم او و گناه او و او خروش کند بسوی تو خروش آنکه امید رحمت دارد و

یُنادیکَ بِلِسانِ اَهْلِ تَوْحیدِکَ وَیَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ بِرُبُوبِیَّتِکَ یا مَوْلایَ
ندا کند ترا بزبان اهل یگانه پرستی و توسل جوید بسوی تو بپروردگاری تو ای آقای من

فَکَیْفَ یَبْقی فِی الْعَذابِ وَهُوَ یَرْجُو ما سَلَفَ مِنْ حِلْمِکَ وَرَأْفَتِکَ وَرَحْمَتِکَ
پس چگونه میماند در عذاب و او امیدوار آنچه پیش گذشته از بردباری تو و مهربانی تو و رحمت تو

أم كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك أم كيف يحرقه لهيبها
وأنت تسمع صوته وترى مكانه أم كيف يشتمل عليه زفيرها وأنت تعلم
ضعفه أم كيف يتغلغل بين أطباقها وأنت تعلم صدقه أم كيف تزجره
زبانيتها وهو يناديك يا ربه أم كيف يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها
هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت
به الموحدين من برك وإحسانك فباليقين أقطع لولا ما حكمت به من تعذيب
جاحديك وقضيت به من إخلاد معانديك لجعلت النار كلها بردا و
سلاما وما كانت لأحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست أسماؤك أقسمت
أن تملأها من الكافرين من الجنة والناس أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين
وأنت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالإنعام متكرما أفمن كان مؤمنا
كمن كان فاسقا لا يستوون إلهي وسيدي فأسألك بالقدرة التي قدرتها و
بالقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه أجريتها أن تهب لي في
هذه الليلة وفي هذه الساعة كل جرم أجرمته وكل ذنب أذنبته و
كل قبيح أسررته وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته وكل

سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون
مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت أنت الرقيب علي من ورائهم
والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك أخفيته وبفضلك سترته وأن توفر
حظي من كل خير تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو
ذنب تغفره أو خطإ تستره يا رب يا رب يا رب يا إلهي وسيدي ومولاي
ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي
يا رب يا رب يا رب أسألك بحقك وقدسك وأعظم صفاتك وأسمائك
أن تجعل أوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة وأعمالي
عندك مقبولة حتى تكون أعمالي وأورادي كلها وردا واحدا وحالي في خدمتك
سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت أحوالي يا رب يا رب يا رب
قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك
والدوام في الاتصال بخدمتك حتى أسرح إليك في ميادين السابقين
وأسرع إليك في المبادرين وأشتاق إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك
دنو المخلصين وأخافك مخافة الموقنين وأجتمع في جوارك مع المؤمنين

اللهم ومن ارادنی بسوء فارده ومن کادنی فکده واجعلنی من احسن
خداوندا و هر که اراده کند مرا ببدی پس اراده کن او را و هر که مکر کند مرا پس مکر کن او را و بگردان مرا از نیکوترین

عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة منك واخصهم زلفة لديك
بندگان خود بهره نزد تو و نزدیکترین ایشان از راه قرب از تو و مخصوص ترین ایشان از منزلت نزد تو

فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك و
پس بدرستی که نمیرسد مرا آن مگر بفضل تو و ببخش مرا بجود خود و مهربان کن بر من ببزرگواری خود

احفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن
نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت بر من بنیکی

اجابتك واقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك
اجابت تو و در گذر از لغزش من و بیامرز مرا گناه مرا پس بدرستیکه حکم کرده بر بندگان خود بپرستیدن خود

وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت وجهي واليك
و امر کردی ایشانرا بخواندن تو و ضامن شده ایشانرا اجابت پس بسوی تست ای پروردگار آراسته رو بجود و بسوی تو

يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك
ای پروردگار کشیدم دست خود را پس بعزت تو روا اجابت کن دعا مرا و برسان مرا بآرزوی خود و مبر از فضل خود

رجائي واكفني شر الجن والانس من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك
امید مرا و دفع کن از من شر جن و انس را از دشمنی من ای زود خشنود شونده و بیامرز کسیرا که مالک نیست چیزی

الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته
مگر دعا پس بدرستیکه تو کننده مرا آنچه میخواهی ای آنکه نام او دواست و یاد کردن او شفاست و فرمانبرداری

غنى ارحم من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم
بی نیازی رحم کن کسیرا که سرمایه او امیدواریست و سلاحش گریه زاریست ای بخشنده نعمت کامل ای دفع کننده عذاب

يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل
ای روشنی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن

بي ما انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من آله وسلم
با من آنچه تو سزاوار آنی و رحمت فرستد خدا بر پیغمبر خود و پیشوایان با میمنت از آل او و درود

تسليما كثيرا فصل پنجم در بقیهٔ اعمال ماهست از حضرت امام رضا علیه
درود بسیار
السلام منقولست که هر که سه روز از آخر ماه شعبان را روزه بدارد
و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزه دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو
الصلت هروی روایت کرده است که در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا رفتم

حضرت فرمود که ای ابا الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعه آخر آنست پس تدارک
و تلافی کن آنچه از این ماه مانده است تقصیرهائی را که در ایام گذشته این ماه کرده و بر تو
باد که رو آوری بر آنچه نافع است برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت
قرآن مجید بسیار بکن و توبه بکن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید
خالص کرده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانتی و حق کسیرا
مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینه کسیرا مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهیرا
که میکرده مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود
و هر که بر خدا توکل کند خدا بس است او را و بسیار بخوان در بقیهٔ این ماه این دعا را

اللهم ان لم تكن غفرت لنا فيما مضى من شعبان فاغفر لنا فيما بقي منه
خداوندا اگر نباشی آمرزنده برای ما در آنچه گذشت از شعبان پس بیامرز برای ما در آنچه باقی مانده از او

بدرستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میگرداند بندگان بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه رمضان
و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه
رمضان این اللهم ان هذا الشهر المبارك الذي انزلت فيه القرآن وجعلته
دعا میخواندند خداوندا بدرستیکه این ماه مبارک که فرو فرستادی در آن قرآن را و گردانیدی او را

هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا و
رهنما برای مردمان و معجزها از هدایت و جدا کننده بتحقیق که حاضر شده پس نگاهدار ما را در او و سالم دار او را برای ما و

تسلمه منا في يسر منك وعافية يا من اخذ القليل وشكر الكثير اقبل مني
سالم دار او را از ما در آسانی از تو و عافیت ای آنکه فرا گرفته اندک را و جزا داده بسیار را بپذیر از من

اليسير اللهم اني اسئلك ان تجعل لي الى كل خير سبيلا ومن كل ما لا تحب مانعا
اندک را خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو آنکه بگردانی برای من بسوی هر نیکی راهی را و از هر آنچه دوست نداری بازدارنده

يا ارحم الراحمين يا من عفا عني وعما خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني
ای بخشنده ترین بخشندگان ای آنکه در گذشته از من و از آنچه خلوت کردم با او از بدیها ای آنکه مؤاخذه نکرد مرا

بارتكاب المعاصي عفوك عفوك عفوك يا كريم الهي وعظتني فلم اتعظ وزجرتني
بارتکاب معصیتها در گذر در گذر در گذر ای بزرگوار خدایا پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی مرا

عن محارمك فلم انزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك اللهم اني اسئلك

الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو

آسایش نزد مرگ و گذشت نزد حساب بزرگ گناه از بنده تو پس نیکو باشد گذشت

من عندك يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة عفوك عفوك اللهم اني عبدك ابن

از نزد تو ای اهل پرهیزکاری و ای اهل آمرزش درگذر درگذر خداوندا بدرستیکه من بنده توام پسر

عبدك ابن امتك ضعيف فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد

بنده تو پسر کنیز تو ناتوان محتاجم بسوی رحمت تو و توئی فرود آورنده بی‌نیازی و برکت بر بندگان

قاهر مقتدر احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم و

با غلبه با اقتدار شمردی تو کردار ایشان را و قسمت نمودی روزی ایشان را و گردانیدی ایشان را پریشان زبانهای ایشان و

الوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد قدرك وكلنا

رنگهای ایشان آفرینش از بعد آفرینش نمیدانند بندگان دانائی ترا و توانائی ندارند بندگان توانائی ترا و همه ما

فقراء الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني من صالح خلقك في العمل

محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا از شایستگان خلق خود در کردار

والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني خير البقاء وافنني خير الفناء على موالاة

و آرزو و قضا و قدر خدایا باقی دار مرا بهترین بقا و فانی کن مرا بهترین فنا بر دوستی

اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء

دوستان تو و دشمنی دشمنان تو و میل کردن بسوی تو و ترسیدن از تو و فروتنی و وفا

والتسليم لك والتصديق بكتابك واتباع سنة رسولك اللهم ما كان في قلبي

و تسلیم امر ترا و باور داشتن بکتاب تو و پیروی کردن طریقه پیغمبر تو خداوندا آنچه باشد در دل من

من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح او بذخ او بطر او خيلاء او رياء او سمعة

از شک یا شبهه یا انکار یا نومیدی یا شادی یا سرکشی ... یا ریا یا سمعه

او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسئلك

یا بدخوئی یا نفاق یا کفر یا نافرمانی یا عصیان یا بزرگی یا چیزیکه دوست نداری پس میخواهم

يا رب ان تبدلني مكانه ايمانا بوعدك ووفاء بعهدك ورضى بقضائك وزهدا

ای پروردگار اینکه بدل کنی مرا بجای او ایمان بوعده تو و وفا بعهد تو و رضا بقضای تو و بی‌رغبتی

في الدنيا ورغبة فيما عندك واثرة وطمانينة وتوبة نصوحا اسئلك ذلك

در دنیا و راغب در آنچه نزد تست و عطا ... و توبه نصوح درمیخواهم ترا این

يا رب العالمين الهي انت من حلمك تعصى فكانك لم تر ومن كرمك وجودك

ای پروردگار جهانیان خداوندا تو از بردباری خود عصیان کرده شده پس گویا نمی‌بینی در کرم تو وجود تو

تطاع فكانك لم تعص وانا ومن لم يعصك سكان ارضك فكن علينا بالفضل

وبالخير عوادا يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله صلوة دائمة لا تحصى

ولا تعد ولا يقدر قدرها غيرك يا ارحم الراحمين واما نمازها مخصوص شبهای ماه مبارك

کرده اند شب اول صد رکعت با حمد و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن سوره حمد هفتاد
مرتبه دویم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هریک یکمرتبه سیم دو رکعت در هر رکعت
حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید
پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در
هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد و آیه آمن الرسول
تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید و در دویم حمد و آیه قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید
نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر
رکعت حمد و آیة الکرسی یکمرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه یازدهم
هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت
در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد
و یکمرتبه سوره والتین چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه سوره و
العصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه یا
رب تب علینا و بیست و یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی الموتی و
یمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر شانزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه
آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و هفتاد و
یکمرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هجدهم ده رکعت در هر رکعت
حمد و پنج مرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه آیه قل اللهم مالك
الملك بیستم چهار رکعت در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله

بیست و یکم هشت رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و دوم دو
رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و
سیم سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه الهیکم التکاثر بیست و ششم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیهٔ
امن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی
بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و نهم ده
رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین ده مرتبه
سی ام دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه
اللهم صل علی محمد و آل محمد **باب سیم** در بیان مجملی از فضایل و اعمال ماه مبارک رمضان
است و در آن هشت فصل است **فصل اول** در بیان فضیلت این ماه مبارک است باید
دانست که ماه رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماههاست چنانچه بسند معتبر
از حضرت امام رضا روایت کرده اند که حضرت رسول در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند
که ایها الناس بدرستیکه رو کرده است بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی
که نزد خدا بهترین ماههاست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبها و ساعتها
آن بهترین ساعتهاست ماهیست که خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن
از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما ثواب عبادت دارد و عملهای
شما در آن مقبول است و دعای شما در آن مستجاب است پس سؤال کنید از پروردگار خود بنیتهای
درست و دلهای پاکیزه از گناهان و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن
آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه شقی و بد عاقبت کسی است که محروم گردد از آمرزش
خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت
را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران خود را و رحم کنید کوچکان
خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاه دارید زبانهای خود را از آنچه نباید
گفت و بپوشید دیدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و بازدارید گوشهای
خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما

با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا وقت نمازها بهترین ساعتهاست نظر میکند
حقتعالی در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشانرا هرگاه او را
مناجات کنند و لبیک میگوید ایشانرا هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه
او را دعا کنند ایگروه مردمان بدرستیکه جانهای شما در گرو کردههای شماست پس از
گرو بدرآورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک
گردانید بطول دادن سجدهها و بدانید که حقتعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود
که عذاب نکند نمازکنندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشانرا باتش جهنم در
روز قیامت ایها الناس هر که افطار نماید روزه دار مؤمنی را در این ماه از برای او خواهد
بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند یا
رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم با فطار
فرمودن روزه داران اگرچه بنصف دانه خرما باشد و اگرچه بیکشربت آبی باشد بدرستی
که خدا اینثواب را میدهد کسیرا که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هر
که خلق خود را در این ماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزیکه قدمها بر آن لغزد
و هر که سبک گرداند در این ماه خدمت کنیز و غلام خود را حقتعالی در قیامت حساب ورا
آسان گرداند و هر که در این ماه شر خود را از مردم باز دارد حقتعالی غضب خود را در قیامت
از او باز دارد و هر که در این ماه یتیم بی پدریرا گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و
هر که در این ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت
و هر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدا در قیامت قطع رحمت خود از او بکند و
هر که نماز سنتی در این ماه بکند حقتعالی برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که در این ماه نماز
واجبیرا ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هر
که در این ماه بسیار صلوات بر من و آل من فرستد خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه
ترازوی اعمال سبک باشد و کسیکه یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی دارد که در
ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت در این ماه گشاده است
پس سؤال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و درهای جهنم در این ماه بسته است از خدا

سؤال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در این ماه غل میکنند پس سؤال کنید از خدا که هرگز
بر شما مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین منقولست که در ماه رمضان خطبه خواند
و فرمود ندا ایها الناس اینماهیست که خدا آنرا بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است
مانند فضیلت ما اهل بیت بر سایر مردم و در این ماه گشاده میشود درهای آسمان و درهای
بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و در این ماه شنیده میشود نداهای مؤمنان
و مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریههای ایشان را و در این ماه شبی هست که در آن
شب ملائکه از آسمان بزمین میآیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار برخصت
پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است که در آن شب
ولایت و امامت ما پیش از آنکه آدم را خلق کند بدو هزار سال عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار
ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه رمضان
و ماهتابهای آن طالع میشوند بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و این ماه شما مانند ماههای دیگر
نیست و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و دیوان و شیاطین
در این ماه غل کرده در زندانند و زیاده میکند خدا در این ماه روزیها و عمرها را و مینویسد و
مقدر میگرداند در این ماه حاجیان بیت الله را و در این ماه حق تعالی رو میکند بسوی اهل ایمان
با مرزش و فیروزی و رحمت و روز و خوشنودی خدا و نجات دهنده ای روزه دار پس بهر کار
خود نیکو بدرستیکه این ماه مهمان پروردگار خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب
و در روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس
نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان
تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامی که روزه داران مزدهای خود را گیرند تو از جمله
زیانکاران باشی و در وقتیکه بکرامت آقای خود فایز گردند تو از جمله محرومان باشی
و در روزیکه سعادتمند گردند بمجاورت پروردگار خود تو از جمله راندهشدهها
باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود بر گرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد
و اگر محروم گرداند ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند کیست ترا
گرامی خواهد داشت و اگر او ترا ذلیل گرداند کیست ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد کیست ترا
یاری خواهد کرد و اگر او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را التجا میکنی

اگر او

و اگر او لغزشها و گناهان ترا نیامرزد امید بکی خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود
و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی گفت ای روزه
دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب
خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در روز قیامت شفاعت میکند
برای آنها که تلاوت آن کرده اند پس بالا میرود و بلند میگردد جای بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای
روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسیکه در این ماه میکشی ثواب تسبیح در نامه عمل تو مینویسند
و خواب تو در این ماه عبادتست و طاعت تو در این ماه مقبولست و گناهان تو در این ماه آمرزیده
و آوازها بدعا در این ماه شنیده شده است بمناجات و راز نیکه با خدا میگوئی بر تو رحم می
کند بدرستیکه شنیدم از حبیب خود حضرت رسول که خداوند عالمیان را در هر شب از
شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کردهاست از آتش جهنم که عدد ایشانرا کسی بغیر از خدا
نمیداند چون شب آخر ماه میشود در آن شب میآمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است
و ایضا فرمود که هر که ماه رمضانرا روزه بدارد و نفس خود را از چیزهائیکه خدا حرام
کرده است نگاه دارد بهشت البته او را واجب گردد و هر که در این ماه روزه دارد و هیچ
شبان شبهای آن بر حرام افطار نکند البته داخل بهشت شود پس حضرت امیر فرمود که
شنیدم از سید انبیا که فرمود بهترین اوصیای پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد
شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان
است و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته واقع خواهد شد فرمود بلی بحق
پروردگارم بدرستیکه بر انگیخته میشود بدبخت ترین امت من چون پی کننده ناقه صالح و ضربتی
بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سر خضاب شود پس مردم شروع بگریه و فغان کردند
و حضرت از منبر بزیر آمد و ایضا از حضرت رسول منقولست بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس
هر که وارد شود بر او ماه رمضان پس روزه دارد روزش را و بایستد بنماز و عبادت قدری
از شب او و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه آن و بامداد
بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فایز میگردد بجایزهها
و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست فصل دویم در بیان
حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند

که روزه را میشکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنا بر مشهور
یا پنهان شدن قرص آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه
و قول اول احوط است با نیت قربت دین تا اینکه بدانند چه چیزها را تا نیت توانند کرد و چون
میان علما اختلاف بسیار است در آنها اگر قصد کند ترک همه را از برای صحت خود ظاهرا
کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متیقن باشد وجوب ترک آنها قصد کند ترک آنها بعنوان
وجوب و آنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطا و آنچه سبب غلغه مکروه باشد قصد
ترک آنها کند مستحبا و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است و اما آنها که
واجب است ترک آنها کردن اول و دویم چیزی خوردن و چیزی آشامیدن است و چیزی که
خوردن و آشامیدن آن متعارف معتاد باشد در آن خلافی نیست که مبطل صوم است و
موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند آنکه
در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را و بحلق داخل شود محل خلافست و همچنین خلافست در
خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد خوردن و آشامیدن آن مانند
سنگ و چوب و خاک و گیاهها و انفشرده شده از گیاهها غیر معتاد و اظهر آنست که اگر بعنوان
معتاد باشد اجتناب از آن واجبست و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره بعمل آورد سیم
جماع کردن در قبل زن است مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه و فعل آن موجب قضا
و کفاره میشود بی خلاف و جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و
قضا و کفاره لازم میشود و مشهور آنست که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم و
موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته‌اند و اول قوی است چهارم باقی ماندن
بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی
مبطل ندانسته‌اند و بعضی قضا تنها واجب دانسته‌اند و احوط آنست که اگر زن حایض
پاک شود پیش از صبح غسل بکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و آن روز را
روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم بکند و
تیمم را نشکند تا صبح نشود و خواب اول بعد از جنابت در حالیکه نیت غسل کردن
داشته باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است و مشهور آنست که اگر تا صبح
بیدار نشود قضای آن روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته‌اند و آن احوط

و مشهور آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و کفاره لازم
است و این احوط است اگرچه در دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب دویم وجوب
قضاست و این قول قوی نیست بلکه خلافی در آن ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد
آنست که در خواب سیم جنب هرگاه بصبح برسد قضا و کفاره هر دو واجبست و اقوی
عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از بیدار
شدن از احتلام حکم خواب دویم دارد چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این
احوط است بلکه خالی از قوت نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک
رمضان نیز خلافست که آیا باید صبح را پاک درباید یا نه و حق آنست که در قضای ماه
رمضان نباید صبح جنب باشد و در غیر قضا احوط آنست که اگر صبح طاهر نباشد
و واجب معین نباشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین باشد آن روز را روزه بدارد
و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد و اگر بکند
احوطست و در روزه سنت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند
و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت
را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور آنست که روزه اش باطل است و قضا می
کند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند
کرد و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اگرچه قضای ماه رمضان باشد و در
روزه سنت خلافی نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد
تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد از زوال خلافست و بعضی گفته‌اند تا نزدیک بشام
نیت میتواند کرد و جمعی از محققین علما باین قائلند و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته
اند بعد از زوال نیت نمیتواند کرد و بعضی گفته‌اند که اگر پیش از زوال نیت کند
ثواب روزه تمام روز را مییابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام
را مییابد پنجم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی این را موجب قضا و کفاره می
دانند و بعضی قضای تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است و
بعضی از متاخرین ملحق ساخته‌اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظ را اگر از
آن اجزا منفصل شود چون دود تنور و بخار دیگ و اظهر عدم بطلان است و احوط

اجتناب حتی از دود تنباکو ششم استمنا است یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن
و موجب قضا و کفاره است و مشهور آنست که هرگاه ملامسه و ملاعبه کند تا انزال شود
روزه او باطل میشود قضا و کفاره لازم است و بعضی در این تامل نموده اند خصوصا
وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادت او انزال نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب
قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای او را
شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرگاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته
باشد و بان معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است هفتم
قی کردنست عمدا و اکثر موجب قضای تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره هر دو را
میدانند و بعضی هیچیک را واجب نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب قضای تنها خالی
از قوتی نیست و مشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید بر او قضائی نیست بعضی قضا را
واجب دانسته اند و این قول ضعیف است هشتم حقنه است و بعضی موجب قضا و کفاره
هر دو دانسته اند و بعضی موجب قضای تنها و بعضی حرام دانسته اند و موجب هیچیک
ندانسته اند و بعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته اند و حقنه جامد را مانند شیاف
مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته اند و این قول قوی است و احوط
آنست که بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اگر بکند قضا بکند و اشهر و اقوی آنست
که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد صوم نمیشود و سعوط در بینی هرگاه تعدی
بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند
و اگر بحلق رسد احوط اجتنابست نهم دروغ گفتن بر خدا و رسول خدا و ائمه هدی
صلوات الله علیهم است باینکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید
بلکه کسیکه اهلیت مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید در حرمت شکی
نیست و بعضی در روزه موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی میگویند موجب فساد
صوم نمیشود و خالی از قوتی نیست و احوط آنست که اگر بکند قضا کند و کفاره بدهد
دهم سر فرو بردن در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی موجب
قضای تنها میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب هیچیک نمیدانند و بعضی
مکروه میدانند و اظهر حرمتست و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی گفته اند که

اگر سر را در آب فرو برد تا گردن و بدن بیرون باشد باز حکم ارتماس دارد و این احوط
است و بعضی گفته اند که اگر فرو برد منافذ سر را دفعه هرچند منابت مو بیرون باشد
باز حکم ارتماس دارد و این احوطست و احوط آنست که در روزه شستن سر را با آب فرو نبرد
و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که از سینه برآید یا از دماغ فرود آید
در فرو بردن آن علما را سه قولست اول جواز ابتلاع آنچه بیرون میآید از سینه مادام که
از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که
بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر
و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعی که حکم بفساد کرده اند بعضی بقضای
تنها قایل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب میدانند و بعضی بکفاره جمع قایل شده اند
و گمان فقیر آنست که هیچیک لازم نمیشود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بفضای دهن
برسد فرو نبرد دوازدهم مشهور میان علما آنست که مکروهست زن روزه دار در میان
آب بنشیند و بعضی گفته اند هرگاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر آن لازم است و بعضی
کفاره و آنرا نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است و دیگر خاییدن قندران و مسطکی که آنرا
را فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است مشهور
میان علما آنست که اگر کسی گمان نداشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد
جایز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است
آنوقت که خورده و آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست
و اگر ملاحظه نکرده خورده باشد قضا واجبست و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه
کند جهة وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهة
نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجبست و اگر عبث مضمضه کند و آب
بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوطست و اظهر عدم وجوبست
مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهن را بیندازد
و این احوطست فصل سیم در مستحبات و آداب روزه است مکروهست روزه دار
را بوسیدن زنان و دست ببدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان
و اقرب آنست که کراهیت مخصوص بصورتی نیست که اینها محرک شهوت او باشد و خوف وقوع

دو جماع داشته باشد و مکروهست بچشم کشیدن چیزی که اثر طعمی باشد که بحلق
برسد یا دران شکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن خونست از بدن که باعث
ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف
باشد و مکروهست بوییدن گلها خصوصاً نرجس و بهتر است که مشک و عنبر بوید
و سایر بوهای خوش مکروه نیست بلکه سنتست و از حضرت صادق منقولست که طیب
تحفه صایم است و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش
زایل نشود و اشهر و اقوی اینست که بوییدن رایحه غلیظه مفطر نیست و بعضی گفته
اند بوییدن رایحه غلیظه که بجوف برسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست
که بوی خوش سابیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است و
مکروه است که صایم جامه که ملاصق بدنست تر کند و مکروه است زن صایمه را که در
آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت صادق منقولست که هرگاه روزه داری میباید که روزه
باشد گوش تو و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهها
و فرمود که باید که روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضا از آنحضرت منقول
است که فرمود روزه نه همین از خوردن و آشامیدن است تنها بلکه باید که در روز
روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از حرام
و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند
دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز مخورید و دشنام مدهید و فحش مگویید و ستم مکنید
و بیخردی مکنید و دلتنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید
از آنچه نباید گفت و صبر کنید و راست گو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید
از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن
و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت بکنید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد
باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید
و بر شما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت مانند بنده که
از آقای خود ترسد ترسان باشید از عذاب خدا و امیدوار باشید برحمت او و باید که پاک
باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها

و بیزاری بجویی بسوی خدا از آنچه غیر اوست در روزه و ولایت خود را خالص گردانی از برای
او و خاموش باشی از آنچه حقتعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی
از خداوند قهار از آنچه سزاوار ترسیدنست در پنهان و آشکار و ببخشی روح و بدن
خود را بخدای عز و جل در ایام روزه خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد او
و بدن خود را بکار فرمایی در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خوانده است بسوی آن
اگر همه اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده خدا را
اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنچه بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزه تو کم میشود
از فضل آن و ثواب آن بدرستیکه پدرم گفت که از رسول خدا شنیدم که زنی در روز
روزه جاریه خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن را گفت بخور زن
گفت من روزه ام حضرت فرمود چگونه روزه و جاریه خود را دشنام دادی روزه
از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستیکه حقتعالی روزه را حجابی گردانیده
است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کمند روزه داران و بسیار
اند گرسنگی کشندگان و حضرت امیرالمؤمنین فرمود که چه بسیار روزه داری که بهره
نیست ورا از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست ورا بهره
از عبادت بغیر تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر است از بیداری و عبادت احمقان و خوشا
افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه داشتن بیخردانست زیرا که خواب مقربان چون
بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جمله عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان
در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مؤمنان محشور میگردند و بر اسرار غریب
بروحهای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب ایشانست و افطار خردمندان
چون از راه دانائیست و بوجهی که حقتعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است از روزهای
احمقان که روزه را دستگاه خودفروشی کرده اند و بریا و عجب ممزوج میگردانند
و بشرایط صوم عمل نمیکنند **فصل چهارم** در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضان
سنتست طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام جعفر
صادق منقولست که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن
و رو بقبله بکن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو ربی و ربک

اللّه ربّ العالمین اللهمّ اهلّه علینا بالامن والایمان والسّلامة والاسلام
خدایت پروردگار جهانیان خداوندا طالع گردان بر ما بایمنی و ایمان و سلامتی و اسلام
والمسارعة الی ما تحبّ وترضی اللهمّ بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا خیره
و شتافتن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا برکت ده ما را در ماه ما اینماه و روزی نما ما را نیکی آن
وعونه واصرف عنّا ضرّه وشرّه وبلاءه وفتنته وبهترین دعاها دعای
و مدد آن و بگردان از ما گزند او را و بدی او را و بلای او را و آشوب او را هلال صحیفهٔ کامله
است وابن ابی عقیل رحمه الله این دعا را در وقت دیدن الحمد لله الّذی خلقنی
هلال ماه مبارک رمضان واجب دانسته است ستایش مر خدا را که آفرید مرا
وخلقک وقدّر منازلک وجعلک مواقیت للنّاس اللهمّ اهلّه
و آفرید ترا و اندازه کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانهٔ وقتها برای مردمان خداوندا طالع گردان
علینا اهلالاً مبارکاً اللهمّ ادخله علینا بالسّلامة والاسلام والیقین
بر ما داخل کردنی بابرکت خداوندا داخل گردان او را بر ما بسلامتی و اسلام و یقین
والایمان والبرّ والتّقوی والتّوفیق لما تحبّ وترضی و در شب اوّل ماه
و ایمان و نیکی و پرهیزکاری و توفیق و آنچه دوست داری و پسندی جماع با حلال خود
سنّت است و غسل در شب اوّل سنّت است و از حضرت صادق منقولست که هر که غسل
کند در شب اوّل ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت معنوی
باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اوّل ماه رمضان غسل
کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و ایضا منقولست که چون ماه رمضان داخل
میشد حضرت صادق فرزندان خود را وصیّت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید
در اینماه در عبادت که در اینماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود
و حاجیان در اینماه مقدّر میشوند که بحج بروند و در اینماه شبی هست که بهتر است از هزار
ماه و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا به
درستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت
حضرت امام حسین در شب اوّل ماه سنّت و از حضرت صادق منقولست که هر که در
شب اوّل ماه رمضان یا شب نیمه شعبان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از او بریزد مانند
برگ از درختان و از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولّد شده است و ثواب

حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در هر شب اینماه سورهٔ
انّا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آن
حضرت منقولست که هر که در شب اوّل ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در
هر رکعت بعد از حمد سورهٔ انعام بخواند و سؤال کند که حقتعالی از او کفایت شرّ هر بد
بکند خدا او را کفایت کند از آنچه میرسد در اینماه و حفظ کند او را از آنچه میرسد
از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد و سوره را از روی قرآن میتوان خواند
و اگر در شب اوّل ماه نیّت روزهٔ تمام ماه را بکند و باز هر شب نیّت کند بهتر است
و نیّت چنین کند که قصد میکنم که فردا روزهٔ رمضان میدارم واجب قربة الی الله
و در روز اوّل ماه سنّت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بر سر بریزد و از حضرت
صادق منقولست که چون در اوّل سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در
تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در روز اوّل اینماه کفی از
گلاب بر روی بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر قدری بکند در آن روز از این
بلاها ایمن گردد و هر که یک کف گلاب در روز اوّل ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض
سرسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمّد تقی منقولست که هر که در اوّل
هر ماه دو رکعت نماز بکند از دو در رکعت اوّل بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله
احد و در رکعت دویّم بعد از حمد سی مرتبه انّا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدّق
بکند بآنچه میسّر شود سلامتی آن ماه را اللهمّ قد حضر شهر رمضان وقد
خریده است و در روز اوّل ماه این دعا است خداوندا بتحقیق که حاضر شد ماه رمضان و بتحقیق
افترضت علینا صیامه وانزلت فیه القرآن هدًی للنّاس وبیّنات
و واجب کردی بر ما روزه داشتن او را و فرستادی در آن قرآن را راهنما برای مردمان و آیتهای روشن
من الهدی والفرقان اللهمّ اعنّا علی صیامه وتقبّله منّا وتسلّمه منّا
وسلّمه لنا فی یسر منک وعافیة انّک علی کلّ شیء قدیر و ایضا از حضرت
صادق علیه
السّلام منقولست که چون ماه مبارک داخل اللهمّ انّه قد دخل شهر رمضان اللهمّ
میشد حضرت رسول این دعا را میخواندند

رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَجَعَلْتَهُ بَيِّنَاتٍ مِنَ
الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ اللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَعِنَّا عَلَى
صِيَامِهِ وَصَلَوٰتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا و ايضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که هر که نزد داخل شدن
ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد
حمد سورهٔ انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد حقتعالی جمیع بدیها را
در آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب اول یا
روز اول دعای صحیفهٔ کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و
دیگران بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی کاظم فرمود که در ماه مبارک
رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود
که این دعا را از برای رضای حقتعالی و بی شائبهٔ اعراض فاسده و ریا بخواند در آن سال
با و نرسد فتنه و گمراهی و نه آفتی که ضرر رساند بدین او و بدن او و حق تعالی او را حفظ
کند از شر آنچه در آن سال واقع اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ
میشود از بلاها و دعا اینست
بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي
قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ
وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا
بَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي

تَقْطَعُ الرَّجَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ
الَّتِي تَرُدُّ الدُّعَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي يُسْتَحَقُّ بِهَا نُزُولُ الْبَلَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ
الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمَاءِ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطَاءَ
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَجِّلُ الْفَنَاءَ وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ
وَاغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ وَأَلْبِسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي
لَا تُرَامُ وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أُحَاذِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ
اللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا
بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ
إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجَبْرَئِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا سَمَّيْتَ بِهِ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي
تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ وَتَدْفَعُ كُلَّ مَحْذُورٍ وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ
بِالْقَلِيلِ وَبِالْكَثِيرِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَلْبِسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ سِتْرَكَ وَنَضِّرْ وَجْهِي بِنُورِكَ
وَأَحِبَّنِي بِمَحَبَّتِكَ وَبَلِّغْنِي رِضْوَانَكَ وَشَرِيفَ كَرَامَتِكَ وَجَسِيمَ عَطِيَّتِكَ

وَلْيُعْطِنِي مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ وَمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَ
و بخشد مرا از نیکی آنچه نزد تست و از نیکیهای آنچه که تو عطا کننده آنرا یکی از خلقان تو و
أَلْبِسْنِي مَعَ ذٰلِكَ عَافِيَتَكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَىٰ وَيَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَىٰ وَيَا
و بپوشان مرا با این عافیت تو ای جایگاه هر شکایت و ای گواه هر راز و ای
عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ
دانای هر پنهانی و ای دفع کننده آنچه خواهی از بلیها ای کریم در عفو ای نیکو تجاوز
تَوَفَّنِي عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرٰهِيمَ وَفِطْرَتِهِ وَعَلَىٰ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
بمیران مرا بر ملت ابراهیم و فطرت او و بر دین محمد رحمت خدا بر او و آل او و
سُنَّتِهِ وَعَلَىٰ خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي مُوَالِياً لِأَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِياً لِأَعْدَائِكَ
طریقه او و بر بهترین مردنها پس بمیران مرا که دوست باشم با دوستان تو و دشمن باشم مر دشمنان ترا
اَللّٰهُمَّ وَجَنِّبْنِي فِي هٰذِهِ السَّنَةِ كُلَّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ وَاجْلِبْنِي
خداوندا و دور کن مرا در میان سال از هر کرداری یا گفتاری یا کاری که دور سازد مرا از تو و بکشان مرا
إِلَىٰ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يُقَرِّبُنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بسوی هر کردار یا گفتاری یا کاری که نزدیک سازد مرا از تو در این سال ای بخشنده‌ترین بخشندگان
وَامْنَعْنِي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ ضَرَرَ عَاقِبَتِهِ وَأَخَافُ
و بازدار مرا از هر کردار یا گفتاری یا کاری که باشد از من که بترسم ضرر عاقبت آنرا و بترسم
مَقْتَكَ إِيَّايَ عَلَيْهِ حِذَاراً أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي فَأَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصاً
غضب ترا بخود مرا بر او بجهت خوف آنکه بگردانی روی خود را ای کریم از من پس واجب گردد بآن کمی
مِنْ حَظٍّ لِي عِنْدَكَ يَا رَؤُوفُ يَا رَحِيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هٰذِهِ
از بهره برای من نزد تو ای رئوف ای مهربان خداوندا بگردان مرا در آینده سال سال این
فِي حِفْظِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَجَلِّلْنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ وَهَبْ لِي
در حفظ خودت و سایه خودت و در پناه خودت و بپوشان مرا بپوشش عافیت خود و ببخش مرا
كَرَامَتَكَ عَزَّ جَارُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَلَا إِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحِي
بخشش خود ارجمند است همسایه تو و بزرگست ثنای تو و نیست خدائی غیر تو خداوندا بگردان مرا پیرو نیکوکاران
مَنْ مَضَىٰ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَلْحِقْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مُسَلِّماً لِمَنْ قَالَ بِالصِّدْقِ
آنکه گذشته‌اند از دوستان تو و برسان مرا بایشان و بگردان مرا منقاد برای آنکه گفت راست است
عَلَيْكَ مِنْهُمْ وَأَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَظُلْمِي وَإِسْرَافِي عَلَىٰ
بر تو از ایشان و پناه میبرم بتو خداوندا آنکه فرو گیرد مرا گناه من و ستم من و اسراف من بر خودم

نَفْسِي وَاتِّبَاعِي لِهَوَايَ وَاشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَيَحُولَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ
و پیروی کردن من خواهش خود را و مشغول شدن مرا خواهشهای خود را پس مانع گردد این میان من و میان رحمت تو
وَرِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مَنْسِيّاً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ
و خوشنودی تو پس باشم فراموش شده نزد تو و واقع شوم در معرض غضب تو و عذاب تو خداوندا
وَفِّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَىٰ بِهِ عَنِّي وَقَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَىٰ اَللّٰهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ
توفیق ده مرا برهر کار شایسته که خشنود گردی بآن از من و نزدیک گردان مرا بسوی خود نزدیکی خداوندا چنانکه دفع نمودی
نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ
از پیغمبر و آل پیغمبر رحمت خدا بر او و آل او از شدت دشمن و گشادی هم او را و زایل کردی
غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ وَأَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِنِي
غم او را و با او راست داشتی وعده خود را و روا کردی مر او را عهد خود خداوندا پس باین دفع کن از من
هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفَاتِهَا وَأَسْقَامَهَا وَفِتْنَتَهَا وَشُرُورَهَا وَأَحْزَانَهَا
ترس این سال را و آفتهای او و بیماریهای او و فتنه او و آشوب او و اندوه او
وَضِيقَ الْمَعَاشِ فِيهَا وَبَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِتَمَامِ دَوَامِ النِّعْمَةِ
و تنگی معاش در او و برسان مرا برحمت خود بنهایت عافیت بتمامی دوام نعمت
عِنْدِي إِلَىٰ مُنْتَهَىٰ أَجَلِي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكَانَ وَاعْتَرَفَ
نزد من تا انتهای عمر من میخواهم از تو سؤال خود بد کرده و ستم کرده و فروتنی نموده و اعتراف کرده
وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَىٰ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَصَرَتْهَا حَفَظَتُكَ وَ
و میخواهم از تو آنکه بیامرزی مرا آنچه گذشته از گناهانم که شمردی آنرا حفظه تو و
أَحْصَتْهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعْصِمَنِي إِلٰهِي مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي
شمردی آنرا بزرگواران فرشتگان بر من و اینکه نگاهداری مرا ای خدای من از گناهان در آنچه باقی مانده از عمر
إِلَىٰ مُنْتَهَىٰ أَجَلِي يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِنِي
بسوی انتهای اجل من ای خدا ای بخشنده ای مهربان درود فرست بر محمد و اهل خانواده محمد و بده مرا
كُلَّ مَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ لِي
هر آنچه سؤال کردم از تو و رغبت کردم بسوی تو در آن پس بدرستیکه تو امر کردی مرا بدعا و ضامن شدی مرا
بِالْإِجَابَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

باجابت او ای بخشنده‌ترین بخشندگان

فصل پنجم در اعمال هر شب و هر روز ماه مبارک رمضانست از حضرت صادق و کاظم منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک این دعا بخوانند

يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ أَنْتَ
ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی

الرّبُّ العظیمُ الّذی لیسَ کمثلهِ شیءٌ وهوَ السّمیعُ البصیرُ وهذا شهرٌ
پروردگار بزرگ که نیست مانند او چیزی و او شنوا بینا و این ماهیست
عظّمتهُ وکرّمتهُ وشرّفتهُ وفضّلتهُ علی الشّهورِ وهوَ الشّهرُ الّذی
بزرگ و گرامی داشتی آنرا و بلند کردی او را و زیادتی دادی او را بر ماهها و او ماهیست که
فرضتَ صیامهُ علیَّ وهوَ شهرُ رمضانَ الّذی انزلتَ فیهِ القرآنَ هدیً
واجب کردی او را روزه داشتن او را بر من و او ماه رمضانست که فرو فرستادی در آن قرآن را راهنما
للنّاسِ وبیّناتٍ منَ الهدی والفرقانِ وجعلتَ فیهِ لیلةَ القدرِ وجعلتها
برای مردمان و بینها از هدایت و جدا کننده حق از باطل و گردانیدی در آن شب قدر و گردانیدی آنرا
خیراً من الفِ شهرٍ فیا ذا المنّ ولا یمنّ علیکَ منّ علیَّ بفکاکِ رقبتی منَ
بهتر از هزار ماه پس ای خداوند عطا که نباشد بر تو عطا کن بخلاصی گردن من از
النّارِ فیمن تمنّ علیهِ وادخلنی الجنّةَ برحمتکَ یا ارحمَ الرّاحمینَ ودعای
آتش در آنچه عطا کنی بر او و در آوری مرا در بهشت برحمت خود ای ارحم الراحمین بسیار
خوبیست واقلاً شبی یکمرتبه خوبست خوانده شود و بسند صحیح منقولست که هر
که در هر شب بماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود
اللّهمّ ربّ شهرِ رمضانَ الّذی انزلتَ فیهِ القرآنَ وافترضتَ علی عبادکَ
خداوندا پروردگار ماه رمضان که فرو فرستادی در آن قرآن را و واجب کردی بر بندگان خود
فیهِ الصّیامَ صلّ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ وارزقنی حجَّ بیتکَ الحرامِ فی عامی
در آن ماه روزه را رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در سال از
هذا وفی کلِّ عامٍ واغفر لی تلکَ الذّنوبَ العظامَ فانّهُ لا یغفرها غیرکَ
امسال و در هر سال و بیامرز مرا این گناه بزرگ را پس بتحقیق که نمی آمرزد آنرا غیر تو
یا رحمنُ یا علّامُ وایضاً هر شب هزار مرتبه سورهٔ انّا انزلناه سنّتست خواندن
ای بخشاینده ای دانا و صد مرتبه سورهٔ حم دخان اگر میسّر شود و سحور خوردن در
سحر هر شب ماه مبارک مستحبّست و از حضرت رسول منقولست که ترک نکند امّت من سحور
خوردن را اگرچه بیک دانهٔ خرما بودن باشد و ایضاً از آنحضرت منقولست که حق
تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور
میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین سحورها قاووت
و خرماست و ایضاً فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعهٔ آبی باشد و خدا صلوات و رحمت

میفرستند بر سحور خورندگان و از حضرت صادق منقولست که هر که سورهٔ انّا انزلنا
در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در مابین این دو حالت بمیرد ثواب کسی
داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد
و گفته اند که اگر نیّت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از اوّل شب تا
آخر شب نیّت میتوان کرد و همین که میداند و قصد روزه دارد که فردا روزه می
میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است و امّا آداب افطار سنّتست که اوّل نماز شام
را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار او برند یا آنکه گرسنگی و تشنگی
بر او غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد در نماز در این دو صورت افطار
را مقدّم داشتن بهتر است و در وقت افطار سورهٔ انّا انزلناه خواندن سنّتست
چنانچه دانستی و از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت
افطار یا عظیمُ یا عظیمُ انتَ الهی لا الهَ لی غیرکَ اغفر لیَ الذّنبَ العظیمَ انّهُ
بگوید ای بزرگ ای بزرگ توئی خداوند من نیست خداوندی مرا غیر تو بیامرز برای من گناه بزرگ را بتحقیق
لا یغفرُ الذّنبَ العظیمَ الّا العظیمُ از گناهان بیرون آید مانند روزی که
نیامرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ
از مادر متولّد شده است و از حضرت
امام رضا منقولست که هر روزه داری را در وقت افطار دعای مستجابی هست
پس باید در بسم الله الرّحمن الرّحیم یا واسعَ المغفرةِ اغفر لی و در حدیث معتبر
لقمهٔ اوّل بگوید بنام خداوند بخشنده مهربان ای فراخ آمرزش بیامرز مرا دیگر از حضرت امام
موسی منقولست که اللّهمّ لکَ صمتُ وعلی رزقکَ افطرتُ وعلیکَ توکّلتُ
در وقت افطار بگوید خداوندا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو افطار کردم و بر تو توکل کردم
تا خدا عطا کند بتو ثواب هر کسی را که در این روز روزه داشته است و در روایت
دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین در وقت افطار بدو زانو مینشستند و چون
خوان را میگذاشتند اللّهمّ لکَ صمنا وعلی رزقکَ افطرنا فتقبّله منّا انّکَ انتَ السّمیعُ
شنید میگفتند خداوندا برای تو روزه گرفتیم و بر روزی تو افطار کردیم پس بپذیر آنرا از ما بدرستیکه توئی شنوا
العلیمُ و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه افطار میکردند بر
خرما و آب یا بر رطب و آب و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت در وقت افطار ابتدا

بحلوا میمودند و اکر نمیبافتند بنبات یا قند یا خرما افطار میکردند و اکر حاضر نبود
باب نیم کرم افطار میکردند و میفرمودند که اب نیم کرم پاک میکند معده را و قوت میدهد
حدقه را و بینائی را زیاده میکند و کناهان را میشوید و عروق را ساکن میکرداند و صفرای
غالب را فرو می‌نشاند و قطع میکند بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف
میکند و ایضا از حضرت رسول منقولست که هر که بر خرمای حلال افطار کند ثواب نمازش
چهار صد برابر و مضاعف کردد و از حضرت صادق منقولست که افطار کردن باب
کناهان دل را میشوید و در حدیث دیکر فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع دوست می
داشت که افطار فرماید بشیر و از حضرت امام رضا منقولست که هر که در وقت افطار
یک کرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا کناهان او را بیامرزد و ثواب یک بنده ازاد
کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها
و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرانست و بسیار باید خواندن چون قران در این ماه
نازل شده است و در حدیثی است که هر چیزی را بهاریست و بهار قران ماه رمضانست
و در ماههای دیکر هر ماهی یک ختم سنتست و اقلش شش روز است و در ماه مبارک
رمضان در هر سه روز یک ختم سنتست و اکر هر روز یک ختم تواند کرد خوبست و در
حدیثی است که بعضی از ائمه صلوات الله علیهم در این ماه چهل ختم و زیاده میکردند و اکر
هر ختمی ثوابش را بروح مقدس امامی از ائمه و رسول خدا و فاطمه زهرا هدیه کند
ثوابش مضاعف میکردد و صلوات بر محمد و ال محمد بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار
باید کرد و لا اله الا الله بسیار باید کفت و نافلهای شب و روز را ترک نباید کرد و در
شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنتست خصوصا شب اول و پانزدهم و هفدهم
و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه اخر در شبهای جفت نیز غسل سنتست
خصوصا شب اخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه در هر شب غسل
مستحبست و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست که بشیعیان نوشتند که در هر
شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانید که دعا در این ماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش
استغفار میکنند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ
و دعا اینست خداوندا بدرستیکه من افتتاح میکنم ثنا را بحمد تو و تو توفیق میدهی برای صواب بعطای تو

وَاَیْقَنْتُ اَنَّكَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ فی مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَاَشَدُّ الْمُعاقِبینَ
تعیین کردم بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشندکانی در مقام و موضع عفو و رحمت و سخت کیرنده عقوبت کننده
فی مَوْضِعِ النَّكالِ وَالنَّقِمَةِ وَاَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرینَ فی مَوْضِعِ الْكِبْرِیاءِ وَالْعَظَمَةِ
در مقام عقوبت و عذاب و بزرکترین بزرکواران در مقام بزرکی و عظمت خود
اَللّٰهُمَّ اَذِنْتَ لی فی دُعائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ یا سَمیعُ مِدْحَتی وَاَجِبْ یا رَحیمُ
خداوندا دستوری دادی مرا در دعای خود و سؤالات خود پس بشنو ای شنونده ستودن مرا و بپذیر ای مهربان
دَعْوَتی وَاَقِلْ یا غَفُورُ عَثْرَتی فَكَمْ یا اِلٰهی مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَها وَهُمُومٍ قَدْ كَشَفْتَها
خواندن مرا و بکذر ای آمرزکار لغزش مرا پس بسا ای خدای من از اندوه که کشودی و غمها که روشن کردی
وَعَثْرَةٍ قَدْ اَقَلْتَها وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَها وَحَلْقَةِ بَلاءٍ قَدْ فَكَكْتَها اَلْحَمْدُ
و لغزشها که در کذشتی آنرا و رحمتی که پهن کردی او را و حلقه بلا که کشودی آنرا ستایش
لِلّٰهِ الَّذی لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا وَلَداً وَلَمْ یَكُنْ لَهُ شَریكٌ فِی الْمُلْكِ وَلَمْ یَكُنْ
مر خدا را که فرا نکرفته زنی و نه فرزندی و نباشد مر او را شریکی در پادشاهی و نباشد
لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبیراً اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِجَمیعِ مَحامِدِهِ كُلِّها عَلی جَمیعِ نِعَمِهِ
مر او را دوستی از خواری و بزرکی یاد کن او را بزرکی حمد مر خدا را بهمه ستایشهای آن همه آن بر جمیع نعمتهای او
كُلِّها اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی لا مُضادَّ لَهُ فی مُلْكِهِ وَلا مُنازِعَ لَهُ فی اَمْرِهِ اَلْحَمْدُ
همه آن ستایش مر خدا را که نیست ضدی مر او را در امر او و نه مخالفی مر او را در امر او ستایش
لِلّٰهِ الَّذی لا شَریكَ لَهُ فی خَلْقِهِ وَلا شَبیهَ لَهُ فی عَظَمَتِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
مر خدا را که نیست شریکی مر او را در آفرینش او و نه شبیه مر او را در عظمت ستایش مر خدا را
اَلْفاشی فِی الْخَلْقِ اَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظّاهِرِ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْباسِطِ بِالْجُودِ
که ظاهر است در خلق امر او و حمد او که هویداست بزرکواری مجد او کستراننده بجود
یَدَهُ الَّذی لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ وَلا تَزیدُهُ كَثْرَةُ الْعَطاءِ اِلّا جُوداً وَكَرَماً
دست او که کم نمیکردد خزینهای او و زیاد نکند او را بسیاری عطا مکر جود و کرم
اِنَّهُ هُوَ الْعَزیزُ الْوَهّابُ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ قَلیلاً مِنْ كَثیرٍ مَعَ حاجَةٍ بی
بدرستیکه اوست غالب کننده خداوندا بدرستیکه میخواهم از تو کمی از بسیار با احتیاج من
اِلَیْهِ عَظیمَةٍ وَغِناكَ عَنْهُ قَدیمٌ وَهُوَ عِنْدی كَثیرٌ وَهُوَ عَلَیْكَ سَهْلٌ یَسیرٌ
بسوی او بزرک و بی نیازی تو از او دیرینه است و او نزد من بسیارست و او بر تو سهل و آسانست
اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبی وَتَجاوُزَكَ عَنْ خَطیئَتی وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمی وَسِتْرَكَ
خداوندا بدرستیکه عفو تو از کناهان من و در کذشتن از خطای من و کذاشتن از ستم من و پوشیدن تو

علی قبیح علی وحلمك عن كثیر جرمی عندما كان من خطائی وعمدی اطمعنی
فی ان اسئلك ما لا استوجبه منك الذی رزقتنی من رحمتك واریتنی من
قدرتك وعرفتنی من اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسئلك مستانسا
لا خائفا ولا وجلا مدلا علیك فیما قصدت فیه الیك فان ابطا عنی
عتبت بجهلی علیك ولعل الذی ابطا عنی هو خیر لی لعلمك بعاقبة الامور
فلم ار مولی كریما اصبر علی عبد لئیم منك علی یا رب انك تدعونی فاولی
عنك وتتحبب الی فاتبغض الیك وتتودد الی فلا اقبل منك كان لی
التطول علیك فلم یمنعك ذلك من الرحمة لی والاحسان الی والتفضل
علی بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد علیه بفضل احسانك
انك جواد كریم الحمد لله مالك الملك مجری الفلك مسخر الریاح فالق
الاصباح دیان الدین رب العالمین الحمد لله علی حلمه بعد علمه والحمد لله
علی عفوه بعد قدرته والحمد لله علی طول اناته فی غضبه وهو قادر علی
ما یرید الحمد لله خالق الخلق باسط الرزق فالق الاصباح ذی الجلال
والاكرام والفضل والانعام الذی بعد فلا یری وقرب فشهد النجوی تبارك

وتعالی الحمد لله الذی لیس له منازع یعادله ولا شبیه یشاكله ولا
ظهیر یعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته
ما یشاء الحمد لله الذی یجیبنی حین انادیه ویستر علی كل عورة وانا اعصیه
ویعظم النعمة علی فلا اجازیه فكم من موهبة هنیئة قد اعطانی وعظیمة
مخوفة قد كفانی وبهجة مونقة قد ارانی فاثنی علیه حامدا واذكره مسبحا
الحمد لله الذی لا یهتك حجابه ولا یغلق بابه ولا یرد سائله ولا یخیب
امله الحمد لله الذی یؤمن الخائفین وینجی الصالحین ویرفع المستضعفین
ویضع المستكبرین ویهلك ملوكا ویستخلف آخرین والحمد لله قاصم الجبارین
مبیر الظالمین مدرك الهاربین نكال الظالمین صریخ المستصرخین موضع
حاجات الطالبین معتمد المؤمنین الحمد لله الذی من خشیته ترعد السماء
وسكانها وترجف الارض وعمارها وتموج البحار ومن یسبح فی غمراتها
الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله الحمد لله
الذی یخلق ولم یخلق ویرزق ولا یرزق ویطعم ولا یطعم ویمیت الاحیاء ویحیی
الموتی وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی كل شیء قدیر اللهم صل علی

محمد عبدك ورسولك وامينك وصفيك وحبيبك وخيرتك من
خلقك وحافظ سرك ومبلغ رسالاتك افضل واحسن واجمل و
اكمل وازكى وانمى واطيب واطهر واسنى واكثر ما صليت وباركت
وترحمت وتحننت وسلمت على احد من عبادك وانبيائك ورسلك
وصفوتك واهل الكرامة عليك من خلقك اللهم صل على علي
امير المؤمنين ووصي رسول رب العالمين عبدك ووليك واخي
رسولك وحجتك على خلقك وآيتك الكبرى والنبأ العظيم وصل
على الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين وصل
على سبطي الرحمة وامامي الهدى الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة
وصل على ائمة المسلمين علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد و
موسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي
والخلف الهادي المهدي حججك على عبادك وامنائك في بلادك
صلوة كثيرة دائمة اللهم وصل على ولي امرك القائم المؤمل والعدل
المنتظر وحفه بملائكتك المقربين وايده بروح القدس يا رب العالمين

اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه في الارض
كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له ابدله من
بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه واعزز به
وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا يسيرا واجعل
له من لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك وسنة نبيك حتى
لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك في
دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله و
تجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا
بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا
عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا
وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا
واجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك
به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا
به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا واعطنا به فوق رغبتنا

يا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَاَوْسَعَ الْمُعْطِينَ اِشْفِ بِهِ صُدُورَنا وَاَذْهِبْ بِهِ
ای بهترین سؤال کنندگان و وسعت دهنده‌ترین عطا کنندگان شفا ده بآن سینه‌های ما را و ببر با و
غَيْظَ قُلُوبِنا وَاهْدِنا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِكَ اِنَّكَ تَهْدي
خشم دلهای ما را و هدایت کن ما را بآن مر آنچه اختلاف کردند در آن از حق بفرمان تو بدرستیکه تو راه مینمائی
مَنْ تَشاءُ اِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ وَانْصُرْنا بِهِ عَلى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنا اِلهَ الْحَقِّ
هر کرا خواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را باو بر دشمنان تو و دشمنان ما ای خدای بحق
آمينَ اَللّهُمَّ اِنّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ
بپذیر خداوندا بدرستیکه ما شکوه کنیم بسوی تو از نبودن پیغمبر ما رحمتهای تو بر او و بر آل او و پنهان بودن
وَلِيِّنا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنا وَقِلَّةَ عَدَدِنا وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنا وَتَظاهُرَ الزَّمانِ
صاحب خود و بسیاری دشمن ما و کمی شماره ما و سختی آشوبهای ما و یاری ندادن زمان
عَلَيْنا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعِنّا عَلى ذلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ
بر ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و یاری کن ما را بر این بگشایش از تو که زود عطا کنی او را و بدفع
تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُناها وَ
که برداری آنرا و یاری که غالب گردانی آنرا و پادشاه حق که ظاهر سازی او را و بخشش از تو که فرو گیری آنرا و
عافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُناها بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وبسند بسیار
عافیتی از تو که بپوشانی آنرا برحمت تو ای بخشنده‌ترین بخشندگان معتبر بلکه صحیح از
حضرت صادق منقولست که بدرهر اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي
شب ماه مبارك این دعا را بخوانند خداوندا بدرستیکه من میخواهم که بگردانی در آنچه حکم کنی
وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِي الْاَمْرِ الْحَكيمِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذي لا يُرَدُّ وَلا
و اندازه کنی از امر لازم گردانیده شده در امر حکمت از حکم که رد کرده نشود و
يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ
بدل کرده نشود که بنویسی مرا از حاجیان خانه تو محترم خود پذیرفته حج ایشان جزا داده شده سعی ایشان
الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْ سَيِّئاتِهِمْ وَاَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي وَتُقَدِّرُ اَنْ
آمرزیده شده گناه ایشان بازداشته شده از بدیهای ایشان و اینکه بگردانی در آنچه حکم کنی و اندازه اینکه
تُطيلَ عُمْري في خَيْرٍ وَعافِيَةٍ وَتُوَسِّعَ في رِزْقي وَتَجْعَلَني مِمَّنْ تَنْتَصِرُ
دراز کنی عمر مرا در خوبی و عافیت و فراخ کنی در روزی مرا و بگردانی مرا از آنها که انتقام کشی
بِهِ لِدينِكَ وَلا تَسْتَبْدِلْ بي غَيْري و اين دعای عاليه المضامين نيز
بآن برای دین خود و نه که بدل کنی غیر مرا در هر شب وارد شده است

اَللّهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصّالِحينَ فَاَدْخِلْنا وَفي عِلِّيّينَ فَارْفَعْنا وَبِكَاْسٍ
خداوندا برحمت خود در شایستگان پس در آور ما را و در علیین پس بلند کن ما را و بجامی
مِنْ مَعينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبيلٍ فَاسْقِنا وَمِنَ الْحُورِ الْعينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا
از آب روان از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از سیاه چشمان برحمت تو پس جفت ده ما را
وَمِنَ الْوِلْدانِ الْمُخَلَّدينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنا وَمِنْ ثِمارِ الْجَنَّةِ
و از کودکان جاویدمانده گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خادم کن ما را و از میوه‌های بهشت
وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنا وَمِنْ ثِيابِ السُّنْدُسِ وَالْحَريرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنا
و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از جامه‌های دیبا و ابریشم و دیبای سطبر پس بپوشان ما را
وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ بَيْتِكَ الْحَرامِ وَقَتْلاً في سَبيلِكَ فَوَفِّقْ لَنا وَصالِحَ
و شب قدر و حج خانه محترم خود و کشتن در راه تو پس توفیق ده برای ما و شایسته
الدُّعاءِ وَالْمَسْئَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا وَاِذا جَمَعْتَ الْاَوَّلينَ وَالْاخِرينَ يَوْمَ الْقِيمَةِ
خواندن و سؤال را پس بپذیر برای ما و چون فراهم آوری پیشینیان و پسینیان را روز قیمت
فَارْحَمْنا وَبَراءَةً مِنَ النّارِ فَاكْتُبْ لَنا وَفي جَهَنَّمَ فَلا تَغُلَّنا وَفي عَذابِكَ
پس رحم کن ما را و بیزاری از آتش پس بنویس برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را و در عذاب تو
وَهَوانِكَ فَلا تَبْتَلِنا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّريعِ فَلا تُطْعِمْنا وَمَعَ الشَّياطينِ
و خواری خود پس مبتلا مکن ما را و از زقوم و خار خشک پس مخوران ما را و با شیاطین
فَلا تَجْعَلْنا وَفِي النّارِ عَلى وُجُوهِنا فَلا تَكْبُبْنا وَمِنْ ثِيابِ النّارِ وَسَرابيلِ
پس مگردان ما را و در آتش بر رویهای ما پس میفکن ما را و از جامه‌های آتش و پیراهنهای
الْقَطِرانِ فَلا تُلْبِسْنا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يا لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلاّ
قطران پس مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدائی مگر تو بحق نیست خدائی مگر
اَنْتَ فَنَجِّنا واما دعاهای سحر بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا
تو پس نجات ده ما را فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر در سحرها میخواندند و می
فرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت او هر آینه شمشیر
بر طلب این دعا کشیده با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این
دعاست راست گفته‌ام پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام تمام اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ
و تضرع بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید و دعا این است خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم
مِنْ بَهائِكَ بِاَبْهاهُ وَكُلُّ بَهائِكَ بَهِيٌّ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِبَهائِكَ كُلِّهِ اَللّهُمَّ
از روشنی تو بروشنی‌ترین آن و هر روشنی تو روشن است خداوندا سؤال میکنم ترا بروشنی همه آن خداوندا

اني اسئلك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل اللهم اني اسئلك بجمالك
كله اللهم اني اسئلك من جلالك باجله وكل جلالك جليل اللهم اني اسئلك
بجلالك كله اللهم اني اسئلك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة
اللهم اني اسئلك بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك من نورك
بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسئلك بنورك كله اللهم اني اسئلك
من رحمتك باوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسئلك برحمتك
كلها اللهم اني اسئلك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني
اسئلك بكلماتك كلها اللهم اني اسئلك من كمالك باكمله وكل كمالك
كامل اللهم اني اسئلك بكمالك كله اللهم اني اسئلك من اسمائك باكبرها
وكل اسمائك كبيرة اللهم اني اسئلك باسمائك كلها اللهم اني اسئلك
من عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسئلك بعزتك كلها اللهم
اني اسئلك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني اسئلك
بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك من قدرتك بالقدرة التي استطلت
بها على كل شئ وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك

كلها اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني
اسئلك بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل قولك
رضي اللهم اني اسئلك بقولك كله اللهم اني اسئلك من مسائلك
باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة اللهم اني اسئلك بمسائلك
كلها اللهم اني اسئلك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم
اني اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه
وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم اني اسئلك
من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك بملكك كله
اللهم اني اسئلك من علوك باعلاه وكل علوك عال اللهم اني اسئلك
بعلوك كله اللهم اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك قديم
اللهم اني اسئلك بمنك كله اللهم اني اسئلك من اياتك باكرمها
وكل اياتك كريمة اللهم اني اسئلك باياتك كلها اللهم اني اسالك
بما انت فيه من الشان والجبروت واسئلك بكل شان وحده وجبروت
وحدها اللهم اني اسئلك بما تجيبني حين اسئلك فاجبني يا الله

حاجت که خواهد از حق تعالی بخواهد که البته بر آورده است و از جمله ادعیهٔ مشهوره
سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزهٔ ثمالی روایت کرده اند که حضرت
امام زین العابدین در شبهای ماه مبارک رمضان الهی لا تؤدّبنی بعقوبتک
اکثر شب را تمام میکردند و چون سحر میشد ابتدا میفرمودند ای خداوند ادب مکن مرا بعقوبت خود
ولا تمكر بي في حيلتك من أين لي الخير يا ربّ ولا يوجد الّا من عندك
و مکر مکن مرا در حیله خود از کجاست مرا نیکی ای پروردگار و یافت نمیشود مگر از نزد تو
ومن أين لي النجاة ولا تستطاع الّا بك لا الذي احسن استغنى عن
و از کجاست مرا رستگاری و مقدور نیست مگر بتو نه آنکه نیکی کرده بی نیاز است از
عونك ورحمتك ولا الذي اساء واجترء عليك ولم يرضك خرج عن
یاری تو و رحمت تو و نه آنکه بد کرده و دلیری نموده بر تو و خوشنود نکرده ترا بیرون رفته از
قدرتك يا ربّ يا ربّ يا ربّ تا نفس منقطع شود بگوید که بك عرفتك وانت
قدرت تو ای پروردگار ای پروردگار بتو شناختم ترا و تو
دللتني عليك ودعوتني اليك ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله
راه نمودی مرا بر تو و خواندی مرا بسوی خود و اگر نبودی تو نمیدانستم که چیستی تو سپاس مر خدا را
الذي ادعوه فيجيبني وان كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي
که خواندم او را پس اجابت کرد مرا و هر چند بودم سست و کاهل هنگامیکه بخواند مرا و سپاس مر خدا را که
اسأله فيعطيني وان كنت بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي
خواستم او را پس عطا کرد مرا و هر چند باشم بسیار بخیل چون وام خواست مرا و سپاس مر خدا را که
اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو به حيث شئت لسرّي بغير شفيع
میخوانم او را هر وقت مر حاجت خود را و خلوت میکنم با او آنجا که خواهم برای راز خود بی شفیع
فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي ادعوه ولا ادعو غيره ولو دعوت
پس روا میکند برای من حاجت مرا و سپاس مر خدا را که میخوانم او را و نمیخوانم غیر او را و اگر بخوانم
غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي ارجوه ولا ارجو غيره ولو رجوت
غیر او را اجابت نکند مرا دعای مرا و سپاس مر خدا را که امید دارم او را و نه امید دارم غیر او را و اگر امید دارم
غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني اليه فاكرمني
غیر او باشم هر آینه خلاف شود امید من و سپاس مر خدا را که واگذاشت مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا
ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبّب اليّ وهو غنيّ
و وانگذاشت مرا بسوی مردمان پس خوار کنند مرا و سپاس مر خدا را که دوستی نمود بسوی من و او بی نیاز است

عنّي والحمد لله الذي يحلم عنّي حتى كأنّي لا ذنب لي فربّي احمد شيء عندي
از من و سپاس مر خدا را که بردباری کند از من گویا نیست گناهی برای من پس پروردگارم ستوده ترین چیز است نزد من
واحقّ بحمدي اللهمّ انّي اجد سبل المطالب اليك مشرعة ومناهل الرجاء
و سزاوارتر بستایش خود خداوندا بدرستیکه من مییابم راه مطالبها را بسوی تو گشاده و آبشخورهای امید
اليك مترعة والاستعانة بفضلك لمن املك مباحة وابواب
بسوی تو لبریز و یاری جستن بفضل تو برای آنکه آرزو دارد ترا حلال گردیده و درهای
الدعاء اليك للصارخين مفتوحة واعلم انّك للراجي بموضع اجابة
خواندن بسوی تو مر فریاد کنندگان گشاده و میدانم که تو امیدوار را مقام پذیرفتن اجابت
وللملهوفين بمرصد اغاثة وانّ في اللهف الى جودك والرضا بقضائك
و برای ستمدیده بانتظار فریاد رسیدن و بدرستیکه در استغاثه بسوی بخشش تو و خشنودی بحکم تو
عوضا عن منع الباخلين ومندوحة عمّا في ايدي المستأثرين وانّ الراحل
عوض از منع بخیلان و بی نیازی از آنچه در دستهای توانگران و بدرستیکه کوچ کننده
اليك قريب المسافة وانّك لا تحتجب عن خلقك الّا ان تحجبهم الآمال
بسوی تو نزدیک مسافت است و آنکه تو در پرده نمیباشی از خلق خود مگر آنکه در پرده میبرد ایشان را آرزوها
دونك وقد قصدت اليك بطلبتي وتوجّهت اليك بحاجتي وجعلت
غیر تو و بتحقیق که آهنگ کردم بسوی تو بمطلب خود و روآوردم بسوی تو بحاجت خود و گردانیدم
بك استغاثتي وبدعائك توسّلي من غير استحقاق لاستماعك منّي
بتو دادخواهی خود را و بدعای تو وسیله خود را از غیر آنکه سزاوار مر شنودن تو از من
ولا استيجاب لعفوك عنّي بل لثقتي بكرمك وسكوني الى صدق وعدك
نه آنکه مستوجب باشم مر عفو ترا از من بلکه بجهة اعتمادم بکرم تو و آرام گرفتن بسوی راستی وعده تو
ولجائي الى الايمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك منّي ان لا ربّ لي غيرك
و پناهم بسوی ایمان به یگانگی تو و یقین من بشناخت تو از من که نیست پروردگار مرا غیر تو
ولا اله الّا انت وحدك لا شريك لك اللهمّ انت القائل وقولك حقّ
و نیست خدائی مگر تو یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا توئی گوینده و گفتار تو حق است
ووعدك صدق واسألوا الله من فضله انّ الله كان بكم رحيما وليس من
و وعده تو راست است و بپرسید خدا را از فضلش بدرستیکه خدا باشد بشما مهربان و نیست از
صفاتك يا سيّدي ان تأمر بالسؤال وتمنع العطيّة وانت المنّان بالعطيّات
صفات تو ای سید من آنکه امر کنی بسؤال و باز داری عطا را و تو منت گذارنده عطاها را

عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدِ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ إِلَهِي رَبَّيْتَنِي فِي نِعَمِكَ

بر اهل مملکت تو و مهربانی برایشان از بزرگی مهربانی خود ای خدای من پروردی مرا در نعمت خود

وَإِحْسَانِكَ صَغِيراً وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي كَبِيراً فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ

و احسان خود بکوچکی و بلند کردی نام مرا ببزرگی پس ای پرورنده مرا در دنیا باحسان او

وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ

و بخشش خود و نعمت خود و اشاره کرد مرا در آخرت بسوی عفو خود و کرم خود شناختن من ای آقای من

دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ

راه نمودن مرا بر خود و دوستی من مر ترا شفاعت بسوی تو و من اعتماد دارم از دلیل خود بدلالت خود

وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ

و اطمینان دارم از درخواست خود بسوی شفاعت تو میخوانم ترا ای آقای من بزبانی که بتحقیق گنگ کرده او را

ذَنْبُهُ رَبِّ أُنَاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِباً رَاغِباً

گناه او پروردگارا رازگویم ترا بدلیکه هلاک کرده او را گناه او میخوانم ترا ای پروردگار ترسنده رغبت

رَاجِياً خَائِفاً إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ

امیدوار ترسان چون می بینم خدایم گناهان خود را فزع میکنم و چون بینم کرم ترا امید دارم

فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ

پس اگر عفو میکنی پس بهترین رحم کننده و اگر عذاب کنی مرا پس غیر ستمکاری حجت من ای خدا در دلیری من بر سؤال تو

مَعَ إِتْيَانِي مَا تَكْرَهُ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قِلَّةِ حَيَائِي رَأْفَتُكَ

با آوردن من آنچه خوش نداری جود تو و کرم تو و ذخیره من در سختی من با کمی شرم من مهربانی تو

وَرَحْمَتُكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تُخَيِّبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنْيَتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي

و رحمت تو و بتحقیق که امیدوارم آنکه محروم نکنی میان آن دو تا و این دو تا آرزوی مرا پس ثابت کن امید مرا

وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظُمَ يَا سَيِّدِي

و بشنو خواندن مرا ای بهترین کسی که بخواند او را خواننده و بخشش کننده از امیدوار امید بزرگ ای آقای من

أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَءِ

آرزوی من و بد است کردار من پس عطا کن مرا از عفو خود باندازه آرزوی من و دیگر مرا بدی

عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ

کردار من پس بدرستیکه کرم تو بزرگتر است از پاداش دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگتر است از پاداش

الْمُقَصِّرِينَ وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِذٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا

تقصیر کننده و من ای آقای من پناه برنده ام بفضل تو گریزانم از تو بسوی تو روا کننده آنچه

وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنّاً وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي

وعده کرده از گذشتن از آنکه نیکو کرده بتو و چیستم من ای پروردگار من و چیست گناه من ببخش مرا

بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَيْ رَبِّ جَلِّلْنِي بِسَتْرِكَ وَاعْفُ عَنْ

بفضل خود و تصدق کن بر من بگذشت خود ای پروردگارم بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از

تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ فَلَوِ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ وَلَوْ خِفْتُ

سرزنش من بکرم ذات تو پس اگر آگاه شدی امروز بر گناه من غیر از تو نمیکردم آنرا و اگر میترسیدم

تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَاجْتَنَبْتُهُ لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاظِرِينَ إِلَيَّ وَأَخَفُّ

شتاب کردن عقوبت را هر آینه دوری میکردم نه از آنجهت که تو خوارترین بینندگانی بسوی من و سبکترین

الْمُطَّلِعِينَ عَلَيَّ بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ وَأَكْرَمُ

آگاهانی بر من بلکه بجهت آنست ای پروردگارم بهترین پوشندگان و محکم کنندهترین حکمکنندگان و کریمترین

الْأَكْرَمِينَ سَتَّارُ الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَّامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ

کریمان پوشاننده ترین عیبها آمرزنده گناهان دانای غیبها پوشاننده گناهان

بِكَرَمِكَ وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَ

بکرم خود و بازدارنده عقوبتها ببردباری خود پس مر تراست ستایش بر بردباری تو بعد دانش تو و

عَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي

بر عفو تو بعد از توانائی تو و بر میدارد مرا و دلیر میکند مرا بر نافرمانی تو و بردباری تو از من

وَيَدْعُونِي إِلَى قِلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرُكَ عَلَيَّ وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوَثُّبِ عَلَى مَحَارِمِكَ

و میخواند مرا بسوی کمی شرم پرده تو بر من و شتاب آورد مرا بسوی دریافتن بر آنچه حرام گردانیدی

مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا غَافِرَ

شناختن فراخی رحمت تو و بزرگی عفو تو ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای توانا ای آمرزنده

الذَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سَتْرُكَ الْجَمِيلُ

گناه ای پذیرنده توبه ای بزرگ عطا ای دیرینه احسان کجاست پوشیدن نیکوی تو

أَيْنَ عَفْوُكَ الْجَلِيلُ أَيْنَ فَرَجُكَ الْقَرِيبُ أَيْنَ غِيَاثُكَ السَّرِيعُ أَيْنَ رَحْمَتُكَ

کجاست عفو تو بزرگ کجاست گشایش تو نزدیک کجاست فریادرسی شتابان تو کجاست رحمت تو

الْوَاسِعَةُ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةُ أَيْنَ مَوَاهِبُكَ الْهَنِيئَةُ أَيْنَ صَنَائِعُكَ

فراخ کجاست عطاهای تو زیاده کجاست بخششهای گوارای تو کجاست کارهای

السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ الْقَدِيمُ أَيْنَ

بلند پایه تو کجاست عطای بزرگ تو کجاست عطای تو کجاست احسان دیرینه تو کجاست

كرمك ما اكرم به وبمحمد وآل محمد فاستنقذني وبرحمتك فخلصني يا
محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لستا نتكل في النجاة من عقابك على اعمالنا
بل بفضلك علينا لانك اهل التقوى واهل المغفرة تبدئ بالاحسان
نعما وتعفو عن الذنب كرما فما ندري ما نشكر اجميل ما تنشر ام قبيح ما
تستر ام عظيم ما ابليت واوليت ام كثير ما منه نجيت وعافيت يا حبيب
من تحبب اليك ويا قرة عين من لاذ بك وانقطع اليك انت المحسن
ونحن المسيئون فتجاوز يا رب عن قبيح ما عندنا بجميل ما عندك واي
جهل يا رب لا يسعه جودك او اي زمان اطول من اناتك وما قدر اعمالنا
في جنب نعمك وكيف نستكثر اعمالا نقابل بها كرمك بل كيف يضيق على
المذنبين ما وسعهم من رحمتك يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة فوعزتك
يا سيدي لو نهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما انتهى
الي من المعرفة بجودك وكرمك وانت الفاعل لما تشاء تعذب من تشاء
بما تشاء كيف تشاء وترحم من تشاء بما تشاء كيف تشاء ولا تسأل عن
فعلك ولا تنازع في ملكك ولا تشارك في امرك ولا تضاد في حكمك

ولا يعترض

ولا يعترض عليك احد في تدبيرك لك الخلق والامر تبارك الله رب
العالمين يا رب هذا مقام من لاذ بك واستجار بكرمك والف احسانك
ونعمك وانت الجواد الذي لا يضيق عفوك ولا ينقص فضلك ولا تقل
رحمتك وقد توثقنا منك بالصفح القديم والفضل العظيم والرحمة
الواسعة افتراك يا رب تخلف ظنوننا او تخيب آمالنا كلا يا كريم فليس
هذا ظننا بك ولا هذا طمعنا فيك يا رب ان لنا فيك املا طويلا كثيرا
ان لنا فيك رجاء عظيما عصيناك ونحن نرجو ان تستر علينا ودعوناك
ونحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق رجاءنا مولانا فقد علمنا ما نستوجب
باعمالنا ولكن علمك فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على
الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين لرحمتك فانت اهل ان تجود
علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت اهله وجد علينا
فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا وبفضلك استغنينا
وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك نستغفرك اللهم منها
ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل

وشرنا

وبشرنا إليك صاعد ولم يزل ولا يزال ملك كريم يأتيك عنا في كل
يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك من أن تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا
بآلائك فسبحانك ما أحلمك وأعظمك وأكرمك مبدئا ومعيدا
تقدست أسماؤك وجل ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك أنت إلهي
أوسع فضلا وأعظم حلما من أن تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو
العفو العفو سيدي سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك وأعذنا من
سخطك وأجرنا من عذابك وارزقنا من مواهبك وأنعم علينا من
فضلك وارزقنا حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك و
رحمتك وبركاتك ورضوانك عليه وعلى أهل بيته إنك قريب
مجيب وارزقنا عملا بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى
الله عليه وآله اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا اجزهما
بالإحسان إحسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات
الأحياء منهم والأموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم
اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وأنثانا صغيرنا وكبيرنا

وحرنا ومملوكنا كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا
خسرانا مبينا اللهم صل على محمد وآل محمد واختم لي بخير واكفني ما
أهمني من أمر دنياي وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي منك
جنة واقية باقية ولا تسلبني صالح ما أنعمت به علي وارزقني
من فضلك رزقا واسعا حلالا طيبا اللهم احرسني بحراستك واحفظني
بحفظك واكلأني بكلاءتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا
هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك والأئمة عليهم السلام ولا
تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة اللهم
تب علي حتى لا أعصيك وألهمني الخير والعمل به وخشيتك بالليل
والنهار أبدا ما أبقيتني يا رب العالمين اللهم إني كلما قلت قد تهيأت
وتعبأت وقمت للصلاة بين يديك وناجيتك ألقيت علي نعاسا
إذا أنا صليت وسلبتني مناجاتك إذا أنا ناجيتك وما لي كلما قلت
قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين مجلسي عرضت لي بلية
أزالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك سيدي لعلك عن بابك

طردتني وعن خدمتك نحّيتني او لعلك رايتني مستخفاً بحقك فاقصيتني
خود كه مرا و از خدمت تو بازداشتی مرا و شاید تو دیده مرا سبک شمارنده بحق تو پس دور گردیدی مرا

او لعلك رايتني معرضاً عنك فقليتني او لعلك وجدتني في مقام
یا شاید تو دیده مرا اعراض کننده از تو پس برگردانیدی مرا یا شاید تو یافتی مرا در مقام

الكاذبين فرفضتني او لعلك رايتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني او
دروغ گویان پس واگذاشتی مرا یا شاید تو دیدی مرا غیر شکرگزار مر نعمتهای تو پس محروم گردانیدی مرا یا

لعلك فقدتني من مجالس العلماء فخذلتني او لعلك رايتني في الغافلين
شاید تو نیافتی مرا از مجالس علما پس خار گردیدی مرا یا شاید تو دیده مرا در بیخبران

فمن رحمتك آيستني او لعلك رايتني آلف مجالس البطالين فبيني و
پس از رحمت خود نا امید گردیدی مرا یا شاید تو دیده مرا خو گرفته مجلسهای بیکاران پس میان من

بينهم خليتني او لعلك لم تحب ان تسمع دعائي فباعدتني او لعلك
میان ایشان واگذاشتی مرا یا شاید تو دوست نمیداری که بشنوی دعای مرا پس دور گردیدی مرا یا شاید تو

بجرمي وجريرتي كافيتني او لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فان عفوت
بگناه من و خیانت من جزا دادی مرا یا شاید تو بکم شرمی من از تو سزاوار مرا پس اگر در گذری

يا رب فطالما عفوت عن المذنبين قبلي لان كرمك اي رب يجل عن
ای پروردگارم پس دراز است آنچه در گذشتی از گناهکاران پیش از من بجهت آنکه کرم تو ای پروردگار بزرگ است از

مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وانا عائذ بفضلك
پاداش گناهکاران و بردباری تو بزرگست از پاداش تقصیر کنندگان و منم پناه برنده بفضل تو

هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن احسن بك ظناً الهي
گریزانم از تو بسوی تو خواهانم آنچه را که وعده کرده از در گذشتن از آنکه نیک کرده بتو گمان ای خدای من

انت اوسع فضلاً واعظم حلماً من ان تقايسني بعملي او ان تستزلني
تو فراگیرنده فضلی و بزرگتر از بردباری از آنکه بگیری مرا بکردارم یا آنکه بخواهی لغزش مرا

بخطيئتي وما انا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي وتصدق
بخطای من و چیست من ای آقای من و چیست قدر من بخشیدی مرا بفضل خود ای آقای من و تصدق کن

علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك سيدي انا
برمن بگذشت خود و بپوشان مرا بپوشش خود و در گذر از سرزنش من بکرم ذات خود ای سید من منم

الصغير الذي ربيته وانا الجاهل الذي علمته وانا الضال الذي هديته
خورد کی که پرورش دادی مرا و منم نادانی که آموزاننده مرا و منم گمراهی که راه نمودی

وانا الوضيع الذي رفعته وانا الخائف الذي آمنته وانا الجائع الذي
و منم پستی که بلند مرتبه دادی او را و منم ترسانی که ایمنی دادی او را و منم گرسنه که

اشبعته والعطشان الذي ارويته والعاري الذي كسوته والفقير
سیر کرده او را و منم تشنه که سیراب کرده او را و منم برهنه که پوشانیدی او را و منم فقیر

الذي اغنيته والضعيف الذي قويته والذليل الذي اعززته والسقيم
که بی نیاز گردی او را و منم ناتوانی که توانا گردی او را و منم خواری که عزیز گردی او را و منم بیماری

الذي شفيته والسائل الذي اعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ
که شفا دادی او را و منم سائلی که عطا کردی او را و منم گناهکاری که پوشانیدی او را و منم خطاکاری

الذي اقلته وانا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته وانا
که در گذشتی از او و منم کمی که بسیار گردی او را و منم ضعیفی که یاری کردی او را و منم

الطريد الذي آويته وانا يا رب الذي لم استحيك في الخلاء ولم اراقبك
رانده شده که جا دادی او را و منم ای پروردگار که شرم نکردم از تو در خلوت و نترسیدم ترا در حضور

في الملاء انا صاحب الدواهي العظمى انا الذي على سيده اجترى انا الذي
در حضور و منم صاحب شدائد بزرگ منم آنکه بر سید خود دلیری کردم منم آنکه

عصيت جبار السماء انا الذي اعطيت على معاصي الجليل الرشى انا
نافرمانی کردم بزرگ آسمان را منم آنکه بخشش نمودم بر گناهان بزرگ سخت منم

الذي حين بشرت بها خرجت اليها اسعى انا الذي امهلتني فما ارعويت
آنکه هنگامیکه مژده داده شود باین پریدم بسوی گناهان شتابان منم که مهلت دادی مرا پس رعایت نکردم

وسترت علي فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت واسقطتني
و پوشیدی بر من پس شرم نکردم و عمل کردم بگناهان پس در گذشتم و انداختی مرا

من عينك فما باليت فبحلمك امهلتني وبسترك سترتني حتى كانك اغفلتني
از چشم خود پس باک نکردم پس بردباری تو مهلت داد مرا و پرده خود پوشیدی مرا تا آنکه گویا تو بیخبر گردانیدی مرا

ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كانك استحييتني الهي لم اعصك حين
و از عقوبتهای گناهان دور گردیدی مرا تا آنکه گویا تو شرم میکنی مرا ای خدای من گناه نکردم ترا چونکه

عصيتك وانا بربوبيتك جاحد ولا بامرك مستخف ولا لعقوبتك
گناه کردم ترا و بوده باشم بخدائی تو منکر و نه بفرمان تو تخفیف کننده و نه مر عقوبت ترا

متعرض ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة عرضت وسولت لي نفسي
پیش آینده و نه مر وعده های ترا خوار دارنده و لیکن خطائی عارض شد و آراسته مرا نفس من

وغلبني هواي وأعانني عليها شقوتي وغرّني سترك المرخى عليّ فقد
عصيتك وخالفتك بجهدي فالآن من عذابك من يستنقذني ومن
أيدي الخصماء غداً من يخلّصني وبحبل من أتّصل إن أنت قطعت حبلك
عنّي فواسوأتا على ما أحصى كتابك من عملي الذي لولا ما أرجو من كرمك وسعة
رحمتك ونهيك إيّاي عن القنوط لقنطت عندما أتذكّرها يا خير من
دعاه داعٍ وأفضل من رجاه راجٍ اللهمّ بذمّة الإسلام أتوسّل إليك
وبحرمة القرآن أعتمد عليك وبحبّي للنبيّ الأمّيّ القرشيّ الهاشميّ
العربيّ التهاميّ المكّيّ المدنيّ أرجو الزلفة لديك فلا توحش استيناس
إيماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك فإنّ قوماً آمنوا بألسنتهم
ليحقنوا به دماءهم فأدركوا ما أمّلوا وإنّا آمنّا بك بألسنتنا وقلوبنا
لتعفو عنّا فأدرك بنا ما أمّلنا وثبّت رجاءك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا
بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنّك أنت الوهّاب فوعزّتك
لو انتهرتني ما برحت من بابك ولا كففت عن تملّقك لما ألهم قلبي من المعرفة
بكرمك وسعة رحمتك إلى من يذهب العبد إلّا إلى مولاه وإلى من يلتجئ

المخلوق إلّا إلى خالقه إلهي لو قرنتني بالأصفاد ومنعتني سيبك من
بين الأشهاد ودللت على فضائحي عيون العباد وأمرت بي إلى النار
وحلت بيني وبين الأبرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت وجه تأميلي
للعفو عنك ولا خرج حبّك عن قلبي أنا لا أنسى أياديك عندي و
سترك عليّ في دار الدنيا يا سيّدي صلّ على محمّد وآل محمّد أخرج حبّ
الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين المصطفى وآله خيرتك من خلقك و
خاتم النبيّين محمّد صلّى الله عليه وآله وانقلني إلى درجة التوبة
إليك وأعنّي بالبكاء على نفسي فقد أفنيت بالتسويف والآمال عمري
وقد نزلت منزلة الآيسين من خيري فمن يكون أسوأ حالاً منّي إن
أنا نقلت على مثل حالي إلى قبر لم أمهّده لرقدتي ولم أفرشه بالعمل الصالح
لضجعتي وما لي لا أبكي ولا أدري إلى ما يكون مصيري وأرى نفسي تخادعني
وأيّامي تخاتلني وقد خفقت عند رأسي أجنحة الموت فما لي لا أبكي أبكي لخروج
نفسي أبكي لظلمة قبري أبكي لضيق لحدي أبكي لسؤال منكر ونكير إيّاي
أبكي لخروجي من قبري عرياناً ذليلاً حاملاً ثقلي على ظهري أنظر مرّة عن يميني

واخری عن شمالی اذ الخلائق فی شأن غیر شأنی لکل امرء منهم یومئذ
و یکبار از جانب چپ هنگامیکه خلایق در حالتند غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آن روز
شأن یغنیه وجوه یومئذ مسفرة ضاحکة مستبشرة و وجوه یومئذ
حالتی است که باز دارد او را رویها در آن روز روشن خنده ناک شادمان و رویها در آن روز
علیها غبرة ترهقها قترة وذلة سیدی علیک معولی ومعتمدی ورجائی
بر او است غبار غم فرو گیرنده او را تیرگی و خواری سیدا بر تست تکیه من و اعتماد من و امید من
وتوکلی وبرحمتک تعلقی تصیب برحمتک من تشاء وتهدی بکرامتک من
و توکل من و در رحمت تست بندگی من میرسانی برحمت خود هر که را میخواهی و راه مینمائی بکرامت خود هر که را
تحب فلک الحمد علی ما نقیت من الشرک قلبی ولک الحمد علی بسط لسانی
دوست داری پس مر تراست حمد بر آنچه پاک کردی از شرکت دل مرا و مر تراست ستایش بر گشادگی زبان من
افبلسانی هذا الکال اشکرک ام بغایة جهدی فی عملی ارضیک وما قدر لسانی
آیا پس بزبان من این زبان کند شده شکر کنم ترا یا بنهایت سعی خود در کردارم خوشنود کردانم ترا و چیست قدر زبانم
یا رب فی جنب شکرک وما قدر عملی فی جنب نعمک واحسانک الی الا ان جودک
ای پروردگارم در پهلوی شکر تو و چیست قدر کردارم در پهلوی نعمت و احسان تو بسوی من مگر آنکه جود تو
بسط املی وشکرک قبل عملی سیدی الیک رغبتی ومنک رهبتی والیک
گشاید آرزوی مرا و شکر تو پذیرفته کردار مرا سیدا بسوی تست رغبت من و از تست ترس من و بسوی تست
تأمیلی وقد ساقنی الیک املی وعلیک یا واحدی عکفت همتی وفیما عندک
آرزوی من و بدرستیکه آمد مرا بسوی تو آرزویم و بر تو ای یگانه من روی کرد و بسته است همت تو و در آنچه نزد تست
انبسطت رغبتی ولک خالص رجائی وخوفی وبک انست محبتی والیک القیت
پهن گشته خواهش من و مر تراست خلاصه امید من و ترس من و بتو است انس گرفتن محبت من و بسوی تو افکندم من
بیدی وبحبل طاعتک مددت رهبتی یا مولای بذکرک عاش قلبی وبمناجاتک
دست خود را و بریسمان طاعت تو کشیدم خوف و ترس خود را ای آقای من بیاد تو زنده گردد دل من و براز گفتن تو
بردت الم الخوف عنی فیا مولای ویا مؤملی ویا منتهی سؤلی صل علی محمد
سرد کردم درد ترس را از خود پس ای آقای من و امید و ای نهایت سؤال من رحمت فرست بر محمد
وآل محمد وفرق بینی وبین ذنبی المانع لی من لزوم طاعتک فانما اسئلک
و آل محمد و جدائی انداز میان من و میان گناه من که باز دارد مرا از لزوم طاعت تو پس جز این نیست که میخواهم از تو
لقدیم الرجاء فیک وعظیم الطمع منک الذی اوجبته
مر دیرینه امید در تو و ترس من بسوی تو و بزرگی طمع از تو که لازم گردی او را

علی نفسک من الرأفة والرحمة والامر لک وحدک لا شریک لک والخلق
بر نفس از مهربانی و رحمت و امر مر تراست تنها نیست شریکی مر ترا و خلق
کلهم عیالک وفی قبضتک وکل شیء خاضع لک تبارکت یا رب
همه ایشان عیال تواند و در قبضه تو و هر چیزی فروتن مر تراست بزرگواری ای بزرگ
العالمین الهی ارحمنی اذا انقطعت حجتی وکل عن جوابک لسانی و
جهانیان خدایا رحم کن مرا چون بریده شود حجت من و کند شود از جواب تو زبانم و
طاش عند سؤالک ایای لبی فیا عظیم رجائی لا تخیبنی اذا اشتدت
سبک گردد نزد سؤال تو مرا عقل من پس ای بزرگ امید من ناامید مکن مرا چون سخت شود
فاقتی الیک ولا تردنی لجهلی ولا تمنعنی لقلة صبری واعطنی لفقری
احتیاج من بسوی تو و بر مگردان مرا بنادانی من و منع مکن مرا بسبب کمی صبر من و عطا کن مرا مر فقر من
وارحمنی لضعفی سیدی علیک معتمدی ومعولی ورجائی وتوکلی وبرحمتک
و رحم کن مرا ناتوانی مرا سیدا بر تست اعتماد من و تکیه من و امید من و توکل من و در رحمت تو
تعلقی وبفنائک احط رحلی وبجودک اقصد طلبتی وبکرمک ای
پیوند من و بدرگاه تو فرود آوردم بار خود را و بجود تو طلب میکنم حاجت خود را و بکرم تو ای
رب استفتح دعائی ولدیک ارجو فاقتی وبغناک اجبر عیلتی وتحت
پروردگار طلب میکنم دعای خود را و نزد تو امید دارم احتیاج خود را و به بینیازی تو تدارک میکنم نیاز خود را و در زیر
ظل عفوک قیامی والی جودک وکرمک ارفع بصری والی معروفک
سایه عفو تو ایستادن من و بسوی جود تو و کرم تو بلند میکنم دیده خود را بسوی احسان تو
ادیم نظری فلا تحرقنی بالنار وانت موضع املی ولا تسکنی الهاویة
همیشه دارم نظر خود را پس مسوزان مرا باتش و تو قرارگاه آرزوی منی و جا مده مرا در دوزخ
فانک قرة عینی یا سیدی لا تکذب ظنی باحسانک ومعروفک فانک
پس بدرستیکه تو نور چشم منی ای آقای من دروغ مساز گمان مرا باحسان خود و نیکی خود پس بدرستیکه تو
ثقتی ورجائی ولا تحرمنی ثوابک فانک العارف بفقری الهی ان کان
معتمد منی و امید منی و محروم مکن مرا ثواب خود پس بدرستیکه تو شناسائی فقر مرا ای خدا اگر باشد
قد دنی اجلی ولم یقربنی منک عملی فقد جعلت الاعتراف الیک بذنبی
که نزدیک رسید اجل من و نزدیک نکرد مرا بتو کردارم پس تحقیق که قرار دادم اقرار بسوی تو بگناه خود
وسائل عللی الهی ان عفوت فمن اولی منک بالعفو وان عذبت فمن اعدل
وسیلهای علت خود خدایا اگر بگذری پس کیست سزاوارتر از تو بعفو کردن و اگر عذاب کنی پس کیست عادلتر

منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر

وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين يديك ذل موقفي

واغفر لي ما خفي على الادميين من عملي وادم لي ما به سترتني وارحمني

صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي وتفضل علي ممدودا على المغتسل

يقلبني صالح جيرتي وتحنن علي محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي

وجد علي منقولا قد نزلت بك وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت

الجديد غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي فانك ان وكلتني الى

نفسي هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من افزع ان

فقدت عنايتك في ضجعتي والى من التجئ ان لم تنفس كربتي سيدي من لي

ومن يرحمني ان لم ترحمني وفضل من اؤمل ان عدمت فضلك يوم

فاقتي والى من الفرار من الذنوب اذا انقضى اجلي سيدي لا تعذبني وانا

ارجوك الهي حقق رجائي وآمن خوفي فان كثرة ذنوبي لا ارجو فيها الا

عفوك سيدي انا اسئلك ما لا استحق وانت اهل التقوى واهل

المغفرة فاغفر لي والبسني من نظرك ثوبا يغطي على الذنوب والتبعات

وتغفرها لي ولا اطالب بها انك ذو من قديم وصفح عظيم وتجاوز

كريم الهي انت الذي تفيض سيبك على من لا يسئلك وعلى الجاحدين

بربوبيتك فكيف سيدي بمن سئلك وايقن ان الخلق لك والامر

اليك تباركت وتعاليت يا رب العالمين الهي وسيدي عبدك

ببابك اقامته الخصاصة بين يديك يقرع باب احسانك بدعائه

ويستعطف جميل نظرك بمكنون رجائه فلا تعرض بوجهك الكريم

عني واقبل مني ما اقول فقد دعوت بهذا الدعاء وانا ارجو ان لا

تردني معرفة مني برأفتك ورحمتك الهي انت الذي لا يحفيك سائل و

لا ينقصك نائل انت كما تقول وفوق ما نقول اللهم اني اسئلك صبرا

جميلا وفرجا قريبا وقولا صادقا واجرا عظيما اسئلك يا رب من الخير

كله ما علمت منه وما لم اعلم اسئلك اللهم من خير ما سئلك منه

عبادك الصالحون يا خير من سئل واجود من اعطى اعطني سؤلي في

نفسي واهلي وولدي ووالدي واهل حزانتي واخواني فيك وارغد عيشي

واظهر مروتي واصلح جميع احوالي واجعلني ممن اطلت عمره وحسنت عمله

وَأَتْمِمْ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِّنِي عَنْهُ وَأَحْيِنِي حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ
السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكَرَامَةِ وَأَتَمِّ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ
مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللّٰهُمَّ وَخُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا
أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشَراً وَلَا
بَطَراً وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اللّٰهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ
فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامَ فِي نِعَمِكَ عِنْدِي
وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ
وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَداً مَا اسْتَعْمَرْتَنِي
وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِي
شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا
وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي
حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ
فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَ
الظُّلَامَاتِ حَتَّى لَا أَتَأَذَّى بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعِ وَأَبْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَّادِي

وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَانْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَقِرَّ عَيْنِي وَحَقِّقْ ظَنِّي وَفَرِّجْ قَلْبِي
وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ
خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ
عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ
بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ
وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ إِلٰهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ
وَجَلَالِكَ لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي
بِلُؤْمِي لَأُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ
بِحُبِّي لَكَ إِلٰهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ
فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ
يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ إِلٰهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ وَإِنْ
أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللّٰهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ
أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبّاً لَكَ

وخشية منك وتصديقاً بكتابك وايماناً بك وفرقاً منك وشوقاً اليك
يا ذا الجلال والاكرام حبب الي لقاءك واحبب لقائي واجعل لي
في لقائك الراحة والفرج والكرامة اللهم الحقني بصالح من مضى
واجعلني من صالح من بقي وخذ بي سبيل الصالحين واعني على نفسي بما
تعين به الصالحين على انفسهم واختم عملي باحسنه واجعل ثوابي منه
الجنة برحمتك يا رب العالمين واعني على صالح ما اعطيتني وثبتني يا
رب ولا تردني في سوء استنقذتني منه ابداً اللهم اني اسئلك ايماناً لا
اجل له دون لقائك احيني ما احييتني عليه وتوفني اذا توفيتني عليه وابعثني
اذا بعثتني عليه وابرء قلبي من الرياء والشك والسمعة في دينك حتى
يكون عملي خالصاً لك اللهم اعطني بصيرة في دينك وفهماً في حكمك و
فقهاً في علمك وكفلين من رحمتك وورعاً يحجزني عن معاصيك وبيض
وجهي بنورك واجعل رغبتي فيما عندك وتوفني في سبيلك وعلى ملة
رسولك صلى الله عليه وآله اللهم اني اعوذ بك من الكسل والفشل
والهم والحزن والجبن والبخل والغفلة والقسوة والذلة والمسكنة

والفقر والفاقة وكل بلية والفواحش ما ظهر منها وما بطن واعوذ بك
من نفس لا تقنع وبطن لا يشبع وقلب لا يخشع ودعاء لا يسمع وعمل لا
ينفع وصلوة لا ترفع واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي و
على جميع ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه
لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحداً فلا تجعل نفسي في شيء من
عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب اليم اللهم تقبل مني واعل
ذكري وارفع درجتي وحط وزري ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب
مجلسي وثواب منطقي وثواب دعائي رضاك والجنة واعطني يا رب جميع
ما سألتك وزدني من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم
انك انزلت في كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا
فاعف عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلاً عن ابوابنا
وقد جئتك سائلاً فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا بالاحسان الى
ما ملكت ايماننا ونحن ارقاؤك فاعتق رقابنا من النار يا مفزعي عند
كربتي ويا غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت ولذت

لا اُوذي بِسواكَ وَلا اَطلُبُ الفَرَجَ اِلّا مِنكَ فَاَغِثني وَفَرِّج عَنّي يا مَن
يَقبَلُ اليَسيرَ وَيَعفو عَنِ الكَثيرِ اِقبَل مِنّي اليَسيرَ وَاعفُ عَنِّي الكَثيرَ اِنَّكَ
اَنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ قَلبي وَيَقيناً صادِقاً
حَتّى اَعلَمَ اَنَّهُ لَن يُصيبَني اِلّا ما كَتَبتَ لي وَرَضِّني مِنَ العَيشِ بِما قَسَمتَ لي
يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ وَمُختَصَرٌ مِن يا مَفزَعي عِندَ كُربَتي وَيا غَوثي عِندَ شِدَّتي

دعاهای سحر اینست

اِلَيكَ فَزِعتُ وَبِكَ استَغَثتُ وَبِكَ لُذتُ لا اَلوذُ بِسِواكَ وَلا اَطلُبُ
الفَرَجَ اِلّا مِنكَ فَاَغِثني وَفَرِّج عَنّي يا مَن يَقبَلُ اليَسيرَ وَيَعفو عَنِ
الكَثيرِ اِقبَل مِنِّي اليَسيرَ وَاعفُ عَنِ الكَثيرِ اِنَّكَ اَنتَ الغَفورُ الرَّحيمُ
اَللّهُمَّ اِنّي اَسئَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ قَلبي حَتّى اَعلَمَ اَنَّهُ لَن يُصيبَني اِلّا ما
كَتَبتَ لي وَرَضِّني مِنَ العَيشِ بِما قَسَمتَ لي يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ يا عُدَّتي في
كُربَتي وَيا صاحِبي في شِدَّتي وَيا وَلِيّي في نِعمَتي وَيا غايَتي في رَغبَتي اَنتَ السّاتِرُ
عَورَتي وَالآمِنُ رَوعَتي وَالمُقيلُ عَثرَتي فَاغفِر لي خَطيئَتي يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ

واما دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقولست که حضرت امام
زین العابدین وامام محمد باقر ع در هر روز این ماه مبارک این دعا میخواندند

اَللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ الَّذي اَنزَلتَ فيهِ القُرآنَ هُدًى لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ

مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ وَهذا شَهرُ الصِّيامِ وَهذا شَهرُ القِيامِ وَهذا شَهرُ
الاِنابَةِ وَهذا شَهرُ التَّوبَةِ وَهذا شَهرُ المَغفِرَةِ وَالرَّحمَةِ وَهذا شَهرُ
العِتقِ مِنَ النّارِ وَالفَوزِ بِالجَنَّةِ وَهذا شَهرٌ فيهِ لَيلَةُ القَدرِ الَّتي هِيَ
خَيرٌ مِن اَلفِ شَهرٍ اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِنّي عَلى صِيامِهِ وَ
قِيامِهِ وَسَلِّمهُ لي وَسَلِّمني فيهِ وَاَعِنّي عَلَيهِ بِاَفضَلِ عَونِكَ وَوَفِّقني
فيهِ لِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسولِكَ وَاَولِيائِكَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِم وَفَرِّغني
فيهِ لِعِبادَتِكَ وَدُعائِكَ وَتِلاوَةِ كِتابِكَ وَعَظِّم لي فيهِ البَرَكَةَ
وَاَحسِن لي فيهِ العافِيَةَ وَاَحرِز لي فيهِ التَّوبَةَ وَاَصِحَّ لي فيهِ بَدَني وَ
اَوسِع فيهِ رِزقي وَاكفِني فيهِ ما اَهَمَّني وَاستَجِب فيهِ دُعائي وَبَلِّغني فيهِ
رَجائي اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَذهِب عَنّي فيهِ النُّعاسَ وَالكَسَلَ
وَالسَّأمَةَ وَالفَترَةَ وَالقَسوَةَ وَالغَفلَةَ وَالغِرَّةَ وَجَنِّبني فيهِ
العِلَلَ وَالاَسقامَ وَالهُمومَ وَالاَحزانَ وَالاَعراضَ وَالاَمراضَ
وَالخَطايا وَالذُّنوبَ وَاصرِف عَنّي فيهِ السّوءَ وَالفَحشاءَ وَالجَهدَ
وَالبَلاءَ وَالتَّعَبَ وَالعَناءَ اِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَهَمْزِهِ وَلَمْزِهِ وَنَفْثِهِ وَنَفْخِهِ
وآل محمد و پناه ده مرا در آنجا از شیطان رانده شده و بدگوئی و عیبجوئی او و دمیدن او
وَوَسْوَسَتِهِ وَتَثْبِيطِهِ وَبَطْشِهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَحَبَائِلِهِ وَخُدَعِهِ وَ
و وسوسه او و کاهل گردانیدن و حمله او و کید و مکر او و دامهای او و فریب او و
أَمَانِيِّهِ وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ وَشَرَكِهِ وَأَحْزَابِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَوْلِيَائِهِ
دروغهای او و غرور او و فتنه او و شرکت او و طایفه او و پیروان او و شیعیان او و دوستان او
وَشُرَكَائِهِ وَجَمِيعِ مَكَائِدِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا
و شریکان او و همه حیلهای او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را
قِيَامَهُ وَصِيَامَهُ وَبُلُوغَ الْأَمَلِ فِيهِ وَفِي قِيَامِهِ وَاسْتِكْمَالَ مَا
ایستادن او و روزه داشتن او و رسیدن آرزوی در آن و در ایستادن او و تمام کردن آنچه
يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَاحْتِسَابًا وَإِيمَانًا وَيَقِينًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ
خشنود کند ترا از من و شکیبائی و خلوص نیت و ایمان و یقین پس بپذیر این را از من به زیاد کردن
الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
بسیار و اجر بزرگ ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ وَالْجِدَّ وَالْاجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ
و روزی کن مرا حج و عمره و سعی و کوشش و توانائی و خرمی و بازگشت
وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ وَالْقُرْبَةَ وَالْخَيْرَ الْمَقْبُولَ وَالرَّهْبَةَ وَالرَّغْبَةَ
و توبه و توفیق و نزدیکی و نیکی پذیرفته شده و ترس و خواهش
وَالتَّضَرُّعَ وَالْخُشُوعَ وَالرِّقَّةَ وَالنِّيَّةَ الصَّادِقَةَ وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَ
و زاری و فروتنی و دل نازکی و نیت راست و راستی زبان و
الْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ وَالْوَرَعَ عَنْ
ترس از تو و امید برای تو و توکل بر تو و اعتماد بتو و پرهیزکاری از
مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ وَمَقْبُولِ السَّعْيِ وَمَرْفُوعِ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابِ الدَّعْوَةِ
محرمات تو با شایسته گفتار و پذیرفتن سعی و بالا برده شدن کردار و مستجاب شدن دعا
وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ وَلَا غَمٍّ وَلَا سُقْمٍ
و حایل مکن میان من و میان چیزی از این بحادثه و نه بیماری و نه اندوه و نه غم و نه بیماری
وَلَا غَفْلَةٍ وَلَا نِسْيَانٍ بَلْ بِالتَّعَاهُدِ وَالتَّحَفُّظِ لَكَ وَفِيكَ وَالرِّعَايَةِ
و نه غفلت و نه فراموشی بلکه معاهده کن با من و محافظت کردن مرا و در راه تو و در رعایت

لِحَقِّكَ

لِحَقِّكَ وَالْوَفَاءِ بِعَهْدِكَ وَوَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ
مر حق ترا و وفا بعهد تو و وعده تو برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا رحمت فرست
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تَقْسِمُهُ لِعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ
بر محمد و آل محمد و قسمت کن مرا در اثناء بهترین آنچه قسمت کرده او را مر بندگان شایسته تو و
أَعْطِنِي فِيهِ أَفْضَلَ مَا تُعْطِي أَوْلِيَاءَكَ الْمُقَرَّبِينَ مِنَ الرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ
عطا کن مرا در آن بهتر از آنچه با عطا فرموده دوستان مقربان از رحمت و آمرزش
وَالتَّحَنُّنِ وَالْإِجَابَةِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ الدَّائِمَةِ وَالْعَافِيَةِ وَالْمُعَافَاةِ وَ
و مهربانی و اجابت دعا و عفو کردن و آمرزش دائمی و عافیت و معافات و
الْعِتْقِ مِنَ النَّارِ وَالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى
آزادی از آتش و فیروزی بهشت و نیکی دنیا و آخرت خداوندا رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ دُعَائِي فِيهِ إِلَيْكَ وَاصِلًا وَرَحْمَتَكَ وَخَيْرَكَ إِلَيَّ
محمد و آل محمد و بگردان دعا مرا در این روز بسوی تو رسنده و رحمت تو و نیکی تو بسوی من
فِيهِ نَازِلًا وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولًا وَسَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا
در اثناء فرود آینده و کردار مرا در اثناء پذیرفته و کوشش مرا در اثناء آمرزیده شده و گناه مرا در اثناء آمرزیده شده
حَتَّى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ الْأَكْثَرَ وَحَظِّي فِيهِ الْأَوْفَرَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
تا بوده باشد بهره من در اثناء بزرگتر و حظ من در اثناء زیادتر خداوندا رحمت فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ عَلَى أَفْضَلِ حَالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهَا
و آل محمد و توفیق ده مرا در اثناء شب قدر بر بهترین حالی که دوست داری که باشد بر آن حال
أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِكَ وَأَرْضَاهَا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ
یکی از دوستان و پسندیده تر آن مر ترا پس بگردان برای من بهتر از هزار ماه
وَارْزُقْنِي فِيهَا أَفْضَلَ مَا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ إِيَّاهَا وَأَكْرَمْتَهُ بِهَا
و روزی کن مرا در اثناء بهتر آنچه روزی دادی یکی از آنچه در رسانیدی او را بآن شب و گرامی داشتی او را بآن
وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ عُتَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَطُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَسُعَدَاءِ
و بگردان مرا در اثناء از آزادان تو از دوزخ و رها شدگان تو از آتش و نیکبختان
خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
خلق تو با آمرزش تو و خشنودی تو ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا الْجِدَّ وَالْاجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ
و آل محمد و روزی ده ما را در ماه ما این ماه سعی و کوشش و توانائی و خرمی

وَمَا يُحِبُّ وَتَرْضَى اللّٰهُمَّ رَبَّ الْفَجْرِ وَلَيَالٍ عَشْرٍ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ وَرَبَّ
و آنچه دوست داری و بپسندی خداوندا پروردگار صبح و شبهای ده گانه و شفع و وتر و پروردگار
شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَرَبَّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَ
ماه رمضان و آنچه فرو فرستاده در او از قرآن و پروردگار جبرئیل و میکائیل و
إِسْرَافِيلَ وَجَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَرَبَّ إِبْرٰهِيمَ وَإِسْمٰعِيلَ وَإِسْحٰقَ وَ
اسرافیل و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابراهیم و اسمعیل و اسحق و
يَعْقُوبَ وَرَبَّ مُوسَى وَعِيسَى وَجَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ
یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد
خَاتَمِ النَّبِيِّينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّهِمْ
ختم پیغمبران رحمتهای تو بر او و بر ایشان همه و در میخواهم بحق ایشان
عَلَيْكَ وَبِحَقِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيْهِمْ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ
بر تو و بحق تو که بزرگست بر ایشان چون رحمت فرستادی بر او و آل و بر ایشان همه
وَنَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَرْضَى بِهَا عَنِّي رِضًا لَا سَخَطَ عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَ
و نظر کنی بسوی من نظر رحمتی که خشنود گردی با او از من خشنودی که غضب نکرده بر من پس از آن هرگز و
أَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَرَغْبَتِي وَأُمْنِيَّتِي وَإِرَادَتِي وَصَرَفْتَ عَنِّي مَا أَكْرَهُ وَ
عطا کنی همه آنچه درخواستم و رغبت مرا و آرزوی مرا و ارادت مرا و بگردانی از من آنچه ناخوش دارم
أَحْذَرُ وَأَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَمَا لَا أَخَافُ وَعَنْ أَهْلِي وَمَالِي وَإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي
و بیم دارم و میترسم بر نفس من و آنچه نمیترسم و از اهل من و مال من و برادرانم و خواهرانم
وَذُرِّيَّتِي اللّٰهُمَّ إِلَيْكَ فَرَرْنَا مِنْ ذُنُوبِنَا فَآوِنَا تَائِبِينَ وَتُبْ عَلَيْنَا مُسْتَغْفِرِينَ
و فرزندانم خداوندا بسوی تست گریختیم از گناهان خود پس جا داده مرا که رجوع کننده باشیم و بپذیر ما را آمرزش
وَاغْفِرْ لَنَا مُتَعَوِّذِينَ وَأَعِذْنَا مُسْتَجِيرِينَ وَأَجِرْنَا مُسْتَسْلِمِينَ وَلَا تَخْذُلْنَا
و بیامرز برای ما که پناه برنده ام و پناه ده ما را زینهار خواه و زینهار ده ما را چون باشیم سلامت خواه و خوار مکن ما را
رَاهِبِينَ وَآمِنَّا رَاغِبِينَ وَشَفِّعْنَا سَائِلِينَ وَأَعْطِنَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ قَرِيبٌ
ترسنده و ایمن ده ما را رغبت کننده و شفیع شو ما را خواهنده و ببخش ما را بدرستیکه تو شنونده دعائی نزدیک
مُجِيبٌ اللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبَّهُ وَلَمْ يَسْأَلِ
اجابت کننده خداوندا توئی پروردگار من و منم بنده تو و سزاوارترست کسی که سؤال کند بنده پروردگار خود را و سؤال نکرده
الْعِبَادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَجُودًا يَا مَوْضِعَ شَكْوَى السَّائِلِينَ وَيَا مُنْتَهَى حَاجَةِ
بندگان مانند ترا بکرم و جود ای جای شکایت سؤال کنان و ای نهایت مقصود

الرَّاغِبِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مَلْجَأَ
رغبت کنندگان و ای فریادرس فریاد کنندگان و ای اجابت کننده خواندن مضطربان و ای پناه
الْهَارِبِينَ وَيَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَيَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَا كَاشِفَ
گریختگان و ای فریادرس دادخواهان و ای پروردگار ناتوانان و ای برطرف کننده
كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا فَارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ وَيَا كَاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يَا اَللّٰهُ
گرفتاری گرفتاران و ای گشاینده اندوه اندوهناکان و ای برطرف کننده گرفتاری بزرگ ای خدا
يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي
ای بخشاینده ای مهربان ای بخشنده ترین بخشندگان رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا گناهان مرا
وَعُيُوبِي وَإِسَاءَتِي وَظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ
و عیبها مرا و بدیها مرا و ستم مرا و گناه مرا و اسراف مرا بر نفس من و روزی ده مرا از فضل خود
وَرَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا غَيْرُكَ وَاعْفُ عَنِّي وَاغْفِرْ لِي كُلَّ مَا سَلَفَ
و رحمت خود پس بدرستیکه مالک نیست غیر ترا و درگذر از من و بیامرز مرا هر آنچه گذشته
مِنْ ذُنُوبِي وَاعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَاسْتُرْ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي
از گناه من و نگاهدار مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و بپوشان بر من و بر پدر و مادر من و فرزندان من
وَقَرَابَتِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
و خویشانم و اهل غمخواری و هر که باشد از من براهی از مردان گروندگان و زنان گروندگان
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلَا تُخَيِّبْنِي
در دنیا و آخرت پس بدرستیکه اینهمه بدست تست و تو فراخ آمرزشی پس ناامید مکن مرا
يَا سَيِّدِي وَلَا تَرُدَّ دُعَائِي وَلَا تَرُدَّ يَدِي إِلَى نَحْرِي حَتَّى تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَتَسْتَجِيبَ لِي
ای آقای من و رد مکن خواندن مرا و رد مکن دست مرا بگردنم تا بکنی آنچه خواستم بمن و بپذیری مرا
جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَتَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَنَحْنُ إِلَيْكَ
همه آنچه درخواستم از تو و زیاد کنی مرا از فضل خود پس بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و ما بسوی تو
رَاغِبُونَ اللّٰهُمَّ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
رغبت کنندگانیم خداوندا مر تراست نامهای نیکو و مثلهای بلند و بزرگواری
وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ
و نعمتها درخواهم ترا بنام تو بنام خدای بخشنده مهربان اگر بودی که حکم کردی در این شب
تَنَزُّلَ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي
که فرود آیند ملائکه و روح در آن شب که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا

فِي السُّعَداءِ وَرُوحي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحْساني في عِلِّيّينَ وَاِساءَتي مَغْفُورَةً

وَاَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَاِيماناً لا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضاً بِما قَسَمْتَ لي

وَآتِني فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِني عَذابَ النّارِ وَاِنْ لَمْ

تَكُنْ قَضَيْتَ في هذِهِ اللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ الْمَلائِكَةِ وَالرُّوحِ فيها فَاَخِّرْني اِلى

ذلِكَ وَارْزُقْني فيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَطاعَتَكَ وَحُسْنَ عِبادَتِكَ

فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِاَفْضَلِ صَلَواتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا اَحَدُ يا صَمَدُ

يا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اِغْضَبِ الْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِاَبْرارِ عِتْرَتِهِ وَاقْتُلْ اَعْداءَهُمْ

بَدَداً وَاَحْصِهِمْ عَدَداً وَلا تَدَعْ عَلى ظَهْرِ الْاَرْضِ مِنْهُمْ اَحَداً وَلا تَغْفِرْ لَهُمْ

اَبَداً يا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يا خَليفَةَ النَّبِيّينَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ الْبَدِيُّ

الْبَديعُ الَّذي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَالدّائِمُ غَيْرُ الْغافِلِ وَالْحَيُّ الَّذي لا يَمُوتُ

اَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ في شَاْنٍ اَنْتَ خَليفَةُ مُحَمَّدٍ وَناصِرُ مُحَمَّدٍ وَمُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ اَسْاَلُكَ

اَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَخَليفَةَ مُحَمَّدٍ وَالْقائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ اَوْصِياءِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اِعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يا لا اِلهَ اِلّا اَنْتَ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلّا

اَنْتَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْني مَعَهُمْ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَاجْعَلْ

عاقِبَةَ اَمْري اِلى غُفْرانِكَ وَرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَكَذلِكَ نَسَبْتَ

نَفْسَكَ يا سَيِّدي بِاللَّطيفِ بَلى اِنَّكَ لَطيفٌ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وَالْطُفْ لي اِنَّكَ لَطيفٌ لِما تَشاءُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي

الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ في عامِنا هذا وَفي كُلِّ عامٍ وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِجَميعِ حَوائِجي لِلدُّنْيا

وَالْآخِرَةِ پس سه مرتبه بگويد اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبّي قَريبٌ مُجيبٌ

اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبّي رَحيمٌ وَدُودٌ اَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبّي

وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّهُ كانَ غَفّاراً اَللّهُمَّ اغْفِرْ لي اِنَّكَ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ رَبِّ

اِنّي عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسي فَاغْفِرْ لي اِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُ

اللهَ الَّذي لا اِلهَ اِلّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَليمُ الْعَظيمُ الْعَليمُ الْكَريمُ الْغَفّارُ

لِلذَّنْبِ الْعَظيمِ وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ اِنَّ اللهَ كانَ غَفُوراً رَحيماً سه مرتبه

پس بگويد اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ فيما

تَقْضي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْعَظيمِ الْمَحْتُومِ في لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضاءِ الَّذي

لا يُرَدُّ وَلا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَني مِنْ حُجّاجِ بَيْتِكَ الْحَرامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئاتُهُمْ وَاَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي

وَتقدِّرَ اَنْ تُطيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي اَمانَتي وَدِيني آمين
رَبَّ العالَمينَ اَللّهُمَّ اجْعَلْ لي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْني مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَ
مِنْ حَيْثُ لا اَحْتَسِبُ وَاحْرُسْني مِنْ حَيْثُ اَحْتَرِسُ وَمِنْ حَيْثُ لا اَحْتَرِسُ
وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَثيراً و این تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت
صادق منقولست که در هر روز این ماه بخوانند سُبْحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ
الْاَزْواجِ كُلِّها سُبْحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللّهِ فالِقِ الْحَبِّ
وَالنَّوى سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى
سُبْحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ الْعالَمينَ سُبْحانَ اللّهِ السَّميعِ
الَّذي لَيْسَ شَيْءٌ اَسْمَعَ مِنْهُ يَسْمَعُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ ما تَحْتَ سَبْعِ اَرَضينَ وَ
يَسْمَعُ ما في ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَيَسْمَعُ الْاَنينَ وَالشَّكْوى وَيَسْمَعُ السِّرَّ
وَاَخْفى وَيَسْمَعُ وَساوِسَ الصُّدُورِ وَلا يُصِمُّ سَمْعَهُ صَوْتٌ ٢ سُبْحانَ اللّهِ
بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ الْاَزْواجِ كُلِّها سُبْحانَ
اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللّهِ فالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ اللّهِ
خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى سُبْحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ

سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ الْعالَمينَ سُبْحانَ اللّهِ الْبَصيرِ الَّذي لَيْسَ شَيْءٌ اَبْصَرَ مِنْهُ
يُبْصِرُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ ما تَحْتَ سَبْعِ اَرَضينَ وَيُبْصِرُ ما في ظُلُماتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
لا تُدْرِكُهُ الْاَبْصارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصارَ وَهُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ لا تَغْشى
بَصَرَهُ الظُّلْمَةُ وَلا يُسْتَتَرُ مِنْهُ بِسِتْرٍ وَلا يُوارى مِنْهُ جِدارٌ وَلا يَغيبُ عَنْهُ
بَرٌّ وَلا بَحْرٌ وَلا يَكُنُّ مِنْهُ جَبَلٌ ما في اَصْلِهِ وَلا قَلْبٌ ما فيهِ وَلا جَنْبٌ ما في
قَلْبِهِ وَلا يَسْتَتِرُ مِنْهُ صَغيرٌ وَلا كَبيرٌ وَلا يَخْفى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَ
لا فِي السَّماءِ هُوَ الَّذي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحامِ كَيْفَ يَشاءُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ
الْعَزيزُ الْحَكيمُ ٣ سُبْحانَ اللّهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبْحانَ اللّهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحانَ اللّهِ
خالِقِ الْاَزْواجِ كُلِّها سُبْحانَ اللّهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ وَالنُّورِ سُبْحانَ اللّهِ فالِقِ
الْحَبِّ وَالنَّوى سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحانَ اللّهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى
سُبْحانَ اللّهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبْحانَ اللّهِ رَبِّ الْعالَمينَ سُبْحانَ اللّهِ الَّذي يُنْشِئُ
السَّحابَ الثِّقالَ وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلائِكَةُ مِنْ خيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّواعِقَ
فَيُصيبُ بِها مَنْ يَشاءُ وَيُرْسِلُ الرِّياحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَيُرْسِلُ الْماءَ
مِنَ السَّماءِ بِكَلِمَتِهِ وَيُنْبِتُ النَّباتَ بِقُدْرَتِهِ وَيُسْقِطُ الْوَرَقَ بِعِلْمِهِ سُبْحانَ اللّهِ

الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في الأرض ولا في السماء ولا أصغر من ذلك
ولا أكبر إلا في كتاب مبين سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور
سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور
سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق
ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
سبحان الله الذي يعلم ما تحمل كل أنثى وما تغيض الأرحام وما تزداد
وكل شيء عنده بمقدار عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء منكم
من أسر القول ومن جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار
له معقبات من بين يديه ومن خلفه يحفظونه من أمر الله سبحان الله
الذي يميت الأحياء ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الأرض منهم ويقر في
الأرحام ما يشاء إلى أجل مسمى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان
الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب

العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك
ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير إنك على كل شيء قدير
تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت و
تخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب سبحان الله بارئ
النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان الله
جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب لا
يعلمها إلا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة إلا يعلمها و
لا حبة في ظلمات الأرض ولا رطب ولا يابس إلا في كتاب مبين سبحان الله
بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الأزواج كلها سبحان
الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله
خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي لا يحصي مدحته القائلون ولا

یجزی بالآیه الشاکرون والعابدون وهو کما قال وفوق ما نقول و
الله سبحانه کما اثنی علی نفسه ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع
کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم ٨
سبحان الله باریء النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج
کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی
سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله
مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان الله الذی یعلم ما یلج فی
الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما یعرج فیها ولا یشغله ما یلج
فی الارض وما یخرج منها عما ینزل من السماء وما یعرج فیها ولا یشغله
ما ینزل من السماء وما یعرج فیها عما یلج فی الارض وما یخرج منها ولا
یشغله علم شیء عن علم شیء ولا یشغله خلق شیء عن خلق شیء ولا حفظ
شیء عن حفظ شیء ولا یساویه شیء ولا یعدله شیء لیس کمثله شیء
وهو السمیع العلیم وسبحان الله باریء النسم سبحان الله المصور سبحان
الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله

فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری
وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین
سبحان الله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی
اجنحة مثنی وثلث وربٰع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر
ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک لها وما یمسک فلا مرسل له
من بعده وهو العزیز الحکیم سبحان الله باریء النسم سبحان الله
المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات
والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان
الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب
العالمین سبحان الله الذی یعلم ما فی السموات وما فی الارض ما یکون
من نجوی ثلثة الا هو رابعهم ولا خمسة الا هو سادسهم ولا ادنی من
ذلک ولا اکثر الا هو معهم اینما کانوا ثم ینبئهم بما عملوا یوم القیمة ان
الله بکل شیء علیم وایضا مستحب است که این صلوات را در هر روز اینماه
مبارک و در هر روز جمعه در تمام سال بخوانند ان الله
وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین امنوا صلوا علیه وسلموا

تسليماً لبيك يا رب وسعديك وسبحانك اللهم صل على محمد وآل
محمد وبارك على محمد وآل محمد كما صليت وباركت على ابرهيم وآل
ابرهيم انك حميد مجيد اللهم ارحم محمداً وآل محمد كما رحمت ابرهيم و
آل ابرهيم انك حميد مجيد اللهم سلم على محمد وآل محمد كما سلمت على
نوح في العالمين اللهم امنن على محمد وآل محمد كما مننت على موسى وهرون
اللهم صل على محمد وآل محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل
محمد وابعثه مقاماً محموداً يغبطه به الاولون والآخرون على محمد
وآله السلام كلما طلعت شمس او غربت على محمد وآله السلام كلما طرفت
عين او برقت على محمد وآله السلام كلما طرفت عين او ذرفت على
محمد وآله السلام كلما ذكر السلام على محمد وآله السلام كلما سبح
الله ملك او قدسه السلام على محمد وآله في الاولين السلام على محمد و
آله في الآخرين السلام على محمد وآله في الدنيا والآخرة السلام
على محمد وآله ورحمة الله وبركاته اللهم رب البلد الحرام ورب الركن
والمقام ورب الحل والحرام ابلغ نبيك محمداً وآله عنا السلام اللهم

اعط محمداً من البهاء والنضرة والسرور والكرامة والغبطة والوسيلة
والمنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم القيمة
افضل ما تعطي احداً من خلقك واعط محمداً فوق ما تعطي الخلائق من
الخير اضعافاً كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على محمد وآل محمد
اطيب واطهر وازكى وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين
والآخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على علي
امير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على
من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد عليه وآله
السلام والعن من آذى نبيك فيها اللهم صل على الحسن والحسين
امامي المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب
على من شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين امام المسلمين
ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم
صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه و
ضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه
اللهم صل على موسى بن جعفر امام المسلمين ووال من والاه وعاد من
عاداه وضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على علي بن
موسى امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب
على من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن علي امام المسلمين ووال من
والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على
علي بن محمد امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
العذاب على من ظلمه اللهم صل على الحسن بن علي امام المسلمين ووال
من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل
على الخلف من بعده امام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه
وعجل فرجه اللهم صل على القاسم والطاهر ابني نبيك اللهم صل على
رقية بنت نبيك والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على ام كلثوم
بنت نبيك والعن من اذى نبيك فيها اللهم صل على ذرية نبيك اللهم
اخلف نبيك في اهل بيته اللهم مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم

ومددهم وانصارهم على الحق في السر والعلانية اللهم اطلب بذحلهم
ووترهم ودمائهم وكف عنا وعنهم وعن كل مؤمن ومؤمنة بأس كل
باغ وطاغ وكل دابة انت آخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا واشد
تنكيلا ودر اقبال وبعضی از نسخهای دیگر این دعا از حضرت علی بن الحسین یا
حضرت امام حسن عسکری بجای على من ظلمه چنین است على من شرك في
دمه و از جمله دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائیست که سید بن طاوس
فضیلت بسیار از جهة آن روایت کرده است و در استجابت دعوات مجرب
است و بر مضامین عالیه مشتمل اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي
است و دعا اینست سه مرتبه بگوید
كما وعدتني پس اللهم اني اسئلك من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي
بگوید
اللهم اني اسئلك ببهائك كله اللهم اني اسئلك من جلالك باجله
وكل جلالك جليل اللهم اني اسئلك بجلالك كله اللهم اني اسئلك
من جمالك باجمله وكل جمالك جميل اللهم اني اسئلك بجمالك
كله پس سه اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس
مرتبه بگوید بگوید
اللهم اني اسئلك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم
اني اسئلك بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك من نورك بانوره وكل
نورك نير اللهم اني اسئلك بنورك كله اللهم اني اسئلك من رحمتك

بأوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم إني أسألك برحمتك كلها پس سه
مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگو اللهم
إني أسألك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك بكمالك
كله اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم إني
أسألك بكلماتك كلها اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها وكل
أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم إني
أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم إني أسألك من عزتك
بأعزها وكل عزتك عزيزة اللهم إني أسألك بعزتك كلها اللهم إني أسألك
من مشيتك بأمضاها وكل مشيتك ماضية اللهم إني أسألك بمشيتك
كلها اللهم إني أسألك بقدرتك التي استطلت بها على كل شيء وكل
قدرتك مستطيلة اللهم إني أسألك بقدرتك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم
إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم إني أسألك من
علمك بأنفذه وكل علمك نافذ اللهم إني أسألك بعلمك كله اللهم
إني أسألك من قولك بأرضاه وكل قولك رضي اللهم إني أسألك بقولك

كله اللهم إني أسألك من مسائلك بأحبها إليك وكل مسائلك حبيبة
إليك اللهم إني أسألك بمسائلك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك
كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم إني أسألك من شرفك
بأشرفه وكل شرفك شريف اللهم إني أسألك بشرفك كله اللهم إني
أسألك من سلطانك بأدومه وكل سلطانك دائم اللهم إني
أسألك بسلطانك كله اللهم إني أسألك من ملكك بأفخره وكل
ملكك فاخر اللهم إني أسألك بملكك كله پس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك
كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم إني أسألك من علائك
بأعلاه وكل علائك عال اللهم إني أسألك بعلائك كله اللهم إني أسألك
من منك بأقدمه وكل منك قديم اللهم إني أسألك بمنك كله اللهم إني
أسألك من آياتك بأعجبها وكل آياتك عجيبة اللهم إني أسألك ب
آياتك كلها پس سه مرتبه بگوید اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني
پس بگوید اللهم إني أسألك من فضلك بأفضله وكل فضلك فاضل اللهم
إني أسألك بفضلك كله اللهم إني أسألك من رزقك بأعمه وكل رزقك

عامّ اللّهمّ انّي اسئلك برزقك كلّه اللّهمّ انّي اسئلك من عطائك
شامل است خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا بروزى تو همه آن خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا از عطاى تو

باهنئه وكلّ عطائك هنيٌّ اللّهمّ انّي اسئلك بعطائك كلّه اللّهمّ
گواراتر و همه عطاى تو گواراست خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا بعطاى تو همه آن خداوندا

انّي اسئلك من خيرك باعجله وكلّ خيرك عاجل اللّهمّ انّي اسئلك
بدرستيكه ميخوانم ترا از خير تو بشتابنده‌تر آن و همه خير تو شتابنده است خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا

بخيرك كلّه اللّهمّ انّي اسئلك من احسانك باحسنه وكلّ احسانك
بخير تو همه آن خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا از احسان تو بنيكوتر آن و همه نيكوئى تو

حسن اللّهمّ انّي اسئلك باحسانك كلّه اللّهمّ انّي اسئلك بما تجيبني
نيكواست خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا بنيكوئى تو همه آن خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا بانچه اجابت كنى

به حين ادعوك فاجبني يا الله نعم دعوتك يا الله اللّهمّ انّي اسئلك بما
مرا هنگاميكه بخوانم ترا پس اجابت كن مرا اى خدا بلى خواندم ترا اى خدا خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا بانچه

انت فيه من الشّؤون والجبروت اللّهمّ انّي اسئلك بكلّ شأن و
تو در آنى از كارها و بزرگوارى خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا بهر كارى و

جبروت اللّهمّ انّي اسئلك بشأنك وجبروتك كلّها اللّهمّ انّي اسئلك
بزرگوارى خداوندا بدرستيكه سؤال ميكنم از كار تو و بزرگوارى همه آن خداوندا بدرستيكه ميخوانم ترا

بما تجيبني به حين اسئلك به فاجبني يا الله صلّ على محمّد وآل محمّد ثمّ
بانچه اجابت كنى مرا بآن هنگاميكه ميخوانم ترا بآن پس اجابت كن مرا اى خدا و رحمت فرست بر محمد و آل محمد

[حاجت] كه دارد بطلب اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وابعثني على الايمان بك و
پس بگو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برانگيز مرا بر ايمان بتو و

التّصديق برسولك والولاية لعليّ بن ابي طالب عليه السّلام و
باور داشتن برسول تو و دوستى مر على پسر ابيطالب بر او سلام و

الائتمام بالائمّة من آل محمّد والبرائة من اعدائهم فانّي قد رضيت
پيروى بر پيشوايان از آل محمد و بيزارى از دشمنان ايشان پس بدرستيكه من خوشنودم

بذلك يا ربّ اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد واسئلك خير الخير رضوانك
باين اى پروردگارم خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ميخوانم ترا بهترين بهتر خشنودى ترا

والجنّة واعوذ بك من شرّ الشّرّ سخطك والنّار اللّهمّ صلّ على محمّد وآل
بهشت و پناه ميبرم بتو از شر بدترين بد خشم تو و آتش خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل

محمّد واحفظني من كلّ مصيبة ومن كلّ بليّة ومن كلّ عقوبة ومن كلّ
محمد نگاهدار مرا از هر گرفتارى و از هر بليه و از هر بدى و از هر

فتنة ومن كلّ بلاء ومن كلّ شرّ ومن كلّ مكروه ومن كلّ مصيبة و
آشوبى و از هر بلائى و از هر بدى و از هر كروهى و از هر مصيبتى و

من كلّ آفة نزلت او تنزل من السّماء الى الارض في هذه السّاعة و
از هر آفتى كه فرود آمده يا فرود آيد از آسمان بسوى زمين در اين ساعت و

في هذه اللّيلة وفي هذا اليوم وفي هذا الشّهر وفي هذه السّنة
در اين شب و در اين روز و در اين ماه و در اين سال

اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد واقسم لي من كلّ سرور ومن كلّ بهجة ومن
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و قسمت ده مرا از هر خوشى و از هر بهجت و از

استقامة ومن كلّ فرج ومن كلّ عافية ومن كلّ سلامة ومن كلّ
اعتدالى و از هر گشايشى و از هر عافيتى و از هر سلامتى و از هر

كرامة ومن كلّ رزق واسع حلال طيّب ومن كلّ نعمة ومن كلّ حسنة
نوازشى و از هر روزى فراخ حلال پاكيزه و از هر نعمت و از هر نيكى

نزلت او تنزل من السّماء الى الارض في هذه السّاعة وفي هذه اللّيلة
كه فرود آمده يا فرود آيد از آسمان بسوى زمين در اين ساعت و در اين شب

وفي هذا اليوم وفي هذا الشّهر وفي هذه السّنة اللّهمّ ان كانت ذنوبي
و در اين روز و در اين ماه و در اين سال خداوندا اگر باشد گناهان

قد اخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك او غيّرت حالي عندك
كهنه كرده باشد روى مرا نزد تو و حايل شده ميان من و ميان تو يا تغيير داده باشد حال مرا نزد تو

فانّي اسئلك بنور وجهك الكريم الّذي لم يطفأ وبوجه حبيبك محمّد
پس بدرستيكه ميخوانم ترا بنور روشنائى تو كه بزرگوار است كه فرو نشانده نشود و بذات دوست تو محمد

المصطفى وبوجه وليّك عليّ المرتضى وبحقّ اوليائك الّذين انتجبتهم
برگزيده و بذات دوست تو على مرتضى و بحق دوستان تو كه برگزيدى ايشان را

ان تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تغفر لي ولوالديّ وما ولدا وللمؤمنين
اينكه رحمت فرستى بر محمد و آل محمد و اينكه بيامرزى مرا و مر پدر و مادر مرا و آنچه زاده اند و مردان گرويده

والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلّها صغيرها وكبيرها وان تختم لنا
و زنان گرويده و آنچه زائيده اند و گناهان ما همه آنرا خورد آنرا و بزرگ آنرا و آنكه ختم كنى براى ما

بالصالحات وان تقضى لنا الحاجات والمهمات وصالح الدعاء والمسئلة
فاستجب لنا بحق محمد واله اللهم صل على محمد وال محمد امين امين امين
ماشاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين پس دستها را بجانب
اسمان بلند کن و مبدل کردن را بسوی دوش چپ خود
و گونه بکن و اگر نباید خود را بگریه بدار پس بگو یا لا اله الا انت اسئلك
بحق من حقه عليك عظيم بلا اله الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا
انت يا لا اله الا انت اسئلك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسئلك بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بنور لا
اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بكمال لا اله الا انت يا لا
اله الا انت اسئلك بعزة لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك
بعظم لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بقول لا اله الا انت
يا لا اله الا انت اسئلك بشرف لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسئلك بعلاء لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسئلك بلا اله
الا انت يا لا اله الا انت يا رباه يا رباه انقدر بگويد که يك نفس وفا كند پس
بگويد بر همان حالی که بود گردن کج

کرده بسوی دوش چپ اسئلك يا سيدى پس يا سيداه يا مولاه يا
بگويد يا الله يا رباه انقدر بگويد که يك نفس وفا كند پس بگويد
غياثاه يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين اسئلك فليس
كمثلك شئ واسئلك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبى مرسل
او ملك مقرب او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت
دعوته منه واتوجه اليك بمحمد نبيك نبى الرحمة واقدمه بين يدى
حوائجى يا محمد يا رسول الله بابى انت وامى اتوجه بك الى الله ربك و
ربى واقدمك بين يدى حوائجى يا رباه يا رباه يا رباه اسئلك بك فليس
كمثلك شئ واتوجه اليك بمحمد حبيبك وبعترته الهادية واقدمهم
بين يدى حوائجى واسئلك اللهم بحياتك التى لا تموت وبنور وجهك
الذى لا يطفا وبعينك التى لا تنام واسئلك بحق من حقه عليك عظيم
ان تصلى على محمد وال محمد قبل كل شئ وبعد كل شئ وعدد كل شئ وزنة
كل شئ وملاء كل شئ اللهم انى اسئلك ان تصلى على محمد عبدك المصطفى
ورسولك المرتضى وامينك المصطفى ونجيبك دون خلقك وحبيبك
وخيرتك من خلقك اجمعين النذير البشير السراج المنير وعلى اهل

بيته الطيبين الطاهرين المطهرين الأخيار الأبرار وعلى ملائكتك
الذين استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلى أنبيائك الذين
ينبئون بالصدق عنك وعلى عبادك الصالحين الذين أدخلتهم في رحمتك
الأئمة المهتدين الراشدين المطهرين وعلى جبرئيل وميكائيل وإسرافيل
وملك الموت ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار وروح القدس
وحملة العرش ومنكر ونكير وعلى الملكين الحافظين علي بالصلاة التي
تحب أن تصلي بها عليهم صلاة كثيرة طيبة مباركة زاكية نامية ظاهرة
شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على الأولين والآخرين اللهم
إني أسألك أن تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي وتنجح
طلبتي وتقضي حاجتي وتقبل قصتي وتنجز لي ما وعدتني وتقيلني
عثرتي وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو عن جرمي وتقبل علي
ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني وترزقني
من أطيب الرزق وأوسعه وأهنئه وأمرئه وأسبغه وأكثره ولا تحرمني
يا رب النظر إلى وجهك الكريم والفوز بالجنة والعتق من النار واقض

عني يا رب ديني وأمانتي وضع عني وزري ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا
مولاي وأدخلني في كل خير أدخلت فيه محمدا وآل محمد وأخرجني
من كل سوء أخرجتهم منه ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين أبدا في
الدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگوید اللهم إذ دعوتك كما أمرتني فاستجب لي
كما وعدتني پس بگوید اللهم إني أسألك قليلا من كثير مع حاجة بي إليه
عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير
فامنن به علي إنك على كل شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فأدخلنا
وفي عليين فارفعنا وبكأس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن
الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كأنهم لؤلؤ مكنون
فأخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فأطعمنا ومن ثياب السندس
والحرير والإستبرق فألبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا
في سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسألة فاستجب لنا
يا خالقنا اسمع واستجب لنا وإذا جمعت الأولين والآخرين يوم القيامة
فارحمنا وبراءة من النار وأمانا من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا

تجعلنا مع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي هوانك وعذابك فلا
تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا فلا
تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا
لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم اني اسئلك ولم تسئل
مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك يا رب انت موضع مسئلة
السائلين ومنتهى رغبة الراغبين اسئلك اللهم بافضل اسمائك كلها
وانجحها يا الله يا رحمن وباسمك المخزون المصون الاعز الاجل الاعظم
الذي تحبه وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق
عليك يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسئلك بكل اسم هو لك
دعاك به عبد هو لك في بر او بحر او سهل او جبل او عند بيتك الحرام او
في شئ من سبلك فادعوك يا رب دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه
وضعف كدحه فاشرفت على الهلكة نفسه ولم يثق بشئ من عمله ولم
يجد لما هو فيه سادا ولا لذنبه غافرا ولا لعثرته مقيلا غيرك هاربا
اليك متعوذا بك متعبدا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستجير

ولا متجبر ولا متعظم بل بائس فقير خائف مستجير اسئلك يا الله
يا رحمن يا حنان يا منان يا بديع السموات والارض يا ذا الجلال
والاكرام ان تصلي على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية
زاكية شريفة اسئلك اللهم ان تغفر لي في شهري هذا وترحمني و
تعتق رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما اعطيت احدا من خلقك
وخير ما انت معطيه ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ
اسكنتني ارضك الى يومي هذا بل اجعله علي تمة نعمة وعمة عافية
واوسعة رزقا واجزله واهنئه اللهم اني اعوذ بك وبوجهك الكريم
وملكك العظيم ان تغرب الشمس من يومي هذا او تنقضي بقية هذا
اليوم او يطلع الفجر من ليلتي هذه او يخرج هذا الشهر ولك قبلي
تبعة او ذنب او خطيئة تريد ان تقايسني بها او تواخذني بها او توقفني لها
موقف خزي في الدنيا والآخرة او تعذبني يوم القاك يا ارحم الراحمين
اللهم اني ادعوك لهم لا يفرجه غيرك ولرحمة لا تنال الا بك ولكرب
لا يكشفه الا انت ولرغبة لا تبلغ الا بك ولحاجة لا يقضيها ولا

اللهم فكما كان من شأنك ما أردتني به من مسألتك ورحمتني به من
ذكرك فليكن من شأنك الاستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما
فزعت إليك منه يا ملين الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب
العظام عن أيوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل على
محمد وآل محمد وافعل بي ما أنت أهله فإنك أهل التقوى وأهل
المغفرة اللهم أنت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة وأنت لي في كل
أمر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة
ويخذل فيه الصديق ويشمت فيه العدو أنزلته بك وشكوته إليك
رغبة مني فيه إليك عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنيه فأنت ولي
كل نعمة وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة أعوذ بكلمات الله
التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا حتى أمسي
اللهم إني أسئلك بركة يومي هذا وما نزل فيه من عافية ومغفرة
ورحمة ورضوان ورزق واسع حلال تبسطه علي وعلى والدي و
ولدي وأهلي وعيالي وأهل خزانتي ومن أحببت وأحبني وولدته و
ولدني اللهم إني أعوذ بك من الشك والشرك والحسد والبغي و
الحمية والغضب اللهم رب السموات السبع ورب الأرضين السبع
وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم صل على محمد وآل محمد
واكفني المهم من أمري بما شئت وكيف شئت پس بخوان سوره حمد اللهم
وآية الكرسي را و بگو
إنك قلت لنبيك صلى الله عليه وآله ولسوف يعطيك ربك فترضى
اللهم إن نبيك ورسولك وحبيبك وخيرتك من خلقك لا يرضى
بأن تعذب أحدا من أمته دان بموالاته وموالاة الأئمة من أهل
بيته وإن كان مذنبا خاطئا في نار جهنم فأجرني يا رب من جهنم وعذابها
وهبني لمحمد وآل محمد يا أرحم الراحمين يا جامعا بين أهل الجنة على تألف
من القلوب وشدة المحبة ونازع الغل من صدورهم وجاعلهم إخوانا
على سرر متقابلين يا جامعا بين أهل طاعته وبين من خلقها له ويا مفرج
حزن كل محزون ويا منهل كل غريب يا راحمي في غربتي وفي كل أحوالي بحسن
الحفظ والكلاءة لي يا مفرج ما بي من الضيق والخوف صل على محمد وآل
محمد واجمع بيني وبين أحبتي وقادتي وسادتي وهداتي وموالي يا مؤلفا

بين الاحباء صل على محمد وآل محمد ولا تفجعني بانقطاع رؤيته محمد وآل محمد
عني ولا بانقطاع رؤيتي عنهم فبكل مسائلك يا رب ادعوك الهي
فاستجب دعائي اتيك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك بانقطاع حجتي
ووجوب حجتك ان تغفر لي اللهم اني اعوذ بك من خزي يوم المحشر ومن
شر ما يجي من الدهر ومن شر الاعداء وصغر الفناء وعضال الداء و
خيبة الرجاء وزوال النعمة وفجاءة النقمة اللهم اجعل لي قلبا يخشاك
كانه يريك الى يوم يلقاك و دور نيست كه در اوقات ديگر هر گاه شدتی روی دهد
يا حاجت ضروری بهم رسد اين دعا را توان خواند فصل
ششم در اعمال مختصره شبها و روزهای مخصوص اينماه مبارکست و در روايتی
وارد شده است كه انجيل بر حضرت عيسی در سيم اينماه نازل شد و بروايت ديگر در
ششم و بروايت معتبر ديگر در دوازدهم و شيخ مفيد ره نقل كرده است كه در روز
ششم اينماه مامون خائن ملعون با حضرت امام رضا بيعت كرد و روايت شده است كه
هر كه در اين روز دو ركعت نماز بكند و در هر ركعت بعد از حمد بيست و پنج مرتبه سوره
قل هو الله احد بخواند شكر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا كرده خواهد بود و بروايت
معتبره از حضرت صادق منقولست كه در شب سيزدهم دو ركعت نماز بكذارند و
در هر ركعت بعد از حمد سوره يس و تبارك الذي بيده الملك و قل هو الله احد بخوانند
و در شب چهاردهم چهار ركعت بدو سلام باين صفت و در شب پانزدهم شش ركعت بسه
سلام بهمين كيفيت و شب پانزدهم از ليالی متبركه است و غسل و زيارت حضرت امام حسين
مستحبست در آن چنانچه مذكور شد و در حديث معتبر از حضرت صادق منقولست كه
حضرت رسول فرمود كه هر كه در شب نيمه ماه مبارك رمضان صد ركعت نماز بكند يعنی

هر دو ركعت بيك سلام و در هر ركعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
حقتعالی ده ملك فرو فرستد بسوی او كه دفع كنند از او ضرر دشمنان او را از جنيان
و آدميان و در هنگام مرگ او سی ملك بفرستد كه او را بشارت دهند ببهشت و سی ملك
كه او را ايمن گردانند از آتش جهنم و ايضا از آنحضرت منقولست كه هر كه در نصف
ماه رمضان زيارت حضرت امام حسين ع بكند و بعد از نماز عشا ده ركعت نماز نزد قبر آن
حضرت بكند و در هر ركعت سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد
تا در خواب ببيند ملكی چند را كه بشارت دهند او را ببهشت و ملكی چند را كه ايمن
گردانند او را از آتش جهنم و شب هفدهم نيز شب بسيار مباركيست و در آنشب لشكر حضرت
رسول با لشكر كفار قريش ملاقات كردند در بدر و در روزش جنگ بدر شد و حق
تعالی لشكر آنحضرت را بر كفار نصرت داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت
در آنشب فضيلت عظيم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حقتعالی می
فرمايد انا انزلناه فی ليلة القدر يعنی ما فرستاديم قرآنرا در شب قدر يعنی شبيكه نزد
حقتعالی قدر و منزلت عظيم دارد يا تقدير امور سال در اينشب ميشود يا زمين تنگ
ميشود از بسياری ملائكه و ما ادريك ما ليلة القدر و چه چيز ترا اعلام كرده است
كه چه چيز است شب قدر ليلة القدر خير من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه
يعنی عبادت در آن بهتر است از عبادت در هزار ماه تنزل الملائكة والروح فيها فرود
می آيند ملائكه و روح كه از همه ملائكه اعظم است در اينشب باذن ربهم برخصت
پروردگار ايشان من كل امر بسبب تقدير هر امری احاديث بسيار وارد شده است
كه ملائكه و روح در اينشب بر امام زمان نازل ميشوند و آنچه از برای هر كس در اينشب
مقدر شده است بر امام عرض ميكنند سلام هی حتی مطلع الفجر يعنی سلامتی است اين
شب از جميع بديها تا طلوع صبح يا سلام ميكنند بر امام و مؤمنان كه در اينشب عبادت
ميكنند تا طلوع صبح و ميان سنی و شيعه در شب قدر خلاف بسيار هست بعضی
از سنيان گفته اند كه شب قدر در زمان حضرت رسول بود و بعد از آنحضرت برطرف
شد و اكثر ايشان گفته اند كه تا روز قيامت باقيست و بعضی گفته اند كه در تمام سال
پنهانست در همه شبها عبادت بايد كرد تا فضيلت شب قدر را دريابند و بعضی گفته اند در ماه

شعبان و رمضان پنهانست و بعضی گفته اند شب نیمه شعبانست و بعضی گفته اند
شب اول رمضانست و بعضی گفته اند شب نیمه است و بعضی شب هفدهم و بعضی
شب بیست و یکم و بعضی شب بیست و سیم و بعضی شب بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند
و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعه امامیه
اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی
مردد میان شب بیست و یکم و بیست و سیم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند
بر آنکه از این سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم
را احیا باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم
و بیست و سیم شده است و در بعضی تعیین خصوص بیست و سیم واقع شده است و منقولست که
جهنی و او اعرابی بود بخدمت حضرت رسول عرض کرد که منزل من دور است از مدینه شبی را میخواهم
از برای من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آن شب بخدمت تو بیایم حضرت شب بیست و سیم
را برای او تعیین فرمود و پیوسته در آن شب با خیل اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه
میشد و چون صبح میشد برمیگشت و از بعضی احادیث ظاهر میشود که هر سه
شب قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دویم بکثرت دعا و عبادت
ممکن است بعضی تغییر بیابد و در شب سیم ختم میشود و تغییر نمییابد یا بسیار کم تغییر
مییابد بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغییرش آسانست
و بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار مزین نگردیده
است باز ممکن است تغییر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزله ختم است و تغییرش
در غایت صعوبت است و جمعی از حکمتها در ابهام بعضی امور هست مانند اسم اعظم
الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت
استجابت دعا در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها
و یک حکمت در مبهم ساختن اینها آنست که بر همه اسماء مقدسه الهی مواظبت نمایند
و اهتمام در همه نمازها بکنند و در همه ساعات شب و روز جمعه دعا بکنند و سعی
در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی مقبول گردد و هم چنین در شب قدر شبهائی که احتمال
آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر

اسم اعظم را همه کس بدانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره از او وسیله حصول مطالب
دنیه کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند و هم چنین شب قدر و ساعت استجابت دعا اگر
بخصوص آنها را بدانند ممکن است که امور غیر مشروعه با غرضهای عظیم
نسبت بعضی از مسلمانان استدعا کنند و اگر بخصوص بدانند باید البته
مستجاب گردد و دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است
که این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد پس باید مؤمن این سه شب را احیا کند و اهتمام در
عبادت و دعا بکند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در دو شب آخر اهتمام بیشتر کند
و در شب بیست و سیم که احادیث بسیار در تخصیص آن وارد شده است که شب
قدر است سعی بیشتر کند و فواید عبادت شب قدر بسیار است و از جمله آنکه چون
عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد
سال است از برای او مقرر میفرمایند و دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال
و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور در این شب میشود اصلاح احوال
تمام سال خود را در این شب کرده خواهد بود و ممکنست که نام او در دیوان اشقیا
نوشته باشد و در این شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه این
مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است و دیگر آنکه چون حضرت
صاحب الامر در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت آن حضرت می
آیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض می
کنند سزاوار نیست که در چنین شبی تأسی بامام خود نکنند و بغفلت بسر آورند و از حضرت
رسول منقولست که چون شب قدر میشود فرود میآیند ملائکه که در سدرة المنتهی
ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل است و جبرئیل با خود علمها میآورد و یک علم را در
قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در
طور سینا و نمیگذارند مرد مؤمن و زن مؤمنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و
ایضا از حضرت رسول منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک
رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش میوزد که او را
مثیره میگویند و بصدا میآورد درختان و حلقهای درهای بهشت را پس نغمه

ازان میشنوند که هرگز شنوندگان از آن خوش‌آینده‌تر نغمه نشنیده‌اند پس حور العین
از غرفه‌های بهشت بیرون میآیند و ندا میکنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری
کند از خدا باعمال الصالحه خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه شب
است رضوان میگوید لبیک ای نیکورویان و نیکوکاران این شب اول ماه رمضان
درهای بهشت گشوده شده است برای روزه‌داران امت محمد پس حق تعالی میفرماید
که ای رضوان بگشا درهای بهشت را ای مالک به بند درهای جهنم را از روزه‌داران امت
محمد ای جبرئیل برو بسوی زمین و در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در گردن ایشان
گذار و ایشان را در لجه‌های دریا بینداز تا فاسد نگردانند بر امت حبیب من محمد
روزه‌های ایشان را و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه رمضان سه مرتبه ندا می
فرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال کند او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبه او
را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهش را بیامرزم کیست که بقرض دهد بخداوند
مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم نمیکند
و فرمود که در آخر هر روزی از روزهای ماه رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار
کس را از آتش جهنم آزاد میکند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی
هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که هر یک مستوجب عذاب شده باشند
و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند و چون
شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بر زمین بیاید با لشکر عظیم از ملائکه و
با خود علم سبزی میآورد و بر بالای کعبه معظمه نصب کند و او ششصد بال دارد و دو
بال را نمیگشاید مگر در شب قدر و چون شب قدر آید و بال را میگشاید از مشرق و مغرب
میگذرانند و پهن میکند جبرئیل تمام ملائکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام میکنند
بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان مصافحه میکنند
و چون ایشان دعا میکنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول اینکارند تا طلوع
صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه جانب آسمان
شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان از امت محمد جبرئیل
میگوید خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب بخورد یا عاق پدر

و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون شب عید فطر میشود
آن را شب جوائز میگویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه رمضان را بیحساب و چون
بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که بر زمین
میآیند و بر سر کوچه‌ها و بازارها و راههای میایستند و میگویند ای امت محمد بیرون
روید بسوی درگاه پروردگار کریمی که عطاهای بزرگ میبخشند و گناهان عظیم
را میآمرزد پس چون بمصلی میروند بجهت نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید که
ای ملائکه من چیست جزای مزدور هرگاه عمل خود را بکند ملائکه میگویند ای خداوند
ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید که ای ملائکه من
شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا
کردم که از ایشان راضی شدم و گناهان ایشان را آمرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنان را
که در آن مجمع حاضر شده‌اند که ای بندگان من هر چه خواهید از من سؤال کنید بعزت
و جلال خود سوگند یاد میکنم که در این مجمع شما هر حاجتی که برای آخرت و دنیا خود
سؤال کنید البته عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من روگردان نشوید و مزد
شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گناهکاران رسوا نمیگردانم برگردید از مصلی
آمرزیده بدرستیکه خوشنود گردانیدید مرا و خوشنود شدم از شما پس ملائکه مسرور
و شاد میشوند و بیکدیگر بشارت میدهند باینچه حق تعالی بامت محمد عطا کرده و در
حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان او
آمرزیده شود هر چند بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد اما
اعمال این سه شب بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دوم آنکه مخصوص است
بهر شبی اما اول از حضرت رسول منقولست که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعتی بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد
مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادر
او را بیامرزد و ملکی چند بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی
بفرستد بسوی بهشت که درختها برای او غرس نمایند و قصرها برای او بنا کنند و نهرها برای
او جاری گردانند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در این سه شب

سنت مؤکد است و غسل این شبها از مقارن غروب آفتاب کردن بهتر است که نماز
شام را با غسل بکند و مستحبست که در این شبها قرآن مجید را بدست بگیرد و بگشاید
و این دعا اللّهمّ انّی اسئلک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاکبر و
را بخواند
خداوندا من سؤال میکنم از تو بکتاب تو فرو فرستاده و آنچه در آنست و در اوست نام تو بزرگ و
اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائک من النّار و تقضی
نامهای تو نیکو و آنچه ترسیده و امید داشته میشود آنکه بگردانی مرا از آزاد شدگان از آتش و برآوری
حوائجی للدّنیا و الآخرة پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله
حاجتهای مرا در دنیا و آخرت
بر آورده است و این دعا از حضرت امام محمّد باقر منقولست و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که مصحف را بگیر و بر سر بگذار و بگو
اللّهمّ بحقّ هذا القرآن و بحقّ من ارسلته به و بحقّ کلّ مؤمن مدحته
خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستادهٔ او را بآن و بحق هر گرویده که ستوده آنرا
فیه و بحقّک علیهم فلا احد اعرف بحقّک منک پس ده مرتبه بگو بک یا الله و ده مرتبه
در آن و بحق تو بر ایشان پس نیست هیچکس شناساتر بحق تو از تو
بمحمّد و ده مرتبه بعلیّ و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه
بعلیّ بن الحسین و ده مرتبه بمحمّد بن علیّ و ده مرتبه بجعفر بن محمّد و ده مرتبه بموسی بن
جعفر و ده مرتبه بعلیّ بن موسی و ده مرتبه بمحمّد بن علیّ و ده مرتبه بعلیّ بن محمّد و ده مرتبه
بالحسن بن علیّ و ده مرتبه بالحجّة پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت
امام حسین در هر یک از این سه شب مستحب
مؤکد است و در هر یک خصوصاً شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنتست هر
دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد میخواند و
در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که بهفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه
یا یک مرتبه قل هو الله احد اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت این صد

رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت غیر نافلهٔ شب بوده باشد و اگر
ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب
آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت خود است و پدر و مادر و خویشان خود
و برادران مؤمن مرده و زندهٔ ایشان و اذکار و صلوات بر محمّد و آل محمّد آنچه مقدور
شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این
سه شب بخوانند و امّا دوّم پس اعمال مخصوص شب نوزدهم آنست که صد مرتبه
بگو استغفر الله ربّی و اتوب الیه و صد مرتبه اللّهمّ العن قتلة امیر المؤمنین
خداوندا لعنت کن کشندگان امیر المؤمنین را
بد
و این دعا اللّهمّ اجعل فیما تقضی و تقدّر من الامر المحتوم و فیما تفرق
را بخواند
من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الّذی لا یردّ و لا یبدّل ان تکتبنی
من حجّاج بیتک الحرام المبرور حجّهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم
المکفّر عنهم سیّئاتهم و اجعل فیما تقضی و تقدّر ان تطیل عمری و
توسّع علیّ فی رزقی و تفعل بی فی جمیع اموری ما هو خیر لی فی دنیای و آخرتی
یا ارحم الرّاحمین پس حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه همه را باید بعمل آورد
و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنتست و دهه استجابت دعاست و بسند
معتبر از حضرت امام موسی منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن
و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که حضرت امام محمّد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اوّل شب مشغول
دعا میشد و در نصف آخر مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق مرویست که اگر

توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر بیست و
رکعت نماز شب و نافلهٔ صبح و تا صبح بیدار باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع
باشی بدرستیکه امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه
فرمود یعنی بهتر است از عمل هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر
میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای دهه آخر مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و اما
شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت است
یکی در اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است
و در آن شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود مرگها و
بلاها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس
خوشا حال کسیکه احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در
سجود و گناهان خود را در برابر دیدهای خود ممثل کرده باشد و بر آنها بگرید چون چنین کند
امید دارم که از فضیلت شب قدر محروم نگردد ان شاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند
ملکی را که ندا میکند در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که
بخشیدم گناهان گذشتهٔ شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنم و
دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسیکه روزه را افطار کند بر مست کننده
یا کینهٔ مؤمنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که
سورهٔ عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است استثنا
نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم که خدا در این سوگند بر من گناهی بنویسد و این دو سوره
را نزد حق تعالی منزلت عظیم هست و ایضا از آنحضرت بسند معتبر منقولست که هر که در
شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سورهٔ انا انزلناه را بخواند هر اینه صبح کند
با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها در اینشب بسبب آنچه در خواب
ببیند و سورهٔ حم دخان نیز سنت است که در اینشب بخوانند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین را در شب بیست و سیم که امید شب قدر
در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کند با او روح صد و بیست و چهار
هزار پیغمبر که همه در اینشب رخصت میطلبند از حق تعالی در زیارت آنحضرت و بسند

معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت کرده است که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه مبارک
رمضان را و صد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان
را از او کفایت کند و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه
در گلو گرفتن و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون
آید او را نوری باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راستش بدهند و
بنویسند برای او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط و امن از عذاب و او داخل
بهشت شود بیحساب و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان
گردانند و نیکو رفیقانند ایشان و دعای این شب را اللهم امدد لی فی عمری و اوسع
از جملهٔ دعاهای دهه آخر بخوانند و ایضا این دعا بخوانند
لی فی رزقی واصح جسمی وبلغنی املی وان کنت من الاشقیاء فامحنی من الاشقیاء
در روزی من و سالم دار بدن مرا و برسان مرا بآرزو و اگر باشم از بدبختان پس محو کن مرا از دیوان
واکتبنی من السعداء فانک قلت فی کتابک المنزل علی نبیک صلواتک علیه
پس بدرستیکه تو گفت در کتاب تو فرو فرستاده شده بر پیغمبر تو رحمتهای تست بر او
وآله یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب و ایضا اللهم اجعلنی
و آل او محو کند خدا آنچه خواهد و ثابت دارد و نزد اوست اصل کتاب و بگوید خداوندا بگردان مرا
من اوفر عبادک نصیبا من کل خیر انزلته فی هذه اللیلة او انت منزله من
از وافرترین بندگان بهره از هر خیر که فرو فرستاده در این شب و تو فرو فرستنده از آن از
نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه او ضر تکشفه
نوری که راه نمائی باو یا رحمتی که پهن کنی او را یا روزی که قسمت کنی آنرا یا گزندی که دفع کنی آنرا
واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین الذین استوجبوا منک الثواب
و بنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان تو شایستگان آنانکه سزاوار شدند از تو پاداش را
وامنوا برضاک عنهم منک العقاب یا کریم یا کریم صل علی محمد وآل محمد
و ایمن شدند بخوشنودی تو از ایشان از تو عقاب ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت کن بر محمد و آل محمد
وافعل بی ذلک برحمتک یا ارحم الراحمین و هر مقدار از قرآن که ممکن باشد
و بکن با من اینرا برحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان در این شب بخواند و دعای صحیفهٔ
کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها
را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد و در بر اکه در احادیث

معتبره وارد شده است که روز نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب
بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنّت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنّت است و احادیث
معتبره در استحباب غسل دوان وارد شده است و منقولست که خدا عزّ و جل در این شب
دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان و نیز
عطا میکند حقتعالی بایشان نور در گورها و دیدها ایشان و در شب بیست و هفتم نیز
بخصوص غسل وارد شده است و منقولست که حضرت امام زین العابدین در این شب
مکرّر این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی التَّجافِیَ عَنْ دارِ الْغُرُورِ وَ الْاِنابَةَ اِلیٰ
از اوّل شب تا آخر شب
خداوندا روزی ده مرا کناره گرفتن از سرای غرور و بازگشت بسوی
دارِ الْخُلُودِ وَ الْاِسْتِعْدادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ و در شب بیست و نهم
سرای جاویدان و مهیا شدن برای مردن پیش از فرود آمدن مرگ
نیز بخصوص غسل
وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنّت است و زیارت حضرت امام حسین سنّت است
و وداع ماه مبارک رمضان سنّت مؤکّد است برای اظهار آنکه روزه و عبادات این ماه
بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان آن بودیم و از مفارقت آن اندوه و محزونیم و
هر که لذّت عبادات الهی را یافته است و فواید آن را در دنیا و عقبی دانسته است عاشق
عبادت و بندگی میباشد پس ماه این ماه و افر البرکات را نیکوی وداع کند که عزیزترین
اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند و معلوم است که غلامیکه از خدمت
آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی نیست
که از ترس خدمت کند و بآن راضی نباشد و دعاها وداع را در شب آخر سنّت است
خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوبست و در حدیث است که اگر آخر ماه مشتبه
باشد در شب بیست و نهم احتیاطاً سنّت است خواندن دعاهای وداع بسیار است و بهترین
دعاها دعای صحیفه کامله است و بسندهای معتبر بسیار از حضرت امام جعفر
صادق علیه السّلام بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتابِکَ
این دعا وداع منقولست
بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود
اَلْمُنْزَلِ عَلیٰ لِسانِ نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ قَوْلُکَ حَقٌّ شَهْرُ
که فرود آورده شده بر زبان پیغمبر تو فرستاده شده رحمتهای تو بر او و آل او و سخن تو راست است ماه

رَمَضانَ الَّذِی اُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدیً لِلنّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ الْهُدیٰ وَ الْفُرْقانِ
رمضان که فرو فرستاده شد در او قرآن راهنما برای مردمان و معجزها از هدایت راه و جدا کننده حق از باطل
وَ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَ انْقَضَتْ اَیّامُهُ وَ لَیالِیهِ فَاَسْئَلُکَ بِوَجْهِکَ
و این ماه رمضانست تحقیق بریده شده و بپایان رسیده روزهای او و شبهای او پس درخواهم از ذات تو
الْکَرِیمِ وَ کَلِماتِکَ التّامَّةِ اِنْ کانَ بَقِیَ عَلَیَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِی اَوْ تُرِیدُ اَنْ تُعَذِّبَنِی
که بزرگست ... اگر بوده باشد باقی بر من گناه نیامرزیده باشی یا خواسته باشی که عذاب کنی
عَلَیْهِ اَوْ تُقایِسَنِی بِهِ اَنْ یَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اَوْ یَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلّا
وَ قَدْ غَفَرْتَهُ لِی یا اَرْحَمَ الرّاحِمِینَ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ بِمَحامِدِکَ کُلِّها اَوَّلِها وَ آخِرِها
مٰا قُلْتَ لِنَفْسِکَ مِنْها وَ ما قالَ لَکَ الْخَلائِقُ الْحامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمُعَدِّدُونَ
آنچه گفته برای خود از آن و آنچه گفت مرترا آفریدگان ستایندگان کوشش نمایندگان شمارندگان
الْمُوَقِّرُونَ فِی ذِکْرِکَ وَ الشُّکْرِ لَکَ الَّذِینَ اَعَنْتَهُمْ عَلیٰ اَداءِ حَقِّکَ مِنْ اَصْنافِ
خَلْقِکَ مِنَ الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ وَ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ اَصْنافِ النّاطِقِینَ
خلق تو از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران و فرستادگان و اقسام سخن گویان
الْمُسَبِّحِینَ لَکَ مِنْ جَمِیعِ الْعالَمِینَ عَلیٰ اَنَّکَ بَلَّغْتَنا شَهْرَ رَمَضانَ وَ عَلَیْنا
مِنْ نِعَمِکَ وَ عِنْدَنا مِنْ جَزِیلِ قِسَمِکَ وَ اِحْسانِکَ وَ تَظاهُرِ امْتِنانِکَ بِذٰلِکَ
لَکَ مُنْتَهَی الْحَمْدِ الْخالِدِ الدّائِمِ الرّاکِدِ الْمُخَلَّدِ السَّرْمَدِ الَّذِی لا یَنْفَدُ طُولَ
الْاَبَدِ جَلَّ ثَناؤُکَ اَعَنْتَنا عَلَیْهِ حَتّیٰ قَضَیْتَ عَنّا صِیامَهُ وَ قِیامَهُ مِنْ صَلوٰةٍ
وَ ما کانَ مِنّا فِیهِ مِنْ بِرٍّ اَوْ شُکْرٍ اَوْ ذِکْرٍ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنّا بِاَحْسَنِ قَبُولِکَ
وَ تَجاوُزِکَ وَ عَفْوِکَ وَ صَفْحِکَ وَ غُفْرانِکَ وَ حَقِیقَةِ رِضْوانِکَ حَتّیٰ تُظْفِرَنا

فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب وتؤمننا فيه من كل امر مرهوب
وذنب مكسوب اللهم اني اسئلك بعظيم ما سئلك احد من خلقك من
كريم اسمائك وجزيل ثنائك وخاصة دعائك ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تجعل شهرنا هذا اعظم شهر رمضان مر علينا منذ انزلتنا
الى الدنيا بركة في عصمة ديني وخلاص نفسي وقضاء حاجتي و
تشفعني في مسائلي وتمام النعمة علي وصرف السوء عني ولباس العافية
لي وان تجعلني برحمتك ممن حزت له ليلة القدر وجعلتها له خيرا
من الف شهر في اعظم الاجر وكريم الذخر وطول العمر وحسن الشكر و
دوام اليسر اللهم واسئلك برحمتك وطولك وعفوك ونعمائك و
جلالك وقديم احسانك وامتنانك ان لا تجعله آخر العهد منا لشهر
رمضان حتى تبلغناه من قابل على احسن حال وتعرفني هلاله مع الناظرين
اليه والمتعرفين له في اعفى عافيتك وانعم نعمتك واوسع رحمتك واجزل
قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون هذا الوداع مني
وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من قابل في اسبغ

النعم وافضل الرخاء وانا لك على احسن الوفاء انك سميع الدعاء
اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي لك وتوكلي
عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا ولا تبليغا
الا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك بتبليغي شهر
رمضان وانا معافى من كل مكروه ومحذور ومن جميع البوائق الحمد لله
الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا آخر ليلة منه
اللهم اني اسئلك باجل ما دعيت به وارضى ما رضيت به عن محمد صلى
الله عليه واله ان تصلي على محمد وآل محمد ولا تجعل وداعي شهر رمضان
وداع خروجي من الدنيا ولا وداع آخر عبادتك فيه ولا آخر صومي لك
وارزقني العود فيه ثم العود فيه برحمتك يا ولي المؤمنين ووفقني
فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرا من الف شهر رب الليل والنهار و
الجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ يا مصور
يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم يا بديع السموات
والارض لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك

بأسمائك بسم الله الرحمن الرحيم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي
في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني في
عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وإيماناً لا يشوبه
شك ورضاً بما قسمت لي وأن تؤتيني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وأن تقيني عذاب النار الحريق اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الأمر
المحتوم وفيما تفرق من الأمر الحكيم في ليلة القدر من القضاء الذي لا
يرد ولا يبدل ولا يغير أن تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم واجعل فيما تقضي
وتقدر أن تطيل عمري وأن تعتق رقبتي من النار يا أرحم الراحمين
اللهم إني أسألك ولم يسأل العباد مثلك جوداً وكرماً وأرغب إليك
ولم يرغب إلى مثلك أنت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة الراغبين
أسألك بأعظم المسائل كلها وأفضلها وأنجحها التي ينبغي للعباد أن
يسألوك بها يا الله يا رحمن وبأسمائك ما علمت منها وما لم أعلم وبأسمائك
الحسنى وأمثالك العليا ونعمك التي لا تحصى وبأكرم أسمائك عليك

وأحبها إليك وأشرفها عندك منزلة وأقربها منك وسيلة وأجزلها
منك ثواباً وأسرعها لديك إجابة وباسمك المكنون المخزون الحي
القيوم الأكبر الأجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به
وتستجيب له دعاءه وحق عليك أن لا تحرم سائلك وأسألك بكل
اسم هو لك في التوراة والإنجيل والزبور والفرقان وبكل اسم
دعاك به حملة عرشك وملائكة سماواتك وجميع الأصناف من خلقك
من نبي أو صديق أو شهيد وبحق الراغبين إليك الفرقين منك المتعوذين
بك وبحق مجاوري بيتك الحرام حجاجاً ومعتمرين ومتقدسين والمجاهدين
في سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في بر أو بحر أو سهل أو جبل أدعوك
دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه وضعف كدحه
دعاء من لا يجد لنفسه ساداً ولا لضعفه مقوياً ولا لذنبه غافراً
غيرك هارباً إليك متعوذاً بك متعبداً لك غير مستكبر ولا مستنكف خائفاً
بائساً فقيراً مستجيراً بك أسألك بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك
وبملكك وبهائك وجودك وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك

وبقوتك على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة
ورغبة وتخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا
اله الا انت وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله
يا الله يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب
يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعال و
اسئلك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركان كلها ان تصلي
على محمد وآل محمد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي من فضلك العظيم
وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه ونوافله واغفر لي
وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك وعبدتك
فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا اللهم واوجب لي من
رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك افضل ما اعطيت احدا
ممن عبدك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من سئلك فيه واجعلني ممن
اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت له ما تقدم من ذنبه وما
تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وامل منك يا ارحم الراحمين اللهم

ارزقني العود في صيامه لك وعبادتك فيه واجعلني ممن كتبته
في هذا الشهر من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم
المتقبل عملهم آمين آمين آمين رب العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنبا
الا غفرته ولا خطيئة الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا دينا الا
قضيته ولا عيلة الا اغنيتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا
سددتها ولا عريا الا اكسوته ولا مرضا الا شفيته ولا داء الا
اذهبته ولا حاجة من حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل
املي ورجائي فيك يا ارحم الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا
ولا تذلنا بعد اذ اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ
اكرمتنا ولا تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا
بعد اذ رزقتنا ولا تغير شيئا من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء
كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن منا فان في كرمك وعفوك وفضلك
سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها يا ارحم
الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهينني بعدها ابدا وعزني

عزًّا لا تذلّني بعده ابدًا وعافني عافية لا تبتليني بعدها ابدًا و
ارفعني رفعة لا تضعني بعدها ابدًا واصرف عنّي شرّ كلّ شيطان
مريد وشرّ كلّ جبّار عنيد وشرّ كلّ قريب وبعيد وشرّ كلّ صغير او
كبير وشرّ كلّ دابّة انت اخذ بناصيتها انّ ربّي على صراط مستقيم اللّهمّ
ما كان في قلبي من شكّ او ريبة او جحود او قنوط او فرح او مرح او
بطر او بذخ او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر
او فسوق او معصية او شيء لا تحبّ عليه وليًّا لك فاسئلك ان
تصلّي على محمّد وال محمّد وان تمحوه من قلبي وتبدّلني مكانه ايمانًا
بوعدك ورضًا بقضائك ووفاء بعهدك ووجلًا منك وزهدًا في
الدّنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمانينة اليك وتوبة نصوحًا
اليك اللّهمّ ان كنت بلّغتنا والّا فاخّر عنّا اجالنا الى قابل حتّى تبلّغناه
في يسر منك وعافية يا ارحم الرّاحمين وصلّى الله على محمّد واله كثيرًا و
رحمة الله وبركاته عليهم ودر جمعهٔ اخر نيز وداع جمعها بد نيست واز جابر
ابن عبد الله انصاری منقولست که گفت رفتم
بخدمت حضرت رسول در جمعهٔ اخر ماه رمضان چون نظر انحضرت بر من افتاد فرمود
که این اخر جمعهٔ ایست از ماه مبارک رمضان پس انرا وداع کن و بگو

اللّهمّ لا تجعله اخر العهد من صيامنا ايّاه فان جعلته فاجعلني
مرحومًا ولا تجعلني محرومًا زیرا که هر که این دعا را در این روز بخواند بسی
ارزو و خصلت نیکو ظفر میابد تا برسیدن ماه
رمضان اینده با امرزش خدا و رحمت بی انتها و بسند معتبر از
حضرت صادق منقولست که هر که در شب اخر ماه مبارک این دعا بخواند اللّهمّ لا
تجعله اخر العهد من صيامي لشهر رمضان واعوذ بك ان يطلع
فجر هذه اللّيلة الّا وقد غفرت لي حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد
واو را توبه و انابه روزی کند و ایضا
سنتست که اللّهمّ انّي اسئلك باحبّ ما دعيت به وارضى ما رضيت
اين دعا بخوانند
به عن محمّد وعن اهل بيت محمّد عليه وعليهم السّلام ان تصلّي عليه
وعليهم ولا تجعل وداع شهري هذا وداع خروجي من الدّنيا ولا
وداع اخر عبادتك ووفّقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيرًا
من الف شهر مع تضاعف الاجر والاجابة والعفو عن الذّنب برضى
الرّبّ واز جمله چیزهائی که سنتست در شب اخر ازاد کردن بندهاست
زیرا که شبی است که حق تعالی بندهٔ بسیار از اتش جهنم ازاد میکرداند
کاه بندهٔ ضعیفی فرومایه بندکان از قید رقیت ازاد کند امید هست که
خداوند قادر بیزوال با ان وسعت و کمال او را از اتش جهنم ازاد کرداند
و نام او را از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه منقولست که حضرت امام
زین العابدین علیه السّلام بندها که در عرض سال تحصیل مینمود
تا بیست نفر و زیاده و کم در شب اخر ماه رمضان ازاد مینمود و میفرمود

شما ها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا
از عذاب جهنم آزاد گرداند و چون روز عید میشد عطا یرهای عظیم بایشان
میبخشید که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی
در هر شب ماه رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار هزار کس را آزاد می
کند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه
آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلام و کنیز بر زیاده از یکسال خدمت
نفرموده و در روز عرفه در عرفات بندهای خود را آزاد میفرمود و روایت
وارد شده است که سنت است که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخواند
و صد مرتبه بگوید استغفر الله و اتوب الیه **فصل هفتم** در دعا
های مخصوص دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا را
میخواند اللهم انک قلت فی کتابک شهر رمضان الذی انزل فیه
القرآن هدی للناس و بینات من الهدی و الفرقان فعظمت حرمة
شهر رمضان بما انزلت فیه القرآن و خصصته بلیلة القدر و
جعلتها خیرا من الف شهر اللهم و هذه ایام شهر رمضان قد انقضت
و لیالیه قد تصرمت و قد صرت یا الهی منه الی ما انت اعلم به منی و احصی
لعدده من الخلق اجمعین فاسئلک بما سئلک به ملائکتک المقربون
و انبیاؤک المرسلون و عبادک الصالحون ان تصلی علی محمد و آل
محمد و ان تفک رقبتی من النار و تدخلنی الجنة برحمتک و ان تتفضل

علی بالامن یوم الخوف من کل هول اعددته لیوم القیمة الهی و اعوذ
بوجهک الکریم و بجلالک العظیم ان ینقضی ایام شهر رمضان و لیالیه
و لک قبلی تبعة او ذنب تؤاخذنی به او خطیئة ترید ان تقتصها منی
لم تغفرها لی سیدی سیدی سیدی اسئلک یا لا اله الا انت اذ لا
اله الا انت ان کنت رضیت عنی فی هذا الشهر فازدد عنی رضا و ان لم
تکن رضیت عنی فمن الآن فارض عنی یا ارحم الراحمین یا الله یا احد یا صمد
یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد و بسیار یا ملین الحدید لداود
علیه السلام یا کاشف الضر و الکرب العظام عن ایوب علیه السلام
ای مفرج هم یعقوب علیه السلام ای منفس غم یوسف علیه السلام
صل علی محمد و آل محمد کما انت اهله ان تصلی علیهم اجمعین و افعل بی
ما انت اهله و لا تفعل بی ما انا اهله و بسند معتبر از آنحضرت منقولست که
در هر شب دهه آخر این دعا بخواند
اعوذ بجلال وجهک الکریم ان ینقضی عنی شهر رمضان او یطلع
الفجر من لیلتی هذه و یبقی لک عندی تبعة او ذنب تعذبنی علیه
یوم القاک و بسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت
صادق وارد شده است و بسیار طولانی است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل است

دعای شب بیست و یکم: يا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهارِ وَمُولِجَ النَّهارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يا رازِقَ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ يا اَللهُ
يا رَحْمنُ يا اَللهُ يا رَحِيمُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ
الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَ
رُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي
يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِما قَسَمْتَ لِي
وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَرِيقِ
وَارْزُقْنِي فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَ
التَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ
دعای شب بیست و دوم: يا سالِخَ النَّهارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ
لِمُسْتَقَرِّها بِتَقْدِيرِكَ يا عَزِيزُ يا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنازِلَ حَتّى عادَ كَا
لْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَيا مُنْتَهى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يا
اَللهُ يا رَحْمنُ يا اَللهُ يا قُدُّوسُ يا أَحَدُ يا واحِدُ يا فَرْدُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ

الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي
مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي
يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِما قَسَمْتَ
لِي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ
الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنابَةَ
وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ
دعای شب بیست و سیم: يا رَبَّ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجاعِلَها خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ
اللَّيْلِ وَالنَّهارِ وَالْجِبالِ وَالْبِحارِ وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوارِ وَالْأَرْضِ وَ
السَّماءِ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا اَللهُ يا رَحْمنُ يا اَللهُ يا قَيُّومُ يا اَللهُ
يا بَدِيعُ يا اَللهُ يا اَللهُ يا اَللهُ لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا وَ
الْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي
فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ
وَإِسائَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيماناً يُذْهِبُ

الشك عني وترضيني بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة
شک از من و خوشنودی بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت
حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك
نیکی و نگاهدار از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر خود و شکر خود
والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وال
و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق مرا آنچه توفیق دادی مر او را محمد و آل
محمد صلواتك عليه وعليهم دعای شب بیست و چهارم يا فالق الاصباح ويا جاعل
محمد را رحمتهای تو بر او و بر ایشان ای شکافنده عمود صبح و ای گرداننده
الليل سكنا والشمس والقمر حسبانا يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول
شب آرام و آفتاب و ماه وسیله حساب ای غالب ای دانا ای صاحب انعام و توانائی
والقوة والحول والفضل والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله
و قوت و قدرت و بخشش و انعام کردن ای خداوند بزرگوار و گرامی داشتن ای خدا
يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت
ای بخشاینده ای خدا ای تنها ای بی همتا ای خدا ای آشکار ای پنهان ای زنده نیست خدائی مگر تو
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء اسئلك
مر تو است نامهای نیکو و داستان بلند و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم از تو
ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء
آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان
وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي
و روح مرا با شهیدان و احسان مرا در علیین و بدیهای مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا
يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي و
یقینی که مباشر گردد با دل من و ایمانی که ببرد شک از من و خشنودی بانچه قسمت کردی مرا و
اتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار از عذاب آتش سوزان
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
و روزی کن مرا در آن ذکر خود و شکر خود و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه
والتوفيق لما وفقت له محمدا وال محمد صلواتك عليه وعليهم دعای شب بیست و پنجم
و توفیق مرا آنچه توفیق دادی برای محمد و آل محمد را رحمتهای تو بر او و بر ایشان

يا جاعل الليل لباسا والنهار معاشا والارض مهادا والجبال
ای گرداننده شب را پوشش و روز را کسب معاش و زمین را گهواره و کوهها را
اوتادا يا الله يا قاهر يا الله يا جبار يا الله يا سميع يا الله يا قريب يا الله
میخها ای خدا ای قهار ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا
يا مجيب يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا و
ای اجابت کننده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستان بلند
الكبرياء والالاء اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل
و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم ترا آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی
اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في
نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و احسان مرا در
عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
علیین و بدیهای مرا آمرزیده شده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر گردد با دل من و ایمانی که
يذهب الشك عني ورضا بما قسمت لي واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة
ببرد شک از من و خشنودی بانچه قسمت کردی مرا و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت
حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك و
نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در آن ذکر خود و شکر تو و
الرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وال
خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق مرا آنچه توفیق دادی مر او را محمد و آل
محمد عليه وعليهم السلام دعای شب بیست و ششم يا جاعل الليل والنهار ايتين يا من
محمد بر او و بر ایشان درود ای گرداننده شب و روز دو نشانه ای آنکه
محى اية الليل وجعل اية النهار مبصرة لتبتغوا فضلا منه ورضوانا
محو کرد نشانه شب و گردانید نشانه روز روشن را تا بجوئید فضل از او و خشنودی
يا مفضل كل شيء تفضيلا يا الله يا ماجد يا وهاب يا الله يا جواد يا الله
ای زیادتی دهنده هر چیزی زیادتی ای خدا ای بزرگوار ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار ای خدا
يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والالاء
ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیکو و داستان بلند و بزرگواری و نعمتها
اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء
میخواهم از تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان

ورُوحي مع الشهداء واحساني في علّيين واساءتي مغفورة وان
تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت
لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة
والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد عليه وعليهم السلام

دعای شب بیست و هفتم

يا مادّ الظل ولو شئت جعلته ساكناً وجعلت الشمس
عليه دليلاً ثم قبضته اليك قبضاً يسيراً يا ذا الجود والطول
والكبرياء والآلاء لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن
الرحيم لا اله الا انت يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز
يا جبار يا متكبر يا الله يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله يا الله
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسئلك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في علّيين واساءتي
مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً يذهب الشك عني

وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة
اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد
صلى الله عليه وعليهم

دعای شب بیست و هشتم

يا خازن الليل في الهواء وخازن
النور في السماء ومانع السماء ان تقع على الارض الا باذنه و
حابسهما ان تزولا يا عليم يا عظيم يا غفور يا دائم يا الله يا وارث يا
باعث من في القبور يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال
العليا والكبرياء والآلاء اسئلك ان تصلي على محمد وآل محمد
وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء
واحساني في علّيين واساءتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر
به قلبي وايماناً يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في
الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والرهبة منك
والتوبة والانابة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد صلى الله

عَلَيهِ وَعَلَيهِم السَّلامُ دعاى شب يَا مُكَوِّرَ اللَّيلِ عَلَى النَّهارِ وَمُكَوِّرَ
النَّهارِ عَلَى اللَّيلِ يَا عَلِيمُ يَا حَكِيمُ يَا رَبَّ الأَربابِ وَسَيِّدَ السّاداتِ
لا اِلهَ اِلاّ اَنتَ يَا مَن هُوَ اَقرَبُ اِلَيَّ مِن حَبلِ الوَرِيدِ يَا اَللهُ يَا
اَللهُ لَكَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ
اَسئَلُكَ اَن تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَ اسمِي فِي هذِهِ اللَّيلَةِ
فِي السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِساءَتِي
مَغفُورَةً وَاَن تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبِي وَاِيماناً يُذهِبُ الشَّكَّ عَنِّي
وَتُرضِيَنِي بِما قَسَمتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ
قِنا عَذابَ النّارِ الحَرِيقِ وَارزُقنا فِيها ذِكرَكَ وَشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ
اِلَيكَ وَالتَّوبَةَ وَالاِنابَةَ وَالتَّوفِيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللهُ عَلَيهِ وَعَلَيهِم دعاى شب الحَمدُ لِلّهِ لا شَرِيكَ لَهُ اَلحَمدُ لِلّهِ كَما يَنبَغِي لِكَرَمِ
وَجهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ كَما هُوَ اَهلُهُ يَا قُدُّوسُ يَا نُورُ يَا نُورَ القُدسِ يَا سُبُّوحُ
يَا مُنتَهَى التَّسبِيحِ يَا رَحمنُ يَا فاعِلَ الرَّحمَةِ يَا اَللهُ يَا عَلِيمُ يَا كَبِيرُ يَا اَللهُ
يَا لَطِيفُ يَا جَلِيلُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ

لَكَ الأَسماءُ الحُسنى وَالأَمثالُ العُليا وَالكِبرِياءُ وَالآلاءُ اَسئَلُكَ
اَن تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَجعَلَ اسمِي فِي هذِهِ اللَّيلَةِ فِي
السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَاِحسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِساءَتِي
مَغفُورَةً وَاَن تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلبِي وَاِيماناً يُذهِبُ الشَّكَّ عَنِّي
وَتُرضِيَنِي بِما قَسَمتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَ
قِنا عَذابَ النّارِ الحَرِيقِ وَارزُقنِي فِيها ذِكرَكَ وَشُكرَكَ وَالرَّغبَةَ
اِلَيكَ وَالاِنابَةَ وَالتَّوبَةَ وَالتَّوفِيقَ لِما وَفَّقتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَعَلَيهِم اَجمَعِينَ **فصل هشتم** در بیان نمازهای
شبها و دعاهای روزها است که مشهور
است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست نماز شب
اول چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دوم چهار
رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه سیم ده رکعت در هر
رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه انا انزلناه پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید و بعد از
سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و سوره تبارک الذی بیده الملک هفتم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه هشتم دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه
توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله نهم شش رکعت میان نماز
شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از تمام پنجاه

مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد وسی مرتبه
توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد وبیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر
دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد وسی مرتبه انا انزلناه سیزدهم چهار
رکعت در هر رکعت حمد وبیست وپنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت
حمد وسی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول بعد
از حمد صد مرتبه توحید ودر دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزدهم
دوازده رکعت در هر رکعت حمد ودوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو
رکعت در رکعت اول حمد وهر سوره که خواهد ودر رکعت دوم حمد وصد مرتبه
توحید وبعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله هجدهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد وبیست وپنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد وپنجاه مرتبه
اذا زلزلت وگویا مراد این باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخوانند زیرا که مشکلست
در یکشب وهزار وپانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن بیستم وبیست ویکم وبیست
دوم وبیست وسیم وبیست وچهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که
میسر شود بیست وپنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه توحید بیست و
ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد وصد مرتبه توحید بیست وهفتم چهار رکعت
در هر رکعت حمد وتبارک الذی بیده الملک واگر نتواند بیست وپنج مرتبه توحید
بیست وهشتم شش رکعت در هر رکعت حمد وصد مرتبه آیة الکرسی وصد
مرتبه توحید وصد مرتبه کوثر وبعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد وآل
محمد بیست ونهم دو رکعت در هر رکعت حمد وبیست مرتبه توحید سی ام دوازده
رکعت در هر رکعت حمد وبیست مرتبه توحید وبعد از فارغ شدن صد
مرتبه صلوات بر محمد وآل محمد واین نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت
بیک سلام است واما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند که
حضرت رسول فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان
بیان فرمود واز برای هر روز دعای مخصوص با فضیلت وثواب بسیار اللهم
از برای آن دعا ذکر کرده اند وما باصل دعا اکتفا مینمائیم دعای روز اول

اجعل صیامی فیه صیام الصائمین وقیامی فیه قیام القائمین و
بگردان روزه مرا دران روزه روزه داران وایستادن مرا دران ایستادگان و
نبهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین
بیدار کن مرا دران از خواب بیخبران وببخش مرا گناه مرا دران ای خدای جهانیان
واعف عنی یا عافیا عن المجرمین روز اللهم قربنی فیه الی مرضاتک
ودرگذر از من ای درگذرنده از گناهکاران دوم خداوندا نزدیک کن مرا دران بسوی خوشنودی خود
وجنبنی فیه من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه لقراءة آیاتک
ودور گردان مرا دران از خشم تو وعقوبات خود وتوفیق ده مرا دران بر خواندن آیتهای خود
برحمتک یا ارحم الراحمین روز اللهم ارزقنی فیه الذهن والتنبیه
برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان سیم خداوندا روزی کن مرا دران ذهن وزیرکی وآگاهی
وباعدنی فیه من السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا من کل
ودور گردان مرا دران از بیخردی وپوشانیدن حق وبگردان برای من بهره از هر
خیر تنزل فیه بجودک یا اجود الاجودین روز اللهم قونی فیه
نیکوئی فرستاده شده دران بجود تو ای بخشنده ترین بخشندگان چهارم خداوندا توانا کن مرا دران
علی اقامة امرک واذقنی فیه حلاوة ذکرک واوزعنی فیه لاداء
بر آنکه بپا دارم فرمان ترا وبچشان مرا دران شیرینی یادکردن خود وتوفیق ده مرا دران جهت ادای
شکرک بکرمک واحفظنی فیه بحفظک وسترک یا ابصر الناظرین
شکر خود بکرم خود ونگاهدار مرا دران بنگاهداری خود وپرده خود ای بیناترین نگرندگان
روز اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک
پنجم خداوندا بگردان مرا دران از آمرزیده شدگان وبگردان مرا دران از بندگان
الصالحین القانتین واجعلنی من اولیائک المقربین برافتک یا ارحم
شایستگان که فرمانبردارانند وبگردان مرا از دوستان خود نزدیکان بمهربانی تو ای بخشنده ترین
الراحمین روز اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتک و
بخشندگان ششم خداوندا خوار مکن مرا درین ماه بجهة فراپیش آمدن نافرمانی تو و
لا تضربنی بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات سخطک
مزن مرا بتازیانهای عقوبت خود ودور کن مرا درین ماه از واجبات خشم ترا
بمنک وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین روز اللهم اعنی علی
ببخشش ونعمتهای خود ای منتهای خواهش خواهشمندان هفتم خداوندا یاری کن مرا بر

صيامه وقيامه وجنّبني فيه من هفواته وآثامه وارزقني
ذكرك بدوامه بتوفيقك يا هادي المضلّين روز اللهمّ ارزقني هشتم
فيه رحمة الأيتام وإطعام الطعام وإفشاء السلام والصحبة
الكرام بطولك يا ملجأ الآملين روز اللهمّ اجعل لي فيه نصيباً نهم
من رحمتك الواسعة واهدني فيه لبراهينك الساطعة وخذ بناصيتي
إلى مرضاتك الجامعة بمحبّتك يا أمل المشتاقين روز اللهمّ اجعلني دهم
فيه من المتوكّلين عليك واجعلني فيه من الفائزين لديك واجعلني
فيه من المقرّبين إليك بإحسانك يا غاية الطالبين روز اللهمّ یازدهم
حبّب إليّ فيه الإحسان وكرّه إليّ فيه الفسوق والعصيان وحرّم
عليّ فيه السخط والنيران بعونك يا غياث المستغيثين روز دوازدهم
اللهمّ زيّنّي فيه بالستر والعفاف واسترني فيه بلباس الصبر
والقنوع والكفاف واحملني فيه على العدل والإنصاف وآمنّي فيه
من كلّ ما أخاف بعصمتك يا عصمة الخائفين روز اللهمّ طهّرني سیزدهم
فيه من الدنس والأقذار وصبّرني فيه على كائنات الأقدار ووفّقني

فيه للتقى وصحبة الأبرار بعونك يا قرّة عين المساكين روز اللهمّ چهاردهم
لا تؤاخذني فيه بالعثرات وأقلني فيه من الخطايا والهفوات ولا تجعلني
فيه غرضاً للبلايا والآفات بعزّتك يا عزّ المسلمين روز اللهمّ پانزدهم
ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري بإنابة المخبتين
بأمانك يا أمان الخائفين روز اللهمّ وفّقني فيه لموافقة الأبرار شانزدهم
وجنّبني فيه مرافقة الأشرار وآوني فيه برحمتك إلى دار القرار
بإلهيّتك يا إله العالمين روز اللهمّ اهدني فيه لصالح الأعمال هفدهم
واقض لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج إلى التفسير والسؤال
يا عالماً بما في صدور العالمين صلّ على محمّد وآله الطاهرين روز هجدهم
اللهمّ نبّهني فيه لبركات أسحاره ونوّر فيه قلبي بضياء أنواره
وخذ بكلّ أعضائي إلى اتّباع آثاره بنورك يا منوّر قلوب العارفين
روز اللهمّ وفّر فيه حظّي من بركاته وسهّل سبيلي إلى خيراته ولا نوزدهم
تحرمني قبول حسناته يا هادياً إلى الحقّ المبين روز اللهمّ افتح لي فيه بیستم
أبواب الجنان وأغلق عنّي فيه أبواب النيران ووفّقني فيه لتلاوة

القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین روز بیست و یکم اللهم اجعل لی فیه
الی مرضاتک دلیلاً ولا تجعل للشیطان فیه علیّ سبیلاً واجعل
الجنة لی منزلاً ومقیلاً یا قاضی حوائج الطالبین روز بیست و دوم اللهم
افتح لی فیه ابواب فضلک وانزل علیّ فیه برکاتک ووفقنی فیه
لموجبات مرضاتک واسکنّی فیه بحبوحات جنّاتک یا مجیب دعوة
المضطرین روز بیست و سیم اللهم اغسلنی فیه من الذنوب وطهّرنی فیه
من العیوب وامتحن قلبی فیه بتقوی القلوب یا مقیل عثرات المذنبین
روز بیست و چهارم اللهم انی اسئلک فیه ما یرضیک واعوذ بک مما
یؤذیک واسئلک التوفیق فیه لأن اطیعک ولا اعصیک یا
جواد السائلین روز بیست و پنجم اللهم اجعلنی فیه محبّاً لأولیائک ومعادیاً
لأعدائک مستنّاً بسنّة خاتم انبیائک یا عاصم قلوب النبیین
روز بیست و ششم اللهم اجعل سعیی فیه مشکوراً وذنبی فیه
مغفوراً وعملی فیه مقبولاً وعیبی فیه مستوراً یا اسمع السامعین
روز بیست و هفتم اللهم ارزقنی فیه فضل لیلة القدر وصیّر اموری

فیه من العسر الی الیسر واقبل معاذیری وحطّ عنّی الذنب
والوزر یا رؤوفاً بعباده الصالحین روز بیست و هشتم اللهم وفّر حظّی
فیه من النوافل واکرمنی فیه باحضار المسائل وقرّب فیه وسیلتی
الیک من بین الوسائل یا من لا یشغله الحاح الملحّین روز بیست و نهم
اللهم غشّنی فیه بالرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهّر
قلبی من غیاهب التهمة یا رحیماً بعباده المؤمنین روز سی‌ام اللهم اجعل
صیامی فیه بالشکر والقبول علی ما ترضاه ویرضاه الرسول محکمة
فروعه بالاصول بحق سیدنا محمد وآله الطاهرین والحمد لله رب
العالمین مؤلف گوید که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبارات هر یک در کتب
دعوات مختلف ذکر کرده‌اند چون روایتش را معتبر ندیدم متعرض
ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده
و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سیم خواندن دور نیست که انسب باشد
والله یعلم باب چهارم در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذی القعده
است از جملهٔ ایام متبرکهٔ ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جملهٔ لیالی متبرکه
است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیاء آن احادیث بسیار است و از حضرت
رسول منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دلش در روزی که دلها از
ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین شب عید را احیا
میکرد بنماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد میماند و میگفت ای فرزند این شب کمتر از شب

قلدر نیت و غسل بروایت سنتست و شخصی بخدمت حضرت صادق عرض کرد که مردم
میگویند که آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر حضرت
فرمود که کارگر مزد شرا نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و امشب عید است راوی
گفت چه کار سزاوار است که در امشب بکنم فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل
بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوردی دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو

یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا ذَا الْجُودِ یَا مُصْطَفِی مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی کُلَّ ذَنْبٍ اَحْصَیْتَهُ وَهُوَ عِنْدَکَ فِی کِتَابٍ مُبِینٍ پس

برو و صد مرتبه در سجده بگو اَتُوبُ اِلَی اللهِ پس هر حاجت که داری از حق تعالی طلب
کن که انشاء الله برآورده است و بسند معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند و در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه
سوره قل هو الله احد و در رکعت دویم یکمرتبه میخواندند پس بر کوع و سجود میرفتند
و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد یَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ یَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ یَا
مرتبه میگفتند اَتُوبُ اِلَی اللهِ پس میگفتند
مُصْطَفِی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ پس حاجات خود را
از خدا میطلبیدند
پس سر از سجود بر میداشتند و میفرمودند بحق خدا و نیک که جانم بدست قدرت اوست
که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از حق تعالی بطلبد البته او را عطا کند و اگر بعدد
ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد و بعد از نماز سنتست که این دعا بخواند بسم
یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا اَللهُ یَا رَحْمٰنُ یَا اَللهُ یَا
مَلِکُ یَا اَللهُ یَا قُدُّوسُ یَا اَللهُ یَا سَلَامُ یَا اَللهُ یَا مُؤْمِنُ یَا اَللهُ یَا مُهَیْمِنُ یَا اَللهُ
یَا عَزِیزُ یَا اَللهُ یَا جَبَّارُ یَا اَللهُ یَا مُتَکَبِّرُ یَا اَللهُ یَا خَالِقُ یَا اَللهُ یَا بَارِئُ یَا اَللهُ
یَا مُصَوِّرُ یَا اَللهُ یَا عَالِمُ یَا اَللهُ یَا عَظِیمُ یَا اَللهُ یَا عَلِیمُ یَا اَللهُ یَا کَرِیمُ یَا اَللهُ

یَا حَلِیمُ یَا اَللهُ یَا حَکِیمُ یَا اَللهُ یَا سَمِیعُ یَا اَللهُ یَا بَصِیرُ یَا اَللهُ یَا قَرِیبُ یَا اَللهُ
یَا مُجِیبُ یَا اَللهُ یَا جَوَادُ یَا اَللهُ یَا وَاحِدُ یَا اَللهُ یَا وَلِیُّ یَا اَللهُ یَا وَفِیُّ یَا اَللهُ
یَا مَوْلَی یَا اَللهُ یَا قَاضِیُ یَا اَللهُ یَا سَرِیعُ یَا اَللهُ یَا شَدِیدُ یَا اَللهُ یَا رَؤُوفُ یَا اَللهُ
یَا رَقِیبُ یَا اَللهُ یَا مُجِیبُ یَا اَللهُ یَا جَوَادُ یَا اَللهُ یَا مَاجِدُ یَا اَللهُ یَا عَلِیُّ یَا اَللهُ
یَا حَفِیظُ یَا اَللهُ یَا مُحِیطُ یَا اَللهُ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ یَا اَللهُ یَا اَوَّلُ یَا اَللهُ یَا
آخِرُ یَا اَللهُ یَا ظَاهِرُ یَا اَللهُ یَا بَاطِنُ یَا اَللهُ یَا فَاخِرُ یَا اَللهُ یَا قَاهِرُ یَا اَللهُ یَا رَبَّاهُ
یَا اَللهُ یَا رَبَّاهُ یَا اَللهُ یَا رَبَّاهُ یَا اَللهُ یَا رَبَّاهُ یَا اَللهُ یَا رَبَّاهُ یَا اَللهُ یَا وَدُودُ
یَا اَللهُ یَا نُورُ یَا اَللهُ یَا دَافِعُ یَا اَللهُ یَا مَانِعُ یَا اَللهُ یَا فَاتِحُ یَا اَللهُ یَا نَفَّاعُ
یَا اَللهُ یَا جَلِیلُ یَا اَللهُ یَا جَمِیلُ یَا اَللهُ یَا شَهِیدُ یَا اَللهُ یَا شَاهِدُ یَا اَللهُ یَا
حَبِیبُ یَا اَللهُ یَا فَاطِرُ یَا اَللهُ یَا مُطَهِّرُ یَا اَللهُ یَا مَالِکُ یَا اَللهُ یَا مُقْتَدِرُ یَا اَللهُ
یَا قَابِضُ یَا اَللهُ یَا بَاسِطُ یَا اَللهُ یَا مُحْیِی یَا اَللهُ یَا مُمِیتُ یَا اَللهُ یَا مُجِیبُ یَا اَللهُ
یَا بَاعِثُ یَا اَللهُ یَا مُعْطِی یَا اَللهُ یَا مُفْضِلُ یَا اَللهُ یَا مُنْعِمُ یَا اَللهُ یَا حَقُّ یَا اَللهُ
یَا مُبِینُ یَا اَللهُ یَا طَبِیبُ یَا اَللهُ یَا مُحْسِنُ یَا اَللهُ یَا مُبْدِئُ یَا اَللهُ یَا مُعِیدُ یَا اَللهُ
یَا بَارِئُ یَا اَللهُ یَا بَدِیعُ یَا اَللهُ یَا هَادِی یَا اَللهُ یَا کَافِی یَا اَللهُ یَا شَافِی یَا اَللهُ

یا علیّ یا اللّه یا حنّان یا اللّه یا منّان یا اللّه یا ذا الطّول یا اللّه یا متعالی
یا اللّه یا عدل یا اللّه یا ذا المعارج یا اللّه یا صادق یا اللّه یا دیّان یا
اللّه یا باقی یا اللّه یا ذا الجلال یا اللّه یا ذا الاکرام یا اللّه یا معبود یا اللّه
یا محمود یا اللّه یا صانع یا اللّه یا معین یا اللّه یا مکوّن یا اللّه یا فعّال
یا اللّه یا لطیف یا اللّه یا جلیل یا اللّه یا غفور یا اللّه یا شکور یا اللّه
یا نور یا اللّه یا حنّان یا اللّه یا قدیر یا اللّه یا ربّاه یا اللّه یا ربّاه یا اللّه
یا ربّاه یا اللّه یا ربّاه یا اللّه یا ربّاه یا اللّه یا ربّاه یا اللّه یا ربّاه یا اللّه یا
اللّه اسئلک ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و تمنّ علیّ برضاک و تعفو
عنّی بحلمک و توسّع علیّ من رزقک الحلال الطّیّب من حیث احتسب
و من حیث لا احتسب فانّی عبدک لیس لی احد سواک و لا احد اسئله
غیرک یا ارحم الرّاحمین ما شاء اللّه لا قوّة الّا باللّه العلیّ العظیم پس
بسجده میرود و میگوید یا اللّه یا اللّه یا ربّ یا اللّه یا ربّ یا اللّه یا ربّ یا اللّه یا منزل
البرکات بک تنزل کلّ حاجة اسئلک بکلّ اسم فی مخزون الغیب عندک
و الاسماء المشهورات عندک المکتوبة علی سرادق عرشک ان تصلّی

علی محمّد و آل محمّد و ان تقبّل منّی شهر رمضان و تکتبنی من الوافدین
الی بیتک الحرام و تصفح لی عن الذّنوب العظام و تستخرج یا ربّ
کنوزک یا رحمن و در روایتی دیگر بجای هزار مرتبه قل هو اللّه احد بن صد
مرتبه وارد شده است و ایضاً سنّت مؤکّد است که بعد از
نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخواند
اللّه اکبر اللّه اکبر لا اله الّا اللّه و اللّه اکبر اللّه اکبر و للّه الحمد اللّه اکبر علی ما هدینا و امّا اعمال روز عید
پس زکوة فطر واجب
مؤکّد است و ترکش با تحقّق شرایط موجب گناه کبیره است و شرط قبول روزهٔ ماه
مبارک است چنانچه از حضرت صادق منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است
یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمّد و آل محمّد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه
بدارد و زکوة فطره ندهد روزهٔ او مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند و اگر صلوات
بر محمّد و آل محمّد را ترک کند در تشهّد نماز نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش
از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قد افلح من تزکّی و ذکر اسم ربّه فصلّی
یعنی بتحقیق که رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد یا ان
تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی
مال میشود و مال از تلف محفوظ میماند چنانکه منقولست که هیچ مال در دریا و صحرا
تلف نمیشود مگر بندادن زکوة و همچنین فطره زکوة بدنست و بدن را پاکیزه
گرداند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند
چنانچه بسند معتبر منقولست که حضرت صادق با معتّب وکیل خرج خود فرمود که
برو و فطرهٔ جمیع عیال و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک
مکن که زکوة او را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی میترسم در عرض سال بمیرد و
بدانکه زکوة فطره بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمیشود و اگر نابالغ و دیوانه

عیال دیگری باشند بر او واجبست که فطرهٔ ایشان را بدهد و زکوة بنده را اقامه
دهد بنا بر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست
که در وجوب فطره توانگری شرطست و اموافق مشهور آنست که قوت سالیانه
خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا به معیشت او
و عیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زاید بر قوت خود و عیال
خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجبست و اظهر آنست که بر او سنتست
و اگر فقیر یکسر فطره را با عیال خود دست بدست بگرداند و بعد از آن بفقیر
دیگری بدهند همه ثواب فطره را می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند از
خود و از هر کس که واجب النفقهٔ او باشد بشرط آنکه عیال دیگری نباشد در
شب فطر که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجبست و همچنین باید بدهد از
هر کس که در خانهٔ او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از
شام در آنخانه باشد و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار کند یا نکند
واجب نیست بر صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل خانه شود و افطار از مال او نکند
احوط آنست که هر دو بدهند یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربة الی
الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه و کسوهٔ او را دهد و در خانهٔ دیگری باشد
زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از شام از جهت همسایها طعام
بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد و در شب
عید در جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانهٔ او آید یا چیزی بخورد
باشد و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت اخیر
هر دو بدهند بلکه مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد بهتر است و وقت بیرون
کردن فطره موافق مشهور از شام شب عیدست تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند
تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا کند و پیش از نماز عید بدهد و اگر در صبح
جدا کند نیز خوبست و اگر پیش از نماز جدا کند و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر
برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصور ندارد و اگر جدا نکند تا
ظهر روز عید احوط آنست تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر از روز عید بگذرد

بقصد قربة بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که اینرا میدهم
که اگر قضای فطره بر من واجب باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و
مادر و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان هرگاه فقیر باشند نفقهٔ ایشان
بر او واجبست پس اگر نفقهٔ او را خورند فطره بر اوست و اگر عیال شخص دیگر
باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط آنست که
او فطرهٔ ایشان را بدهد و اما جنس فطره مشهور آنست که هر چه قوت غالب او
باشد میتواند داد و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشک بدهد و بهتر
آنست که خرما بدهد و بعد از آن مویز است و بعد از آن هر چه قوت غالب او
باشد چنانچه مردم شهر چون غالب قوت ایشان نان گندم است بهتر آنست که گندم
بدهند و مردم دهات که غالبا نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است که اگر
یک صاع خرما بدهم در فطره دوستتر میدارم از آنکه یک صاع طلا بدهم و اما مقدار
فطره از هر شخصی یک صاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهرا یک من تبریز
چهار ده مثقال و ربع مثقالست و احوط آنست که یک من و نیم تبریز بدهند و نهایت
احتیاط آنست که یک من شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سالیانهٔ خود و
عیال خود را نداشته باشد و سائل بکف نباشد و احوط آنست که متظاهر
بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت امام بمجتهد
جامع الشرایط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف را او
بهتر میداند و بعضی از علما اینرا واجب دانسته اند و احوط آنست که فقیر را کمتر از یک
صاع ندهند و بیک کس چند سر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد
و بخویشان غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از آن بهمسایگان پریشان
و بعد از آن بکسانیکه فاضل تر و صالح تر و پریشان تر باشند و فطرهٔ غیر سید
بسید نمیتوان داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنتست که
در روز عید پیش از نماز عید در اول روز افطار کنند و سنتست که بر خرما افطار
کنند و غسل روز عید سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت
صادق منقولست که غسل را در زیر سقفی مکن و در زیر آسمان مکن و پیش از غسل بگو

اللهم ایمانا بك وتصدیقا بكتابك واتباع سنة نبیك صلی الله
علیه واله پس بسم الله بگو وغسل بکن و اللهم اجعله كفارة لذنوبی
چون از غسل فارغ شوی بگو
وطهر دینی اللهم اذهب عنی الدنس و زیارت حضرت امام حسین علیه
السلام در روز عید نیز سنت
مؤکد است و ثواب بسیار در ان وارد شده است و نماز عید در زمان امام
حضور امام واجبست و در زمان غیبت امام علیه السلام اکثر علما سنت
میدانند و بجماعت کردن راسنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کردن
و بگمان فقیر واجبست که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر
شد تنها کردن سنتست و نماز عید دو رکعتست و در رکعت اول بعد از قرائت
پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت
چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت مخصوصی وارد و اگر کسی انرا
نداند انچه در قنوت نمازهای دیگر میخواند بخواند و هرگاه بجماعت کنند پیش
نماز دو خطبه بعد از نماز میخواند و قنوت مخصوص نماز عید اینست
اللهم اهل الكبریاء والعظمة واهل الجود والجبروت واهل
العفو والرحمة واهل التقوی والمغفرة اسئلك بحق هذا
الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا ولمحمد صلی الله علیه واله
ذخرا وشرفا وكرامة ومزیدا ان تصلی علی محمد وال محمد و
ان تدخلنی فی كل خیر ادخلت فیه محمدا وال محمد وان تخرجنی
من كل سوء اخرجت منه محمدا وال محمد صلواتك علیه و

وعلیهم اللهم انی اسئلك خیر ما سئلك به عبادك الصالحون
واعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون و بعد از نماز عید
دعای بسیاری
وارد شده است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند صحیح از
حضرت امام محمد باقر منقولست که در روز جمعه و عید فطر و عید قربان در هنگامی
که مهیای رفتن بسوی نماز جمعه و اللهم من تهیأ فی هذا الیوم او
عید فطر و عید قربان میشوی این دعا بخوان
تعبا او اعد واستعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده ونوافله
وفواضله وعطایاه فان الیك یا سیدی تهیئتی وتعبئتی واعدادی
واستعدادی رجاء رفدك وجوائزك ونوافلك وفواضلك و
فضائلك وعطایاك وقد غدوت الی عید من اعیاد امة نبیك
محمد صلواتك علیه واله ولم افد الیك الیوم بعمل صالح اثق به
قدمته ولا توجهت بمخلوق املته ولكن اتیتك خاضعا مقرا
بذنوبی واسائتی الی نفسی فیا عظیم یا عظیم اغفر لی العظیم من ذنوبی
فانه لا یغفر الذنوب العظام الا انت یا لا اله الا انت یا ارحم
الراحمین و در حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر منقولست اللهم انی
که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را بخوانند
توجهت الیك بمحمد امامی و علی من خلفی و عن یمینی و ائمتی عن

يا ربّ استترتُ بهم من عذابك وأتقرّب إليك زلفى لا أجد أحدًا
أقرب إليك منهم فهم أئمتي فآمِنْ بهم خوفي من عقابك وسخطك
وأدخلني برحمتك في عبادك الصالحين أصبحتُ بالله مؤمنًا موقنًا
مخلصًا على دين محمّد وسنّته وعلى دين عليّ وسنّته وعلى دين الأوصياء
وسنّتهم آمنتُ بسرّهم وعلانيتهم وأرغب إلى الله فيما رغب فيه إليه
محمّد وعليّ والأوصياء ولا حول ولا قوّة إلّا بالله ولا عزّة ولا منعة ولا
سلطان إلّا لله الواحد القهّار العزيز الجبّار توكّلت على الله ومن يتوكّل
على الله فهو حسبه إنّ الله بالغ أمره اللّهمّ إنّي أريدك فأردني واطلب
ما عندك فيسّره لي واقض لي حوائجي فإنّك قلت في كتابك وقولك الحقّ
شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدًى للناس وبيّنات من الهدى
والفرقان فعظّمت حرمة شهر رمضان بما أنزلت فيه من القرآن و
خصصته وعظّمته بتصييرك فيه ليلة القدر فقلت ليلة
القدر خير من ألف شهر تنزّل الملائكة والروح فيها بإذن ربّهم من
كلّ أمر سلام هي حتّى مطلع الفجر اللّهمّ وهذه أيّام شهر رمضان قد

قد انقضت ولياليه قد تصرّمت وقد صرتُ منه يا إلهي إلى ما
أنت أعلم به منّي وأحصى لعدده من عددي فأسألك يا إلهي بما
سألك به عبادك الصالحون أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأهل
بيت محمّد وأن تتقبّل منّي ما تقرّبت به إليك وتتفضّل عليّ
بتضعيف عملي وقبول تقرّبي وقرباني واستجابة دعائي وهب لي
منك عتق رقبتي من النار ومنّ عليّ بالفوز بالجنّة والأمن يوم
الخوف من كلّ فزع ومن كلّ هول أعددته ليوم القيامة أعوذ بحرمة
وجهك الكريم وحرمة نبيّك وحرمة الصالحين أن ينصرم هذا
اليوم ولك قبلي تبعة تريد أن تؤاخذني بها أو ذنب تريد أن
تقايسني به وتشقيني وتفضحني به أو خطيئة تريد أن تقايسني
بها وتقتصّها منّي لم تغفرها لي وأسألك بحرمة وجهك الكريم
الفعّال لما يريد الذي يقول للشيء كن فيكون لا إله إلّا هو اللّهمّ
إنّي أسألك بلا إله إلّا أنت إن كنت رضيت عنّي في هذا الشهر
أن تزيد فيما بقي من عمري رضًا وإن كنت لم ترضَ عنّي في هذا الشهر

فمن الآن فارض عني الساعة الساعة واجعلني في هذه
الساعة وفي هذا المجلس من عتقائك من النار وطلقائك من جهنم
وسعداء خلقك بمغفرتك ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم
اني اسئلك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري هذا خير
شهر رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ
اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله
رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله آخر شهر رمضان
صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود فيه حتى ترضى وبعد
الرضا وحتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك مرضي
اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا
يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل عام المبرور
حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعافين على
اسفارهم المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم
وكل ما انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا

يومي

في يومي هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنبي
معافا من النار ومعتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب
الارباب اللهم اني اسئلك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت
وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ في اجلي وان
تقوي ضعفي وان تغني فقري وان تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي و
ان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان تغني عائلتي وان تؤنس وحشتي و
ان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية ويسر وخفض وان تكفيني ما
اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى
الناس فيرفضوني وان تعافيني في ديني وبدني وجسدي وروحي و
ولدي واهلي واهل مودتي واخواني وجيراني من المؤمنين والمؤمنات
والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات وان تمن علي
بالامن والايمان ما ابقيتني فانك وليي ومولاي وثقتي ورجائي و
معدن مسئلتي وموضع شكواي ومنتهى رغبتي لا تخيبني في رجائي يا سيدي
ومولاي ولا تبطل طمعي ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد وآل محمد و

قدمتهم

وقدمتهم الیک امامی وامام حاجتی وطلبتی وتضرعی ومسئلتی فاجعلنی بهم وجیهاً فی الدنیا والاخرة ومن المقربین فانک مننت علی بمعرفتهم فاختم لی بالسعادة والسلامة والامن والایمان والمغفرة والرضوان والسعادة والحفظ یا الله انت لکل حاجة لنا فصل علی محمد واله وعافنا ولا تسلط علینا احداً من خلقک بما لا طاقة لنا به واکفنا کل امر من امر الدنیا والاخرة یا ذا الجلال والاکرام صل علی محمد وال محمد وترحم علی محمد وال محمد وسلم علی محمد وال محمد کافضل ما صلیت وبارکت وترحمت وتحننت علی ابرهیم وال ابرهیم انک حمید مجید واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است ونهی از ان نیز وارد شده است وظاهراً روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان سنیان مشهور است وترکش بهتر است وهم چنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر وعید قربان اصلی ندارد وشاید اصلش از عامه بوده باشد ودر ماه شوال چون عقد عایشه در ان واقع شده است واکثر مفاسد اسلام بران مترتب شده واز بعضی روایات کراهت مستفاد میشود اگر در خصوص شوال اخر از کنند بهتر است واما اعمال ذی القعده بدانکه ان اول ماههای حرام است که حق تعالی در قران یاد فرموده است وانها ذو القعده وذو الحجه ومحرم وماه رجب است ودر این ماهها ابتدای قتال با کافران نباید کرد وشیخ مفید وغیر او از حضرت رسول صلی الله علیه واله روایت کرده

اند که هر که در یکی از این ماههای حرام پنجشنبه وجمعه وشنبه را متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود ودر روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست که در شب پانزدهم ماه ذی القعده حق تعالی بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند وکسیکه انشب بعبادت بسر اورد ثواب صد عابد باو عطا کند که در یک چشم زدن معصیت خدا نکرده باشد چون نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت ونماز وحاجات خود را از حق تعالی طلب کن که هر حاجت که طلب کنی مستجاب میگردد وبعضی از علما گفته اند که در روز بیست وسیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک ودور سنتست ودر روز بیست وپنج ذی القعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از کعبه بر روی اب وروز بسیار مبارکیست وکلینی از محمد بن عبدالله روایت کرده است که حضرت امام رضا در شهر مرو در روز بیست وپنج ذی القعده بیرون امدند وفرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روزیست فرمود که امروز روزیست که رحمت در این روز منتشر گردیده است وزمین در این روز پهن شده است وکعبه در این روز نصب شده است وحضرت ادم در این روز بزمین فرود امده است وابن بابویه روایت کرده است از حسن وشا که گفت من با پدرم در خدمت امام رضا شام خوردیم در شب بیست وپنج ذی القعده پس فرمود که امشب حضرت ابرهیم وحضرت عیسی متولد شده اند وزمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر که روزش را روزه بدارد چنانست که شصت ماه را روزه داشته است ودر این روز حضرت قایم ظاهر خواهد شد واز حضرت رسول منقولست که حق تعالی رحمت خود را بر بندگان در این روز فرستاده است وروزه اش مثل روزه هفتاد سالست وبروایت دیگر رحمت از اسمان در این روز نازل شده است وتعظیم کعبه بر ادم در این روز نازل شده است وهر که این روز را روزه بدارد هرچه در میان اسمان وزمین است برای او استغفار کنند وطلب امرزش نمایند واز حضرت امیر المؤمنین مرویست که اول رحمتی که از اسمان بسوی

زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذی القعده بود هر که این روز را روزه بدارد و شب
انرا بعبادت بایستد از برای او عبادت صد سال نوشته شود که روزها را روزه
داشته باشد و شبها بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که در این روز
جمع شوند برای ذکر پروردگار خود پیش از آنکه متفرق شوند حاجات ایشان برآ
ورده شود و در این روز هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی برسد که از آن نازل
میگردد و نود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا
مشغول گردند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی
وارد شده است که مستحب است در این روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره و الشمس بخواند و بعد از سلام
این دعا لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ أَقِلْنِي
بخواند
عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ أَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ اسْمَعْ صَوْتِي
وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و شیخ طوسی گفته
است که در این روز
این دعا اللّٰهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ كُلِّ
بخوانند
كُرْبَةٍ أَسْأَلُكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ أَيَّامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَأَقْدَمْتَ
سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعَةً وَإِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ
الْوَسِيعَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ
التَّلَاقِ فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ إِلَىٰ كُلِّ حَقٍّ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَطْهَارِ الْهُدَاةِ
الْمَنَارِ دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا

مِنْ عَطَائِكَ الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُونٍ تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ
الْأَوْبَةِ يَا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَأَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ
الْطُفْ بِي بِلُطْفِكَ وَأَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ وَأَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي
كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلَاةِ أَمْرِكَ وَحَفَظَةِ سِرِّكَ احْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ
إِلَىٰ يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَأَشْهِدْنِي أَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ
رَمْسِي وَانْقِطَاعِ عَمَلِي وَانْقِضَاءِ أَجَلِي اللّٰهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلَىٰ طُولِ الْبِلَىٰ إِذَا
حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَىٰ وَنَسِيَنِي النَّاسُونَ مِنَ الْوَرَىٰ وَأَحْلِلْنِي دَارَ
الْمُقَامَةِ وَبَوِّئْنِي مَنْزِلَ الْكَرَامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرَافِقِي أَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ
اجْتِبَائِكَ وَاصْطِفَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي لِقَائِكَ وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ
حُلُولِ الْأَجَلِ بَرِيئًا مِنَ الزَّلَلِ وَسُوءِ الْخَطَلِ اللّٰهُمَّ وَأَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَبًا رَوِيًّا سَائِغًا هَنِيئًا لَا
أَظْمَأُ بَعْدَهُ وَلَا أُحَلَّأُ وِرْدَهُ وَلَا عَنْهُ أُذَادُ وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زَادٍ وَأَوْفَىٰ
مِيعَادٍ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ اللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبَابِرَةَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
وَبِحُقُوقِ أَوْلِيَائِكَ الْمُسْتَأْثِرِينَ اللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعَائِمَهُمْ وَأَهْلِكْ

اشیاعهم وعالمهم وعجل مهالکهم واسلبهم ممالکهم وضیق علیهم مسالکهم والعن مساهمهم ومشارکهم اللهم وعجل فرج اولیائک واردد علیهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدینک منتصرا وبامرک فی اعدائک مؤتمرا اللهم احففه بملائکة النصر وبما القیت الیه من الامر فی لیلة القدر منتقما لک حتی ترضی ویعود دینک به وعلی یدیه جدیدا غضا ویمحض الحق محضا ویرفض الباطل رفضا اللهم صل علیه وآله وعلی جمیع آبائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا فی کرته حتی نکون فی زمانه من اعوانه اللهم ادرک بنا قیامه واشهدنا ایامه وصل علیه واردد الینا سلامه والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته

باب پنجم در بیان فضایل و اعمال ماه مبارک ذی الحجه است و در آن پنج فصلست

فصل اول در بیان فضایل ماه ذی الحجه و دهه اول و اعمال آنست

ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکتست و حق تعالی فرموده واذکروا الله فی ایام معدودات یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی که و باز فرموده است که ویذکروا اسم الله فی ایام معلومات علی ما رزقهم من بهیمة الانعام یعنی اعلام کنند مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را یاد کنند خدا را در روزی چند معلوم برای آنکه روزی کرده است ایشانرا از گوشت چهارپایان که گاو و شتر و گوسفند و بز است و در

احادیث معتبره بسیار از ائمه منقولست که ایام معلومات ده روز اول ماه ذی الحجه است و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه است و از حضرت رسول منقولست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از ده روز اول ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر منقولست از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که پدرم امام محمد باقر علیه السلام با من گفت ای فرزند کرامی البته در هر شب دهه اول ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سورۀ حمد و سورۀ قل هو الله و این آیه را بخوان وواعدنا موسی ثلثین لیلة واتممناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلة وقال موسی لاخیه هرون اخلفنی فی قومی واصلح ولا تتبع سبیل المفسدین چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هر چند بحج نروی و روز اول ذی الحجه روز مبارکیست و در روایتی وارد شده است که حضرت ابرهیم خلیل علیه السلام در این روز متولد شده است و در این روز حق تعالی حضرت ابرهیم را خلیل خود کردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هر که روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی منقولست که هر که روز اول ذی الحجه روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او را از برای او بنویسد و شیخ طوسی گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه مستحبست و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد روز اول ذی الحجه حضرت رسول حضرت فاطمه را بحضرت امیر المؤمنین تزویج نمود و بروایت دیگر روز ششم تزویج نمود و بدانکه روزۀ قضای ماه مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث صحیحه بران دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها

معتبر نیست و محمولند بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلایل این ابواد نمود
ام و بار شیخ فرموده است که مستحبست در روز اول نماز حضرت فاطمه را
بجا آورد و روایت شده است که چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین
بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه را بخواند و تسبیح اینست سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ
ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ
مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ
سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ مؤلف گوید که بعد از این انشاء الله
مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه دو
رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم صد
مرتبه قل هو الله احد و اگر هر دو را بعمل آورد و اند نماز ابعد از هر یک بخواند بهتر است
و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید
بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحبست در روز اول این ماه
پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید
و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است
که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید حسبی حسبی حسبی من سؤالی علمک
بحالی حق تعالی کفایت شر آن ظالم را از آن بکند و شیخ و تلعکبری و سید بن طاوس
بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق در روز اول ذی الحجه
تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در اللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى
وقت غروب آفتاب پیش از شام این دعا میخواندند
غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا

مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهَا مِنْ نَعْمَائِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِيهَا وَأَنْ تَهْدِيَنَا فِيهَا سَبِيلَ الْهُدَى وَتَرْزُقَنَا
فِيهَا التَّقْوَى وَالْعَفَافَ وَالْغِنَى وَالْعَمَلَ فِيهَا بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى اللّٰهُمَّ إِنِّي
أَسْأَلُكَ يَا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَيَا سَامِعَ كُلِّ نَجْوَى وَيَا شَاهِدَ كُلِّ مَلَإٍ
وَيَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ عَنَّا فِيهَا
الْبَلَاءَ وَتَسْتَجِيبَ لَنَا فِيهَا الدُّعَاءَ وَتُقَوِّيَنَا فِيهَا وَتُعِينَنَا وَتُوَفِّقَنَا
فِيهَا لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَى وَعَلَى مَا افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا مِنْ طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ
رَسُولِكَ وَأَهْلِ وِلَايَتِكَ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَهَبَ لَنَا فِيهَا الرِّضَا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ وَلَا تَحْرِمْنَا
خَيْرَ مَا تُنْزِلُ فِيهَا مِنَ السَّمَاءِ وَطَهِّرْنَا مِنَ الذُّنُوبِ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ وَأَوْجِبْ
لَنَا فِيهَا دَارَ الْخُلُودِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَتْرُكْ لَنَا فِيهَا ذَنْبًا
إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا دَيْنًا إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا غَائِبًا إِلَّا أَدَّيْتَهُ
وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا سَهَّلْتَهَا وَيَسَّرْتَهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَبَّ الْأَرَضِينَ

والسموات یا من لا یتشابه علیه الاصوات صل علی محمد وآل محمد واجعلنا
فیها من عتقائك وطلقائك من النار والفائزین بجنتك والناجین برحمتك
یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین وسلم تسلیما وشیخ مفید وسید بن
طاوس بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر روایت کرده اند که جبرئیل از جانب خداوند
جلیل برای حضرت عیسی پنج دعا را هدیه آورد و گفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه
اول ماه ذی الحجة بخوان بدرستیکه هیچ عبادتی نزد حق اشهد ان لا اله الا الله و
تعالی محبوبتر نیست از عبادت کردن در این دهه اول
حده لا شریك له له الملك وله الحمد بیده الخیر وهو علی كل شیء قدیر دوم
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا
ولدا سیم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له احدا صمدا لم یلد
ولم یولد ولم یكن له كفوا احد چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك
له له الملك وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی
كل شیء قدیر پنجم حسبی الله وكفی سمع الله لمن دعا لیس وراء الله منتهی
اشهد لله بما دعا وانه بریء ممن تبرء وان لله الاخرة والاولی پس جبرئیل گفت یا روح
الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت عیسی گفت که هر که دعا اول را صد
مرتبه بخواند عمل هیچیك از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در روز و در روز قیامت
حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که صد مرتبه دعا دوم را بخواند چنان باشد که
دوازده مرتبه توریه وانجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را باو بدهند حضرت عیسی

گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریه وانجیل چیست گفت طاقت برداشتن یك
حرف توریه وانجیل نداشت هر که در آسمانهای هفتگانه است از ملائکه تا آنکه
مبعوث شدم من واسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول ولا قوة
الا بالله و هر که دعای سیم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او بآن دعا
ده هزار هزار حسنه ومحو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت
ده هزار هزار درجه وفرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملك که دستها بر داشته
باشند وصلوات فرستند بر کسیکه این کلمات را با این عدد خوانده است پس عیسی گفت
ای جبرئیل آیا ملائکه صلوات میفرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد
با پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییر ندهد شریعتهای ایشانرا حق تعالی ثواب
پیغمبران باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند دعا را استقبال
نماید ملکی و بالا برود بسوی حق تعالی پس خدا نظر کند بسوی گوینده این دعا برحمت و هر که
را خدا نظر رحمت بر او کند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل
ثواب دعای پنجم چیست گفت این دعای منست و حق تعالی مرا رخصت نداده است که ثواب
آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یك از این دعاها را ده مرتبه بخواند دور
نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یك را صد مرتبه بخواند بهتر
خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید بن طاوس از حضرت امیر المؤمنین روایت
کرده اند که هر که در هر روز از اول دهه ذی الحجه این تهلیلها را ده مرتبه بخواند
حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از میان هر
دو درجه تا درجه دیگر صد سال راه باشد برفتار سوار تیز رو و در هر درجه شهری
بوده باشد و در آن شهر قصری باشد از یك جوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهری از آن
شهرها از انواع جواهر و غرفها و خانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها
و متکاها و خادمها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلهها بوده باشد که
وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موئی بدن
او نوری ساطع باشد و مبادرت نماید بسوی او هفتاد هزار ملك و از پیش رو و جانب
چپ و راست او راه گویند تا او را بدر بهشت برسانند و چون داخل بهشت شود او را مقدم

دارند و ملائکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس با او گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه شما کیستید گویند ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامی که تو آن تهلیلها را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در آن هست از نعمتهای الهی یک ثواب تو است بر خواندن آن تهلیلها و بشارت باد ترا ببهتر از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی در آن نمیباشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیلات اینست لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّيَالِي وَالدُّهُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْوَاجِ الْبُحُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّوْكِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُيُونِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي اللَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّيَاحِ فِي الْبَرَارِي وَالصُّخُورِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْيَوْمِ اِلَى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ و از بعضی روایات مستفاد میشود که بیک مرتبه نیز اکتفا میتوان کرد والله یعلم

فصل دوم در اعمال روز ترویه و روز عرفه است

روز ترویه هشتم ذی الحجه است و روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی کاظم روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضاً از حضرت صادق روایت کرده است که روزه روز ترویه

کفاره گناه شصت سالست و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسیکه آنشب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آنشب مناجات با قاضی الحاجات است و هرکه در آنشب توبه کند توبه اش مقبولست و از حضرت صادق منقولست که هرکه در شب عرفه یا شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد اَللّٰهُمَّ يَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى وَمَوْضِعَ كُلِّ شَكْوَى وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ يَا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ عَلَى الْعِبَادِ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا جَوَادُ يَا مَنْ لَا يُوَارِي مِنْهُ لَيْلٌ دَاجٍ وَلَا بَحْرٌ عَجَّاجٌ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ اَبْرَاجٍ وَلَا ظُلَمٌ ذَاتُ ارْتِتَاجٍ يَا مَنِ الظُّلْمَةُ عِنْدَهُ ضِيَاءٌ اَسْئَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكّاً وَخَرَّ مُوسَى صَعِقاً وَبِاسْمِكَ الَّذِي رَفَعْتَ بِهِ السَّمٰوَاتِ بِلَا عَمَدٍ وَسَطَحْتَ بِهِ الْاَرْضَ عَلَى وَجْهِ مَاءٍ جَمَدٍ وَبِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الْمَكْتُوبِ الطَّاهِرِ الَّذِي اِذَا دُعِيتَ بِهِ اَجَبْتَ وَاِذَا سُئِلْتَ بِهِ اَعْطَيْتَ وَبِاسْمِكَ السُّبُّوحِ الْقُدُّوسِ الْبُرْهَانِ الَّذِي هُوَ نُورٌ عَلَى كُلِّ نُورٍ وَنُورٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ مِنْهُ كُلُّ نُورٍ اِذَا بَلَغَ الْاَرْضَ انْشَقَّتْ وَاِذَا بَلَغَ السَّمٰوَاتِ فُتِحَتْ وَاِذَا بَلَغَ الْعَرْشَ اهْتَزَّ وَبِاسْمِكَ الَّذِي تَرْتَعِدُ مِنْهُ فَرَائِصُ مَلَائِكَتِكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَاِسْرَافِيلَ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللّٰهُ

عليه واله وعلى جميع الانبياء وجميع الملائكة وبالاسم الذي مشى به
الخضر على قلل الماء كما مشى به على جدد الارض وباسمك الذي فلقت
به البحر لموسى واغرقت فرعون وقومه وانجيت به موسى بن عمران
ومن معه وباسمك الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور
الايمن فاستجبت له والقيت عليه محبة منك وباسمك الذي احيى
به عيسى بن مريم الموتى وتكلم في المهد صبيا وابرء الاكمه والابرص
باذنك وباسمك الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل و
اسرافيل وحبيبك محمد صلى الله عليه واله وملائكتك المقربون
وانبيائك المرسلون وعبادك الصالحون من اهل السموات و
الارضين وباسمك الذي دعاك به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن
ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من الغم وكذلك ننجي المؤمنين
وباسمك العظيم الذي دعاك به داود وخر لك ساجدا فغفرت له
ذنبه وباسمك الذي دعتك به اسية امرات فرعون اذ قالت رب

ابن لي عندك بيتا في الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم
الظالمين فاستجبت لها دعاءها وباسمك الذي دعاك به ايوب اذ
حل به البلاء فعافيته واتيته اهله ومثلهم معهم رحمة من عندك
وذكرى للعابدين وباسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه
بصره وقرة عينه يوسف وجمعت شمله وباسمك الذي دعاك به
سليمن فوهبت له ملكا لا ينبغي لاحد من بعده انك انت الوهاب
وباسمك الذي سخرت به البراق لمحمد صلى الله عليه واله وسلم اذ
قال تعالى سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد
الاقصى وقوله سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وانا الى ربنا
لمنقلبون وباسمك الذي تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله عليه و
اله وباسمك الذي دعاك به ادم فغفرت له ذنبه واسكنته جنتك و
اسئلك بحق القران العظيم وبحق محمد خاتم النبيين وبحق ابرهيم
وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين اذا نصبت والصحف اذا
نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح وما احصى وبحق الاسم الذي

كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق والدنيا والشمس
والقمر بألفي عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و
ان محمدا عبده ورسوله واسئلك باسمك المخزون في خزائنك الذي
استأثرت به في علم الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك لا ملك
مقرب ولا نبي مرسل ولا عبد مصطفى واسئلك باسمك الذي
شققت به البحار وقامت به الجبال واختلف به الليل والنهار
وبحق السبع المثاني والقرآن العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق
طه ويس وكهيعص وحمعسق وبحق توراة موسى وانجيل عيسى
وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه وآله وعلى جميع الرسل و
باهيا شراهيا اللهم اني اسئلك بحق تلك المناجات التي كانت بينك
وبين موسى بن عمران فوق جبل طور سيناء واسئلك باسمك الذي
علمته ملك الموت لقبض الارواح واسئلك باسمك الذي كتب على
ورق الزيتون فخضعت النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا
وسلاما واسئلك باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من

لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث واليه يلجأ
اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك وباسمك
الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات العلى اللهم رب الرياح
وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت والشياطين و
ما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو عليك حق وبحق الملائكة
المقربين والروحانيين والكروبيين والمسبحين لك بالليل و
النهار لا يفترون وبحق ابرهيم خليلك وبحق كل ولي يناديك بين
الصفا والمروة وتستجيب له دعاءه يا مجيب اسئلك بهذه الاسماء
وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما
اعلنا وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل شيء
قدير برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل وحيد
يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس كل مستوحش
يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب وخطيئة يا غياث
المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب المكروبين يا فارج

هم المهمومين يا بديع السموات والارضين يا منتهى غاية الطالبين
يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين يا رب العالمين يا ديان
يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين
يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي الذنوب التي تغير النعم
واغفر لي الذنوب التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تورث السقم
واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء
واغفر لي الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي الذنوب التي
تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي الذنوب
التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب
التي لا يغفرها غيرك يا الله واحمل عني كل تبعة لاحد من خلقك
واجعل لي من امرك فرجا ومخرجا ويسرا وانزل يقينك في صدري
ورجاءك في قلبي حتى لا ارجو غيرك اللهم احفظني وعافني في مقامي
واصحبني في ليلي ونهاري ومن بين يدي ومن خلفي وعن يميني وعن
شمالي ومن فوقي ومن تحتي ويسر لي السبيل واحسن لي التيسير ولا

تخذلني في العسير واهدني يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور
ولقني كل سرور واقلبني الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل
والآجل انك على كل شيء قدير وارزقني من فضلك واوسع علي من
طيبات رزقك واستعملني في طاعتك واجرني من عذابك ونارك
واقلبني اذا توفيتني الى جنتك برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال
نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن نزول عذابك
واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن سوء القضاء و
شماتة الاعداء ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما في الكتاب المنزل
اللهم لا تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب النار ولا تحرمني صحبة
الاخيار واحيني حيوة طيبة وتوفني وفاة طيبة تلحقني بالابرار
وارزقني مرافقة الانبياء في مقعد صدق عند مليك مقتدر اللهم
لك الحمد على حسن بلائك وصنعك ولك الحمد على الاسلام واتباع السنة
يا رب كما هديتهم لدينك وعلمتهم كتابك فاهدنا وعلمنا ولك الحمد
على حسن بلائك وصنعك عندي خاصة كما خلقتني فاحسنت خلقي

وعلّمتني فاحسنت تعليمي وهديتني فاحسنت هدايتي فلك الحمد
على انعامك عليّ قديماً وحديثاً فكم من كربٍ يا سيّدي قد فرّجته
وكم من غمٍّ يا سيّدي قد نفّسته وكم من همٍّ يا سيّدي قد كشفته وكم
من بلاءٍ يا سيّدي قد صرفته وكم من عيبٍ يا سيّدي قد سترته فلك
الحمد على كلّ حالٍ في كلّ مثوىً وزمانٍ ومنقلبٍ ومقامٍ وعلى هذه
الحال وكلّ حالٍ اللّهمّ اجعلني من افضل عبادك نصيباً في هذا
اليوم من خيرٍ تقسمه او ضرٍّ تكشفه او سوءٍ تصرفه او بلاءٍ تدفعه او
خيرٍ تسوقه او رحمةٍ تنشرها او عافيةٍ تلبسها فانّك على كلّ شيءٍ قدير
وبيدك خزائن السّموات والارض وانت الواحد الكريم المعطي الّذي
لا يردّ سائله ولا يخيب امله ولا ينقص نائله ولا ينفد ما عنده بل
يزداد كثرةً وطيباً وعطاءً وجوداً وارزقني من خزائنك الّتي لا تفنى و
من رحمتك الواسعة انّ عطاءك لم يكن محظوراً وانت على كلّ شيءٍ
قدير برحمتك يا ارحم الرّاحمين واحاديث بسيار در فضيلت زيارت حضرت
امام حسين ع در شب و روز عرفه وارد
شده است و زيارت نزديك را در كتاب تحفة الزائر ذكر كرده ام و زيارت دور
انشاء الله بعد از اين مذكور خواهد شد و پيشتر نيز زيارت آنحضرت مذكور

شد و اما روز عرفه از اعياد عظيمه است و كسيكه توفيق يابد كه در عرفات باشد
ادعيه و اعمال بسيار دارد و بهترين اعمال در اين روز دعا است حتّى مستحبّ
كه جمع كنند ميان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط
ميشود و بعد از نماز عصر مشغول دعا بايد شد تا شام و دعا از براى برادران
مؤمن از زنده و مرده بسيار بايد كرد چنانچه در حديث صحيح منقولست كه ابراهيم
ابن هاشم گفت كه من عبد الله بن جندب را ديدم كه در موقف عرفات و حال هيچ
كس را بهتر از او نديدم پيوسته دستهاى خود را بسوى آسمان بلند كرده بود و آب
ديده اش بر رويش جارى بود تا بر زمين ميرسيد چون مردم فارغ شدند گفتم و قوف
هيچ كس را بهتر از وقوف تو نديدم گفت بخدا سوگند كه دعا نكردم مگر از براى برادران
مؤمن خود زيرا كه از حضرت امام موسى ع شنيدم كه هر كه دعا كند از براى برادران
مؤمن خود در غيبت او از عرش ندا رسد با او كه از براى تو صد هزار برابر او باد پس
من نخواستم كه دست بردارم از صد هزار برابر بدعاى ملك كه البتّه مستجابست براى
يك دعاى خود كه نميدانم مستجاب خواهد شد يا نه و اگر كسى توفيق يابد كه در روز
عرفه در تحت قبّه مقدّسه حضرت امام حسين ع باشد ثوابش كمتر نيست از كسيكه
در عرفات باشد بلكه زياده است چنانچه از حضرت صادق ع منقولست كه هر كه در
روز عرفه بزيارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد و او را امام واجب الاطاعه
داند بنويسد حقتعالى از براى او ثواب هزار حج و دو هزار عمره مقبول و هزار جهاد
كه با پيغمبر مرسلى كرده باشد يا امام عادلى راوى گفت كجاست ثواب وقوف عرفات
حضرت از روى غضب بسوى او نظر كرد و فرمود كه بدرستيكه بنده مؤمن چون در
روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل كند و متوجّه زيارت شود
هر گام كه برميدارد ثواب يك حج و عمره براى او مينويسند و در روايت ديگر فرمود
كه در روز عرفه حق تعالى اوّل نظر رحمت بسوى زوّار حضرت امام حسين ع
ميكند و گناهان ايشان را مى آمرزد و حاجات ايشان را برمى آورد و بعد از آن متوجّه
اهل عرفات ميگردد زيرا كه در ميان زوّار آنحضرت حرام زاده و فرزند زنا نيست
و در ميان اهل عرفات هست و كسيكه توفيق هيچيك از اينها را نيافته باشد

باید که در نماز بلاد غسل بکنند و در مجمع مؤمنان حاضر شوند و زیارت حضرت
بکنند و اگر در بام بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند
و تا شام مشغول ذکر و دعا باشند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه از حضرت
صادق ع منقولست و احادیث در باب روزهٔ روز عرفه مختلفست و اکثر علما جمع
میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن
ضعیف نکرداند سنّت والا مکروهست یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده
است که روزهٔ روز عرفه برابر است با روزهٔ یکساله و اگر اشتباه در ماه باشد یا
با روزه از دعا خواندن ضعیف شود ترک روزه نکرفتن بهتر است و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو
رکعت نماز بجا آورد و در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار
کند بخطاهای خود فایز گردد بثواب اهل عرفات و گناهان گذشته و آینده اش
آمرزیده گردد و شیخ مفید این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته است
که اینها مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق منقولست که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه
اللهُ اکبر و صد الحمد لله و صد سبحان الله و صد لا اله الا الله و صد
قل هو الله احد و صد مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول
و لا قوة الا بالله بگوید و اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا
شود و بهترین دعاها
دعای صحیفهٔ کامله است آنرا با خشوع و خضوع و تانی و رقت بخواند که مشتمل
بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت
کرده است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین گفت میخواهی تو را تعلیم کنم
دعای روز عرفه را و آن دعای لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له
پیغمبران پیش از من میکفتند

الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر
اللهم لک الحمد کالذی تقول و خیرا مما نقول و فوق ما یقول
القائلون اللهم لک صلوتی و نسکی و محیای و مماتی و لک براءتی
و بک حولی و منک قوتی اللهم انی اعوذ بک من الفقر و من
وسواس الصدر و من شتات الامر و من عذاب القبر اللهم انی
اسئلک خیر الریاح و اعوذ بک من شر ما یجیء به الریاح و اسئلک
خیر اللیل و خیر النهار اللهم اجعل فی قلبی نورا و فی سمعی نورا
و فی بصری نورا و فی لحمی نورا و فی دمی و عظامی و عروقی و مقامی
و مقعدی و مدخلی و مخرجی نورا و اعظم لی النور یا رب یوم القاک
انک علی کل شیء قدیر و از حضرت امام رضا منقولست اللهم کما سترت
که این دعا را در روز عرفه بخوانند
علی ما لم اعلم فاغفر لی ما لم تعلم و کما وسعنی علمک فلیسعنی عفوک
و کما بدأتنی بالاحسان فاتم نعمتک بالغفران و کما اکرمتنی بمعرفتک
فاشفعها بمغفرتک و کما عرفتنی وحدانیتک فاکرمنی بطاعتک و
کما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتک فاغفر لی ما لو شئت

عصمتني منه يا جواد يا كريم يا ذا الجلال والاكرام وازحضرت امام موسى عليه السلام است اين دعا منقولست
اللهم اني عبدك وابن عبدك ان تعذبني فبامور قد سلفت مني وانا
بين يديك برمتي وان تعف عني فاهل العفو انت يا اهل العفو يا
احق من عفى اغفر لي ولاخواني وازجمله دعاى مشهور روز عرفه دعاى حضرت
سيد الشهدا امام حسين عليه السلام است كه
بشر وبشير پسران غالب اسدى روايت كرده اند كه پسين روز عرفه در عرفات در
خدمت آنحضرت بوديم پس از خيمه خود بيرون آمدند با گروهى از اهل بيت وفرزندان
وشيعيان خود با نهايت تذلل وخشوع پس در جانب چپ كوه ايستادند وروى
مبارك خود را بسوى كعبه كردانيدند ودستها را برابر رو برداشتند مانند مسكينى
كه طعام طلبد وبسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع
اين دعا را خواندند
ولا لعطائه مانع ولا كصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر
اجناس البدائع واتقن بحكمته الصنائع ولا تخفى عليه الطلائع
ولا تضيع عنده الودائع جازي كل صانع ورائش كل قانع وراحم كل
ضارع ومنزل المنافع والكتاب الجامع وبالنور الساطع وهو
للدعوات سامع وللمطيعين نافع وللدرجات رافع وللكربات دافع
وللجبابرة قامع وراحم عبرة كل ضارع ورافع صرعة كل صارع
فلا اله غيره ولا شي يعدله وليس كمثله شي وهو السميع البصير

اللطيف الخبير وهو على كل شي قدير اللهم اني ارغب اليك واشهد
بالربوبية لك مقرا بانك ربي وان اليك مردي ابتداتني بنعمتك
قبل ان اكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم اسكنتني الاصلاب
آمنا لريب المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب الى
رحم في تقادم الايام الماضية والقرون الخالية لم تخرجني لرافتك
بي ولطفك لي واحسانك الي في دولة ايام الكفرة الذين نقضوا عهدك
وكذبوا رسلك لكنك اخرجتني رافة منك وتحننا علي للذي سبق لي
من الهدى الذي يسرتني وفيه انشاتني ومن قبل ذلك رؤفت بي
بجميل صنعك وسوابغ نعمتك فابتدعت خلقي من مني يمنى ثم اسكنتني
في ظلمات ثلث بين لحم وجلد ودم ولم تشهرني بخلقي ولم تجعل الي
شيئا من امري ثم اخرجتني الى الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد
طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء لبنا طريا وعطفت علي قلوب
الحواضن وكفلتني الامهات الرحائم وكلاتني من طوارق الجان وسلمتني
من الزيادة والنقصان فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت

ناطقاً بالكلام أتممت عليّ سوابغ الإنعام وربّيتني زائداً في كلّ عام
حتّى إذا اكملت فطرتي واعتدلت سريرتي أوجبت عليّ حجّتك بأن
ألهمتني معرفتك وروّعتني بعجائب فطرتك وأنطقتني لما ذرأت
في سمائك وأرضك من بدائع خلقك ونبّهتني لذكرك وشكرك
وواجب طاعتك وعبادتك وفهّمتني ما جاءت به رسلك
ويسّرت لي تقبّل مرضاتك ومننت عليّ في جميع ذلك بعونك و
لطفك ثمّ إذ خلقتني من حرّ الثرى لم ترض لي يا إلهي بنعمة دون أخرى
ورزقتني من أنواع المعاش وصنوف الرياش بمنّك العظيم عليّ و
إحسانك القديم إليّ حتّى إذا أتممت عليّ جميع النعم وصرفت عنّي كلّ
النقم لم يمنعك جهلي وجرأتي عليك أن دللتني على ما يقرّبني إليك
ووفّقتني لما يزلفني لديك فإن دعوتك أجبتني وإن سألتك
أعطيتني وإن أطعتك شكرتني وإن شكرتك زدتني كلّ ذلك إكمالاً
لأنعمك عليّ وإحسانك إليّ فسبحانك سبحانك من مبدئ معيد
حميد مجيد تقدّست أسماؤك وعظمت آلاؤك فأيّ نعمك يا إلهي

أحصي عدداً أو ذكراً أم أيّ عطاياك أقوم بها شكراً وهي يا ربّ
أكثر من أن يحصيها العادّون أو يبلغ علماً بها الحافظون ثمّ ما
درأت وصرفت عنّي اللّهمّ من الضرّ والضرّاء أكثر ممّا ظهر لي من
العافية والسرّاء وأنا أشهد يا إلهي بحقيقة إيماني وعقد
عزمات يقيني وخالص صريح توحيدي وباطن مكنون ضميري وعلائق
مجاري نور بصري وأسارير صفحة جبيني وخرق مسارب نفسي و
خذاريف مارن عرنيني ومسارب صماخ سمعي وما ضمّت وأطبقت
عليه شفتاي وحركات لفظ لساني ومغرز حنك فمي وفكّي ومنابت
أضراسي وبلوغ حبائل بارع عنقي ومساغ مأكلي ومشربي وحمالة
أمّ رأسي وجمل حمائل حبل وتيني وما اشتمل عليه تامور صدري
ونياط حجاب قلبي وأفلاذ حواشي كبدي وما حوته شراسيف أضلاعي
وحقاق مفاصلي وأطراف أناملي ولحمي ودمي وشعري
وبشري وعصبي وقصبي وعظامي ومخّي وعروقي وجميع جوارحي و
ما انتسج على ذلك أيّام رضاعي وما أقلّت الأرض منّي ونومي ويقظتي

وسكوني وحركات ركوعي وسجودي ان لو حاولت واجتهدت
مدى الاعصار والاحقاب لو عمرتها ان اؤدي شكر واحدة من انعمك
ما استطعت ذلك الا بمنك الموجب علي به شكرا آنفا جديدا وثناء
طارفا عتيدا اجل ولو حرصت انا والعادون من انامك ان نحصي
مدى انعامك سالفه وآنفه لما حصرناه عددا ولا احصيناه امدا هيهات
انى ذلك وانت المخبر عن نفسك في كتابك الناطق والنبأ الصادق
وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها صدق كتابك اللهم وانباؤك وبلغت
انبياؤك ورسلك ما انزلت عليهم من وحيك وشرعت لهم من دينك
غير اني يا الهي اشهد بجهدي وجدي ومبلغ طاقتي ووسعي واقول
مؤمنا موقنا الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن له
شريك في الملك فيضاده فيما ابتدع ولا ولي من الذل فيرفده فيما
صنع سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا
وتفطرتا فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد
ولم يكن له كفوا احد الحمد لله حمدا يعدل حمد ملائكته المقربين وانبيائه

المرسلين وصلى الله على خيرته من خلقه محمد خاتم النبيين وآله
الطيبين الطاهرين المخلصين پس شروع فرمود آنحضرت در سؤال و اهتمام
نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش
جاری بود اللهم اجعلني اخشاك كأني اراك واسعدني بتقواك
ولا تشقني بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا
احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي
واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور في بصري والبصيرة في
ديني ومتعني بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين مني و
انصرني على من ظلمني وارني فيه ثاري ومآربي واقرر بذلك
عيني اللهم اكشف كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ
شيطاني وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة و
الاولى اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك
الحمد كما خلقتني فجعلتني حيا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب
بما برأتني فعدلت فطرتي رب بما انشأتني فأحسنت صورتي يا رب
بما احسنت الي وفي نفسي عافيتني رب بما كلأتني ووفقتني رب بما

أنعمت علي فهديتني رب بما أويتني ومن كل خير آتيتني وأعطيتني
رب بما أطعمتني وسقيتني رب بما أغنيتني وأقنيتني رب بما أعنتني
وعززتني رب بما ألبستني من ذكرك الصافي ويسرت لي من صنعك
الكافي صل على محمد وآل محمد وأعني على بوائق الدهر وصروف
الأيام والليالي ونجني من أهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني
شر ما يعمل الظالمون في الأرض اللهم ما أخاف فاكفني وما أحذر فقني
وفي نفسي وديني فاحرسني وفي سفري فاحفظني وفي أهلي ومالي
وولدي فاخلفني وفيما رزقتني فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي أعين
الناس فعظمني ومن شر الجن والإنس فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني
وبسريرتي فلا تخزني وبعملي فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني وإلى غيرك
فلا تكلني إلهي إلى من تكلني إلى القريب يقطعني أم إلى البعيد يتجهمني أم
إلى المستضعفين لي وأنت ربي ومليك أمري أشكو إليك غربتي
وبعد داري وهواني على من ملكته أمري اللهم فلا تحلل بي غضبك
فإن لم تكن غضبت علي فلا أبالي سواك غير أن عافيتك أوسع لي

يا رب فأسألك بنور وجهك الذي أشرقت له الأرض والسموات
وانكشفت به الظلمات وصلح عليه أمر الأولين والآخرين أن لا
تميتني على غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل
ذلك لا إله إلا أنت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق
الذي أحللته البركة وجعلته للناس أمنة يا من عفى عن العظيم
من الذنوب بحلمه يا من أسبغ النعمة بفضله يا من أعطى الجزيل بكرمه
يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي في كربتي يا مونسي في حزني
يا وليي في نعمتي يا إلهي وإله آبائي إبرهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب ورب
جبرئيل وميكائيل وإسرافيل ورب محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين
ومنزل التورية والإنجيل والزبور والفرقان ومنزل كهيعص
وطه ويس والقرآن الحكيم أنت كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها
وتضيق علي الأرض برحبها ولولا رحمتك لكنت من الهالكين وأنت
مقيل عثرتي ولولا سترك إياي لكنت من المفضوحين وأنت مؤيدي
بالنصر على الأعداء ولولا نصرك إياي لكنت من المغلوبين يا من

حصن نفسه بالسموّ والرفعة فأولياؤه بعزّه يعتزّون يا من جعلت
له الملوك نير المذلّة على أعناقهم فهم من سطواته خائفون يعلم
خائنة الأعين وما تخفي الصدور وغيب ما تأتي به الأزمان
والدهور يا من لا يعلم كيف هو إلا هو يا من لا يعلم ما يعلمه إلا
هو يا من كبس الأرض على الماء وسدّ الهواء بالسماء يا من له أكرم
الأسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع أبداً يا مقيّض الركب ليوسف
في البلد القفر ومخرجه من الجبّ وجاعله بعد العبودية ملكاً يا رادّ
يوسف على يعقوب بعد أن ابيضّت عيناه من الحزن فهو كظيم
يا كاشف الضرّ والبلاء عن أيوب يا ممسك يد إبراهيم عن ذبح
ابنه بعد كبر سنّه وفناء عمره يا من استجاب لزكريّا فوهب له
يحيى ولم يدعه فرداً وحيداً يا من أخرج يونس من بطن الحوت يا من
فرق البحر لبني إسرائيل فأنجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين
يا من أرسل الرياح مبشّرات بين يدي رحمته يا من لم يعجل على
من عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا

في نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره وقد حادّوه ونادّوه و
كذّبوا رسله يا الله يا بديء لا بدء لك دائماً ولا نفاد لك يا حيّ
حين لا حيّ يا محيي الموتى يا من هو قائم على كلّ نفس بما كسبت يا من
قلّ له شكري فلم يحرمني وعظمت خطيئتي فلم يفضحني ورآني
على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من رزقني في كبري
يا من أياديه عندي لا تحصى ونعمه عندي لا تجازى يا من عارضني
بالخير والإحسان وعارضته بالإساءة والعصيان يا من هداني
بالإيمان قبل أن أعرف شكر الامتنان يا من دعوته مريضاً فشفاني
وعرياناً فكساني وجائعاً فأطعمني وعطشاناً فأرواني وذليلاً فأعزّني
وجاهلاً فعرّفني ووحيداً فكثّرني وغائباً فردّني ومقلّاً فأغناني ومنتصراً
فنصرني وغنيّاً فلم يسلبني وأمسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك
الحمد يا من أقال عثرتي ونفّس كربتي وأجاب دعوتي وستر عورتي وغفر
ذنوبي وبلّغني طلبتي ونصرني على عدوّي وإن أعدّ نعمك ومننك و
كرائم منحك لا أحصيها يا مولاي أنت الذي مننت أنت الذي أحسنت

أنت الذي أجملت أنت الذي أفضلت أنت الذي مننت أنت الذي أكملت
أنت الذي رزقت أنت الذي وفقت أنت الذي أعطيت أنت الذي أغنيت
أنت الذي أقنيت أنت الذي آويت أنت الذي كفيت أنت الذي هديت
أنت الذي عصمت أنت الذي سترت أنت الذي غفرت أنت الذي أقلت
أنت الذي مكنت أنت الذي أعززت أنت الذي أعنت أنت الذي عضدت
أنت الذي أيدت أنت الذي نصرت أنت الذي شفيت أنت الذي عافيت أنت
الذي أكرمت تباركت وتعاليت فلك الحمد دائما ولك الشكر واصبا
ثم أنا يا إلهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي أنا الذي أسأت أنا الذي أخطأت
أنا الذي أغفلت أنا الذي جهلت أنا الذي هممت أنا الذي سهوت
أنا الذي اعتمدت أنا الذي تعمدت أنا الذي وعدت أنا الذي أخلفت
أنا الذي نكثت أنا الذي أقررت أنا يا إلهي أعترف بنعمك عندي و
أبوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده وهو الغني عن
طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته فلك الحمد
إلهي أمرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت نهيك فأصبحت لا ذا

براءة فأعتذر ولا ذا قوة فأنتصر فبأي شيء أستقبلك يا مولاي
أبسمعي أم ببصري أم بلساني أم بيدي أم برجلي أليس كلها نعمك عندي
وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني
من الآباء والأمهات أن يزجروني ومن العشائر والإخوان أن يعيروني
ومن السلاطين أن يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه
مني إذا ما أنظروني ولرفضوني وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا
سيدي خاضعا ذليلا حصيرا حقيرا لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوة
فأنتصر ولا حجة لي فأحتج بها ولا قائل لم أجترح ولم أعمل سوءا وما عسى
الجحود ولو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف وأنى ذلك وجوارحي
كلها شاهدة علي بما عملت وعلمت يقينا غير ذي شك أنك سائلي
عن عظائم الأمور وأنك الحكيم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي
ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي
وإن تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا إله إلا أنت سبحانك
إني كنت من الظالمين لا إله إلا أنت سبحانك إني كنت من المستغفرين

لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الموحدين لا اله الا انت سبحانك
انى كنت من الخائفين لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الوجلين
لا اله الا انت سبحانك انى كنت من السائلين لا اله الا انت سبحانك
انى كنت من الراجين الراغبين لا اله الا انت سبحانك انى كنت من
المهللين المسبحين لا اله الا انت ربى ورب آبائى الاولين اللهم
هذا ثنائى عليك ممجدا واخلاصى لذكرك موحدا واقرارى بآلائك
معددا وان كنت مقرا انى لا احصيها لكثرتها وسبوغها وتظاهرها
وتقادمها الى حادث ما لم تزل تتعهدنى به معها مذ خلقتنى وبرأتنى
من اول العمر من الاغناء بعد الفقر وكشف الضر وتسبيب اليسر
ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية فى البدن والسلامة فى
الدين ولو رفدنى على قدر ذكر نعمك على جميع العالمين من الاولين
والآخرين لما قدرت ولا هم على ذلك تقدست وتعاليت من رب
عظيم كريم رحيم ولا تحصى آلاؤك ولا يبلغ ثناؤك ولا تكافى
نعماؤك صل على محمد وآل محمد واتمم علينا نعمك واسعدنا بطاعتك

سبحانك

سبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة المضطر اذا دعاك
وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفى السقيم وتغنى الفقير وتجبر
الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس دونك ظهير ولا فوقك
قدير وانت العلى الكبير يا مطلق المكبل الاسير يا رازق الطفل
الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له ولا وزير صل على
محمد وآل محمد واعطنى فى هذه العشية افضل ما اعطيت وانلت
احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها و
كربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تتغمدها انك
لطيف خبير وعلى كل شىء قدير اللهم انك اقرب من دعى واسرع من
اجاب واكرم من عفى واوسع من اعطى واسمع من سئل يا رحمن
الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسئول ولا سواك مأمول
دعوتك فاجبتنى وسئلتك فاعطيتنى ورغبت اليك فرحمتنى و
وثقت بك فنجيتنى وفزعت اليك فكفيتنى اللهم فصل على محمد
عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين الطاهرين اجمعين و

وتمم لنا

تمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين ولآلائك
ذاكرين آمين آمين يا رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر وقدر فقهر
وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين ومنتهى امل
الراجين يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين رأفة ورحمة
وحلما اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية التي شرفتها وعظمتها
بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك وامينك على وحيك
اللهم فصل على البشير النذير السراج المنير الذي انعمت به على
المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل على محمد وآل محمد كما
هو محمد اهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى آل محمد المنتجبين الطيبين
الطاهرين اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت الاصوات
بصنوف اللغات واجعل لنا في هذه العشية نصيبا في كل خير
تقسمه ونور تهدي به ورحمة تنشرها وعافية تجللها وبركة
تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين اللهم اقلبنا في هذا اليوم
منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا تجعلنا من القانطين ولا تخلنا

من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من
بابك مطرودين ولا تجعلنا من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله
من عطاياك قانطين يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين
اليك اقبلنا موقنين ولبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على
منسكنا واكمل لنا حجنا واعف اللهم عنا وعافنا فقد مددنا اليك
ايدينا وهي بذلة الاعتراف موسومة اللهم فاعطنا في هذه العشية
ما سألناك واكفنا ما استكفيناك فلا كافي لنا سواك ولا رب لنا
غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك عدل فينا قضاؤك اقض لنا
الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم اوجب لنا بجودك عظيم الاجر و
كريم الذخر ودوام اليسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين
ولا تصرف عنا رأفتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في
هذا الوقت ممن سألك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك
فقبلته وتنصل اليك من ذنوبه كلها فغفرتها له يا ذا الجلال
والاكرام اللهم ونقنا وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا يا خير

مَن سُئِلَ وَيا اَرحَمَ مَنِ استُرحِمَ يا مَن لا يَخفى عَلَيهِ اِغماضُ الجُفونِ

وَلا لَحظُ العُيونِ وَلا مَا استَقَرَّ فِي المَكنونِ وَلا ما انطَوَت

عَلَيهِ مُضمَراتُ القُلوبِ اَلا كُلُّ ذلِكَ قَد اَحصاهُ عِلمُكَ وَ

وَسِعَهُ حِلمُكَ سُبحانَكَ وَتَعالَيتَ عَمّا يَقولُ الظّالِمونَ عُلُوًّا

كَبيرًا اَسبَحَ لَكَ السَّمواتُ السَّبعُ وَالاَرضُ وَمَن فيهِنَّ وَاِن

مِن شَيءٍ اِلّا يُسَبِّحُ بِحَمدِكَ فَلَكَ الحَمدُ وَالمَجدُ وَعُلُوُّ الجَدِّ يا ذَا الجَلالِ

وَالاِكرامِ وَالفَضلِ وَالاِنعامِ وَالاَيادِي الجِسامِ وَاَنتَ

الجَوادُ الكَريمُ الرَّؤُفُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ اَوسِع عَلَيَّ مِن رِزقِكَ

الحَلالِ وَعافِني في بَدَني وَديني وَآمِن خَوفي وَاَعتِق رَقَبَتي مِنَ النّارِ

اَللّهُمَّ لا تَمكُر بي وَلا تَستَدرِجني وَلا تَخذُلني وَادرَأ عَنّي شَرَّ

فَسَقَةِ الجِنِّ وَالاِنسِ پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از

دیدگان مبارکش آب میریخت مانند دو مشک و بصدای

بلند گفت يا اَسمَعَ السّامِعينَ وَيا اَبصَرَ النّاظِرينَ وَيا اَسرَعَ الحاسِبينَ

وَيا اَرحَمَ الرّاحِمينَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السّادَةِ المَيامينِ وَاَسئَلُكَ

اَللّهُمَّ حاجَتِي الَّتي اِن اَعطَيتَنيها لَم يَضُرَّني ما مَنَعتَني وَاِن مَنَعتَنيها

لَم يَنفَعني ما اَعطَيتَني اَسئَلُكَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ

وَحدَكَ لا شَريكَ لَكَ لَكَ المُلكُ وَلَكَ الحَمدُ وَاَنتَ عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ يا رَبِّ

يا رَبِّ وَيا رَبِّ پس مکرر میگفت يا رَبِّ و صداها مکرر به بلند شد و بار کردند

و روانه جانب مشعر الحرام شدند و سید بن طاوس بسند

معتبر روایت کرده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز

عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بمحل وقوف و صد مرتبه

اَللّهُ اَكبَرُ و صد اَلحَمدُ لِلّهِ و صد سُبحانَ اللّهِ و صد لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ

و صد مرتبه سوره قُل هُوَ اللّهُ اَحَدٌ و صد مرتبه لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ الحَليمُ الكَريمُ لا اِلهَ

سوره اِنّا اَنزَلناهُ بخوان پس ابتدا کن بخواندن

اِلَّا اللّهُ العَلِيُّ العَظيمُ سُبحانَ اللّهِ رَبِّ السَّمواتِ السَّبعِ وَرَبِّ الاَرَضينَ

السَّبعِ وَما فيهِنَّ وَما بَينَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ العَرشِ العَظيمِ وَالحَمدُ لِلّهِ

رَبِّ العالَمينَ اَللّهُمَّ اِيّاكَ اَعبُدُ وَاِيّاكَ اَستَعينُ اَللّهُمَّ اِنّي اُريدُ اَن

اُثنِيَ عَلَيكَ وَما عَسى اَن اَبلُغَ مِن مَدحِكَ مَعَ قِلَّةِ عَمَلي وَقِصَرِ رَأيي

وَاَنتَ الخالِقُ وَاَنَا المَخلوقُ وَاَنتَ المالِكُ وَاَنَا المَملوكُ وَاَنتَ

الرَّبُّ وَاَنَا العَبدُ وَاَنتَ العَزيزُ وَاَنَا الذَّليلُ وَاَنتَ القَوِيُّ وَاَنَا

الضَّعيفُ وَاَنتَ الغَنِيُّ وَاَنَا الفَقيرُ وَاَنتَ المُعطي وَاَنَا السّائِلُ وَ

اَنتَ الغَفورُ وَاَنَا الخاطِئُ وَاَنتَ الحَيُّ الَّذي لا يَموتُ وَاَنَا خَلقٌ اَموتُ

اللهم انت الله لا اله الا انت رب العالمين وانت الله لا اله الا انت
العزيز الحكيم وانت الله لا اله الا انت العلي العظيم وانت الله
لا اله الا انت الغفور الرحيم وانت الله لا اله الا انت مالك
يوم الدين وانت الله لا اله الا انت منك بدؤ الخلق واليك
يعود وانت الله لا اله الا انت لم تزل ولا تزال وانت الله لا اله
الا انت خالق الجنة والنار وانت الله لا اله الا انت خالق الخير
والشر وانت الله لا اله الا انت الواحد الاحد الفرد الصمد لم تلد
ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد وانت الله لا اله الا انت عالم الغيب
والشهادة الرحمن الرحيم وانت الله لا اله الا انت الملك القدوس السلام
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون و
انت الله لا اله الا انت الخالق البارئ المصور لك الاسماء
الحسنى يسبح لك ما في السموات والارض وانت العزيز الحكيم
وانت الله لا اله الا انت الكبير المتعال والكبرياء رداؤك اللهم
انك سابغ النعماء حسن البلاء جزيل العطاء مقسط القضاء باسط

اليدين بالرحمة نفاع بالخيرات كاشف الكربات رفيع الدرجات
منزل الآيات من فوق سبع سموات عظيم البركات مخرج من في
الظلمات الى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات
درجات اللهم انك دنوت في علوك وعلوت في دنوك فدنوت
فليس دونك شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى و
انت بالمنظر الاعلى فالق الحب والنوى لك ما في السموات العلى
ولك الكبرياء في الآخرة والاولى اللهم انك غافر الذنب شديد
العقاب ذو الطول لا اله الا انت اليك المصير وسعت رحمتك
كل شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك وانت لا تخيب سائلك
انت الذي لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت انت الذي اثبت
كل شيء بحكمتك واحصيت كل شيء بعلمك وابرمت كل شيء بحكمك و
لا يفوتك شيء بعلمك ولا يمتنع عنك شيء انت الذي لا يعجزك
هاربك ولا يرتفع صريعك ولا يحيى قتيلك انت علوت فقهرت
وملكت فقدرت وبطنت فخبرت وعلى كل شيء ظهرت علمت خائنة

الاعين وما تخفى الصدور وتعلم ما تحمل كل انثى وما تضع وما
تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار انت الذي
لا تنسى من ذكرك ولا تضيع من توكل عليك انت الذي لا
يشغلك ما في جو ارضك عما في جو سمواتك ولا يشغلك ما في جو
سمواتك عما في جو ارضك انت الذي تعززت في ملكك ولم يشركك
احد في جبروتك انت الذي علا كل شيء ملكك وملك كل شيء امرك
انت الذي ملكت الملوك بقدرتك واستعبدت الارباب بعزتك
وانت الذي قهرت كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك انت الذي
لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي لا يصف
الواصفون عظمتك ولا يستطيع المزايلون تحويلك انت شفاء
لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت الذي لا يخيبك سائل
ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحك مادح ولا قائل انت الكائن
قبل كل شيء والمكون لكل شيء والكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد
الذي لم تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا

ولدا السموات ومن فيهن لك والارضون ومن فيهن لك وما
بينهن وما تحت الثرى احصيت كل شيء واحطت به علما وانت
تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل عما تفعل وهم يسئلون وانت
الفعال لما تريد وانت القريب وانت البعيد وانت السميع وانت
البصير وانت المجيد وانت الواجد وانت العليم وانت الحكيم وانت
الغني وانت الكريم وانت البار وانت الرحيم وانت القادر وانت
القاهر لك الاسماء الحسنى كلها وانت الجواد الذي لا تبخل وانت
العزيز الذي لا تذل وانت ممتنع لا ترام يسبح لك ما في السموات
والارض وانت بالخير اجود منك بالشر انت ربي ورب آبائي الاولين
انت تجيب المضطر اذا دعاك انت نجيت نوحا من الغرق وانت غفرت
لداود ذنبه وانت نفست عن ذي النون كربه وانت كشفت
عن ايوب ضره وانت رددت موسى على امه وانت صرفت قلوب
السحرة اليك حتى قالوا امنا برب العالمين وانت ولي نعمة الصالحين
لا يذكر منك الا الحسن الجميل وما لا يذكر اكثر لك الآلاء و

النعم وانت المحسن المجمل لا تبلغ مدحتك ولا الثناء عليك انت
كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك تباركت اسماؤك وجل ثناؤك
ما اعظم شانك واجل مكانك وما اقربك من عبادك والطفك
بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز واجل واسمع وابصر واعلى و
اكبر واظهر واشكر واقدر واعلم واجبر واكبر واعظم واقرب
واملك واوسع وامنع واعطى واحكم وافضل واحمد من ان
يدرك العيان عظمتك او يصف الواصفون صفتك او يبلغوا
غايتك اللهم انت الله الذي لا اله الا انت اجل من ذكر و
اشكر من عبد وارءف من ملك واجود من سئل واوسع من اعطى
تحلم بعد ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تطع قط الا باذنك
ولم تعص قط الا بقدرتك تطاع ربنا فتشكر وتعصى ربنا
فتغفر اللهم انت اقرب حفيظ وادنى شهيد حلت بين القلوب
واخذت بالنواصي واحصيت الاعمال وعلمت الاخبار وبيدك
المقادير والقلوب اليك مقصدة والسر عندك علانية و

المهتدي من هديت والحلال ما حللت والحرام ما حرمت
والدين ما شرعت والامر ما قضيت تقضي ولا يقضى عليك
اللهم انت الاول فليس قبلك شيء وانت الآخر فليس بعدك
شيء وانت الظاهر فليس فوقك شيء وانت الباطن فليس دونك
شيء وانت العزيز الحكيم اللهم بيدك مقادير الليل والنهار وبيدك
مقادير الشمس والقمر وبيدك مقادير النصر والخذلان وبيدك
مقادير الدنيا والآخرة وبيدك مقادير الموت والحيوة وبيدك
مقادير الخير والشر صل على محمد وآل محمد واغفر لي كل ذنب
اذنبته في ظلم الليل وضوء النهار عمدا او خطأ سرا او علانية
انك على كل شيء قدير وهو عليك سهل يسير ولا حول ولا
قوة الا بالله العلي العظيم اللهم اني اثني عليك باحسن ما اقدر عليه
واشكرك بما مننت به علي وعلمتني من شكرك اللهم لك الحمد
بمحامدك كلها على نعمائك كلها وعلى جميع خلقك حتى ينتهي الحمد
لك الى ما تحب ربنا وترضى اللهم لك الحمد عدد ما خلقت وعدد

ما ذرأت ولك الحمد عدد ما برأت ولك الحمد عدد ما أحصيت
ولك الحمد عدد ما في السموات والأرضين ولك الحمد ملء الدنيا
والآخرة پس ده لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله
مرتبه بگو
الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير
ده استغفر الله الذي لا إله إلا هو الحي القيوم وأتوب إليه
مرتبه بگو
پس يا الله يا الله ده يا رحمن يا رحمن ده يا رحيم يا رحيم ده يا بديع
بگو
السموات والأرض ده يا ذا الجلال والإكرام ده يا حنان يا منان
ده يا حي يا قيوم ده بسم الله الرحمن الرحيم ده اللهم صل على محمد
وآل محمد ده مرتبه اللهم لك الحمد وليّ الحمد ومنتهى الحمد وفيّ العهد
پس بگو
عزيز الجند قديم المجد الحمد لله الذي كان عرشه على الماء
حين لا شمس تضيء ولا قمر يسري ولا بحر يجري ولا رياح تذري
ولا سماء مبنية ولا أرض مدحية ولا ليل يجن ولا نهار يكن
ولا عين تدمع ولا صوت يسمع ولا جبل مرسى ولا سحاب منشأ ولا
إنس مبرؤ ولا جن مذرؤ ولا ملك كريم ولا شيطان رجيم ولا ظل

ممدود ولا شيء معدود الحمد لله الذي استحمد إلى من استحمده
من أهل محامده ليحمدوه على ما بذل من نوافله الذي فاق مدح
المادحين مآثر محامده وعلا وصف الواصفين هيبة جلاله
هو أهل لكل حمد ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة الواحد
الذي لا بدي له الملك الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس فوقه
ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود لبذل نواله المعبود لهيبة
جلاله المذكور بحسن آلائه المنان بسعة فواضله المرغوب
إليه في تمام المواهب من خزائنه العظيم الشأن الكريم في سلطانه
العلي في مكانه المحسن في امتنانه الجواد في فواضله الحمد لله
بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور أجساد العباد بقدرته
ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الأرواح في خلقه بعلمه
ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات والأرض
بعظمته الذي وسع كل شيء خلق كرسيه وعلا بعظمته فوق الأعلين
وقهر الملوك بجبروته الجبار الأعلى المعبود في سلطانه المتسلط

بِقُوَّتِهِ الْمُتَعَالِي فِي دُنُوِّهِ الْمُتَدَانِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ فِي ارْتِفَاعِهِ الَّذِي نَفَذَ
بَصَرُهُ فِي خَلْقِهِ وَحَارَتِ الْأَبْصَارُ بِشُعَاعِ نُورِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَلِيمِ
الرَّشِيدِ الْقَوِيِّ الشَّدِيدِ الْمُبْدِئِ الْمُعِيدِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ
مُنْزِلِ الْآيَاتِ وَكَاشِفِ الْكُرُبَاتِ وَمُؤْتِي السُّؤُلَاتِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
فِي كُلِّ مَكَانٍ وَفِي كُلِّ زَمَانٍ وَفِي كُلِّ أَوَانٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى
مَنْ ذَكَرَهُ وَلَا يُخَيِّبُ مَنْ دَعَاهُ وَلَا يُذِلُّ مَنْ وَالَاهُ الَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسَانِ
إِحْسَانًا وَبِالصَّبْرِ نَجَاةً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ
جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي
الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا
إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ
سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ
أَطْرَافَ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَسُبْحَانَ رَبِّكَ

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَيَرْضَى حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا وَسُبْحَانَ
اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ
اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهَ شَيْءٌ
وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ
اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بخوان
امید عای
محروف اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمٰنُ هفت بِأَسْمَائِكَ الرَّضِيَّةِ
مرتبه
الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اللَّهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْكَبِيرَةِ
الْكِبْرِيَائِيَّةِ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الْعَزِيزَةِ الْمَنِيعَةِ وَأَسْأَلُكَ
بِأَسْمَائِكَ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ الْمَشْهُورَةِ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ
الَّتِي هِيَ رِضَاكَ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ أَحَدٌ
يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ مِنْ مَسَائِلِكَ بِمَا عَاهَدْتَنَا وَفِي الْعَهْدِ يَا اللَّهُ أَنْ لَا
تُخَيِّبَ سَائِلَكَ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِجُمْلَةِ مَسَائِلِكَ الَّتِي لَا يَفِي بِحَمْلِهَا شَيْءٌ
غَيْرُكَ يَا اللَّهُ هفت وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ وَجَبْتَهُ وَكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ مَنْ لَهُ
مرتبه

حتّى ينتهي الى اسمك الاعظم الاعظم الاكبر الاكبر العليّ الاعلى الذي
استويت به على عرشك واستقللت به على كرسيك وهو اسمك
الفاضل الكامل الذي فضّلته على جميع اسمائك يا رحمن هف
واسئلك بما لا اعلمه ما لو علمته لسئلتك به يا الله وبكلّ اسم
استأثرت به في علم الغيب عندك يا رحمن يا رحمن ان تصلّي على محمّد عبدك
ورسولك ونبيّك وامينك وحبيبك وصفوتك من خلقك و
خاصّتك من بريّتك ونجيّك ونجيبك وحبيبك وصفيّك وعلى
اهل بيت محمّد وترحّم على محمّد واهل بيت محمّد كافضل واجمل وازكى
واطهر واعظم واكثر واتمّ ما صلّيت على احد من انبيائك ورسلك
يا ذا الجلال والاكرام اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد في الاوّلين و
صلّ على محمّد وآل محمّد في الآخرين وصلّ على محمّد وآل محمّد في الملأ الاعلى
وصلّ على محمّد وآله في النبيّين والمرسلين اللّهمّ اعط محمّداً صلواتك
عليه وآله الوسيلة والفضيلة والشرف والدرجة الرفيعة
اللّهمّ اكرم مقامه وشرّف بنيانه وعظّم نوره وبرهانه وبيّض

واعلِ كعبه وافلج حجّته واظهر عذره ودعوته وتقبّل شفاعته
كما بلّغ رسالاتك وتلا آياتك وامر بطاعتك وائتمر بها ونهى
عن معصيتك وانتهى عنها في سرّ وعلانية وجاهد حقّ الجهاد
فيك وعبدك مخلصاً حتّى اتاه اليقين صلواتك عليه وعلى
اهله اللّهمّ ابعثه مقاماً محموداً يغبطه عليه الاوّلون والآخرون
من النبيّين والمرسلين اللّهمّ استعملنا بسنّته وتوفّنا على ملّته
وابعثنا في شيعته واحشرنا في زمرته واجعلنا ممّن يتّبعه ولا
تحجبنا عن رؤيته ولا تحرمنا مرافقته حتّى تسكننا غرفه وتخلّدنا
في جواره ربّ انّي احببته فاحببني لذلك ولا تفرّق بيني وبينه
طرفة عين في الدنيا والآخرة اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد الذين
اذهبت عنهم الرجس وطهّرتهم تطهيراً اللّهمّ وافتح لهم فتحاً يسيراً
وانصرهم نصراً عزيزاً واجعل لهم من لدنك سلطاناً نصيراً اللّهمّ
مكّن لهم في الارض واجعلهم ائمّة واجعلهم الوارثين اللّهمّ ارهم
في عدوّهم ما يأملون وارِ عدوّهم منهم ما يحذرون اللّهمّ اجمع

بينهم في خير وعافية اللهم عجل الروح والفرج لآل محمد اللهم
اجمع على الهدى امرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم واصلح
ذات بينهم انك حميد مجيد اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تغفر لي ولوالدي وما ولدا واعتقهما من النار وارحمهما
وارضهما عني واغفر لكل والد لي دخل في الاسلام ولاهلي وولدي
وجميع قراباتي انك على كل شيء قدير اللهم اجعلني وجميع ورثتي
واخواني فيك من اهل ولايتك ومحبتك فانه لا يقدر على ذلك غيرك
يا رحمن اللهم اوزعني ان اشكرك واشكر نعمتك التي انعمت علي وعلى
والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي اني تبت اليك
واني من المسلمين واجز والدي خير ما جزيت والدا عن ولده واجعل
ثوابهما عني جنات النعيم واغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان
ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا انك رؤف رحيم واعفو
لنا وللمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات اللهم اصلح
ذات بينهم واجمع على الهدى امرهم واجعلني واياهم على طاعتك

ومحبتك اللهم والمم شعثهم واحقن دماءهم وول امرهم خيارهم
اهل الرافة والرحمة والمعدلة عليهم انك على كل شيء قدير يا رب
يا رب يا رب اللهم بديع السموات والارض عالم الغيب والشهادة
ذا الجلال والاكرام والجود والقوة والسلطان والجبروت
والملكوت والكبرياء والعظمة والقدرة والمدحة والرهبة
والرغبة والجود والعلو والحجة والهدى والطاعة والعبادة
والامر والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب
اسئلك يا رب سؤال الضارعين المتضرعين المساكين المستكينين
الراغبين الراهبين الذين لا يجدون سواك يا من يجيب المضطر
ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي السائل اسئلك يا رب سؤال
من لم يجد لضعفه مقوما ولا لذنبه غافرا ولا لفقره سادا غيرك
اسئلك سؤال من اشتدت فاقته وضعفت قوته وكثرت ذنوبه يا ذا
الجلال والاكرام يا رب يا رب اسئلك يا رب مسئلة كل
سائل ورغبة كل راغب تبذل اذا دعيت اجبت وبحق السائلين عليك

وبحق صفوتك من عبادك ومنتهى العز من عرشك ومنتهى الرحمة
من كتابك ان لا تستدرجني بخطيئتي ولا تجعل مصيبتي في ديني
واذكرني يا رب برضاك ولا تنسني حين تنشر رحمتك وامنن علي
بوجهك الكريم وامنن علي بكرامتك يا كريم العفو واستجب دعائي
وارحم تضرعي فاني بائس فقير خائف مستجير من عذابك لا اثق بعملي
ولكني اثق برحمتك يا رب يا رب يا رب اللهم كن بي حفيا ولا تجعلني
بدعائك رب شقيا وامنن علي بعافيتك واعتق رقبتي من النار فانى
لا استغيث بغيرك واستجيرك فاجرني من كل هول ومشقة وخوف
وامن خوفي وشجع جبني وقو ضعفي وسد فاقتي واصلح لي جميع اموري
يا رب اعوذ بك من هول المطلع ومن شدة الموقف يوم الدين فانك
تجير ولا يجار عليك يا رب يا رب يا رب اللهم لا تعرض عني حين
ادعوك ولا تصرف عني وجهك حين اسئلك فلا رب لي سواك واعطني
مسئلتي وامن خوفي يوم الفاك اللهم اني اعوذ بك فاعذني فاني ضعيف
خائف مستجير بائس فقير يا رب يا رب يا رب اللهم اكشف ضري ما استعملتك

منه واكفني رحمتك وجللني عافيتك وامني برحمتك فانك
تجير ولا يجار عليك اللهم اني اعوذ بك من وحشة القبر ومن خلوته
ومن ظلمته وضيقه وعذابه ومن هول ما اتخوف بعده يا رب
العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم اني اسئلك ان تصلي على محمد و
اهل بيته صفوتك وخيرتك من خلقك وان تستجيب دعائي و
تعطيني سؤلي واكفني امر آخرتي ودنياي وارحم فاقتي واغفر ذنوبي
ما تقدم منها وما تاخر وآتني في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
وقني برحمتك عذاب النار اللهم ارزقني صلة قرابتي وحجا مقبولا
وعملا صالحا مبرورا وترضاه ممن عمل به واصلح لي اهلي وولدي و
اسئلك ان تجعل لي عقبا صالحا تلحقني من دعائهم برضوانك ومغفرتك
وزيادة في كرامتك انك على كل شيء قدير وانت ارحم الراحمين يا رب
يا رب يا رب اللهم وكلما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود
او قنوط او فرح او مرح او بطر او فخر او خيلاء او جبن او خيفة
او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر او فسوق او عصيان

أو عظمة أو شيء مما لا تحبّ عليه أولياءك فأسئلك بحقّ محمّد
وآل محمّد أن تمحو ذلك من قلبي وأن تبدلني مكانه إيمانا وعدلا و
رضا بقضائك ووفاء بعهدك ووجلا منك وزهدا في الدنيا
ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمأنينة إليك وتوبة إليك نصوحا
يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ لك الحمد كما خلقتني ولم أك شيئا مذكورا
فأعنّي على أهوال الدنيا وبوائق الدهر ونكبات الزمان وكربات
الآخرة ومصيبات الليالي والأيّام واكفني شرّ ما يعمل الظالمون
في الأرض اللهمّ بارك لي في قدرك ورضّني بقضائك اللهمّ افتح
مسامع قلبي لذكرك وارزقني شكرا وتوفيقا وعبادة وخشية
يا ربّ العالمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ اطّلع عليّ اليوم اطّلاعة
تدخلني بها الجنّة اللهمّ استجب دعائي واقبله منّي واجعله دعاء جامعا
يوافق بعضه بعضا فإنّ كلّ شيء عندك بمقدار اللهمّ واجعله من شأنك
فإنّك كلّ يوم في شأن اللهمّ واكتبه لي في علّيّين في كتاب لا يمحى ولا يبدّل
بأن تقول قد غفرت لعبدي ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر واستجبت له دعوته

ووفّقته واصطفيته لنفسي وكرّمته وفضّلته وعصمته وهديته
وزكّيته وأصلحته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه آمين
يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ إنّي أتوجّه إليك بنبيّك نبيّ الرحمة محمّد صلّى
الله عليه وآله في خلاصي وخلاص والديّ وما ولدا وأهلي وولدي
وجميع ذرّيّة أبي وإخواني فيك وجميع المؤمنين والمؤمنات وكلّ ولد
لي دخل في الإسلام من أهوال يوم القيامة ومن شرّ عذاب القبر ومن
هموم الدنيا والآخرة وأهوالها وأسئلك أن ترزقني عزّها وتصرف
عنّي شرّها وتثبّتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا والآخرة إنّك رؤف
رحيم وصلّى الله على محمّد وآله وسلّم كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل
يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ إنّي أسئلك أن تصرف عنّي شرّ كلّ جبّار عنيد
وشيطان مريد ومن شرّ كلّ ضعيف من خلقك وشديد ومن شرّ السامّة
والهامّة واللامّة والخاصّة والعامّة ومن شرّ كلّ دابّة صغيرة أو
كبيرة بالليل والنهار ومن شرّ فسقة العرب والعجم ومن شرّ فسقة
الجنّ والإنس إنّك على كلّ شيء قدير ولا حول ولا قوّة إلّا بالله العليّ

العظيم وصلى الله على محمد وآله خير مخلوق دعا الى خير معبود اللهم
ربنا وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك
عذاب النار يا رب يا رب يا رب اللهم وما كان من خير او عمل
صالح اسئلك وأكون في رضوانك وعافيتك وما صلح من
ذلك من البر فامنن علي به اني اليك راغب وبك مستجير
اللهم ما استعفيتك منه وما لم استعفك منه وتوجب علي
به النار وسخطك فعافني منه وما عذبت من المخازي يوم القيمة
وسوء المطلع الى ما في القبور فاعفني منه اللهم وما انا ذم عليه
من فعلي له واجازني عليه يوم المعاد او ترانى في الدنيا على الحال
التي تورث سخطك فاسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من
جميع ذلك يا ولي العافية يا رب يا رب واسئلك يا رب مع
ذلك العافية من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء او
ان تحملني ما لا طاقة لي به وان تسلط علي طاغيا او تبتليني بما لا طاقة لي
به وتناقشني الحساب يوم الحساب مناقشة تساوي احوج ما اكون الى

عفوك وتجاوزك اسئلك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي في
جميع ذلك يا ولي العافية اي من عفي عن السيئات ولم يجاز بها
ارحم عبدك يا رب يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله نفسي نفسي
ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين يديك يا رباه يا رباه يا رباه يا منتهى
رغبتاه يا مجري الدم في عروق عبدك عبدك يا سيداه يا مالك
عبده يا سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة لي ولا غناي عن
نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا رجاء لي ولا احد احدا
اصابعه تقطعت اسباب الخدائع واضمحل عني كل باطل افردني
الدهر اليك فمنت هذا المقام الهي بعلمك فكيف انت صانع بي
ليت شعري ولا اشعر كيف تقول لدعائي اتقول نعم او تقول
لا فان قلت لا فيا ويلتاه يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه يا عولتاه
يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلاه يا ذلاه يا ذلاه الى
من والى عنده من او كيف او بماذا او الى اي شيء ومن ارجوا ومن يعود
علي ان رفضتني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما الظن بك فطوبى

إلى أنا السعيد فطوبى لي أنا المرحوم أيا مترحم أيا مترئف أيا متعطف
أيا مجبر يا متملك أيا متسلط لا عمل لي أرجو به نجاح حاجتي ولا
أحدا أنفع لي منك يا من عرفني نفسه يا من أمرني بطاعته أيا مدعو
أيا مسئول أيا مطلوبا إليه رفضت وصيتك التي أوصيتني
ولو أطعتك لكفيتني ما قمت إليك فيه من قبل أن أقوم و
أنا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوته واردد يداي
ملاء من خيرك بحقك يا سيدي يا وليي أنا من قد عرفت شر
عبد وأنت خير رب يا مخشي الانتقام يا رب يا رب يا رب يا الله يا
الله يا الله يا محيط بملكوت السموات والأرض أصلحني لديني
وأصلحني لدنياي وأصلحني لآخرتي وأصلحني لأهلي وأصلحني لولدي
وأصلح لي ما خولتني يا إلهي وأصلحني من خطاياي يا حنان يا منان تفضل
علي برحمتك وامنن علي بإجابتك وصل اللهم على محمد النبي وأهله
وسلم وحل بيني وبين ما حلت بينه وبين أهل بيت محمد من الباطل
وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة يا أرحم الراحمين بس

بسم الله الرحمن الرحيم وإلهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن الرحيم
الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في
السموات وما في الأرض من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه يعلم ما
بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا بما شاء وسع
كرسيه السموات والأرض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم
الم الله لا إله إلا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في الأرحام كيف
يشاء لا إله إلا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا إننا آمنا
فاغفر لنا ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين و
القانتين والمنفقين والمستغفرين بالأسحار شهد الله أنه لا
إله إلا هو والملائكة وأولوا العلم قائما بالقسط لا إله إلا هو
العزيز الحكيم إن الدين عند الله الإسلام الله لا إله إلا هو ليجمعنكم
إلى يوم القيامة لا ريب فيه ومن أصدق من الله حديثا ذلكم الله
ربكم لا إله إلا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل
اتبع ما أوحي إليك من ربك لا إله إلا هو وأعرض عن المشركين قل يا أيها

الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض
لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي
يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا
الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما يشركون لقد جاءكم رسول من
انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم فان
تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش
العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذي امنت
به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل
بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم مسلمون قل هو ربي لا اله الا
هو عليه توكلت واليه متاب ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون
الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله
الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا
هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي اليه
انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن

نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى
الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم الله لا اله الا هو
رب العرش العظيم وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة
وله الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم هل
من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى
تؤفكون انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون ذلكم
الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون غافر الذنب و
قابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير
ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون تبارك الله
رب العالمين لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب ابائكم الاولين
فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات
والله يعلم متقلبكم ومثواكم لو انزلنا هذا القران على جبل لرايته خاشعا
متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون

هو الله الذي لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
هو الله الذي لا إله إلا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ
المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض وهو العزيز
الحكيم الله لا إله إلا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون رب المشرق و
المغرب لا إله إلا هو فاتخذه وكيلا پس هفت مرتبه بگو وإنه لكتاب عزيز لا يأتيه
الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد پس بگو آمنا بالله
وما أنزل إلينا وما أنزل إلى إبرهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب و
الأسباط وما أوتي موسى وعيسى وما أوتي النبيون من ربهم لا نفرق
بين أحد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والأرض لن ندعو
من دونه إلها لقد قلنا إذا شططا الحمد لله الذي هدينا لهذا وما
كنا لنهتدي لولا أن هدينا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق صلى الله
عليهم أجمعين پس بگو السلام عليك يا رسول الله السلام عليك يا
نبي الله السلام عليك يا خيرة الله من خلقه وأمينه على وحيه السلام

عليك يا مولاي يا أمير المؤمنين أنت حجة الله على خلقه وأمينه على
وحيه وباب علمه ووصي نبيه والخليفة من بعده في أمته لعن
الله أمة غصبتك حقك وقعدت مقعدك أنا بريء منهم ومن
شيعتهم إليك السلام عليك يا فاطمة البتول السلام عليك
يا زين نساء العالمين السلام عليك يا بنت رسول الله رب العالمين
صلى الله عليك وعليه السلام عليك يا أم السبطين الحسن
والحسين لعن الله أمة غصبتك حقك ومنعتك ما جعله الله
لك حلالا أنا بريء إليك منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاي
يا أبا محمد الحسن الزكي لعن الله أمة قتلتك وبايعت في أمرك شيعتك
أنا بريء إليك منهم ومن شيعتهم السلام عليك يا مولاي يا أبا
عبد الله الحسين بن علي صلوات الله عليك وعلى أبيك وجدك
محمد المصطفى صلى الله عليه وآله لعن الله أمة استحلت دمك ولعن
الله أمة قتلتك واستباحت حريمك ولعن الله أشياعهم وأتباعهم
ولعن الله الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم أنا بريء إلى الله وإليك

مِنْهُمُ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ
يا اَبا عَبْدِ اللهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبَا الْحَسَنِ
مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى
الرِّضا السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلامُ عَلَيْكَ
يا مَوْلايَ يا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبا مُحَمَّدٍ
الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا اَبَا الْقاسِمِ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ
صاحِبَ الزَّمانِ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلى عِتْرَتِكَ الطّاهِرَةِ الطَّيِّبَةِ يا مَوالِيَّ
كُونُوا شُفَعائي اِلى عِنْدَ اللهِ فِي حَطِّ وِزْري وَخَطايايَ آمَنْتُ بِاللهِ وَبِما
اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَاَتَوالى آخِرَكُمْ بِما اَتَوالى اَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ
وَاللّاتِ وَالْعُزّى يا مَوالِيَّ اَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ
وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداكُمْ وَوَلِيٌّ لِمَنْ والاكُمْ اِلى يَوْمِ الْقِيمَةِ وَ
لَعَنَ اللهُ ظالِمِيكُمْ وَغاصِبيكُمْ وَلَعَنَ اللهُ اَشْياعَهُمْ وَاَتْباعَهُمْ
وَاَهْلَ مَذْهَبِهِمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ اَللّهُمَّ اِنّي اُشْهِدُكَ وَكَفى

بِكَ شَهيداً

بِكَ شَهيداً وَاُشْهِدُ مُحَمَّداً صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلِيّاً وَالْاَئِمَّةَ
مِنْ ذُرِّيَّتِهِما وَالثَّمانِيَةَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَالْاَرْبَعَةَ الْاَمْلاكَ الْخَزَنَةَ
عَلَيْكَ اَنّي بَريءٌ مِنْ اَعْدائِهِمْ فَعَلى مُحَمَّدٍ وَعَلى اَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبينَ
الطّاهِرينَ الصَّلوةُ وَالسَّلامُ اَللّهُمَّ اَقِرَّ عَيْني بِصَلوتِهِ وَصَلوةِ
اَهْلِ بَيْتِهِ وَاجْعَلْ ما هَدَيْتَني اِلَيْهِ مِنَ الْحَقِّ وَالْمَعْرِفَةِ بِهِمْ مُسْتَقَرّاً
لا مُسْتَوْدَعاً يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّهُمَّ وَعَرِّفْني نَفْسَكَ وَعَرِّفْني رُسُلَكَ
وَعَرِّفْني مَلائِكَتَكَ وَعَرِّفْني وُلاةَ اَمْرِكَ اَللّهُمَّ لِاَنْ لا آخُذَ اِلّا ما
اَعْطَيْتَ وَلا اَقِيَ اِلّا ما وَقَيْتَ اَللّهُمَّ لا تُخْرِجْني مِنْ مَنازِلِ اَوْلِيائِكَ
وَلا تُزِغْ قَلْبي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَني وَهَبْ لي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ
الْوَهّابُ وَهَيِّئْ لي مِنْ اَمْري رَشَداً اَللّهُمَّ وَعَلِّمْني ناطِقَ التَّنْزيلِ وَخَلِّصْني
مِنَ الْمَهالِكِ اَللّهُمَّ وَخَلِّصْني مِنَ الشَّيْطانِ وَحِزْبِهِ وَمِنَ السُّلْطانِ
وَجُنْدِهِ وَمِنَ الْجِبْتِ وَاَنْصارِهِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْمَحْمُودِ وَبِعَلِيٍّ الْمَقْصُودِ وَ
بِحَقِّ شَبَّرٍ وَشُبَيْرٍ وَبِحَقِّ اَسْمائِكَ الْحُسْنى صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ بِاَفْضَلِ الصَّفْوَةِ
اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَاَنْتَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحيطٌ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ يا اَللهُ

يا اَللهُ

يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا
مولاياه يا مولاياه يا مولاياه يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند
له ويا ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك على عهدك ووعدك
اللهم اجعله موفقا محمودا ولا تجعله آخر العهد منا واشركنا في كل
دعاء من دعاك بمنى وعرفات ومزدلفة وعند قبر نبيك عليه
السلام وعند زمزم والمقام اللهم لك الحمد حيث رضيت افدونا
عن شد الزنانير في الاوساط والخواتيم في الاعناق ولك الحمد حيث
لم تجعلنا زنادقة مضلين ولا مدعنة شاكين مرتابين ولا معارضين
ولا عن اهل بيت نبيك صلى الله عليه وآله منحرفين اللهم كما بلغتنا
هذا اليوم المبارك من شهرنا وسنتنا هذه المباركة فبلغنا آخرها
في عافية وبلغنا اعواما كثيرة برحمتك يا ارحم الراحمين يا رب يا رب
يا رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا سيداه يا
سيداه يا مولاياه يا مولاياه يا مولاياه اللهم وما قسمت لي في هذه الساعة
وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة من خير او بركة او عافية

او مغفرة او رافة او رحمة او عتق من النار او رزق واسع حلال
طيب او توبة نصوح فاجعل لنا في ذلك اوفر النصيب واجزل الحظ
اللهم وما انزلت في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر
وفي هذه السنة من حرق او شرق او غرق او هدم او ردم او خسف
او قذف او رجف او مسخ او صيحة او زلزلة او فتنة او صاعقة او
برد او جنون او جذام او برص او اكل سبع او ميتة سوء وجميع انواع
البلاء في الدنيا والآخرة فاصرفه عنا كيف شئت وانى شئت وعن
جميع المؤمنين في كل دار ومنزل في شرق الارض وغربها عز جارك وجل
ثناؤك ولا اله غيرك وحدك لا شريك لك فاطر السموات والارض
عالم الغيب والشهادة رب كل شيء ومليكه اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له واشهد ان محمدا صلى الله عليه وآله عبده
ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار حق وان الساعة آتية لا
ريب فيها وان الله يبعث من في القبور اشهد ان لا اله الا الله
وحده لا شريك له عليها احيا وعليها اموت وعليها ابعث حيا

إن شاء الله بعد الموت رضيت بالله ربا وبالإسلام دينا وبمحمد
صلى الله عليه وآله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن كتابا وبالكعبة
قبلة وبإبراهيم عليه السلام لنبينا أبا وبمحمد صلى الله عليه
وآله نبيا وبأمير المؤمنين صلوات الله عليه للحق موضحا وللجنة
والنار قاسما وبالمؤمنين من شيعته إخوانا لا أشرك بالله شيئا
ولا أتخذ من دونه وليا ولا أدعو معه إلها لا إله إلا الله وحده
لا شريك له إلها واحدا أحدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا
اللهم إني أسألك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون
من أسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك
ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك أن تصلي
على محمد وآل وأن ترحم هذه النفس الجزوعة وهذا البدن الهلوع
الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك إن تعاقبني لا يزيد في ملكك
شيء وإن تعف عني لا ينقص من ملكك شيء أنت يا رب بخلقك أرحم
وبعبادك أعلم وبسلطانك أرءف وبملكك أقدم وبعفوك أكرم

وعلى عبادك أنعم لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص
منه معصية العاصين واعف عني يا أكرم الأكرمين ويا أرحم
الراحمين ألوذ بعزتك وأستظل بفنائك وأستجير بقدرتك
وأستغيث برحمتك وأعتصم بحبلك ولا أثق إلا بك ولا ألجأ إلا
إليك يا عظيم الرجاء يا كاشف البلاء ويا أحق من تجاوز وعفى
اللهم إن ظلمي مستجير بعفوك وخوفي مستجير بأمانك وفقري
مستجير بغناك ووجهي البالي الفاني مستجير بوجهك الدائم الباقي
الذي لا يفنى ولا يزول يا من لا يشغله شأن عن شأن لا تجعل
مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا أكبر همنا ولا تسلط علينا من لا
يرحمنا وعد بحلمك على جهلنا وبإحسانك على إساءتنا وبقوتك على
ضعفنا وبغناك على فقرنا وأعذنا من الأذى والقذى والضر و
سوء القضاء وشماتة الأعداء وسوء المنظر في المال والدين والأهل
والولد وعند معاينة ملك الموت اللهم يا رب نشكو غيبة نبينا
عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة الزمان علينا ووقوع الفتن

بنا و تظاهر الخلق علينا اللهم صل على محمد وآل محمد وافرج
ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق تظهره اللهم وابعث
بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله للنصر لدينك واظهار حجتك
والقيام بامرك وتطهير ارضك من ادناسها برحمتك يا ارحم
الراحمين اللهم اني اعوذ بك ان اوالي لك عدوا او اعادي لك
وليا او اسخط لك رضا او ارضى لك سخطا او اقول للحق هذا باطل
او اقول للباطل هذا حق او اقول للذين كفروا هؤلاء اهدى من
الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآله وآتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار وسابقا مذكور شد
نیز در این روز بعمل آوردن مستحب است **فصل سیم** در بیان اعمال ضروریه که عمل استفتاح را
شب عید قربان و روزش و ایام تشریق است یعنی یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
بدانکه شب عید اضحی از جملهٔ چهار شب است که احیای آنها سنت مؤکد
است و منقولست که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه
صدای دعاهای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمان پیچیده است مانند
صدای مگس عسل در میان کندو و حقتعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار
شما و شمائید بندگان من و حق مرا ادا کردید بر من لازم است که دعای شما را
مستجاب کردانم پس هر که مستحق آمرزش است همهٔ گناهان او را می آمرزد و هر که
سزاوار آن نیست گناهانش را کم میکند پس هر که با ایشان در دعا و عبادت

شریک شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت
امام حسین ع در این شب سنت است و منقولست که هر که آنحضرت را در این
شب زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اما اعمال روز
عید غسل در آن سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و بهتر آنست
که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنابر مشهور در زمان غیبت امام
سنت مؤکد است و بکمان فقیر واجب است بشرایط مقرره و نمازش همان
کیفیت است که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید در آن
جا مذکور شد و دعا بسیار پیش از نماز و بعد از نماز وارد شده است و این
رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها دعای چهل و هشتم صحیفهٔ
کامله است که اولش اینست اللهم هذا يوم مبارك و اگر دعای چهل و ششم
را که اولش یا من يرحم من لا يرحمه العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در
بعضی از نسخ قدیمهٔ صحیفه استحباب خواندن این دعا نیز وارد شده است و
دعای ندبه بهترین دعاهاست و در این روز و سایر اعیاد سنتست خواندن
چنانچه انشاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور خواهد شد و در این
عید سنتست که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود و از جملهٔ احکام این
قربانی است و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند اگر قدرت
بر آن داشته باشد و از حضرت صادق ع منقولست که اضحیه واجب است بر هر
مسلمانی و فرمود که البته از برای خود بکن و از برای عیال خود اگر خواهی بکن
و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجهٔ حضرت رسول منقولست که بآنحضرت عرض کرد
که عید اضحی حاضر میشود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بخرم
حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز
عید بکشد و در روز یازدهم و دوازدهم نیز میتواند کشت و اگر در منی باشد
روز سیزدهم نیز میتواند کشت و بهتر آنست که در دههٔ ذی الحجه خریده باشد
و مکروه است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشند و مبدا یا شتر
یا گاو و یا گوسفند یا بز بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد و اگر شتر

باشد و میباید پنجسال تمام داشته باشد اگر ماده و اگر گاو یا بز بوده باشد میباید

یکسالش تمام باشد و داخل در سال دویم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته

باشد بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماه کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد

بهتر است و میباید نقصی در اعضایش نباشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد

و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر او دشوار باشد و گوشش بریده نباشد

و اگر شق شده و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نباشد بهتر است و

باید که مغز شاخش نشکسته باشد و اگر پوستش نیز نشکسته باشد بهتر است

و بهتر آنست که بیمار و بسیار پیر نبوده باشد و سنت است که فربه بوده باشد و

باید که بسیار لاغر نبوده باشد که پیه بر گرده اش نباشد و باید که خصی نباشد

یعنی خصیه اش را نبریده باشند و مکروهست اگر خصیه اش مالیده باشند

و اگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی میتوان کرد و سنت است که اگر قربانی شتر

یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت است که خود

بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد و مکروهست که بکشد قطع و کشتن

آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را لمانند کارد یا نیزه در گودال پایین

گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجبست که رو بقبله

بدارد او را و نام خدا ببرد و سنت است که او را ایستاده بدارد رو بقبله و هر دو

دستش را از سر پا تا زانو بریسمان یا تسمه بر یکدیگر ببندند و آنکه نحر میکند در

جانب راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا بز باشد

باید چهار رگ را از گردنش ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم

است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف را از راه بجوف آن میرود و اگر

اینها را نحر کند حرام میشود و سنت است که دعا بخواند در وقت کشتن چنانکه

بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که چون قربانی را وجهت وجهی

بخوان و وی را بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بگو

لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفًا مُسْلِمًا وَمٰا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ

برای آنکه آفریده آسمانها را و زمین را در حالتی که میل کننده ام و گردن نهنده و نیستم من از شرک آورندگان

إِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُکِی وَمَحْیٰایَ وَمَمٰاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِینَ لٰا شَرِیکَ

لَهُ وَبِذٰلِکَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ اللّٰهُمَّ مِنْکَ وَلَکَ بِسْمِ اللّٰهِ

وَاللّٰهُ أَکْبَرُ پس نحر یا ذبح کند اللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّی و فرمود که تا نمیرد سر را جدا

مکن و چون پوست بکند

کند و بگوید

سنت است که یکحصه را خود و اهل خانه اش بخورند و بهتر آنست که خود

بان افطار کند و یکحصه را برای همسایگان بهدیه بفرستند و اگر پریشان

باشند بهتر است و یکحصه را بفقرا و سؤال کنندگان بدهند و اگر اکثر را

تصدق کنند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست و کله و جمیع اعضای

حلال او را تصدق کنند و تصرف نکنند و بقصاب ندهند مگر آنکه قصاب

پریشان باشد و تصدق باو بدهند و در حدیث صحیح وارد شده است

که پوستش را میتوانند باغت کنند و بر روی آن نماز کنند و بنشینند و اگر گوسفند

یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق کنند و اگر یک حیوان برای

خود و عیال خود بکشند کافیست و اگر یکی از برای خود و یکی از برای عیال

بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای

پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوبست و اگر از

برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوبست و منقولست

که حضرت رسول دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این

از من و از هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دویم فرمودند خداوندا

این از من و از هر که قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین هر سال

اول یک گوسفند قربانی میکرد و میفرمود خداوندا این از پیغمبر تو است پس یک

گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی فاقد نباشند که هر یک

قربانی جدا بکنند جایز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر بلکه تا

هفتاد نفر و حقتعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات

یعنی در کوری چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقولست که مرا دیکبر
گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقب پانزده نماز بگوید
که اولش ظهر روز عید است و اخرش صبح روز سیزدهم و در سایر شهرها
عقب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب
و بعضی واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر
بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر
موافق حدیث صحیح اینست الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله
اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما هدینا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام
والحمد لله علی ما ابلانا **فصل چهارم** در فضایل و اعمال شب
روز عید غدیر است و عید غدیر هیجدهم ذی حجه است و عظیم ترین اعیاد است
و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از
حد و احصا است و در این مقام بچند حدیث اکتفا مینمائیم بسند معتبر از حضرت
امام رضا علیه السلام منقولست که چون روز قیامت شود چهار روز را بنزد
عرش الهی برند با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانه داماد برند روز عید
اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید غدیر در
میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حقتعالی ابرهیم
خلیل را از آتش نجات داد و ابرهیم آن روز را روزه داشت برای شکر حقتعالی و آن
روزیست که خدا دین را در آن روز کامل کردانید دین را بآنکه حضرت رسول حضرت
امیر المؤمنین را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن او را ظاهر
گردانید برمردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن دینست
و روزیست که بینی شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست که اعمال
شیعیان و دوستان آل محمد در این روز مقبول میشود و روزیست که حق
تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میگرداند مانند دردها که در بیابان
هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز وجل امر میکند جبرئیل را که نصب
کند کرسی کرامت خدا را در بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا میرود و ملائکه

از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و آل محمد و استغفار برای
شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین و دوستان ایشان از فرزندان آدم
و این روزیست که امر میکند حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند
از محبان اهل بیت و شیعیان ایشان تا سه روز از روز غدیر و ننویسند
هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت محمد و علی و ائمه صلوات الله علیهم و این
روزیست که خدا مخصوص محمد و آل او و شیعیان ایشان کردانیده و این روزیست
که خدا از یاد میکرداند مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد
روز بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میکرداند از آتش جهنم
و این روزیست که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه ایشان
را میآمرزد و عمل ایشان را قبول میکند و این روزیست که خدا غمهای شیعیان را
زایل میکرداند و گناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش است و روز عطیه
است و روز پهن کردن علم است و روز بشارتست و روز عید بزرگست و
روزیست که دعاها در او مستجاب میگردد و روز موقف بزرگست و روز
پوشیدن جامههای نیکوست و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر المؤمنین
است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست
و روز عید اهل بیت محمد است و روز قبول اعمالست و روز طلب زیادتی ثوابست
و روز استراحت مؤمنانست و روز سوداگری ایشانست و روز دوستی
کردن شیعیانست با یکدیگر و روز رسیدن برحمت خدا است و روز ترک کبائر
و گناهانست و روز عبادتست و روز افطار فرمودن روزه دارانست
پس هر که روزه دار برادر این روز افطار فرماید چنانست که ده فئام را اطعام
کرده باشد و هر فئامی صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس
هر مؤمنی که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید الحمد لله الذی جعلنا
من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام یعنی حمد و سپاس
خداوندی را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ زده اند در ولایت و
محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلام و این روز تبسم است در روی

مؤمنان پس هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر حق تعالی
نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا
کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی کرداند
و این روز زینت است پس هر که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد
از برای او هر گناهی که کرده است از صغیره و کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی
او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند کردانند برای او درجات تا سال
آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته
باشد و اگر زنده باشد سعادتمند باشد و کسی که افطار دهد مؤمنی را در این روز
مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که
دیدن کند در این روز مؤمنی را داخل کرداند خدا در قبر او هفتاد نور و قبر او را
گشاده کرداند و روز بار نکند او را در قبر او و هر روز هفتاد هزار ملک بشارت
دهند او را به بهشت و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت
ما اهل بیت را بر اهل آسمانهای هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار بان اهل
آسمان هفتم پس زینت داد او را بعرش بعد از آن سبقت کرفتند اهل آسمان
چهارم پس زینت داد او را به بیت المعمور پس سبقت کرفت بما اهل آسمان اول
پس او را زینت بخشید بستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها
پس پیشی گرفت باقرار بان مکه معظمه پس زینت داد او را بکعبه پس پیشی گرفت
مدینه طیبه پس زینت داد او را بمحمد مصطفی پس سبقت کرد بسوی آن شهر
کوفه پس زینت داد او را بقبر حضرت امیر المؤمنین پس عرض کرد ولایت ما را
بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه
و کوه یاقوت و باین سبب بهترین جواهرها از آنها بهم رسد پس کوههای دیگر سبقت
گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها گردیدند و هر یک که
اقرار نکردند معدن هیچ چیز نکردیدند و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت
ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد
پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد سخن‌گو و خوش آواز

گردید و هر یک که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل مؤمنان در قبول کردن
ولایت امیر المؤمنین در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن
سجده حضرت آدم و مثل آنها که قبول ولایت آن حضرت نکردند در روز غدیر
مانند مثل شیطان است در قبول نکردن سجده آدم و در روز غدیر این
آیه نازل شد الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم
الاسلام دینا یعنی امروز کامل کردانیدم از برای شما دین شما را و تمام
کردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای دین شما پس حضرت
فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفه خود را در این
روز نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت
صادق پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه و اضحی و فطر فرمود
بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود
که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر المؤمنین را بخلافت خود و فرمود
که هر که من مولا و آقای اویم علی مولا و آقا و پیشوای اوست و آن روز هجدهم ذی
الحجه است راوی گفت چکار در آن روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و
عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت
کرد رسول خدا امیر المؤمنین را که این روز را عید کرداند و هر پیغمبری وصی
خود را وصیت می کرد که این روز را عید کرداند و بروایت دیگر فرمود که روزه
روز غدیر کفاره شصت ساله گناه است و بروایت دیگر منقولست که مفضل
از حضرت صادق پرسید که آیا میکنی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری والله
آری والله بدرستی که در این روز خدا توبه حضرت آدم را قبول کرد و
بشکرانه این روز را روزه داشت و در این روز خدا حضرت ابراهیم را
از آتش نجات داد و بشکرانه این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی
هرون را وصی خود کردانید و این روز را بشکرانه این نعمت روزه داشت و در این روز حضرت
عیسی وصیت وصی خود شمعون الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر حق
تعالی روزه داشت و در این روز حضرت رسول حضرت امیر المؤمنین را بخلیفه

وجانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر کردانید و این
روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه داشتن ثوابست و روز
عبادتست و روز طعام دادنست و روز نیکی کردنست با برادران مؤمن
و روز زینت است که خدا از مؤمنان خوشنود میکردد و بینی شیطان بر خاک مالیده
میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که کفت روزی در خدمت امام
رضا بودم جماعت بسیار حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد
و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت
نمود که روز غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین و بدرستیکه خدا را در فردوس
اعلی قصری هست که یک خشت آن از طلاست و یک خشت آن از نقره و در آن قصر صد
هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش
مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب
و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختان هست از انواع میوهها
و بر آن درختان مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است
و بالهای آنها از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی میکنند چون روز عید
غدیر میشود در آن قصر حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس
و تهلیل حقتعالی میکنند و آن مرغان پرواز میکنند و در میان آن آب فرو
میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند و چون ملائکه جمع شدند پرواز میکنند
و مشک و عنبر بر سر ایشان میافشانند و در این روز نثار حضرت فاطمه را
که در شب زفاف بحضرت سدرة المنتهی و درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر
بهدیه میفرستند و چون آخر این روز میشود ندا از جانب رب الاعلی بایشان می
رسد که برکردید بسوی درجها و مرتبهای خود پس بتحقیق که ایمن کردید از لغزش و
خطا و لغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی ع پس
حضرت فرمود ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام حاضر شوی بدرستیکه خدا در این روز می آمرزد از هر مرد مؤمن
و زن مؤمنه کناه شصت ساله ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش

جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و
یک درهم که در این روز ببرادران مؤمن بدهی برابر است با هزار درهم که در
اوقات دیکر بدهی و احسان کن در این روز ببرادران مؤمن خود و شاد کردان
هر مرد مؤمن و زن مؤمنه را بخدا سوکند که اکر مردم فضیلت این روز را بدانند
چنانچه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند و زیارت
حضرت امیر المؤمنین در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک و دور و
موافق روایت صفوان و غیر آن اکر از دور زیارت کند دو رکعت نماز زیارت
بجا آورد در رکعت اول سوره انا انزلناه و در رکعت دویم اللّهمّ صلّ
سوره قل هو الله احد بخوانند پس این دعا را بخوانند خداوندا رحمت
عَلى وَلِیِّكَ وَاَخى نَبِیِّكَ وَوَزیرِه وَحَبیبِه وَخَلیلِه وَمَوْضِعِ سِرِّه وَ
بر دوست تو و برادر خود پیغمبر و وزیر او و دوست او و صدیق او و جایگاه راز او و
خِیَرَتِه مِنْ اُسْرَتِه وَوَصِیِّه وَصَفْوَتِه وَخالِصَتِه وَاَمینِه وَوَلِیِّه وَاَشْرَفِ
برگزیده او از خویشان او و وصی او و برگزیده او و دوست خالص او و امین او و ولی او و
عِتْرَتِهِ الَّذینَ آمَنُوا بِه وَاَبى ذُرِّیَّتِه وَبابِ حِكْمَتِه وَالنّاطِقِ بِحُجَّتِه وَالدّاعى
بهترین عترت او آنانکه کرویدند باو و پدر فرزندان او و درکاه حکمت او و کویا ببرهان او و خواننده
اِلى شَریعَتِه وَالْماضى عَلى سُنَّتِه وَخَلیفَتِه عَلى اُمَّتِه سَیِّدِ الْمُسْلِمینَ
بسوی شریعت او و کذرنده بر طریقه و جانشین او بر امت او بزرک مسلمانان
وَاَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلینَ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ
و پادشاه کروندکان و پیشرو چهار سفیدان بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از خلق خود
وَاَصْفِیائِكَ وَاَوْصِیاءِ اَنْبِیائِكَ اَللّـهُمَّ اِنّى اَشْهَدُ اَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْ نَبِیِّكَ
و برکزیدکان تو و اوصیاء پیغمبران تو خداوندا بدرستیکه من کواهی میدهم که او رسانیده از پیغمبر تو
صَلَّى اللهُ عَلَیْهِ وَآلِه ما حُمِّلَ وَرَعى مَا اسْتُحْفِظَ وَحَفِظَ مَا اسْتُودِعَ وَحَلَّلَ
رحمت خدا بر او و آل او آنچه را بار کرده شده و نکاه داشته آنچه را بامانت سپرده و حلال کرد
حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَاَقامَ اَحْكامَكَ وَدَعا اِلى سَبیلِكَ وَوالى اَوْلِیاءَكَ
حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و بپاداشته احکام ترا و خواند بسوی راه تو و دوستی نمود دوستان
وَعادى اَعْداءَكَ وَجاهَدَ النّاكِثینَ عَنْ سَبیلِكَ وَالْقاسِطینَ وَالْمارِقینَ
و دشمنی کرد با دشمنان تو و کارزار کرد با آنها که بازکشتند از راه تو و تعدی نمودند و آنها که بیرون رفتند

عَنْ اَمْرِكَ صابِراً مُحْتَسِباً مُقْبِلاً غَيْرَ مُدْبِرٍ لا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ
حَتّى بَلَغَ فِي ذلِكَ الرِّضا وَسَلَّمَ اِلَيْكَ الْقَضاءَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً وَ
نَصَحَ لَكَ مُجْتَهِداً حَتّى اَتاهُ الْيَقينُ فَقَبَضْتَهُ اِلَيْكَ شَهيداً سَعيداً وَلِيّاً
تَقِيّاً رَضِيّاً زَكِيّاً هادِياً مَهْدِيّاً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ
ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيائِكَ وَاَصْفِيائِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ واكر
كند بانكشت شهادة بجانب قبر شريف آن حضرت اشاره واين زيارت را نيز بخواند بهتر است اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمينَ اللهِ فِي اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ
عَلى عِبادِهِ اَشْهَدُ لَقَدْ جاهَدْتَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ
وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ
اللهُ اِلى جِوارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ لَكَ كَريمَ ثَوابِهِ وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ
الْحُجَّةَ في قَتْلِهِمْ اِيّاكَ مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلى جَميعِ خَلْقِهِ اَللّهُمَّ
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِكَ راضِيَةً بِقَضائِكَ
مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِيائِكَ مَحْبُوبَةً في اَرْضِكَ
وَسَمائِكَ صابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلائِكَ شاكِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِكَ ذاكِرَةً

لِسَوابِغِ آلائِكَ مُشْتاقَةً اِلى فَرْحَةِ لِقائِكَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوى لِيَوْمِ
جَزائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِيائِكَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْدائِكَ مَشْغُولَةً
عَنِ الدُّنْيا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ اَللّهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتينَ اِلَيْكَ والِهَةٌ وَ
سُبُلَ الرّاغِبينَ اِلَيْكَ شارِعَةٌ وَاَعْلامَ الْقاصِدينَ اِلَيْكَ واضِحَةٌ
وَاَفْئِدَةَ الْعارِفينَ مِنْكَ فازِعَةٌ وَاَصْواتَ الدّاعينَ اِلَيْكَ صاعِدَةٌ
وَاَبْوابَ الْاِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ
اَنابَ اِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَكى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْاِغاثَةَ
لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْاِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ
وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ وَاَعْمالَ
الْعامِلينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةٌ وَاَرْزاقَ الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ
وَعَوائِدَ الْمَزيدِ اِلَيْهِمْ واصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرينَ مَغْفُورَةٌ وَ
حَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ وَجَوائِزَ السّائِلينَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوائِدَ
الْمَزيدِ مُتَواتِرَةٌ وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمينَ مُعَدَّةٌ وَمَناهِلَ الظِّماءِ
لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اَللّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائي وَاقْبَلْ ثَنائي وَاجْمَعْ بَيْني وَبَيْنَ

اَوْلِیٰائِی وَاَحِبّٰائِی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفٰاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَ
با دوستانم بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین
الْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّیَّةِ الْحُسَیْنِ اَئِمَّتِی اِنَّکَ وَلِیُّ نَعْمٰائِی وَمُنْتَهیٰ مُنٰایَ وَ
و پیشوایان از فرزندان حسین پیشوایان من بدرستیکه توئی نعمتهای من و منتهای آرزوی من و
غٰایَةُ رَجٰائِی فِی مُنْقَلَبِی وَمَثْوٰایَ واکر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد
نهایت امید من در بازگشت من و آرامگاه من
واخرانه نماز را بخواند انشاءالله بهتر باشد و شب عید
غدیر شب بسیار مبارکیست و درین شب نیز مناسبت که این زیارت را بعمل آورند و
نمازی در اینشب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم و اما
فضیلت روزه داشتن و تصدق کردن و افطار روزه دار نمودن دراین
روز در این ابواب احادیث بسیار است از جمله آنها این روایت که حضرت صادق
فرمود که روزه روز عید غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام
عمر دنیا عمر بیابد و روزه بدارد در روزها این روز برابر است با ثواب او و روزه
اش برابر است با صد حج و صد عمره و این عید بزرگ خدا است و خدا نفرستاده است
پیغمبری مگر آنکه این روز را عید کرده است و حرمت آن را دانسته است و نامش در
آسمان روز عید معهود است و نامش در زمین روز میثاق ماخوذ و جمع مشهود
و هر که در این روز مومنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام
دهد که هر فئامی صد هزار کس است و ثواب کسی را دارد که طعام دهد و آب دهد
باین عدد که مذکور شد از پیغمبران و اوصیا ایشان و شهیدان و صالحان در
سال قحط و بیکدرهم که در این روز تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای
دیگر تصدق کنند پس فرمود که شاید گمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که
حرمتش از این روز بیشتر باشد نه والله نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود
که روزه اش برابر است با شصت ماه از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز
عید سرور و شادیست و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز
عید غدیر در خدمت حضرت امام رضا بودم و آنحضرت در آن روز مخصوصان
خویشان اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را آنگاه داشته بود که در شب افطار

کنند و بخانهای ایشان طعام و زرها و خلعتها فرستاده بود حتی انگشتر و
کفش نیز فرستاد و باایشان خلعتهای فاخر شفقت فرموده و ملازمان و خدمت
کاران خود را جامهها نو بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای
مردم نقل میفرمود از جمله آنها گفت که در بعضی از سالها خلافت حضرت امیر
المؤمنین روز جمعه با عید غدیر در یک روز جمع شد نماز پس بعد از پنج ساعت
که از روز گذشت حضرت بر منبر بالا رفت و خطبه طولانی خواند و فضایل روز غدیر
را بسیار بیان فرمود و نامها بسیار از برای این روز ذکر کرد پس فرمود که بعد از
انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان
و نیکی کنید نسبت ببرادران مؤمن خود و در خانهای خود برادران مؤمن را
جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت بایشان و بیکدیگر التهنیت و مبارکباد بگوئید
و نیکی و احسان کردن در این روز مال و عمر را زیاده میکند و مهربانی بایک
دیگر کردن موجب رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید
با عیال خود و برادران مؤمن خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که
امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان و فقیران
و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید بدرستی که دادن یک درهم در این
روز برابر است با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا میکند و
روزه این روز را حق تعالی سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده
که از اول دنیا تا آخر دنیا عبادت کند باینکه روزها روزه بدارد و شبها
بعبادت بایستد و کسیکه برادر حاجت برادر مؤمن را پیش از آنکه او اظهار
کند و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد که این روز را روزه
داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار
فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده
باشد پس چگونه باشد ثواب کسیکه متکفل حوائج چند بن نفر از مردان مؤمن
و زنان مؤمنه شود و هر گاه چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر
شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز و بعد از آن تا عید

غدير را بنده بدون آنكه كبيره بسيار بكند البته آمرزيده است وهر كه فرضى بكند
در اين روز براى برادران خود من ضامنم بر خدا كه اگر او را زنده بدارد باقى
زاند آن فرض را از او متحمل شود وا ز دوش او بردارد وچون با يكديگر ملاقات
كنند مصافحه نمايند و بز با نها يكديگر را تهنيت بگويند وانچه گفتيم حاضران
بغايبان بگويند وتوانگران رعايت كنند فقيرانرا واو تا دست شكر كنند
ضعيفانرا حضرت رسول خدا امرا بهمة اينها امر فرمود وبدانكه غسل در اول اين
روز سنت مؤكد است واما كيفيت نماز روز عيد غدير نماز مشهور شرائت
كه از حضرت صادق روايت كرده اند كه هر كه در اين روز نيم ساعت پيش از زوال
شمس دو ركعت نماز بجا آورد ودر هر ركعت سورة حمد يكمرتبه وقل هو الله
احد وانا انزلناه وآية الكرسى تا هم فيها خالدون هر يك ده مرتبه بخواند برابر
باشد نزد حق تعالى با صد هزار حج وصد هزار عمره وهر حاجت كه از حاجتهاى
دنيا وآخرت كه از خدا وند كريم سؤال كند البته با سانى وعافيت بر آورده شود
وچون برادر مؤمن را ملاقات كنى بگو الحمد لله الذى كرمنا بهذا اليوم وجعلنا من
الموفين بعهده الذى عهده الينا وميثاقه الذى واثقنا به من ولاية
ولاة امره والقوام بقسطه ولم يجعلنا من الجاحدين والمكذبين
بيوم الدين يعنى سپاس خداوند را سزاست كه مارا گرامى داشت باين روز
وگردانيد مارا از ايمان آورندگان وگردانيد مارا از وفا كنندگان
بعهد خود كه عهد گرفته است بر ما وپيمانى كه محكم گردانيده است بر ما كه ولايت والى
امر امامتست آنها كه حكم ميكنند بعدالت در ميان خلق ونگردانيد مارا از انكار
كنندگان وتكذيب كنندگان بروز جزا ربنا اننا سمعنا مناديا ينادى
جزاو فرمود كه بعد از نماز اين دعا بخوانند
للايمان ان آمنوا بربكم فآمنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا

وتوفنا مع الابرار ربنا وآتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا
يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد اللهم انى اشهدك وكفى بك
شهيدا واشهد ملائكتك وانبياءك وحملة عرشك وسكان
سمواتك وارضيك بانك انت الله لا اله الا انت المعبود فلا
نعبد سواك فتعاليت عما يقول الظالمون علوا كبيرا واشهد ان
محمدا عبدك ورسولك واشهد ان امير المؤمنين عبدك ومولانا
ربنا سمعنا واجبنا وصدقنا المنادى رسولك صلى الله عليه
وآله اذ نادى بنداء عنك بالذى امرته ان يبلغ ما انزلت اليه
من ولاية ولى امرك وحذرته وانذرته ان لم يبلغ ما امرته به
ان تسخط عليه ولما بلغ رسالاتك عصمته من الناس فنادى
مبلغا عنك الا من كنت مولاه فعلى مولاه ومن كنت وليه فعلى
وليه ومن كنت نبيه فعلى اميره ربنا قد اجبنا داعيك
النذير محمدا عبدك ورسولك الى الهادى المهدى عبدك الذى
انعمت عليه وجعلته مثلا لبنى اسرائيل على امير المؤمنين و

مولیهم و ولیهم ربنا و اتبعنا مولینا و ولینا و هادینا و داعینا
و داعی الانام و صراطک المستقیم و حجتک البیضاء و سبیلک
الداعی الیک علی بصیرة هو و من اتبعه و سبحان الله عما یشرکون
و اشهد انه الامام الهادی الرشید امیر المؤمنین الذی ذکرته
فی کتابک و قولک الحق و انک قلت و انه فی ام الکتاب لدینا
لعلی حکیم اللهم فانا نشهد بانه عبدک و الهادی بعد نبیک
النذیر المنذر و صراطک المستقیم و امیر المؤمنین و قائد الغر
المحجلین و حجتک البالغة و لسانک المعبر عنک فی خلقک و انه
القائم بالقسط فی بریتک و دیان دینک و خازن علمک و امینک
المامون الماخوذ میثاقه و میثاق رسولک علیهما السلام من
جمیع خلقک و بریتک شاهدا بالاخلاص لک و الوحدانیة
و الربوبیة بانک انت الله لا اله الا انت و ان محمدا عبدک و
و رسولک و ان علیا امیر المؤمنین جعلته ولیک و الاقرار بولایته
تمام وحدانیتک و کمال دینک و تمام نعمتک علی جمیع خلقک و بریتک

فقلت و قولک الحق الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی
و رضیت لکم الاسلام دینا فلک الحمد بموالاته و اتمام نعمتک
علینا بالذی جددت من عهدک و میثاقک و ذکرتنا ذلک و جعلتنا
من اهل الاخلاص و التصدیق بمیثاقک و من اهل الوفاء بذلک
و لم تجعلنا من اتباع المغیرین و المبدلین و المحرفین و المبتکین
آذان الانعام و المغیرین خلق الله و من الذین استحوذ علیهم
الشیطان فانسیهم ذکر الله و صدهم عن السبیل و الصراط المستقیم
اللهم العن الجاحدین و الناکثین و المغیرین و المبدلین و المکذبین
بیوم الدین من الاولین و الآخرین اللهم فلک الحمد علی انعامک
علینا بالهدی الذی هدیتنا به الی ولاة امرک من بعد نبیک صلی
الله علیه و آله الائمة الهداة الراشدین و اعلام الهدی و منار
القلوب و التقوی و العروة الوثقی و کمال دینک و تمام نعمتک و
من بهم و بموالاتهم رضیت لنا الاسلام دینا ربنا فلک الحمد آمنا
و صدقنا بمنک علینا بالرسول النذیر المنذر و والینا ولیهم و عادینا

عدوّهم وبرئنا من الجاحدين والمكذّبين بيوم الدين اللهمّ فكما
دشمن ایشان را و بیزار گشتیم از انکار کنندگان و دروغگویان بروز جزا خداوندا پس چنانچه
كان ذلك من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو
باشد این از کار تو ای راست وعده ای آنکه خلف نکند وعده ای آنکه او
كلّ يوم في شأن إذ أتممت علينا نعمتك بموالاة أوليائك المسؤول
هر روز در کاریست چون تمام کرد بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان تو که سؤال شود
عنهم عبادك فإنّك قلت ثمّ لتسألنّ يومئذ عن النعيم وقلت
از ایشان بندگان تو پس بدرستیکه تو گفته که باز پرسیده شود آن روز از نعمت و گفته
وقولك الحقّ وقفوهم إنّهم مسؤولون ومننت علينا بشهادة
و گفتار تو راست است و باز دارید که ایشان پرسیده میشوند و منت کردی بر ما بگواهی دادن
الإخلاص وبولاية أوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج
اندرونی اخلاص و بدوستی دوستان تو رهنماینده پس از بیم کننده ترساننده چراغ
المنير فأكملت لنا بهم الدين وأتممت علينا النعمة وجدّدت لنا
درخشنده پس کامل گردانیدی برای ما بایشان دین و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی برای ما
عهدك وذكّرتنا ميثاقك المأخوذ منّا في ابتداء خلقك إيّانا و
عهد خود را و یاد آوردی ما را پیمان خود را گرفته شده از ما در آغاز آفرینش خود ما را و
جعلتنا من أهل الإجابة ولم تنسنا ذكرك فإنّك قلت وإذ أخذ
گردانیدی ما را از اهل آنکه اجابت نمود و فراموش نکردی از ما یاد خود را پس بدرستیکه تو گفته و هنگامیکه فرا گرفت
ربّك من بني آدم من ظهورهم ذرّيتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست
پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهاشان فرزندانشان و گواهی گرفت ایشان را بر خودهاشان آیا نیستم
بربّكم قالوا بلى شهدنا بمنّك ولطفك بأنّك أنت الله لا إله إلّا
پروردگار شما گفتند آری گواه شدیم بنعمت تو و مهربانی تو بدرستیکه تو خدائی نیست خدائی مگر
أنت ربّنا ومحمّد عبدك ورسولك ونبيّنا وعليّ أمير المؤمنين
تو پروردگار ما و محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر ما و علی پادشاه گروندگان
عبدك الذي أنعمت به علينا وجعلته آية لنبيّك صلّى الله
بنده تو که احسان کرده باو بر ما و گردانیده که نشانه مر پیغمبر تو رحمت خدا
عليه وآله وآيتك الكبرى وصراطك المستقيم والنبأ العظيم
براو و آل او و نشانه بزرگ تو و راه راست تو و خبر بزرگ

الذي هم فيه مختلفون وعنه مسؤولون اللهمّ فكما كان من
که ایشان در آن اختلاف میکنند و از او پرسیده شوند خداوندا پس چنانچه بود از
شأنك أن أنعمت علينا بالهداية إلى معرفتهم فليكن من شأنك
کار تو که احسان کردی بر ما براه نمائی بسوی شناخت ایشان پس بوده باشد از کار تو
أن تصلّي على محمّد وآل محمّد وأن تبارك لنا في يومنا هذا الذي
آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و آنکه برکت دهی برای ما در روز ما این روز که
أكرمتنا فيه وذكّرتنا فيه عهدك وميثاقك وأكملت ديننا و
گرامی داشتی ما را در آن و یاد آوردی ما را در آن عهد تو و پیمان تو و کامل کردی دین ما را و
أتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنّك من أهل الإجابة لك و
تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را بانعام تو از اهل اجابت مر ترا و
البراءة من أعدائك وأعداء أوليائك المكذّبين بيوم الدين
بیزاری از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو تکذیب کنندگان بروز جزا
فأسألك يا ربّ تمام ما أنعمت وأن تجعلنا من الموفين ولا
پس درمیخواهم ترا ای پروردگارم تمامی آنچه انعام کردی و آنکه بگردانی ما را از وفا کنندگان
تلحقنا بالمكذّبين واجعل لنا قدم صدق مع المتّقين واجعل
ملحق نسازی بتکذیب کنندگان و بگردان برای ما قدم براستی با پرهیزکاران و بگردان
لنا مع المتّقين إماماً يوم تدعو كلّ أناس بإمامهم واحشرنا
برای ما با پرهیزکاران پیشوایان روزیکه بخوانی همه مردمان را بپیشوایان ایشان و برانگیز ما را
في زمرة أهل بيت نبيّك الأئمّة الصادقين واجعلنا من
در زمره اهل بیت پیغمبر تو پیشوایان راستگویان و بگردان ما را از
البراء من الذين هم دعاة إلى النار ويوم القيامة هم من المقبوحين
آنانکه بیزارند از آنانکه ایشان خوانندگان بسوی آتش و روز قیامت ایشان از زشت کارانند
وأحينا على ذلك ما أحييتنا واجعل لنا مع الرسول سبيلاً
و زنده دار ما را بر این مادام که زنده داری ما را و بگردان برای ما با پیغمبر راهی
واجعل لنا قدم صدق في الهجرة إليهم واجعل محيانا خير المحيا
و بگردان برای ما قدم ثابت در کوچ کردن بسوی ایشان و بگردان زندگی ما را بهتر زندگی
ومماتنا خير الممات ومنقلبنا خير المنقلب على موالاة أوليائك
و مردن ما را بهتر مردن و بازگشت ما را بهتر بازگشت بر دوستی دوستان تو

وَمُعَادَاةِ اَعْدَائِكَ حَتّٰى تَوَفَّانَا وَاَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ اَوْجَبْتَ لَنَا
جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْمَثْوٰى مِنْ جِوَارِكَ فِي دَارِ
الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ
رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا
وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ
الْمِيعَادَ اَللّٰهُمَّ احْشُرْنَا مَعَ الْاَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ
بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِالْحَقِّ
الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ بِهِ عَلَى الْعَالَمِينَ جَمِيعًا
اَنْ تُبَارِكَ لَنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي اَكْرَمْتَنَا فِيهِ بِالْمُوَافَاةِ بِعَهْدِكَ
الَّذِي عَهِدْتَهُ اِلَيْنَا وَالْمِيثَاقِ الَّذِي وَاثَقْتَنَا بِهِ مِنْ مُوَالَاةِ اَوْلِيَائِكَ
وَالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكَ اَنْ تُتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَلَا تَجْعَلَهُ مُسْتَوْدَعًا
وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا وَلَا تَسْلُبْنَاهُ اَبَدًا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا وَارْزُقْنَا
مُرَافَقَةَ وَلِيِّكَ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ اِلَى الْهُدٰى وَتَحْتَ لِوَائِهِ وَفِي زُمْرَتِهِ
شُهَدَاءَ صَادِقِينَ عَلٰى بَصِيرَةٍ مِنْ دِينِكَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاكْرَ

ابن

عمل نماید دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ مفید غیر او از حضرت
صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند
هر وقت که خواهد و اگر نزدیک بزوال بکند که در آن ساعت حضرت رسول
حضرت امیر المؤمنین را در روز غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب
کرد بهتر است یعنی هر سوره که خواهد و اگر در رکعت اول انا انزلناه و در
رکعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر دیگر وارد شده
بهتر است پس بسجده رود و صد مرتبه شکرا لله بگوید و چون سر از سجده بردارد این دعا را بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاَنَّ
لَكَ الْحَمْدَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَاَنَّكَ وَاحِدٌ اَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ
لَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا اَحَدٌ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَاْنٍ كَمَا كَانَ مِنْ شَاْنِكَ
اَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ بِاَنْ جَعَلْتَنِي مِنْ اَهْلِ اِجَابَتِكَ وَاَهْلِ دِينِكَ وَ
اَهْلِ دَعْوَتِكَ وَوَفَّقْتَنِي لِذٰلِكَ فِي مُبْتَدَءِ خَلْقِي تَفَضُّلًا مِنْكَ وَكَرَمًا
وَجُودًا ثُمَّ اَرْدَفْتَ الْفَضْلَ فَضْلًا وَالْجُودَ جُودًا وَالْكَرَمَ كَرَمًا رَاْفَةً
مِنْكَ وَرَحْمَةً اِلٰى اَنْ جَدَّدْتَ ذٰلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيدًا بَعْدَ تَجْدِيدِكَ
خَلْقِي وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا نَاسِيًا سَاهِيًا غَافِلًا فَاَتْمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِاَنْ
ذَكَّرْتَنِي ذٰلِكَ وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَهَدَيْتَنِي لَهُ فَلْيَكُنْ مِنْ شَاْنِكَ يَا اِلٰهِي وَ
سَيِّدِي وَمَوْلَايَ اَنْ تُتِمَّ لِي ذٰلِكَ وَلَا تَسْلُبْنِيهِ حَتّٰى تَتَوَفَّانِي عَلٰى

ذلک

ذلك وانت عني راض فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك علي اللهم
سمعنا واطعنا واجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا
واليك المصير امنا بالله وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى
الله عليه واله وصدقنا واجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في
موالاة مولينا ومولى المؤمنين امير المؤمنين علي بن ابي طالب
عبد الله واخي رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته المؤيد
به نبيه ودينه الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه و
عيبة غيب الله وموضع سر الله وامين الله على خلقه وشاهده
في بريته اللهم ربنا اننا سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا
بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا
مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيمة
انك لا تخلف الميعاد فانا ربنا بمنك ولطفك وجودك اجبنا
داعيك واتبعنا الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين
وكفرنا بالجبت والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا

فانا بهم مؤمنون موقنون ولهم مسلمون امنا بسرهم وعلانيتهم
وشاهدهم وغائبهم وحيهم وميتهم ورضينا بهم ائمة و
قادة وسادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه لا
نبتغي بهم بدلا ولا نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كل
من نصب لهم حربا من الجن والانس من الاولين والاخرين و
كفرنا بالجبت والطاغوت والاوثان الاربعة واشياعهم واتباعهم
وكل من والاهم من الجن والانس من اول الدهر الى اخره اللهم
انا نشهدك انا ندين بما دان به محمد وال محمد صلى الله عليه
وعليهم وقولنا ما قالوا وديننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا
وما دانوا به دنا وما انكروا انكرنا ومن والوا والينا ومن عادوا
عادينا ومن لعنوا لعنا ومن تبرؤا منه تبرانا منه ومن ترحموا
عليه ترحمنا عليه امنا وسلمنا ورضينا واتبعنا موالينا
صلوات الله عليهم اللهم فتمم لنا ذلك ولا تسلبناه واجعله
مستقرا ثابتا عندنا ولا تجعله مستعارا واحينا ما احييتنا

عَلَيْهِ وَآمَنّا اِذا آمَنْتا عَلَيْهِ آلُ مُحَمَّدٍ اَئِمَّتُنا فَبِهِمْ ائْتَمَمْنا وَاِيّاهُمْ نُوالي
وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللهِ نُعادي فَاجْعَلْنا فَاجْعَلْنا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيا
وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ فَاِنّا بِذٰلِكَ راضُونَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ پس

بسجده رود وصد مرتبه الحمد لله وصد مرتبه شکراً لله بگوید پس حضرت فرمود که
هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته باشد که در روز غدیر بود در نزد حضرت
رسول خدا حاضر شده باشد و با حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین ع ولایت آن
حضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه راست گویان و تصدیق کنندگان
باشد که تصدیق خدا و رسول در آن روز از روی اخلاص کرده‌اند مانند سلمان و ابوذر و
مقداد و مانند کسی باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و امیر المؤمنین و حسن
و حسین صلوات الله علیهم و مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر و در
زیر خیمه آنحضرت بوده باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت
و ایضاً شیخ مفید روایت کرده است که سنت است این دعا را در روز غدیر بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّأْنِ وَالْقَدْرِ الَّذي خَصَصْتَهُما بِهِ دُونَ
خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَاَنْ تَبْدَأَ بِهِما في كُلِّ خَيْرٍ عاجِلٍ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْقادَةِ وَالدُّعاةِ السّادَةِ
وَالنُّجُومِ الزّاهِرَةِ وَالْاَعْلامِ الْباهِرَةِ وَساسَةِ الْعِبادِ وَاَرْكانِ
الْبِلادِ وَالنّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفينَةِ النّاجِيَةِ الْجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغامِرَةِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزّانِ عِلْمِكَ وَاَرْكانِ تَوْحيدِكَ وَدَعائِمِ
دينِكَ وَمَعادِنِ كَرامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ
الْاَتْقِياءِ الْاَنْقِياءِ النُّجَباءِ الْاَبْرارِ وَالْبابِ الْمُبْتَلى بِهِ النّاسُ مَنْ
اَتاهُ نَجا وَمَنْ اَباهُ هَوى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَهْلِ الذِّكْرِ
الَّذينَ اَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ
حَقَّهُمْ وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعادَ مَنِ اقْتَصَّ آثارَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَمَرُوا بِطاعَتِكَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبادَكَ
عَلى وَحْدانِيَّتِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجيبِكَ وَ
صَفْوَتِكَ وَاَمينِكَ وَرَسُولِكَ اِلى خَلْقِكَ وَبِحَقِّ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَيَعْسُوبِ
الدّينِ وَقائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلينَ الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدّيقِ الْاَكْبَرِ وَالْفارُوقِ
بَيْنَ الْحَقِّ وَالْباطِلِ وَالشّاهِدِ لَكَ وَالدّالِّ عَلَيْكَ وَالصّادِعِ بِاَمْرِكَ
وَالْمُجاهِدِ في سَبيلِكَ لَمْ تَأْخُذْهُ فيكَ لَوْمَةُ لائِمٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَني في هٰذَا الْيَوْمِ الَّذي عَقَدْتَ فيهِ لِوَلِيِّكَ الْعَهْدَ في
اَعْناقِ خَلْقِكَ وَاَكْمَلْتَ لَهُمُ الدّينَ مِنَ الْعارِفينَ بِحُرْمَتِهِ وَالْمُقِرّينَ

بفضله ومن عتقائك وطلقائك من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم
اللهم فكما جعلته عيدك الاكبر وسميته في السماء يوم العهد
المعهود وفي الارض يوم الميثاق الماخوذ والجمع المسئول صل على
محمد وآل محمد واقرر به عيوننا واجمع شملنا ولا تضلنا بعد اذ
هديتنا واجعلنا لانعمك من الشاكرين يا ارحم الراحمين الحمد لله
الذي عرفنا فضل هذا اليوم وبصرنا حرمته وكرمنا به وشرفنا
بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا امير المؤمنين عليكما وعلى
عترتكما وعلى محبيكما مني افضل السلام ما بقي الليل والنهار وبكما
اتوجه الى الله ربي وربكما في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير
اموري اللهم اني اسئلك بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد
وآل محمد وان تلعن من جحد حق هذا اليوم وانكر حرمته فصد
عن سبيلك لاطفاء نورك فابى الله الا ان يتم نوره اللهم فرج عن
اهل بيت محمد نبيك واكشف عنهم وبهم عن المؤمنين الكربات اللهم
املاء الارض بهم عدلا كما ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم

انك

انك لا تخلف الميعاد واگر بعد از این دعا بسجده رود وصد مرتبه شکرا
وصد مرتبه الحمد لله بگوید وصد مرتبه اینرا بخواند الحمد لله على اكمال الدين واتمام النعمة ورضى الرب
بگوید الكريم والحمد لله رب العالمين والصلوة على خير خلقه محمد
وعترته الطاهرين بهتر خواهد بود چنانکه سید بن باقی وکفعمی روایت
کرده اند اما شیخ مفید این زیادتی را نقل نکرده است

فصل پنجم

در فضیلت واعمال روز مباهله است تا آخر ماه ودر
تعیین روز مباهله میان علما خلافست واشهر واقوی آنست که روز بیست
وچهارم است وبعضی بیست وپنجم وبعضی بیست وهفتم وبعضی بیست ویکم
نیز گفته اند واگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است و
آنچه مشهور است بیست وچهارم است وسبب فضیلت روز مباهله آنست که
چون حضرت رسول رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب
بودند وایشان بکتب خود رجوع کردند واوصاف حضرت رسالت را در کتب
جمیع انبیا مشاهده کردند حب دنیا بر اکثر علمای ایشان غالب شد وایمان
نیاوردند وهفتاد نفر از علما وعظمای خود را فرستادند که صفاتی که در
کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده نمایند وچون بمدینه داخل شدند
صفات را موافق یافتند وحضرت رسول حجتهای شافی بر ایشان تمام کرد وبا بعضی
از ایشان بسبب حب ریاست واغراض باطله مضایقه کردند در ایمان آوردن
وحق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم
فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل
فنجعل لعنة الله على الكاذبين یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی بعد از
آنچه آمده است بسوی تو از علم وبرهان والقا کردی بر ایشان وقبول نکردند پس
بگو ای محمد بیایید بخوانیم پسران خود را وپسران شما را وزنان خود را وزنان شما را

وجانهای خود را وجانهای شما را یعنی آنهائیکه بمنزلهٔ جانها اند وآنهائیکه بمنزلهٔ
جان شما اند پس تضرع کنیم ودعا کنیم پس بگردانیم لعنت خدا ودوری از رحمت
خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما وشما پس حضرت رسول عبائی بر دوش مبارک
گرفت وحضرت امیر المؤمنین وفاطمه وحسن وحسین علیهم السلام را در زیر عبا
داخل کرد وگفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین
خلق بوده اند باو خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان بر طرف کن شک
وگناه را وپاک کن ایشانرا پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد واین آیه کریمه را
در شان ایشان آورد انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم
تطهیرا یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زائل گرداند از شما اهل بیت
بدی وشک را وپاک گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی پس حضرت رسول و
علی وفاطمه وحسن وحسین صلوات الله علیهم را با خود بیرون بردند از مدینه
برای مباهله وچون نصاری حضرتها آنحضرت را دیده بودند وبعد از ایشان
آنحضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب بر زمین وآسمان
ظاهر شد وعالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من روئی چند میبینم
که اگر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد پس جرات نکردند
بر مباهله واستدعای مصالحه کردند وقبول کردند که هر سال جزیه
بدهند وحضرت ایشانرا نفرین نکرد وبامر الهی بر ایشان جزیه قرار داد وحضرت
فرمود بخدا سوگند که هلاک وعذاب نزدیک شده بود بر اهل نجران واگر مباهله
میکردم هر آینه همه اینجماعت میمون وخوک میشدند واین وادی بر ایشان
آتش میشد وسرایت میکرد بنجران وهمه ترسایان نجران میسوختند وپیش
از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند ویک نصرانی بر روی زمین زنده
نمیماند وباین سبب چند برهان بر حقیت آنحضرت ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که
اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را وعزیزترین اهل خود را در معرض مباهله
بدر نمی آورد دوم اگر بجماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله
کردند ومذلت وخواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند سوم آنکه ظاهر شد که

آل عبا بزرگوارترین خلق بودند که ایشانرا آنحضرت در دعا با خود شریک گردانید
سیم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود
ایشانرا در معرض نفرین بدر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را بمهالک
می افکند اما اعزه وعیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه
صاحب کشاف وغیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن
وحسین فرزند حقیقی آنحضرت اند ورتبهٔ ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است
نزد خدا ورسول با آن صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده واز زنان
وسایر قرابات با آنحضرت اخص واقرب بوده ومنزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر
ششم آنکه باتفاق عامه وخاصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مباهله
داخل بود ودر ابنا ونسا نیست پس باید داخل انفسنا باشد وحقیقت در این
جا مراد نمی تواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس مراد آنست که اختصاص
آنحضرت بحضرت رسالت در کمالات وصفات بمرتبهٔ بود که بمنزلهٔ نفس و
جان آنحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول بود باید که در آنحضرت باشد
بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه وجمیع پیغمبران بغیر از
حضرت وباید که مخصوص ترین خلق باشد با آنحضرت واعز خلق باشد نزد او و
روایات مفصلهٔ این قصه شریفه وفوایدی که از آن مستفاد میشود در
کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام واین رساله گنجایش ذکر آنها ندارد واز جملهٔ
اموریکه در روز بیست وچهارم واقع شده وموجب مزید فضل گردیده
آنست که در این روز حضرت امیر المؤمنین ع در رکوع نماز انگشتری خود را
بسائل بخشید واین آیه کریمه نازل شد وامامت آنحضرت بر اصحاب بصراحت
هویدا گردید انما ولیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة
ویؤتون الزکوة وهم راکعون یعنی نیست ولی بامر شما ومالک اختیار شما مگر
خدا ورسول او وآنها که ایمان آورده اند ونماز را بر پا میدارند وچنانچه
باید بجا می آورند وزکوة میدهند در رکوع واین آیه نص صریح است بر امامت
آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام ودر این روز غسل سنت است وزیارت

حضرت امیر المؤمنین و ادر این روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه
مناسبست و روزهٔ این روز مستحبست و تاسّی بمولای خود امیر المؤمنین کردن
در تصدّق بر فقرا و ارباب حاجات بانچه مقدور و میسّر باشد مطلوبست
و اعمال این روز مبارک بسیار است اوّل شیخ طوسی ره از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که در این روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت
نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد از حمد هر یک از سورهٔ
قل هو الله و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سورهٔ انا انزلناه را ده مرتبه بخواند
اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر
حاجتی از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی سؤال کند البته بر آورده شود
هر چند عظیم باشد انشاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال روز عید
غدیر مذکور شد عمل دویم از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی و سیّد بن
طاوس قدس الله روحهما بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند و
آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمّد باقر ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که
اگر گویم در این دعا اسم اعظم حقتعالی هست هر اینه راست گفته ام و اگر مردم
بدانند که این دعا در اجابت چگونه تاثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد
سعی مینمایند در تحصیل آن هر چند باید که فال کنند و من هر حاجت که عارض می
شود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میگردد
و این دعائیست که در روزی که آیهٔ مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند جلیل
بر حضرت سیّد رسل نازل شد این دعا را آورد و گفت برای مباهله بیرون رو و
وصیّ خود علی بن ابی طالب و سیّدهٔ نسا فاطمهٔ زهرا و دو نور دیده و فرزند دلبند
خود حسن و حسین را با خود ببر و این دعا را بخوان و با ترسایان مباهله
کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت امام جعفر صادق ع گفت که هر گاه این دعا را
خواهید جهد و سعی کنید در دعا و تضرّع و این دعا را شفیع خود کردانید در
حاجتها و از کسیکه اهلش نباشد و سفیهان و منافقان پنهان دارید و با ایشان
تعلیم منمائید که از علمهای مخزونست و هر کس قابل این کوهر گرانمایه نیست دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ بَهائِکَ بِاَبْهاهُ وَ کُلُّ بَهائِکَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا از نیکی تو به نیکوتران و هر نیکی تو نیکوست خداوندا
اِنّی اَسْئَلُکَ بِبَهائِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ جَلالِکَ بِاَجَلِّهِ وَ
بدرستیکه من میخواهم ترا به نیکی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا از بزرگی تو به بزرگتران و
کُلُّ جَلالِکَ جَلیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِجَلالِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
همه بزرگی تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا به بزرگی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم
مِنْ جَمالِکَ بِاَجْمَلِهِ وَ کُلُّ جَمالِکَ جَمیلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِجَمالِکَ کُلِّهِ
از نیکی تو به نیکوتران و همه نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا به نیکوئی تو همه آن
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا چنانکه امر کرده مرا پس مستجاب کن از من چنانچه وعده کرده مرا خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا
مِنْ عَظَمَتِکَ بِاَعْظَمِها وَ کُلُّ عَظَمَتِکَ عَظیمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
از بزرگواری تو به بزرگوارتران و هر بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا
بِعَظَمَتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ نُورِکَ بِاَنْوَرِهِ وَ کُلُّ نُورِکَ
بزرگواری همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا از نور تو به روشنتران و هر نور تو
نَیِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِنُورِکَ کُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ رَحْمَتِکَ
روشن است خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بنور تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا از رحمت تو
بِاَوْسَعِها وَ کُلُّ رَحْمَتِکَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ کُلِّها
بفراگیرنده تران و همه رحمت تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا برحمت تو همه آن
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَما اَمَرْتَنی فَاسْتَجِبْ لی کَما وَعَدْتَنی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا چنانکه فرموده مرا پس مستجاب کن از من چنانچه وعده کرده مرا خداوندا بدرستیکه من میخواهم
مِنْ کَمالِکَ بِاَکْمَلِهِ وَ کُلُّ کَمالِکَ کامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِکَمالِکَ کُلِّهِ
از کمال تو بکاملترین و همه کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بکمال تو همه آن
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ کَلِماتِکَ بِاَتَمِّها وَ کُلُّ کَلِماتِکَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ
خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا از کلمات تو بتمامتران و همه کلمات تو تمام است خداوندا
اِنّی اَسْئَلُکَ بِکَلِماتِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ مِنْ اَسْمائِکَ بِاَکْبَرِها
بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکلمات تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا از نامهای تو به بزرگتران
وَ کُلُّ اَسْمائِکَ کَبیرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاَسْمائِکَ کُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی
و همه نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من میخواهم ترا بنامهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني اسئلك من
عزتك باعزها وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسئلك بعزتك
كلها اللهم اني اسئلك من مشيتك بامضاها وكل مشيتك
ماضية اللهم اني اسئلك بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك بقدرتك
التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني
اسئلك بقدرتك كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي
كما وعدتني اللهم اني اسئلك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ
اللهم اني اسئلك بعلمك كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه
وكل قولك رضي اللهم اني اسئلك بقولك كله اللهم اني اسئلك
من مسائلك باحبها وكل مسائلك حبيبة اللهم اني اسئلك بمسائلك
كلها اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم اني
اسئلك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني
اسئلك بشرفك كله اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه
وكل سلطانك دائم اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم

اني اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسئلك
بملكك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهم اني اسئلك من علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم
اني اسئلك بعلائك كله اللهم اني اسئلك من آياتك باعجبها
وكل آياتك عجيبة اللهم اني اسئلك بآياتك كلها اللهم اني
اسئلك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسئلك
بمنك كله اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم
واني اسئلك بما انت فيه من الشئون والجبروت اللهم واني
اسئلك بكل شان وكل جبروت لك اللهم واني اسئلك بما تجيبني
به حين اسئلك يا الله يا لا اله الا انت اسئلك ببهاء لا اله الا
انت يا لا اله الا انت اسئلك بجلال لا اله الا انت يا لا اله الا انت
اسئلك بلا اله الا انت اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي
كما وعدتني اللهم اني اسئلك من رزقك باعمه وكل رزقك عام اللهم اني
اسئلك برزقك كله اللهم اني اسئلك من عطائك باهنئه وكل عطائك

هنيئ اللهمّ انّي اسئلك بعطائك كلّه اللهمّ انّي اسئلك من خيرك
باعجله وكلّ خيرك عاجل اللهمّ انّي اسئلك بخيرك كلّه اللهمّ انّي
اسئلك من فضلك بافضله وكلّ فضلك فاضل اللهمّ انّي اسئلك
بفضلك كلّه اللهمّ انّي ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني
اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وابعثني على الايمان بك والتصديق
برسولك عليه وآله السلام والولاية لعليّ بن ابي طالب والبراءة
من عدوّه والايتمام بالائمّة من آل محمّد عليهم السلام وانّي قد
رضيت بذلك يا ربّ اللهمّ صلّ على محمّد عبدك ورسولك في الاوّلين
وصلّ على محمّد وآل محمّد في الآخرين وصلّ على محمّد وآله في الملأ
الاعلى وصلّ على محمّد وآله في المرسلين اللهمّ اعط محمّدا الوسيلة
والشرف والفضيلة والدرجة الكبيرة اللهمّ صلّ على محمّد وآل
محمّد وقنّعني بما رزقتني وبارك لي فيما اعطيتني واحفظني في غيبتي و
في كلّ غائب هو لي اللهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد واسئلك خير الخير
رضوانك والجنّة واعوذ بك من شرّ الشرّ سخطك والنار اللهمّ

صلّ على محمّد وآل محمّد واحفظني من كلّ مصيبة ومن كلّ
بليّة ومن كلّ عقوبة ومن كلّ فتنة ومن كلّ بلاء ومن كلّ شرّ و
من كلّ مكروه ومن كلّ آفة نزلت او تنزل من السماء الى الارض
في هذه الساعة وفي كلّ ساعة وفي هذه الليلة وفي هذا
اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهمّ صلّ على محمّد و
آل محمّد واقسم لي من كلّ سرور ومن كلّ بهجة ومن كلّ استقامة
ومن كلّ فرج ومن كلّ عافية ومن كلّ سلامة ومن كلّ كرامة ومن
كلّ رزق واسع حلال طيّب ومن كلّ نعمة ومن كلّ سعة نزلت او
تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة و
في هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهمّ ان كانت ذنوبي
قد اخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك وغيّرت حالي عندك
فانّي اسئلك بنور وجهك الّذي لا يطفأ وبوجه محمّد حبيبك المصطفى
وبوجه وليّك عليّ المرتضى وبحقّ اوليائك الّذين انتجبتهم ان
تصلّي على محمّد وآل محمّد وان تغفر لي ما مضى من ذنوبي وان تعصمني

فیما بقی من عمری واعوذ بک اللهم ان اعود فی شیء من معاصیک
ابداً ما ابقیتنی حتی تتوفانی وانا لک مطیع وانت عنی راض وان
تختم لی عملی باحسنه وتجعل لی ثوابه الجنة وان تفعل بی ما انت
اهله یا اهل التقوی ویا اهل المغفرة وصل علی محمد وآل
محمد وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین و بعد از ان هر حاجت که
داری از خدا طلب
کنه انشاء الله بر آورده است مؤلف گوید که خواندن این دعا در روز مباهله
انسب است و شیخ طوسی ره نیز در این روز روایت کرده است و از روایات
مذکوره معلوم میشود که در همه فصلها توان خواندن و در دعا اختلافی هست
میان روایات و آنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت
دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه باین دعا در سحرهای
ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار
و از عظیم ترین دعاها است عمل سیم آنست که شیخ طوسی و دیگران بسند معتبر
از حضرت موسی بن جعفر روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم
ماه ذی الحجه است و در این روز اگر خواهی این نماز بکن و در هر دو رکعت نماز
کر بکنی بعد از ان هفتاد مرتبه استغفر الله ربی واتوب الیه بگوئی پس بایستی
در موضع سجود خود نظر میکنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و در روایت
دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است و باید که روز را روزه
بداری برای شکر حق تعالی بر این نعمت عظمی و غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای
خود را بپوش و آنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل
و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر
شوی و الا بجای خلوتی بروی و یا بر کوه بلندی برائی یا بصحرائی بروی و باید که از

منزل خود بیرون برود و غسل کند و بهترین جامهای خود را بپوشد و چون
بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرایط و بعد از
سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این
دعا را بخواند و بعد از ان فرمود که پس هر دعائی که خواهی بکنی باز دو رکعت
نماز بکن و دعا کن الحمد لله رب العالمین الحمد لله فاطر السموات
و دعا اینست
والارض الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض الحمد لله
الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا
بربهم یعدلون الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به جاهلا ولولا تعریفه
ایای لکنت هالکا اذ قال وقوله الحق قل لا اسئلکم علیه اجرا
الا المودة فی القربی فبین لی القرابة وقال سبحانه انما یرید الله
لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا فبین لی اهل
بعد القرابة ثم قال تعالی مبینا عن الصادقین الذین امرنا بالکون
معهم والرد الیهم بقوله سبحانه یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله
وکونوا مع الصادقین فاوضح عنهم وابان عن صفتهم بقوله
جل ثناؤه فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم ونساءنا ونساءکم
وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین فلک

الشكر يا رب ولك المن حيث هديتني وارشدتني حتى لم يخف علي
الاهل والبيت والقرابة فعرفتني نساءهم واولادهم ورجالهم
اللهم اني اتقرب اليك بذلك المقام الذي لا يكون اعظم منه فضلا
للمؤمنين ولا اكثر رحمة لهم بتعريفك اياهم شانه وابانتك فضل
اهله الذين بهم ادحضت باطل اعدائك وثبت بهم قواعد دينك
ولولا هذا المقام المحمود الذي انقذتنا به ودللتنا على اتباع
المحقين من اهل بيت نبيك الصادقين عنك الذين عصمتهم من
لغو المقال ومدانس الافعال لخصم اهل الاسلام وظهرت كلمة
اهل الالحاد وفعل اولي العناد فلك الحمد ولك المن ولك
الشكر على نعمائك واياديك اللهم فصل على محمد وال محمد الذين
افترضت علينا طاعتهم وعقدت في رقابنا ولايتهم واكرمتنا
بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا بالقول الثابت الذي عرفوناه
فاعنا على الاخذ بما بصروناه واجز محمدا عنا افضل الجزاء بما نصح
لخلقك وبذل وسعه في ابلاغ رسالاتك واخطر بنفسه في اقامة

دينك

دينك وعلى اخيه ووصيه والهادي من بعده الى دينه
والمقيم سنته علي امير المؤمنين صلوات الله عليه وصل على
الائمة من ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك
وادخلنا بشفاعتهم دار الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء
اصحاب الكساء والعباء يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا
واسألك بحق ذلك المقام المحمود واليوم المشهود ان تغفر لي
وتتوب علي انك انت التواب الرحيم اللهم اني اشهد ان ارواحهم
وطينتهم واحدة وهي الشجرة التي طاب اصلها وفرعها واغصانها
واوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزي في الدنيا
والاخرة بولايتهم واوردنا موارد الامن من اهوال يوم القيمة
بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واهتدائنا بهداهم
واعتقادنا ما عرفوناه من توحيدك ووقفونا عليه من تعظيم
شانك وتقديس اسمائك وشكر آلائك ونفي الصفات ان
تحلك والعلم ان يحيط بك والوهم ان يقع عليك فانك افحمتهم

حججا

حججا على خلقك ودلائل على توحيدك وهداة تنبه على أمرك
وتهدي إلى دينك وتوضح ما أشكل على عبادك وبابا للمعجزات
التي يعجز عنها غيرك وبها تبين حجتك وتدعو إلى تعظيم السفير
بينك وبين خلقك وأنت المتفضل عليهم حيث قربتهم من ملكوتك
واختصصتهم بسرك واصطفيتهم لوحيك وأورثتهم غوامض
تأويلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك وحنانا على بريتك و
علما بما تنطوي عليه ضمائر أمنائك وما يكون من شأن صفوتك
وطهرتهم في منشئهم ومبتدئهم وحرستهم من نفث نافث إليهم
وأريتهم برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لأمرك وشغلوا
أنفسهم بطاعتك وملؤوا أجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم
أمرك وجزؤوا أوقاتهم فيما يرضيك وأخلوا دخائلهم من معاريض
الخطرات الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لإرادتك و
عقولهم مناصب لأمرك ونهيك وألسنتهم تراجمة لسنتك ثم أكرمتهم
بنورك حتى فضلتهم من بين أهل زمانهم والأقربين إليهم فخصصتهم

بوحيك وأنزلت إليهم كتابك وأمرتنا بالتمسك بهم والرد إليهم
والاستنباط منهم اللهم فإنا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك
صلواتك عليهم الذين أقمتهم لنا دليلا وعلما وأمرتنا باتباعهم
اللهم فإنا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون
فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصادقين
المصدقين لهم المنتظرين لأيامهم الناظرين إلى شفاعتهم
ولا تضلنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك
أنت الوهاب آمين رب العالمين اللهم صل على محمد نبيك و
على أخيه وصنوه أمير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين
وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح الأمين وباهل
الله تعالى بهم المباهلين فقال وهو أصدق القائلين فمن حاجك
فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم
ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله
على الكاذبين ذلك الإمام المخصوص بمؤاخاته يوم الإخاء والمؤثر

بالقوت بعد ضرّ الطوى و من شكر الله سعيه في هل اتى و من
پس از گرسنگى و آنكه ستوده خدا كوشش او را در سوره هل اتى و هر كه
شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه مولى الانام و
گواهى داد بفضل او دشمن او و اقرار كرده بفضائل او انكار كننده اختيار مردمان و
مكسّر الاصنام و من لم تاخذه في الله لومة لائم صلى الله
شكننده بتها و آنكه فرا نگرفت او را در راه خدا سرزنش كننده رحمت
عليه و اله ما طلعت شمس النهار و اورقت الاشجار و على
خدا بر او و آل او كه بر آيد آفتاب روز و برگ ريزد درختان و بر
النجوم المشرقات من عترته و الحجج الواضحات من ذريته و اين دعا
ستارها درخشان از ذريت او و حجتهاى روشن از فرزندان او
بحسب سند و متن اصح ادعيه است و ديگر از ايام متبركه روز بيست و پنجم است
و مشهور است كه در اين روز سوره كريمه هل اتى در شان حضرت امير المؤمنين
و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسين نازل شده بسبب آنكه حسن و حسين
بيمار شدند و حضرت سيد رسل بعيادت ايشان رفت و امر فرمود كه حضرت
امير المؤمنين و فاطمه و حسن و حسين نذر كردند كه اگر خدا ايشان را عافيت
دهد سه روز روزه بگيرند و چون عافيت كرامت كرد آن چهار بزرگوار
با فضه خادمه ايشان روزه گرفتند و نداشتند چيزى كه بآن افطار نمايند پس
حضرت امير قدرى پشم از شمعون يهودى گرفت با سه صاع جو كه حضرت فاطمه هر
روز ثلث آن پشم را بريسد و يكصاع از آن جو را بمزد خود بردارد پس در روز
اول فاطمه قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعى از جو برداشت
و آرد كرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امير با حضرت رسول نماز شام كرده
بخانه برگشت و حضرت فاطمه پنج گرده نان را حاضر كرد و خواستند افطار نمايند
مسكينى بر در خانه ندا كرد كه السلام عليكم اى اهل بيت محمد من مسكينم
از مساكين مسلمانان مرا طعام دهيد تا خدا شما را از مائدهاى بهشت طعام
دهد پس حضرت امير ابتدا كرد و فرمود كه من نان خود را ميدهم و سائر اهل
بيت با فضه با آنحضرت موافقت كردند و نانهاى خود را بسائل دادند و باب افطار

كردند و روز ديگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه عليها السلام بمزد
رشتن ثلث ديگر از پشم يكصاع ديگر را از جو برداشت و آرد كرد و پنج گرده
ديگر پخت و چون خواستند افطار كنند سائلى بر در خانه آمد و صدا زد
كه السلام عليكم اى اهل بيت محمد من يتيمى ام از اولاد مهاجرين و پدرم در
روز عقبه شهيد شده است مرا طعام دهيد تا خدا شما را از خوانهاى بهشت
طعام دهد پس حضرت امير مؤمنان اول نان خود را داد و بعد از او فاطمه
زهرا و بعد از او دو گوشواره عرش خدا و بعد از ايشان فضه سعادت
مند همگى نانهاى خود را به يتيم دادند و باب افطار نمودند و در روز
سيم روزه داشتند و باز حضرت سيدة النساء در روز سيم بقيه پشم را
رشت و بقيه جو را گرفت و در آسيا خورد كرد و باز پنج گرده نان پخت و چون
حضرت امير كبير از نماز برگشت حضرت فاطمه طعام را حاضر ساخت كه افطار نمايند
ناگاه اسيرى از اسيران كافران ندا كرد كه السلام عليكم اى اهل بيت محمد
ما را اسير ميكنيد و ميبنديد و طعام نميدهيد بخورد پس بخوشيهاى سابق
همه گرده ها نان را بسائل دادند و باب بجا افطار فرمودند چون صبح شد حق
تعالى سوره كريمه هل اتى را در شان ايشان فرستاد و در آن سوره اشاره
باين قصه نمود كه يوفون بالنذر و يخافون يوما كان شره مستطيرا و يطعمون
الطعام على حبه مسكينا و يتيما و اسيرا انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم
جزاء و لا شكورا انا نخاف من ربنا يوما عبوسا قمطريرا يعنى وفا ميكنند بنذر
و ميترسند از روزى كه شر آن اكثر خلق را فرا گرفته است و ميخورانند طعام را
با خواهش و محبت آن يا از براى محض محبت خدا بمسكين و يتيم و اسير و ميگويند
يعنى در دل خود و نيت ايشان اينست كه ما طعام ميدهيم شما را مگر از براى
رضاى خدا نميخواهيم از شما نه جزا و پاداش را و نه شكر و ثنائى را ما ميترسيم از روز
قيامت كه در نهايت شدت و هولست و چون در روز چهارم كه بيست
پنجم ماه ذى الحجه بود سوره هل اتى در مدح ايشان نازل شد حضرت رسول بخانه
اهل بيت آمد و ايشان را با آن شدت گرسنگى و آن حالت غريب مشاهده نمود

گویند وفرمود که این چه حالتست که در شما مشاهده مینمایم و امام حسن و امام
حسین را دید که از نقاهت بیماری و از گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید
میلرزند و حضرت فاطمه را دید در محراب عبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم
مبارکش به پشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود و چون از نماز فارغ
شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در آن کاسه بود و گوشت
و ثرید گرم در میان آن بود که میجوشید و بوئی بهتر از بوی مشک از آن ساطع بود
پس حضرت فاطمه آن خوان را نزد حضرت رسول آورد حضرت فرمود که ای فاطمه این را از کجا آوردی
گفت از جانب خدا آمده است خدا هر کرا خواهد روزی میدهد بی حساب حضرت
فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم
پس از آن تناول نمودند تا هفت روز از آن میخوردند و آخر نمیشد و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که آن کاسه نزد ماست و حضرت صاحب الامر آن را ظاهر خواهد
کرد و طعام بهشت از آن تناول خواهد نمود و شیعیان نیز این روایت را با نزول
مائده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام
پس مناسبست که شیعیان اهل بیت در این ایام تاسی نمایند بموالی خود در
تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ
مفید ره گفته است که مستحبست که این روز را روزه بدارند برای شکر نزول
سوره هل اتی در شأن آل عبا و ایضا مناسبست غسل زیارت و زیارت ائمه و زیارت
جامعه را خواندن در این روز مناسبست و چون بعضی از علما این روز را روز
مباهله میدانند دعاهای مباهله را در این روز نیز خواندن خوبست و روز بیست
ششم بنا بر مشهور عمر را خنجر بر شکمش زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد
و در روز بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد
و دولت ملعونه بنی امیه لعنهم الله برطرف شد پس در این روز شکر این نعمت
باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی نقی در این روز متولد شده است و
در روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر سعد بدرک منتقل شده است و باین سبب
فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند

که سنتست که دو رکعت نماز بجا آورند و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد
و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوانند و بعد از
سلام این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ مَا عَمِلْتُ فِی هٰذِهِ السَّنَةِ مِنْ عَمَلٍ نَهَیْتَنِی عَنْهُ وَلَمْ
تَرْضَهُ وَنَسِیتُهُ وَلَمْ تَنْسَهُ وَدَعَوْتَنِی اِلَی التَّوْبَةِ بَعْدَ اجْتِرَائِی عَلَیْکَ
اَللّٰهُمَّ فَاِنِّی اَسْتَغْفِرُکَ مِنْهُ فَاغْفِرْ لِی وَمَا عَمِلْتُ مِنْ عَمَلٍ یُقَرِّبُنِی
اِلَیْکَ فَاقْبَلْهُ مِنِّی وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی مِنْکَ یَا کَرِیمُ

باب ششم

در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است

فصل اول

در اعمال دهه اول ماه محرم است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست
که حضرت رسول در روز اول محرم دو رکعت میکردند و چون از نماز
فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ الْاِلٰهُ الْقَدِیمُ وَهٰذِهِ سَنَةٌ جَدِیدَةٌ فَاَسْاَلُکَ فِیهَا الْعِصْمَةَ
مِنَ الشَّیْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلٰی هٰذِهِ النَّفْسِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ
بِمَا یُقَرِّبُنِی اِلَیْکَ یَا کَرِیمُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ
یَا ذَخِیرَةَ مَنْ لَا ذَخِیرَةَ لَهُ یَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ یَا غِیَاثَ مَنْ لَا غِیَاثَ
لَهُ یَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ یَا کَنْزَ مَنْ لَا کَنْزَ لَهُ یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ یَا عَظِیمَ
الرَّجَاءِ یَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ یَا مُنْقِذَ الْغَرْقٰی یَا مُنْجِیَ الْهَلْکٰی یَا مُنْعِمُ یَا مُجْمِلُ
یَا مُفْضِلُ یَا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذِی سَجَدَ لَکَ سَوَادُ اللَّیْلِ وَنُورُ النَّهَارِ

وضوء القمر وشعاع الشمس ودوي الماء وحفيف الشجر يا الله لا
روشنی ماه و شعاع آفتاب و صدای آب و آواز درخت ای خدا نیست
شريك لك اللهم اجعلنا خيرا مما يظنون واغفر لنا ما لا يعلمون
شریک مر ترا خداوندا بگردان ما را بهتر از آنچه گمان برند و بیامرز برای ما آنچه نمیدانند
ولا تؤاخذنا بما يقولون حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت
و مواخذه مکن ما را بآنچه گویند بس است مرا خدا نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم
وهو رب العرش العظيم آمنا به كل من عند ربنا وما يذكر الا
و او پروردگار عرش بزرگ است گرویدیم باو همه از نزد پروردگار ما و اندیشه نمیکنند مگر
اولوا الالباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من
خداوند خرد پروردگارا میگردان دلهای ما را پس از آنکه رهنمودی ما را و ببخش مر ما را از
لدنك رحمة انك انت الوهاب وچون حضرت سید الشهدا در دهم این ماه
نزد خود رحمتی بدرستیکه توئی بخشنده
بسعادت شهادت فایز گردید باید و در اکثر
دهه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان
ایشان در مجموع این ده روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و محزون و
اندوهناک باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بر
خوانند و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا ع
منقولست که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند
و منافقان این امت در این ماه خون ما را حلال دانستند و هتک حرمت ما کردند
و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمهای ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت
کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله را در باب ما رعایت نکردند بدرستیکه
که مصیبت امام حسین صلوات الله علیه چشمهای ما را مجروح کرد و آب دیدهای ما را
جاری ساخت و عزیز ما را ذلیل کرد و زمین کربلا کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز
قیامت پس باید که بر مصیبت آنحضرت گریه کنندگان بگریند بدرستیکه گریه
بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی علیه السلم
چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آن
حضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه و چون روز دهم میشد روز

مصیبت و گریه و اندوه او بود و میگفت امروز روز شهادت امام حسین علیه السلم
است و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین شهید شد آسمان خون و خاک
سرخ بارید اگر بر آنحضرت آنقدر گریه کنی که آب از دیده بر روی تو جاری گردد
حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی
که چون بمیری هیچ گناه بر تو نباشد زیارت کن امام حسین ع را و اگر خواهی که در
غرفهای بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین را و اگر
خواهی ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت بیاد آوری
بگو یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان پس
رستگاری مییافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیه
بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش
و بدانکه روزه روز اول محرم مستحب است و از حضرت امام رضا ع منقولست
که در روز اول محرم حضرت زکریا دعا کرد و از خدا فرزند طلبید و حق تعالی
دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس هر که این روز
را روزه دارد و دعا کند حق تعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای
زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید ره گفته که روز سیم محرم روز مبارکیست
و در این روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که این روز را روزه دارد حقتعالی
کارهای صعب را بر او آسان گرداند و غمهای او را زایل گرداند و بهتر آنست
که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت
و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشته اند و احادیث بسیار در فضیلت
این دو روز و روزه آنها بر حضرت رسول بسته اند و از طریق اهل بیت علیهم
السلام احادیث بسیار در مذمت روزه این دو روز خصوصا روز عاشورا
وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنه از برای برکت آذوقه سال را در
روز عاشورا در خانه ذخیره میکرده اند لهذا از حضرت امام رضا ع منقولست که هر
که ترک کند سعی در حوائج خود را در روز عاشورا و بی کاری برآورد حقتعالی حوائج
دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه او

او باشد حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و درجه اش در
بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود
در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت
با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة محشور گردد پس باید که در
روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه
و مصیبت باشد و امر کند اهل خانهٔ خود را که تعزیهٔ آنحضرت برپا دارند و مشغول
ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود میباشند و در آن
روز تا شام از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کنند و در آخر روز
بعد از عصر افطار اگر چه بشربتی باشد و روزه تمام ندارد مگر آنکه در
خصوص آن روز نذر روزه واجب داشته باشد که بنذر یا مثل آن بر او واجب
شده باشد که آن روز را روزه باید بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره
نکنند و نخندند و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت
کند و بگوید اللهم العن قتلة الحسين و در روایتی وارد شده است از حضرت
صادق که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند خداوند
رحمن نظر رحمت بسوی او بکند و هر که خدا نظر رحمت بسوی او بکند هرگز او را عذاب
نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و اندوه و حزن برای تاسی به
حضرت امام حسین ع و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر
از کافران بیدار تا صباح احیا کردند و عبادت و تهیهٔ سعادت میکردند

فصل دوم در زیارت مشهور آنحضرت در روز عاشورا و فضل
زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که هر که در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت
را زیارت کند در روز قیامت محشور گردد بخون خود آلوده و بهیئت شهدای
کربلا در میان ایشان محشور گردد و هر که در شب و روز عاشورا زیارت کند
آنحضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح
از آنحضرت منقولست که هر که حضرت امام حسین ع را در روز عاشورا زیارت

کند بهشت را واجب گرداند و اما زیارت مشهور آنحضرت شیخ طوسی و ابن قولویه
و غیر ایشان ره روایت کرده اند از صیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هر دو از
محمد بن اسمعیل و علقمه ابن محمد حضرمی و هر دو از مالک جهنی که حضرت امام
محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در روز
دهم محرم یا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند خدا را در روز قیامت با ثواب
دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد که هر یک را با رسول
خدا صلی الله علیه و آله و ائمهٔ طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت فدای
تو شوم چه ثواب است برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن
بسوی قبر آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا
رود بر بام بلند تر در خانهٔ خود و اشاره کند بسوی قبر آنحضرت بسلام و جهد
کند در نفرین بر قاتل آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را
در اول روز پیش از پیشین پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین علیه السلام
و امر کند هر کرا که در خانهٔ اوست و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت
و در خانهٔ خود مصیبتی برپا دارد باظهار جزع بر آنحضرت و ملاقات کنند
بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه کردن و تعزیت گویند بعضی از
ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کارها را
بکند حق تعالی جمیع این ثوابها را با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی
و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود که بلی پرسید که چگونه یکدیگر را
تعزیت بگویند فرمود که میگویند عظم الله اجورنا بمصابنا بالحسين عليه السلام و
بزرگ گرداند خدا مزد ما را با از مصیبت داری ما بجهة حسین بر او باد درود
جعلنا و اياكم من الطالبين بثاره مع وليه الامام المهدي من
بگرداند ما را و شما را از جمله طلب کننده گان خون او با ولی او پیشوای هدایت از
آل محمد عليهم السلام و اگر تواند در آن روز از برای هیچ کار از خانه بیرون
آل محمد بر ایشان سلام
نرود که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در
آن روز بر آورده نمیشود و اگر بر آورده شود از برای او مبارک نیست و در آن

خیری ورشدی نیست و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که در این روز چیزی ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای پس کسیکه چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتی که خدا دنیا را خلق کرده است تا روز قیامت علقمة ابن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که تعلیم نما بمن دعائی که بخوانم در این روز هرگاه که خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائیکه هرگاه دور باشم خواهم که اشاره کنم و آنحضرت را زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بکنی آن دو رکعت را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائی که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت آنحضرت میکنند و مینویسد خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو میکند از تو هزار هزار گناه و بلند میکند از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده باشند با حسین بن علی تا آنکه شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و نشناسند ترا مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده باشند و نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده است از روزی که شهید شده السّلام علیک یا آبا عبد اللّه السّلام علیک یا بن رسول اللّه السّلام علیک یا بن امیر المؤمنین و ابن سیّد الوصیّین السّلام علیک یا بن فاطمة سیّدة نساء العالمین السّلام علیک یا ثار اللّه و ابن ثاره و الوتر الموتور السّلام علیک و علی الارواح

التی حلّت بفنائک علیکم منّی جمیعاً سلام اللّه ابداً ما بقیت و بقی اللّیل و النّهار یا ابا عبد اللّه لقد عظمت الرّزیّة و جلّت المصیبة بک علینا و علی جمیع اهل الاسلام و جلّت و عظمت مصیبتک فی السّموات علی جمیع اهل السّموات فلعن اللّه امّة اسّست اساس الظّلم و الجور علیکم اهل البیت و لعن اللّه امّة دفعتکم عن مقامکم و ازالتکم عن مراتبکم الّتی رتّبکم اللّه فیها و لعن اللّه امّة قتلتکم و لعن اللّه الممهّدین لهم بالتّمکین من قتالکم برئت الی اللّه و الیکم منهم و من اشیاعهم و اتباعهم و اولیائهم یا ابا عبد اللّه انّی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم الی یوم القیمة و لعن اللّه آل زیاد و آل مروان و لعن اللّه بنی امیّة قاطبة و لعن اللّه ابن مرجانة و لعن اللّه عمر بن سعد و لعن اللّه شمراً و لعن اللّه امّة اسرجت و الجمت و تنقّبت و تهیّأت لقتالک بابی انت و امّی لقد عظم مصابی بک فاسئل اللّه الّذی اکرم مقامک و اکرمنی بک ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت

محمد صلى الله عليه وآله اللهم اجعلني عندك وجيها بالحسين
في الدنيا والآخرة يا أبا عبد الله إني أتقرب إلى الله وإلى رسوله
وإلى أمير المؤمنين وإلى فاطمة وإلى الحسن وإليك بموالاتك
وبالبراءة ممن قاتلك ونصب لك الحرب وبالبراءة ممن أسس
أساس الظلم والجور عليكم وأبرأ إلى الله وإلى رسوله ممن أسس
أساس ذلك وبنى عليه بنيانه وجرى في ظلمه وجوره عليكم
وعلى أشياعكم برئت إلى الله وإليكم منهم وأتقرب إلى الله ثم
إليكم بموالاتكم وموالاة وليكم وبالبراءة من أعدائكم
والناصبين لكم الحرب وبالبراءة من أشياعهم وأتباعهم إني
سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وولي لمن والاكم وعدو لمن
عاداكم فأسأل الله الذي أكرمني بمعرفتكم ومعرفة أوليائكم
ورزقني البراءة من أعدائكم أن يجعلني معكم في الدنيا والآخرة
وأن يثبت لي عندكم قدم صدق في الدنيا والآخرة وأسأله
أن يبلغني المقام المحمود لكم عند الله وأن يرزقني طلب

ثاري مع إمام مهدي ظاهر ناطق منكم وأسأل الله بحقكم
وبالشأن الذي لكم عنده أن يعطيني بمصابي بكم أفضل
ما يعطي مصابا بمصيبته مصيبة ما أعظمها وأعظم رزيتها
في الإسلام وفي جميع أهل السماوات والأرض اللهم اجعلني في
مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم
اجعل محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل
محمد اللهم إن هذا يوم تبركت به بنو أمية وابن آكلة
الأكباد اللعين ابن اللعين على لسان نبيك صلى الله عليه و
آله في كل موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك عليه و
آله اللهم العن أبا سفيان ومعاوية ابن أبي سفيان ويزيد بن معاوية
عليهم منك اللعنة أبد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد
وآل مروان بقتلهم الحسين صلوات الله عليه اللهم فضاعف
عليهم اللعن منك والعذاب اللهم إني أتقرب إليك في هذا
اليوم وفي موقفي هذا وأيام حياتي بالبراءة منهم واللعنة عليهم

وبالموالاة لنبيك وآل نبيك عليهم السلام پس صد مرتبه ميگوئى اللهم
العن اول ظالم ظلم حق محمد وآل محمد وآخر تابع له على ذلك
اللهم العن العصابة التى جاهدت الحسين عليه السلام
وشايعت وبايعت على قتله اللهم العنهم جميعا پس صد مرتبه ميگوئى السلام
عليك يا ابا عبد الله وعلى الارواح التى حلت بفنائك عليك
منى سلام الله ابدا ما بقيت وبقى الليل والنهار ولا جعله الله
آخر العهد منى لزيارتك السلام على الحسين وعلى على بن الحسين
وعلى اولاد الحسين وعلى اصحاب الحسين پس ميگوئى اللهم خص انت
اول ظالم باللعن منى وابدا به اولا ثم الثانى ثم الثالث ثم الرابع
اللهم العن يزيد بن معوية خامسا والعن عبيد الله بن زياد وابن
مرجانة وعمر بن سعد وشمرا وآل ابى سفيان وآل زياد وآل مروان
الى يوم القيمة پس بسجده ميروى وميگوئى اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على
مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتى اللهم ارزقنى شفاعة الحسين
عليه السلام يوم الورود وثبت لى قدم صدق عندك مع الحسين

الحسين واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين
عليه السلام علقمه گفت كه حضرت امام محمد باقر عليه السلام فرمود كه
اگر توانى هر روز آنحضرت را باين كيفيت زيارت كنى بكن كه
جميع اين ثوابها از براى تو خواهد بود وروايت كرد محمد بن خالد طيالسى از سيف
ابن عميره كه گفت كه من با صفوان جمال وجماعتى از اصحاب خود رفتيم بسوى نجف
بعد از آنكه حضرت صادق عليه السلام بيرون رفته بودند از حيره بمدينه پيش
از ما پس چون از زيارت حضرت امير المؤمنين فارغ شديم صفوان روى خود
را گردانيد بسوى قبر حضرت امام حسين وگفت كه زيارت كنيد حضرت امام حسين
عليه السلام را از اين مكان از بالاى سر امير المؤمنين كه حضرت امام جعفر صادق
چنين كرد ومن در خدمت آنحضرت باين مكان تشريف آمده بودم پس خواند
صفوان آن زيارت را كه علقمه از امام محمد باقر براى روز عاشورا روايت كرده است
پس دو ركعت نماز زيارت كرد نزد سر امير المؤمنين و وداع كرد بعد از نماز
امير المؤمنين را و رو بجانب قبر امام حسين كرد و آنحضرت را نيز وداع كرد و از
جمله دعاها كه بعد از آن يا الله يا الله يا الله يا مجيب دعوة المضطرين
دو ركعت خواند اين دعا بود
يا كاشف كرب المكروبين يا غياث المستغيثين ويا صريخ المستصرخين
ويا من هو اقرب الى من حبل الوريد ويا من يحول بين المرء وقلبه
ويا من هو بالمنظر الاعلى وبالافق المبين ويا من هو الرحمن الرحيم
على العرش استوى ويا من يعلم خائنة الاعين وما تخفى الصدور
ويا من لا يخفى عليه خافية ويا من لا تشتبه عليه الاصوات

ويا من لا تغلطه الحاجات ويا من لا يبرمه إلحاح الملحين يا مدرك
كل فوت ويا جامع كل شمل ويا بارئ النفوس بعد الموت ويا من
هو كل يوم في شأن يا قاضي الحاجات يا منفس الكربات يا معطي
السؤلات يا ولي الرغبات يا كافي المهمات يا من يكفي من كل شيء
ولا يكفي منه شيء في السماوات والأرض أسألك بحق محمد وعلي و
بحق فاطمة بنت نبيك وبحق الحسن والحسين فإني بهم أتوجه إليك
في مقامي هذا وبهم أتوسل وبهم أتشفع إليك وبحقهم أسألك
وأقسم وأعزم عليك وبالشأن الذي لهم عندك وبالقدر الذي
لهم عندك وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي جعلته
عندهم وبه خصصتهم دون العالمين وبه أبنتهم وأبنت فضلهم
من فضل العالمين حتى فاق فضلهم فضل العالمين أن تصلي على محمد
وآل محمد وأن تكشف عني غمي وهمي وكربي وتكفيني المهم من أموري
وتقضي عني ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن
المسألة إلى المخلوقين وتكفيني هم من أخاف همه وعسر من أخاف عسره

وحزونة من أخاف حزونته وشر من أخاف شره ومكر من أخاف
مكره وبغي من أخاف بغيه وجور من أخاف جوره وسلطان من
أخاف سلطانه وكيد من أخاف كيده ومقدرة من أخاف بلاء
مقدرته علي وترد عني كيد الكيدة ومكر المكرة اللهم من أرادني
بسوء فارده ومن كادني فكده واصرف عني كيده ومكره وبأسه
وأمانيه وامنعه عني كيف شئت وأنى شئت اللهم اشغله عني بفقر
لا تجبره وببلاء لا تستره وبفاقة لا تسدها وبسقم لا تعافيه وذل
لا تعزه ومسكنة لا تجبرها اللهم اضرب بالذل نصب عينيه وأدخل
عليه الفقر في منزله والعلة والسقم في بدنه حتى تشغله عني بشغل
شاغل لا فراغ له وأنسه ذكري كما أنسيته ذكرك وخذ عني بسمعه
وبصره ولسانه ويده ورجله وقلبه وجميع جوارحه وأدخل عليه
في جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا به
عني وعن ذكري واكفني يا كافي ما لا يكفي سواك فإنك الكافي لا كافي
سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار

سِوَاكَ خَابَ مَنْ كَانَ رَجَاؤُهُ سِوَاكَ وَمَعِيشَتُهُ سِوَاكَ وَمَفْزَعُهُ اِلَى سِوَاكَ
وَمَهْرَبُهُ وَمَلْجَاُهُ اِلَى غَيْرِكَ وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ فَاَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي
وَمَفْزَعِي وَمَهْرَبِي وَمَلْجَاَيَ وَمَنْجَايَ فَبِكَ اَسْتَفْتِحُ وَبِكَ اَسْتَنْجِحُ وَبِمُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ وَاَتَوَسَّلُ وَاَتَشَفَّعُ فَاَسْئَلُكَ يَا اَللهُ يَا اَللهُ
يَا اَللهُ فَلَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ الشُّكْرُ وَاِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَاَنْتَ الْمُسْتَعَانُ فَاَسْئَلُكَ
يَا اَللهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي
وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هٰذَا كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ
وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ عَنْهُ وَفَرِّجْ عَنِّي
كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي هَوْلَ مَا اَخَافُ هَوْلَهُ
وَمَؤُنَةَ مَا اَخَافُ مَؤُنَتَهُ وَهَمَّ مَا اَخَافُ هَمَّهُ بِلَا مَؤُنَةٍ عَلَى نَفْسِي مِنْ
ذٰلِكَ وَاصْرِفْنِي بِقَضَاءِ حَوَائِجِي وَكِفَايَةِ مَا اَهَمَّنِي هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ آخِرَتِي وَ
دُنْيَايَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا اَبَا عَبْدِ اللهِ عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامُ اللهِ اَبَدًا
مَا بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا وَلَا
فَرَّقَ اللهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِي حَيٰوةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَاَمِتْنِي مَمَاتَهُمْ وَتَوَفَّنِي

عَلَى مِلَّتِهِمْ وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَتَيْتُكُمَا وا ز
خوا تَوَجَّهْتُ اِلَى ضَرِيحِكُمَا بكو زَائِرًا وَمُتَوَسِّلًا اِلَى اللهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا وَ
مُتَوَجِّهًا اِلَيْهِ بِكُمَا وَمُسْتَشْفِعًا بِكُمَا اِلَى اللهِ فِي حَاجَتِي هٰذِهِ فَاشْفَعَا
فَاِنَّ لَكُمَا عِنْدَ اللهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ
وَالْوَسِيلَةَ اِنِّي اَنْقَلِبُ عَنْكُمَا مُنْتَظِرًا لِتَنَجُّزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا
مِنَ اللهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي اِلَى اللهِ فِي ذٰلِكَ فَلَا اَخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا
خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي
بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي وَتَشَفَّعَا لِي اِلَى اللهِ اِنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللهُ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ مُفَوِّضًا اَمْرِي اِلَى اللهِ مُلْجِئًا ظَهْرِي اِلَى اللهِ وَمُتَوَكِّلًا
عَلَى اللهِ وَاَقُولُ حَسْبِيَ اللهُ وَكَفَى سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللهِ
وَوَرَاءَكُمْ يَا سَادَتِي مُنْتَهًى مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ وَمَا لَمْ يَشَاْ لَمْ يَكُنْ وَلَا
حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَسْتَوْدِعُكُمَا اللهَ وَلَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ
مِنِّي اِلَيْكُمَا اِنْصَرَفْتُ يَا سَيِّدِي يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ وَاَنْتَ يَا اَبَا

عَبْدِاللّٰهِ يَا سَيِّدَيَّ وَسَلَامِي عَلَيْكُمَا مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ
وَاصِلٌ ذٰلِكَ إِلَيْكُمَا غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمَا سَلَامِي إِنْ شَاءَ اللّٰهُ وَأَسْئَلُهُ
بِحَقِّكُمَا أَنْ يَشَاءَ ذٰلِكَ وَيَفْعَلَ فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدَيَّ
عَنْكُمَا تَائِبًا حَامِدًا لِلّٰهِ شَاكِرًا رَاجِيًا لِلْإِجَابَةِ غَيْرَ آيِسٍ وَلَا قَانِطٍ
آئِبًا عَائِدًا رَاجِعًا إِلَى زِيَارَتِكُمَا غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكُمَا وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمَا بَلْ رَاجِعٌ
عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللّٰهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمَا وَإِلَى
زِيَارَتِكُمَا بَعْدَ أَنْ زَهِدَ فِيكُمَا وَفِي زِيَارَتِكُمَا أَهْلُ الدُّنْيَا فَلَا خَيَّبَنِيَ اللّٰهُ
مِمَّا رَجَوْتُ وَمَا أَمَّلْتُ فِي زِيَارَتِكُمَا إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَه
گفت که من به
صفوان گفتم که علقمه این زیارت را از امام محمد باقر از برای ما روایت کرد این دعا
را نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود امام جعفر صادق باین مکان
پس کرد آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه آن
دو رکعت نماز را کرد و وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت
صادق بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت
بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از نزدیک یا دور
اینکه زیارتش مقبول باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت برسد و
محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا بطلبد برآورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد
ای صفوان این زیارت را با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین
با همین ضامنی و او از امام حسین با همین ضامنی و او از امام حسن با همین ضامنی و

او از پدرش امیر المؤمنین با همین ضامنی و امیر المؤمنین از رسول خدا با همین ضامنی
و رسول خدا از جبرئیل با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی
و بتحقیق که حقتعالی قسم بذات مقدس خود خورده است که هر که حضرت امام حسین
را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند زیارتش را قبول
کنم و هر حاجت که بطلبد برآورم هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا
کنم و از درگاه من نا امید برنگردد و او را بر گردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجتش
و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش
را قبول کنم مگر کسیکه دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفته خدا ما را بر آنچه گواه
گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله حقتعالی مرا
بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی علی بن ابی
طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت
صادق فرمود که ای صفوان هرگاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارت بکن هر جا
که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را طلب کن البته برآورده
میشود و حقتعالی خلف وعده خود نمیفرماید مؤلف گوید که چون عبارت حدیث
تشویش عظیمی دارد و قابل احتمال بسیار هست اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا
عبد الله را تا آل نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان
زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند
و بعد از صد مرتبه سلام بار دیگر نماز کند و متصل بسجده رود و بعد از
سجده این نماز شاید بجمیع احتمالات عمل کرده شود و اگر اول یکی از این زیارات
بعیده را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهر اکافی
باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین را با این زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هرگاه
این زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین علیه السلام بعمل آورد و چون در حدیث
تجویز کردن این زیارت در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا
کند بجای اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ بگوید اَللّٰهُمَّ إِنَّ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ
صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ فصل سیم در بیان زیارات

این روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح عبد الله بن سنان روایت
کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق در روز عاشورا و آنحضرت را شکسته
رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیدهای مبارک آنحضرت مانند مروارید میریخت گفتم
یا بن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز دیدهای شما را گریان نکرداند
حضرت فرمود مگر غافلی و نمیدانی که در مثل این روز حضرت امام حسین علیه
السلام شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائید در روزه اش فرمود
که روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از روی شماتت و باید
روز تمام روزه مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیکساعت بشربتی
از آب برا که در این وقت جنگ برطرف شد از آل رسول و در زمین سی نفر از
اهل بیت و موالیان ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت در آنها حضرت
رسالت بود و اگر آنحضرت در دنیا میبود بایست آنحضرت را برای ایشان تعزیت
بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس
حضرت فرمود که بهترین کاری که در این روز بکنی آنست که جامهای پاکیزه بپوشی
و بندها را بگشائی و آستینها را تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس برو
در صحرائی یا جای خلوتی که کسی ترا نه بیند یا خانه خالی از برای تقیه از بسیار در
وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع و بگو بعد از
هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بخوان
و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد
از حمد سوره احزاب بخوان و در رکعت دویم اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را
ندانی هر سوره که توانی بخوان پس بگردان روی خود را بجانب روضه مقدسه
آنحضرت و بخاطر آور شهادت آن امام مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام
کن بر او و صلوات فرست بر او و لعنت کن بر قاتلان ایشان و بروایتی بگو هزار مرتبه
لعنت کن بر قاتلان آنحضرت که هر لعنی هزار حسنه برای تو نوشته میشود و هزار گناه
از تو محو میشود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند میشود و بهتر آنست که
هزار مرتبه بگوئی اللهم العن قتلة الحسین و اصحابه پس فرمود که بعد از آن ز

موضعی که ایستاده چند گام پیش بروی و بگوئی انا لله و انا الیه راجعون رضا
بقضائه و تسلیما لامره و اگر هفت مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع
این احوال باید که محزون و غمناک و گریان باشد پس دعای خود بر کردی و بگوئی اللهم عذب الفجرة الذین شاقوا رسولک
و حاربوا اولیاءک و عبدوا غیرک و استحلوا محارمک والعن القادة
والاتباع و من کان منهم فخب و اوضع معهم او رضی بفعلهم لعنا
کثیرا اللهم و عجل فرج آل محمد واجعل صلواتک علیه و علیهم
واستنقذهم من ایدی المنافقین المضلین والکفرة الجاحدین
وافتح لهم فتحا یسیرا واتح لهم روحا و فرجا قریبا واجعل لهم من لدنک
علی عدوک و عدوهم سلطانا نصیرا پس دست بدعا بردار و قصد کن دشمنان آل محمد را و بگو
اللهم ان کثیرا من الامة ناصبت المستحفظین من الائمة و کفرت
بالکلمة و عکفت علی القادة الظلمة و هجرت الکتاب والسنة و
عدلت عن الحبلین الذین امرت بطاعتهما والتمسک بهما فاماتت
الحق و حادت عن القصد و مالأت الاحزاب و حرفت الکتاب و کفرت
بالحق لما جاءها و تمسکت بالباطل لما اعترضها و ضیعت حقک
و اضلت خلقک و قتلت اولاد نبیک و خیرة عبادک و حملة علمک

وورثة حكمتك وحبل اللهم فزلزل اقدام اعدائك واعداء
رسولك واهل بيت رسولك اللهم واخرب ديارهم وافلل سلاحهم
وخالف بين كلمتهم وفت في اعضادهم واوهن كيدهم واضربهم
بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم بالبلاء طما و
قمهم بالعذاب قما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين والمثلات
التي اهلكت بها اعدائك انك ذو نقمة من المجرمين اللهم ان سنتك
ضائعة واحكامك معطلة وعترة نبيك في الارض هائمة اللهم
فاعن الحق واهله واقمع الباطل واهله ومن علينا بالنجاة واهدنا
الى الايمان وعجل فرجنا وانظمه بفرج اوليائك واجعلهم لنا
ودا واجعلنا لهم وفدا اللهم واهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك و
خيرتك عيدا واستهل به فرحا ومرحا وخذ آخرهم كما اخذت اولهم
وضاعف اللهم العذاب والتنكيل على ظالمي اهل بيت نبيك واهلك
اشياعهم وقادتهم وابر حماتهم وجماعتهم اللهم وضاعف صلواتك
ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة الخائفة

المستذلة بقية من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة واعل اللهم
كلمتهم وافلج حجتهم واكشف البلاء واللاواء وحنادس الاباطيل
والعمى عنهم وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك وولايتهم
ونصرتهم وموالاتهم واعنهم وامنحهم الصبر على الاذى فيك
واجعل لهم اياما مشهودة واوقاتا محمودة مسعودة توشك فيها
فرجهم وتوجب فيها تمكينهم ونصرهم كما ضمنت لاوليائك في
كتابك المنزل فانك قلت وقولك الحق وعد الله الذين آمنوا منكم
وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين
من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من
بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم فاكشف
غمتهم يا من لا يملك كشف الضر الا هو يا واحد يا احد يا حي يا
قيوم وانا يا الهي عبدك الخائف منك والراجع اليك السائل لك
المقبل عليك اللاجئ الى فنائك العالم بانه لا ملجأ منك الا اليك
اللهم فتقبل دعائي واسمع ندائي يا الهي وعلانيتي ونجواي واجعلني

ممن رضيت عمله وقبلت نسكه ونجيته برحمتك انك انت العزيز
الكريم اللهم وصل اولا واخرا على محمد وال محمد وبارك على محمد و
ال محمد وارحم محمدا وال محمد باكمل وافضل ما صليت وباركت
وترحمت على انبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا
اله الا انت اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد وال محمد صلواتك عليه
وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة والحسن
والحسين وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبهم
والرضا بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم پس بسجده برو و
خود را بر خاك دو طرف روی بگذار و بگو يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد
محمودا مشكورا فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك ضمنت اعزازهم
بعد الذلة وتكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول يا اصدق
الصادقين ويا ارحم الراحمين فاسالك يا الهي وسيدي متضرعا
اليك بجودك وكرمك بسط املي والتجاوز عني وقبول قليل عملي
وكثيره والزيادة في ايامي وتبليغي ذلك المشهد وان تجعلني ممن

يدعى فيجيب الى طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وتريني ذلك قريبا سريعا
في عافية انك على كل شيء قدير پس سر خود را بسوی آسمان بلند کن و بگو اعوذ بك
ان اكون من الذين لا يرجون ايامك فاعذني يا الهي برحمتك
من ذلك چون چنین کنی این عمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای
بسیار که مال بسیار در آن صرف نمائی و بدن خود را در آنها
بتعب افکنی و از اهل و عیال و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه کسیکه این نماز را
در این روز بکند و امید عذاب از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق
بجا آورد حق تعالی دو خصلت با و عطا کند که از جمله آنها آنست که او را از مردنهای
بد حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها
و تا مردن دشمنی بر او مسلط نکردد و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی
در خودش و فرزندانش تا چهار پشت و شیطان و دوستان و یاوران شیطان
را مسلط نکرداند بر او و بر نسل او تا چهار پشت زیارت دیگر زیارتیست که
مشتملست بر زیارت شهدا و متضمن تعزیت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم هست و مناسبست که در این روز خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده
شود شاید انسب باشد و آن زیارت اینست السلام عليك يا وارث ادم صفوة الله السلام عليك
السلام عليك يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث ابرهيم
خليل الله السلام عليك يا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا
وارث عيسى روح الله السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله
السلام عليك يا وارث علي امير المؤمنين السلام عليك يا وارث

الحسين الشهيد سبط رسول الله السلام عليك يابن رسول الله السلام
عليك يابن البشير النذير وابن سيد الوصيين السلام عليك يابن
فاطمة سيدة نساء العالمين السلام عليك يا ابا عبد الله السلام
عليك يا خيرة الله وابن خيرته السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره
السلام عليك ايها الوتر الموتور السلام عليك ايها الامام الهادي
الزكي وعلى ارواح حلت بفنائك واقامت في جوارك ووفدت مع
زوارك السلام عليك مني ما بقيت وبقي الليل والنهار فلقد
عظمت بك الرزية وجل المصاب في المؤمنين والمسلمين وفي اهل
السموات اجمعين وفي سكان الارضين فانا لله وانا اليه راجعون
وصلوات الله وبركاته وتحياته عليك وعلى آبائك الطيبين
المنتجبين وعلى ذراريهم الهداة المهديين السلام عليك يا مولاي
وعليهم وعلى روحك وعلى ارواحهم وعلى تربتك وعلى تربتهم
اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وريحانا السلام عليك يا
مولاي يا ابا عبد الله يابن خاتم النبيين ويابن سيد الوصيين و

يابن

يابن سيدة نساء العالمين السلام عليك يا شهيد يابن الشهيد
يا اخ الشهيد يا ابا الشهداء اللهم بلغه عني في هذه الساعة وفي
هذا اليوم وفي هذا الوقت وفي كل وقت تحية كثيرة وسلاما
سلام الله عليك ورحمة الله وبركاته يابن سيد العالمين وعلى
المستشهدين معك سلاما متصلا ما اتصل الليل والنهار
السلام على الحسين بن علي الشهيد السلام على علي بن الحسين
الشهيد السلام على العباس بن امير المؤمنين الشهيد السلام على
الشهداء من ولد امير المؤمنين السلام على الشهداء من ولد الحسن
السلام على الشهداء من ولد الحسين السلام على الشهداء من ولد
جعفر وعقيل السلام على كل مستشهد معهم من المؤمنين اللهم
صل على محمد وآل محمد وبلغهم عني تحية كثيرة وسلاما السلام
عليك يا رسول الله احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام
عليك يا فاطمة احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين السلام
عليك يا امير المؤمنين احسن الله لك العزاء في ولدك الحسين

السلام

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزاۤءَ فى اَخيكَ
الْحُسَيْنِ يا مَوْلاىَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ اَنا ضَيْفُ اللّٰهِ وَضَيْفُكَ وَجارُ
اللّٰهِ وَجارُكَ وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجارٍ قِرًى وَقِراىَ فى هٰذَا الْوَقْتِ اَنْ
تَسْئَلَ اللّٰهَ سُبْحانَهُ وَتَعالى اَنْ يَرْزُقَنى فَكاكَ رَقَبَتى مِنَ النّارِ اِنَّهُ
سَميعُ الدُّعاۤءِ قَريبٌ مُجيبٌ وشيخ مفيد گفته است که در شب بيست و
يکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه و امير المؤمنين عليه
السلام واقع شد بايد که اين روز براى شکر اين نعمت عظمى شعبان روزه بدارند
و شيخ طوسى گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب فيل که بجهة خراب
کردن کعبه آمده بودند برگشتند و عذاب بر ايشان نازل شد و در روز بيست و پنجم
اين ماه حضرت امام زين العابدين بعالم اعلى ارتحال نمود باب هفتم در اعمال ماه
صفر است و اين ماه مشهور است بنحوست و دو وجه ميتواند داشت اول آنکه موافق قول
علماى شيعه وفات حضرت رسالت پناه در اين ماه واقع شده و دوم آنکه در دو سه ماه
متوالى که اشهر حرم اند چون عرب قتال نميکرده اند و در اين ماه شروع بقتال مى
کرده اند لهذا نحس شمرده اند و در احاديث شيعه نديده ام چيزى که دلالت بر نحوست
کند و در روايات غير معتبره عامه وارد شده است و سيد بن طاوس از بعضى
کتب معتبره روايت کرده است که در روز سيم اين ماه مستحب است که دو رکعت نماز
بجا آورند و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در رکعت دوم
سوره توحيد و بعد از سلام صد مرتبه بگويند اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و صد مرتبه اللّٰهُمَّ الْعَنْ آلَ اَبى سُفْيانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبّى وَاَتُوبُ اِلَيْهِ
و در روز بيستم اين ماه مشهور است بروز اربعين يعنى روز چهلم شهادت حضرت
امام حسين و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکرى روايت کرده اند که علامات مؤمن
پنج چيز است نماز پنجاه و يک رکعت از فريضه و نافله در شب و روز و زيارت

اربعين و انگشتر در دست راست کردن و جبين را در سجده شکر بر خاک گذاشتن
و بسم اللّٰه الرحمن الرحيم را بلند گفتن و کيفيت زيارت بسند معتبر منقول است از
صفوان جمال که گفت مولاى من حضرت صادق بمن گفت که در روز زيارت اربعين
که زيارت ميکنى در هنگامى که
روز بلند شده باشد و ميگوئى اَلسَّلامُ عَلى وَلِىِّ اللّٰهِ وَحَبيبِهِ اَلسَّلامُ
عَلى خَليلِ اللّٰهِ وَنَجيبِهِ اَلسَّلامُ عَلى صَفِىِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ اَلسَّلامُ
عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلى اَسيرِ الْكُرُباتِ وَقَتيلِ
الْعَبَراتِ اَللّٰهُمَّ اِنّى اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ
صَفِيِّكَ الْفاۤئِزُ بِكَرامَتِكَ اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ
بِطيبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السّادَةِ وَقاۤئِداً مِنَ الْقادَةِ وَذاۤئِداً
مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَواريثَ الْاَنْبِياۤءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى خَلْقِكَ
مِنَ الْاَوْصِياۤءِ فَاَعْذَرَ فِى الدُّعاۤءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ
لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلالَةِ وَقَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ
مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيا وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنى وَشَرى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ
الْاَوْكَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّى فى هَواهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَاَطاعَ
مِنْ عِبادِكَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبينَ

النار فابدفهم فيك صابرا محتسبا حتى سفك في طاعتك دمه
واستبيح حريمه اللهم فالعنهم لعنا وبيلا وعذبهم عذابا اليما
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الاوصياء
اشهد انك امين الله وابن امينه عشت سعيدا ومضيت حميدا ومت
فقيدا مظلوما شهيدا واشهد ان الله منجز لك ما وعدك ومهلك
من خذلك ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت
في سبيل الله حتى اتيك اليقين فلعن الله من قتلك ولعن الله من
ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به اللهم اني اشهدك
اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا ابن رسول الله
اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام الطاهرة لم
تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها و
اشهد انك من دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين
واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد
ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى

والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع
ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ونصرتي لكم
معدة حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله
عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم
وباطنكم آمين رب العالمين و دو ركعت نماز ميكني و هر دعا كه خواهي
ميكني و برميگردي و سيد بن طاوس گفته است
كه من براى اين زيارت وداعى يافته ام كه مخصوص است السلام عليك يا ابن رسول
با اين زيارت بايد كه بايستى پيش روى ضريح و بگوئى
الله السلام عليك يا ابن علي المرتضى وصي رسول الله السلام عليك
يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك يا وارث
الحسن الزكي السلام عليك يا حجة الله في ارضه وشاهده على خلقه
السلام عليك يا ابا عبد الله الشهيد السلام عليك يا مولاي
وابن مولاي اشهد انك قد اقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله حتى اتيك
اليقين واشهد انك على بينة من ربك اتيتك واگر از دور زيارت تو كند بگويد
اليك يا مولاي زائرا وافدا راغبا مقرا لك بالذنوب هاربا

الیک من الخطایا التشفع لی عند ربک یا بن رسول الله صلی الله
علیک حیاً ومیتاً فان لک عند الله مقاماً معلوماً وشفاعة
مقبولة لعن الله من ظلمک لعن الله من حرمک وغصب حقک و
لعن الله من قتلک ولعن الله من خذلک ولعن الله من دعوته فلم
یجبک ولم یعنک ولعن الله من منعک من حرم الله وحرم رسوله و
حرم ابیک واخیک ولعن الله من منعک من شرب ماء الفرات لعناً
کثیراً یتبع بعضها بعضاً اللهم فاطر السموات والارض عالم
الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون
وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون اللهم لا تجعله آخر
العهد من زیارته وارزقنیه ابداً ما بقیت وحییت یا رب وان
مت فاحشرنی فی زمرته یا ارحم الراحمین واگر زیارت اخر روز عاشورا را
نیز در این روز بخواند مناسبست
و بدانکه مشهور آنست که سبب تأکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت
امام زین العابدین با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلای
معلی وارد شده اند و سرهای مقدس شهدا را ببدنهای مطهر ایشان ملحق کرده اند و
این بسیار بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند
که در این روز اهل بیت وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و

وبعضی گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین با عجاز و طی الارض مخفی بکربلا
رفته باشند از شام و سرها ببدنها ملحق کرده باشند و این ممکن است اما
روایتی در این باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافات فی الجمله
با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسیکه از صحابه حضرت
رسالت بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود و او در این روز
بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و
اساس این امر عظیم را گذاشت میتواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این
روز شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد و چون مقرر شد
اند که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سببش ضرور نیست و مشهور میان
علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا در روز بیست و هشتم ماه صفر
واقع شد و شیخ طوسی و جمع دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی نیز در این
روز واقع شد پس قیام بمراسم تعزیت این دو بزرگوار و زیارت ایشان در این روز بسیار
در روز مناسبست و بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر
ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبره عامه و خاصه چیزیکه دلالت بر این کند
بنظر نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبه آخر
هر ماه وارد شده است و چون این ماه بنابر اسبابیکه مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد
ممکن است که چهارشنبه آخر آن نحوستش از سایر چهارشنبها بیشتر باشد
اگر در آن روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلایا بتصدقات و ادعیه
و استعاذات که از ائمه وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس
الهی که کفاره طیره است مناسبست و اگر بلائی متوجه باشد بآنها رفع میشود
نه آنکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند بلهو و لعب و سرور و شادی
و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و
تقدیر اتی ربانی گردد **باب هشتم** در فضایل ایام و اعمال ماه ربیع الاول و در آن
دو فصلست **فصل اول** در فضیلت و اعمال روز اول تا روز شانزدهم
است شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران گفته که حضرت رسالت پناه در شب اول

ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین جان شریف خود فدای جان مقدس حضرت رسول کرده و در جای آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبایل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت بلکه بر جمیع عالمیان بر همگنان ظاهر کردید و حق تعالی با ملائکه سموات با آنحضرت مباهات نمود و آیه کریمه وَمِنَ النَّاسِ مَن یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ در شان او نازل شد چنانکه تفصیلش در حیات القلوب مذکور است و چون حقتعالی آن دو جان مقدس پیغمبر را از کید کافران حفظ کرد گفته اند که روزه آن روز که روز اول ماه ربیع الاولست مستحبست که برای شکر این نعمت عظیمه روزه بدارند و هرچند علما در این روز زیارت ذکر نکرده اند اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین در این روز مناسبت بجهتها که مذکور شد و شیخ طوسی رحمه الله در مصباح گفته است که در روز اول این ماه حضرت امام حسن عسکری بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر بمنصب جلیل امامت فایز گردید بدین زیارت آن دو امام عالیمقدار در این روز نیز مناسبت و اما شیخ ره در تهذیب و کلینی و محمد ابن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید و غیر ایشان گفته اند که وفات حضرت امام حسن عسکری در روز هشتم این ماه بود پس در آن روز زیارت آن دو امام انسبست و اما روز نهم این ماه بدانکه میان علمای خاصه و عامه در تاریخ قتل عمر بن الخطاب خلافست و مشهور میان فریقین آنست که قتل عمر سعد در روز بیست و ششم ماه ذی الحجه واقع شده چنانچه سابقا اشاره بآن شد و بعضی بیست و هفتم نیز گفته اند و مستند این دو قول نقل مورخانست و از کتب معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال میان عوام شیعه مشهور است قتل او در روز نهم ماه ربیع الاول واقع شده و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز چنین مشهور بوده است و سید بزرگوار علی بن طاوس ره در کتاب اقبال اشاره نموده بآنکه ابن بابویه ره روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که عمر در روز نهم ماه ربیع الاول نوبت شده متوجه شده است از نقل و چنان مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است

هرچند سید خود این حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان عجم پیوسته این روز را باین سبب تعظیم و تکریم نموده اند و خلف بزرگوار سید علی بن طاوس ره در کتاب زوائد الفواید این مذهب را تقویت کرده است و روایت معتبری در این باب ایراد نموده است چنانچه گفته است که روایت کرده اند که محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد جریح بغدادی گفتند که روزی ما منازعه کردیم در باب قتل عمر ابن سعد رفتیم بشهر قم بنزد احمد بن اسحق قمی که از خواص اصحاب حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری بود و بخدمت حضرت صاحب الامر نیز رسیده بود و چون در در او کوبیدیم دختر عراقیه بیرون آمد و احوال احمد را از او پرسیدیم گفت که او امروز مشغول اعمال عید است و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی روایت میکند که امروز روز عید است و بهترین عیدهاست نزد اهل بیت رسالت و شیعیان ایشان ما گفتیم رخصت طلب تا بنزد او آئیم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما و لنگی بسته بود و عبا بر خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود ما گفتیم اینچه حالتست که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر عید است گفت بلی و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسیها نشاند و گفت روزی با جمعی از برادران خود بنزد مولای خود امام حسن عسکری ع رفتیم در سر من رای در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت آنحضرت رسیدیم دیدیم که آنحضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته است و بدست مبارک خود عود در آن مجمره می انداز د و مجلس خود را خوشبو گردانیده است و بر غلامان و خدمتکاران خود جامهای فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه روی داده است حضرت فرمود که کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم تر است بدرستیکه خبر داد مرا پدرم که حذیفه بن یمان در روز نهم ماه ربیع الاول داخل شد بر جدم

حضرت رسول خدا حذیفه گفت که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن علیه السلام
و امام حسین را که با حضرت رسالت پناه طعام تناول میفرمودند و آنحضرت برروی
ایشان تبسم مینمود و بامام حسن و امام حسین میگفت بخورید گوارا بادا از برای
شما برکت و سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که حقتعالی هلاک میکند
در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را و مستجاب میگرداند در این روز دعای مادر
در شما را بخورید که این روزیست که حقتعالی در این روز قبول میکند اعمال محبان
و شیعیان شما را بخورید که این روزیست که ظاهر میشود راستی گفته خدا که می
فرماید فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا یعنی اینست خانهای ایشان که خالی گردید بسبب
ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته میشود در این روز شوکت
دشمنان جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روزیست که در این روز هلاک
میشود فرعون اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده حق ایشان بخورید
که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان را باطل و هبا میگرداند حذیفه گفت که
من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمتها نماید
حضرت فرمود که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و
دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را بسوی خود دعوت خواهد
کرد و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد کشید و مردم را از راه خدا منع
خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث
فرزند مرا متصرف خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر
وصی من علی بن ابیطالب خواهد کرد و مالهای خدا را بنا حق بر خود حلال خواهد
کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من علی را بدروغ
نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد پس دختر من او را نفرین
خواهد کرد و حقتعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد کرد انید حذیفه گفت
یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را هلاک گرداند حضرت فرمود که
ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای خدا و او را و طلب کنم تغییر امری را که
در علم او گذشته است ولیکن از حقتعالی سئوال کردم که فضیلت دهد این روز را

که برسایر روزها تا آنکه احترام این روز سنتی گردد
در میان دوستان و شیعیان اهل بیت من پس حقتعالی وحی کرد بسوی که ای
محمد در علم سابق من گذشته است که در یابد تو را و اهل بیت تو را محنتهای
دنیا و بلاها و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من آن منافقانی که تو
خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی کردی و
ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی تو را بدل گرفتند
و تو ایشان را خوشنود گردانیدی و ایشان تو را تکذیب کردند و تو ایشان را
برگزیدی و ایشان تو را در بلیه گذاشتند و سوگند یاد میکنم بحول و قوة و
پادشاهی خود که البته بگشایم بر روح کسیکه غصب کند حق علی را که وصی تست
بعد از تو هزار در از پست ترین طبقهای جهنم که آنرا فیلوق میگویند و او
را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر او مشرف
شود و او را لعنت کند و آن منافقان را در قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها
که در زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای سایر دشمنان دین و ایشانرا و دوستان
ایشانرا بسوی جهنم برم با دیدهای کبود و روهای ترش با نهایت مذلت و خواری
و پشیمانی و ایشانرا ابدالآباد در عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر
با آنچه میرسد باو از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرات میکند بر من و
کلام مرا بدل میکند و شرک بمن میآورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله
از برای امت تو برپا میکند و کافر میشود بمن در عرش و عظمت و
جلال من بدرستیکه امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و
محبان دین شما عید کنند آنروز را که آن ملعون کشته میشود و امر کرده ام ایشانرا
که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش
نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده ام ملائکه نویسندگان
اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان
را برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را عید گردانیدم برای تو و اهل بیت
تو و برای هرکه تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و سوگند

یاد میکنم بر خود و جلال خود و علو و منزلت و مکان خود که عطا کنم کسیرا که عبد
کند این روز را از برای من ثواب انها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم
شفاعت او را در خویشان و روز یاد کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و
عیال خود در این روز و هر سال در این روز صد هزار هزار کس از موالیان و
شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد کردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشانرا
ببخشم و رحم حذیفه گفت که پس برخاست رسول خدا و بخانه ام سلمه رفت و من بر
گشتم و صاحب یقین بودم در کفر او تا آنکه بعد از وفات رسول خدا دیدم که او چه
فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار نمود و از دین برگشت و دامان بهیجان و وقاحت
برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی و
رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آن
حضرت را تبدیل کرد و شهادت حضرت امیر المؤمنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا
را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود
راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضا جوئی اهل بیت رسالت نکرد
و جمیع سنتهای رسول را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین کرد و جور و ستم را
در میان مردم علانیه کرد و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه خدا حرام
کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر درهم و دینار بسازند و خرج کنند
و در پهلوی شکم فاطمه زهرا زد و بر منبر حضرت رسالت بغصب و جور بالا رفت
بر حضرت امیر المؤمنین افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را بسفاهت
نسبت داد حذیفه گفت که پس حقتعالی دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن
منافق مستجاب گردانید و قتل او را بر دست کشنده او رحمة الله جاری ساخت
پس رفتم بخدمت حضرت امیر المؤمنین که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد بگویم
با آنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت مرا دید
گفت یا حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را که آمدی بنزد سیدمن رسول خدا
و من و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم
پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت

فرمود که بخدا سوگند که این روزیست که حقتعالی دیده آل رسول را روشن
گردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر المؤمنین
علیه السلام میخواهم که این نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت
است که مؤمنان از شر آن منافق امان یافتند و روز زایل شدن کرب و غصه
روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان شیعیان است و روز اختیار نیکوئی
برای مؤمنانست و روز برداشتن قلم از شیعیان است و روز برهم شکستن بنای
کفر و عدوانست و روز عافیتست و روز برکتست و روز طلب خونهای مؤمنان
است و روز عید بزرگست و روز مستجاب شدن دعاست و روز موقف اعظم است
و روز وفا بعهد است و روز شرطست و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت
ظالم است و روز شکسته شدن شوکت مخالفانست و روز نفی هموم است و
روز فتح است و روز عرض اعمال کافرانست و روز ظهور قدرت خدا است و
روز عفو از گناه شیعیان است و روز فرح ایشانست و روز توبه است و روز
انابت بسوی حقتعالی است و روز زکوة بزرگست و روز فطر دوم است و روز
اندوه یاغیانست و روز گره شدن آب دهان در گلوی مخالفانست و روز
خوشنودی مؤمنانست و روز عید اهل بیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل
بر فرعونست و روز مقبول شدن اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن
تصدقاتست و روز زیادتی مثوباتست و روز قتل منافق است و روز وقت
معلوم است و روز سرور اهل بیت است و روز مشهود است و روز قهر بر
دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالتست و روز یست که ظالم انگشت
ندامت بدندان میگزد و روز تنبیه است و روز شرفست و روز خنک شدن
دلهای مؤمنانست و روز شهادتست و روز درگذشتن از گناه مؤمنانست و
روز تازگی بوستان اهل ایمانست و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی
دلهای مؤمنانست و روز برطرف شدن پادشاهی منافقانست و روز توفیق
اهل ایمانست و روز رهائی مؤمنان از شر کافرانست و روز تظاهر
است و روز مفاخره است و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است

و روز تحفه و عطاست و روز شکر حق تعالی است و روز یاوری مظلومانست
و روز زیارت کردن مؤمنانست و روز محبت کردن ایشانست و روز
رسیدن برحمتهای الهی است و روز پاک کردانیدن اعمالست و روز فاش کردن
رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز برک کاهان کبیره است
و روز ندا کردن بحق است و روز عبادتست و روز موعظه و نصیحتاست
و روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه کفت که پس از خدمت حضرت امیر
المؤمنین برخاستم و کفتم اکر در نیابیم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن داریم
مکر محبت این روز و دانستن فضیلت این روز را هر آینه منتهای آرزوی من
خواهد بود پس محمد و یحیی راویان این حدیث کفتند که چون این حدیث را از احمد
ابن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و سر او را بوسیدیم و کفتیم حمد و شکر میکنیم
خداوند را که ترا برانکیخت تا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بیان کنی
پس بخانهای خود برکشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب زوائد الفوائد
کفته است که این حدیث را از خط علی بن محمد طی رحمه الله نوشتم و در کتب
دیکر که تتبع کردم چند این روایت دیکر موافق این یافتم پس اعتماد بر این روایات
نمودم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و
شادی در این روز بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب مصباح کفته
است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که در روز نهم ماه
ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی کناهان او را بیامرزد و مستحب است در
این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو کردانیدن ایشان و توسعه دادن
بر عیال خود و دیکران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت حق تعالی و این
روز برطرف شدن غمهاست و روز روزه داشتن نیست مؤلف کوید
که از نقل این بزرکواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و وقوع این قضیه
مبارکه در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان
شیعه مشهور بوده است و بر خلافش روایتی بنظر این قاصر نرسیده و اتفاق
مورخان با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اکر کسی استبعاد

کند که چنین واقعه عظیمی که سبب حزن جمعی و فرح جمعی کردد چون
تواند بود که مضبوط نماند جواب آنست که این واقعه از واقعه وفات حضرت
رسالت و شهادت حضرت امیر المؤمنین عظیم‌تر نیست و در هر یک از آنها خلاف
میان خاصه و عامه هست و در واقعه اول اتفاق دارند عامه بر خلاف
آنچه مختار شیعه است و اکر کویند که باعث بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب
میکوییم که شبهه در هر دو جا هست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که ممکنست
که برای دفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون
مدار علمای خاصه و عامه بر آنست که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک
میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده
است که هر که ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و او را بجا آورد آن ثواب باو داده می
شود هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اکر اعمال این روز را که نوعش
از شارع وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد
خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد کردید و بعضی میکویند که عمر بن سعد
علیه اللعنه در این روز بجهنم واصل شده است و اکر چنین باشد این شرافت
نیز برای او کافیست و شیخ مفید ره کفته است که در روز دهم اینماه حضرت رسول
خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نمود و مستحبست برای شکر این مواصلت
عظیم البرکت شیعیان روزه بدارند و کفته است که در روز دوازدهم اینماه حضرت
رسول صلی الله علیه و آله داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن کردید و
باین جهت روز مبارکیست و ایضا دولت بنی مروان که از بقیه بنی امیه و دشمنان
اهل بیت بودند در این روز دولت ایشان بنهایت رسید و زایل کردید و این
نیز فضیلت دیکر است برای این روز و اکثر سنیان ولادت با سعادت حضرت
رسول را در این روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی ره از علمای امامیه نیز در
کتاب کافی چنین قایل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از
روایات این را اظهر میدانند و اکر چه خلاف مشهور میان علمای امامیه است
اما اکر روزه و غسل و زیارت و سایر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد شد

در این روز نیز بعمل آورند باحتیاط اقربست وسید بن طاوس ره از بعضی علمای
عجم روایت کرده است که سنتست که در روز دوازدهم اینماه دو رکعت نماز بجا آورند
ودر رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون ودر رکعت دوم
سه مرتبه قل هو الله احد بخوانند وایضا شیخ مفید وشیخ طوسی روایت کرده اند
که یزید پلید علیه اللعنة والعذاب الشدید در روز چهاردهم اینماه باسفل
درک جهنم منتقل شده پس باید که شیعیان این روز را بر خود مبارک دانند وشکر حق
تعالی بر این نعمت عظمی ادا کنند وبعضی روزه این روز را سنت دانسته اند **فصل**
دویم در فضایل واعمال روز هفدهم اینماهست ومشهور میان علمای
شیعه انست که ولادت کثیر السعادت حضرت رسالت پناه در روز جمعه هفدهم
ماه ربیع الاول واقع شد ودر بعضی از روایات وارد شده است که عروج آن
حضرت باسمانها نیز در شب هفدهم واقع شده است وشب وروزش هر دو مبارک
است ودر هر روز زیارت حضرت رسالت وحضرت امیر المؤمنین مناسبت وعلما
ذکر کرده اند روزه این روز فضیلت بسیار دارد وشیخ مفید ره گفته است که
این روز شریفیست وپیوسته فرقه محقه شیعه از قدیم الایام الی الان تعظیم
آن میکرده اند وحق آنرا میشناخته اند وروزه میداشته اند واز ائمه هدی علیهم السلام
روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکساله برای او نوشته
شود ومستحبست که تصدقات بارباب حاجات بدهند ومؤمنان ومؤمنات را
شاد گردانند وبزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت
پناه وضریح منور حضرت امیر المؤمنین وشیخ مفید وشیخ شهید وسید بن طاوس ره
گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول را زیارت کنی غسل
بکن وشبیهه بقبر در پیش روی خود بساز واسم مبارک آنحضرت را بر آن بنویس و
بایست ودل خود را متوجه اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ
آنحضرت گردان وبگو
اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَیِّدُ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ وَاَنَّهُ سَیِّدُ

اَلْاَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِهِ الْاَئِمَّةِ
الطَّیِّبینَ پس بگو بلند اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا
خَلیلَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا نَبِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صَفِیَّ اللّٰهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا رَحْمَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خِیَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یا حَبیبَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا نَجیبَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا
خاتَمَ النَّبِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا سَیِّدَ الْمُرْسَلینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا
قائِماً بِالْقِسْطِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا فاتِحَ الْخَیْرِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَعْدِنَ
الْوَحْیِ وَالتَّنْزیلِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُبَلِّغاً عَنِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا
السِّراجُ الْمُنیرُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مُبَشِّرُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا نَذیرُ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ یا مُنْذِرُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا نُورَ اللّٰهِ الَّذی یُسْتَضاءُ بِهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ وَعَلیٰ اَهْلِ بَیْتِكَ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الْهادینَ الْمَهْدِیّینَ
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ وَعَلیٰ جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلیٰ اَبیكَ عَبْدِ اللّٰهِ
اَلسَّلامُ عَلیٰ اُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ وَعَلیٰ عَمِّكَ حَمْزَةَ
سَیِّدِ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلیٰ عَمِّكَ وَكَفیلِكَ اَبی طالِبٍ اَلسَّلامُ

علي ابن عمك جعفر الطيار في جنان الخلد السلام عليك يا محمد
السلام عليك يا احمد السلام عليك يا حجة الله على الاولين و
والآخرين والسابق في طاعة رب العالمين والمهيمن على رسله
والخاتم لانبيائه والشاهد على خلقه والشفيع اليه والمكين
لديه والمطاع في ملكوته الاحمد من الاوصاف المحمد لسائر الاشراف
الكريم عند الرب والمكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت
عن اللحاق تسليم عارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك
غير منكر ما انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن
بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله
مع كل شاهد واتحملها عن كل جاحد انك قد بلغت رسالات
ربك ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت بامره
واحتملت الاذى في جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة
الحسنة الجميلة وادّيت الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت
بالمؤمنين وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتيك

اليقين فبلغ الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين
وارفع درجات المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق
ولا يسبقك سابق ولا يطمع في ادراكك طامع الحمد لله الذي
استنقذنا بك من الهلكة وهدانا بك من الضلالة ونورنا بك من
الظلمة فجزاك الله يا رسول الله من مبعوث افضل ما جازى نبيا عن
امته ورسولا عمن ارسل اليه بابي انت وامي يا رسول الله زرتك
عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا بضلالة من خالفك وخالف
اهل بيتك عارفا بالهدى الذي انت عليه بابي انت وامي ونفسي واهلي
ومالي وولدي انا اصلي عليك كما صلى الله عليك وصلى عليك
ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة وافرة متواصلة لا
انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك
الطيبين الطاهرين كما انتم اهله پس دستها را بگشا و بگو اللهم اجعل جوامع
صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك و
تسليماتك وكراماتك ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين و

أنبيائك المرسلين وأئمتك المنتجبين وعبادك الصالحين وأهل السماوات والأرضين ومن سبح لك يا رب العالمين من الأولين والآخرين على محمد عبدك ورسولك وشاهدك ونبيك ونذيرك وأمينك ومكينك ونجيك ونجيبك وحبيبك وخليلك وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك ورحمتك وخير خيرتك من خلقك نبي الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ العباد من الهلكة بإذنك وداعيهم إلى دينك القيم بأمرك أول النبيين ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة الرفيعة والمرتبة الخطيرة وأودعته الأصلاب الطاهرة ونقلته منها إلى الأرحام المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه إذ وكلت لصونه وحراسته وحفظه وحياطته من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه مدانس العهر ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد وأحييت به ميت البلاد بأن كشفت عن نور ولادته ظلم الأستار وألبست حرمك به

خلل الأنوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه المنقبة العظيمة صل عليه كما وفى بعهدك وبلغ رسالاتك وقاتل أهل الجحود على توحيدك وقطع رحم الكفر في إعزاز دينك ولبس ثوب البلوى في مجاهدة أعدائك وأوجبت له بكل أذى مسه أو كيد أحس به من الفئة التي حاولت قتله فضيلة تفوق الفضائل وتملك بها الجزيل من نوالك وقد أسر الحسرة وأخفى الزفرة وتجرع الغصة ولم يتخط ما مثل له وحيك اللهم صل عليه وعلى أهل بيته صلاة ترضاها لهم وبلغهم منا تحية كثيرة وسلاما وآتنا من لدنك في موالاتهم فضلا وإحسانا ورحمة وغفرانا إنك ذو الفضل العظيم پس چهار ركعت نماز زيارت بكن بدو سلام با هر سوره كه خواهى و چون فارغ شوى تسبيح حضرت فاطمه زهرا بخوان پس بگو اللهم إنك قلت لنبيك محمد صلى الله عليه وآله ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤوك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله توابا رحيما ولم أحضر زمان رسولك عليه وآله السلام اللهم وقد زرته راغبا تائبا من سيء

عملي ومستغفرا لك من ذنوبي ومقرا لك بها وانت اعلم بها مني و
متوجها اليك بنبيك نبي الرحمة صلواتك عليه وآله فاجعلني
اللهم بمحمد واهل بيته عندك وجيها في الدنيا والآخرة ومن
المقربين يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي يا نبي الله يا سيد خلق الله
اني اتوجه بك الى الله ربك وربي ليغفر لي ذنوبي ويتقبل مني عملي و
يقضي لي حوائجي فكن لي شفيعا عند ربك وربي فنعم المسؤول المولى
ربي ونعم الشفيع انت يا محمد عليك وعلى اهل بيتك السلام اللهم
واوجبت لي منك المغفرة والرحمة والرزق الواسع الطيب النافع كما
اوجبت لمن اتى نبيك محمدا صلواتك عليه وآله وهو حي فاقر له
بذنوبه واستغفر له رسولك عليه وآله السلام فغفرت له
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم وقد املتك ورجوتك وقمت بين
يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت جزيل ثوابك واني لمقر غير
منكر وتائب اليك مما اقترفت وعائذ بك في هذا المقام مما قدمت من
الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنها واوعدت عليها العقاب

واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني مقام الخزي والذل يوم تهتك فيه
الاستار وتبدو فيه الاسرار والفضائح وترعد فيه الفرائص
يوم الحسرة والندامة يوم الآفكة يوم الآزفة يوم التغابن يوم
الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين الف سنة يوم النفخة
يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض يوم
يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه
وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف السماء يوم تأتي
كل نفس تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا يوم
لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون الا من رحم الله انه هو العزيز
الرحيم يوم يردون الى عالم الغيب والشهادة يوم يردون الى الله
مولاهم الحق يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب
يوفضون وكانهم جراد منتشر مهطعين الى الداع الى الله يوم الواقعة
يوم ترج الارض رجا يوم تكون السماء كالمهل وتكون الجبال
كالعهن ولا يسأل حميم حميما يوم الشاهد والمشهود يوم تكون

الملائكة صفا صفا اللهم ارحم موقفي ذلك اليوم بموقفي في هذا
اليوم ولا تخزني في ذلك الموقف بما جنيت على نفسي واجعل يا رب
في ذلك اليوم مع اوليائك منطلقي وفي زمرة محمد واهل بيته
عليهم السلام محشري واجعل حوضه موردي وفي الغر الكرام
مصدري واعطني كتابي بيميني حتى افوز بحسناتي وتبيض به وجهي و
تيسر به حسابي وترجح به ميزاني وامضي مع الفائزين من عبادك الصالحين
الى رضوانك وجنانك اله العالمين اللهم اني اعوذ بك من ان
تفضحني في ذلك اليوم بين يدي الخلائق بجريرتي او ان القى الخزي
والندامة بخطيئتي او ان تظهر فيه سيئاتي على حسناتي او ان
تنوه بين الخلائق باسمي يا كريم يا كريم العفو العفو الستر
الستر اللهم واعوذ بك من ان يكون في ذلك اليوم في مواقف الاشرار
موقفي او في مقام الاشقياء مقامي واذا ميزت بين خلقك فسقت كلا
باعمالهم زمرا الى منازلهم فسقني برحمتك في عبادك الصالحين
وفي زمرة اوليائك المتقين الى جنانك يا رب العالمين پس وداع کن
انحضرت را و بگو

السلام عليك يا رسول الله السلام عليك ايها البشير النذير السلام
عليك ايها السراج المنير السلام عليك ايها السفير بين الله وبين خلقه
اشهد يا رسول الله انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام
المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك من مدلهمات ثيابها
واشهد يا رسول الله اني مؤمن بك وبالائمة من اهل بيتك موقن
بجميع ما اتيت به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بيتك
اعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا اللهم لا
تجعله اخر العهد من زيارة نبيك عليه واله السلام وان
توفيتني فاني اشهد في مماتي على ما اشهد عليه في حيوتي انك
انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك وان محمدا عبدك
ورسولك وان الائمة من اهل بيته اولياؤك وانصارك وحججك
على خلقك وخلفاؤك في عبادك واعلامك في بلادك وخزان
علمك وحفظة سرك وتراجمة وحيك اللهم صل على محمد
وال محمد وبلغ روح نبيك محمد واله في ساعتي هذه وفي كل

ساعة تحية منى و سلاما و السلام عليك يا رسول الله و رحمة
الله و بركاته لا جعله الله آخر تسليمي عليك مؤلف گويدكه اين زيارت
اگرچه سندش بنظر
فقير نرسيده و لهذا در تحفة الزائر ايراد نكرده ام اما زيارت جامع كامليست
و در همه اوقات ميتوان بجا آورد و اگر كسي نخواند زيارت مختصري كه بعد از اين
انشاء الله مذكور خواهد شد بعمل آورد و علما ذكر كرده اند كه زيارت حضرت امير
المؤمنين در اين روز سنتست و خصوص اين زيارت را در اين روز ذكر كرده اند
و از بعضي روايات خصوص اين روز معلوم نميشود و بهترين زيارات از جهة
لفظ و معني و سند بسيار معتبر منقولست در همه ايام و اوقات از نزديك و دور ميتوان
كرد خصوصا در اين روز چنانكه شيخ مفيد و شيخ شهيد و سيد بن طاوس
رحمهم الله روايت كرده اند كه حضرت امام جعفر صادق زيارت كرد حضرت امير المؤمنين را
در هفدهم ماه ربيع الاول باين زيارت و تعليم فرمود زيارت را بابو عيسى ثقة عظيم الشان
محمد بن مسلم ثقفي و فرمود كه چون بيائي بمشهد امير المؤمنين غسل زيارت بكن و پاكيزه
ترين جامهاي خود را بپوش و بمال كه بوي خوش خود را خوشبو كن و برو با وقار
دل و آرام تن پس چون برسي بباب السلام يعني دركاه روضه مقدسه كه ضريح مقدس
نمايان ميشود پس رو بقبله بايست و سي مرتبه الله اكبر بگو و بگو السلام على رسول الله السلام على خيرة الله
السلام على البشير النذير السراج المنير و رحمة الله و بركاته السلام
على انبياء الله المرسلين و عباد الله الصالحين السلام على ملائكة
الله الحافين بهذا الحرم و بهذا الضريح اللائذين به پس نزديك قبر برو و بگو السلام
عليك يا وصي الاوصياء السلام عليك يا عماد الاتقياء السلام

عليك يا ولي الاولياء السلام عليك يا سيد الشهداء السلام
عليك يا آية الله العظمى السلام عليك يا خامس اهل العبا السلام
عليك يا قائد الغر المحجلين الاتقياء السلام عليك يا عصمة الاولياء
السلام عليك يا زين الموحدين النجباء السلام عليك يا خالص
الاخلاء السلام عليك يا والد الائمة الامناء السلام عليك
يا صاحب الحوض و حامل اللواء السلام عليك يا قسيم الجنة
و لظى السلام عليك يا من شرفت به مكة و منى السلام عليك
يا بحر العلوم و كهف الفقراء السلام عليك يا من ولد في الكعبة
و زوج في السماء بسيدة النساء و كان شهودها الملائكة السفرة
الاصفياء السلام عليك يا مصباح الضياء السلام عليك
يا من خصه النبي بجزيل الحباء السلام عليك يا من بات على فراش
خاتم الانبياء و وقاه بنفسه شر الاعداء السلام عليك يا من ردت
له الشمس فسامى شمعون الصفا السلام عليك يا من انجى الله
سفينة نوح باسمه و اسم اخيه حيث التطم الماء حولها و طمى

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَابَ اللهُ بِهِ وَبِأَخِيهِ عَلَى آدَمَ إِذْ غَوَى السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا فُلْكَ النَّجَاةِ الَّذِي مَنْ رَكِبَهُ نَجَا وَمَنْ تَأَخَّرَ عَنْهُ هَوَى السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا مَنْ خَاطَبَ الثُّعْبَانَ وَذِئْبَ الْفَلا السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ عَلَى مَنْ
كَفَرَ وَأَنَابَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ ذَوِي الأَلْبَابِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلِ الْخِطَابِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ يَوْمِ الْحِسَابِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْحُكْمِ النَّاطِقَ بِالصَّوَابِ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ
بِالْخَاتَمِ فِي الْمِحْرَابِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كَفَى اللهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهِ
يَوْمَ الأَحْزَابِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَخْلَصَ لِلهِ الْوَحْدَانِيَّةَ وَأَنَابَ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ خَيْبَرَ وَقَالِعَ الْبَابِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ دَعَاهُ
خَيْرُ الأَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَى فِرَاشِهِ فَأَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَأَجَابَ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ عِصْمَةِ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ السَّلامُ

عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجِزَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ
سُورَةُ الْعَادِيَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى
السُّرَادِقَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ وَالآيَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ
يَا أَمِيرَ الْغَزَوَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرَ وَبِمَا هُوَ آتٍ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا مُخَاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَوَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَاتِمَ الْحَصَى
وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلاتِهِ فِي الْوَغَا
مَلائِكَةُ السَّمَاوَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ
يَدَيْ نَجْوَاهُ الصَّدَقَاتِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ الْمَبْعُوثِ السَّلامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا
إِمَامَ الْمُتَّقِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا
عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا
طه وَيس السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللهِ الْمَتِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا
مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلاتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ

الصخرة عن فم القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين
الله الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته
اجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع علم
الاولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي اوليائه من حوض
خاتم النبيين السلام عليك يا يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين
ووالد الائمة المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على اسم الله
الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي وصراطه السوي السلام
على الامام التقي المخلص الصفي السلام على الكوكب الدري
السلام على الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام
على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى ومنار الهدى وذوي
النهى وكهف الورى والعروة الوثقى والحجج على اهل الدنيا و
رحمة الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجة الجبار و
والد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن الآثار المدمر
على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين من عظيم الاوزار السلام

على المخصوص بالطاهرة التقية ابنة المختار المولود في بيت
ذي الاستار المزوج في السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية
ابنة الاطهار ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ
العظيم الذي هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسئلون
السلام على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته
اشهد يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت
منهاج رسول الله صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت
حرامه وشرعت احكامه واقمت الصلوة وآتيت الزكوة
وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله
صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتاك
اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك و
لعن الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملائكته وانبيائه
ورسله اني وال لمن والاك وعاد لمن عاداك السلام عليك

ورحمة الله وبركاته پس خود را بقبر مچسبان اشهد انك تسمع كلامي
وقبر را ببوس و بگو
وتشهد مقامي واشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي
يا حجة الله يا امين الله يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد
اثقلت ظهري ومنعتني من الرقاد وذكرها يقلقل احشائي وقد
هربت الى الله عز وجل واليك فبحق من ائتمنك على سره واسترعاك
امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك بموالاته كن لي
الى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا پس باز خود را بقبر
بچسبان وقبر را
ببوس يا ولي الله يا حجة الله يا باب حطة الله وليك وزائرك واللائذ
و بگو
بقبرك والنازل بفنائك والمنيخ رحله في جوارك يسئلك ان
تشفع له الى الله في قضاء حاجته ونجح طلبته في الدنيا والآخرة
فان لك عند الله الجاه العظيم والشفاعة المقبولة فاجعلني يا مولاي
من همك وادخلني في حزبك والسلام عليك وعلى ضجيعيك آدم
ونوح والسلام عليك وعلى ولديك الحسن والحسين وعلى الائمة
الطاهرين من ذريتك ورحمة الله وبركاته پس از روى تضرع وخشوع
هر حاجت كه دارى از حق

تعالى بطلب مؤلف گويد كه چون از دور زيارت كند بهذا الحرم وبهذا الضريح
فضل روضه وضريح حضرت امير المؤمنين مى كند و زيارتها و دعاها متصل بيكديگر ميخوانند
ونزديك رفتن وبوسيدن نميباشد عوض اينها دركار نيست كه بعمل آورد و سيد بن
طاوس گفته است كه مستحب است كه در اين ورود دو ركعت نماز بكند و در هر ركعت بعد
از سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه وده مرتبه قل هو الله احد بخواند وچون سلام بگويد در
جاى نماز خود بنشيند انت حي لا تموت وخالق لا تغلب وبدي لا تنفد
واين دعا بخواند
وقريب لا تبعد وقادر لا تضاد وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم و
قيوم لا تنام وعالم لا تعلم وقوي لا تضعف وعظيم لا توصف و
وفي لا تخلف وغني لا تفتقر وحكيم لا تجور ومنيع لا تقهر ومعروف
لا تنكر ووكيل لا تخفى وغالب لا تغلب وفرد لا تستشير ووهاب لا تمل
وسريع لا تذهل وجواد لا تبخل وعزيز لا تذل وحافظ لا تغفل
وقائم لا تزول ومحتجب لا ترى ودائم لا تفنى وباق لا تبلى وواحد
لا تشبه ومقتدر لا تنازع اللهم اني اسئلك بعلم الغيب عندك
وقدرتك على الخلق اجمعين ان تحييني ما علمت الحيوة خيرا لي وان
تتوفاني اذا كانت الوفاة خيرا لي واسئلك الخشية في الغيب والشهادة
واسئلك اللهم كلمة الحق في الغضب والرضا واسئلك نعيما لا ينفد

واسئلك الرضا بعد القضاء واسئلك برد العيش بعد الموت
واسئلك لذة النظر الى وجهك الكريم آمين رب العالمين اللهم اني
اسئلك بمنك الكريم وفضلك العظيم ان تغفر لي وترحمني يا لطيف
الطف بي في كل ما تحب وترضى اللهم اني اسئلك فعل الخيرات وترك
المنكرات وحب المساكين ومخالطة الصالحين وان تغفر لي وترحمني
واذا اردت بقوم فتنة فتوفني غير مفتون واسئلك حبك وحب من
يحبك وحب كل عمل يقربني الى حبك اللهم بحق محمد صلى الله عليه و
آله حبيبك وبحق ابرهيم خليلك وصفيك وبحق موسى كليمك و
بحق عيسى روحك واسئلك بصحف ابرهيم وتورية موسى وانجيل
عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه وآله واسئلك
بكل وحي اوحيته وبحق كل قضاء قضيته وبكل سائل اعطيته
واسئلك بكل اسم انزلته في كتابك واسئلك باسمائك التي استقل
بها عرشك واسئلك باسمائك التي وضعتها على النار فاستنارت
واسئلك باسمائك التي وضعتها على الليل فاظلم واسئلك باسمائك

التي وضعتها على النهار فاضاء واسئلك باسمائك التي وضعتها
على الارض فاستقرت واسئلك باسمك الاحد الصمد الذي ملا
اركان كل شيء واسئلك باسمك الطهر الطاهر المبارك الحي القيوم
لا اله الا هو الرحمن الرحيم واسئلك بمعاقد العز من عرشك و
منتهى الرحمة من كتابك وباسمائك العظام وجدك الاعلى وكلماتك
التامات ان ترزقنا حفظ القرآن والعمل به والطاعة لك والعمل الصالح
وان تثبت ذلك في اسماعنا وابصارنا وان تخلط ذلك بلحمي ودمي و
مخي وعظمي وان تستعمل بذلك بدني وقوتي فانه لا يقوى على ذلك
الا انت وحدك لا شريك لك يا الله الواحد الرب القدير يا الله
الخالق البارئ المصور يا الله الباعث الوارث يا الله الفتاح العزيز
العليم يا الله الملك القادر المقتدر اغفر لي وارحمني انك انت ارحم
الراحمين اللهم انت قلت وقولك الحق ادعوني استجب لكم فاسألك
يا الله باسمك الذي دعاك به آدم صلى الله عليه فاوجبت له الجنة
واسئلك باسمك الذي دعاك به شيث بن آدم فجعلته وصي ابيه

بعده أن تستجيب دعاءنا وأن ترزقنا إنفاذ كل وصية لأحد عندنا
وأن تقدم وصيتنا أمامنا وأسئلك باسمك الذي دعاك به إدريس
فرفعته مكانا عليا أن ترفعنا إلى أحب البقاع إليك وتمن علينا
برضائك وتدخلنا الجنة برحمتك وأسئلك باسمك الذي دعاك
به نوح فنجيته من الغرق وأهلكت القوم الظالمين أن تنجينا مما
نحن فيه من البلاء وأسئلك باسمك الذي دعاك به هود عليه
السلام فنجيته من الريح العقيم أن تنجينا من بلاء الدنيا والآخرة
وعذابهما وأسئلك باسمك الذي دعاك به صالح فنجيته من خزي
يومئذ أن تنجينا من خزي الدنيا والآخرة وعذابهما وأسئلك باسمك
الذي دعاك به لوط فنجيته من المؤتفكة والمطر السوء أن تنجينا
من مخازي الدنيا والآخرة وأسئلك باسمك الذي دعاك به شعيب
فنجيته من عذاب يوم الظلة أن تنجينا من العذاب إلى روحك و
رحمتك وأسئلك باسمك الذي دعاك به إبرهيم فجعلت النار
عليه بردا وسلاما أن تخلصنا كما خلصته وأن تجعل ما نحن

فيه بردا وسلاما كما جعلتها عليه وأسألك باسمك الذي
دعاك به إسمعيل عند العطش وأخرجت من زمزم الماء الروي
أن تجعل مخرجنا إلى خير وأن ترزقنا المال الواسع برحمتك و
أسئلك باسمك الذي دعاك به يعقوب فرددت عليه بصره
وولده وقرة عينه أن تخلصنا وتجمع بيننا وبين أولادنا وأهالينا و
أسألك باسمك الذي دعاك به يوسف فأخرجته من السجن أن
تخرجنا من السجن وتملكنا نعمتك التي أنعمت بها علينا وأسألك
باسمك الذي دعاك به الأسباط فتبت عليهم وجعلتهم أنبياء
أن تتوب علينا وترزقنا طاعتك وعبادتك والخلاص مما نحن
فيه وأسئلك باسمك الذي دعاك به أيوب إذ حل به البلاء فقال
رب أني مسني الضر وأنت أرحم الراحمين فاستجبت له وكشفت عنه
ضره ورددت عليه أهله ومثلهم معهم رحمة منك وذكرى
للعابدين اللهم إني أقول كما قال رب إني مسني الضر وأنت أرحم
الراحمين فاستجب لنا وارحمنا وخلصنا ورد علينا أهلنا ومالنا

ومثلهم معهم رحمة منك واجعلنا من العابدين لك واسئلك
باسمك الذي دعاك به موسى وهرون فقلت عز من قائل قد
اجيبت دعوتكما ان تستجيب دعاءنا وتنجينا كما نجيتهما واسئلك
باسمك الذي دعاك به داود فغفرت ذنبه وتبت عليه ان تغفر
ذنبي وتتوب علي انك انت التواب الرحيم واسئلك باسمك الذي
دعاك به سليمان فرددت عليه ملكه وامكنته من عدوه وسخرت
له الجن والانس والطير ان تخلصنا من عدونا وترد علينا نعمتك
وتستخرج لنا من ايديهم حقنا وتخلصنا منهم انك على كل شيء قدير
واسئلك باسمك الذي دعاك به الذي عنده علم من الكتاب على
عرش ملكة سبا ان يحمل اليه فاذا هو مستقر عنده ان تحملنا
من عامنا هذا الى بيتك الحرام حجاجا وزوار قبر نبيك عليه وآله
السلام واسئلك باسمك الذي دعاك به يونس بن متى في الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت له ونجيته من
بطن الحوت ومن الغم وقلت عز من قائل وكذلك ننجي المؤمنين

فنشهد

فنشهد انا مؤمنون ونقول كما قال لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين فاستجب لي ونجني من غم الدنيا والآخرة كما ضمنت ان
تنجي المؤمنين واسئلك باسمك الذي دعاك به زكريا وقال رب لا
تذرني فردا وانت خير الوارثين فاستجبت له ووهبت له يحيى واصلحت
له زوجه وجعلتهم يسارعون في الخيرات ويدعونك رغبا و
رهبا وكانوا لك خاشعين فاني اقول كما قال رب لا تذرني فردا و
انت خير الوارثين فاستجب لي واصلح لي شأني وجميع ما انعمت به علي
وخلصني مما انا فيه وهب لي كرامة الدنيا والآخرة واولادا صالحين
يرثوني واجعلنا ممن يدعوك رغبا ورهبا ومن الخاشعين
المطيعين لك واسئلك باسمك الذي دعاك به يحيى فجعلته بريئا من
الفتنة ولم يعمل معصية ولم يهم بها ان تعصمني من اقتراف المعاصي
حتى نلقاك طاهرين ليس لك قبلنا معصية واسئلك باسمك
الذي دعتك به مريم فنطق ولدها بحجتها ان توفقنا وتخلصنا
بحجتنا عندك وعند كل ملة حتى تظهر حجتنا على ظالمينا واسئلك

باسمك

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَأَحْيَى بِهِ الْمَوْتَى وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ
وَالْأَبْرَصَ أَنْ تُخَلِّصَنَا وَتُبَرِّئَنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَآفَةٍ وَأَلَمٍ وَتُحْيِيَنَا حَيٰوةً
طَيِّبَةً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تَرْزُقَنَا الْعَافِيَةَ فِي أَبْدَانِنَا
وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْحَوَارِيُّونَ فَأَغَثْتَهُمْ حَتَّى بَلَغُوا
عَنْ عِيسَى مَا أَمَرْتَهُمْ بِهِ وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ كَيْدَ الْجَبَّارِينَ وَتَوَلَّيْتَهُمْ أَنْ
تُخَلِّصَنَا وَتَجْعَلَنَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
دَعَاكَ بِهِ جِرْجِيسُ فَرَفَعْتَ عَنْهُ أَلَمَ الْعَذَابِ أَنْ تَرْفَعَ عَنَّا أَلَمَ
الْعَذَابِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ لَا تَبْتَلِيَنَا وَإِنِ ابْتَلَيْتَنَا فَصَبِّرْنَا وَ
الْعَافِيَةُ أَحَبُّ إِلَيْنَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْخِضْرُ حَتَّى
أَبْقَيْتَهُ أَنْ تُفَرِّجَ عَنَّا وَتَنْصُرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَتَرُدَّنَا إِلَى مَأْمَنِكَ وَ
أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ حَبِيبُكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
فَجَعَلْتَهُ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَأَيَّدْتَهُ بِعَلِيٍّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَيْهِمَا وَعَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تُقِيلَنِي فِي هٰذَا الْيَوْمِ عَثْرَتِي
وَتَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَخَطَايَايَ وَلَا تَصْرِفَنِي مِنْ مَقَامِي هٰذَا

إِلَّا بِسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَذَنْبٍ مَغْفُورٍ وَعَمَلٍ مَقْبُولٍ وَرَحْمَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَ
نَعِيمٍ مَوْصُولٍ بِنَعِيمِ الْآخِرَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ
الْعَظِيمِ

باب سیم در بیان اعمال ماه ربیع الثانی وجمادی الاولی وجمادی الثانیه است ودران سه فصلست فصل اول

در اعمال ماه ربیع الثانی است سید بن طاوس روایت کرده است که در روز اول این ماه مستحبست که این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ أَنْتَ إِلٰهُ كُلِّ
شَيْءٍ وَخَالِقُ كُلِّ حَيٍّ وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَالْغَايَةِ
وَالْمُنْتَهَى وَبِمَا خَالَفْتَ بِهِ بَيْنَ الْأَنْوَارِ وَالظُّلُمَاتِ وَالْجَنَّةِ وَالنَّارِ
وَالدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ فِي اللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَأَتَمِّ أَسْمَائِكَ
فِي التَّوْرٰيةِ نُبْلًا وَأَزْهَرِ أَسْمَائِكَ فِي الزَّبُورِ عِزًّا وَأَجَلِّ أَسْمَائِكَ فِي
الْإِنْجِيلِ قَدْرًا وَأَرْفَعِ أَسْمَائِكَ فِي الْقُرْآنِ ذِكْرًا وَأَعْظَمِ أَسْمَائِكَ
فِي الْكُتُبِ الْمُنْزَلَةِ وَأَفْضَلِهَا وَأَسَرِّ أَسْمَائِكَ فِي نَفْسِكَ الَّذِي لَيْسَ
كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَبِالْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَمَا
حَمَلَ وَبِالْكُرْسِيِّ الْكَرِيمِ وَمَا وَسِعَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
تُبِيحَ لِي مِنْ عِنْدِكَ فَرَجَكَ الْقَرِيبَ الْعَظِيمَ الْأَعْظَمَ اَللّٰهُمَّ أَنْعِمْ عَلَى

احسانك القديم الاقدم وتابع الى معروفك الدائم الادوم
وانعشني بعز جلالك الكريم الاكرم والهكم اله واحد لا اله الا
هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تاخذه سنة
ولا نوم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو الذي يصوركم في
الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا
اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو
العزيز الحكيم الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا
ريب فيه ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه
وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو
واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا
الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت
فامنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه
لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا
هو سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال
امنت انه لا اله الا الذي امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين
قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ينزل الملائكة
بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا
فاتقون وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا
هو له الاسماء الحسنى وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا
الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري انما الهكم
الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من
رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ
ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله
الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فتعالى الله الملك الحق لا اله
الا هو رب العرش الكريم الله لا اله هو رب العرش العظيم وهو
الله لا اله الا هو له الحمد في الاولى والاخرة وله الحكم واليه ترجعون
ولا تدع مع الله الها اخر لا اله الا هو كل شيء هالك الا وجهه له

الحكم واليه ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمت الله عليكم هل
من خالق غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى
تؤفكون ذلكم الله ربكم له الملك لا اله الا هو فانى تصرفون
غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو
اليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون
ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين هو الحي لا اله الا هو فادعوه
مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين رب السموات والارض وما
بينهما ان كنتم موقنين لا اله الا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الاولين
فانى لهم اذا جاءتهم ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك
وللمؤمنين والمؤمنات هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة
هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام
المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون الله
لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم اني اسئلك عفوا
ليس بعده عقوبة ورضا ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها

بلاء وسعادة ليس بعدها شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وايمانا
لا يداخله كفر وقلبا لا يداخله فتنة اللهم اني اسالك السعة في
القبر والحجة البالغة والقول الثابت وان تنزل علي الامان
والفرج والسرور ونضرة النعيم اللهم صل على محمد وآل محمد وعرفني
بركة هذا الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني
فيه من الفائزين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب
الخير فهب لي شوقا الى لقائك واشفاقا من عذابك وحياء منك
وتوقيرا واجلالا لك حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي و
يتجافى له جنبي وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي و
نهاري يا ارحم الراحمين اللهم اني اثني عليك وما عسى ان يبلغ مدحي
وثنائي مع قلة عملي وقصر رائي وانت الخالق وانا المخلوق وانت
المالك وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزيز وانا
الذليل وانت القوي وانا الضعيف وانت الغني وانا الفقير و
انت المعطي وانا السائل وانت الحي الذي لا تموت وانا خلق اموت فاغفر لي

وَارْحَمْنِي وَاَعْطِنِي سُؤْلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَتَجَاوَزْ عَنِّي وَعَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ
و رحم کن مرا و عطا کن سؤال مرا در دنیا و آخرت و درگذر از من و از همه گروندگان
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ اَللّٰهُمَّ
و زنان گرونده و مردان گردن نهنده و زنان گردن نهنده زندگان از ایشان و مردگان خداوندا
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَصَفِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ
رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر و برگزیده تو و اختیار کرده تو از
خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَكَرِّمْ مَقَامَهُ وَاَجْزِلْ ثَوَابَهُ وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُ
خلق تو خداوندا بلند کن مرتبه او را و گرامیدار اقامت او را و وافر کن ثواب او را و غالب کن حجت او را
وَاَظْهِرْ عُذْرَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَاَدِمْ كَرَامَتَهُ وَاَلْحِقْ بِهِ اُمَّتَهُ وَذُرِّيَّتَهُ وَ
و ظاهر کن عذر او را و بزرگ کن نور او را و دائم دار کرامت او را و برسان باو امت او و فرزندان او و
اَقِرَّ بِذٰلِكَ عَيْنَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مُحَمَّدًا اَكْرَمَ النَّبِيِّينَ تَبَعًا وَاَعْظَمَهُمْ مَنْزِلَةً
روشن کن بآن دیده او را خداوندا بگردان محمد را گرامی تر پیغمبران از پیرو و بزرگتر ایشان از منزلت
وَاَشْرَفَهُمْ كَرَامَةً وَاَعْلاَهُمْ دَرَجَةً وَاَفْسَحَهُمْ فِي الْجَنَّةِ مَنْزِلاً اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ
و گرامی تر ایشان بکرامت و بلندتر ایشان بمرتبه و روا شدن ایشان در بهشت منزلت خداوندا برسان
مُحَمَّدًا دَرَجَةَ الْوَسِيلَةِ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ
محمد را بدرجه که او وسیلت و بلند کن اساس او را و بزرگ کن نور او را و حجت او را و بپذیر
شَفَاعَتَهُ فِي اُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلٰوةَ اُمَّتِهِ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
شفاعت او را در امت او و بپذیر نماز امت او را بر او خداوندا رحمت فرست بر محمد
كَمَا بَلَّغَ رِسَالاَتِكَ وَتَلاَ آيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ
چنانکه رسانیده پیغامهای ترا و خواند آیات ترا و پند داد مر بندگان ترا و جهاد کرد در راه تو
حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ زِدْ مُحَمَّدًا مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفًا وَمَعَ كُلِّ فَضْلٍ فَضْلاً
تا آمد او را مرگ خداوندا زیاد کن محمد را با هر شرافتی شرافتی و با هر فضیلتی فضیلتی
وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَمَعَ كُلِّ سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتّٰى تَجْعَلَ مُحَمَّدًا فِي
و با هر نوازش نوازشی و با هر سعادت سعادتی تا بگردانی محمد را در
الشَّرَفِ الْاَعْلٰى مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
شرف بلندتر از مرتبهای بلند خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
وَسَهِّلْ لِي مَحَبَّتِي وَبَلِّغْنِي اُمْنِيَّتِي وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي
و آسان کن برای محبت مرا و برسان مرا بآرزوی من و وسعت ده بر من در روزی من و بپرداز از من دین مرا

وَفَرِّجْ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَيَسِّرْ لِي اِرَادَتِي وَاَوْصِلْنِي اِلٰى بُغْيَتِي سَرِيعًا
و بگشا از من غم مرا و هم مرا و اندوه مرا و آسان کن مرا خواسته مرا و برسان مرا بسوی مطلب من زود
عَاجِلاً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وشیخ مفید گفته است که در روز دهم ماه ربیع
عاجل ای بخشنده ترین بخشندگان
الثانی سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی
حضرت امام حسن عسکری متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست
و مستحبست که بشکر این نعمت عظمی روزه بدارند مؤلف گوید زیارت آنحضرت
و سایر اعمال خیر در این روز با برکت مناسبست

فصل دوم در اعمال

ماه جمادی الاولی است سید بن طاوس رضی الله عنه از بعضی کتب معتبره نقل
کرده است که در روز اول اینماه اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللّٰهُ وَاَنْتَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ
مستحبست که این دعا را بخوانند خداوندا توئی خدا و توئی بخشنده مهربان و توئی
الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ وَاَنْتَ السَّلاَمُ الْمُؤْمِنُ وَاَنْتَ الْمُهَيْمِنُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ
پادشاه پاک از نقص و توئی سلامت امان دهنده و توئی نگاهبان و توئی غالب
وَاَنْتَ الْجَبَّارُ وَاَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنْتَ الْبَارِئُ وَاَنْتَ الْمُصَوِّرُ
و توئی بزرگ کننده و توئی متکبر و توئی آفریننده و توئی پدید آورنده و توئی نگارنده
وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ الْاَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَكَ
و توئی غالب درستکردار و توئی اول و آخر و ظاهر و باطن مر تراست
الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى اَسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِحَقِّ هٰذِهِ الْاَسْمَاءِ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ
نامهای نیکو میخوانم ترا ای پروردگار بحق این نامها و بحق نامهای تو
كُلِّهَا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآتِنَا اللّٰهُمَّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ
همه آن اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و بده ما را خداوندا در دنیا نیکی و
فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَاخْتِمْ لَنَا بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ
در آخرت نیکی و ختم کن برای ما بنیکبختی و شهید شدن در راه تو
عَرِّفْنَا بَرَكَةَ شَهْرِنَا هٰذَا وَيُمْنَهُ وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا شَرَّهُ
بشناسان ما را برکت ماه ما اینماه و میمنت آن و روزی کن ما را خیر او و بگردان از ما شر او را
وَاجْعَلْنَا فِيهِ مِنَ الْفَائِزِينَ وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ يَا اَرْحَمَ
و بگردان ما را در آن از رستگاران و نگاهدار ما را برحمت خود عذاب آتش ای بخشنده ترین
الرَّاحِمِينَ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ پس این آیات را بخوانند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
بخشندگان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی سپاس مر خدا را پروردگار جهانیان

الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور
حمد مر خدا را که آفرید آسمانها و زمین و گردانید تاریکیها را و روشنی را
ثم الذين كفروا بربهم يعدلون هو الذي خلقكم من طين ثم
پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خویش میل کنند اوست آنکه آفرید شما را از خاک پس
قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون وهو الله في السموات
مقرر نمود مدت و مدت نام برده شده نزد او پس شما در شک میکنید و اوست خدا در آسمانها
وفي الارض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون الحمد لله الذي
و در زمین میداند نهان شما را و آشکار شما را و میداند آنچه کسب کردید حمد مر خدا را که
انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا قيما لينذر باسا شديدا
فرو فرستاد بر بنده خود کتاب و نگردانید برای او کجی گردانید راست تا بیم کنند از بدی سخت
من لدنه الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الآخرة
از نزد او سپاس مر خدا را که مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر او راست حمد در آخرت
وهو الحكيم الخبير الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا
و اوست حکیم آگاه حمد مر خدا را که پدید آورد آسمانها و زمین را گرداننده فرشتگان را رسولان
اولي اجنحة مثنى وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل
خداوند بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار میافزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستیکه خدا بر
شيء قدير ما يفتح الله للناس من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا
چیزی تواناست آنچه بگشاید خدا برای مردمان از رحمت پس نیست بازدارنده مر او را و آنچه نگاه دارد پس
مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي هدينا لهذا وما
نفرستادیم مر او را از بعد او و اوست غالب محکم کار حمد مر خدا را که راه نمود ما را مر این و آنچه
كنا لنهتدي لولا ان هدينا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله
بودیم که راه یابیم اگر نه راه نماید ما را خدا هر آینه بتحقیق آمد فرستاده پروردگار ما براستی حمد مر خدا را
الذي وهب لي على الكبر اسمعيل واسحق ان ربي لسميع الدعاء الحمد لله
که بخشید مرا بر پیری اسمعیل و اسحق بدرستیکه پروردگار من هر آینه شنواست دعا را حمد مر خدا را
بل اكثرهم لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من القوم الظالمين الحمد لله الذي
بلکه بیشتر آنها نمیدانند حمد مر خدا را که رهانید ما را از گروه ستمکاران حمد مر خدا را که
فضلنا على كثير من عباده المؤمنين الحمد لله سيريكم اياته فتعرفونها
زیادتی داد ما را بر بسیاری از بندگان گروندگان حمد مر خدا را که زود بنماید شما را آیتها پس بشناسید

وما ربك بغافل عما تعملون الحمد لله الذي اذهب عنا الحزن ان ربنا
و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنید حمد مر خدا را که برد از ما اندوه بدرستیکه پروردگار ما
لغفور شكور الحمد لله الذي صدقنا وعده واورثنا الارض نتبوء
هر آینه آمرزنده سپاسگزار است حمد مر خدا را که راست شد وعده او و میراث داد ما را زمین که جا گیریم
من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين وترى الملائكة حافين من
از بهشت هر جا که خواهیم پس نیکوست مزد کار کنندگان و می بینی فرشتگان را گرد آیندگان از
حول العرش يسبحون بحمد ربهم وقضى بينهم بالحق وقيل الحمد لله
گرداگرد عرش تسبیح گویند بحمد پروردگارشان و حکم شود میان ایشان بحق و گفت حمد مر خدا را
رب العالمين فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمين وله
که پروردگار جهانیان است پس مر خدا راست سپاس پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار جهانهاست و مر او راست
الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي لم يتخذ
بزرگواری در آسمانها و زمین و اوست عزیز دانا سپاس مر خدا را که فرا نگرفت
ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا
فرزندی را و نباشد مر او را شریکی در پادشاهی و نباشد مر او را دوستی از خواری و یاد کن او را یاد کردنی
اللهم اغفر لي ما سلف من ذنوبي وتدارك فيما بقي من عمري وقو ضعفي
خداوندا بیامرز مرا آنچه گذشته از گناهانم و دریاب مرا در آنچه باقی مانده از عمرم و توانا گردان
للذي خلقتني له وحبب الي الايمان وزينه في قلبي وقد دعوتك كما امرتني
مر آنچه آفریدی مرا برای او و دوست گردان بسوی من ایمان و زینت ده او را در دل من و بتحقیق خواندم ترا چنانکه امر کردی
فاستجب لي كما وعدتني اللهم اصبحت لك عبدا لا استطيع دفع ما اكره
پس بپذیر مرا چنانچه وعده کردی مرا خداوندا صبح کردم مر ترا و حال آنکه هستم بنده که توانائی ندارم دفع آنچه
ولا املك ما ارجو واصبحت مرتهنا بعملي فلا فقير افقر مني اليك يا
و نه مالکم آنچه را که امیدوارم و صبح کردم مرهون بکردار خود و نیست محتاج فقیرتر از من بسوی تو ای
رب العالمين اسالك ان تستعملني عمل من استيقن حضور اجله لا
پروردگار جهانیان میخواهم ترا که بکار داری مرا کردار آنکه یقین کرده حاضر گردیدن اجل خود را
بل عمل من قد مات فراى عمله ونظر الى ثواب عمله انك على كل شيء قدير
بلکه کردار آنکه بتحقیق مرده پس دید کردار خود را و نگریسته بسوی پاداش کردار خود بدرستیکه تو بر هر چیزی توانا
اللهم هذا مكان العائذ برحمتك من عذابك وهذا مكان العائذ
خداوندا این است جایگاه پناه گیرنده برحمت تو از عذاب تو و این است جایگاه پناه برنده

بمعافاتك من غضبك اللهم اجعلني ممن دعاك فاجبته وسألك
فاعطيته وآمن بك فهديته وتوكل عليك فكفيته وتقرب
اليك فادنيته وافتقر اليك فاغنيته واستغفرك فغفرت له
ورضيت عنه وارضيته وهديته الى مرضاتك واستعملته
بطاعتك ولذلك فرغته ابدا ما احييته فتب علي يا رب واعطني
سؤلي ولا تحرمني شيئا مما سئلتك واكفني شر ما يعمل الظالمون في
الارض واستغفر الله الذي لا اله الا هو الذي لا يغفر الذنوب الا
هو اللهم صل على محمد وال محمد واغنني على الدنيا وارزقني خيرها
وكره الي الكفر والفسوق والعصيان واجعلني من الراشدين اللهم
قوني لعبادتك واستعملني في طاعتك وبلغني الذي ارجو من
رحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسئلك الري يوم الظماء و
النجاة يوم الفزع الاكبر والفوز يوم الحساب والامن يوم الخوف و
اسئلك النظر الى وجهك الكريم والخلود في جنتك في دار المقامة
من فضلك والسجود يوم يكشف عن ساق والظل يوم لا ظل الا

ظلك وموافقة انبيائك ورسلك واوليائك اللهم اغفر لي ما
قدمت من ذنوبي وما اخرت وما اسررت وما اعلنت وما اسرفت
على نفسي وما انت اعلم به مني وارزقني التقى والهدى والعفاف
والغنى ووفقني للعمل بما تحب وترضى اللهم اصلح لي ديني الذي
هو عصمة امري واصلح لي دنياي التي فيها معاشي واصلح لي اخرتي التي
اليها منقلبي واجعل الحيوة زيادة لي في كل خير واجعل الموت
راحة لي من كل سوء اللهم اني اسئلك يا رب الارباب ويا سيد السادات
ويا مالك الملوك ان ترحمني وتستجيب لي وتصلحني فانه لا يصلح من
صلح من عبادك الا انت فانك انت ربي وثقتي ورجائي ومولاي
وملجاي ولا راحم لي غيرك ولا مغيث لي سواك ولا مالك سواك ولا
مجير الا انت انا عبدك وابن عبدك وابن امتك الخاطئ الذي
وسعته رحمتك وانت العالم بحالي وحاجتي وكثرة ذنوبي و
المطلع على اموري كلها فاسئلك يا لا اله الا انت ان تغفر لي
ما تقدم من ذنبي وما تاخر اللهم لا تدع لي ذنبا الا غفرته ولا

همّا الّا فرّجته ولا حاجة هي لك رضا الّا قضيتها ولا عيبا الّا
اصلحته اللّهمّ وآتنا في الدّنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا
عذاب النّار اللّهمّ اعنّي على اهوال الدّنيا وبوائق الدّهور ومصيبات
اللّيالي والايّام اللّهمّ واحرسني من شرّ ما يعمل الظّالمون في الارض
فانّه لا حول ولا قوّة الّا بك اللّهمّ انّي اسئلك ايمانا ثابتا وعملا
متقبّلا ودعاء مستجابا ويقينا صادقا وقولا طيّبا وقلبا شاكرا
وبدنا صابرا ولسانا ذاكرا اللّهمّ انزع حبّ الدّنيا ومعاصيها وذكرها
وشهوتها من قلبي اللّهمّ انّك بكرمك تشكر اليسير من عملي فاعف
لي الكثير من ذنوبي وكن لي وليّا ونصيرا ومنيعا وحافظا اللّهمّ
هب لي قلبا اشدّ رهبة لك من قلبي ولسانا ادوم لك ذكرا من لساني
وجسما اقوى على طاعتك وعبادتك من جسمي اللّهمّ انّي اعوذ بك من
زوال نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن تحوّل عافيتك ومن حلول غضبك
واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشّقاء وشماتة الاعداء وسوء
القضاء في الدّنيا والآخرة اللّهمّ انّي اسئلك باسمك الكريم و

عرشك العظيم وملكك القديم يا وهّاب العطايا ويا مطلق الاسارى
ويا فكّاك الرّقاب ويا كاشف العذاب اسئلك ان تخرجني من الدّنيا
سالما غانما وان تدخلني الجنّة برحمتك امنا وان تجعل اوّل شهري
هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا انّك انت علّام الغيوب

مؤلّف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت زنده بود پس بنا بر مشهور که وفات حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این ایّام مناسب است خصوصا در چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید ره گفته است که در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین متولّد شده است و روز شریفیست و مستحبست که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدّقات بجا آورند و شیخ طوسی ره گفته است که فتح بصره برای امیر المؤمنین نیز در این روز میسّر شد مؤلّف گوید که زیارت هر دو امام در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه در این هشتم ایّام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی بهتر است **فصل سیّم** در اعمال جمادی الثّانیه است سیّد بن طاوس ره روایت کرده است که در اینماه در هر روز که خواهد سنّتست که چهار رکعت نماز بکند یعنی بدو سلام و در رکعت اوّل بعد از حمد یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انّا انزلناه و در رکعت دوّیم یکمرتبه الهیکم التّکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله و در رکعت سیّم یکمرتبه قل یا ایّها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ بربّ الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ بربّ النّاس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الّا الله والله اکبر و هفتاد مرتبه

اللهم صل علی محمد وآل محمد پس سه مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات
پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الراحمین پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب
نماید هر که چنین کند خدای تعالی خود شر او و ما لشر او و زنان و فرزندان او و از دین
و دنیای او را حفظ کند و اگر در این سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهدا
داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة
بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که ولادت با
سعادت حضرت فاطمه علیها السلام در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شده و شهادت
آنحضرت نیز در سیم این ماه واقع شده و شیخ طوسی و سید بن طاوس و دیگران
چنین ذکر کرده اند و اگرچه وفات مختار روایتی است که سابقا ذکر کردیم اما چون
مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز سیم این ماه بمراسم تعزیت آن
حضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بسیار بر قاتلان آنحضرت و غاصبان
حق او بکنند خصوصا ودر روز بیستم آنحضرت
را با زیارت کنند و چنانچه شیخ مفید گفته است اظهار سرور و خوشحالی
بکنند و روزه بدارند و تصدق و سایر اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو
طریق وارد شده است اول آنکه سید بن طاوس روایت کرده است که هر که
آنحضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید السَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ العالَمِینَ السَّلامُ
عَلَیْکِ یا والِدَةَ الحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعِینَ السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا المَظْلُومَةُ
المَمْنُوعَةُ حَقَّها پس بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ اَمَتِکَ وَابْنَةِ نَبِیِّکَ وَزَوْجَةِ
وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلوٰةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفیٰ عِبادِکَ المُکْرَمِینَ مِنْ اَهْلِ
السَّمٰواتِ وَاَهْلِ الاَرَضِینَ پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی و حق تعالی گناهان
او را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند

واین زیارت مختصر معتبر نیست وهمه وقت میتوان کرد و دوم زیارت مبسوطیست
که علما ذکر کرده اند در کتب زیارت و سندش بنظر فقیر نرسیده و آن زیارت
این است السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ نَبِیِّ اللهِ
السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ حَبِیبِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلِیلِ اللهِ
السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ صَفِیِّ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَمِینِ اللهِ السَّلامُ
عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ خَلْقِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِیاءِ اللهِ السَّلامُ
عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ البَرِیَّةِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ العالَمِینَ
مِنَ الاَوَّلِینَ وَالآخِرِینَ السَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَةَ وَلِیِّ اللهِ وَخَیْرِ خَلْقِهِ
بَعْدَ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمَّ الحَسَنِ وَالحُسَیْنِ سَیِّدَیْ
شَبابِ اَهْلِ الجَنَّةِ السَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمَّ المُؤْمِنِینَ السَّلامُ عَلَیْکِ
اَیَّتُهَا الصِّدِّیقَةُ الشَّهِیدَةُ السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الرَّضِیَّةُ المَرْضِیَّةُ
السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصّادِقَةُ الرَّشِیدَةُ السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا
الفاضِلَةُ الزَّکِیَّةُ السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الحَوْراءُ الاِنْسِیَّةُ السَّلامُ
عَلَیْکِ اَیَّتُهَا التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا المُحَدَّثَةُ العَلِیمَةُ
السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا المَعْصُومَةُ المَظْلُومَةُ السَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُها

الطاهرة المطهرة السلام عليك ايتها المضطهدة المغصوبة السلام
عليك ايتها الغراء الزهراء السلام عليك يا فاطمة بنت محمد
رسول الله ورحمة الله وبركاته صلى الله عليك يا مولاتي وابنة
مولاى وعلى روحك وبدنك اشهد انك مضيت على بينة
من ربك وان من سرك فقد سر رسول الله ومن جفاك فقد جفا
رسول الله صلى الله عليه وآله ومن اذاك فقد اذى رسول الله و
من وصلك فقد وصل رسول الله ومن قطعك فقد قطع رسول الله
لانك بضعة منه وروحه التي بين جنبيه كما قال عليه افضل
الصلوة واكمل السلام اشهد الله وملائكته اني ولي لمن والاك
وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك انا يا مولاتي بك وبابيك وبعلك
والائمة من ولدك موقن وبولايتهم مؤمن ولطاعتهم ملتزم اشهد ان
الدين دينهم والحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز وجل ودعوا الى
سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا تأخذهم في الله لومة لائم
وصلوات الله عليك وعلى ابيك وبعلك وذريتك الائمة الطاهرين

اللهم صل على محمد واهل بيته وصل على البتول الطاهرة الصديقة
المعصومة التقية النقية الرضية الزكية الرشيدة المظلومة
المقهورة المغصوبة حقها الممنوعة ارثها المكسور ضلعها المظلوم
بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك وبضعة لحمه وصميم
قلبه وفلذة كبده والنخبة منك له والتحفة خصصت بها وصيه
وحبيبة المصطفى وقرينة المرتضى وسيدة النساء ومبشرة الاولياء
حليفة الورع والزهد وتفاحة الفردوس والخلد التي شرفت مولدها
بنساء الجنة وسللت منها انوار الائمة وارخيت دونها حجاب
النبوة اللهم صل عليها صلوة تزيد في محلها عندك وشرفها لديك
ومنزلتها من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في
حبها فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو الكريم وسيد بن طاوس ره
گفته است پس نماز زيارت بكن و اگر توانى نماز آنحضرت را بجا آور و آن دو
ركعت است و در هر دو ركعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سورهٔ قل هو الله
احد بخوان و اگر نتوانى دو ركعت بكن و در ركعت اول بعد از فاتحه يكمرتبه
سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در ركعت دوم يكمرتبه سورهٔ قل يا ايها الكافرون
و بعد از نماز تسبيح آنحضرت را بگو و اين دعا را بخوان اللهم اني اتوجه اليك بنبينا محمد وباهل بيته

صلواتك عليهم واسئلك بحقك العظيم عليهم الذي لا يعلم كنهه
سواك واسئلك بحق من حقه عندك عظيم وباسمائك الحسنى التي
امرتني ان ادعوك بها واسئلك باسمك الاعظم الذي امرت به ابرهيم
ان يدعو به الطير فاجابته وباسمك العظيم الذي قلت للنار به كوني
بردا وسلاما على ابرهيم فكانت وباحب الاسماء اليك واشرفها
واعظمها لديك واسرعها اجابة وانجحها طلبة وبما انت اهله و
مستحقه ومستوجبه واتوسل اليك وارغب اليك واتضرع و
الح عليك واسئلك بكتبك التي انزلتها على انبيائك ورسلك
صلواتك عليهم من التورية والانجيل والزبور والقرآن العظيم فان
فيها اسمك الاعظم وبما فيها من اسمائك العظمى ان تصلي على محمد و
آل محمد وان تفرج عن آل محمد وشيعتهم ومحبيهم وعني وتفتح ابواب
السماء لدعائي وترفعه في عليين وتاذن في هذا اليوم وفي
هذه الساعة بفرجي واعطاء املي وسؤلي في الدنيا والآخرة يا من
لا يعلم احد كيف هو وقدرته الا هو يا من سد الهواء بالسماء وكبس

الارض على الماء واختار لنفسه احسن الاسماء يا من سمى نفسه بالاسم
الذي يقضى به حاجة من يدعوه اسئلك بحق ذلك الاسم فلا شفيع اقوى
لي منه ان تصلي على محمد وآل محمد وتقضي لي حوائجي وتسمع بمحمد
وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي و
جعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد
والحسن بن علي والحجة المنتظر لاذنك صلواتك وسلامك ورحمتك
وبركاتك عليهم صوتي ليشفعوا لي اليك وتشفعهم في ولا تردني خائبا
بحق لا اله الا انت پس حاجتهای خود را طلب کن که برآورده است **یازدهم**
در اعمال هر ماه هست بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه
در شب اول و خواه در دویم و خواه در سیم مستحب است که دعاها منقول را بخواند و
بهترین آنها دعای هلال صحیفه کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه
سوره حمد خواندن برای دفع درد چشم منقول است و اندکی پنیر خوردن گفته اند
مستحب است و از حضرت صادق منقول است که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را خوشبو
میکند و اشتهای طعام میآورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه
بخورد حاجت او رد نمیشود و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از فاتحه
سوره انعام بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را از هر ترسی و دردی
ایمن گرداند و نه بیند در آن ماه امری را که مکروه او باشد و از حضرت امام تقی
علیه السلام منقول است که چون ماه تازه شود در روز اول ماه دو رکعت
نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان

ودر رکعت دویم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی انماه را از حق تعالی خریده و در روایتی دیگر وارد شده است که مستحبست که بعد از این دو رکعت این دعا را بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم

وما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین بسم الله الرحمن الرحیم وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده وهو الغفور الرحیم بسم الله الرحمن الرحیم سیجعل الله بعد عسر یسرا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم الوکیل وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین

وبدانکه از جملهٔ سنتهای مؤکده که حضرت رسول بر ان مواظبت نمود تا از دنیا رفت روزهٔ سه روز در هر ماه است و انچه مشهور است پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ اخر ماه و چهارشنبهٔ اول از دههٔ میان ماه و در بعضی از روایات عکس این نیز وارد شده است اعنی چهارشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ اخر و پنجشنبهٔ اول از دههٔ میان و اول اشهر و بهتر است و سنتهای انحضرت تالی واجباتست در فضیلت و تاکید و از انحضرت نماز سنت در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت بعد از نماز شام و دو رکعت وتیره بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود برابر

یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها متمم فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل اند و مانند فریضه اگر ترک کند سنت است که قضا کنند و از برای ترک ان کفاره یک مد از گندم یا جو برای نافلهٔ روز و یک مد از برای نافلهٔ شب مقرر کرده اند و هم چنین روزهٔ سنت دو برابر واجبست که تمام ماه شعبان است و در ده ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنتست که قضا کنند و اگر در تابستان دشوار باشد سنتست که در زمستان قضا کنند و اگر دشوار باشد بدل هر روز یک درهم بدهند که بحساب زر ده دانگی سه بیستی و سه نار باشد و بحساب زرهای ناقص این زمان احوط چهارده غاز بکی است یا یک مد گندم که بحساب وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درم شاه بدهند احوط است و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله مدتی روزهٔ سنت ا نقدر گرفت که مردم گمان کردند که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کرد که گمان کردند که دیگر روزه سنت نخواهد گرفت پس مدتی روزهٔ حضرت داود علیه السلام را گرفت که یک روز روزه میداشت و یک روز افطار میفرمود پس در اخر عمر اکتفا نمود بر روزهٔ سه روز در هر ماه بنحویکه گذشت تا انکه بر امتان اسان باشد متابعت انحضرت و فرمود که این سه روزه ثوابش برابر است با روزهٔ تمام سال و وسواس شیطان را از سینه برطرف میکند راوی پرسید که کدام روزهاست فرمود که پنجشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ اول دههٔ دویم و پنجشنبهٔ اخر پرسید که چرا این روزها را روزه میدارند فرمود برای انکه عذاب بر امتهای سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها روزه بدارند برای دفع عذاب و در روایت دیگر فرمود که پنجشنبه را برای این روزه میدارند که اعمال بندگان را در این روز بر خدا عرض میکنند و چهارشنبهٔ میان را برای این روزه که اتش جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و روزه سپر اتش جهنم است و بروایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شده است در چهارشنبهٔ میان ماه نازل شده و اگر در دههٔ اول دو پنجشنبه

بوده باشد پنجشنبه اول را گرفتن بهتر است و اگر میسر نشود پنجشنبه دویم را بگیرند
و اگر در دهه آخر دو پنجشنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبه دویم افضل
است چنانکه در حدیث صحیح وارد شده است و در روایت دیگر وارد شده است
که پنجشنبه اول بهتر است و بعضی حمل کرده اند بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبه
دویم اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که کسیکه در هر ماه
این سه روز را روزه دارد باید که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت نکند و تعجیل
نکند و مبادرت نکند بسوگند خوردن بخدا و اگر کسی با او سفاهت و تعجیل کند در
گذرند و معارضه نکند و اگر در این ایام روزه باشد و بخانه برادر مؤمن خود وارد
شود و او را تکلیف کند افطار کردن بهتر است از روزه داشتن هفتاد برابر یا
نود برابر چنانکه در حدیث معتبر از حضرت صادق منقولست و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که هر که داخل شود بخانه برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و اظهار
نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد حق تعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد
و اگر این سه روز را در اول ماه یا میان ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت
سنت کرده است و ثواب روزه سال می یابد چنانکه حق تعالی فرموده است من جاء بالحسنة
فله عشر امثالها یعنی هر که حسنه بدرگاه خدا بیاورد از برای او هست ده برابر آن
و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که بنحوی باشد که اول
مذکور شد و از جمله روزهای سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم و
چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق عامه و خاصه
منقولست و در بعضی از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم مرتکب آن
امر مکروه شد در بهشت و او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه
خط سیاهی از سر تا پای او مانده بود چون ملائکه این حالت را دیدند در او خروش
بر آوردند و گریستند و استغاثه کردند بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان ندا
کرد که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن
سیاهی برطرف شد پس در روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون
روزه داشت یک ثلث دیگر برطرف شد پس در روز پانزدهم باز باو ندا رسید

روزه داشت تمام سیاهی برطرف شد پس باو ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه
این سه روز را برای تو و فرزندان تو مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه
بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه باشد و ابن بابویه گفته است که روزه
دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است و منافات ندارد که
هر دو سنت باشد و دو پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما
اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس روایت کرده از حضرت رسول
روایت کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت بگو بعلی که بگیر روزهای
ماه سه روز را نوشته شود برای تو بسبب روزه روز اول روزه ده هزار سال و بروزه
روز دویم سی هزار سال و بروزه روز سیم صد هزار سال حضرت امیر المؤمنین گفت
یا رسول الله این مخصوص من است یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان
تو این روزها را روزه بدارد این ثواب برای او خواهد بود گفت کدام روزهاست
از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است و از جمله روزهای مرغوب روزه
روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسیکه حاجتی داشته باشد چنانکه
در کتاب ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده ام و مشهور میان علما آنست که
هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه
واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق منقولست که کسیکه اراده عمل خیری داشته
باشد مانند تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه
بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است و ابن جنید گفته است
که مستحب نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد بآن یکروز پیش
یا یکروز بعد جایز است و گفته است که استحباب روزه روز دوشنبه و پنجشنبه
منسوخ است و روزه شنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید که اکثر آنچه
ابن جنید گفته است خلاف مشهور است میان علمای ما و شیخ طوسی ره
در مصباح گفته است که ترغیب در روزه روز جمعه وارد شده است و بعضی
گفته اند که تنها روزه ندارد مگر آنکه یکروز پیشتر روزه بدارد و گمان فقیر آنست
که نهی از تنها گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان بحدیث

را از ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علما نهی از روزه روز جمعه را حمل کرده
اند بر آنکه کراهت آن در صورتیست که او را ضعیف کرداند از فرایض و نوافل و
دعاهای روز جمعه و این حمل بد نیست و اما روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزه
آن واقع شده است و بهتر ترکست خصوصا هرگاه بقصد برکت روز دوشنبه
باشد مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و
مولد و امثال اینها و نهی از روزه روز شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم
در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنچه شیخ مفید قدس سره روایت کرده است
که هر که در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم پنج
شنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد
سال بنویسد باب یازدهم در بیان زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی
صلوات الله علیهم اجمعین بدانکه زیارت حضرت
رسول خدا و ائمه هدی در همه اوقات از نزدیک و دور مستحبست و اگر بعد از
غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه
و در کتاب تحفة الزائر بتفصیل ذکر کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارت
بعد و زیارت جامعه و دعا و صلوات فرستادن بر ایشان اکتفا مینمایم
اما زیارت حضرت رسالت از حضرت رسول منقولست که خدا را ملکی چند هست که
میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند
معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سوال نمود که هر چه
بندگان خدا گویند او بشنود و حق تعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز
قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید
و علیک یعنی بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام
رسانیده بر شما پس حضرت میفرماید و علیه السلام یعنی بر او باد نیز سلام و بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که حضرت رسول فرمود که هر که در هر جا از من
بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در
حدیث حسن از حضرت منقولست که حضرت صادق فرمود که در مسجد رسول

خدا بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه نور امیشر نمیشود که با آنمکان شرفیاب
و فرمود که نزد قبر رسول میروی گفتم بلی فرمود بدرستیکه سلام از نزدیک که
میکنی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی سلامت بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر
دیگر از آنحضرت منقولست که بروید بمدینه و سلام کنید بر رسول خدا هر چند
صلوات مؤمنان در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت
منقولست که صلوات فرستید بر حضرت رسول در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات
مؤمنان هر جا که باشند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هم دارد که در
نزدیک و دور کنند و ثوابش را هدیه روح مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات
و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت در شهرها دور بسیار است و بسند صحیح منقولست
که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و
سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید فرستاد فرمود که میگوئی السلام
عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللّٰهِ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ
اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبِیبَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا صِفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمِینَ اللّٰهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُولُ اللّٰهِ
وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ وَ جاهَدْتَ
فی سَبِیلِ رَبِّکَ وَ عَبَدْتَهُ حَتّٰی اَتیٰکَ الْیَقِینُ فَجَزاکَ اللّٰهُ یا رَسُولَ اللّٰهِ
اَفْضَلَ ما جَزیٰ نَبِیّاً عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ
ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اِبْرٰهِیمَ وَ آلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ و در روایت معتبر از
حضرت صادق منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن
و حسین و قبرهای حجتهای خدا صلوات الله علیهم را او در شهرهای خود

باشد. غسل کند در روز جمعه و دو جامهٔ پاکیزه بپوشد و بیرون رود بر
صحرائی پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسر شود پس بایستد و بعد
و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
درود بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او درود بر تو
اَیُّهَا النَّبِیُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِیُّ الْمُرْتَضٰی وَالسَّیِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ
ای پیغمبر فرستاده و وصی مرتضی و ای خاتون درخشنده و دو فرزندزاده
الْمُنْتَجَبَانِ وَالْاَوْلَادُ الْاَعْلَامُ وَالْاُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُوْنَ جِئْتُ انْقِطَاعًا اِلَیْكُمْ
برگزیدگان و فرزندان و امانت برگزیدگان آمدم بریده از خلق بسوی شما
وَاِلٰی آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلٰی بَرَكَةِ الْحَقِّ فَقَلْبِیْ لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِیْ
و بسوی پدران شما و پسران شما جانشین ... دل من برای شما تسلیم است و یاری من
لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰی یَحْكُمَ اللهُ لِدِیْنِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ اِنِّیْ
برای شما مهیاست تا حکم کند خدا برای دین خود پس من با شما باشم نه با دشمنان شما
لَمِنَ الْقَائِلِیْنَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لَا اُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلَا اَزْعَمُ
اِلَّا مَا شَاءَ اللهُ سُبْحَانَ اللهِ ذِی الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوْتِ یُسَبِّحُ اللهَ بِاَسْمَائِهِ
جَمِیْعُ خَلْقِهِ وَالسَّلَامُ عَلٰی اَرْوَاحِكُمْ وَاَجْسَادِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ
همه خلق او و درود بر جانهای شما و بدنهای شما و درود بر شما و
رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ و در روایت دیگر وارد است که این زیارت را در بام خانهٔ
رحمت خدا و برکتهایش خود بکن و زیارت حضرت فاطمه سابقا مذکور شد و اما
زیارت حضرت امام حسین بسندهای معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت
که حضرت صادق بمن فرمود که چه مانعست ترا از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین
را در هر هفته پنجشنبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان ما و آنحضرت
فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی ببام خانهٔ خود پس ملتفت میشوی بجانب
راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر آنحضرت
میکنی و میگوئی اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللهِ
درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو ای پسر رسول خدا

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ تا نوشته شود برای تو ثواب حجی
درود بر تو و رحمت خدا و برکتهای او
و عمره سدیر گفت بسیار است
که من در روزی زیاده از بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از
آنحضرت منقولست که کسیکه ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از ما پس
بالا رود ببام خانهٔ خود و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسلام بسوی
قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی
که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه
قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون
روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانهٔ خود و دو رکعت
نماز بکن و متوجه شو بسوی من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیاتم چنانست
که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه زیارت کند مرا بعد از موت
من چنانست که مرا زیارت کرده است در حیاتم مؤلف گوید که این حدیث دلالت میکند بر
اینکه در این زمانها حضرت صاحب الامر را در همه موضع زیارت توان کرد و اگر رو
بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصهٔ آنحضرت مذکور
خواهد شد انشاء الله و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق بسدیر گفت که
بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی را گفت از بسیاری شغل مرا میسر نمیشود فرمود
که میخواهی ترا تعلیم نمایم که هرگاه یکی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفتم بلی
فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانهٔ خود و بالا رو ببام خانهٔ خود و اشاره
کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود از برای تو ثواب زیارت و در حدیث
معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق و نزد آنحضرت
جماعتی از اصحاب او حاضر بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین
میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر سال
یکمرتبه گفت نه فرمود که چه بسیار جفا کارید نسبت بآقای خود گفت یا ابن رسول
الله مانع من بکمی توشه و دوری مسافتست فرمود که میخواهی شما را دلالت کنم
بر زیارتی که مقبول باشد هرچند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت

کنم یا بن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش
پاکیزه ترین جامهای خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانهٔ خود یا برو بصحرائی
و رو بجانب قبر آن حضرت کن و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدی
وَابْنَ سَیِّدی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا قَتیلُ بْنَ الْقَتیلِ الشَّهیدُ بْنَ
الشَّهیدِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَنَا زائِرُکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ
بِقَلْبی وَلِسانی وَجَوارِحی وَاِنْ لَمْ اَزُرْکَ بِنَفْسی وَالْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِکَ فَعَلَیْکَ
اَلسَّلامُ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ وَوارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ وَوارِثَ اِبْرٰهیمَ
خَلیلِ اللهِ وَوارِثَ مُوسٰی کَلیمِ اللهِ وَوارِثَ عیسٰی رُوحِ اللهِ وَکَلِمَتِهِ
وَوارِثَ مُحَمَّدٍ حَبیبِ اللهِ وَنَبِیِّهِ وَرَسُولِهِ وَوارِثَ عَلِیٍّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
وَوَصِیِّ رَسُولِ اللهِ وَخَلیفَتِهِ وَوارِثَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَصِیِّ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ
لَعَنَ اللهُ قاتِلیکَ وَجَدَّدَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ فی هٰذِهِ السّاعَةِ وَفی کُلِّ
ساعَةٍ اَنَا یا سَیِّدی مُتَقَرِّبٌ اِلَی اللهِ جَلَّ وَعَزَّ وَاِلٰی جَدِّکَ رَسُولِ اللهِ وَاِلٰی
اَبیکَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَاِلٰی اَخیکَ الْحَسَنِ وَاِلَیْکَ یا مَوْلایَ عَلَیْکَ
سَلامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ بِزِیارَتی لَکَ بِقَلْبی وَلِسانی وَجَمیعِ جَوارِحی
فَکُنْ یا سَیِّدی شَفیعی لِقَبُولِ ذٰلِکَ مِنّی وَاَنَا بِالْبَرائَةِ مِنْ اَعْدائِکَ وَاللَّعْنَةِ

لَهُمْ وَعَلَیْهِمْ اَتَقَرَّبُ اِلَی اللهِ وَاِلَیْکُمْ اَجْمَعینَ فَعَلَیْکَ صَلَواتُ اللهِ وَ
رِضْوانُهُ وَرَحْمَتُهُ پس اندکی میگردی بجانب چپ خود و رو میکردانی بسوی قبر
علی بن الحسین که او نزد پای پدر خود مدفونست و سلام
میکنی بر او مثل اینسلام پس دعا میکنی و میطلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را
پس چهار رکعت نماز میگذاری که نماز زیارت هشت رکعتست یا شش رکعت
یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهترش هشت رکعتست پس رو میکنی بجانب قبر امام حسین
و میگوئی اَنَا مُوَدِّعُکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَسَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی وَ
مُوَدِّعُکَ یا سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ وَمُوَدِّعُکُمْ یا ساداتی
یا مَعْشَرَ الشُّهَداءِ فَعَلَیْکُمْ سَلامُ اللهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَکاتُهُ وَرِضْوانُهُ
مؤلف گوید که چون عبارت حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد
بهتر آنست که همین زیارت را با وداع چنانچه رو بقبر شریف میخوانند رو بقبله
نیز بکنند و بخوانند تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشند و در زیارت علی بن
الحسین بجای یا وارث در همه جا یا بن وارث بخوانند یا از وارث قصد وراثت
امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده است و بدانکه این حدیث
دلالت میکند بر اینکه از دور که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت
باید بکنند و احادیث پیش دلالت کرد بر اینکه پیش باید بکنند فدور نیست که
مخیر باشند و اگر این زیارت را کنند بهمین نحو که وارد شده است بکنند و از این
احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت بعید مستحبست و از بعضی هم
مفهوم شد که بغسل نیز میتوان کرد و از بعضی عمومات مستفاد میشود که بر
هر حال میتوان کرد چنانکه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا صحرائی واقع
سازد احوط و اولی است و در حدیث معتبر از حسین بن ثویر منقولست که

بخدمت حضرت صادق عرض کرد که من بسیار امام حسین را یاد میکنم در آنوقت چه
بگویم فرمود که سه مرتبه بگو صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ که سلام باآنحضرت
میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی ره ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد
ائمه را از دور چنانکه از نزدیک ایشان را زیارت میکنند اما در جائی که آنکه
زائر باشد بگوید قَصَدْتُکَ بِقَلْبِی زَائِراً اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِکَ وَ
بلکه بگوید — قصد کردم ترا بدل خود زیارت کننده زیرا که عاجزم از حضور مشهد تو
وَجَّهْتُ اِلَیْکَ سَلَامِی لِعِلْمِی اَنَّهُ یَبْلُغُکَ صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ فَاشْفَعْ لِی
درود کردم بسوی تو درود را بجهة علم از نیرسانند بتو رحمت خدا بر تو پس در خواست کن از برای
عِنْدَ رَبِّکَ جَلَّ وَعَزَّ و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده‌اند
نزد پروردگار بزرگوار و عزیز
از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار بزیارت امام حسین
میرفتم پس چنگ بسبب تنگی مال توفیق زیارت آنحضرت نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب
دیدم که حضرت امام حسن و امام حسین در خدمت آنحضرت بودند چون نزدیک ایشان
رسیدم امام حسین گفت یا رسول الله این مرد بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک
کرده است حضرت رسول متوجه من گردیده فرمود که اما ترک زیارت مثل حسین
توانکرد گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع ادراک این سعادت کرده است
حضرت فرمود که هر شب بیام خانه خود برو بانگشت شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره
کن و اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلٰی جَدِّکَ وَاَبِیکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلٰی اُمِّکَ
بگو — درود بر تو و بر جد تو و پدر تو درود بر تو و بر مادر تو
وَاَخِیکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِیکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا صَاحِبَ
و برادر تو درود بر تو و بر پیشوایان از فرزندان تو درود بر تو ای صاحب
الدَّمْعَةِ السَّاکِبَةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا صَاحِبَ الْمُصِیبَةِ الرَّاتِبَةِ لَقَدْ
اشک روان درود بر تو ای صاحب مصیبت ثابت بتحقیق
اَصْبَحَ کِتَابُ اللهِ فِیکَ مَهْجُوراً وَرَسُولُ اللهِ فِیکَ مَوْتُوراً اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ
کتاب خدا در تو وا گذاشته شده و رسول خدا در تو خونخواه درود بر تو
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَنْصَارِ اللهِ وَخُلَفَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰی
و رحمت خدا و برکتهای او درود بر یاوران خدا و خلیفهای او درود بر

اُمَنَاءِ اللهِ وَاَحِبَّائِهِ اَلسَّلَامُ عَلٰی مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ وَمَعَادِنِ حِکْمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ
امینان خدا و دوستان او درود بر جاهای شناخت خدا و معدنهای حکمت خدا و نگهدارندگان
سِرِّ اللهِ وَحَمَلَةِ کِتَابِ اللهِ وَاَوْصِیَاءِ نَبِیِّ اللهِ وَذُرِّیَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ
راز خدا و بردارنده کتاب خدا و اوصیای پیغمبر خدا و فرزند فرستاده خدا رحمت خدا
عَلَیْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال کن
بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او پس اگر چنین کنی زیارت تو از دور و نزدیک
هر دو مقبول است و اما زیارت سایر ائمه از نزدیک و دور بهترین آنها زیارت
جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت کرده‌اند که شخصی از
حضرت امام علی النقی سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا بمن تعلیم نما سخن بلیغ کاملی
که آنرا بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه برسی بایست و بگو
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ
گواهی میدهم بدرستیکه خدا نیست خدا یگانه نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او
وَرَسُولُهُ و باید که با غسل باشی پس چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه
و فرستاده او
الله اکبر بگو پس راه برو با آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک بیکدیگر
بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَهْلَ
و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد مرتبه تکبیر تمام شود پس بگو — درود بر شما ای اهل
بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلَائِکَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْیِ وَمَعْدِنَ
خانه پیغمبر و جایگاه پیغامها و محل آمد و رفت ملائکه و جاهای فرود آمدن وحی
الرَّحْمَةِ وَخُزَّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ وَاُصُولَ الْکَرَمِ وَقَادَةَ الْاُمَمِ وَاَوْلِیَاءَ
رحمت و خزینه‌داران علم و نهایت حلم و ریشهای کرم و کشنده کان امت‌ها و دوستان
النِّعَمِ وَعَنَاصِرَ الْاَبْرَارِ وَدَعَائِمَ الْاَخْیَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَاَرْکَانَ
نعمتها و ازنها و صل نیکوان و ستون برگزیده و تادیب بندگان و رکن
الْبِلَادِ وَاَبْوَابَ الْاِیمَانِ وَاُمَنَاءَ الرَّحْمٰنِ وَسُلَالَةَ النَّبِیِّینَ وَصَفْوَةَ
شهرها و درهای ایمان و امینان خداوند مهربان و فرزندان پیغمبران و برگزیده
الْمُرْسَلِینَ وَعِتْرَةَ خِیَرَةِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَئِمَّةِ
فرستادگان و عترت او بهتر پروردگار جهانیان و رحمت خدا و برکتهای او درود بر پیشوایان
الْهُدٰی وَمَصَابِیحِ الدُّجٰی وَاَعْلَامِ التُّقٰی وَذَوِی النُّهٰی وَاُولِی الْحِجٰی وَکَهْفِ
راهنما و چراغهای تاریکیها و نشانهای پرهیز و صاحبان خرد و دارای بزرگی و پناه

الوری و ورثة الانبیاء والمثل الاعلی والدعوة الحسنی وحجج الله علی
اهل الدنیا والآخرة والاولی ورحمة الله وبرکاته السلام علی محال
معرفة الله ومساکن برکة الله ومعادن حکمة الله وحفظة سر الله
وحملة کتاب الله واوصیاء نبی الله وذریة رسول الله صلی الله علیه
وآله ورحمة الله وبرکاته السلام علی الدعاة الی الله والادلاء علی
مرضات الله والمستوفزین فی امر الله والتامین فی محبة الله والمخلصین
فی توحید الله والمظهرین لامر الله ونهیه وعباده المکرمین الذین
لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون ورحمة الله وبرکاته السلام
علی الائمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة
واهل الذکر واولی الامر وبقیة الله وخیرته وحزبه وعیبة علمه
وحجته وصراطه ونوره وبرهانه ورحمة الله وبرکاته اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریك له کما شهد الله لنفسه وشهدت له ملائکته
واولوا العلم من خلقه لا اله الا هو العزیز الحکیم واشهد ان محمدا
عبده المنتجب ورسوله المرتضی ارسله بالهدی ودین الحق لیظهره

علی الدین کله ولو کره المشرکون واشهد انکم الائمة الراشدون
المهدیون المعصومون المکرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون
المطیعون لله القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بکرامته
اصطفاکم بعلمه وارتضاکم لغیبه واختارکم لسره واجتباکم بقدرته
واعزکم بهداه وخصکم ببرهانه وانتجبکم لنوره وایدکم بروحه ورضیکم
خلفاء فی ارضه وحججا علی بریته وانصارا لدینه وحفظة لسره وخزنة
لعلمه ومستودعا لحکمته وتراجمة لوحیه وارکانا لتوحیده وشهداء
علی خلقه واعلاما لعباده ومنارا فی بلاده وادلاء علی صراطه عصمکم
الله من الزلل وآمنکم من الفتن وطهرکم من الدنس واذهب عنکم الرجس
اهل البیت وطهرکم تطهیرا فعظمتم جلاله واکبرتم شانه ومجدتم کرمه
وادمتم ذکره ووکدتم میثاقه واحکمتم عقد طاعته ونصحتم له فی السر
والعلانیة ودعوتم الی سبیله بالحکمة والموعظة الحسنة و
بذلتم انفسکم فی مرضاته وصبرتم علی ما اصابکم فی جنبه واقمتم الصلوة
وآتیتم الزکوة وامرتم بالمعروف ونهیتم عن المنکر وجاهدتم فی الله حق

جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم
شرايع احكامه وسننتم سنته وصرتم في ذلك منه الى الرضا و
سلمتم له القضاء وصدقتم من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق
واللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم و
منكم واليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة عندكم واياب
الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم وآيات
الله لديكم وعزائمه فيكم ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من
والاكم فقد والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب
الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم
السبيل الاعظم والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء
دار البقاء والرحمة الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة و
الباب المبتلى به الناس من اتاكم فقد نجى ومن لم ياتكم فقد هلك
الى الله تدعون وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره
تعملون والى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون سعد والله من

والاكم وهلك من عاداكم وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز
من تمسك بكم وامن من لجا اليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم
بكم من اتبعكم فالجنة مأواه ومن خالفكم فالنار مثواه ومن
جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم في اسفل درك من الجحيم
اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم
ونوركم وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله
انوارا فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت
اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا
به من ولايتكم طيبا لخلقنا وطهارة لانفسنا وتزكية لنا وكفارة
لذنوبنا فكنا عنده مسلمين بفضلكم ومعروفين بتصديقنا اياكم
فبلغ الله بكم اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات
المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق ولا يسبقه سابق و
لا يطمع في ادراكه طامع حتى لا يبقى ملك مقرب ولا نبي مرسل و
لا صديق ولا شهيد ولا عالم ولا جاهل ولا دني ولا فاضل

وَلا مُؤْمِنٌ صالِحٌ وَلا فاجِرٌ طالِحٌ وَلا جَبّارٌ عَنيدٌ وَلا شَيْطانٌ مَريدٌ
وَلا خَلْقٌ فيما بَيْنَ ذلِكَ شَهيدٌ إِلّا عَرَّفَهُمْ جَلالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ
وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ وَتَمامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقاعِدِكُمْ وَثَباتَ مَقامِكُمْ وَشَرَفَ
مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرامَتَكُمْ عَلَيْهِ وَخاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ
مِنْهُ بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي وَأُسْرَتي أُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُكُمْ
أَنّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِما آمَنْتُمْ بِهِ كافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِما كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ
بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلالَةِ مَنْ خالَفَكُمْ مُوالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدائِكُمْ
وَمُعادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ
مُبْطِلٌ لِما أَبْطَلْتُمْ مُطيعٌ لَكُمْ عارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ
مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ
مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجيرٌ بِكُمْ زائِرٌ لَكُمْ عائِذٌ
بِكُمْ لائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ
أَمامَ طَلِبَتي وَحَوائِجي وَإِرادَتي في كُلِّ أَحْوالي وَأُمُوري مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ
وَعَلانِيَتِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ في ذلِكَ

كُلَّهُ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتي
لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّى يُحْيِيَ اللهُ تَعالى دينَهُ بِكُمْ وَيَرُدَّكُمْ في أَيّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ
لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ في أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ
وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدائِكُمْ
وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالشَّياطينِ وَحِزْبِهِمُ الظّالِمينَ لَكُمْ وَالْجاحِدينَ
لِحَقِّكُمْ وَالْمارِقينَ مِنْ وِلايَتِكُمْ وَالْغاصِبينَ لِإِرْثِكُمْ وَالشّاكّينَ فيكُمْ
وَالْمُنْحَرِفينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَليجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ وَمِنَ الْأَئِمَّةِ
الَّذينَ يَدْعُونَ إِلَى النّارِ فَثَبَّتَنِيَ اللهُ أَبَداً ما حَييتُ عَلى مُوالاتِكُمْ
وَمَحَبَّتِكُمْ وَدينِكُمْ وَوَفَّقَني لِطاعَتِكُمْ وَرَزَقَني شَفاعَتَكُمْ وَجَعَلَني مِنْ
خِيارِ مَواليكُمُ التّابِعينَ لِما دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَجَعَلَني مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثارَكُمْ
وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ وَيَهْتَدي بِهُداكُمْ وَيُحْشَرُ في زُمْرَتِكُمْ وَيَكِرُّ في رَجْعَتِكُمْ
وَيُمَلَّكُ في دَوْلَتِكُمْ وَيُشَرَّفُ في عافِيَتِكُمْ وَيُمَكَّنُ في أَيّامِكُمْ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ
غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ بِأَبي أَنْتُمْ وَأُمّي وَنَفْسي وَأَهْلي وَمالي مَنْ أَرادَ اللهَ بَدَأَ بِكُمْ
وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوالِيَّ لا أُحْصي ثَناءَكُمْ

وَلا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَاَنْتُمْ نُورُ الْاَخْيارِ
وَهُداةُ الْاَبْرارِ وَحُجَجُ الْجَبّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللّٰهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ
وَبِكُمْ يُمْسِكُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ
وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَعِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ
مَلائِكَتُهُ وَاِلىٰ جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمِينُ
بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمِينُ بگو وَاِلىٰ اَخِيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمِينُ آتاكُمُ اللّٰهُ
ما لَمْ يُؤْتِ اَحَداً مِنَ الْعالَمِينَ طَأْطَأَ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ
لِطاعَتِكُمْ وَخَضَعَ كُلُّ جَبّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَاَشْرَقَتِ الْاَرْضُ
بِنُورِكُمْ وَفازَ الْفائِزُونَ بِوِلايَتِكُمْ بِكُمْ يُسْلَكُ اِلَى الرِّضْوانِ وَعَلىٰ
مَنْ جَحَدَ وِلايَتَكُمْ غَضَبُ الرَّحْمٰنِ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي وَاَهْلِي وَمالِي
ذِكْرُكُمْ فِي الذّاكِرِينَ وَاَسْماؤُكُمْ فِي الْاَسْماءِ وَاَجْسادُكُمْ فِي الْاَجْسادِ
وَاَرْواحُكُمْ فِي الْاَرْواحِ وَاَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ وَآثارُكُمْ فِي الْآثارِ وَقُبُورُكُمْ
فِي الْقُبُورِ فَما اَحْلىٰ اَسْماءَكُمْ وَاَكْرَمَ اَنْفُسَكُمْ وَاَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَاَجَلَّ خَطَرَكُمْ
وَاَوْفىٰ عَهْدَكُمْ وَاَصْدَقَ وَعْدَكُمْ كَلامُكُمْ نُورٌ وَاَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَوَصِيَّتُكُمُ

التَّقْوىٰ وَفِعْلُكُمُ الْخَيْرُ وَعادَتُكُمُ الْاِحْسانُ وَسَجِيَّتُكُمُ الْكَرَمُ وَشَأْنُكُمُ
الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ
اِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ اَوَّلَهُ وَاَصْلَهُ وَفَرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْواهُ وَمُنْتَهاهُ
بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي كَيْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنائِكُمْ وَاُحْصِي جَمِيلَ بَلائِكُمْ
وَبِكُمْ اَخْرَجَنَا اللّٰهُ مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْكُرُوبِ وَاَنْقَذَنا بِكُمْ
مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَكاتِ وَمِنَ النّارِ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي بِمُوالاتِكُمْ
عَلَّمَنَا اللّٰهُ مَعالِمَ دِينِنا وَاَصْلَحَ ما كانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيانا وَبِمُوالاتِكُمْ
تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِكُمْ تُقْبَلُ
الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَكُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ وَالدَّرَجاتُ الرَّفِيعَةُ وَ
الْمَقامُ الْمَحْمُودُ وَالْمَكانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجاهُ الْعَظِيمُ
وَالشَّأْنُ الْكَبِيرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا آمَنّا بِما اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ
فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ
لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهّابُ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ
وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً يا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتِي عَلَيْها

الا رضاكم فبحق من ائتمنكم على سره واسترعاكم امر خلقه وقرن
طاعتكم بطاعته لما استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي فاني لكم
مطيع من اطاعكم فقد اطاع الله ومن عصاكم فقد عصى الله ومن
احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم فقد ابغض الله اللهم اني لو
وجدت شفعاء اقرب اليك من محمد واهل بيته الاخيار الائمة
الابرار لجعلتهم شفعائي فبحقهم الذي اوجبت لهم عليك اسألك
ان تدخلني في جملة العارفين بهم وبحقهم وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم
انك ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما
كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل مؤلف گوید که این زیارت کامل ترین زیارات
است از برای نزدیک و دور و چون منظور
عمده در این رساله بعید است زیارت وداع را ذکر نکردیم و چون این زیارت مشتمل
بر مجملی از جمیع احادیثی که در مناقب ائمه وارد شده است اگر در هر هفته بلکه در
هر روز این زیارت را بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند موافق آنچه فقیر
مجملا ترجمه کرده‌ام و والد مرحوم مفصلا شرح نموده برای کمال معرفت ایشان بسیار
نافع خواهد بود و عمده ارکان ایمان معرفت ایشان است و زیارت حضرت صاحب الامر
بطرق بسیار منقول شده و در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده‌ام و در اینمقام زیارت مختصری
با تجدید عهد امامت و ولایت آنحضرت ایراد مینمائیم که امام خود را پیوسته یاد نمایند
و از برکات هدایای آنحضرت بهره‌مند گردند سید بن طاوس ره ذکر کرده است که مستحب است
که هر روز بعد از نماز صبح حضرت اللهم بلغ مولاي صاحب الزمان صلوات الله عليه
صاحب الامر را چنین زیارت کنند

عن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها وبرها و
بحرها وسهلها وجبلها حيهم وميتهم وعن والدي وولدي وعني من
الصلوات والتحيات زنة عرش الله ومداد كلماته ومنتهى رضاه وعدد
ما احصاه كتابه واحاط به علمه اللهم اجدد له في هذا اليوم وفي كل
يوم عهدا وعقدا وبيعة له في رقبتي اللهم كما شرفتني بهذا التشريف
وفضلتني بهذه الفضيلة وخصصتني بهذه النعمة فصل على مولاي
وسيدي صاحب الزمان واجعلني من انصاره واشياعه والذابين
عنه واجعلني من المستشهدين بين يديه طائعا غير مكره في الصف
الذي نعت اهله في كتابك فقلت صفا كانهم بنيان مرصوص على
طاعتك وطاعة رسولك وآله عليهم السلام اللهم هذه بيعة
له في عنقي الى يوم القيمة وبسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که
چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما
باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن
حضرت باشد و حقتعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او
محو کند و آن عهد اینست اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي الرفيع ورب البحر
المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور ورب الظل والحرور

منزل القرآن العظيم ورب الملائكة المقربين والأنبياء والمرسلين
اللهم إني أسألك بوجهك الكريم وبنور وجهك المنير وملكك القديم
يا حي يا قيوم أسألك باسمك الذي أشرقت به السموات والأرضون
وباسمك الذي يصلح به الأولون والآخرون يا حيا قبل كل حي ويا حيا
بعد كل حي ويا حيا حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الأحياء يا حي لا
إله إلا أنت اللهم بلغ مولانا الإمام الهادي المهدي القائم بأمرك
صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين عن جميع المؤمنين والمؤمنات
في مشارق الأرض ومغاربها سهلها وجبلها وبرها وبحرها وعني
وعن والدي وولدي وإخواني من الصلوات زنة عرش الله ومداد
كلماته وما أحصاه علمه وأحاط به كتابه اللهم إني أجدد له في
صبيحة يومي هذا وما عشت من أيامي عهدا وعقدا وبيعة له في
عنقي لا أحول عنها ولا أزول أبدا اللهم اجعلني من أنصاره وأعوانه
والذابين عنه والمسارعين إليه في قضاء حوائجه والممتثلين
لأوامره والمحامين عنه والسابقين إلى إرادته والمستشهدين بين

يديه اللهم إن حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك
حتما فأخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجردا قناتي ملبيا
دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم أرني الطلعة الرشيدة
والغرة الحميدة واكحل ناظري بنظرة مني إليه وعجل فرجه وسهل
مخرجه وأوسع منهجه واسلك بي محجته وأنفذ أمره واشدد أزره
واعمر اللهم به بلادك وأحي به عبادك فإنك قلت وقولك الحق
ظهر الفساد في البر والبحر بما كسبت أيدي الناس فأظهر اللهم لنا وليك
وابن بنت نبيك المسمى باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء من الباطل
إلا مزقه ويحق الحق ويحققه واجعله اللهم مفزعا لمظلوم عبادك
وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من أحكام كتابك
ومشيدا لما ورد من أعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه
وآله واجعله اللهم ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم وسر
نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته
وارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن هذه الأمة بحضوره

وعجّل لنا ظهوره انّهم يرونه بعيداً ونريه قريباً برحمتك يا ارحم
الرّاحمين پس سه مرتبه دست بر ران راست العجل يا مولاى يا صاحب
خود میزنی و دو مرتبه میگوئی
الزمان واما دعای ندبه که مشتمل است بر عقاید حقه و تأسف بر غیبت حضرت
قائم بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق منقولست که سنتست این
دعا را در چهار عید بخوانند یعنی روز جمعه الحمد لله الّذى لا اله
روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر
الّا هو وله الحمد ربّ العالمين وصلّى الله على محمّد نبيّه وآله و
سلّم تسليماً اللّهمّ لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في اوليائك الّذين
استخلصتهم لنفسك ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم
المقيم الّذى لا زوال له ولا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد
في درجات هذه الدنيا الدنيّة وزخرفها وزبرجها فشرطوا لك ذلك
وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقرّبتهم وقدّمت لهم الذكر العلىّ
والثناء الجلىّ واهبطت عليهم ملائكتك واكرمتهم بوحيك ورفدتهم
بعلمك وجعلتهم الذرائع اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض
اسكنته جنّتك الى ان اخرجته منها وبعض حملته في فلكك ونجّيته
ومن آمن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتّخذته لنفسك خليلاً

وسألك لسان صدق في الآخرين فاجبته وجعلت ذلك عليّاً
وبعض كلّمته من شجرة تكليماً وجعلت له من اخيه رداً ووزيراً و
بعض اولدته من غير اب وآتيته البيّنات وايّدته بروح القدس و
كلّ شرعت له شريعة ونهجت له منهاجاً وتخيّرت له اوصياء مستحفظاً
بعد مستحفظ من مدّة الى مدّة اقامة لدينك وحجّة على عبادك
ولئلّا يزول الحقّ عن مقرّه ويغلب الباطل على اهله ولا يقول احد
لولا ارسلت الينا رسولاً منذراً واقمت لنا علماً هادياً فنتّبع
آياتك من قبل ان نذلّ ونخزى الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك و
نجيبك محمّد صلّى الله عليه وآله فكان كما انتجبته سيّد من خلقته
وصفوة من اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم من اعتمدته قدّمته
على انبيائك وبعثته الى الثقلين من عبادك واوطأته مشارقك
ومغاربك وسخّرت له البراق وعرجت بروحه الى سمائك واودعته
علم ما كان وما يكون الى انقضاء خلقك ثمّ نصرته بالرعب وحففته
بجبرئيل وميكائيل والمسوّمين من ملائكتك ووعدته ان تظهر دينه

على الدين كله ولو كره المشركون وذلك بعد ان بوأته مبوأ صدق
من اهله وجعلت له ولهم اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا
وهدى للعالمين فيه آيات بينات مقام ابرهيم ومن دخله كان آمنا
وقلت انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم
تطهيرا وجعلت اجر محمد صلواتك عليه وآله مودتهم في كتابك
فقلت قل لا اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما سألتكم
من اجر فهو لكم وقلت ما اسئلكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ
الى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك والمسلك الى رضوانك
فلما انقضت ايامه اقام وليه علي بن ابي طالب صلواتك عليهما و
آلهما هاديا اذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ امامه
من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه
وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت انا نبيه فعلي
اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس من شجر شتى
واحله محل هرون من موسى فقال له انت مني بمنزلة هرون من موسى

الا انه لا نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين واحل
له من مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه علمه و
حكمته فقال انا مدينة العلم وعلي بابها فمن اراد الحكمة فليأتها
من بابها ثم قال له انت اخي ووصيي ووارثي لحمك من لحمي ودمك من
دمي وسلمك سلمي وحربك حربي والايمان مخالط لحمك ودمك
كما خالط لحمي ودمي وانت غدا على الحوض خليفتي وانت تقضي
ديني وتنجز عداتي وشيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم
حولي في الجنة وهم جيراني ولولا انت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي
وكان بعده هدى من الضلال ونورا من العمى وحبل الله المتين
وصراطه المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا
يلحق في منقبة من مناقبه يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما و
آلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم قد وتر
فيه صناديد العرب وقتل ابطالهم وناوش ذؤبانهم فاودع
قلوبهم احقادا بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فاضبت

عَلى عَداوَتِهِ، وَاَكَبَّتْ عَلى مُنابَذَتِهِ، حَتّى قَتَلَ النّاكِثينَ وَالْقاسِطينَ
وَالْمارِقينَ، وَلَمّا قَضى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ اَشْقَى الْاَشْقِياءِ مِنَ الْاَوَّلينَ
وَالْاخِرينَ يَتْبَعُ اَشْقَى الْاَوَّلينَ لَمْ يُمْتَثَلْ اَمْرُ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ
وَآلِهِ فِي الْهادينَ بَعْدَ الْهادينَ، وَالْاُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلى
قَطيعَةِ رَحِمِهِ، وَاِقْصاءِ وُلْدِهِ، اِلَّا الْقَليلَ مِمَّنْ وَفى لِرِعايَةِ الْحَقِّ فيهِمْ
فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ، وَسُبِيَ مَنْ سُبِيَ، وَاُقْصِيَ مَنْ اُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضاءُ لَهُمْ
بِما يُرْجى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، اِذْ كانَتِ الْاَرْضُ لِلّهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ
وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقينَ، وَسُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً، وَلَنْ
يُخْلِفَ اللهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزيزُ الْحَكيمُ، فَعَلَى الْاَطائِبِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
وَعَلِيٍّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِما وَآلِهِما فَلْيَبْكِ الْباكُونَ، وَاِيّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النّادِبُونَ
وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصّارِخُونَ، وَيَضِجَّ الضّاجُّونَ
وَيَعِجَّ الْعاجُّونَ، اَيْنَ الْحَسَنُ وَاَيْنَ الْحُسَيْنُ وَاَيْنَ اَبْناءُ الْحُسَيْنِ، صالِحٌ
بَعْدَ صالِحٍ، وَصادِقٌ بَعْدَ صادِقٍ، وَاَيْنَ السَّبيلُ بَعْدَ السَّبيلِ، اَيْنَ الْخِيَرَةُ
بَعْدَ الْخِيَرَةِ، وَاَيْنَ الشُّمُوسُ الطّالِعَةُ، اَيْنَ الْاَقْمارُ الْمُنيرَةُ، اَيْنَ الْاَنْجُمُ

الزّاهِرَةُ، اَيْنَ اَعْلامُ الدّينِ وَقَواعِدُ الْعِلْمِ، اَيْنَ بَقِيَّةُ اللهِ الَّتي لا تَخْلُو مِنَ
الْعِتْرَةِ الطّاهِرَةِ، اَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَةِ، اَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِاِقامَةِ الْاَمْتِ
وَالْعِوَجِ، اَيْنَ الْمُرْتَجى لِاِزالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوانِ، اَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْديدِ الْفَرائِضِ
وَالسُّنَنِ، اَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِاِعادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّريعَةِ، اَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْياءِ الْكِتابِ
وَحُدُودِهِ، اَيْنَ مُحْيي مَعالِمِ الدّينِ وَاَهْلِهِ، اَيْنَ قاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدينَ، اَيْنَ
هادِمُ اَبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَالنِّفاقِ، اَيْنَ مُبيدُ اَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيانِ
اَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقاقِ، اَيْنَ طامِسُ آثارِ الزَّيْغِ وَالْاَهْواءِ، اَيْنَ قاطِعُ
حَبائِلِ الْكِذْبِ وَالْاِفْتِراءِ، اَيْنَ مُبيدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ، اَيْنَ مُسْتَأْصِلُ اَهْلِ الْعِنادِ
وَالتَّضْليلِ وَالْاِلْحادِ، اَيْنَ مُعِزُّ الْاَوْلِياءِ وَمُذِلُّ الْاَعْداءِ، اَيْنَ جامِعُ الْكَلِمَةِ
عَلَى التَّقْوى، اَيْنَ بابُ اللهِ الَّذي مِنْهُ يُؤْتى، اَيْنَ وَجْهُ اللهِ الَّذي اِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ
الْاَوْلِياءُ، اَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ اَهْلِ الْاَرْضِ وَالسَّماءِ، اَيْنَ صاحِبُ
يَوْمِ الْفَتْحِ وَناشِرُ رايَةِ الْهُدى، اَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ وَالرِّضا، اَيْنَ
الطّالِبُ بِذُحُولِ الْاَنْبِياءِ وَاَبْناءِ الْاَنْبِياءِ، اَيْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ
بِكَرْبَلاءَ، اَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلى مَنِ اعْتَدى عَلَيْهِ وَافْتَرى، اَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذي

يُجابُ اِذا دَعى اَيْنَ صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوى اَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفى
وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى وَابْنُ خَديجَةَ الْغَرّاءِ وَابْنُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ الْكُبْرى بِاَبى
اَنْتَ وَاُمّى وَنَفْسى لَكَ الْوِقاءُ وَالْحِمى يَا بْنَ السّادَةِ الْمُقَرَّبينَ يَا بْنَ النُّجَباءِ
الْاَكْرَمينَ يَا بْنَ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ يَا بْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبينَ يَا بْنَ الْغَطارِفَةِ
الْاَنْجَبينَ يَا بْنَ الْخَضارِمَةِ الْمُنْتَجَبينَ يَا بْنَ الْقَماقِمَةِ الْاَكْرَمينَ يَا بْنَ
الْاَطائِبِ الْمُعَظَّمينَ الْمُطَهَّرينَ يَا بْنَ الْبُدُورِ الْمُنيرَةِ يَا بْنَ السُّرُجِ الْمُضيئَةِ
يَا بْنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَةِ يَا بْنَ الْاَنْجُمِ الزّاهِرَةِ يَا بْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ يَا بْنَ
الْاَعْلامِ اللّائِحَةِ يَا بْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ يَا بْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا بْنَ
الْمَعالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا بْنَ الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا بْنَ الدَّلائِلِ الْمَشْهُودَةِ يَا بْنَ
الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ يَا بْنَ النَّبَأِ الْعَظيمِ يَا بْنَ مَنْ هُوَ فى اُمِّ الْكِتابِ لَدَى
اللهِ عَلِيٌّ حَكيمٌ يَا بْنَ الْآياتِ وَالْبَيِّناتِ يَا بْنَ الدَّلائِلِ الظّاهِراتِ
يَا بْنَ الْبَراهينِ الْواضِحاتِ الْباهِراتِ يَا بْنَ الْحُجَجِ الْبالِغاتِ يَا بْنَ النِّعَمِ
السّابِغاتِ يَا بْنَ طه وَالْمُحْكَماتِ يَا بْنَ يس وَالذّارِياتِ يَا بْنَ الطُّورِ
وَالْعادِياتِ يَا بْنَ مَنْ دَنى فَتَدَلّى فَكانَ قابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنى دُنُوّاً وَاقْتِراباً

مِنَ الْعَلِيِّ الْاَعْلى لَيْتَ شِعْرى اَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوى بَلْ اَيُّ اَرْضٍ
تُقِلُّكَ اَوْ ثَرى اَبِرَضْوى اَوْ غَيْرِها اَمْ ذى طُوى عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى
الْخَلْقَ وَلا تُرى وَلا اَسْمَعُ لَكَ حَسيساً وَلا نَجْوى عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ لا
تُحيطَ بى دُونَكَ الْبَلْوى وَلا يَنالُكَ مِنّى ضَجيجٌ وَلا شَكْوى بِنَفْسى اَنْتَ
مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنّا بِنَفْسى اَنْتَ مِنْ نازِحٍ ما نَزَحَ عَنّا بِنَفْسى اَنْتَ اُمْنِيَّةُ
شائِقٍ يَتَمَنّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرا فَحَنّا بِنَفْسى اَنْتَ مِنْ عَقيدِ عِزٍّ
لا يُسامى بِنَفْسى اَنْتَ مِنْ اَثيلِ مَجْدٍ لا يُجازى بِنَفْسى اَنْتَ مِنْ تِلادِ نِعَمٍ
لا تُضاهى بِنَفْسى اَنْتَ مِنْ نَصيفِ شَرَفٍ لا يُساوى اِلى مَتى اَحارُ فيكَ
يا مَوْلاىَ وَاِلى مَتى وَاَىَّ خِطابٍ اَصِفُ فيكَ وَاَىَّ نَجْوى عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ
اُجابَ دُونَكَ وَاُناغى عَزيزٌ عَلَيَّ اَنْ اَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرى عَزيزٌ
عَلَيَّ اَنْ يَجْرِىَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ ما جَرى هَلْ مِنْ مُعينٍ فَاُطيلَ مَعَهُ
الْعَويلَ وَالْبُكاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَاُساعِدَ جَزَعَهُ اِذا خَلا هَلْ قَذِيَتْ
عَيْنٌ فَساعَدَتْها عَيْنى عَلَى الْقَذى هَلْ اِلَيْكَ يَا بْنَ اَحْمَدَ سَبيلٌ فَتُلْقى
هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنا مِنْكَ بِعِدَةٍ فَنَحْظى مَتى نَرِدُ مَناهِلَكَ الرَّوِيَّةَ

فَنَرْوِيَ مِنْهُ تَنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ مائِكَ فَقَدْ طالَ الصَّدى مَتى نُغادِيكَ
وَنُراوِحُكَ فَتَقَرَّ عُيُونُنا مَتى تَرانا وَنَراكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِواءَ النَّصْرِ
تُرى أَتَرانا نَحُفُّ بِكَ وَأَنْتَ تَأُمُّ المَلأَ وَقَدْ مَلأْتَ الأَرْضَ عَدْلاً
وَأَذَقْتَ أَعْداءَكَ هَواناً وَعِقاباً وَأَبَرْتَ العُتاةَ وَجَحَدَةَ الحَقِّ وَقَطَعْتَ
دابِرَ المُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَثَثْتَ أُصُولَ الظّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
العالَمِينَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ كَشّافُ الكُرَبِ وَالبَلْوى وَإِلَيْكَ أَسْتَعْدِي
فَعِنْدَكَ العَدْوى وَأَنْتَ رَبُّ الآخِرَةِ وَالأُولى فَأَغِثْ يا غِياثَ
المُسْتَغِيثِينَ عُبَيْدَكَ المُبْتَلى وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يا شَدِيدَ القُوى وَأَزِلْ
عَنْهُ بِهِ الأَسى وَالجَوى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يا مَنْ عَلَى العَرْشِ اسْتَوى وَمَنْ
إِلَيْهِ الرُّجْعى وَالمُنْتَهى اللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التّائِقُونَ إِلى وَلِيِّكَ
المُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً وَأَقَمْتَهُ لَنا قِواماً
وَمَعاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنّا إِماماً فَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً
وَزِدْنا بِذٰلِكَ يا رَبِّ إِكْراماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنا مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً
وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيّاهُ أَمامَنا حَتّى تُورِدَنا جِنانَكَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَداءِ

مِنْ خُلَصائِكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ
رَسُولِكَ السَّيِّدِ الأَكْبَرِ وَصَلِّ عَلى عَلِيٍّ أَبِيهِ السَّيِّدِ القَسْوَرِ وَحامِلِ اللِّواءِ
فِي المَحْشَرِ وَساقِي أَوْلِيائِهِ مِنْ نَهْرِ الكَوْثَرِ وَالأَمِيرِ عَلى سائِرِ البَشَرِ الَّذِي
مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفِرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطِرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ
عَلى أَخِيهِ وَعَلى نَجْلِهِمَا المَيامِينِ الغُرَرِ ما طَلَعَتْ شَمْسٌ وَما أَضاءَ قَمَرٌ
وَعَلى جَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ الكُبْرى فاطِمَةَ الزَّهْراءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ المُصْطَفى وَ
عَلى مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبائِهِ البَرَرَةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَ
أَكْثَرَ وَأَوْفَرَ ما صَلَّيْتَ عَلى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ
عَلَيْهِ صَلاةً لا غايَةَ لِعَدَدِها وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها وَلا نَفادَ لِأَمَدِها اللّٰهُمَّ
وَأَقِمْ بِهِ الحَقَّ وَأَدْحِضْ بِهِ الباطِلَ وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِياءَكَ وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْداءَكَ
وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلى مُرافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنا
مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنّا عَلى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ وَالاجْتِهادِ
فِي طاعَتِهِ وَالاجْتِنابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ وَهَبْ لَنا
رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعاءَهُ وَخَيْرَهُ ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ

وَاجْعَلْ صَلٰوتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً
و بگردان نمازهای ما را باو پذیرفته و گناهان ما را باو آمرزیده و دعای ما را باو اجابت کرده
وَاجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَّةً
و بگردان روزیهای ما را باو گشاده و غمهای ما را باو رفع کرده شده و حاجتهای ما را باو روا کرده
وَاَقْبِلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ وَانْظُرْ اِلَيْنَا نَظْرَةً
و رو کن بسوی ما بذات بزرگوار خود و بپذیر نزدیکی ما را بسوی تو و نگر بسوی ما نگریستن
رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا
مهربان که کامل کنیم بآن نوازش را نزد تو پس مگردان آنرا از ما بجود تو و بیاشامان ما را
مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِكَاْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً
از حوض جد او رحمت خدا بر او و آل او بجام او و بدست او سیراب کامل گوارا
سَائِغاً لَا ظَمَاْ بَعْدَهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَاَمَّا طَرِيقُ صَلَوَاتِ فرستادن بر
خوشگوار که نباشد تشنگی بعد از آن ای بخشنده‌ترین بخشندگان
ایشان شیخ طوسی ره بسند معتبر
روایت کرده است که عبد الله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن
عسکری که املا نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول و اوصیای
آنحضرت را و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی را پس اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
بر من املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو خداوندا رحمت بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
و آل محمد چنانچه برداشت وحی ترا و رسانید پیغامهای ترا و رحمت بر محمد و آل محمد
كَمَا اَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
چنانچه حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و آموزانید کتاب ترا و رحمت بر محمد و آل
مُحَمَّدٍ كَمَا اَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَدَعَا اِلٰى دِينِكَ وَصَلِّ
محمد چنانچه بپا داشت نماز را و ادا کرد زکوة را و خواند بسوی دین تو و رحمت
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ
بر محمد و آل محمد چنانچه تصدیق نمود بوعده تو و ترسانید از وعید تو و رحمت
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَ
بر محمد و آل محمد چنانچه آمرزیدی باو گناهان را و پوشیدی باو عیبها را و
فَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ
زایل کردی باو اندوه را و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانچه رفع کردی باو بدبختی

وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَاَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ
و زایل کردی باو اندوه را و زنده کردی باو بوسیله دعا و رهانیدی ببرکت او از بلا و رحمت
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَاَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ
بر محمد و آل محمد چنانکه بخشیدی باو بندگان را و بر شکستی باو
الْجَبَابِرَةَ وَاَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا اَضْعَفْتَ
گردنکشان را و نیست کردی باو از حد در گذرندگان را و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه فزون کردی
بِهِ الْاَمْوَالَ وَحَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الْاَهْوَالِ وَكَسَرْتَ بِهِ الْاَصْنَامَ وَرَحِمْتَ
باو مالها را و ترسانیدی باو از شداید و شکستی باو بتها را و بخشش نمودی
بِهِ الْاَنَامَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْاَدْيَانِ وَ
باو آدمیان را و رحمت فرست بر محمد و آل محمد چنانکه برانگیختی او را بهترین ملتها و
اَعْزَزْتَ بِهِ الْاِيمَانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْاَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ
غالب کردی باو ملتها و برشکستی باو بتها را و بزرگ کردی باو خانه محترم را
وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيماً
و رحمت فرست بر محمد و خانواده او پاکیزگان نیکوان و درود فرست درود فرستادنی
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ
خداوندا رحمت فرست بر امیر المؤمنین علی پسر ابیطالب برادر پیغمبر تو و دوست
وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ
و وصی او و وزیر او و قرارگاه علم او و جایگاه راز او و در حکمت او
وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي اِلٰى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي اُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ
و گویا بحجت او و خواننده بسوی شریعت او و جانشین او در امت او و زایل کننده
الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ وَالَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ
اندوهها از پیش روی او برهم شکننده کافران و خوار کننده ناگروندگان و آنکه گردانیدی او را نسبت
نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هٰرُونَ مِنْ مُوسٰى اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ
بپیغمبر تو بمنزله هرون از موسی خداوندا دوست دار آنکه دوست دارد او را و دشمن دار آنکه دشمن دارد او را
وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْاَوَّلِينَ
و یاری کن آنکه یاری کند او را و خوار کن آنکه خوار کرد او را و لعنت کن آنکه دشمنی کرد او را از پیشینیان
وَالْاٰخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْصِيَاءِ
و پسینیان و رحمت فرست بر او بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از اوصیای

أَنبِيائِكَ يا رَبَّ العالَمِينَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ
حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ وَأُمِّ أَحِبّائِكَ وَأَصْفِيائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَها
وَفَضَّلْتَها وَاخْتَرْتَها عَلَى نِساءِ العالَمِينَ اللّهُمَّ كُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّنْ
ظَلَمَها وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها وَكُنِ الثّائِرَ اللّهُمَّ بِدَمِ أَوْلادِها اللّهُمَّ وَكَما
جَعَلْتَها أُمَّ أَئِمَّةِ الهُدى وَحَلِيلَةَ صاحِبِ اللِّواءِ وَالكَرِيمَةَ عِنْدَ المَلَإِ
الأَعْلى فَصَلِّ عَلَيْها وَعَلى أُمِّها صَلاةً تُكْرِمُ بِها وَجْهَ أَبِيها مُحَمَّدٍ صَلَّى
اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقِرُّ بِها أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِها وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هذِهِ السّاعَةِ
أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحَسَنِ وَالحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ
وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ
الجَنَّةِ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى أَحَدٍ مِنْ أَوْلادِ النَّبِيِّينَ وَالمُرْسَلِينَ اللّهُمَّ
صَلِّ عَلَى الحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَوَصِيِّ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الوَصِيِّينَ أَشْهَدُ
أَنَّكَ يَا بْنَ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ مَظْلُوماً وَمَضَيْتَ
شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الإِمامُ الزَّكِيُّ الهادِي المَهْدِيُّ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ

وَبَلِّغْ رُوحَهُ وَجَسَدَهُ عَنِّي فِي هذِهِ السّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ
اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ المَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ الكَفَرَةِ وَطَرِيحِ
الفَجَرَةِ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِ اللّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ المُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ مُوقِناً أَنَّكَ أَمِينُ اللّهِ وَابْنُ
أَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَمَضَيْتَ شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللّهَ تَعالَى الطّالِبُ
بِثارِكَ وَمُنْجِزٌ ما وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَالتَّأْيِيدِ فِي هَلاكِ عَدُوِّكَ وَإِظْهارِ دَعْوَتِكَ
وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّهِ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَعَبَدْتَ اللّهَ مُخْلِصاً
حَتّى أَتاكَ اليَقِينُ لَعَنَ اللّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَلَعَنَ
اللّهُ أُمَّةً أَلَّبَتْ عَلَيْكَ وَأَبْرَأُ إِلَى اللّهِ تَعالَى مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَاسْتَخَفَّ
بِحَقِّكَ وَاسْتَحَلَّ دَمَكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يا أَبا عَبْدِ اللّهِ لَعَنَ اللّهُ قاتِلَكَ
وَلَعَنَ اللّهُ خاذِلَكَ وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ سَمِعَ واعِيَتَكَ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يَنْصُرْكَ وَ
لَعَنَ اللّهُ مَنْ سَبا نِساءَكَ أَنا إِلَى اللّهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَمِمَّنْ والاهُمْ وَمالَأَهُمْ
وَأَعانَهُمْ عَلَيْهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَالأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوى وَبابُ
الهُدى وَالعُرْوَةُ الوُثْقى وَالحُجَّةُ عَلى أَهْلِ الدُّنْيا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ

وبمنزلتكم موقن ولكم تابع بذات نفسي وشرايع ديني وخواتيم عملي ومنقلبي

وبمنزلت شما اقرار كننده وهمه شمارا پيرو بذات نفس خود وطريقهاى دين خود وآخرهاى كردار خود وبازگشتم

في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين الذي

در دنياى خود وآخرت خود خداوندا رحمت فرست بر على پسر حسين بزرگ پرستندگان كه

استخلصته لنفسك وجعلت منه أئمة الهدى الذين يهدون بالحق

خالص گردانيدى اورا مر ذات خود وگردانيدى از او پيشوايان هدايت آنانكه راه نمايند براه راست

وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته

وباو ميل كنند اختيار كردى اورا بر نفس خود وپاك كردى اورا از پليدى وبرگزيدى اورا

وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد

وگردانيدى اورا راهنماى راه يافته خداوندا پس رحمت فرست براو بهتر آنچه درود فرستادى بر يكى

من ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والآخرة

از فرزندان پيغمبران خود تا آنكه برسد باو آنچه روشن شود باو ديده او در دنيا وآخرت

انك عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى

بدرستيكه تو غالب درست كردارى خداوندا رحمت فرست بر محمد بن على باقر دانا وپيشواى هدا

وقائد اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته علما

وپيشواى پرهيزكاران وبرگزيده شده از بندگان تو خداوندا وچنانكه گردانيدى اورا دانا

لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وأمرت

براى بندگانت وروشنى مر شهرهاى خود وقرارگاه مر حكمت خود مترجمى تو وامر كردى

بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت

بفرمانبردارى خود وترسانيدى از نافرمانى او پس رحمت فرست براو اى پروردگار بهتر آنچه رحمت فرستادى

على احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا

بر يكى از فرزندان پيغمبران تو وبرگزيدگان تو وفرستادگان تو وامينان تو اى

رب العالمين اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم

پروردگار جهانيان خداوندا رحمت بر جعفر پسر محمد راستگو خزينه دار علم

الداعي اليك بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك

خواننده بسوى تو بدليل روشن هويدا خداوندا وچنانكه گردانيدى اورا قرارگاه كلام خود

ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ

ووحى خود وخزينه دار علم خود وزبان توحيد خود وخداوند امر خود ونگاهدارنده

دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد من اصفيائك و

ودين خود پس رحمت فرست براو بهتر آنچه رحمت فرستادى بر يكى از برگزيدگان خود وبر

حججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين المؤتمن موسى بن جعفر

وحجت خود بدرستيكه ستوده بزرگوارى خداوندا رحمت فرست بر امين امانت دارنده موسى پسر جعفر

البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد المحتسب الصابر

نيكوكار باوفا پاك پاكيزه روشن هويدا كوشش دهنده باخلاص شكيبا

على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن آبائه ما استودع من امرك

بر آزار در راه تو خداوندا وچنانكه رسانيد از پدران خود آنچه سپرده شده از امر خود

ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة والشدة فيما كان يلقى

ونهى خود وبرداشت براه راست وتعب كشيد اهل غلبه وشدت در آنچه بود ميديد

من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت على احد

از بيخردان قوم خود پروردگارا پس رحمت فرست براو بهتر وكاملتر آنچه رحمت فرستادى بر يكى

ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم اللهم صل على علي بن

از آنكه فرمانبرد ترا وپند داد مر بندگان ترا بدرستيكه تو آمرزنده مهربانى خداوندا رحمت فرست بر على پسر

موسى الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما

موسى كه پسنديدى اورا وخوشنودى باو آنرا كه خواستى از خلق خود خداوندا وچنانكه

جعلته حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على

گردانيدى اورا حجت بر خلق خود وايستاده بامر تو ويارى كننده مر دين تو وگواه بر

عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة

بندگان خود وچنانكه پند داد مر ايشانرا در پنهان وآشكار وخواند بسوى راه تو بدليل محكم

والموعظة الحسنة فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك

وپند نيكى پس رحمت فرست براو بهتر آنچه رحمت فرستادى بر يكى از دوستان تو

وخيرتك من خلقك انك جواد كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى

وبرگزيده از خلق خود بدرستيكه تو بخشنده بزرگوارى خداوندا رحمت فرست بر محمد پسر على پسر موسى

علم التقى ونور الهدى ومعدن الوفاء وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء

نشانه پرهيزكارى وروشنى هدايت وقرارگاه وفا وزاده پاكان وجانشين اوصياء

وامينك على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت

وامين تو بر وحى تو خداوندا وچنانكه راه نمودى باو از گمراهى ورهانيدى بوسيله او

بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ وَاَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدى وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّى فَصَلِّ عَلَيْهِ
از حيرت وبرگشتگى باو انكه راه نمود وپاك كرد باو انكه پاك شد پس رحمت فرست براو

اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ وَبَقِيَّةِ اَوْصِيائِكَ اِنَّكَ عَزِيزٌ
بهتر انچه رحمت فرستادى بر يكى از دوستان خود وباقى مانده اوصيا بدرستيكه تو غالب

حَكِيمٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْاَوْصِياءِ وَاِمامِ الْاَتْقِياءِ وَخَلَفِ
درست كردارى خداوندا رحمت فرست بر على پسر محمد وصى اوصيا وپيشواى پرهيزكار وجانشين

اَئِمَّةِ الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلائِقِ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ كَما جَعَلْتَهُ نُوراً يَسْتَضِيءُ
پيشوايان دين وحجت بر خلايق همه خداوندا چنانچه گردانيدى او را روشنى جوينده روشنى

بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوابِكَ وَاَنْذَرَ بِالْاَلِيمِ مِنْ عِقابِكَ وَحَذَّرَ
بان گروندگان پس مژده داد به بسيار از ثواب تو وترسانيد بدردناك از عقوبت تو وبيم نمود

بَاْسَكَ وَذَكَّرَ بِآياتِكَ وَاَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَبَيَّنَ شَرائِعَكَ
از سخت گرفتارى و يادآورى نمود بآيتهاى تو وحلال كرد حلال ترا وحرام كرد حرام ترا وظاهر ساختن طريقهاى تو

وَفَرائِضَكَ وَحَضَّ عَلى عِبادَتِكَ وَاَمَرَ بِطاعَتِكَ وَنَهى عَنْ مَعْصِيَتِكَ
وواجبات تو وبرانگيخت بر عبادت تو وامر كرد بطاعت تو وبازداشت از نافرمانى تو

فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيائِكَ وَذُرِّيَّةِ اَنْبِيائِكَ
پس رحمت فرست براو بهتر انچه رحمت فرستادى بر يكى از دوستان تو وفرزندان پيغمبران تو

يا اِلٰهَ الْعالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الصّادِقِ
اى خداى جهانيان خداوندا رحمت فرست بر حسن پسر على نيكوكار پرهيزكار راستگوى

الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيءِ خازِنِ عِلْمِكَ وَالْمُذَكِّرِ بِتَوْحِيدِكَ وَوَلِيِّ اَمْرِكَ وَ
وفادار روشن روشنى بخش خزانه دار علم تو وياد كننده بيگانگى تو ومتولى امر تو

خَلَفِ اَئِمَّةِ الدِّينِ الْهُداةِ الرّاشِدِينَ وَالْحُجَّةِ عَلى اَهْلِ الدُّنْيا وَصَلِّ
وجانشين پيشوايان دين راهنماى راه يافتگان وحجت بر اهل دنيا ورحمت فرست

عَلَيْهِ يا رَبِّ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيائِكَ وَحُجَجِكَ وَاَوْلادِ
براو اى پروردگار بهتر انچه فرستادى بر يكى از برگزيدگان تو وحجت تو وفرزندان

رُسُلِكَ يا اِلٰهَ الْعالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى وَلِيِّكَ وَابْنِ اَوْلِيائِكَ الَّذِينَ
فرستادگان اى خداى جهانيان خداوندا رحمت فرست بر دوست خود وپسر دوستان تو آنانكه

فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَاَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَاَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً
لازم گردى طاعت ايشان را وثابت گردى حق ايشان را وبردى از ايشان گناه را وپاك گردانيدى ايشان را پاك كردنى

اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانْصُرْ بِهِ اَوْلِياءَكَ وَاَوْلِياءَهُ وَشِيعَتَهُ
خداوندا يارى كن اورا وانتقام بكش باو براى دين خود ويارى كن باو دوستان خودرا ودوستان اورا وپيروان او

وَاَنْصارَهُ وَاجْعَلْنا مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ اَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ باغٍ وَطاغٍ وَمِنْ شَرِّ
ويادران او وبگردان ما را از ايشان خداوندا پناه ده اورا از گزند هر ستمكار وگردنكش واز شر

جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
همه خلق تو ونگاهدار اورا از پيش روى او واز عقب او واز راست او واز

شِمالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ اَنْ يُوصَلَ اِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ
چپ او وحراست كن اورا وبازدار اورا از اينكه رسانيده شود بسوى او بدى ونگاهدارى كن اورا در

رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَاَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَاَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ ناصِرِيهِ
پيغمبر خود وآل پيغمبر خود وظاهر كن بسبب او عدالت را وقوى كن اورا بيارى ويارى كن ياوران اورا

وَاخْذُلْ خاذِلِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبابِرَةَ الْكَفَرَةِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفّارَ وَ
وفرو گذار فرو گذارندگان اورا وبرهم شكن باو ستمكاران كافران را وبكش بدست او ناگروندگان و

الْمُنافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كانُوا مِنْ مَشارِقِ الْاَرْضِ وَمَغارِبِها
دوروبان را وهمه بيدينان را انجا كه بوده باشند از بيرون امدن آفتاب از زمين وفرو رفتن آن

وَبَرِّها وَبَحْرِها وَامْلَاْ بِهِ الْاَرْضَ عَدْلاً وَاَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ
وخشكى آن ودرياى آن وپر كن باو زمين را از روى عدالت وظاهر كن باو دين پيغمبر خودرا براو

وَآلِهِ السَّلامُ وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ اَنْصارِهِ وَاَعْوانِهِ وَاَتْباعِهِ وَشِيعَتِهِ
وآل او سلام وبگردان مرا خداوندا از ياران او ومددكاران او وتابعان او وپيروان او

وَاَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ ما يَاْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ ما يَحْذَرُونَ اِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ يا
وبنما مرا در آل محمد انچه آرزو كنند ودرباره دشمنان ايشان انچه بيم كنند اى خداى حق بپذير دعاى مرا

ذَا الْجَلالِ وَالْاِكْرامِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

دويم در بيان نمازهاى واجبست كه مخصوص ونحو ماهى نيست ونمازهاى
دو از سنت اختصاص بوقتى ندارد واعمالى كه بغير ماههاى عربى تعلق
دارند وان هشت فصلست فصل اول در بيان نماز آيات بدانكه
اين نماز واجبست نزد كسوف آفتاب وخسوف ماه خواه كل بگيرد وخواه بعض ودر
زلزله كه زمين بلرزد ومشهور آنست كه هر آيتى كه از جانب آسمان حادث شود كه
موجب خوف غالب خلق گردد نماز واجب ميشود مانند بادهاى سياه باشد بلكه برخلاف
عادت باشد خواه رنگين باشد وخواه نباشد وصاعقهاى عظيم ورعدهاى

بسیار شدید و تاریک شدن هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت ۱۴۳ این
نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات میکنم ادا از
جهة آنکه واجبست برای رضای خدا یا قربة الی الله پس تکبیر احرام بگوید و حمد و یکسوره
بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد و سنتست که در هر سر برداشتن الله اکبر بگوید
پس حمد و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم
که سر بردارد سمع الله لمن حمده بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا
آورد پس برخیزد و رکعت دیگر بجا آورد بدستور رکعت اولی و در سر برداشتن
از رکوع دهم بجای تکبیر سمع الله لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی
از سوره را بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعاده حمد
نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول
خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت دویم بیک حمد و سوره که تفریق کند
اکتفا میتواند کرد و بهتر آنست که بطریقه اول بکند و بده حمد و ده سوره بجا آورد
مگر آنکه وقت تنگ باشد و اول نماز کسوف و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر
وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدنست و اظهر نزد فقیر و جمعی از محققین اینست
که تا تمام منجلی نشود وقتش باقیست و نماز زلزله و آیات که وقتش وقتها معین نکند موافق
مشهور تمام عمر اداست و اگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره
مشهور میان علما آنست که قضا میکند آن نماز را مطلقا و جمعی گفته اند که بر ناسی
که فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام نگرفته باشد و عمل بمشهور احوطست
و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان اصحاب آنست که قضای کسوفین
واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجبست قضا مطلقا
و قول اول اقوی و ثانی احوطست و مستحبست که این نماز را بجماعت بجا آورند و طول
بدهند بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد اشهر
و اقوی آنست که اعاده نماز مستحبست و بعضی واجب دانسته اند و مستحبست خواندن
سورهای طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحبست
قنوت خواندن پیش از رکوع دویم و چهارم و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام

زلزله مکرر این آیه إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ
را بخواند مناسبست — بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها را و زمین را اینکه زایل گردند و اگر
زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا و از حضرت
هر آینه زایل شوند اینکه نگاه دارد هیچیک از بعد او بدرستیکه او باشد بردبار آمرزنده — امام رضا
منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سرش خراب نشود فصل
دویم نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتی که باران کم آید و آب چشمها
و چاهها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد و بجماعت
باید کرد و در قنوتهایش طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و
بهترین دعاها دعائی است که در صحیفه کامله است و اکثر گفته اند که وقتش میان
طلوع آفتابست تا زوال و باید که امام امر کند مردم را که سه روز روزه بدارند و روز
سیم ایشانرا بیرون برد و بهتر اینست که روز سیم جمعه باشد یا دوشنبه و بصحرا بروند
پای برهنه و با سکینه و وقار و موذنان عصاها بدست گرفته پیش روی
امام بروند و چون امام از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود و ردا را بگرداند یا آنکه
جانب راست را بجانب چپ و جانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند و باواز بلند
صد مرتبه الله اکبر بگوید و بجانب راست بگردد و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب
چپ بگردد و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو بمردم کند و صد مرتبه الحمد
لله بگوید و گفته اند مردم در ذکرها موافقت کنند با او و نه در گشتن پس دو خطبه
بخواند و مبالغه کند در استغفار و دعا و طلب رحمت و خطبهای منقوله بهتراست
و دور نیست که اگر این ذکرها را بعد از خطبه بخواند نیز خوب باشد فصل سیم
در بیان نماز حضرت رسول سید بن طاوس بسند معتبر از حضرت امام رضا روایت کرده
است که از آنحضرت سوال کردند از نماز جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلید از نماز حضرت
رسول شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد و شاید جعفر نماز آنحضرت را کرده
کرده باشد تا وی گفت پس آن نماز را تعلیم کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز
میکنی و در هر رکعت یکمرتبه فاتحه و پانزده مرتبه سوره انا انزلناه میخوانی پس در رکوع
میروی و بعد از سر برداشتن و در سجده اول و سر برداشتن و در سجده دویم و سر

بر داشتن هر یک پانزده مرتبه سورهٔ قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی و سلام میکوئی و چون فارغ شوی میان تو و خدا کناهی نمیماند مکر انکه امر زیده شده است و هر حاجت که بطلبی روا است و

لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ رَبُّنا وَ رَبُّ آبائِنَا الْأَوَّلِينَ

بعد از ان این دعا را میخوانی — نیست سزاوار پرستش مکر خدا پروردگار ما و پروردگار پدران ما پیشینیان

لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ اِلٰهاً واحِداً وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ لا

نیست خدائی مکر خدا خدائی یکانه و ما مر او را کردن نهنده کانیم نیست سزاوار پرستش مکر خدا

نَعْبُدُ اِلّا اِيّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰهُ

نمی پرستیم مکر او را خالص کردانندکانیم برای او دین را و اکرچه ناخوش دارند ناکروندکان نیست سزاوار پرستش

وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ اَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزابَ

مکر خدا یکانه یکانه یکانه روا کرده وعدهٔ خود را و یاری کرده بندهٔ خود را و به هم شکست طوایف و لشکرها را

وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّمٰواتِ

واحد پس مر او راست پادشاهی و مر او راست حمد و او بر هر چیزی تواناست خداوندا توئی روشنی بخش آسمانها

وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ قَيّامُ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ وَ مَنْ

و زمین و آنکه در آنهاست پس مر تراست ستایش و توئی بر دارندهٔ آسمانها و زمین و آنکه

فِيهِنَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ اَنْتَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ اِنْجازُكَ

در آنهاست پس مر تراست حمد و تو حقی و وعدهٔ تو راست و کفتار تو درست و روا کردن تو

حَقٌّ وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ

حق و بهشت حق و دوزخ راست خداوندا مر ترا کردن نهادم و بتو کرویدم و بر تو

تَوَكَّلْتُ وَ بِكَ خاصَمْتُ وَ اِلَيْكَ حاكَمْتُ يا رَبِّ يا رَبِّ يا رَبِّ اغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ

اعتماد کردم و بتو وا میکذارم خصمی خود را و بسوی تو آوردم محاکمهٔ خود را ای پروردکارم ای پروردکارم بیامرز مرا آنچه پیش فرستادم

وَ ما اَخَّرْتُ وَ اَسْرَرْتُ وَ اَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِي لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و آنچه پس داشتهام و پنهان و آشکار نمودم تو معبود منی نیست سزاوار پرستش مکر تو رحمت فرست بر محمد

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ مؤلف

و آل محمد و بیامرز مرا و رحم کن مرا و بپذیر توبهٔ مرا بدرستیکه توئی توبه پذیر مهربان

میکوید که این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده اند و بعض این را از نمازهای روز جمعه شمرده اند و از روایت اختصاصی معلوم نمیشود و ظاهر ادر سایر ایام توان کرد

فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین

است ابن بابویه و عیاشی و کلینی و دیگران بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار

از حضرت صادق ع روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز بکذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه پنجاه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند چون فارغ کردد میان او و حق تعالی کناهی نماند مکر انکه امر زیده شده باشد و سید و شیخ از حضرت صادق روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز امیر المؤمنین را بجا آورد از کناهان بیرون اید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و حاجتهای او بر آورده شود و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سورهٔ توحید بخواند و چون فارغ شود این دعا را بخواند که تسبیح انحضرتست

سُبْحانَ مَنْ لا تَبِيدُ مَعالِمُهُ سُبْحانَ مَنْ لا تَنْقُصُ خَزائِنُهُ سُبْحانَ مَنْ لا اضْمِحْلالَ

پاکا آنکه بپایان نمیرسد نشانهای او پاکا آنکه کم نمیکردد خزینهٔ او پاکا آنکه نیست زوال

لِفَخْرِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْفَدُ ما عِنْدَهُ سُبْحانَ مَنْ لا انْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحانَ

مر بزرکی او را پاکا آنکه بپایان نمیرسد آنچه نزد اوست پاکا آنکه نمیبرد مدت او پاکا

مَنْ لا يُشارِكُ اَحَداً فِي اَمْرِهِ سُبْحانَ مَنْ لا اِلٰهَ غَيْرُهُ پس این دعا بخواند يا مَنْ عَفىٰ عَنِ

آنکه شریک نکیرد کسی را در کار خود پاکا آنکه نیست خدائی غیر او ای آنکه درکذشته از

السَّيِّئاتِ وَ لَمْ يُجازِ بِها اِرْحَمْ عَبْدَكَ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ نَفْسِي نَفْسِي اَنَا عَبْدُكَ

بدیها و پاداش نداده بآنها رحم کن بندهٔ خود را الهی الهی در یاب نفس مرا منم بندهٔ تو

يا سَيِّداهُ اَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يا رَبّاهُ بِكَ اِلٰهِي بِكَيْنُونِيَّتِكَ يا اَمَلاهُ

ای آقای من منم بندهٔ تو در پیش روی تو ای پروردکارم بتو آمدم بکینونیت تو ای امیدکاه

يا رَحْماناهُ يا غِياثاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لا حِيلَةَ لَهُ يا مُنْتَهىٰ رَغْبَتاهُ يا مُجْرِيَ

ای بخشاینده ای فریادرس بندهٔ تو بندهٔ تو نیست چاره مر او را ای منتهای خواهشها ای روان کننده

الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ يا سَيِّداهُ يا مالِكاهُ اَيا هُوَ اَيا هُوَ اَيا هُوَ يا رَبّاهُ عَبْدُكَ

خون در رکهای من بنده توام ای بزرک ای خداوند الهی خداوند ای پروردکار بندهٔ تو

لا حِيلَةَ لِي وَ لا غِنىٰ بِي عَنْ نَفْسِي وَ لا اَسْتَطِيعُ لَها ضَرّاً وَ لا نَفْعاً وَ لا اَجِدُ

نیست چاره مرا و نه بی نیازی مرا از جانب خود و قدرت ندارم برای خود زیانی و نه سودی و نمییابم کسی را

مَنْ اُصانِعُهُ تَقَطَّعَتْ اَسْبابُ الْخَدائِعِ عَنِّي وَ اضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي اَفْرَدَنِي

که دل جوئی کنم او را بریده شده وسیلهها و فریبها از من و رفته هر کمان برده شده از من تنها کذاشت

الدَّهْرُ اِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هٰذَا الْمَقامَ يا اِلٰهِي بِعِلْمِكَ هٰذا

مرا روزکار بسوی تو پس ایستادم در پیش روی تو این جایکاه الهی مرا بدانش تو این

كان كله فكيف انت صانع بي وليت شعري كيف تقول لدعائي أتقول
نعم ام تقول لا فان قلت لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي يا عولي يا
عولي يا عولي يا شقوتي يا شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي يا ذلي الى من
ومن او عند من او كيف او ماذا او الى اي شيء الجأ ومن ارجو ومن يجود
علي بفضله حين ترفضني يا واسع المغفرة وان قلت نعم كما هو الظن بك
والرجاء لك فطوبى لي انا السعيد وانا المسعود فطوبى لي وانا المرحوم
يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا متجبر يا متملك يا مقسط لا عمل لي مع نجاح
حاجتي اسئلك باسمك الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عندك
فلا يخرج منك الى شيء سواك اللهم به وبك وبه فانه اجل واشرف
اسمائك لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود علي منك يا كينون يا مكون
يا من عرفني نفسه يا من امرني بطاعته يا من نهاني عن معصيته ويا
مدعو يا مسئول يا مطلوبا اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني بها
ولم اطعك ولو اطعتك فيما امرتني لكفيتني ما قمت اليك فيه انا مع
معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت يا مترحما لي اعذني من بين

يدي ومن خلفي ومن فوقي ومن تحتي ومن كل جهات الاحاطة بي اللهم
بمحمد سيدي وبعلي وليي وبالائمة الراشدين عليهم السلام
اجعل علينا صلواتك ورأفتك ورحمتك واوسع علينا من رزقك
واقض عنا الدين وجميع حوائجنا يا الله يا الله يا الله انك على كل
شيء قدير پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ
گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه آمرزیده شود فصل پنجم
در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه علیها السلام است سید بن طاوس
بسند معتبر از حضرت صادق روایت کرده است که فرمود که مادرم فاطمه دو
رکعت نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از حمد صد
مرتبه سورهٔ قدر و در رکعت دویم صد مرتبه سورهٔ سبحان ذي العز الشامخ
توحید میخواند و چون سلام میگفت این دعا را میخواند
المنيف سبحان ذي الجلال الباذخ العظيم سبحان ذي الملك
الفاخر القديم سبحان من لبس البهجة والجمال سبحان من تردى
بالنور والوقار سبحان من يرى اثر النمل في الصفا سبحان من
يرى وقع الطير في الهواء سبحان من هو هكذا ولا هكذا غيره و سید گفته است
که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این نماز تسبیح مشهور حضرت
فاطمه را که بعد از هر نماز خوانده میشود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات
بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده و گفته
است که چون سلام بگوی تسبیح فاطمه را بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعای

که پیش مذکور شد پس گفته است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند
و از تسبیحها فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و
جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نشود و دعا
کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در سجده این دعا را بخواند

یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرُهُ رَبٌّ یُدْعَی یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ اِلٰهٌ یُخْشَی یَا مَنْ لَیْسَ
ای آنکه نیست غیر او پروردگاری که خوانده شود ای آنکه نیست بالای او خدائی که ترسیده شود ای آنکه نیست
دُونَهُ مَلِکٌ یُتَّقَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ یُرْشَی
غیر او پادشاهیکه پرهیز کرده شود ای آنکه نیست مراورا وزیری که آیا شود ای آنکه نیست مراورا دربانی که رشوه داده شود
یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشَی یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلَی کَثْرَةِ السُّؤَالِ اِلَّا کَرَمًا وَ
ای آنکه نیست مراورا سرایداری که اتیان شود ای آنکه زیاد کرده نشود بر بسیاری سؤال مگر نوازش و
جُودًا وَعَلَی کَثْرَةِ الذُّنُوبِ اِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ
بخشش او و بر بسیاری گناهان مگر درگذشتن رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن
بِی کَذَا وَکَذَا پس بجای وافعل بی کذا وکذا حاجتهای خود را یاد کند

با من چنان و چنان

فصل ششم

در بیان کیفیت و فضیلت و احکام نماز حضرت جعفر طیار است بدانکه
این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه بسندهای بسیار روایت کرده اند و
مخالفان نیز این نماز را مستحب میدانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان
باعتبار عداوت باطنی که با امیر المؤمنین علیه السلام و اقارب آنحضرت دارند
این نماز را بعباس عم پیغمبر نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانه روزی نمازی
بحسب صحت سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام
زین العابدین علیه السلام منقولست که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر
المؤمنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست امیر
المؤمنین شده بود حضرت رسول بقدر مسافت یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت
چون حضرت نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید
حضرت او را در بر گرفت و دست بر گردن او در آورد و دوشا با او سخن گفت پس بر ناقه غضبا
سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای
جعفر ای برادر میخواهی بخشش بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی تورا عطیه گران بهائی

بدهم میخواهی ترا برگزینم مردم گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد
فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود
و حضرت صادق فرمود که صفتش اینست که چهار رکعتست بدو تشهد و دو سلام
و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخوانند و در رکعت دویم بعد از
حمد سوره والعادیات و در رکعت سیم بعد از حمد سوره اذا جاء نصر الله و
در رکعت چهارم بعد از حمد سوره قل هو الله و در هر رکعت بعد از فراغ از
قرائت پانزده مرتبه میگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و
در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع بر میدارد ده
مرتبه و در سجده اول ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجده دویم
ده مرتبه و در سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه در هر چهار رکعت چنین
کند که مجموع سیصد مرتبه شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت
معتبر دیگر حضرت رسول فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه
در آن هست و اگر هر دو روز یکبار بکنی گناهی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود
و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یا در سالی یکمرتبه بکنی هر گناهی که در میان
دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایات معتبره دیگر اگر بقدر کف دریاها و ریگ بیابانها
گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا
ترا بیامرزد و بروایتی دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی
ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره
و صغیره و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاهائیکه در این نماز
مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که در سجده آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ
پاکست آنکه پوشید جامه عزت را و وقار را پاکست آنکه بجود گرفته بزرگی و بزرگوار را باو پاکست آنکه
لَا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصَی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِی
سزاوار نیست تسبیح کردن مگر اورا پاکا آنکه شمرده هر چیزرا دانش او پاکست خداوند

الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ
الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجات
خود را ذکر کند و شیخ در مصباح این سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي
دعا را روایت کرده با این زیادتی الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ تا
دعا و ایضا شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی
حضرت امام جعفر صادق ع نماز جعفر را بجا آورد دست پس ابتدا نمود
یَا رَبِّ یَا رَبِّ بعد دیگر یک یا رباه یا ربّاه بعد دیگر رَبِّ رَبِّ باز بعد در
یک نفس و فا کند
یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ باز بعد دیگر یَا رَحِيمُ یَا رَحِيمُ بعد دیگر یَا رَحْمٰنُ یَا رَحْمٰنُ هفت
یک نفس یک نفس
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه پس اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَاَنْطِقُ مرتبه
ابتدا خواند نه
بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَاُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَاُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ
غَايَةَ ثَنَائِكَ وَاَمَدَ مَجْدِكَ وَاَنّٰى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَاَيَّ
زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ عَوَّادًا عَلَى الْمُذْنِبِينَ
بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ اَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ
جَوَادًا بِفَضْلِكَ عَوَّادًا بِكَرَمِكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ

وَالْاِكْرَامِ پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه ترا حاجت ضروری بوده باشد
نماز جعفر را بکن و این دعا را بخوان و حوائج خود را از خدا طلب کن
که برآورده میشود ان شاء الله تعالی دعای سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدّٰى بِهٖ
دیگر بعد از این نماز بروایت شیخ و سید
سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهٖ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا
لَهٗ جَلَّ جَلَالُهٗ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهٖ وَخَلَقَهٗ بِقُدْرَتِهٖ سُبْحَانَ
ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ
الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْمَعَ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ بَعْدَ عُمْرٍ طَوِيلٍ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ
لَكَ الْكَرَمُ وَلَكَ الْمَجْدُ وَلَكَ الْمَنُّ وَلَكَ الْجُودُ وَلَكَ الْاَمْرُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
لَكَ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهٗ كُفُوًا اَحَدٌ
يَا اَهْلَ التَّقْوٰى وَيَا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا غَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا وَدُودُ
يَا شَكُورُ اَنْتَ اَبَرُّ بِي مِنْ اَبِي وَاُمِّي وَاَرْحَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَمِنَ النَّاسِ اَجْمَعِينَ يَا
كَرِيمُ يَا جَوَادُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي صَلَّيْتُ هٰذِهِ الصَّلٰوةَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَطَلَبَ

نائِلِكَ وَمَعْرُوفِكَ وَرَجاءَ رِفْدِكَ وَجائِزَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ وَقَدِيمِ
عطای تو و احسان تو و امید بخشش تو و صلهٔ تو و بزرگی درگذشتن تو و دیرینه

غُفْرانِكَ اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْفَعْها فِي عِلِّيِّينَ وَتَقَبَّلْها
آمرزش تو خداوندا پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بالا بردن آن در اعلا علیین و بپذیر

مِنِّي وَاجْعَلْ نائِلَكَ وَمَعْرُوفَكَ وَرَجاءَ ما اَرْجُوكَ فَكاكَ رَقَبَتِي مِنَ
از من و بگردان عطای خود را معروف خود و امید آنچه امیدوارم از تو خلاصی گردن مرا از

النّارِ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَما جَمَعْتَ مِنْ اَنْواعِ النَّعِيمِ وَمِنْ حُسْنِ الْحُورِ
آتش و رستگاری بهشت و آنچه جمع آورده از انواع نعمتها و از حسن سیاه

الْعِينِ وَاجْعَلْ جائِزَتِي مِنْكَ الْعِتْقَ مِنَ النّارِ وَغُفْرانَ ذُنُوبِي وَذُنُوبِ
چشمان و بگردان جائزه مرا از تو آزادی از آتش و آمرزش گناهان من و گناهان

والِدَيَّ وَما وَلَدا وَجَمِيعِ اِخْوانِي وَاَخَواتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِناتِ وَالْمُسْلِمِينَ
پدر و مادرم و آنچه زائیده‌اند و همه برادرانم و خواهرانم مردان گرونده و زنان گرونده و مسلم

وَالْمُسْلِماتِ الْاَحْياءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْواتِ وَاَنْ تَسْتَجِيبَ دُعائِي وَتَرْحَمَ
و مسلمه زنده ایشان و مردگان و اینکه بپذیری دعای مرا و رحم کن

صُراخِي وَنِدائِي وَلا تَرُدَّنِي خائِباً خاسِراً وَاَقْلِبْنِي مُنْجِحاً مُفْلِحاً مَرْحُوماً
آواز مرا و خواندن مرا و باز نگردانی مرا ناامید زیانکار و بازگردان مرا کامیاب رستگار بخشوده شده

مُسْتَجاباً دُعائِي مَغْفُوراً لِي يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ يا عَظِيمُ
پذیرفته دعا برا آمرزیده شده مرا ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ

قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْكَ يا حَسَنَ التَّجاوُزِ
بتحقیق که بزرگ است گناه اگرچه نزد تست پس باید نیکو باشد درگذشتن از تو ای نیکو در گذشتن ای فراخ

يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يا فَيّاحاً بِالْخَيْراتِ يا مُعْطِيَ
آمرزش ای باسط دستها برحمت ای بخشنده به نیکیها ای عطا کننده

الْمَسْئُولاتِ يا فَكّاكَ الرِّقابِ مِنَ النّارِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفُكَّ
سؤالها ای خلاص کننده گردنها از آتش رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آزاد کن

رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَاَعْطِنِي سُؤْلِي وَاسْتَجِبْ دُعائِي وَارْحَمْ صُراخِي وَتَضَرُّعِي
گردن من از آتش و ببخش بمن درخواسته مرا و بپذیر دعای مرا و رحم کن فغان مرا و زاری مرا

وَنِدائِي وَاقْضِ لِي حَوائِجِي كُلَّها لِدُنْيايَ وَآخِرَتِي وَدِينِي ما ذَكَرْتُ مِنْها
و آواز مرا و روا کن برای من حاجتهای مرا همه آن مر دنیای من و آخرت من و دین من آنچه ذکر کردم از آن

وَما لَمْ اَذْكُرْ وَاجْعَلْ لِي فِي ذلِكَ الْخِيَرَةَ وَلا تَرُدَّنِي خائِباً خاسِراً وَاَقْلِبْنِي
و آنچه ذکر نکردم و بگردان برای من در این خیر و باز نگردان مرا ناامید زیانکار و بازگردان مرا

مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجاباً لِي دُعائِي مَغْفُوراً لِي مَرْحُوماً يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ يا
کامیاب رستگار پذیرفته برای من دعای مرا آمرزیده شده برای من رحم کرده شده ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

مُحَمَّدُ يا اَبَا الْقاسِمِ يا رَسُولَ اللّهِ يا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَنَا عَبْدُكُما وَمَوْلاكُما
ای محمد ای ابوالقاسم ای فرستاده خدا ای پادشاه گرویدگان منم بنده شما و آزاد کرده شما

غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَلا مُسْتَكْبِرٍ بَلْ خاضِعٌ ذَلِيلٌ عَبْدٌ مُقِرٌّ مُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكُما
نه عار دارنده و نه گردن کش بلکه فروتنی کننده خوار بنده اقرار دارنده چسبیده‌ام بر ریسمان شما

مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوِلايَتِكُما اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّهِ تَعالى بِكُما وَاَتَوَسَّلُ اِلَى اللّهِ
چنگ در زننده از گناهان من بدوستی شما نزدیکی جویم بسوی خدا تعالی بشما و وسیله میجویم بسوی خدا

بِكُما وَاُقَدِّمُكُما بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجِي اِلَى اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاشْفَعا لِي فِي فَكاكِ
بشما و پیش میدارم شمارا به پیش حاجتهای خود بسوی خدای عز و جل پس شفاعت کنید مرا در آزاد کردن

رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَغُفْرانِ ذُنُوبِي وَاِجابَةِ دُعائِي اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلى
گردن من از آتش و آمرزش گناهان من و بر آوردن دعای مرا خداوندا پس رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ دُعائِي وَاغْفِرْ لِي يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ اما احکام این
محمد و آل او و بپذیر دعای مرا و بیامرز برای من ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان

نماز و اداء چند مقصد بوده میشود اول بدانکه مشهور میان علما اقوی نیست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانه روز هم میتوان کرد که هر دو حساب شود و همچنین بنیت قضای نافله میتوان کرد و احادیث بر این مضامین وارد شده است و بعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را ادا و قضا بکیفیت نماز جعفر بکنند و خالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترک است دوم روایات وارد شده است و اکثر علما گفته اند که کسیکه ضرورتی و تعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد و تسبیحات را در راه بخواند سیم حدیث صحیح وارد شده است که کسیکه دو رکعت از نماز جعفر را بکند و او را امر ضروری روی دهد میتواند ازپی آن کار برود و دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند و اگر بدون عذر چنین نکند و همه را باهم بکند بهتر است چهارم روایت معتبری از حضرت قائم وارد شده است که کسیکه تسبیحات

نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش اید بخواند و از علما کسی متعرض این حکم نشده اگر باین روایت عمل کند ظاهرا بد نباشد پنجم خلافست در تعیین سورهاکه مستحبست که در این نماز خوانده شود و مشهور انست که در رکعت اول اذا زلزلت و در دویم والعادیات و در سیم اذا جاء نصر الله و در چهارم قل هو الله احد میخوانند و ابن بابویه و پدرش در رکعت اول والعادیات و در دویم اذا زلزلت گفته اند و در روایتی در اول اذا زلزلت و در دویم اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیحی وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله احد هر دو را بخوانند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد بخواند و ابن بابویه گفته است که همه را باسوره توحید میتوان کرد و ظاهرا همه خوبست و اگرچه اول و سیم افضل است ششم مشهور انست که تسبیحات بعد از سجده دویم رکعت اول و سیم را نشسته بخوانند و بعضی گفته اند که بعد از برخواستن برکعت دیگر پیش از قراءت میخوانند و عمل بمشهور اولیست هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیکسلام میکنند و مشهور واقوی دو سلام است چنانچه گذشت هشتم مشهور میان علما انست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قراءت میباید خواند و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قایل شده است که مخیر است میان انکه پیش از قراءت بخواند یا بعد از قراءت و عمل بمشهور اقوی و اولیست

فصل هفتم در بیان فضیلت و اعمال روز نوروز است بدانکه میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار هست بعضی گفته اند دهم ایار است که از ماههای رومی و بعضی گفته اند نهم شباطست و مشهور انست که اول انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در این ازمنه معمولست و این مطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقربست بصواب و اضبط است در رحمتها اگر بنا اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست واما فضایل و اعمال این روز باسانید معتبر از معلی بن خنیس که از خواص حضرت صادق بوده است منقولست که گفت در روز نوروز بخدمت امام جعفر صادق رفتم فرمود یا میشناسی این روز را گفتم فدایت شوم این روزیست که عجم

ازو تعظیم میکنند و در این روز تحفها و هدیها برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم انرا برای تو تا بفهمی گفتم ای سید و اقای من دانستن اینرا ابرکت شما محبوبتر است نزد من از انکه مردگان من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حقتعالی در این روز پیمان بندگانرا گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچچیز برا شریک او نکردانند و ایمان بیاورند بپیغمبران و رسولان و حجتهای او را بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین و این اول روزیست که در ان افتاب طلوع کرده است و بادها ابستن کننده وزیده است و گلها و شکوفهای زمین افریده شده و در این روز کشتی حضرت نوح بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست که حقتعالی حیات بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریخته بودند یعنی از طاعون و بیکدفعه خداوند قهار همه را میرانید پس از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر ان استخوانها گذشت و از پروردگار خود سؤال کرد که او را بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکرداند پس حقتعالی وحی فرستاد بسوی او که اب بر یزد بر استخوانهای ایشان در همان جاها خود که هستند پس چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس عجم است و باین سبب سنت شد که اب بر یکدیگر بریزند یا اب سرد بر بریزند و غسل کنند و حقتعالی در قران مجید اشاره باین قصه نموده است در انجا که فرموده است الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم و مفسرین گفته اند که ان پیغمبر حضرت حزقیل بود و حضرت فرمود که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که در این روز جبرئیل بر حضرت رسول بوحی نازل شد یعنی روز نوروز موافق مبعث بوده که بیست و هفتم ماه مبارک رجب است و فرمود که این روزیست که حضرت رسالت پناه بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابرهیم نیز در این روز بتهای کافرانرا شکست و اول اشاره است بانکه سنی و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که شبیکه حضرت رسالت حضرت امیر المؤمنین را باخود

بمسجد الحرام آورد وحضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت وبتهای کافران
را بزیر انداخت وشکست پس مراد اینست که در شب این روز بود فرمود که در این روز
حضرت رسول امر کرد اصحاب خود را که بیعت کنند با امیر المؤمنین واقرار کنند که او پادشاه
مؤمنان است یعنی روز غدیر این روز بوده یا آنروز که سرکردههای صحابه را
گفت بروید وبر علی سلام کنید وبگوئید السّلام علیک یا امیر المؤمنین این روز
بود فرمود که در این روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد بوادی جنیان که از ایشان
بیعت از برای او بگیرد وفرمود که در این روز حق خلافت امیر المؤمنین برگشت وبار دیگر
بعد از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند ودر این روز حضرت امیر المؤمنین
با خارجیان نهروان جنگ کرد وبر ایشان ظفر یافت وسرکردهٔ ایشان را که ذو الثدیه
میگفتند کشت ودر این روز قائم آل محمّد ظاهر خواهد شد ودر این روز امامان بعد از
بدنیا رجعت خواهند کرد ودر این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال ودر کناسه
که محلّه ایست از محلات کوفه او را بر دار خواهند کشید ودر هیچ روز نوروزی
نیست مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا که از روزهای ما ودر روزهای شیعیان ماست
از روز را عجمان حفظ کردند وحرمت آنرا رعایت کردند وشما عربان آنرا ضایع کردید
پس حضرت فرمود بمعلّی که چون روز نوروز شود غسل بکن وپاکیزهترین جامههای خود
را بپوش وبهترین بوهای خوش خود را خوشبو کن ودر آن روز روزه بدار وپس
چون از نماز پیشین وپسین ونافلههای آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار بدو
سلام ودر رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ انّا انزلناه بخوان ودر رکعت
دویم ده مرتبه سورهٔ قل یا ایّها الکافرون ودر رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه
سورهٔ قل هو الله احد ودر رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل اعوذ بربّ
الفلق وقل اعوذ بربّ النّاس بخوان وبعد از نماز بسجدهٔ شکر برو واین دعا را بخوان
اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد الاوصیاء المرضیّین وعلی جمیع انبیائک و
خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد اوصیاء پسندیدگان وبر همه پیغمبران تو
رسلک بافضل صلواتک وبارک علیهم بافضل برکاتک وصلّ علی
رسولان تو بهترین رحمتهایت وبرکت ده برایشان بهترین برکتهای تو ورحمت فرست بر

ارواحهم واجسادهم اللّهمّ بارک علی محمّد وآل محمّد وبارک لنا فی
روحهای ایشان وبدنهای ایشان خداوندا برکت ده بر محمد وآل محمد وبرکت ده برای ما در
یومنا هذا الّذی فضّلته وکرّمته وشرّفته وعظّمت خطره اللّهمّ
روز ما اینروز که افزونی دادی او را وگرامی داشتی او را وشریف داشتی او را وبزرگ کردی قدر او را خداوندا
بارک لی فیما انعمت به علیّ حتّی لا اشکر احداً غیرک ووسّع علیّ فی رزقی
برکت ده برای من در آنچه انعام کردی بآن بر من تا آنکه شکر نکنم هیچکس را غیر از تو وفراخی بخش بر من در روزی من
یا ذا الجلال والاکرام اللّهمّ ما غاب عنّی فلا یغیبنّ عنّی عونک وحفظک
ای خداوند بزرگوار وکرامت خداوندا آنچه غایب شد از من پس غایب نشود از من یاری تو وحفظ تو
وما فقدت من شیء فلا تفقدنی عونک علیه حتّی لا اتکلّف ما لا احتاج
وآنچه نیابم از چیزی پس نایاب مکن برای من مدد خود را براو تا آنکه رنج نکشم آنچه محتاج نباشم
الیه یا ذا الجلال والاکرام چون چنین کنی کارمان بیجا سال له یا ذا الجلال
بسوی او ای خداوند بزرگواری وکرامت تو امور زیاده شود وبسیار بگو ای خداوند بزرگواری
والاکرام ودر غیر کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت تحویل این دعا یا محوّل
وکرامت ذا را بخوانند وبعضی سیصد وشصت وشش مرتبه گفته اند ای گرداننده
الحول والاحوال حوّل حالنا الی احسن الحال وبروایتی یا مقلّب القلوب
سالها وحالها بگردان حال ما را بسوی نیکوترین حالها ودیگر وبگرداننده دلها
والابصار یا مدبّر اللّیل والنّهار یا محوّل الحول والاحوال حوّل
ودیدهها ای تدبیر کننده شب وروز ای گرداننده سالها وحالها بگردان
حالنا الی احسن الحال وایضاً بعضی روایت کرده اند که این دعا اللّهمّ انّ هذه
حال ما را بسوی نیکی حال را در روز نوروز بعد از ایام سال بخوانند خداوندا این
سنة جدیدة وانت ملک قدیم اسئلک خیرها وخیر ما فیها واعوذ
سالیست تازه وتو پادشاه دیرینه سؤال میکنم ترا بهترین آن وبهتر آنچه در آنست وپناه میبرم
بک من شرّها وشرّ ما فیها واستکفیک مؤنتها وشغلها یا ذا الجلال والاکرام
بتو از شر آن وشر آنچه در آنست وطلب میکنم از تو نعمت آن وشغل آن ای صاحب بزرگوار وگرامی
اگر چه منع در دعا نیست امّا این دعا را اول خواندن هر چند غائر کرده نشود چون
سند معتبر دارد بهتر است فصل ششم در اعمال ماههای رومیّه سیّد جلیل
علی بن طاوس روایت کرده است که روزی جمعی از اصحاب نشسته بودند حضرت
رسالت پناه داخل شد وبر ایشان سلام فرمود وایشان جواب سلام گفتند

پس حضرت فرمود که میخواهی تعلیم نمایم شما را دعائی که جبرئیل مرا تعلیم کرده است که محتاج
بدوای اطبا نبوده باشد پس حضرت امیر المؤمنین و سلمان و دیگران سؤال نمودند
که آن دوا چیست حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین خطاب نمود و فرمود که در ماه نیسان
آب باران میگیری سورهٔ فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل هو الله و قل اعوذ برب
الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکافرون هر یک را هفتاد مرتبه میخوانی و بروایت
دیگر سورهٔ انا انزلناه فی لیلة القدر را نیز هفتاد مرتبه میخوانی و هفتاد مرتبه الله
اکبر و هفتاد مرتبه لا اله الا الله میگوئی و هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد می
فرستی و هفت روز در بامداد و پسین از آن آب می آشامی بحق خداوندی که مرا براستی
بر خلق مبعوث گردانیده است سوگند یاد میکنم که جبرئیل گفت که حق تعالی بر دارد کسی
که این آب را بیاشامد هر دردی را که در بدنش باشد عافیت بخشد او را و بیرون کند
دردها را از بدن او و استخوانهای او و اگر در لوح دردی از برای او مقدر شده باشد محو
نماید بحق پروردگاری که مرا بحق فرستاده اگر فرزند نداشته باشد و فرزند خواهد این آب
را باین نیت بیاشامد او را فرزند روزی گردد و اگر زن عقیم باشد و فرزند نیاورد و او
این آب را باین نیت بیاشامد فرزندی از او بوجود آید و اگر مرد و زن پسر خواهند یا دختر
از آن آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یهب لمن یشاء اناثا
و یهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا و اناثا و یجعل من یشاء عقیما یعنی حق تعالی
بخشد هر که را خواهد دختر و هر که را خواهد پسر یا جفت میگرداند برای ایشان پسران
و دختران یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را خواهد عقیم و بی فرزند میگرداند
پس حضرت فرمود که اگر درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صحت یابد او ساکن
گردد بقدرت الهی و اگر درد چشم داشته باشد و در چشمها خود قطرهٔ از آن آب بچکاند و
بیاشامد و چشمها خود را از آن آب بشوید باذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن این آب بیخ دندانها
را محکم گرداند و دهان را خوشبو کند و لعاب بن دندانها را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و
امتلا بسبب خوردن طعام و آشامیدن این آب بهم نرساند و از بادها و قولنج و غیر از آن اذیتی
نکشد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند
و درد معده و کرم معده را زایل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش

بدن و ابله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و کر و
زمین گیر نشود و آب سیاه در دیده اش نزول نکند و درد دیگر موجب افطار روزه
و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسهای جنیان و شیاطین متأذی
نگردد پس حضرت رسالت فرمود که جبرئیل گفت هر که از این آب بیاشامد و بجمیع
دردها که در مردم باشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل
گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاده هر که این آیات را بر این آب بخواند و بیاشامد
حق تعالی دلش را مملو گرداند از نور و روشنی و الهام خود را در دل او وارد سازد
و حکمت بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتها
آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت باو بفرستد و
غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب از دل او بر دارد و
از عداوت و دشمنی مردم و بدگوئی ایشان نجات یابد و موجب شفای امراض او گردد
مؤلف گوید که این روایت مشهور بعبد الله ابن عمر منتهی میشود و باین سبب سندش ضعیف
است و فقیر بخط شیخ شهید دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق
روایت کرده بود با همین خواص و سورها اما آیات و اذکار را باین روش روایت
کرده است میخوانی بر آب نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون
و سبح اسم ربک الاعلی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
احد هر یک را هفتاد مرتبه و بگو هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله
اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص آن مذکور است که اگر در زندان باشد و
از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر از خواص
که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارک است و منفعت
دارد خواه در نیسان ببارد و خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که بیاشامید آب آسمان را که پاک کنندهٔ بدن شماست و دردها را دفع
میکند چنانچه حق تعالی میفرماید و ینزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و یذهب
عنکم رجز الشیطان و لیربط علی قلوبکم و یثبت به الاقدام یعنی میفرستد حق تعالی

برشما از اسمان ابی برای انکه پاک کرداند شما را بان و ببرد از شما وسوسه شیطان را
و دلهای شما را محکم کرداند و ثابت کرداند بان قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر است
اکر جمعی خوانند هر یک مجموع این سورها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای اینها
که میخوانند فایده اش عظیمتر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز
از نوروز بکذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی میشوند و ماه نیسان سیزروز است
و از حضرت صادق منقولست که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اکر میسر نشود در
چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و ان بیز سی روز است
و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقولست که در خدمت حضرت صادق
ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که اینماهیست که حضرت موسی نفرین
کرد بر بنی اسرائیل و در یکشب و یکروز سیصد هزار کس ایشان مردند و باز بسند معتبر
از انحضرت منقولست که حق تعالی اجلها را در ماه حزیران نزدیک میکرداند یعنی موت
در ان بسیار میباشد و بدانکه ماههای رومی بنابر حرکت افتاب و عدد اینها دوازده
است باین ترتیب تشرین الاول تشرین الاخر کانون الاول کانون الاخر شباط اذار نیسان
ایار حزیران تموز اب ایلول و چهار ماه را سی میکیرند که اینها تشرین الاخر و نیسان و حزیران
و ایلولند و هفت دیکر غیر شباط را سی و یک میکیرند و شباط را در سه سال متوالی بیست و
هشت میکیرند و در سال چهارم که سال کبیسه ایشانست بیست و نه میکیرند و سال
و سال ایشان سیصد و شصت و پنج روز و ربعی است و تشرین الاول که اول سال ایشان
در این سالها موافق نوزده درجه میزانست و تفصیلش در کتاب بحار الانوار مذکور
و چون اینماهها در احادیث مذکور شده است مجملی در اینجا ایراد نمودیم

باب سیزدهم

در بیان احکام امواتست و در ان پنج فصلست **فصل اول** در بیان اداب و احکام
حال احتضار است و برداشتن میت باید که چون در بیمار اثار موت ظاهر شود متوجه احوال
خود کردد و از کناهان خود توبه کند و بر کذشتها نادم و پشیمان کردد و عازم کردد
که اکر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نکردد پس وصیت کند بحقوق خدا و خلق اینچه بر
ذمه او باشد ادا کند و بدیکران نکذارد پس بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان
بی‌بهره و فقرا و مساکین و سایر وجوه بر صرف نمایند پس برای ذمه از برادران مؤمن

بطلبد و هر که را غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اکر حاضر باشند از ایشان
التماس نماید که از او عفو کنند و اکر غایب باشند از حاضران التماس نماید که از او نیز عفو
کنند و ایشانرا از او راضی کردانند و از برای ایشان استغفار نماید پس امور اطفال
و عیال خود را بعد از توکل بر جناب اقدس الهی بامینی بکذارد و وصی برای اولاد صغیر
خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه و ادعیه که
وارد شده است که سنتست که بر کفن نوشته شود بفرماید که بترتیب حضرت امام حسین
برای بنویسند اکر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشند اما مؤمن را سنتست که کفن پیوسته
با او باشد چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که کفنش با او باشد در خانه اش
او را از غافلان ننویسند و هر کاه نظرش بر انکفن افتد برای او حسنه نوشته میشود
و باید که در انوقت امید او برحمت حق تعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی ع
بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه منقولست که هر که در وقت مرک
وصیت نیکو نکند علامت نقص عقل و نقص مروت و مرکی او است کفتند یا رسول الله
چکونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بکوید
اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ
خدایا آفریننده آسمانها و زمین دانای پنهان و کواه بخشاینده مهربان
اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ
بدرستیکه من عهد کنم بسوی تو که من کواهم که نیست معبودی مکر تو یکانه تو نیست شریکی مر ترا
وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ لَا
و بدرستیکه محمد را رحمت خدا بر او و آل او بنده تو و رسول تو و بدرستیکه قیامت آینده است
رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ
شکی در آن و بدرستیکه تو برانکیزانی هر که در قبرهاست و انکه حساب حق است و بدرستیکه بهشت حق است
وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَاْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَاَنَّ
و انچه وعده داده خدا در آن از نعمتها از خوردنی و آشامیدنی و نکاح حق است و بدرستیکه
النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا
آتش حق است و بدرستیکه ایمان حق است و انکه دین چنانچه وصف کردی و بدرستیکه اسلام چنانچه
شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْاٰنَ كَمَا اَنْزَلْتَ وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ
قرار دادی و بدرستیکه کفتار چنانچه کفت و بدرستیکه قرآن چنانست که فرو فرستادی تو خدا حق هویدا

وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک ربا و بالاسلام دینا و بمحمد

صلی الله علیه و اله نبیا و بعلی اماما و بالقرآن کتابا و ان اهل بیت

نبیک علیه و علیهم السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی و رجائی عند

کربتی و عدتی عند الامور التی تنزل بی و انت ولیی فی نعمتی و الهی و اله آبائی

صل علی محمد و اله و لا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا و انس فی قبری وحشتی

واجعل لی عندک عهدا یوم القاک پس حضرت رسول فرمود که این عهد و پیمان

تعلیم کنید که جبرئیل مرا تعلیم کرد و حضرت رسول هر روز یکبار میخواندند و وصیت کند و وصیت واجب و لازم است بر هر مسلمان و صحیفهٔ اعتقادات را چنانکه در

کتاب حلیة المتقین ذکر کرده ام درست کند و مهر گواهان برساند تا در میان کفن او بگذارند

و چون آثار احتضار ظاهر شود این دعا را مکرر بخوانند اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک واقبل منی الیسیر

من طاعتک تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و برادران مؤمن

در این حالت او را تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سورهٔ یس

و و الصافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت

حضرت رسالت و امامت ائمه همه بتفصیل و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و

سایر اعتقادات حق را مکرر تلقین او کنند که بگوید یا بیاد او ورند و اگر تواند خواند

نزد او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش بر او القا کنند که

در این وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمهٔ طیبهٔ لا اله

الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که سخن آخر

او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر وارد است از حضرت امام محمد باقر

که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله بدرستیکه گناهان را درهم میشکند و مؤمن

مؤمنست در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مرگ این

کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پای او را بجانب قبله

بگردانند تا ملائکه رحمت با او رو آورند و در این وقت حایض و جنب نزد او نباشند که

ملائکه از ایشان نفرت میکنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جایز است که برای ضرورت

پرستاری او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره

وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار باشد او را ببرند بجائیکه همیشه نماز میکرده

است یا نحو آن باشد و او را بر روی جانمازی که بر او نماز میکرده است زیرا که امید شفاهست

شفا میابد و الا جانش باسانی برمیاید و از حضرت امام رضا منقولست که نزد مرده در حال

احتضار دست او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان

میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول و آل او بفرستید و در

حدیث دیگر منقولست که فرزندی از حضرت صادق در حال احتضار بود و حضرت امام محمد باقر

در کنار خانه نشسته بود و هر که نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید

که او در این حالت در نهایت ناتوانیست و هر که دست بر او میگذارد چنانست که او را کشته است

و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر منقولست که هرگاه کسیرا وقت جان کندن بیابید کلمات

فرج را تلقین او کنید لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم

و کلمات فرج اینست

سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن

و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و در حدیث دیگر منقولست که

چون این کلمات را تلقین کسی میکردند

حضرت امیر المؤمنین میفرمود که برو که دیگر بر تو باکی نیست و حضرت رسول این کلمات را

تلقین شخصی کرد و چون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله خدا او را از آتش جهنم نجات

داد و از حضرت صادق منقولست که هیچکس نیست مگر آنکه شیطان در وقت مردن

جمعی از شیاطین را موکل میگرداند بر او که او را بشک اندازند و در دین خود تا جانش

مفارقت کند و اگر مؤمن کامل باشد غلبه نکنند بر او و دست نیابد پس در این حال تلقین باین

بکنید کلمات فرج وشهادت بوحدانیت خدا واقرار بحضرت رسالت وائمهٔ طاهرین ع
یك یك را بخصوص تا از سخن گفتن باز ماند وایضا سنتست که برای آسانی جان کندن
این دعا را تلقین نمایند یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر اقبل منی الیسیر واعف
او کنند ای آنکه می پذیرد اندک را و درمیگذرد از بسیار بپذیر از من بسیار را و در گذر
عنی الکثیر انك انت الغفور الرحیم وبروایتی انك انت العفو الغفور
از من بسیار را بدرستیکه توئی آمرزندهٔ مهربان دیگر بدرستیکه توئی درگذرنده آمرزنده
وچون روح او مفارقت کند سنتست که دهانش را بر هم گذارند وچانه اش
ببندند وچشمهایش را بهم نهند ودستهایش را بر پهلوهایش بکشند واو را بجامه
شبی یا جامه بپوشانند وقرآن نزد او بخوانند وزود دفن بردارند مگر بقدر جمع
شدن مؤمنان اگر اشتباهی در موت او نباشد واگر مشتبه باشد تا یقین نشود
موقوف بردارند واز حضرت صادق ع منقولست که سزاوار است که برادران مؤمن
را خبر کنند بمردن او تا بجنازهٔ او حاضر گردند وبر او نماز کنند واز برای او استغفار
کنند و میت وایشان همه ثواب ببرند ودر حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که
چون مؤمن را بقبر میگذارند ندا میکنند که اول عطائی که ترا دادیم بهشت واول
عطائی که دادیم اهلوا که با جنازهٔ تو آمده اند آمرزش گناهانست ودر حدیث دیگر فرمود
که اول تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آنست که می آمرزند هرکس را که همراه جنازهٔ او بوده
است ودر حدیث دیگر فرمود که هرکه همراهی جنازهٔ مؤمنی بکند تا او را دفن کنند خدا
در روز قیامت هفتاد ملك بر او بگمارد که همراهی او نمایند واستغفار برای او کنند از
قبر تا موقف حساب وفرمود که هرکه یکطرف جنازه را بگیرد بیست وپنج گناه کبیره اش آمرزیده
شود واگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید وباید که جنازه را چهار کس بردارند
وبهتر آنست از برای کسیکه تشییع جنازه کند که اول دست راست میت را که جانب چپ
جنازه است بدوش راست خود بردارد پس پای راست میت را باز بدوش راست بردارد
پس از پشت جنازه برود و پای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت
را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد وچون خواهد که باز دیگر تربیع
کند از پیش جنازه نرود بلکه از جانب پشت جنازه برگردد وباز بهمان روش تربیع کند

واکثر علما برعکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه میکند پس بپای راست
پس بپای چپ پس بدست چپ واول موافق احادیث معتبر است ولیکن اگر هر دو را بعمل
آورند بهتر است وافضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیش جنازه نرود
وظاهر اکثر احادیث آنست که اگر جنازهٔ مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوبست ودر
جنازهٔ مخالف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب میکنند وبا جنازه سوار
رفتن مکروهست واز حضرت رسول ص منقولست که هرکه جنازه را ببیند این دعا بخواند
الله اکبر هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا
خداست بزرگ آن آنچه وعده کرد ما را خدا و فرستادهٔ او و تصدیق کردم خدا و رسول او خداوندا بیفزا ما را ایمان
وتسلیما الحمد لله الذی تعزز بالقدرة وقهر العباد بالموت هیچ ملکی در آسمان
و گردن نهادن ستایش مر خدا را غالب است بتوانائی و قهر بندگان بموت نماند مگر آنکه گریه
کنند از برای ترحم با او واز حضرت صادق ع منقولست که در حال برداشتن جنازه این
دعا را بسم الله وبالله اللهم صل علی محمد وآل محمد واغفر للمؤمنین والمؤمنات
خواند بنام خدا و بخدا خداوندا رحمت بر محمد و آل محمد و بیامرز مردان وزنان مؤمن را
ومنقولست که حضرت امام زین العابدین ع هرگاه جنازه را میدید میگفت الحمد لله الذی
لم یجعلنی من السواد المخترم وزنان را تشییع جنازه سنت نیست و حمد مر خدا را که
نگردانید مرا از شخص مرده شده بعضی گفته اند که جنازه را بسیار شتاب بردن مکروه
است ومجمره بردن با جنازه کراهت دارد ودر روز چراغ بردن خوب نیست واسراف
ودر شب خوبست ومکروهست اگر بجنازه حاضر شود خندیدن وحرف باطل گفتن

فصل دوم در غسل دادن میتست بدانکه احکام میت از غسل دادن وکفن
کردن ونماز کردن ودفن کردن واحکام پیش همه واجب کفائیست یعنی بر همه واجبست
واگر یکی بکند از همه ساقط میشود واگر همه ترك کنند همه معاقب میشوند ومشهور میان
علما آنست که ولایت این مرتبه تعلق بوارث میت دارد و بر خصوص دیگری متوجه نیست
نمیتواند شد ومردان ورثه اولی اند از زنان و شوهر اولی است از دیگران واحوط آنست
که بحضرت در غسل نکنند وغسل ونماز وسایر احکام میت واجبست برای میت شیعهٔ
اثنی عشری ودر سنی وسایر فرق مخالفان خلافست وظاهر آن واجب نباشد مگر در

حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد و در معرکه مرده
باشد او را غسل نمی‌دهند و کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند و با جامه‌ها که پوشیده است
دفن میکنند و بعضی گفته‌اند که در هر جهاد حقی که کشته شود چنین است و قولی
از قوت نیست و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میت عضوی یافت شود که در آن استخوان
باشد بشویند و کفن میکنند و دفن میکنند و بعضی سه کفن را در اینجا واجب دانسته‌اند
و اگر نصفی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد و احوط آنست که اگر سینه را
تنها بیابند نماز خیر کنند و هم چنین اگر جمیع استخوانهای میت را بیابند و عضوی که در آن استخوان
باشد مشهور آنست که در لته‌ای بپیچند و دفن میکنند و بعضی لته پیچیدن را واجب ندانسته‌اند
و بچه که از شکم ساقط شود هرگاه که چهار ماه را نداشته باشد غسل میدهند و کفن
میکنند و دفن میکنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته‌اند به جامه کفن میکنند و حنوط
میکنند و هرگاه چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته می‌پیچند و دفن میکنند و در
روایتی در لته پیچیدن مذکور نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده‌اند
در غسل و کفن نه چهار ماه و این احوط است و اگر عضو استخوان‌داری از زنده بریده
باشد احوط آنست که غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه اظهر عدم وجوب است و اگر
طفلی در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون میاورند
والا پاره پاره میکنند و بیرون میاورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را
میشکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می‌آورند و بهتر آنست که شکم را بدوزند و واجب
است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر
و اقوی که هر یک یکدیگر را غسل میتوانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهند و نظر به عورت
نکنند و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصاً مرد زن را دوم جایز است که آقا کنیز
خود را غسل دهد هرگاه زن کسی یا در عده کسی نبوده باشد و در غسل کنیز آقا را اختلاف
است سیم جایز است که غسل دهد مرد اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه
پسر سه ساله را برهنه و بعضی دختر پنج ساله نیز تجویز کرده‌اند چهارم هرگاه مردی
فوت شود و مردی نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه
و هم چنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهراً در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل

میتوانند داد و اما احوط آنست که تا ممکن باشد زن را زن و مرد را مرد غسل دهد
و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کنند و اول حبره را و بعد از
آن سر تا سری و بعد از آن پیراهن را پهن کنند و نصف بالای پیراهن را بر گردانند و لنگ
را و بعد از آن ران پیچ را بجای خود پهن کنند پس متوجه غسل شوند و اگر میسر باشد
که میت را در وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است و مستحب است که در
وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته‌اند
و در سایر احوال باید چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید تختها پیش را به
کنند و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند و اگر خواهند لنگ ببندند و پیراهن را بکنند
و برهنه نهند بر او واجب است که در وقت غسل دادن عورت میت را بپوشانند و مشهور
آنست که واجب است که اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که برای حرمت
میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر تنگ باشد بدرند و ورثه تشکا فدو
سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهد که بر ابر آسمان نباشد و سنت است که
دو نفر باشند غسل دهنده یکی آب بریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحب است که انگشتان
میت را بمالد بعد از آن نرم کند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارد
و واجب است که میت را سه غسل بدهد اول باب سدر و بعد از آن باب کافور و بعد از
آن باب خالص و سنت است که اول دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشویند
بنا بر بعضی از روایات پس عورت میت را بشویند و احوط آنست که چون خواهد عورت
بشوید لته بر دست بپیچد که بعورت نرسد و اگر بدست خود بشوید بهتر است و سنت است
که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد
تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و هموار پایین کشد که اگر فضله
باشد بیرون آید و اگر چیزی بیرون آید مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف
افتادن فرزند باشد دست بر شکمش نکشد و علما گفته‌اند سنت است که سر و ریش را
پیش از غسل بکف سدر بشوید پس سنت است که دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که
دست میت میگذارد و پس وضو دهد میت را بر روش وضوی زندگان باب خالص و بعضی واجب
دانسته‌اند و نیت کند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس سر و دستها پیش را بشوید

و سر و تمام پیش را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط آنست که آب ریزنده و گرداننده
اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر سه غسل را در اول بکنند و از
برای غسل کافور و قراح نیز نیت کنند پس اول نیت کند که این میت را غسل میدهم
باب سدر و کافور و قراح از جهة آنکه واجبست برای رضای خدا قربة الی الله پس
سر میت را باب سدر بشوید و احوط آنست که اول بجانب راست سر آب بریزد و بعد از آن
بجانب چپ و سنتست که سر را و هر جانب را سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ
بخواباند و جانب راست را بشوید و سنتست که سه مرتبه بشوید و هر عضوی را که بشوید
قطع نکند تا بپا برساند و اگر میت را منکر باشد و هنگام آب ریختن دست پشت و شکم بمالد
بهموار که آب خوب برسد بهتر است و دست میت را از پهلو جدا کند تا آنکه آب بزیر آن برسد
و چنان کند که آب بزیر ناف و عورت و ران و سایر اعضا خوب برسد پس میت را بگرداند
و بر پهلوی راست بخواباند و پهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشوید
و در آب سدر مسمی کافیست و مشهور آنست که حدی ندارد و بعضی گفته اند که باید هفت
برگ سدر باشد و بعضی یک رطل و بعضی یک رطل و نیم گفته اند که نزدیک به بیست و پنج درم
و زیاده بوده باشد و گویا این زیادتیها برای شستن فرج و اعضا پیش از غسل بوده
باشد و احوط آنست که در آب غسل آنقدر داخل نکند که مضاف شود و آبش نگویند و
بعضی روایات در شستن هر دو جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است و شاید
بد نباشد اگر چه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت بخواباند و ظرفها را بشوید
که اثر سدر از آنها برطرف شود و اندک کافور را ریزه ریزه میکند و داخل آب میکند
و غسل دهنده دستهای خود را تا مرفق بشوید و بهتر آنست که دست میت را نیز تا
نصف ذراع سه مرتبه باب کافور بشوید و فرجش را سه مرتبه بشوید بهمان نحو که
لته یا دستمالی بر دست بپیچد و دست بر شکم میت بکشد بهموار و بهتر آنست که آنکه دست
بشکم میکشد سر میت را بلند کند که فضلات از آن طرف بیرون رود پس احتیاطا
آب ریزنده و گرداننده هر دو نیت کنند که این میت را غسل میدهیم باب کافور از برای آنکه
واجبست از برای رضای خدا پس سر را بشوید و سنتست که سه مرتبه بشوید و در هر
مرتبه ابتدا بجانب راست سر کند و گرداننده بهموار دستی تمام الدین جانب راست را سه مرتبه

و جانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید پس میت را بر پشت
بخواباند و باز دست خود را تا مرفقین بشوید و ظرفها را خوب بشوید که اثر سدر
و کافور در آنها نماند و اگر سبوی دیگر برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط آنست
که آب غسل قراح را از حوضی که آب سدر و کافور در آن ریخته شده است برندارد
و از آبی بردارد که اینها مطلقا در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف
ذراع سه مرتبه باب خالص بشویند استحبابا و فرج میت را نیز باب خالص سه مرتبه
بشویند و اگر در این وقت نیز باز دیگر میت را وضو دهند شاید بهتر باشد پس احتیاطا
نیت کند که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهة آنکه واجبست قربة الی الله پس سر
را سه مرتبه و جانب راست را سه مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشوید که یک مرتبه
واجبست و دو مرتبه سنت و بهتر آنست که گرداننده بمدار او در وقت آب ریختن دستی
بکشد بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت نکشند
و چون از این هر سه غسل فارغ شود اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری
پنبه در دبرش داخل کند و همچنین در دهان و بینی و قدری از پنبه داخل
کند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنتست که بدنش را
به جامه خشک کند و بعد از آن او را بر روی جامه های کفن بگذارد و سنتست که هر
مرتبه که میت را از جانبی اللهم ان هذا بدن عبدک المؤمن وقد اخرجت
خداوندا بدرستیکه این تن بنده تو و تحقیق که بیرون آورده
بجانبی گرداند [illegible]
روحه منه وفرقت بینهما فعفوک عفوک پس اگر زن اللهم ان هذا بدن امتک
جان او را از او و جدائی افکندی میان آنها پس در گذر در گذر اگر زن باشد بگوید خداوندا بدرستیکه این تن کنیز
المؤمنة و اگر رو وحها بگوید بهتر است و در رب عفوک عفوک تا آخر او
گرداننده تست در سایر احوال غسل مکرر بگوید پروردگارا عفو تو عفو تو بیامرزد
و سنتست که هر چه عیب میت را ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را
بیامرزد چنانچه از مادر متولد شده و مستحبست که غسل دهنده از جانب راست باشد
و گودالی در برابر قبله بکنند و تخت سرازیر باشد که آب غسل در آن گودال رود و
مکروهست که آب غسل را بچاله که در آن بول و غایط کنند بریزند و اگر چاله باشد که کافر

خانه در آن بریزند و فضولی ندارد و مکروه است میت را به آب گرم غسل دادن مگر به جهت ضرورت
و مکروه است که میت را در میان پاهای خود بگیرند و ایضا مکروه است که ناخن میت را یا موی او را
بگیرند یا شانه بکنند و اگر بگیرند ناخن و موی او را یا موئی در اثنای غسل جدا شود باید که در میان
کفن گذارند و با میت دفن کنند حتی منقول است که دندانی از حضرت امام باقر کنده شد و به حضرت
صادق داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و اگر سدر و کافور به هم نرسد یک مرتبه به آب قراح
غسل دهند و احوط آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر پیش از دفن به هم رسد احوط
آنست که دو مرتبه دیگر از سدر و کافور غسل دهند و اگر آب به هم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف
آن باشد که بدن میت از هم بپاشد تیمم بدهند و ظاهر آنست که یک تیمم کافیست و سه تیمم احوط
است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای
سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم
این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و همچنین قراح را و چون نیت کند
دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت بکشد و دیگر بر پشت دست راست میت بکشد و
بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر بدو ضرب تیمم دهند یکی برای رو و دیگر برای دستها خوب است
و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند فصل سیم در کفن کردن
میت است واجبست که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول لنگ است که از
ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند سنت است که سینه او را بپوشد و تا
پاها برسد دویم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علما گفته اند
که پیراهن قدری و سرتاسری و چادر است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری
بوده باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط آنست که با اینها لنگ را نیز
بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافیست و باید که کفن حریر محض نباشد و احوط آنست که کفن
زنان نیز حریر محض نباشد و احوط آنست که کفن از پوست نبوده باشد و بهتر آنست که
از پشم و مو نیز نبوده باشد و مستحبست که از پنبه سفید بوده باشد و سنت است که
سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بود که از یمن می آورده اند
و الحال معلوم نیست و دور نیست که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و
علما گفته اند سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند و بعد از آن

جانب راست لفافه را از جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کند اگرچه مستندش بنظر نرسیده
و سنت است که خرقه طولانی که عرضش یک شبر و نیم و طولش اقلا سه ذرع و نیم باشد
بذراع دست زیاده کنند برای ران پیچ با آنکه سر آن را بشکافند و بر کمر میت ببندند و
پنبه بسیار بر دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه
قدری کافور بپاشند شاید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از
زیر آنچه بر کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم بکشند که فرج او و پنبه که گذاشته اند
بگیرد و پاها را به هم آورند و رانها را به یکدیگر با خرقه سخت ببندند و بپیچند تا زانوها
هر جا که منتهی شود سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد
زیاد کنند که بر دور سرش بگردانند و موافق مشهور بر زیر حنک بگردانند و سرهای عمامه
از هر طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند چپ را بجانب راست و راست را بر
جانب چپ و بدل عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه بر سینه زن به
بندند که پستانهای او را بگیرد و بر پشتش گره زنند و مکروه است که کفن از کتان باشد
یا پیراهن تازه کنند که آستین داشته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در
کار نیست بریدن آستین و با آستین باکی نیست اما تکمه ها و بندهایش را ببرند و سنت
است که میت را اگر کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز میکرده است و اگر در پیراهن بعضی
از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بد نباشد و مستحبست در جامه که در آن احرام
بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحبست که کفن خوش قماش و صاحب قیمت
باشد چنانچه در حدیث وارد شده که نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که زینت ایشانست
و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنت است که در قیمت کفن مضایقه و
مبصری نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و سنت است موافق مشهور که بر
کفن اقرار بر شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام بنویسند و دعای جوشن و غیر آن در بعضی
روایات وارد شده است و سنت است که به تربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما
گفته اند سنت است که کفن را بریسمانی که از آن بیرون و غیره بدوزند و مکروه است
که با دهن تر کنند و سنت است در وقتی که غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند
دستهایش را تا دوش یا تا مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و

واجبست حنوط کردن میت را و واجبست بانکه بر هفت موضع سجده یعنی پیشانی
وکف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها را کافور بمالند اگر چه اندک باشد و
احوط آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر کو بمال پایین کردن و بندگاهها
پا و بندگاههای دست و مرفقها و زیر بغلها و بیخ ران و بند انگشتان و سایر بندها
بمالند احوطست و بهتر آنست که کافور حنوط کافور خام جودانه باشد و مقدار آن
بقدر یک مثقال شرعی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر از این آنست که سه مثقال بوده
باشد و بهتر از این آنست که سیزده درهم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول
که قریب به هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور غسل از این مقدارها
نباشد و سنت مؤکد است که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است
که تا این چوبها تر است میت را عذاب نکنند و بهتر آنست که از چوب درخت خرما باشد و اگر یافت
نشود چوب سدر کنند و اگر یافت نشود چوب بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر بهم نرسد
هر چوب تری خوبست و باید تر باشد و تازه از درخت بریده باشد و چوب خشک هر چند
از درخت خرمای اماکن مشرفه بریده باشد فایده نمیکند و باید هر یک بقدر شبر بوده
باشد یا یک ذراع دست و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از مکشبر
بیشتر است و ظاهر آنست همه خوبست و بعضی گفته اند که پنبه بر آنها بپیچید تا رطوبتشان بیشتر
بماند و یکی را از جانب راست گذارند و سر شرا بچنبر گردن گذارند و ملصق ببدن سازند
و دیگری را از جانب چپ میان پیراهن و کفن تا سر گذارند و بعضی گفته اند که سنتست بر
جریدتین شهادتین بنویسند بتربت شریف و اگر تقیه باشد و جریده نتوان در کفن
گذاشت در میان قبر بگذارند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان آید در میان قبر فرو برند
و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی
نداشته باشد بخانهای او را تطهیر کنند و بانها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن
کنند و بعضی گفته اند از زکوة واجب کفن میت را میتوان کرد و لحاف از قربت مندوبست و سنت
مؤکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر منقولست
که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت و هر
که بکند از برای مؤمنی قبری چنانست که او را در خانه موافق نیکو جا داده باشد تا روز قیامت

وکفن زن بر شوهر واجبست هر چند زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش
واجبست و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده
باشد تا در قبر نگذاشته اند آنرا میشویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن
موضع را مقراض میکنند و کفن را از یکدیگر میکنند تا بدن میت پوشیده شود و
بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر با آنکه طشت و آفتابه
ببرند و بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد و تطهیر آن لازم باشد
وکفن را نیز باین عنوان بشویند و این احوطست و جمعی گفته اند مکروهست کفن را با آهن ببرند
و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنتست که پاهایش بجانب
قبله باشد و کسیکه در غیر جهاد یا با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله میکنند
و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اول سر را میشویند و آخر بدن را و بعضی
گفته اند که اگر خون بند نشود گل ارمنی بر آن بریزند تا بند شود و از حضرت صادق منقولست
که در حکم چنین کسی اول خون را میشویند و آب بر او میریزند در غسل و دست بر بدنش
نمیمالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم میبندند و همچنین اگر گردنش
بریده باشد و جدا نشده باشد کافور میپاشند بر موضع جراحت و پنبه را بر آن می
گذارند و بخرقه میبندند که خون بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در
غسل اول سر را میشویند و بعد از آن بدن را و پنبه بر بالای گردن میگذارند و
میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و
رویش را بجانب قبله میگردانند فصل چهارم در نماز میتست و این نماز واجبست بر همه
مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط
میشود و واجبست نماز بر هر شیعه اثنی عشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست
که بر طفلی که شش سالش تمام شده باشد نماز واجبست و ظاهرا بقصد قربت اکتفا میتوان
کرد و کمتر از شش ساله را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی
بدعت و احوط نماز نکردنست و جایز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و نواصب که عداوت
اهل بیت داشته باشند و غالیان که ائمه را خدا میدانند یا گویند خدا در ایشان حلول کرده
است و بر مرتد و آنها که خدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست

وظاهر مخیر باشد میان آنکه نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و بعد از تکبیر چهارم
نفرین و لعنت کند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم به نماز میت
وارث او است بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت نمی توان کرد
و بانفراد می توان کرد و احوط آنست که تا توان از ایشان رخصت گرفتن بی رخصت نکند
و شوهر اولی از همه خویشان و اولیاست نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر
خود قابلیت پیش نماز نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد
و جایز است که زن پیش نماز زنان بکند و با مأمومان در یک صف بایستد و مرد باید که پیش
بایستد اگرچه مأموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان
بایستند و اگر حایض باشد سنت است که در صف جدائی بایستد و واجب است که نماز گذارنده
رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در مأموم در کار
نیست و احوط در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت را برپشت
بخوابانند و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حایض و بی وضو این نماز را
می توانند کرد و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را در این نماز رعایت کنند از
پوشانیدن عورت و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگرچه اظهر اینست
که هیچیک در کار نیست مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله اینها منافی نماز باشد مانند طلا
و حریر برای مردان و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی داشته
باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی آنست که بدون عذر نیز تیمم
مستحب است و میت باید که از جنازه بیشتر دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در
میان باشد و نماز بر میت نمی توان کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن
نداشته باشد او را بقبر گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیش نماز
برابر میان مرد بایستد و سینه زن بنابر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و اگر موزه در پا
داشته باشد در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجب است که نیت کند
بهتر آنست که چنین نیت کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از برای آنکه واجب است قربة الی الله
و پنج تکبیر بگوید و سنت است که در هر تکبیر دستها را بر دارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر
تکبیر اول سنت نمی دانند دست برداشتن را و اول اقوی است و در وجوب عادت میان تکبیرها

خلافست و احوط وجوبست و ظاهراً هر دعائی اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید گواهی میدهم بدرستیکه نیست خدائی مگر خدا و گواهی میدهم
محمداً رسول الله و بعد از تکبیر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بعد از تکبیر اللهم
محمد فرستادهٔ خداست دویم بگوید خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد سیم بگوید خداوندا
اغفر للمؤمنین والمؤمنات و بعد از تکبیر اللهم اغفر لهذا المیت و تکبیر پنجم
بیامرز مر مردان گرونده و مر زنان گرونده چهارم بگوید خداوندا بیامرز مر این مرده را و بگوید
و فارغ شود مجزیست و موافق مشهور بهتر الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده
آنست که چنین کند بعد از نیت بگوید خداوند بزرگ گواهی میدهم بدرستیکه نیست معبودی مگر خدای یگانه
لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله ارسله بالحق بشیراً و نذیراً
نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بندهٔ او و فرستادهٔ او است فرستاده او را براستی مژده دهنده و بیم کننده
بین یدی الساعة پس بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد
در پیش روی قیامت الله اکبر خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد
وارحم محمداً و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل
و رحم کن محمد و آل محمد را افزون از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم و آل
ابراهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین پس بگوید اللهم اغفر
ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری و رحمت بر همه پیغمبران و فرستادگان الله اکبر خداوندا بیامرز
للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء منهم والاموات
مر مردان گرونده و زنان گرونده را بیامرز و مردان مسلم و زنان مسلمه زندگان از ایشان و مردگان
تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر پس
و از پی در آور میان ما و میان ایشان بخوبیها بدرستیکه اجابت کننده دعائی بدرستیکه بر هر چیزی توانائی بگوید
الله اکبر اللهم ان هذا عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک و انت خیر منزول
خداوندا بدرستیکه این بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تست فرود آمده بتو و توئی بهترین فرود آمده شده
به اللهم انا لا نعلم منه الا خیراً و انت اعلم به منا اللهم ان کان محسناً
باو خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر خیر و توئی داناتر باو از ما خداوندا بدرستیکه باشد نیکوکار
فزد فی احسانه و ان کان مسیئاً فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله
پس بیفزا در نیکوئی او و بدرستیکه باشد گناهکار پس در گذر از او و بیامرز مر او را خداوندا بگردان او را
عندک فی اعلی علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک
در نزد خود در اعلی علیین و ... بر کسان او در بازماندگان و رحم کن او را برحمت تو

يا ارحم الراحمين پس بگويد الله اكبر و فارغ اللهم ان هذه امتك وابنة
ميشود و اگر زن باشد ميگويد
عبدك وابنة امتك نزلت بك وانت خير منزول به اللهم انا لا نعلم
منها الا خيرا وانت اعلم بها منا اللهم ان كانت محسنة فزد في احسانها
وان كانت مسيئة فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندك في اعلا
عليين واخلف على اهلها في الغابرين وارحمها برحمتك يا ارحم الراحمين
واگر بعد از هر چهار تكبير اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان
اين دعا بخواند خوبست
محمدا عبده ورسوله اللهم صل على محمد وال محمد واغفر للمؤمنين والمؤمنات
اللهم ان هذا المسجى قدامنا عبدك وابن عبدك وقد قبضت روحه اليك
وقد احتاج الى رحمتك وانت غني عن عذابه اللهم انا لا نعلم من ظاهره الا
خيرا وانت اعلم بسريرته اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا
فتجاوز عن سيئاته و اگر زن باشد بگويد اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتك وابنة
عبدك وقد قبضت روحها اليك وقد احتاجت الى رحمتك وانت غنية عن
عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خيرا وانت اعلم بسريرتها اللهم ان
كانت محسنة فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عن سيئاتها بلكه مؤمن
جمع بين

الاحاديث بهتر است و اگر بعد از هر تكبير اين دعا را بخواند خوبست اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له
واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل على محمد وال محمد وعلى الائمة
الهداة واغفر لنا ولاخواننا الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا
غلا للذين امنوا ربنا انك رؤف رحيم اللهم اغفر لاحيائنا واموتنا من المؤمنين
والمؤمنات والف قلوبنا على قلوب اخيارنا واهدنا لما اختلف فيه من الحق
باذنك انك تهدي من تشاء الى صراط مستقيم اللهم عبدك ابن عبدك ابن امتك
انت اعلم به افتقر الى رحمتك واستغنيت عنه اللهم فتجاوز عن سيئاته وزد
في حسناته واغفر له وارحمه ونور له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه صلى
الله عليه وآله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده و اگر زن باشد از اول دعا ميخواند
تا اينجا كه الى صراط مستقيم است
پس اللهم امتك ابنة عبدك ابنة امتك انت اعلم بها افتقرت الى رحمتك
ميگويد
واستغنيت عنها اللهم فتجاوز عن سيئاتها وزد في حسناتها واغفر لها وارحمها
ونور لها في قبرها ولقنها حجتها والحقها بنبيها صلى الله عليه وآله ولا تحرمنا
اجرها ولا تفتنا بعدها و در دعاى وارد شده است ربنا اتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
كه بعد از فارغ شدن از نماز بگويد
حسنة وقنا عذاب النار و اگر بر خلاف مذهب نماز كند بضرورت بعد از تكبير چهارم
بلكه بعد از هر تكبير بر او نفرين و لعنت كند و بهتر اينست

که چنین اللّهمّ اخز عبدک فی عبادک و بلادک اللّهمّ اصله حرّ نارک
بگوید خداوندا رسوا کن بنده ترا در بندگانت و شهرهایت خداوندا بچشان گرمی آتشت
اللّهمّ اذقه اشدّ عذابک فانّه کان یوالی اعداءک و یعادی اولیاءک و
خداوندا بچشان او را سختی عذاب تو پس بدرستیکه او بود که دوست میداشت دشمنان ترا و دشمن داشت دوستان ترا و
یبغض اهل بیت نبیّک صلّی الله علیه و آله و اگر میت مستضعف باشد
که ضعیف العقل باشد و
تمیز میان مذاهب نکند و یا بسبب سنّی مخالف حق باشد و عناد با شیعیان نداشته باشد
یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلام داشته باشد و با دشمنان ایشان بد نباشد در نماز
برا و اللّهمّ اغفر للّذین تابوا و اتّبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم و اگر مذهب میت
بگوید خداوندا بیامرز مرآنان را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا و نگاه دار ایشان را از عذاب دوزخ
معلوم نباشد بگوید اللّهمّ انّ هذه النّفس انت احییتها و انت امتّها اللّهمّ ولّها ما تولّت
و احشرها مع من احبّت و اگر میت طفل نابالغ باشد بگوید اللّهمّ اجعله لابویه و لنا سلفا و
فرطا و اجرا و مشهور و رسم است که دعاها سه تکبیر اول را بخوانند بنحوی که گذشت
و این دعا را بعد از تکبیر چهارم میخوانند و بر سنّی اگر نماز کنند تکبیر پنجم را
نمیگویند و سنّتست که بر جای خود بایستد تا جنازه را بردارند خصوصا پیشنماز و نماز جنازه
را در مسجد بجا نیاورند و مشهور آنست که اگر در مسجد نکنند بهتر است و بر یک جنازه دو مرتبه
نماز کردن خلافست و جواز آن دور نیست که کسیکه نماز نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در
اثنای نماز برسد بقصد جماعت ملحق میشود و دعاها که خودش را باید خواند میخواند و چون پیشنماز
فارغ شود بقیه را با دعاها مختصر بخواند اگرچه جنازه را بردارند و اگر دور شود یا بکرده دیگر ها
را ببند تا با تکبیرات را بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز
کنند هرچند مدتی گذشته باشد و همه وقت نماز جنازه میتوان کرد مگر آنکه وقت حاضره
تنگ شود که حاضره را مقدم میدارد و بهتر اینست که با وسعت وقت نیز اول حاضره را
مقدم دارند مگر آنکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت فصل پنجم
در آداب دفن میت است و آداب بعد از آن سنّتست که تا میت را در قبر نگذارند ننشینند

و واجبست کفایة دفن کردن میت و قدر واجب آنست که میت را در گودی پنهان
کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور گردد و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن
او بر جانب راست رو بقبله واجبست بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته اند و مستحبست
کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنّتست کندن لحد از طرف قبله و مستحبست
که لحد بقدری فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر زمین سست باشد و لحد
نتوان کندن بعضی گفته اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند یا
آنکه از میان قبر بقدر جسد میت قعر ببرند بقدری که توان نشست و دو طرف داشته باشد که
خشت بر دو کنار آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست که در مانند سنگ
دابه و تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند
و الا در میان خم گذارند و سر آنرا ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن شود و الا او
را سنگین کنند و رو بقبله بآب اندازند و چون جنازه نزدیک قبر رسد سنّتست که او را
نزدیک پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله قبر بگذارند و مشهور آنست که
که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند و مرتبه چهارم بقبر میگذارند و
در روایات معتبره وارد شده است آنستکه چون میت را نزدیک قبر رسانی او را
بقبر مبر و کار را آسان کن و سنگین مکن و پایین تر از قبر بقدر ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی
صبر کن تا میت تهیه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم است و
دعا کن که خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنّتست که سر میت را پیش کنند و از زیر
پای قبر سرازیر ببرند و جمعی از علما گفته اند که زن را از پیش قبله میگیرند و بعرض
قبر میبرند و سرازیر کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است و سنّتست که شخصی
که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد و بندهای کفن را بگشاید و بالاپوش و ردا را بیندازد
و سر و پایش برهنه باشد و جایز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق باشد و خواه جفت و
علما گفته اند که مکروهست که اگر میت مرد باشد خویش او را بقبر برد و آنچه از احادیث
ظاهر میشود آنست که پدر را مکروهست که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب
باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او را بقبر برد و اگر محرم
نبوده باشد زن صالحه و اگر زن نبوده باشد مرد صالح پیر و در دفن و بیرون

امدن سنتست که از پیش پای قبر باشد و سنتست که چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید
اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ و چون
بر دارد که بقبر برد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
اَللّٰهُمَّ اِلٰى رَحْمَتِكَ لَا اِلٰى عَذَابِكَ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَ
ثَبِّتْهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِينَا وَاِيَّاهُ عَذَابَ الْقَبْرِ و چون میت را در قبر بگذارد سنت
که بندها کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف راست روی او را بر زمین بر نهاد و اگر زمین سر را از خاک بلند تر کنند
بنیست و خشتی بر پشتش بگذارد که بر پشت نیفتد و سنتست که مهری از تربت امام حسین ع در برابر روی
او بگذارد و اگر تربت نخست را در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید اعوذ بالله من
الشیطان الرجیم پس سورهٔ فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل
هو الله احد و آیة الکرسی بخواند و اگر بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ
حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید
اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ
وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ
وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجَاوَزْ عَنْهُ پس بگو اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ
جَنْبَيْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا پس بگو اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ
عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَلَقِّنْهُ
حُجَّتَهُ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ وَقِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ و ایضا بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ
بگوید

وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ
بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا
نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ و بروایت معتبر اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ عَبْدُكَ ابْنُ
دیگر بگوید
عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي اِحْسَانِهِ
وَاِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
وَصَالِحِ شِيعَتِهِ وَاهْدِنَا وَاِيَّاهُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ
و بروایت معتبر اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا عَبْدُكَ فُلَانٌ و بجای فلان و ابن عبدك قد
دیگر اینجا بخوانند نام او را بگوید
نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ قَدِ احْتَاجَ اِلٰى رَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَلَا نَعْلَمُ مِنْهُ
اِلَّا خَيْرًا وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهِ وَنَحْنُ الشُّهَدَاءُ بِعَلَانِيَتِهِ اَللّٰهُمَّ فَجَافِ الْاَرْضَ
عَنْ جَنْبَيْهِ وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَاجْعَلْ هٰذَا الْيَوْمَ خَيْرَ يَوْمٍ اَتٰى عَلَيْهِ وَاجْعَلْ
هٰذَا الْقَبْرَ خَيْرَ بَيْتٍ نَزَلَ فِيهِ وَصَيِّرْهُ اِلٰى خَيْرٍ مِمَّا كَانَ فِيهِ وَوَسِّعْ لَهُ
فِي مَدْخَلِهِ وَاٰنِسْ وَحْشَتَهُ وَاغْفِرْ ذَنْبَهُ وَلَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهُ وَلَا تُضِلَّنَا
بَعْدَهُ و سنتست که دو اینجا العقاید حق را تلقین او کنند خصوصا و لایت ائمهٔ
معصومین و بهتر آنست که بدست راست دوش راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش
چپ او را و او را حرکت دهند و تلقین اِسْمَعْ اِفْهَمْ اِسْمَعْ اِفْهَمْ اِسْمَعْ اِفْهَمْ يَا فُلَانَ ابْنَ
کنند و اگر با این نحو بگوید جامع تر است

فلان نام او و هل أنت على العهد الذي فارقتنا عليه من شهادة أن لا إله
پدرش را بگوید
إلا الله وحده لا شريك له وأن محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله
وسيد النبيين وخاتم المرسلين وأن عليا أمير المؤمنين وسيد الوصيين
وإمام افترض الله طاعته على العالمين وأن الحسن والحسين وعلي بن
الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى و
محمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والقائم الحجة المهدي صلوات
الله عليهم أئمة المؤمنين وحجج الله على الخلق أجمعين وأئمتك أئمة هدى
أبرار يا فلان بن فلان إذا أتاك الملكان المقربان رسولين من عند الله
تبارك وتعالى وسئلاك عن ربك وعن نبيك وعن دينك وعن
كتابك وعن قبلتك وعن أئمتك فلا تخف وقل في جوابهما الله جل جلاله
ربي ومحمد صلى الله عليه وآله نبيي والإسلام ديني والقرآن كتابي والكعبة
قبلتي وأمير المؤمنين علي بن أبي طالب إمامي والحسن بن علي المجتبى إمامي
والحسين بن علي الشهيد بكربلا إمامي وعلي زين العابدين إمامي ومحمد
باقر علم النبيين إمامي وجعفر الصادق إمامي وموسى الكاظم إمامي و

علي الرضا إمامي ومحمد الجواد إمامي وعلي الهادي إمامي والحسن العسكري
إمامي والحجة المنتظر إمامي هؤلاء صلوات الله عليهم أجمعين أئمتي وسادتي
وقادتي وشفعائي بهم أتولى ومن أعدائهم أتبرء في الدنيا والآخرة ثم اعلم
يا فلان بن فلان أن الله تبارك وتعالى نعم الرب وأن محمدا صلى الله عليه
وآله نعم الرسول وأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وأولاده الأئمة
الأحد عشر نعم الأئمة وأن ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق و
أن الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والنشور حق
والصراط حق والميزان حق وتطاير الكتب حق والجنة حق والنار حق
وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور پس بگوید أفهمت يا فلان
در محل نیاست که میت در جواب ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله
میگوید بلی فهمیدم پس بگوید
إلى صراط مستقيم عرف الله بينك وبين أوليائك في مستقر من رحمته
پس بگوید اللهم جاف الأرض عن جنبيه واصعد بروحه إليك ولقه منك
برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت بر لحد بگذارد و اجر پخته نیز خوب است
وخشت خام بهتر است اگر خشت بزرگ باشد و است
بگذارد و بر رخنه خشتها خشت دیگر بگذارد یا بگل رخنه را بگیرد و اگر خشتهای
کوچک باشد همه کند و بر هر تهدید بر رخنها را محکم کند که خاک بر میت نریزد و در وقت

چیدن خشت اللهم صل وحدته وانس وحشته وآمن روعته واسکن الیه
آیند غا بخوانند
من رحمتک رحمة تغنیه بها عن رحمة من سواک فانما رحمتک للظالمین
و بروایت رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک واحشره مع من کان یتولاه
دیگر
و مکروهست فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را با تابوت کذاشتن مگر آنکه
زمین آب برداردیا نم بسیار داشته باشد و چون از پیش پای قبر بیرون آید بگوید
وانا الیه راجعون والحمد لله رب العالمین اللهم ارفع درجته فی اعلا
علیین واخلف علی عقبه فی الغابرین وعندک نحتسبه یا رب العالمین
پس سنتست که حاضران بپشت کف دست خاک در قبر بریزند و اگر بو بشکم دست کف ما
را پر کنند و بریزند نیز خوبست و سنتست که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن
بگو اللهم ایمانا بک وتصدیقا بکتابک هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق
الله ورسوله اللهم زدنا ایمانا وتسلیما و در حدیثست که هر که چنین کند
از خاک حسنه برای او بنویسد و مکروهست که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب
قساوت قلب و دوری از رحمت الهی است و سنتست که از غیر خاک قبر بر میت نریزند که
بار است بر میت و سنتست که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند بعضی چهار انگشت کشاده
و بعضی بهم آورده گفته اند و ظاهر هر دو خوب باشد و در بعضی که یکشبر نیز مجوز باشد
و مستحبست که قبر را گوشه کنند و در ویش را پهن کنند و خرپشته نکنند بنحویکه
سنیان میکنند و بعد از ان آب بر قبر بریزند و در خبر است که تا تری در قبر هست
میت را عذاب نمی کنند و سنتست که آب ریزنده رو بقبله باشد و ابتدا
از پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا پیش پا و بگرداند بجانب دیگر و بریزد
تا پیش سر و بعد از ان بمیان قبر بریزد و سنتست که آب را قطع نکند و متصل بریزد

تا تمام شود و مستحبست که بعد از ریختن دست بر قبر گذارند در حالتیکه انگشتان
ایشان کشاده باشد و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان بر گل بماند و رو بقبله
باشند و از بعضی روایات مفهوم میشود که نزد سر او بنشینند و لیند غا
بخوان اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد الیک روحه ولقه منک
رضوانا واسکن قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و
هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که
گذشت ضمیر مونث بیاورد و سنتست که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد
از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند و بآواز بلند تلقین که گذشت یا دیگر
بخواند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین
را بکند منکر و نکیر میگویند بیا برویم تلقین حجتش کرده اند احتیاج بپرسیدن نیست پس
برمیگردند و سوال نمیکنند و مکروهست عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر بنا ماندن
و گچ مالیدن بر قبور مگر قبور انبیا و ائمه صلوات الله علیهم و بعضی گفته اند که قبور
علما و صلحا نیز این حکم دارد و مکروهست تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و
در خبر است که حضرت امیر را در دو مرتبه دیدم که دلهای شکسته و قبرها مندرس شده را و مکروه
است در حال اختیار دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است
بشهرهای دیگر بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه و بعضی استثنا کرده اند نقل بقبور
علما و صلحا و شهدا را نیز و مکروهست بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه
زیارت قبور که ضرور شود و مشهور آنست که جایز نیست شکافتن قبر مگر در چند صورت
یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند
یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند
و از هم پاشیده باشد و مشهور آنست که جایز نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی
استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه مخصوص ائمه را و مشهور آنست که جایز نیست گریبان
چاک کردن و جامه دریدن برای غیر پدر و برادر و بر ایشان جایز است بلکه بعضی از

اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصاً بر پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا
واحوط ترک است و جایز نیست خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه
بر رو و زانو و غیر آن نزنند و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند زنیکه موی سر خود
را در مصیبتی ببرد واجب است کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد ان شاء
الله تعالی و بعضی گفته اند گناه ندارد و کفاره بر او نیست و دور نیست که سنت باشد
احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب
کفاره و همچنین اکثر علما قایل شده اند که واجب است کفاره قسم بر زنیکه موی سر را بکند در مصیبت
یا روی خود را بخراشد که خون برآید و بر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک
کند و کفاره معین ان شاء الله مذکور خواهد شد و بعضی واجب ندانسته اند و احوط عمل بمشهور
است و لازم است صاحب مصیبت را که صبر کند بقضای الهی و راضی باشد و بداند که حق تعالی
صابران را اجر بی حساب کرامت می فرماید و باید که صاحب مصیبت بسیار بگوید انا لله و انا الیه
راجعون تا گناهان گذشته او آمرزیده شود و هر گاه آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را
بگوید تا گناهان ما بین این دو کلمه آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبت
را بخاطر بیاورد اگر چه بعد از مدتی باشد و بگوید انا لله و انا الیه راجعون و الحمد لله
رب العالمین اللهم اجرنی علی مصیبتی و اخلف علی افضل منها ثواب همان مصیبت باو
دیگر باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیه ایشان بکنند و ایشان را بصبر و شکیبائی
امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیه
آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول که هر که صبر فرماید
اندوهناکی را در صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را حله از حلهای بهشت بپوشاند
که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده صبر فرماید حق تعالی او را ثواب صاحب مصیبت
کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود فرمود که ثواب تعزیه و صبر فرمودن بهشت است
و مستحب است که صاحب مصیبت تغییر وضع خود کنند تا او را بشناسند و جایز است که بهر کو
ندبه کردن که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جایز است که دروغ نگویند و
چیزهای بد از برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه گر بیاورند و مستحب است که تا سه
روز دیگران خصوصاً همسایگان برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند و زیاده از

سه روز ماتم نگیرند مگر زن که چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم میگیرد بآنکه جامهای
رنگین نپوشد و زینت نمیکند و سنت مؤکد است زیارت قبر مؤمنان خصوصاً خویشان
و چون داخل قبرستان شود بگوید السَّلامُ عَلیٰ اَهلِ الدِّیارِ مِنَ المُؤمِنینَ وَ المُسلِمینَ اَنتُم لَنا
فَرَطٌ وَ نَحنُ اِن شاءَ اللهُ بِکُم لاحِقُونَ و بروایت السَّلامُ عَلیٰ اَهلِ الدِّیارِ مِنَ
دیگر
المُسلِمینَ وَ المُؤمِنینَ رَحِمَ اللهُ المُستَقدِمینَ مِنّا وَ المُستَأخِرینَ وَ اِنّا اِن شاءَ
اللهُ بِکُم لاحِقُونَ و بروایت السَّلامُ عَلَیکُم اَهلَ الدِّیارِ مِن قَومٍ مُؤمِنینَ
دیگر
وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ اَنتُم لَنا سَلَفٌ وَ نَحنُ لَکُم تَبَعٌ رَحِمَ اللهُ المُستَقدِمینَ
مِنکُم وَ المُستَأخِرینَ وَ اِنّا لِلّهِ وَ اِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ و در احادیث بسیار وارد
شده است که هر که نزد قبر برادر
مؤمن خود هفت مرتبه انا انزلناه بخواند از ترس بزرگ روز قیامت ایمن گردد و بروایت
دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت خواندن دست بر قبر
گذارد و رو بقبله اَللّٰهُمَّ جافِ الاَرضَ عَن جُنُوبِهِم وَ صاعِد اِلَیکَ اَرواحَهُم
باشد که این دعا بخواند
وَ لَقِّهِم مِنکَ رِضواناً وَ اَسکِن اِلَیهِم مِن رَحمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحدَتَهُم
وَ تُونِسُ بِهِ وَحشَتَهُم اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ و بروایت معتبر اَللّٰهُمَّ ارحَم غُربَتَهُ
دیگر این دعا بخواند
وَ صِل وَحدَتَهُ وَ آنِس وَحشَتَهُ وَ آمِن رَوعَتَهُ وَ اَسکِن اِلَیهِ مِن رَحمَتِکَ ما
یَستَغنی بِها عَن رَحمَةِ مَن سِواکَ وَ اَلحِقهُ بِمَن کانَ یَتَوَلّاهُ و بروایت دیگر

سوره وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله احد و آیة الکرسی
هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول منقولست که هر که
در قبرستان مؤمنان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را
بمردگان آن قبرستان ببخشد بعدد مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی
بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حقتعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح گویند
برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحب است و در احادیث
معتبره وارد شده است که هر که را مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسالت را بیاد آورد که صعب
ترین مصیبتها است و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند
ثوابش حبط میشود و نباید شیون و فریاد کند و واویلاه و وامصیبتاه و واثکلاه بگوید
و در حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از او برود و صبر کند بهتر است از برای او از آنکه
هفتاد فرزند از برای او بماند که همه سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقولست که هر که واحد
دوست دارد بمیرانیدن فرزندان او را میگیرد و منقولست که ثواب مؤمن از مردن فرزندش بهشتست خواه
صبر بکند و خواه نکند و بسند معتبر منقولست که حضرت صادق در وقت مصیبتها این دعا میخواندند
الحمد لله الذی لم یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء جعل مصیبتی
اعظم مما کانت والحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان و باید که مردگان را فراموش
نکنند برای که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و از جانب فرزندان و خویشان و
برادران مؤمن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براهند خصوصا دعا کردن در نماز شب
و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه پدر و مادر را زیاده از دیگران دعا باید
کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد و در خبر است که بسا فرزند یکه در حال حیات
پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نکوکار گردد بسبب اعمال خیر یکه
از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزند یکه در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد
و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر یکه از برای ایشان باید بعمل آورد
کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان آنست که قرض ایشان را

اداکند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر عبادات که از ایشان فوت شده
باشد سعی کند با استیجار یا بتبرع بجا آورد و در حدیث صحیح منقولست که حضرت صادق
در هر شب از برای فرزند خود و هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند
و در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دویم انا اعطیناک میخواندند و بسند صحیح از حضرت
صادق منقولست که بسا باشد که میت در تنگی و شدت بوده باشد و حق تعالی با او وسعت
دهد و تنگی را از او بردارد پس با او گویند که این فرج که ترا روی داد بسبب نماز یست
که فلان برادر مؤمن برای تو کرد راوی پرسید و میت را داخل دو رکعت نماز شریک
میتواند کرد فرمود بلی فرمود که میت شاد میشود و فرج میابد بدعا و استغفاری
که برای او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت
داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و سایر عملهای خیر و دعا و ثواب آن
اعمال برای کسیکه کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود و در حدیث دیگر فرمود که هر که از
مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف میگرداند و میت بآن عمل متنعم
میگردد و در روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی بنیت میتی تصدقی بکند حق تعالی جبرئیل
را امر مینماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند و هر یکی طبقی در دست دارند از
نعمتهای الهی و هر یک با او میگویند السلام علیک ای دوست خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو
پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حور
باو تزویج میفرماید و هزار حله باو میپوشانند و هزار حاجت او را روا میکنند و در حدیث
معتبر منقولست که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات او فرزندیکه از جهة او استغفار
کند دویم مصحفی یا کتابی از کتاب علمی که از او بماند و مردم بعد از او بخوانند سیم درختی
که بکارد و مردم از آن نفع یابند چهارم آبی که جاری سازد پنجم چاهیکه حفر نماید که خلق
خدا منتفع گردند ششم سنتی که مردم بآن عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف
کتاب و مانند آن

باب چهاردهم در مجملی از احکام زکوة و خمس و اعتکاف و قدری

از سنه فضلت

فصل اول

در زکوة است آیات و احادیث بر وجوب آن و عقاب
ترک کننده آن بسیار است و از آنجمله حق تعالی میفرماید که والذین یکنزون الذهب
والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم یوم یحمی علیها فی نار جهنم

فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم لانفسکم فذوقوا ما کنتم تکنزون
یعنی آنکسانیکه جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را نمیدهند در راه خدا صرف
نمینمایند پس بشارت ده ایشانرا بعذاب دردناک در آنروز یکه سرخ کنند طلا و نقره را
در آتش جهنم و داغ کنند بآن پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و با ایشان گویند
اینست مالهائی که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و از حضرت
صادق منقولست که هر که نمیدهد قیراطی از زکوة که بیست و یک دینار است نه مؤمن
است و نه مسلمان در وقت مردن استغاثه میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را
بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی
اعمل صالحا فیما ترکت یعنی تا وقتی که بیاید احدی از ایشانرا مرگ گوید پروردگارا بر
گردانید مرا بدنیا شاید عمل شایسته بکنم در آن مالی که بعد از خود گذاشته ام و از
حضرت سید المرسلین و ائمه طاهرین بطریق صحیح منقولست که کسی طلا و نقره داشته باشد
و زکوة آنرا ندهد حق تعالی او را در روز قیامت حشر خواهد نمود در زمین لغزنده که پا
بند نشود بر آن و مسلط سازد بر او مار پینه را که در هر شش از مارهای دیگر عظیم تر است
و در عقب و دود او از وی که بگریزد تا چون باو رسد [illegible] که از او خلاصی ندارد دست
خود را بدهان او دهد پس بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که بر بچه دندان فرو
برد پس طوق کرده در گردن او و اینست معنی قول حق تعالی سیطوقون ما بخلوا به یوم القیمة
یعنی بزودی طوق کنند در گردن ایشان آنچیز را که بخل ورزیدند در دنیا بآن و در راه
خدا ندادند در روز قیامت و هر کس شتر یا گاو یا گوسفند داشته باشد و زکوة آنرا ندهد
حق تعالی او را در صحرای لغزنده پامال کند او را هر حیوان شکافنده سمی بسم خود و
گزند او را بدندان و نیش هر صاحب نیشی بنیش خود و هر که زراعت داشته باشد یا نخل
خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را نداده باشد انقطعها زمین را تا طبقه هفتم
طوق کرده در گردن او اندازند و آن همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر هر
که زکوة مال شترانرا ندهد حق تعالی آنمال را اژدها گرداند در گردن او که دماغش را بخورد و
گوشش را بدندان بکند تا از حساب خلائق فارغ شود و در حدیث دیگر حضرت صادق فرمود
که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر بندادن زکوة و حق تعالی میفرماید مثل الذین

ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة
والله یضاعف لمن یشاء یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند مالهای خود را در راه خدا از
زکوة و خمس و جهاد و حج و غیر اینها مانند دانه ایست که برویاند از آن هفت خوشه و در
هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی مضاعف
میگرداند باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار در این باب بسیار است و
آنچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده خدا و رسول داشته باشد کافیست
و اما اجناسیکه در آنها زکوة واجب میشود نه جنس است اول طلا هر گاه مقدار بیست
اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکنند و تغییر ندهند قدر
چهل یک آنرا بزکوة میباید داد و بعد از آن هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل
و یک باید داد دویم نقره است هر گاه بدویست درهم برسد که تخمینا دوازده هزار و
ششصد دینار عجمی باشد موافق زر ده دانگی و سکه داشته باشد و یکسال بحال خود
بماند بعد از سال چهل یک میباید داد و هم چنین هر چند چهل درهم زیاد شود که دو هزار و
پانصد و بیست دینار باشد چهل یک آنرا میباید داد سیم شتر است و نصابهای او دوازده است
اول پنج شتر است و در آن یک گوسفند است دویم ده شتر است و در آن دو گوسفند است
سیم پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن چهار
گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در آن پنج گوسفند است و گوسفندیکه میدهند
آنستکه هفت ماهه یا در هشت ماهش باشد و کمتر نباشد اگر گوسفند میدهند و اگر بز میدهند
یکساله یا در دو باشد ششم بیست و شش شتر است و میباید که شتر ماده یکساله یا در دوم
بدهند و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهند هفتم سی و شش است باید
شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند هشتم چهل و شش است و باید شتر ماده سه ساله
یا در چهار بدهند نهم شصت و یک است و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهند دهم هفتاد
و شش است و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهند یازدهم نود و یک است و باید
دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهند دوازدهم صد و بیست و یک است و هر چه زیاد
شود در هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله میدهند و در هر چهل شتر یک شتر ماده
دو ساله میدهند چهارم گاو است و در هر سی گاو یک گوساله ماده یا نر یکساله یا در دوم

سید هند و در هر چهل گاو یک گاو ماده دو ساله یا در سه میدهند پنج گوسفند
و در چهل گوسفند یک گوسفند واجبست و در صد و بیست و یک گوسفند دو
گوسفند و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجبست و در سیصد و یک
گوسفند احوط انست که چهار گوسفند بدهند و چون بچهار صد برسد هر چه زیاد
شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهند و در زکوة هر یک از شتر و گاو و گوسفند
شرطست که در علف مباح چریده باشد در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده
باشد واجب نیست و اگر بعضی از سال چریده باشد و بعضی علف ملک خورده باشد
احوط انست که اگر چریدن بیشتر باشد زکوة بدهند و بچهای انها که شیر میخورند حساب بنمایند
کرد بنا بر مشهور و احتیاط در انست که از روزیکه متولد میشوند حساب کنند و در طلا و
نقره و حیوانات همه شرطست که سال بر اینها بگذرد و سال زکوة یازده ماهست چون
ماه دوازدهم داخل شود زکوة واجب میشود و در گاو و شتر شرطست که کار کن نباشند
پس اگر بار کشند یا خیش کشند زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را بر سر هم حساب میکنند
و گاو و گاومیش را بر سر هم حساب میکنند و شتر نر و ماده و بخولی را بر سر هم حساب میکنند ششم
و هفتم و هشتم و نهم گندم و جو و خرما و مویز است و شرطست که هر یک بنصاب برسند
و نصاب سیصد و هفت من و نیم بتبریز و درم است بسنگ تبریز و انگور هر گاه هشتصد و بیست و
یک من باشد احوط انست که زکوة بدهند و شرطست که این غلات در ملک او بحد نصاب
رسیده باشد پس اگر گندم و جو را بعد از درو کردن بخرد زکوة بر فروشنده واجب
اگر زمین را باجاره گرفته باشد زکوة بر مستاجر واجبست و اگر مزارعه بگیرد بنصف یا ثلث
یا ربع یا ده چهار مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجبست و زکوة حصه عامل بر عامل
و اگر حصه هر یک بتنهائی بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت و باغ اب باران یا اب رودخانه یا
اب قنات یا اب بیشه خورده باشد ده یک میدهند و اگر از دست یا گاو یا شتر یا چرخ
اب خورده باشد بیست یک میدهند و اگر از هر دو خورده باشد بیشتر اعتبار دارد
و اگر هر دو مساوی باشند پانزده یک میدهند و احوط و اقوی انست که بغیر از خراج
پادشاه چیزی از خرج زراعت را بدر نکنند در دادن زکوة و چون اکثر علما برانند که
تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط انست که اول در باب خرما و انگور

که تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازد که بان نسبت زکوة
خواهم داد تا انچه خود دانا مکور و غوره حلال باشد یا انکه انچه بر دارد بکشد و حساب
نگاه دارد یا انچه بر دارد عشر غوره را بدهد و هم چنین گندم و جو وقتیکه دانه ببندد
بعضی از علما گفته اند که زکوة واجبست و جو مانند برنج و ماش و نخود و عدس امثال
اینها هر گاه بنصاب جو و گندم برسد بهمان شرایط و مقداری که گذشت و مشهور انست
که زکوة اینها سنت است و در مادیان که علف مباح چرا کنند و سال بر او بگذرد زکوة سنت است
پس اگر پدر و مادرش عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگ و نیمی میدهند و اگر یابو باشد
که یکی از پدر و مادرش عربی نباشد یک اشرفی میدهند و در زکوة تجارت جمعی
بوجوب قایل شده اند و مشهور انست که سنت است و انما لیست که مالک شود انرا بعنوان معاوضه
و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بان داشته باشد و میباید که قیمت ان
بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال بر نصاب باقی بماند و در تمام سال از مایه کم
نشود که یا بمایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنتست که زکوة
یکسال را بدهد و اگر بر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را میدهد و اگر معاوضه کند
در اثناء سال بقصد تجارت خلافست و احوط انست که زکوة بدهد و سنتست که در روز
درو کردن اگر فقرا حاضر باشند هر فقیری را دسته گندم بدهد و هر قدر که در دستش
در اید و در وقت چیدن خرما و انگور یکمشت بدهد و بزکوة حساب نکنند و بعضی
واجب دانسته اند و احوط انست که ترک نکنند اما مستحق زکوة پس هشت طایفه اند اول
و دویم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که قوت سالیانه خود و عیال خود نداشته
باشند و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود را بان توانند کرد اینند و
احوط انست که صالح باشند و گدا و سائل بکف نباشند سیم کسیکه امام نصب میکند
برای گرفتن زکوة و حصه باو میدهند و در این زمان نمیباشد غالبا و هم چنین چهارم
که مؤلفة قلوبهم اند و در این زمان نمیباشد غالبا پنجم صرف کردن در ازادی بندگان
مثل انکه اقائی غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد و ازاد شود و او عاجز باشد
از دادن ان اگر برای او زکوة واجب نباشد باید که قدری از زکوة را بمال الکتابه او حساب کند
و الا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که انرا بدهد و ازاد شود یا غلامیکه از

دست ندادند تعب و شدت باشد او مال زکوة بخرند و آزاد کنند ششم قرض داران اند که
قرض کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند در ادای قرض ایشان میتوان داد و هفتم
فی سبیل الله است یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و
زایران ائمه معصومین و بنا مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص
جهاد است در زمانی که جهاد حق باشد و این احوط است هشتم ابن السبیل است و آن کسی است
که بغریبی افتاده باشد و خرج و رفتن بخانه خود نداشته باشد و اگر نفقه دادن باو میدهند
که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسیکه باو زکوة میدهند
غیر مولفه شیعه اثنی عشری باشد و احوط آنست که اجتناب از کبایر کند خصوصا
شراب خوردن دیگر شرط است که واجب النفقه مالک نباشد مثل پدر و مادر و جد و
جده هر چند بالا روند و فرزندان و فرزندزادگان هر چند پایین روند و زن و بنده
و بهتر آنست که زکوة را بخویشان پریشان بدهند غیر اینها که مذکور شدند اگر شرایط
را داشته باشند و غیر سید زکوة بسید نمیتوانند داد اما سید زکوة خود را بغیر
سید میتوانند داد و غیر سید احوط آنست که بشریف هم ندهند و بهتر آنست که زکوة را
بنزد مجتهد عالمی که مصارف زکوة را داند ببرند که او بمصرف برساند فصل دویم
در خمس است بدانکه خمس در هفت چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ به
گیرند خواه در جنگگاه باشد و خواه در بیرون دویم معادنست مانند طلا و نقره و مس
و سرب و یاقوت و فیروزج و سرمه و عنبر و عقیق و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن
بدر رود و پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی گفته اند که نصابش
یک دینار است تا یک دینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند
یعنی بیست اشرفی که نصاب اول طلا است و اکثر متاخرین باین قایل شده اند و خالی از قوتی
نیست و اگر چند کس شریک باشند باید که حصه هر یک جدا بنصاب برسد سیم گنج است
یعنی مالیکه در زمین پنهان کرده باشند اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در آنجا مسلمانی
نباشد هر چند سکه اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام بیابند و سکه اسلام
نداشته باشد و به بیست دینار یعنی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس آنرا
دهند و باقی از او است و اگر نقره باشد بدویست درهم برسد که موافق زده دانگ

دوازده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن بیکی از این
دو مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از
مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد و میباید یکسال تعریف کند
اگر صاحبش پیدا شود بصاحبش بدهد و الا مخیر است میان مالک شدن و تصدق
کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت اول صاحبش پیدا شود و راضی نباشد
عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر
در زیر زمین باشد گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد و خواه نداشته باشد و جمعی
باین قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران او
رسیده باشد از او است و اگر خمس او را بدهد احوط است و اگر زمین را خریده باشد تعریف
میکند بایع نزدیک و دور اگر نشان بدهد که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان
بدهد علی المشهور و الا از او است و باز احوط آنست که خمس آنرا بدهد و همچنین
اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم آن چیزی بیابد تعریف کند بایع اگر نشان
بدهد از او است و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد خمس بدهد و بعضی طلا
و باقی از او است و بان ملحق کرده اند حیوانات شکاری را مانند آهو و اگر محتمل باشد که در
خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنست که باو تعریف بکند چهارم چیزیست که بغوص
از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب آن معتبر است و مشهور آنست
که نصابش یک دینار باشد یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر
چند مرتبه در آورد همه را در نصاب باهم حساب میکند هر چند در ما بین ترک غوص
کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک میباید بنصاب
برسد و اگر عنبر را از دریا بغوص در آورند حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل
بردارند مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس آنرا بدهند و رعایت
نصاب در آن نکنند پنجم فاضل مؤنت سالیانه است از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع
کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه
را که بیرون میکنند قدر وسط مناسب حال الشخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف
کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد

انواع هم بیرون میکنند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاد آمده باشد بدهد بلکه بغایت احتیاط آنست که هر چه حاصل شود و خرج یک روز باید از روز بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضروریه واقع شود مثل خرج که خدای و حج بیت الله و زیارات رسول و ائمه و امثال آنها همه را بقدر وسط بیرون میکنند و هم چنین نفقه ها و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکنند و خمس بقیه را میدهند و ابوا الصلاح قایل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجبست و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید داد و عمل باین روایت احوط است ششم وجوبست که یهودیان و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانان بخرند خمس آن زمین را یا خمس قیمت آنرا بارباب خمس میگیرند و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر فقها علما متعرض این نوع خمس نشده اند هفتم مال حلالیست که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آنرا ندانند و مقدار حرام را ندانند خمس آنرا میدهند بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی آنرا مخصوص سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهر اینست که بهر دو میتوان داد و اگر بشریف بدهند بهتر است و اگر مقدار حرام را دانند و صاحبش را نشناسند اما مقدار را واجبست که بصاحبش بدهند و اگر صاحب را دانند و مقدار ندانند با صاحب مال باید صلح کنند احتیاطا و بعضی گفته اند در این صورت خمس را بصاحب مال دهند و بعضی گفته اند مقداری که علم دارد بصاحب مال دهند و ما بقی را با صاحب صلح میکنند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار را دانند و صاحب را ندانند سعی میکنند تا صاحب را بهمرسانند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکنند و این صورت و صورت اول متمشی است بر رد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را بعد از آن صاحب پیدا شود خلاف است که آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد و اما مستحق خمس مشهور میان علما آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است و حصه خدا و رسول و ذی القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول از امام زمان است و نصف دیگر سه حصه میشود که بیتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء السبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق مشهور کسیکه منسوب باشد از جانب پدر

بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت و در یتیم احوط آنست که پدر نداشته باشد و ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود برسد و از احادیث معتبره ظاهر می شود که در زمان حضور امام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبرده اند و آنحضرت نصف خود را بر میداشته و نصف دیگر را بفرقه سادات میداده اند که مذکور شد بهر یک بقدر کفایت ایشان در یکسال میداده اند و اگر زیاد میآمد خود بر میداشته اند و اگر وفا نمیکرد از حصه خود تتمه میداده اند و ایشان بمنزله عیال امام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان غیبت خلافست و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهد و اگر چیزی زیاد آید حفظ کنند و بعد از خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیابد بدهد و الا برای آنحضرت ضبط کنند و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیار اند و خمس دهندگان کمند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر توقیع صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشد بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بوده نایبان آنحضرت اعنی عثمان عمری و پسرش محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری حصه آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده آنحضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که در این زمان نایب عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بسادات که عیال آنحضرتند برسانند و الا باید سادات که اشرف خلقند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس ذلیلتر تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس را بعوض از برای ایشان داده اند و بسبب اختلافی که میان علما بهم رسیده است بعضی از علمای عصر اعتبار اجرت داده اند بر منع خمس و باعث این شده است که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند و حقوق ایشان واجبست بر ذمه اغنیا میمانند و بر تقدیریکه امام بر ایشان رحم کرده باشد در زمانهای تقیه و خوف و تغلبات که از خلفای جور بر ایشان واقع میشد حلال کرده باشند ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و اقارب

امام خود را در فقر و اضطراب ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت
از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در روز قیامت
وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم
و حضرت صادق فرمود که من یک درهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از اهل
مدینه بیشتر است و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت
رسول فرمود که هر که احسانی با احدی از اهل بیت من بکند من مکافات دهم او را در قیامت و
اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال خود حصه امام را بسادات بدهد بری الذمه نمیشود
مگر آنکه بدستش بعالم محدث عادل بفرستد و بگمان فقیر همه خمس این حکم دارد فصل
سیم در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف است و اعتکاف مکث است در مسجد جامع بجهة
عبادت و از سنتهای مؤکده است بمقتضای آیات و اخبار بسیار خصوصا در دهه آخر ماه
رمضان چنانچه حضرت سید المرسلین همیشه در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف
مینموده اند مگر یکسال که در آن جنگ بدر واقع شد در سال بعد از آن بیست روز
اعتکاف داشتند ده روز قضای سال گذشته و ده روز ادا و از آنحضرت منقولست
که اعتکاف دهه آخر ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه
آن مانند عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب شود و اگر بر بدل واجب شده
باشد و نکرده باشد احوط آنست که پسر بزرگ قضا کند و بعضی گفته اند بعد از نیت
و شروع کردن واجب شود و بعضی گفته اند روز سیم واجب شود و همچنین ششم
و نهم و دوازدهم و پانزدهم و همچنین بالا رود و بابن نیست و بعضی گفته اند مطلقا واجب
نمیشود تا آن اسباب وجوب بعمل نیاید و این قول قوی است و احوط آنست که در اول شبهای
مذکوره تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط کند بیرون رفتن
خود که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف و ظاهر جمعی آنست
که جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع و بعضی در این قضیه
کرده اند و ظاهرا عارض و مانع اعم است از عذر ضروری و عرفی و محل این شرط و اعتکاف
سنت نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن و جماعتی از اصحاب ذکر کرده اند
که محل آن در اعتکاف واجب بنذر در نزد گفتن صیغه نذر است و خالی از اشکالی نیست

و فایده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند کرد اگر چه در روز
سیم باشد و فایده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب نیست و اما مکان اعتکاف
جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مدینه و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف
نمیباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین گفته اند و بعضی هر چهار را گفته اند
خلافی در این باب جمیع است و مسجد مداین در این زمانها که ما معلوم نیست و مسجد بصره
در این اوقات در بیابان واقع است و اعتکاف در آن مشکل است و گفته اند مراد بمسجد مکه
و مدینه آنقدر نیست که در زمان حضرت رسول مسجد بوده نه آنچه بعد الحاق کرده اند و
ظاهر آنست که در هر مسجد جامعی اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگیست که در بلد که
در آنجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نبوده باشد و اکثر محلات شهر در آنجا برای اقامت
جمعه یا جماعت حاضر شوند که و متعدد نباشد مثل مسجد جامع عباسی و مسجد قدیم در اصفهان
و سایر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد محل تامل است و احوط آنست که اگر در مکه
و مدینه و کوفه باشد در غیر آن مساجد مخصوصه واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط
آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور بجامع باشد بجا آورند و اگر مسجد بزرگتر شهر باشد
احوط است و غایت احتیاط آنست که قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر مطلوب
شارع باشد بعنوان اعتکاف مقربتها و الا در مسجد عبادت میکنم از برای خشنودی خدا
یا قربة الی الله و شرط است در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور آنست که دو شب میان
داخل باشد و بعضی گفته اند شب اول نیز داخل است و احوط آنست که نزدیک بغروب آفتاب
نیت اعتکاف بکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاط است
و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب خواه سنت و در روزه
سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند شوهر زن را
و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند برخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان
بی رخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازند و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهر آنست قصد قربت
کافیست و واجبست که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورتی
مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن در جنازه
مؤمن یا قضای حاجت مؤمن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل

جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل جمعه بنا بر قول باستحباب ان و بنا بر اغسال مستحبه
اگر در مسجد نتوانکرد اشکالی هست و مشهور انستکه نمیتوان کرد و هم چنین جایز است بیرون
رفتن از برای تحصیل اب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد که برای
او تحصیل نماید و هم چنین جایز است بیرون رفتن از جهة گواهی دادن و گواه شدن
اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا اوردن و چون بدر رود بجائی ننشیند تا
بر گردد بمسجد و بهتر انست که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیکتر
برود بمطلب و به بیت الخلاء نزدیکتر برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاده از
ضرورت روا نشمارد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر از مسجد که محل اعتکاف
اوست نکند مگر در مکه معظمه که در هر جا میتوان کرد و اگر وقت تنگ شود در جای
دیگر میتواند کرد و اگر سهواً از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر انکه زمان
بسیار بکذرد که او را معتکف نگویند و هم چنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط انست
که جز فی بنا ازمسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن بنام مسجد و ظاهراً اگر
داخل مسجد باشد تصور ندارد و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در
روز و شب و هم چنین حرام است بوسیدن بشهوت و دست بدن او مالیدن بشهوت و
احوط اجتناب از همه است و اگر چه بشهوت نباشد و حرام است طلب منی کردن اگر چه بکفتگو باشد
هرگاه عادتش این باشد که از او منی ایدپس این واحوط انست که بعبث دست بر ذکر نمالد
وحرام است بوی خوش و گل بوئیدن هر گلی که باشد علی المشهور و جدل و نزاع با کسی
نکند و احوط انستکه مباحثه علمی نیز نکند مگر بقصد اظهار حق و خرید و فروش نکند
مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط انستکه وکیلی از برای خود قرار دهد
که اینها بکند و احوط انستکه مطلقا معاملات خود را واقع نسازد و حتی عقد نکاح
را و جمیع انها که در اعتکاف حرام است در روزها و شبها همه حرامست مگر خوردن
و اشامیدن که در شب جایز است نه در روز و هر چه روزه را باطل میسازد اعتکاف را
نیز باطل میکند اگر در روز بفعل اورد و در شب افطار میتواند کرد و مفطرات غیر
جماع و استمنا را واقع میتواند ساخت و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب اگر جماع کند
اعتکاف او باطل میشود و کفاره میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف

سنت خلافست و احوط کفاره است اگر چه جماع در شب واقع شود و احوط انستکه هر
چه روزه را باطل میکند اگر انها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره
بنده ازاد کردن است اگر نتواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام
دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اول احوط است بلکه اظهر پس اگر جماع در
شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود در کفاره
دهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند که اگر در روز غیر ماه رمضان واقع شود
باز دو کفاره میدهد و ان بوجه است و بیع و شرا و سایر محرمات غیر از جماع سبب بطلان
اعتکاف نمیشود و کفاره بانها واجب نمیشود و در بطلان با استمنا و کفاره بسبب ان خلاف است
و احوط تمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز واقع شود استمنا باطل
میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است
و بانچه ضرور بود اکتفا کردیم خاتمه در بیان کفارات بدانکه کفاره بر دو نوع است
اول کفارات احرام حج و عمره و انها را در رساله حج بیان کرده ام دویم سایر کفارات
است و انها بسیار است بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب بعضی سنت
و بعضی بترتیب بعضی بتخییر و همه را بایک دیگر بسبیل اجمال برای طالبان ادراک
سعادات ابدی و محصلان نجات عقوبات اخروی بیان مینمائیم اول کفاره افطار روزه
ماه مبارک رمضانست و ان واجب میشود بخوردن و اشامیدن چیزیکه خوردنی یا اشامیدنی
از معتاد و متعارف باشد اتفاقا و در غیر معتاد خلافست و اشهر و اقوی وجوبست و بجماع
کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و بباقی ماندن بر جنابت عمدا تا
طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت بی نیت غسل تا صبح علی الاحوط و به
خوابیدن بعد از بیدار شدن یکمرتبه یا زیاده تا صبح علی الاحوط و برسانیدن غبار
غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و بطلب منی کردن و دست بازی کردن یا مکرر نظر کردن
بزنی تا منی بیاید علی الاحوط و بقی کردن عمدا بنا بر قول بعضی و بحقنه کردن به
شاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه هدی
بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا در اب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور را
بعمل اورد عمدا و مسئله را داند کفاره باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا

واکر از روی سهو باشد کفاره ندارد و اکر مسئله ندانند در کفاره خلافست و احوط کفاره
است و اکر افطار بحلال باشد کفاره یك بنده ازاد کردن یا دو ماه پی در پی روزه کرفتن
یا شصت مسکین را طعام دادنست و بعضی بترتیب قایل شده اند یعنی اکر قادر باشد بر بنده
ازاد کردن مقدم است والا دو ماه روزه و اکر از این نیز عاجز باشد شصت مسکین را طعام
بدهد و قول اول اقوی و ثانی احوط است و اکر افطار بحرام کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر
و مال مغصوب و استمنا و زنا و لواطه بعضی از علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر
او واجب می شود و بعضی مانند افطار بحلال میدانند و اول احوط است دوم هرکاه در قضای
روزه ماه رمضان بعد از زوال افطار کند مشهور انست که کفاره واجبست و بعضی سنتی
دانند و اشهر و اقوی انست که کفاره طعام دادن ده مسکین است و اکر عاجز شود سه روز
روزه بکیرد و بعضی مخیر میان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره افطار
ماه رمضان لازم میدانند سیم کفاره ظهار است که کسی با زن خود بکوید انت علی کظهر
امی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی الاشهر اکر این بکوید در
وقتیکه زن حایض نباشد و در ان طهر با او جماع نکرده و در حضور دو عادل بکوید پس
اکر خواهد که جماع کند باید که کفاره بدهد و اکر بدون کفاره جماع کند دو کفاره بر او
واجب می شود بنا بر مشهور و کفاره یك بنده ازاد کردنست و اکر عاجز شود دو ماه پی در پی روزه
داشتن و با عجز شصت مسکین را اطعام کردن چهارم کفاره ایلاست یعنی قسم بخورد
که زوجه دایمه خود را چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را بنزد حاکم شرع برد و حاکم
حکم کند که او را طلاق بکوید یا وطی کند و اکر اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و
کفاره اش کفاره قسم است که بعد از این مذکور میشود ان شاء الله تعالی پنجم کفاره مخالفت
قسم است بانکه قسم بخورد باسماء مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته
باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت ان قسم نماید و کفاره اش
انست که یك بنده ازاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده مسکین را اطعام کند و
اکر از هر سه عاجز شود سه روز پی در پی روزه بدارد ششم کفاره مخالفت نذر است بانکه
نذر کند فعل امری را که راجح باشد یا ترك امری که مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش
بعضی کفته اند مانند کفاره قسم است و بعضی کفته اند مانند کفاره افطار ماه

رمضانست یك بنده ازاد کردن یا دو ماه روزه کرفتن یا شصت مسکین طعام دادن و بعضی
کفته اند که اکر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره اش کفاره افطار ماه رمضانست
و اکر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش کفاره قسم است و این قول نیز خالی از
قوتی نیست و احوط کفاره ماه رمضانست مطلقا هفتم کفاره مخالفت عهد است که با خدا
عهد کرده باشد که امر راجحی یا غیر مرجوحی بعمل آورد یا ترك کند امر غیر راجحی یا مرجوحی
را و مخالفت ان عهد نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر خلافست و احوط انست
که در نذر و عهد کفاره ماه رمضان بدهند هشتم قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و ائمه است
و در حرام بودن چنین قسمی خلاف نیست ولیکن در وجوب کفاره بچنین قسمی یاد کردن
خلافست بعضی کفته اند کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده ازاد کردن و با عجز از
ان دو ماه پی در پی روزه داشتن و با عجز از ان شصت مسکین را طعام کردن و اکر عاجز
شود ده مسکین را طعام یا کسوه دهد و اکر عاجز شود سه روزه متوالی روزه بدارد
و بعضی کفته اند که کفاره اش کفاره نذر است و ابن بابویه کفته است که سه روز روزه
بدارد و ده مسکین را طعام بدهد و بعضی کفته اند کناه کرده است و کفاره ندارد و
در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری ع نوشت که مردی سوکند یاد
کرد به بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و کفاره او چیست حضرت فرمود که ده
مسکین را طعام دهد هر مسکینی را یك مد و طلب امرزش میکند از خدا و بعضی از علما باین
مضمون قایل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضا خلاف کرده اند که این کفاره برای اصل سوکند
خوردنست یا برای مخالفت سوکند کردن و باید که چنین سوکند یاد نکنند و اکر بکند
بمحض سوکند عمل بقول اول بکند اکرچه ظاهر انست که عمل بروایت مجزیست نهم بعضی
از علما قایل شده اند که زنیکه در مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره افطار ماه
رمضان میدهد بترتیب بقول بعضی و همچنین بتخییر بقول بعضی و بعضی
کفته اند کناه دارد و کفاره ندارد و بروایتی وارد شده که کفاره افطار ماه رمضان
لازم است و احوط عمل بروایتست و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند ببریدن
در وجوب کفاره دهم هرکاه زنی در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد
یا مردی جامه خود را در مرك فرزند یا زوجه خود چاك کند کفاره قسم لازم میشود بنا

برقول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است و احوط ست هر چند وجوب ثابت
نیست یازدهم مردی که با زن یا متعه یا کنیز خود در ایام حیض جماع کند در قول
بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما انست که اگر در اول
حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و اگر در وسط حیض نیم اشرفی و در اخر حیض ثلث
اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسیکه بخواب رود و نماز خفتن نکرده
باشد تا نصف شب بگذرد و بعضی گفته اند واجبست که انروز را روزه بدارد و مشهور
استحبابست و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور انست که بر تقدیر وجوب
اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته اند کفاره افطار ماه
رمضان را و این قول ضعیفست و احوط انست که بگیرد و قضا بگیرد سیزدهم کفاره قتل
عمداست که دانسته کسی کسی را بکشد یا کاری بکند غالبا کشنده باشد نسبت بکسی و اتفاقا
و او کشته شود که قصد کشتن نداشته باشد کفاره اش انست که یک بنده ازاد کند
و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت مسکین را طعام بدهد چهاردهم کفاره قتل خطا
که کسی را بنادانی بکشد یا انکه قصد قتل نداشته باشد و کاری بکند که غالبا کشنده نباشد
و او کشته شود مانند انکه طفلی را برای تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی اهوئی بیندازد
و بشخصی بخورد و کشته شود یا در راه بر کسی بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر
قتل نباشد و کاری بکند که از سبب قتل شود مثل انکه چاهی در راهی بکند و کسی در انجا
بیفتد و بمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور انست که کفاره لازم
نمیشود هر چند دیت لازم شود و کفاره بنده ازاد کردنست و بعد از عاجز شدن از ان
دو ماه متوالی روزه داشتن و بعد از عجز از ان شصت مسکین را طعام دادن پانزدهم اگر کسی
زن را در عده دیگری تزویج کند میباید که از ان زن مفارقت کند و بقول بعضی از علما پنج صاع
ارد تصدق کند و احوط انست که اگر زن دیگری را عقد کند نیز این کفاره را بدهد یا پنج
درهم تصدق کند شانزدهم کسیکه مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما
گفته اند موافق بعضی از روایات واجبست که ان مملوک را بکفاره این عمل ازاد کند و این احوطست
و اگر او را بعمد بکشد کفاره جمع میدهد و اگر بخطا بکشد کفاره قتل خطا میدهد و قول جیدی انست
که قیمت ان غلام را تصدق کند بنا بر مشهور هفدهم کسیکه روزه ماه رمضان را افطار کند بسبب

بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد اشهر و اقوی انست که قضا ساقط میشود و هر روزی
یک مد یا دو مد طعام میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و ابن جنید گفته
است که احتیاطا هر دو را میکند و اگر در ما بین دو رمضان ازارش بر طرف شود و قادر بر
روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا انکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر و اقوی انست که
بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای هر روزی یک مد یا دو مد میدهد و بعضی کفاره
را واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند که کفاره در صورتیست که عزم بر قضا نداشته
باشد و اگر عازم بر قضا باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض شود
قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول قویتر است هجدهم بنا بر دو کفاره است از حضرت
صادق منقولست که کفاره عمل سلطان قضای حوایج مومنانست و کفاره غیبت انست
که برای انشخص که او را غیبت کرده است استغفار کند و کفاره مجلس انست که چون از مجلس
برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ و کفاره خنده انست که بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي یعنی خداوندا مرا دشمن مدار
و بو من غضب مکن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین منقولست که هر کسی که بد بگوی
بگوید لَا أَبَ لَكَ وَلَا أُمَّ لَكَ یعنی تو را پدر مباد یا تو را مادر مباد باید که بخیر تصدق کند
و کسیکه بگوید نه بحق پدرم یا بجان پدرم کفاره اش انست که بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ و خلاف
در این نوع از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته و اشهر
کراهتست و احوط ترکست و اما احکام کفارات مذکوره پس در چند فصل بیان میشود
اول هر گاه بنده باید ازاد کردن در کفاره قتل میباید که ان بنده مومن باشد و در سایر کفارات
خلافست و احوط رعایت ایمانست و در کفاره قتل احوط انست که بالغ باشد و بنده
غیر از مرد و زن و بالغ و نابالغ مجزیست و باید که ان بنده کور و صاحب خوره و زمین
گیر نباشد و مولی جراحتی باو نرسانیده باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند
که باید خصی و لال و کر و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزاست و احوط ترکست و غلام گریخته
را مشهور انست که ازاد میتوان کرد تا علم بمرگش بهم نرسد و بعضی شرط کرده اند که
خبر از او برسد و بعضی شرط کرده اند که ظن حیات او باشد دویم در کفاره مرتبه
تا از بنده ازاد کردن عاجز نشود بروزه منتقل نمیشود و هر جا که روزه دو ماه باید

میبایدکه متوالی بگیرد و متوالی بیکماه و یکروز که متصل بگیرد بعمل میاید باین معنی که
اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند نباید که از سر بگیرد و آیا تفریق جایز است بی عذر یا
حرام است اول اظهر است و ثانی احوط و اگر پیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار
کند از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و
بیماری و سفر ضروری بعد از زوال عذر بنا میگذارد و تمام میکند و همچنین اگر
مجبور شود در افطار روزه بنا بر اقوی و هرجا که کفاره دو ماه متوالی باشد اگر کفاره
دهنده بنده باشد یکماه پی در پی میگیرد علی الاقوی سیم هرجا که اطعام لازم شود مشهور
آنست که بهر یک نفر طعام بخورانند که سیر شوند و بهتر آنست که نان خورشی با نان
ضم کند مانند خرما یا گوشت یا سرکه و بعضی گفته اند میباید چاشت و شام هر دو
مسکین بخورانند که سیر شوند و احوط اینست اگرچه اظهر آنست که بیکوقت اکتفا
توان نمود و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلاف است بعضی
یک مد گفته اند و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان خورشی نیز
بدهد چنانچه بعضی واجب دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمی
کند و احوط آنست که حصه اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خورانند
ظاهر آنست صغیر و کبیر را باهم میتوانند ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یک بزرگ حساب کند احوط است
و در یک کفاره دو حصه را بیک مسکین نمیتوان داد مگر آنکه مستحق یافت نشود
و احوط آنست که تا ممکن باشد بغیر مؤمن ندهد و [illegible] پریشان بدهد که مسکین
بر او صادق باشد و مد چهار یک صاع است و صاع یکمن تبریز و چهارده مثقال [illegible]
است بنا بر مشهور و چون در احادیث اختلاف در تحدید بصاع و مد هست احوط آنست
که بجای دو مد نیم صاع تقریباً بدهد چهارم در جائیکه کسوه باید داد در زن پیراهن و
مقنعه با هم مجزیست و در مرد بعضی بیک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی
دو جامه لازم میدانند و بهتر آنست که پیراهن و قبا بدهد یا قبا و بالاپوش و بهتر است
که نو باشد و جامه طفل را بهتر آنست که برخصت ولی بر او بپوشانند پنجم هرگاه از عتق رقبه
عاجز شود و شروع کند در روزه و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او را
مجزیست و بهتر آنست که ترک کند روزه را و بنده آزاد کند خصوصاً هرگاه کمتر از یکماه و

یکروز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه
متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از گرفتن آن هجده روز روزه میدارد و اگر
نتواند بر آنهم هر روزی یک مد از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر و اقوی آنست
که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود مگر کفاره ظهار که بعضی گفته اند
که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هرچند عاجز باشد و اگر بعد از عجز
و استغفار بر کفاره مقدرت بهم رساند احوط آنست که آن کفاره را بعمل بیاورد
و چون اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم میشود و [illegible]
مشغول الذمه بحق الهی میمانند قدری از احکام آنها را در این رساله کثیر الفایده
ایراد نمودم ملتمس از برادران ایمانی آنست که هر که از این رساله منتفع گردد در
حال حیات یا بعد از وفات این شکسته مستحق دعا را بدعای رحمت و مغفرت
یاد کنند و ختم بفضل الله و سبحانه و تمام یافت فی شهر الله المعظم شهر رمضان من سنة
سبع و مائة و الف من الهجرة المقدسة علی ید مؤلفه الراجی الکریم المنان فی محروسه
اصفهان صینت عن طوارق الحدثان مع وفور الاشغال و الاختلال
الاحوال و توزع البال و الحمد لله اولاً و آخراً و الصلوة
علی سید المرسلین محمد و آله الاطهرین
الاقدمین و لعنة الله
علی اعدائهم
اجمعین

از برای [illegible] شده نمایان [illegible] دار الخلافه باهره [illegible]
[illegible] المعانی مطبوع بطرزی خوش [illegible] صحیفه [illegible]
[illegible] عبدالله [illegible] الحسینی [illegible] کافه علوم [illegible]
[illegible] باشد [illegible] هذا [illegible]

بهشت
شود
از مصور
شهر قبة محمدیه
مجسم شود شهر قبه جهانشان
لشکر دارا بادی کامران ملک
آبادی بادی بسعی و اهتمام عالیشانان
عزت و سعادت بنیانان استادان الکاملان
الماهران وحید العصر جناب
کربلائی محمدقلی و کربلائی
محمد حسین صورت اتمام
پذیرفت فی شهور
سنه ۱۲۸۸